



**کتاب گفتگوی**  
**سازمان چریک های فدایی خلق ایران**  
**و**  
**سازمان مجاهدین خلق ایران**

سال ۱۳۵۴

در ۱۲ فایل صوتی

از پیش و پیکار



**کتاب‌گفتگوی**  
**سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران**  
**و**  
**سازمان مجاهدین خلق ایران**

سال ۱۳۵۴  
در ۱۲ فایل صوتی

کتاب گفتگوی سازمان چریک های فدایی خلق ایران  
و سازمان مجاهدین خلق ایران  
سال ۱۳۵۴  
در ۱۲ فایل صوتی

جمع تنظیم و انتشار آرشیو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شهریور ۱۳۹۳ = سپتامبر ۲۰۱۴  
انتشارات اندیشه و پیکار

---

Andeesheh va Peykar Publications  
Postfach 600132, 60331 Frankfurt a.M., Germany  
post@peykarandeesheh.org  
[www.peykar.org](http://www.peykar.org)

Frankfurter Sparkasse 1822  
Kontonummer: 323813100  
IBAN: DE 92 5005 0201 0323 8131 00  
SWIFT-BIC: HELADEF1822

## فهرست

به جای مقدمه. به نقل از مسائل حاد جنبش ما ----- ۱

آخرین نامه «مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران» به «مرکزیت سازمان چریک های فدائی خلق ایران» ----- ۲۱

اولین نامه ی «مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران» به «سازمان چریک های فدائی خلق ایران» پیرامون روابط با «جبهه ملی خارج - بخش خاور میانه» ----- ۲۴

پاسخ «مرکزیت سازمان چریک های فدائی خلق ایران» به «سازمان مجاهدین خلق ایرا» پیرامون روابط با «جبهه ملی خارج - بخش خاور میانه» ----- ۲۵

\* \* \* \* \*

## گفتگوها

فایل ۱ ----- ۲۷

فایل ۲ ----- ۷۲

فایل ۳ ----- ۱۲۶

فایل ۴ ----- ۱۳۱

فایل ۵ ----- ۱۷۹

فایل ۶ ----- ۲۲۵

فایل ۷ ----- ۲۶۵

فایل ۸ ----- ۳۱۱

فایل ۹ ----- ۳۴۶

فایل ۱۰ ----- ۳۹۲

فایل ۱۱ ----- ۴۳۳

فایل ۱۲ ----- ۴۷۳

\* \* \* \* \*

نوار گفتگوهای دو سازمان را رفقای فدایی هم داشتند ولی منتشر نکردند: رد یک اتهام ----- ۵.۳

توضیح رفیق حیدر تبریزی ----- ۵.۵

## به جای مقدمه

به نقل از: **مسائل حاد جنبش ما**، دومین "نشریه بحث" بین سازمان چریک های فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران ایران، از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، اسفند ماه ۱۳۵۵. ص ۴۵-۱۹.

نشریه را در این آدرس می توانید بخوانید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Masaele-Hadde-Jonbeshe-Ma.pdf>

## رفقا!

اینک دومین شماره ی نشریه ی ویژه ی بحث درون دو سازمان در مقابل شماسست.

نه ماه پیش در جلسه ی مذاکرات حضوری دو سازمان، رفقا ی رابط شما پیشنهاد انتشار نشریه مشترکی را مطرح کردند که وظیفه ی حل مسائل وحدت و رفع مشکلات و موانع موجود بر سر راه تفاهم دو سازمان را به عهده می گرفت.

این پیشنهاد بلافاصله با استقبال و موافقت ما روبرو شد و بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ روابط دو سازمان، امکان یک زمینه ی مشخص همکاری عملی برای حل اختلافات دو سازمان و مجرائی برای رسیدن به تفاهم سیاسی - ایدئولوژیک میان آن دو، فراهم آمد. این توافق هرچند هنوز کوچک بود اما آشکارا نشانه ی آن بود که رهبری دو سازمان به ضرورت وحدت دو سازمان پی برده اند و مصممانه درصددند مشکلات و موانع اساسی را که بر سر راه چنین هدفی وجود دارد، از میان بردارند. با این وصف، این توافق (کوچک هم) ساده به دست نیامده بود. دو سازمان راه درازی را برای رسیدن به آن پیموده بودند.

از یک طرف رشد و تکامل بعدی جنبش مسلحانه، جنبشی که به

پایمردی هزاران مبارز انقلابی، با رنج و خون صدها رزمنده ی اسیر یا شهید، مرحله ی اول تثبیت سیاسی خود را از سر گذرانده بود، دیگر به سمت گیری توده ای این جنبش و نتیجتاً در قدم اول خود به وحدت نیروهای انقلابی وارد در جبهه ی نبرد بعنوان اولین حلقه ی توده ای شدن وابسته بود و از طرف دیگر ورود سازمان ما به جرگه ی مارکسیست - لنینیسم ها که در طی یک مبارزه ی سهمگین ایدئولوژیک در داخل سازمان و بعد از ده سال سابقه ی مبارزاتی صورت گرفته بود و تغییرات نوینی را در تعادل نیروهای انقلابی جنبش به نفع انقلابی ترین و پیشروترین بخش این نیروها - یعنی کمونیست ها - موجب گردیده بود، مجموعاً (شرایط جدید استراتژیک ناشی از طی مرحله اول تثبیت و تغییراتی که تحول ایدئولوژیک سازمان ما به نفع نیروهای کمونیست در سطح جنبش بوجود آورده بود) به امر وحدت دو سازمان، ضرورتی مضاعف می بخشید.

در چنین شرایطی، توافق کوچک دو سازمان در انتشار یک نشریه ی مشترک، به عنوان اولین قدم عملی وحدت، معنای بزرگی در بر داشت. در واقع این توافق نمونه ای درخشان از درک صحیح رهبری دو سازمان از ضرورت های استراتژیک جنبش مسلحانه و نیازهای انقلابی جنبش کمونیستی ایران و نشانه ی روشنی از اولین کوشش های صادقانه در راه پاسخ به این ضرورت ها را در مقابل می گذاشت. این حرکت نشان می داد که امکان تکمیل و توسعه ی این توافق و اندیشیدن تدابیر کامل دو سازمان، چیزهایی نیستند که محتاج خوش بینی های بیش از اندازه و آمال و آرزوهای دور و دراز ذهنی گرایانه باشد.

از آن هنگام تاکنون زمان زیادی نمی گذرد. با این حال مانند تمام دوران های انقلابی، جنبش ما روزهای متلاطم تر و فراز و نشیب های بازهم بیشتری را از سر گذرانده است. در این مدت شاهد شکست های نسبتاً مهم و در عین حال پیروزی های چشم گیری بوده است. همه این حوادث، چه خوب و چه بد، چه پیروزی های



چشم گیر جنبش و چه شکست های اسف آور آن، در ماهیت امر، بازهم بیشتر از پیش ضرورت وحدت و پیوستگی دو سازمان را آشکارتر کرده اند. به عبارت دیگر اگر بگوئیم شکست های جنبش در تحلیل نهایی، علتی جز ضعف و پراکندگی نیروهای جنبش نداشته است (هرچند که این نیروها منفردا بلنسبه قوی بوده باشند) و پیروزی های آن همگی مشروط به پاسخ صحیح به "ضرورت های وحدت" بوده اند، سخن به گزاف نگفته ایم. بدین ترتیب گذشت زمان در این جا، تنها تایید کننده ی بی چون و چرای این هدف و آشکار کننده ی ابعاد دیگر این ضرورت بوده است.

با این حال رفقا! باید قبول کنیم که کوشش های بعدی ما برای تحقق این هدف بسیار کم و حتی ناچیز بوده است. علیرغم پیش بینی های اولیه، دامنه ی این توافقات نه تنها گسترش نیافت، بلکه به مرور برخی از آنها عملا نقض شد و برخی دیگر به حال تعلیق در آمد. در حالی که هر روز بیشتر از گذشته، نیازهای پیشبرد کار، کوشش های بسیار بیشتری را در زمینه های متعدد همکاری، تقاهم و وحدت ایجاب می کرده است. اما این وضع معلول چه عللی بوده است؟

مسئله بررسی علل دقیق و کامل این وضع محتاج بر خورد نزدیکتری مابین رهبری دو سازمان است. هر یک از دو طرف باید دیدگاه های خود را درباره ی این مسئله ابراز دارند و سپس در یک جریان تبادل نظر جمعی به نتیجه ی قاطع و مورد قبولی دست یابند. تا آن موقع هرگونه اظهار نظری مسلما نظرات یک طرف را منعکس خواهد ساخت. با این حال برای روشن شدن اصل مسئله و آگاهی رفقا به جریان گردش این روابط لازمست اشاره ای به وقایع گذشته بکنیم. ما در عین حال، در خلال این اشاره، قسمتی از ملاحظات خودمان را نسبت به علل این وضع بنظر رفقا خواهیم رساند.

\* \* \* \* \*

همان طور که گفته شد در جلسه ی مذاکرات آذر ماه ۵۴ [۱۳]،

انتشار یک نشریه ی مشترک که آن موقع قرار بود نام "بحث وحدت" داشته باشد، مورد توافق طرفین قرار گرفت. بدنبال این توافق و در واقع برای تکمیل و تثبیت و هدایت صحیح آن ما لزوم تشکیل یک جمع مشترک از دو سازمان را برای رهبری و هدایت این ارگان مورد تاکید قرار دادیم. این تاکید که ضرورت سازمان یافتگی در هر کار انقلابی و لزوم اخذ نتیجه گیری های مشخص در آن کار و اجتناب از بروز هر گونه هرج و مرج و لیبرالیسم فکری و عملی در یک ارگان انقلابی، آنرا ایجاب می کرد، آنقدر طبیعی و موجه بود که به نظر نمی رسید محتاج به هیچگونه بحث استدلالی باشد.

به عبارت دیگر این نظر مخالف آن (البته اگر وجود داشت)، یعنی نظری که انتشار نشریه ی مشترک را بدون ایجاد رهبری و سازمان یافتگی متناسب با آن تجویز می کرد، این بود که می بایست دلایل خود را بر اثبات این شیوه ی نامعمول ارائه دهد. (مخصوصاً این شیوه بیشتر از همه بین کمونیست ها نامعمول است، چرا که کمونیست ها تنها نیروهای انقلابی هستند که پیش از اقدام به هر امر انقلابی به چگونگی "سازمان" آن و یا سازمان دادن آن می اندیشند. این خصیصه ریشه در ماهیت ایدئولوژی آنها دارد. به قول لنین پرولتاریا در نبرد خود علیه بورژوازی، سلاحی جز تشکیلات ندارد).

با این وصف پیشنهاد ما نه تنها بدون استدلال طرح نشد، بلکه ما در طی دو نامه (در اول و دومین نامه های بعد از نشست آذر ماه) مفصلاً دلایلی را که بر لزوم چنین نامه ها به رفقای رابط فدائی اعلام کردیم که انتشار این نشریه را در هر صورت، چه موضوع جمع مشترک هدایت کننده مورد موافقت شما قرار بگیرد و چه با آن مخالفت بکنید، به ایجاد این جمع موکول نمی کنیم، چرا که معتقدیم هر آینه با نظر ما موافقت نشود، بزودی صحت نظراتمان در عمل به اثبات خواهد رسید.

رفقا با این پیشنهاد ما مخالفت قاطع و روشنی به عمل نیاوردند همانطور که به طور قاطع نیز با آن موافقت نکردند. بدین ترتیب جریان

بحث بین دو سازمان به صورت مکاتبه ادامه داشت. بالاخره از آنجا که طرفین نتوانسته بودند به این طریق به استنباط واحدی از شیوه کار برسند و نظرات هر طرف برای طرف دیگر نا مفهوم باقی مانده بود، ضرورت تشکیل یک جلسه ی حضوری احساس شد.

این جلسه در اوائل اسفند ماه سال گذشته تشکیل شد و طی بیش از ۱۲ ساعت مذاکره، اساسی ترین موارد اختلاف طرفین مورد بحث قرار گرفت (ر ک به نوار مذاکرات). در این جلسه آشکار شد که انتشار نشریه ی مشترک تنها می تواند یک اقدام لازم باشد و نه کافی زیرا نشریه به هیچوجه برای پاسخگویی به نیازهای دو سازمان (مخصوصاً اگر فاقد یک ارگان رهبری کننده باشد) برای رسیدن به وحدت کافی نیست. اقدامات مشترک دیگری، در زمینه های متعدد دیگر لازم است تا بتوان لاقلاً در یک حد متوسط به این نیازها پاسخ گفت، در صدر این اقدامات تماس دائم دو سازمان از طریق ایجاد یک کمیته مشترک وحدت است که با بررسی منظم و مرتب مسائل جاری در میان دو سازمان، از جمله کنترل و هدایت نشریه ی مشترک و همچنین بررسی مسائل و حوادثی که در سطح جامعه و جنبش جاری است، قدم به قدم مشکلات و اختلاف را از میان برداشته و دو سازمان را به نحو آگاهانه ای به سمت وحدت کامل هدایت نماید.

همینطور ما در اینجا روی نقطه ی اصلی پیش آمده در جریان کار، اشکالاتی که پیشبرد کارهای مشترک دو سازمان را سد می نمود، انگشت گذارده و رفع آن را با موضوع اساسی تعیین هدف مشخص از ارتباط دو سازمان، در ارتباط درجه ی اول دانستیم. بدین ترتیب ما پیشنهاد کردیم که نشریه ی مشترک و اصولاً تمام روابط موجود را باید از سردرگمی و ابهام فعلی بیرون آورده و در مقابل همه ی آنها یک هدف نهایی، مشخص، کاملاً روشن و در عین حال ملموس قرار داد. این هدف به نظر ما عبارت بود از ادغام کامل دو سازمان، البته واضح بود که برای رسیدن به این هدف راه سهل و ساده ای در مقابل نداشتیم. اما تعیین این هدف، این حسن بزرگ را داشت که به

تمام اقدامات و فعالیت های مشترک دو سازمان سمت مشخص و بدون انحرافی می بخشید. دو سازمان می توانستند در حالی که این چشم انداز در مقابلشان قرار دارد، قدم به قدم مشکلات و اختلاف اساسی و اصولی خود را پیش کشیده و در جریان یک بحث جمعی در درون سازمان به تفاهم نائل آیند.

به عنوان مثال، وقتی هدف تمام این فعالیت ها و ارتباطات، ادغام دو سازمان تعیین می شد، آنگاه مسائل اصولی از قبیل مسئله ی جبهه، مسئله موضع گیری در قبال رویزونیسم، مسئله نحوه و مضمون تبلیغات، مسئله ی موضع گیری در قبال نیروهای دیگر انقلابی، مسئله استنباط از مرحله توده ای شدن جنبش مسلحانه، مسئله ی تشکیل حزب کمونیست ... و هر مسئله ی دیگری که اساسی و اصولی تشخیص داده می شد مورد توجه دو سازمان قرار می گرفت و آنگاه از آن میان موارد اختلاف جدا می گردید و به مرور در جریان یک بحث جمعی و هدایت شده به میان اعضاء دو سازمان برده می شد، جوانب حقیقی هر مسئله روشن می شد و سپس نتایج و توافقات حاصله توسط کمیته مشترک جمع بندی شده و اعلام می گشت. همین طور دو سازمان می توانستند همگام با پیشرفت تفاهماتشان در مسائل اصولی ایدئولوژیک و سیاسی، دست به همکاری های نزدیک تر عملی و سازمانی هم بزنند. کمیته مشترک می توانست وظیفه ی سازمان دادن این همکاری ها را هم به عهده بگیرد. با این ترتیب امر وحدت دو سازمان تنها به انتشار یک نشریه که نه سازمان یافته، نه بطور مشخص هدفی را دنبال می کند و نه طبیعتاً تعهد و مسؤلیتی را به همراه دارد محدود و موقوف نشده، بلکه از جوانب و زمینه های گوناگونی، فعایت و حرکت بدین سمت - سمت وحدت - آغاز می شد<sup>۱</sup>.

---

۱- هم اکنون دو شماره از نشریه به انتشار در آمده است. مطابق همان پیش بینی های ما که اکنون به وقوع پیوسته اند، نشریه نه دارای هدف مشخصی است و نه از هیچ خط مشی معینی پیروی کرده است. درست

است که در این دو شماره مطالب قابل اهمیتی مورد بحث قرار گرفته و برخی از مهمترین موارد اختلاف دو سازمان در آن منعکس شده است، اما با این وصف جواب این سؤال که نشریه در ادامه راه خود باید به کجا برود، چه هدفی را دنبال کند و یا توده‌ها ی دو سازمان از شرکت در این مباحثه، از طرح نظراتشان و بررسی موارد اختلاف دو سازمان دقیقاً چه هدفی را دنبال می‌کنند، هنوز معلوم نیست. همین طور این سؤال که جمع بندی و نتیجه گیری نهائی چگونه، توسط چه کسانی و پرمبنای چه ضوابط و اصولی تعیین می‌شود (و آیا اصولاً اعتقاد به اخذ یک نتیجه و ضرورت جمع بندی وجود دارد یا نه؟) هم چنان بلا جواب مانده است.

آنها همه نشانه ی آن است که تا هدف روشن و قاطعی در مقابل همه ی روابط و اقدامات مشترک دو سازمان، از جمله نشریه مشترک گذارده نشود تا جمع منتخبی از دو سازمان مسئولیت هدایت و رهبری این فعالیت ها و روابط را به سمت این هدف به عهده نگیرد هرگونه فعالیت و کوششی عبث و بی نتیجه خواهد بود.

جالب توجه در اینجا این است که اولاً: ما تازه بعد از گذشت بیش از نه ماه موفق به انتشار تنها دو شماره از این نشریه شده ایم که این دو شماره نیز هر کدام مستقلاً از طرف یکی از دو سازمان تهیه و تدوین شده است. بدین ترتیب به طور خود بخودی یک نظم سازمانی بر هریک از این دو نشریه تحمیل شده است. والا روشن است که حتی انتشار یک شماره ی نشریه ی مشترک به همان صورت توافق اولیه، البته بدون آنکه هدف و خط مشی آن روشن شده و جمع رهبری کننده ای مسئولیت هدایت آن را به عهده بگیرد، غیر ممکن بود. و یا اگر چنین مجموعه ای منتشر می شد (باز هم در صورت عدم وجود آن جمع با هدف های تعیین شده) در بهترین حالت ادامه ی خود، به چیزی جز یک جنگ ادبی - سیاسی تبدیل نمی شد.

ثانیاً: دو نشریه چاپ شده نیز در واقع امر همان چیزی نیستند که در ابتدا و در همان جلسه ی آذر ماه مورد توافق قرار گرفته بودند. چرا که اصلی ترین ویژگی نشر مورد توافق این بود که بحث ها و نظرات مطروحه در آن آزاد باشد. یعنی تمام افراد دو سازمان بتوانند نظرات و مقالات خود را بدون عبور از صافی مرکزیت دو سازمان در نشریه منعکس سازند و مرکزیت دو سازمان نیز موظف باشد نشریه ی منتشره را بی کم و کاست و بدون هیچگونه دخل و تصرف یا حذف و استثنایی در اختیار تمام کادرهای

خود بگذارد (در نوار مذاکرات آنر ماه این توافق با این جملات که گفتگوها باز باشد و رفقای مرکزی هم مانند رفقای دیگر ... مورد تاکید قرار گرفته بود)

طبیعی بود که احراز چنین شرطی، خود به خود وجود یک جمع مشترک هدایت کننده را ضروری می ساخت به همین دلیل نیز ما تشکیل آن را امری طبیعی می دانستیم. اما رفقای فدائی، بعداً، از آنجا که جواب قاطعی به پیشنهاد ما مبنی بر تشکیل جمع نداده بودند و از طرف دیگر در جریان روشن شده بود که شکل مورد توافق اولی، بدون وجود این جمع پیش نخواهد رفت، در صدد بر آمدند به شکل دیگری این تضاد را حل کنند. بدین جهت طی نامه ای به ما اطلاع دادند که لازم است: "در هر سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات رسیده باشد و پس از کنترل و تایید در نشریه درج شود!" روشن است که این شکل، نقض اساسی ترین اصل مورد توافق، یعنی آزاد بودن بحث میان دو سازمان بود. بدین دلیل ما در پاسخ این نامه، متقابلاً نظر خودمان را به این صورت ابراز کردیم:

شما همچنین نوشته اید: "در هر سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات رسیده باشد و پس از کنترل و تایید، در نشریه بحث درج شود". ما معنا و وظیفه این کمیته را نفهمیدیم. اگر منظور شما این است که در هر سازمان، این کمیته مستقلاً تشکیل شده، مستقلاً نسبت به کنترل و تایید مقالات رسیده تصمیم بگیرد که اولاً دیگر هیچ ضرورتی به تشکیل کمیته خاص نبود. مرکزیت هر سازمان یا هر عنصر یا عناصر مسئول دیگری که از طرف مرکزیت انتخاب می شوند، می توانند این کار را بکنند. و دیگر ارتباطی هم به سازمان دیگر نداشت. ثانیاً و مهمتر این است که: در چنین صورتی اصل اساسی مورد توافق یعنی آزاد بودن بحث نقض می شود.

اما اگر منظور شما از تشکیل این کمیته ها در دو سازمان این است که دو کمیته در رابطه با هم و به صورت یک کمیته ی مشترک از دو سازمان باشد که بحث ها و مقالات رسیده را از دو سازمان مورد بررسی و کنترل قرار داده و با تشریک مساعی جمعی (مراد از جمع همان عناصر کمیته ی مشترک مرکب از افراد دو سازمان است) نشریه را هدایت کند که در چنین صورتی ما نیز کاملاً با این شکل موافق بوده و از ابتدا به عنوان یگانه شکل صحیح هدایت و رهبری این نشریه، مورد تاکید قرار داده بودیم که از قبل نیز مورد موافقت شما قرار گرفت. آزاد بودن بحث نیز تنها در چنین شکلی

این فعالیت‌ها بسان رشته‌های باریکی از افکار و نظرات، از نقاط گوناگون دو سازمان منشاء گرفته و جریان‌های مختلفی را بوجود می‌آوردند. اما این جریان‌ها علی‌رغم آن‌که نقاط عزیمت متفاوت، گوناگون و گاه متباعدی داشتند بالاخره در یک نقطه یعنی کانون کمیته‌ی مشترک - با هم تلاقی می‌کردند و ذخیره‌ی عظیمی از نیرو و انرژی فکری (و عملی) را بوجود می‌آوردند.

کمیته مشترک نیز این ذخیره‌ی نیرو را، بدون آن‌که فرصت کوچکترین هرز روی و انحراف از هدف به آن بدهد، مجدداً در رگ و پی‌های دو سازمان، در تمام اعضا و جوارح آن جاری می‌ساخت. در روند چنین فعالیت‌ها همه‌جانبه، جمعی، آزاد و در عین حال جهت

---

از کار ممکن است ... " (پایان نقل قول از نامه‌ی مورخ دی ماه سال 1354 [13] به سازمان چریک‌های فدائی خلف ایران).

این مکاتبات همان‌طور که قبلاً گفته شد به نتیجه لازمی نرسید. سرانجام بحث‌ها به نشست اسفند ماه موقوف شد. در این نشست نیز مسئله به صورتی در آمد که عملاً یا می‌بایست فعلاً از انتشار این نشریه چشم‌پوشی می‌شد و بحث بر سر لزوم آزاد بودن بحث به همان معنای مورد توافق اولیه و لاجرم لزوم جمع مشترک هدایت‌کننده ادامه می‌یافت و یا طرح محدود کننده‌ی رفقای فدائی، مبنی بر کنترل جداگانه‌ی مقالات رسیده توسط هر سازمان، فعلاً و تا یکی دو شماره مورد قبول قرار می‌گرفت (البته این کنترل دیگر شامل خود نشریه و یا مقالات رسیده از طرف هر یک از سازمان‌ها نمی‌شد. هر سازمان فقط می‌توانست مقالات مربوط به اعضا خودش را کنترل کند و یا آنها را رد یا قبول نماید. ولی موظف بود مقالات رسیده از سازمان دیگر را تمام و کمال در اختیار تمام اعضا خود قرار دهد. این موضوع صریحاً در نوار مذاکرات مضبوط است) ما اجباراً شق دوم را پذیرفتیم، چرا که به هر حال وجود همین رابطه و اصلاح و تقویت آن را در آینده بهتر از گسسته شدن آن می‌دانستیم. هر چند که قبول حتی موقتی این شق جز با نقض یکی از اصول مورد توافق اولیه - یعنی اصل آزاد بودن بحث - امکان‌پذیر نمی‌شد. محدودیت و شکل خاصی که هم اکنون در دو شماره چاپ شده نشریه نیز مشاهده می‌شود، معلول نقض اجباری (اجباری، البته از طرف ما) همین مورد است.

دار و هدایت شده ای بود که زمینه های ذهنی تفاهم آماده می شد و آهسته آهسته پایه های استوار بنای وحدت دو سازمان بالا می رفت. (ر ک به نوار مذاکرات اسفندماه، ساعت های یازدهم و دوازدهم).

بدین ترتیب دو سازمان در جریان یک سوخت و ساز مشترک ایدئولوژیک قرار می گرفتند و کمیته ی مشترک خود به عنوان اولین نقطه ی پیوند سازمانی، در عین آن که جریان سالم و طبیعی این سوخت و ساز را هدایت می کرد، زمینه های تشکیلاتی مناسبی برای پیوند کامل دو ارگان فراهم می ساخت.

اینها اصلی ترین ملاحظات ما در باره ی انتشار نشریه و کلا روابط دو سازمان بود که در جلسه ی مذاکرات مشروحا عنوان شد. در عین حال ما در همین جلسه و پیرو همین ملاحظات، دو نکته ی مهم دیگر را نیز متذکر شدیم:

نکته اول این بود که، "اصول" مورد بحث، مطالب مبهم و نا معینی نیستند که بحث بر سر آنها، ما را دچار تبعیت از یک دور تسلسل باطل کند.

این اصول چه از جهت سیاسی و استراتژیک و چه از جهت ایدئولوژیک معین و اعلام شده اند و عبارتند از همان خطوط اصلی سیاسی - استراتژیکی که تحلیل مارکسیستی - لنینیستی جامعه و جهان بینی علمی (ماتریالیزم دیالکتیک) در مقابل دو سازمان می گذارند. (ر ک به نامه ی جوابیه ی سازمان ما در مورد روابط سازمان شما با جبهه ی ملی خارج - صفحات ۳۳۰ و ۳۳۱ همین جزوه).

بدین قرار دو سازمان با روشی نه چندان مشکل می توانستند اصول مورد بحث را از اختلافات فرعی و حاشیه ای جدا کرده و فشار اساسی خود را روی حل اختلافات اصولی متمرکز کنند.

نکته دوم این بود که ما صریحا اظهار داشتیم، حاضریم در موارد غیر اصولی، در موارد جزئی، در مواردی که مسئله صرفا به منافع سازمانی ما بر می گردد و با منافع اساسی جنبش در تضاد



قرار نمی گیرد، هرگونه گذشت و اغمازی را مورد قبول قرار دهیم (ر ک بهمان نوار فوق الذکر در همان ساعات یازدهم و دوازدهم بحث).

اینها ملاحظات، هدف ها و شیوه هایی بود که ما برای ادامه ی روابط پیشنهاد می کردیم که البته از طرف رفقای فدائی رد نشد، اما متأسفانه فرصت یک نتیجه گیری عملی هم بدست نیامد. در پایان این جلسه تصمیم گرفته شد که به هر حال یکی دو شماره از نشریه، در جریان شکل مورد قبول رفقای فدائی (کنترل مجزای هر سازمان روی مقالاتی که برای درج در نشریه فرستاده می شود) از چاپ بیرون آید و در این فاصله رفقای فدائی نیز فرصت پیدا کرده روی پیشنهادات ما فکر کنند. (ر ک به نوار مذاکرات همچنین برای توضیح بیشتر این قسمت رجوع کنید به پاورقی های صفحات ۲ تا ۴ همین مقدمه)

متأسفانه مدت کوتاهی بعد از انتشار اولین شماره ی نشریه ی بحث و درست در حالی که ما خودمان را آماده می کردیم تا دومین شماره ی نشریه را در اختیار رفقا قرار بدهیم، ضربات ماه های اردیبهشت تا تیر، همه چیز را به حال تعلیق و توقف در آورد. در این فاصله، بسیاری از رفقای فدائی و کادرهای مسئولی که در جریان روابط دو سازمان قرار داشتند، از جمله رفقای رابط در جلسات مذاکرات حضوری به شهادت رسیده بودند. ارتباط دو سازمان بالکل قطع شده بود و همه ی چشم ها و فکرها در جستجوی علل و نتایج تاکتیکی، سیاسی و سازمانی این ضربات بود.

به هر صورت مدتی بعد تماس با رفقای فدائی حاصل گشت. در این تماس ما با کمال حیرت مشاهده کردیم که رفقای جدید (رفقائی که در اولین جلسه ی مذاکرات حضوری بعد از ضربات این دوره شرکت داشتند) که از عناصر مرکزی رفقای فدائی به شمار می آمدند، تقریباً هیچ چیز از روابط و مذاکرات دو سازمان نمی دانند این رفقا حتی نوار مذاکرات دوازده ساعته ی مابین دو سازمان را گوش نکرده بودند و از مضمون نامه های متبادله و بحث های بین رهبری دو سازمان هیچ اطلاعی نداشتند. این وضع البته خاص رفقای جدید

نبود. بلکه ما در همین جریان‌ات (جریان تماس‌های اضطراری با برخی از رفقای فدائی که ارتباطشان قطع شده بود و یا تماس‌های دیگری که به علت حوادث این ماه‌ها با رفقای دیگر دست داده بود) با قریب بیش از ۱۰ نفر از اعضاء سازمان شما برخورد داشتیم که آنان نیز هیچگونه اطلاعی از چگونگی این روابط و مذاکرات دو سازمان نداشتند. در عوض، ما مشاهده کردیم که این رفقا به نحو واقعاً تعجب آور و در عین حال اسف باری نسبت به سازمان ما نسبت به نقطه نظرهای سیاسی - استراتژیک ما بدبین هستند. ما در برخورد با این رفقا مواجه با یک جریان سیستماتیک "ضد مجاهدی" شدیم. جریانی که بر بازگونه جلوه دادن واقعیات سازمانی ما، بر تحریف نقطه نظرات، اقوال، اعتقادات و اعمال ما دلالت داشت و به خوبی معلوم بود که به طور منظمی در سطح سازمان شما هدایت شده است.

به عنوان مثال برخی از این رفقا در همان برخوردهای اولیه با اعضاء ما وقتی راجع به مسائل استراتژیک صحبت به میان می آمد و نظرات دو طرف مورد بحث قرار می گرفت، می گفتند ما تا کنون تصور می کردیم که شما به جای خط مشی مسلحانه، خط مشی دفاع مسلحانه! را مورد قبول داده اید! و وقتی به این رفقا گفته می شد مگر شما مطبوعات و انتشارات سازمانی ما را مطالعه نکرده اید و یا از آن مهمتر اقدامات و عمل ما را در سطح جامعه مورد مشاهده قرار نداده اید؟ می گفتند ما در کلاس هایمان این طور بحث کرده ایم و ... الخ ... و یا در حالی که ما تعریف اصولی خودمان را از جبهه، ضرورت جبهه و نیروهای انقلابی ای که می توانستند در این جبهه شرکت داشته باشند، صریحاً و به طور قاطع اعلام کرده بودیم و موکداً نشان داده بودیم که تنها نیروهای انقلابی وارد در جبهه ی نبرد می توانند در این جبهه شرکت کنند و به طور واضح و قاطعی بر جدائی رویزونیست ها، گروه ها و سازمان های اپورتونیستی از قبیل بقایای حزب توده و ... از نیروهای انقلابی تصریح کرده بودیم (صفحات ۸۲ و ۸۳ مقدمه ای بر بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک)،

اما باز هم ما به رفقای ما از سازمان شما برخورد می کردیم که به ما می گفتند منظورتان از جبهه چیست؟ مگر نه این است که شما می خواهید با حزب توده تشکیل جبهه بدهید؟! و جالب توجه تر از همه، اینجا بود که این رفقا درست همان موقعی ناآگاهانه و تحت تاثیر همان تبلیغات منظم ضد مجاهدی چنین تهمتی را به ما می زدند که رهبری سازمان خودشان، از طریق جبهه ی ملی خارج به تماس های گسترده ای با حزب توده دست زده بود و از این طریق در صدد کسب حمایت های مالی و تسلیحاتی بود!!

در مواردی دیگر ما با کمال تاسف مشاهده می کردیم که این رفقا یا اعلامیه ها و مقالات و نشریات ما را مطالعه نکرده اند، یا در صورت مطالعه به دلیل پیش داوری های مدهش ذهنی، به دلیل حاکمیت تصورات نادرستی که فقط می توانست از وجود شایعات تحریف آمیز، عمدی و مغرضانه ای علیه ما حکایت داشته باشد، همه چیز آن، به نظرشان معکوس رسیده است. از الف، یا فهمیده اند و از یا به کوه قاف رسیده اند.

این قضایا وقتی در کنار یکی از مقالات مندرج در نشریه ی نبرد خلق شماره ی ۷ که درست در میانه ی ضربات اردیبهشت تا تیر ماه وارد بر سازمان شما منتشر شده بود، قرار می گرفت، کم کم ابهامات و اعجاب ما را که در جریان این برخورد ها شکل گرفته بودند، می زدود و به طور متقابلی منشاء اصلی این قضاوت ها و این بدبینی ها و پیشداوری ها را نشان می داد.

این مقاله که جز برخی موعظه های اکنومیستی و تسلیم گرایانه درباره ی خود داری از حمله به منافع و تاسیسات امپریالیست ها (امپریالیسم آمریکا) و اظهار لحنیه های فاضل مآبانه درباره ی مطالب بدیهی و پیش پا افتاده ای از قبیل پرهیز از عملیات آوانتوریستی، آتش زدن سینما و ... و تکرار و اقتباس ناقص و ابتر نوشته ها و نظرات مشهور دیگران، همراه با سیلی از اکاذیب و تهمت و افترا نسبت به ما، چیز دیگری نبود؛ به نحو غیر صادقانه ای سعی کرده

بود حقایق را وارونه جلوه دهد و آنجایی که دیگر امکان چنین بازگونه سازی وجود نداشت، با روش کودکانه ای در صدد بر آمده بود خودش چیزهایی را به ما نسبت دهد و بعد هم خودش با طمطراق و طنطنه، تمام آنها را رد و نفی نماید! و به این ترتیب بدون آن که حتی به یک جمله و به یک کلمه از نظرات مشخص و اعلام شده ی ما استناد کرده باشد، بطور غیر مستقیم ما را مورد حمله قرار دهد.

### خطاب به کادرها

#### مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران

انتشار این مقاله که از نظر محتوا مخالف تمام واقعیات و حقایق موجود بود و از نظر شکل و شیوی طرح، برای اولین بار به تبلیغات مغرضانه ای علیه ما شکل علنی می داد که این موضوع - حمله ی علنی به ما در مطبوعات خارج سازمانی - که خود مخالف روح همه ی توافقات و تفاهات موجود بین دو سازمان بود، مجموعاً به ما نشان می داد که علیرغم تمام قول و قرارها و تفاهات رسمی و تاکید شده از طرف دو سازمان در جلسات مذاکرات حضوری و غیره، شما حاضر به رعایت این توافقات نیستید یا لاقلاً هنوز به تصمیم قاطعی درباره چگونگی برخورد دو سازمان و مضمون و محتوای روابط آنها نرسیده اید. بدین قرار ما مجبور می شدیم برای روابط خودمان با شما حساب دیگری هم باز کنیم. این حساب عبارت بود از ملحوظ داشتن یک جریان "ضد مجاهدی" در درون شما که هر لحظه می تواند مناسبات دو سازمان را دچار دگرگونی های منفی نموده و به آسانی بر توافقات دو سازمان خط بطلان بکشد. همین طور مجموعه ی قرائن نشان می داد که این جریان نه تنها جریانی ضعیف و محکوم نیست، بلکه اگر تاکنون حاکمیت مطلق بر کل سازمان شما به دست نیاورده، نباید در نفوذ قابل اهمیت و گاه تعیین کننده ی آن هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه داد.

ما تا این موقع تصور می کردیم روابط دو سازمان، باید در

چهارچوب همان توافقات رسمی و حواشی ضمنی آن که در مذاکرات حضوری و مکاتبات معموله مورد قبول قرار گرفته بود، به سمت وحدت پیش برود و اختلافات و نقاط افتراق با سعه‌ی صدری انقلابی، در جریان یک کار مشترک توضیحی - آموزشی - فرهنگی در سطح دو سازمان، با استفاده از وسایلی مانند همان نشریه‌ی بحث، حل و فصل گردد. اگر انتقادی موجود است، نخست باید در سطح دو سازمان مطرح گردد و اگر اختلاف نظری موجود است، نخست باید در روابط درونی دو سازمان کوشش برای رفع آنها به عمل آید. (به همین دلیل ما در تمام طول این روابط حتی تا هم اکنون که این نشریه در اختیار رفقا قرار می‌گیرد - در حالی که شما عملاً این توافق را با انتشار مقاله‌ی مذکور در خرداد ماه گذشته نقض کردید - از این سیاست عدول نکرده ایم) آنگاه اگر توده‌های دو سازمان و تبعاً رهبری آنها، نتوانستند در اصول مورد نظر به توافق برسند، واضح است که این نیروهای انقلابی دیگر جنبش و توده‌های خلق خواهند بود که قضاوت نهائی را به عهده خواهند گرفت. در حالی که اینک با نقض آشکار این توافقات از طرف رفقای فدائی، همه‌ی این تصورات باید مورد تردید قرار می‌گرفت.

به عبارت دیگر موضوع بر سر آن نبود که چرا این رفقا ما را مورد انتقاد و حمله قرار داده‌اند و یا اینکه ما منکر حق طبیعی رفقا در طرح آزاد هر مسئله‌ای که به نظرشان لازم می‌رسد در مطبوعات خارج سازمانیشان هستیم، بلکه مسئله بر سر آن بود که چرا توافقات نقض شده‌اند؟ چرا رفقای فدائی این حملات و انتقادات را قبلاً در روابط و سازمان مطرح نکرده بودند (کاری که ما هم اکنون با انتشار این رساله نخست در میان دو سازمان انجام می‌دهیم) و به این ترتیب، چرا این توافق را که، دو طرف اختلافات و نظرات مخالف خودشان را نخست باید در نشریه‌ی بحث درونی دو سازمان منعکس سازند نادیده گرفته بودند؟ بدین ترتیب مسائل دیگری از این قبیل که چرا و به چه دلیل این رفقا به خودشان حق داده‌اند واقعیات ملموس

جنبش را نادیده بگیرند؟ چرا و به چه دلیل از یک طرف حقایق مربوط به ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی خلق و جدایی ناپذیری آن از مبارزه ی ضد سلطنتی، ضد سرمایه داری را منکر می شوند (تنها به این دلیل که زمینه ای برای نفی عملیات انقلابی ما، توجیهی برای گذشته ی خود و محملی برای حمله به ما به دست آورند!) و از طرف دیگر مطالبی غیر واقع را به ما نسبت می دهند و بعد بدون آنکه هیچ گونه مدرک و دلیلی مبنی بر اسناد این مطالب به ما ارائه داده باشند، ما را مورد حمله قرار می دهند و ...؟ اینها همگی مسائلی بود که در مقایسه با نقض توافقات رسمی دو سازمان در درجه ی دوم اهمیت قرار می گرفت.

بنابراین تعیین کیفیت و خط آینده روابط دو سازمان، در درجه ی نخست هر اقدام بعدی ما قرار می گرفت. هر چند که انتشار مقاله ی کذایی شما در "نبرد خلق" [شماره ۷]، همواره به ما این حق را می داد که بدون رعایت هیچگونه الزام یا تعهدی نسبت به ادامه روش های گذشته، انتقادات خودمان را مستقیماً در مطبوعات خارج سازمانی خود منتشر سازیم، با این وصف ما تصمیم گرفتیم که تا موقعی که توضیح مشخص شما را نشنیده ایم، تا موقعی که تأیید رسمی ای از جانب شما مبنی بر لغو این توافقات اخذ نکرده ایم، این توافقات را محترم بشماریم.

نتیجتاً اولین و فوری ترین اقدامی که در مقابل ما قرار داشت این بود که خواستار توضیح صریح و قاطع سیاست جدید سازمان چریک های فدائی خلق ایران در قبال خودمان بشویم. همین طور معلوم نماییم که این رفقا نسبت به آینده ی روابط دو سازمان چه نظری دارند و چه هدفی برای ارتباط و فعالیت مشترک دو سازمان در نظر دارند. اما حرکت موج دوم ضربات پلیس بر سازمان شما که همراه با شهادت و دستگیری جمعی دیگر از رفقای فدائی و قطع ارتباط ما بین دو سازمان بود، در میان گذاردن این قضایا را به حالت تعلیق در آورد.

بعد از وصل ارتباط، در اولین جلسه که با حضور دو تن از عناصر مرکزی رفقای فدائی تشکیل شد، این رفقا، به دلیل شرایط اضطراری ناشی از این ضربات، خواستار محدود کردن بحث، صرفاً به مسائل و همکاری های تاکتیکی شدند. ما نیز طبیعتاً به دلیل وجود همان شرایط، فوراً موافقت خودمان را اعلام کردیم. و بدین ترتیب طرح همه ی این قضایا تا فرصت مناسب دیگری به تعویق می افتاد<sup>۲</sup>. از آن هنگام تا کنون تماس دیگری (غیر از ارتباط علامتی روزانه) بین دو سازمان وجود نداشته است. حتی نامه هایی که ما تاکنون برای سازمان شما نوشته ایم. همگی بلا جواب مانده اند (مجموعاً چهار نامه)<sup>۳</sup>. در این مدت، شما نه سیاست جدید خودتان را نسبت به مسئله ی وحدت و روابط دو سازمان اعلام کرده اید و نه درباره ی تغییر احتمالی نظراتتان نسبت به توافقات قبلی توضیحی داده اید، در حالی که ضرورت یک موضع گیری روشن و قاطع در قبال این مسائل، در قبال مسئله وحدت، مسئله روابط دو سازمان، مسئله اصلی انتقادات فیما بین و تعیین شیوه های حل این اختلافات و ... هر روز بیشتر از پیش احساس می شود. (این ضرورت را حوادث خونبار و اسف انگیز ماه های اخیر به عینه و با شدت بازهم بیشتری نشان داد.) به این ترتیب، خودداری شما از توضیح سیاست خودتان نسبت به مسئله ی وحدت به طور کلی و روابط دو سازمان به طور خاص، خود دارای از ابراز تغییر احتمالی نظراتتان نسبت به توافقات قبلی یا تأیید مشخص و قاطع آن، همچنین عدم توضیح درباره ی نقض توافقات گذشته ما بین دو سازمان (انتشار مقاله ی فوق الذکر در نبرد

---

۲- این فرصت مناسب از نظر ما عبارت بود از فرصتی که امر سازماندهی مجدد رفقا به انجام رسیده و رفقا از نظر شرایط امنیتی و اوضاع سازمانی به حالت استقرار رسیده باشند. خوشبختانه هم اکنون به نظر می رسد که بعد از گذشت سه ماه از آخرین موج ضربات، این نتایج حاصل شده اند.

۳- به لحاظ ارتباط کاملاً نزدیکی که آخرین نامه ی ما با مطالب مورد بحث در این مقدمه دارد، متن کامل این نامه را در آخر همین نوشته نقل کرده ایم.

خلق شماره ی ۷ و تبلیغات ضد مجاهدی در داخل سازمانتان) چیزی جز قدمی به قهقرا و افزودن بر تاریکی ها و ابهامات موجود حاکم بر روابط فعلی دو سازمان نخواهد بود.

هم اکنون نه تنها اندیشه وحدت دو سازمان، اندیشه ی قرار دادن یک هدف مشخص در مقابل روابط دو سازمان و سازمان دادن تمام فعالیت های عملی و نظری در این سمت و در تحت رهبری و مسئولیت یک کمیته مشترک از عناصر دو سازمان، همچنان بر زمین مانده است، بلکه همان روابط عادی و معمول گذشته نیز امروز مورد تردید قرار گرفته است. امروز روابط دو سازمان در فضایی حرکت دارد که پرده ای ابهام و غبار اوهام آن را محاصره کرده است. هرچه در این فضا جلوتر می رویم نقاط روشن آن کم تر و تیرگی و ابهام آن افزون تر می گردد.

بدین قرار چشم انداز روابط دو سازمان - هر آینه روند کنونی ادامه یابد به هیچ وجه نقطه ی روشن و امید بخشی را نوید نمی دهد. چنین چشم انداز تاریک و نا امیدانه ای برای روابط دو سازمان بی تردید نمی تواند موجب تاسف همه ی ما و تمام کسانی نشود که نسبت به سرنوشت جنبش مسلحانه، پیشتان، بقاء و پیروزی آن و همچنین زندگی و استحکام جنبش انقلابی ایران احساس مسئولیت می کنند.

### **رفقای مرکزی!**

اینک رفع بسیاری از ابهامات و تیرگی در روابط دو سازمان، به اقدام شجاعانه ی شما در تعیین صریح و قاطع هدف هایی که در رابطه با سازمان ما و سایر نیروهای انقلابی جنبش دنبال می کنید، وابسته است. همان طور که تکامل بعدی جنبش انقلابی ما، قدرت بیشتر و گسترش موقعیت توده ای آن در یک مرحله - مرحله فعلی - منوط به درک ضرورت وحدت نیروهای انقلابی خلق و جلوتر از همه وحدت کامل دو سازمان ما و شماست.

بدین قرار پیشنهادات فوری ما برای رفع ابهامات و تیرگی های



حاکم بر روابط دو سازمان عبارت است از:

۱ - روشن شدن سیاست اصولی شما نسبت به مناسبات دو سازمان، نسبت به مسئله ی وحدت و چگونگی راه هایی که برای رسیدن به آن مورد قبول قرار می دهید.

۲ - توضیح درباره ی نقض یک طرفه توافقات گذشته ی دو سازمان.

۳ - تشکیل یک کمیته ی مشترک از اعضاء دو سازمان با وظایف زیر:

الف: رسیدن به توافق بر سر اصلی ترین و عاجل ترین هدفی که در مناسبات دو سازمان قرار دارد.

ب: توافق بر سر خط مشی اساسی و کلیه ی اقدامات و فعالیت های مشترکی که برای رسیدن به هدف توافق شده باید انجام گیرد.

ج: تمرکز یافتن مسئولیت هدایت، رهبری و کنترل نشریه بحث در این کمیته.

۴ - ادامه ی انتشار نشریه ی بحث، تحت رهبری و کنترل کمیته مشترک، منطبق با هدف ها و خطوط توافق شده در بند الف و ب.

## رفقا !

ما بسیار مناسب تر دیدیم که نخست مسائل فیما بین را با خود شما در میان بگذاریم و سپس در انتظار پاسخ شما باشیم. روش ما اکنون روش انتظار است. شاید تاکنون به اندازه ی کافی نشان داده باشیم که ما تا آنجا که از نظر اصولی امکان پذیر بوده کوشش برای جلوگیری از گسیختگی قطعی را رها نکرده ایم.

مواضع درونی و برون سازمانی ما درباره ی شما - روابط گذشته ی دو سازمان - از جمله نشریه ای که هم اکنون در مقابل شماست، نمونه هایی از این کوشش و نمونه های دیگری از آمادگی

برای هر گونه نزدیکی اصولی را از طرف ما نشان می دهد. شما با مطالعه ی مقالات همین نشریه می توانید به صبر و حوصله ای که ما در قبال بسیاری از قضایای ناگوار نشان داده ایم، صبر و حوصله ای که مسلماً خالی از امید به بهبود و اصلاح نبوده است، پی ببرید. هم اکنون نیز به نظر ما تا موقعی که دو سازمان می توانند اختلافات اصولی خود را با اتکاء به توده های سازمانی خود، در میان خود حل کنند، لزومی به کشاندن این اختلاف در سطح دو سازمان نیست.

تجربیات این همکاری و تفاهم نیز بعداً می تواند به طریقی مثبت برای نیروهای دیگر جنبش بازگو گردد. اما اگر هیچ یک از پیشنهادات ما نمی تواند مورد قبول شما باشد، اگر شما لزومی به اتخاذ مواضع قاطع و صریحی نسبت به مسائل مورد بحث در فوق نمی بینید و بالاخره اگر هیچ گونه مسئولیتی در قبال ضروریاتی که وحدت نیروهای انقلابی موجود در جنبش و جلوتر از همه وحدت دو سازمان ما و شما را ایجاب کرده است، احساس نمی کنید و حاضر نیستید یک راه حل عملی، روشن و قاطع برای آن ارائه بدهید، آنگاه مسلماً گسیختگی قطعی است. مسئولیت تام و تمام این گسیختگی به عهده ی شما خواهد بود و در آن صورت، روشن است که ما در ادامه ی مبارزه خود، برای تحکیم و پاسخ به ضروریات انقلابی و جنبش، در ادامه ی مبارزه برای تامین وحدت نیروهای انقلابی خلق و در بطن آن، وحدت نیروهای انقلابی پرولتری، در سطح جنبش و جامعه با شما نیز مواجه خواهیم بود، زیرا راه "وحدت"، دیگر نه از طریق کار در میان توده های دو سازمان، بلکه از پهنه یک مبارزه ی ایدئولوژیک گسترش یافته در سطح جامعه عبور خواهد کرد. واضح است در چنین صورتی ما هیچگونه تردیدی در پیمودن قاطع این راه به خود راه نخواهیم داد.

۳۱/۶/۱۳۵۵

## آخرین نامه

### "مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران"

به

### "مرکزیت سازمان چریک های فدائی خلق ایران"

رفقا !

همان طور که مطلع هستید، از یک سال پیش تاکنون، در سطح رهبری دو سازمان ما و شما، مذاکراتی در جهت وحدت دو سازمان جریان داشته است. این مذاکرات متأسفانه با شهادت دریغ انگیز جمعی از رفقای فدائی، از جمله رفقای رابط سازمان شما بالاجبار متوقف گشت و بعداً نیز دو رفیق رابط جدید که در شرایط اضطراری روزهای بحرانی تیرماه [۱۳۵۵]، با ما تماس گرفتند، از ادامه ی مذاکرات سیاسی مابین دو سازمان به طور موقت خودداری کرده و پیشنهاد کردند که صرفاً در باب همکاری های تاکتیکی صحبت شود که ما نیز به دلیل همان شرایط خاص، بلافاصله موافقت خودمان را اعلام کردیم.

از آن زمان تا کنون بیشتر از دو ماه و از زمان شروع ضربات و قطع مذاکرات بیشتر از سه ماه می گذرد. در این فاصله مسلماً رفقا موفق گشته اند امر بازسازی مقدماتی و استقرار سازماندهی جدید را به انجام برسانند. از این نظر ما موقعیت را مناسب تشخیص داده، خواستیم نظر رفقا را راجع به کیفیت ادامه ی این مذاکرات، ادامه ی بحث های مربوط به مناسبات میان دو سازمان، مسئله ی وحدت و ... خواستار شویم.

این امر از این جهت نیز خواه ناخواه ضرورت پیدا می کند که با شهادت رفقای رابط و تغییر اجباری کادر قدیم رهبری سازمان شما، ما طبیعتاً خواستار روشن شدن مجدد سیاست سازمان چریک های فدائی خلق، در قبال مسئله ی مناسبات ما بین دو سازمان

باشیم.

واضح است که سیاست ما در قبال مسائل فوق الذکر کماکان بر پایه ی همان اصول و روش های طرح شده ی قبلی، مضبوط در نوار مذاکرات مابین دو سازمان قرار دارد. با این توضیح اگر رفقا مایل به ادامه ی سیاست "کوشش برای رسیدن به تفاهم و وحدت دو سازمان" هستند، طبیعی است که یک جلسه ی نشست حضوری برای تنظیم و تحکیم روابط آینده ی دو سازمان و تعیین سرنوشت مباحثات نیمه تمامی که بین دو سازمان جریان داشته است، ضروری می باشد. در صورت موافقت، ما می توانیم تهیه ی امکانات تاکتیکی مربوط به این نشست را به عهده بگیریم.

اما در غیر این صورت، هر گاه رفقا نظرات جدیدی در باره ی آینده ی مناسبات دو سازمان دارند، روشن است که لازم خواهد بود تا ما را در معرض نظرات صریح خودشان نسبت به این روابط قرار بدهند. به هر حال منتظر پاسخ درباره ی این موارد هستیم. در ضمن تذکر دو نکته مهم در اینجا ضروری خواهد بود:

نکته اول این که: به نظر ما امر اعتلاء سیاسی هریک از گروه ها و سازمان های مسلح انقلابی و تحکیم و تقویت مبانی سازمانی آنها (به عنوان مثال کوشش هایی که هم اکنون شما در امر بازسازی و تحکیم سازمانی خودتان در پیش دارید) نمی تواند از امر اعتلاء سیاسی کل جنبش مسلحانه (گسترش موقعیت توده ای آن) و تحکیم و تقویت کل سازمان جنبش جدا باشد. همان طور که ضربات سهمناکی که در حدود یک سال اخیر بر پیکر جنبش وارد آمده است و ضربات بزرگتری که در آینده بسیار محتمل خواهد بود از عدول از امر وحدت نیروهای انقلابی خلق و در بطن آن وحدت کامل نیروهای مارکسیستی - لنینیستی معتقد به خط مشی مسلحانه پیشتاز جدا نبوده و در آینده نیز جدا نخواهد بود.

بدین قرار از نظر ما حتی کوشش های تاکتیکی، کوشش برای تحکیم موقعیت سازمانی سازمان های انقلابی موجود و ضربه

ناپذیری آنها، به نحوی که مثلاً مانع از تکرار ضربات اردیبهشت تا تیر ماه سال جاری بر سازمان شما بشود، در این مرحله از رشد جنبش انقلابی، نمی تواند از کوشش برای وحدت نیروهای انقلابی خلق، یعنی از سمت اساسی استراتژیکی خودش جدا باشد. همان طور که در آینده نیز - هر آینه به چنین ضرورتی پاسخ مناسبی داده نشود - مسئولیت ضربات محتمل وارد بر هر یک از نیروهای جنبش انقلابی، مسلماً نمی تواند بر دوش همه نیروهای آگاه و پیشتان خلق و جلوتر از همه بر دوش نیروهای انقلابی کمونیستی جنبش، مخصوصاً در این مرحله، سازمان ما و سازمان شما قرار نگیرد.

به دنبال چنین درکی از مسئولیت درقبال بقاء و رشد نیروهای جنبش است که ما کوشش برای تحقق امر وحدت را ضرورتی تعیین کننده تلقی کرده و معتقدیم نا دیده گرفتن این ضرورت و عدم توجه به رابطه ی بسیار مستحکمی که بین شرایط حیات و رشد کل جنبش بوجود آمده، منشایی جز تنگ نظری های خرده بورژوازی، خودخواهی های فردی، افراد منشی روشنفکرانه و تعصبات قسمتی و گروهی نداشته و به نتیجه ای جز متلاشی شدن جنبش کمونیستی نوپای میهنمان - لاقلاً در یک مرحله - و از هم گسیختگی و تلاشی جنبش نوین انقلابی خلق منجر نخواهد شد.

نکته دوم عبارتست از: ابراز این امیدواری که نظرات و پیشنهادات صمیمانه ما به همان گونه که صرفاً از روی احساس مسئولیت انقلابی نسبت به سرنوشت جنبش مطرح گشته اند، با همان روحیه فارغ از هر گونه حساسگری های دیپلماتیک معمول در اغلب نیروهای سیاسی غیر پرولتری، از طرف شما استقبال شود.

ما معتقدیم مناسبات ما و شما، به عنوان دو سازمان انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که در روی یک سرزمین و برای یک هدف و مقصود مبارزه می کنند، نمی تواند و نباید از ملاحظات دیپلماتیک بورژوایی تبعیت کند. تصوراتی از این قبیل که مثلاً "ما هم اکنون ضربه خورده ایم و ممکنست در یک مذاکره یا مباحثه ی سیاسی

دارای آن موضع قدرت لازمه نباشیم" و یا "انتظار برای آن که نیروهای انقلابی دیگر به آن اندازه ضعیف بشوند که خود به خود شرایط ما را برای هرگونه اتحاد و همکاری قبول کنند و یا مثلا ما مستقل از رشد نیروهای انقلابی دیگر جنبش آنقدر قوی شویم که نظراتمان را به نیروهای دیگر دیکته کنیم و الخ"<sup>۴</sup> مسلما جز تصویری مبتنی بر تنگ نظرانه ی دیپلماسی بورژوازی و انتظارات اپورتونیستی - ایده آلیستی یک خود نگر کوتاه بین چیز دیگری نیست. واضح است که نکات فوق مسلما در مد نظر شما نیز خواهد بود. همان طور که ما نیز به طور کامل به آن توجه داریم. با این وصف تذکر آنها در اینجا به این دلیل لازم بود که دیگر جای هیچگونه ابهام و ملاحظه کاری در روابط دو سازمان باقی نمانده و رفقای دو سازمان، مسائل فیما بین را با فراغ بال، به طور صریح و باز مطرح سازند.

پیروز باشید.

با درود:

سازمان مجاهدین خلق ایران"

۱۳/۶/۱۳۵۵

\* \* \* \* \*

**اولین نامه ی "مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران"**

به

**"سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"**

**پیرامون روابط با "جبهه ملی خارج - بخش خاور میانه"**

رفقا!

۱ - ...

۲ - ...

---

۴- چیزی که عملا امکان نداشته و در شرایط جنبش ما به ناپودی مبلغین کوتاه نظر چنین نظراتی خواهد انجامید.

۳ - خبرهایی رسیده بود از رفقای خارج از کشور راجع به برخی موضع گیری هایی که رفیق نماینده ی شما در رابطه با مسئله ی رادیو و اتحاد با جبهه ای ها به عمل آورده بود. از قرار معلوم رفقای ما در آنجا نسبت به این مواضع انتقادات شدیدی دارند. البته ما هنوز از ریز قضیه مطلع نیستیم ولی گویا اساس مسئله بر سر همان وارد کردن جبهه ای ها به عنوان یک پای مستقل در قضیه ی رادیو (یا در سایر موارد) باشد که رفیق رابط شما موافق این مسئله و رفقای ما مخالف آن هستند.

سؤال ما این بود که نظر رفیق رابط شما در خارج، دقیقا منعکس کننده ی سیاست رسمی شما در مورد اتحاد با جبهه ای هاست و آیا این موضع از طرف شما تایید می شود یا نه؟ مسئله دیگر، مسئله موضع گیری احتمالی است که رفقای خارج ممکن است در رابطه با اقدامات اخیر رفیق رابط شما و جبهه ای ها داشته باشند، که البته ما درصدد کسب اطلاع از ریز قضایا خواهیم بود. ولی لازمست شما نیز قبلا نظر خودتان را در این باره به ما اعلام کنید.

اسفند ماه ۱۳۵۴

\* \* \* \* \*

**پاسخ "مرکزیت سازمان چریک های فدائی خلق"**

**به**

**"سازمان مجاهدین خلق ایران"**

**پیرامون روابط با "جبهه ملی خارج - بخش**

**خاورمیانه"**

رفقا سلام.

در مورد مسئله ی رادیو و شرکت جریان سوم در فعالیت های آن، باید بگوئیم که حق شرکت در این کار بر اساس امکانات و سازمانی که این جریان را در اختیار دارد به او داده شده است. آنها

نیرویی هستند متشکل و صاحب هویت در خارج و در بسیاری از مجامع و محافل دارای امکانات و نفوذ هستند. رابطه با آنها رابطه دوستی و همکاری است. رفقای ما در خارج نیز در همین چارچوب عمل می کنند.

فعالیت های عملی این جریان تا به حال، اساسا در جهت خط مشی جنبش مسلحانه بوده است. فعالیت های رادیویی قبلی، مثل سروش و میهن پرستان اساسا با اقدامات این جریان به وجود آمده و اداره می شد. همچنین موج اخیر با فعالیت آنها و از طریق روابط آنها به دست آمده است، لذا مسئله ی طرد این جریان عملی نیست. ما ضمنا همان طور که در جلسه گفتیم با آن که از نظر ایدئولوژیک با برخی عناصر آنها توافق نداریم، فعالیت هایشان را مثبت می دانیم. البته منظور فعالیت های عملی شان در جهت تثبیت هرچه بیشتر مواضع جنبش مسلحانه است.

نماینده ی ما در خارج مواضعش مورد تایید ماست، ولی ضمنا اگر اشتباهی کرده باشد به او انتقاد خواهیم کرد و تمام انتقادات شما را هم ضمن طرح انتقادات سازمانی برایشان ارسال کرده ایم تا خط کار خود را اصلاح کنند.

از شما می خواهیم که هرگونه اشکالی در روابط مشاهده می کنید، برای ما بنویسید. ما سازمانا اقدام خواهیم کرد. مسایل فوق نیز شاید مدتی بعد پس از آن که جریان سوم تکلیف مشخص تری از لحاظ موضع گیری درونی پیدا کند روشن تر شود. به هر حال، فعلا سیاست ما اعمال فشار و طرد جریان سوم نیست. همچنین مواضع اصولی شما را تا جایی که با خط استراتژیک مان خوانایی داشته باشد مورد پشتیبانی قرار می دهیم که البته این امر به نتایج بحث های درون دو سازمان و مشخص شدن دقیق تر مواضع سیاسی و استراتژیکی شما ارتباط خواهد داشت.

دست رفقا را می فشاریم

با ایمان به پیروزی راهمان



## فایل ۱

این نوار، ۶۱ دقیقه و ۴۲ ثانیه است.

(ابتدای نوار ضبط شده موجود، از کمی بعد از آغاز گفتگوها است.)

**حمید اشرف:** ... مسئله بر سر این بود که، یعنی مسئله ای که در همون شماره قبل نشریه بحث درون سازمانی<sup>۱</sup> طرح شد، یک رفیقی<sup>۲</sup>

---

۱- منظور نشریه داخلی، رفقای سچفا است، و پیشنهاد یکی از رفقای فدایی. برای اطلاعات بیشتر به زیر نویس بعدی رجوع کنید.

۲- رفیق محمد دبیری فرد (حیدر) از مسئولین سچفا در خارج از کشور که در آن زمان در ایران بود، در مقاله ای درباره رفیق شهید بیژن جزئی نوشته است: "هنگامی که این بحثها آغاز گشت، رفقای ما از کم و کیف و چگونگی روندی که به اعلام تغییر ایدئولوژی مجاهدین منجر گردید، اطلاع چندانی نداشتند و رهبری مجاهدین تا انتشار بیانیه اعلام تغییر ایدئولوژی، آن را مخفی نگهداشته بود. به هر رو، پس از یک دوره بحث، رفیق حمید اشرف جزوه ای در این باره نوشت. در این جزوه (تا آنجا که در خاطرمان مانده است) نحوه تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین مورد انتقاد قرار گرفته بود. از نظر رفیق، شکل درست این بود که جناح مارکسیست شده جدا گشته و تشکل مستقل خود را تشکیل می‌داد و نه اینکه آرم و نام سازمان مجاهدین را که سازمانی مذهبی بود، تصاحب می‌کرد، و می‌باید آن را به جناح مذهبی می‌سپرد. در این نوشته مطرح شده بود که فرمول جان و انرژی مارکسیست‌ها به اضافه پول و امکانات بازاری‌ها نمی‌تواند در خدمت طبقه کارگر به کار گرفته شود (این اشاره‌ای بود به عملکرد رهبری مجاهدین در رابطه با روند تغییر ایدئولوژی). در این نوشته پس از تحلیل علل این تغییر ایدئولوژی، نتیجه گرفته شده بود که سازمان مجاهدین نه به مارکسیسم، بلکه به پراگماتیسم رسیده است.

در نوشته، با اشاره به زمینه‌ها و علل اجتماعی شکل‌گیری سازمان مجاهدین، پیش‌بینی شده بود که سازمان مجاهدین با ایدئولوژی مذهبی، بنا به ضرورت‌های یاد شده، مجدداً احیاء خواهد شد، ولی به احتمال قوی با توجه به وقایع و روندهائی که طی شده، این سازمان راست‌تر از سازمان مجاهدین قبلی خواهد بود. از نظر رفیق، پیشنهاد تشکیل جبهه از سوی رهبری مجاهدین، تلاشی بود برای حفظ حمایت مادی و معنوی خرده‌بوروازی و بازار، ضمن اعلام تغییر ایدئولوژی، در جزوه، ضمن اشاره به تجارب و نتیجه‌گیری‌های قبلی سازمان درباره جبهه، تشکیل جبهه با سازمان مجاهدین رد شده بود و با توجه به ارزیابی از ماهیت این تغییر ایدئولوژی در چارچوب وحدت سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیست - لنینیست معتقد به مشی مسلحانه نیز، وحدت با سازمان مجاهدین رد شده بود. در رابطه با سیاست

بعد از خواندن "بیانیه اعلام مواضع ..."<sup>۳</sup>، نوشته بود که ما بیاییم و واقعا، یعنی البته پیشنهاد بحث وحدت، نشریه بحث وحدت را همان کرده بود ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که بعدا ما پی اش را گرفتیم که بیایید ما چیز کنیم، به دور از تمام مسایلی که، سوء تفاهماتی که وجود داشته و بازتاب هاش و دیدیم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... بیاییم گامی در این جهت برداریم و از طریق ایجاد یک نشریه بحث، نزدیک بشیم و شخصا ابراز امیدواری کرده بود که خیلی زود بشه از این مجرا ...

**تقی شهرام:** ... به نتیجه رسید.

**حمید اشرف:** ... به نتیجه رسید و نقطه نظرهای توده های دو سازمان را به هم نزدیک کرد، و حتی پیشنهادهای به اصطلاح قوی تری هم در جهت وحدت ...

**تقی شهرام:** ... داشت.

**حمید اشرف:** ... داشت، در همان بحث و در این رابطه، پاسخی که رفقای سازمان دادند به این مسئله، در رابطه با، چون من گفتم که آن دفعه هم، ما این اعلام مواضع را گذاشتیم به بحث سازمانی و ...

---

سازمان در قبال سازمان مجاهدین، پیشنهاد جزوه عبارت بود از همکاری و آغاز بحثی با آنها، با هدف کسب شناخت بیشتر و کمک به شکل‌گیری یک جناح واقعاً مارکسیست - لنینیست در درون آنها. نتیجه‌گیری جزوه دربارهٔ سیاست سازمان در قبال سازمان مجاهدین مورد تأیید اغلب رفقا بود."

بیژن-جزنی/<http://arashmag.com>

۲- منظور "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران"، مهر ماه ۱۳۵۴، است.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/bayaniyeh-1354.html>

۴ - اشاره به جلسه آذرماه ۱۳۵۴، بین رفقا حمید اشرف، بهروز ارمغانی از سچفا و بهرام آرام و جواد قائدی از مجاهدین (م. ل) است. گفتگوهای این جلسه هم ضبط می شده است. در این باره در ادامه توضیح بیشتری داده می شود.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... حتی برنامه مطالعاتی رفقا را متوقف کردیم که این موضوع را مورد بحث قرار بدن و نقطه نظراتشون رو جمع بندی کنند، بدهند به نشریه، که این کار را رفقا کردند، و واقعیت امر این بود که با یک مقدار ...

**تقی شهرام:** ... کار توضیحی؟

**حمید اشرف:** ... نه، یک مقدار کم و زیاد از نظر نقطه نظرها ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... برای رفقا، مسئله ای مطرح بود. و جان کلام مسئله ای که رفقا مطرح می کردند این بود که آیا این حرکت جدید، یک حرکت بنیادا اصولی هست یا نه؟

**تقی شهرام:** ... این و توضیح بدین بعد اگر، "بنیادا اصولی" یعنی چی؟

**حمید اشرف:** ... یعنی، اگر جناحی از مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یا تمام مجاهدین، به این نتیجه رسیده بودند که مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی شون، عملیات شون، برخوردشون با قضایا ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... برخوردی نادرست بوده که حالا باید اساسا تغییرش بدن، و از دیدگاه جدیدی به مسایل جنبش و مسایل طبقاتی نگاه بکنند، اگر به این نتیجه رسیده اند، آیا شکل برخورد عملی شون ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... با این مسئله صحیح بوده یا نه؟ آیا به همین شکل رفقای مجاهد باید اعلام مواضع می کردند؟ یا طرق بهتری هم می تونست وجود داشته باشه؟

**تقی شهرام:** ... مثلا؟

**حمید اشرف:** ... که البته، مشخص ترین طریقه ای که مطرح

می شه اینکه سازمان مجاهدین، در حقیقت یا بگیم که جناح مارکسیست سازمان مجاهدین، سازمان جدیدی را اعلام می کرد و با قطع پیوندهای خودش با گذشته خودش ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که گذشته ای غیرمارکسیستی بود، و طبعاً با معیارهای مارکسیستی و با معیارهای طبقاتی انتقادات بسیاری بهش وارد بود، قطع رابطه می کرد با اون گذشته ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و ضمن طرح انتقادات همه جانبه خودش ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... از لحاظ ایدئولوژیک، از لحاظ خط مشی و از لحاظ عملکرد در سطح جامعه، به مسایل گذشته و این که ما چرا در زمینه های مختلف، نسبت به گذشته خودمون انتقاد داریم و حالا می خواهیم شیوه های نوینی را در زمینه های مختلف، در پیش بگیریم. و این طبعاً از لحاظ رفقای ما اصولی تر و درست تره.

**تقی شهرام:** ... یعنی این جا یک مسئله هست؛ شما صرفاً مسئله اصولی را روی مسئله نام و تغییر نام این جا مطرح می کنید؟ یا نه، مسایل دیگری هم در جوارش می آید؟ یعنی مسئله تغییر نام دلایلی داره، خیلی خوب، مسئله ای نیست ...

**حمید اشرف:** ... نه، مسئله تغییر نام نیست.

**تقی شهرام:** ... آخه ببینید یک مسئله هست اینجا.

**حمید اشرف:** ... مسئله ...

**تقی شهرام:** ... شما ببینید، شما این جا این مسئله را توجه نمی کنید که، اگر که یک سازمانی در پروسه تاریخی خودش به یک نقطه نظر درست تری می رسه، معنای، اتفاقاً این نکته اساسی تره اینجا، این که ما همان سازمان، ببین وقتی که می گوییم همان سازمان معنایش این نیست که همان سازمان که مثلاً سال ۴۴ [۱۳] تشکیل شد، همان آدم ها با همان مشخصات، یعنی این سازمانی که در یک پراتیک انقلابی می رسه به نقطه نظر مارکسیستی، خود حفظ اصلا

موضع اسم اون سازمان یک حقانیتی می شه برای نقطه نظر مارکسیستی. یعنی اگر یک گروهی، یک سازمانی یک عناصری خواستند یک روزی با یک جریان انقلابی پیش برن و مرتبا مواضع صادقانه ای بگیرند، اینها چاره ای ندارند جزء این که مارکسیست بشن. این نکته اتفاقا درست همان چیز مطلوب عناصر در واقع خرده بورژوازیه. یعنی اونها از خدا می خوان که بگن آقا این ها یه تیپ هایی بودن، یه سری عناصر مارکسیست بودن، بعد هم جدا شدن و رفتن. اون اثر تاریخی که ما با حفظ این مواضع - این جا موضعی نبود ها - ما اون نتایج تاریخی که می تونست اعلام مواضع ایدئولوژیک ما در چارچوب این سازمان به نام این سازمان تاثیر بذاره در جنبش، و این اثرات تاریخی ای که می تونست بذاره، در چنین صورتی که شما پیشنهاد می کنید خیلی خب، چند تا مارکسیست بودن جدا شدن رفتن پی کارشون، سازمان مجاهدین هم بلافاصله تبدیل می شد به یک سری عناصر مذهبی، ... خب بودند، یعنی اون حقانیت تاریخی ای که ما اینجا می خواستیم برای مارکسیسم ثابت بکنیم، در واقع لوٹ می شد رفیق. این مسئله خیلی روشنه، یکی از دلایلش اینه. یعنی درست شما همان حرفی رو می زنید که عناصر خرده بورژوازی بازار می زنند، اونا می گن، آقا این ها دیگه مجاهدین نیستن که، اینا یه آدمای مارکسیست دیگه ان، اینها برند پی کارشون، مجاهدین هم همون مسلمونان.

**حمید اشرف:** ... اونا حق دارن رفیق ...

**تقی شهرام:** ... ا، درسته حق دارن، یه مسئله است، اونا از دیدگاه طبقاتی شون حق دارن. یعنی مسئله اونجاست که اونا همواره می خوان چی باشه. اونا همواره می خوان اون حقانیتی که یک جریان انقلابی می تونه، در واقع مارکسیست می تونه در یک جریان انقلابی از خودش نشون بده، با این عملشون منکر بشن. بله اونا حق دارن، ولی به این معنا حق دارن. یعنی اونا می خوان منکر این بشن که، بله! یه سازمان مذهبی، یک سازمانی که در یک جریان پراتیک انقلابی شرکت کرده، این نمی تونه مارکسیست بشه و مارکسیست هم یه

ایدئولوژی ای نیستش که بتونه قالب بشه بر مذهب؛ اونا به این دلیل حق دارن.

**حمید اشرف:** ... خب واقعیت هم همینه که نتونسته ...

**تقی شهرام:** ... خب، این مسئله را باید روشن بکنید چطور نتونسته؟  
**حمید اشرف:** ... به این دلیل نتونسته که حداقل ۵۰ درصد کادرهاش و مجبور شده تصفیه کنه.<sup>۵</sup>

**تقی شهرام:** ... آخه این ۵۰ درصد که کادره ... خیلی جالبه، حرف هایی که شما می زنید همینه دیگه، همین مسایله، حرف هایی که شما می زنید دقیقا همون حرف هاییه که امروزه ما از گوشه و کنار این عناصر فرصت طلب و اپورتونیست مذهبی می شنویم. این ۵۰ درصد کیا بودن؟ این ۵۰ درصد، کسانی بودن که دیگه در واقع داشتن خیانت می کردن به جنبش، کسانی بودن که به دلیل، نه به دلیل مذهبی بودنش رفیق، به دلیل این که هزار جور ضعف داشتن، هزار جور معایب داشتن، تمام تحلیل از خوداشون موجوده، تمام مسایل شون موجوده، و تمام مسایلی که ... در واقع شما باید این قدر دید داشته باشید، باید این مسئله را بدونین که کسی که توی یک تشکیلات تصفیه می شه می ره، هیچ وقت نمی تونه به دلیل این باشه آقا اون می گه من مذهبی ام، اینم بگه من مارکسیستم! مگه می شه همچنین چیزی؟ طرف تصفیه می شه و نشون داده می شه که این آدمی که دیگه باقی می مونه در این پراتیک، می مونه و می خواد به اصطلاح، تحت مثلاً تحت پوشش مذهبی ... که البته همه شون این طوری نبودن، این تصمیمی که ما صورت بدیم عمدتاً ...

**حمید اشرف:** ... آخه همین برای ما سوال برانگیزه.

**تقی شهرام:** ... عمدتاً رو خصلت های ایدئولوژیکشون، رو خصلت های منفی شون بوده، یعنی این ها نتونستن مارکسیست بشن. همین

---

۵ - اشاره به نظری است که در پاورقی مقدمه "بیانیه اعلام مواضع ..." آورده شده است: "مجموعاً در تمام طول دو سال "مبارزه ایدئولوژیک"، قریب پنجاه درصد از کادرها مورد تصفیه قرار گرفته و بسیاری از کادرها از مواضع مسئول تا کسب صلاحیت های لازم کنار گذارده شدند." این نقل قول در صفحه ۱۰، نسخه الکترونیکی این بیانیه در سایت اندیشه و پیکار موجود است.

هان که تصفیه می شن می رن. و بدلیل همین که اون عناصری که باقی می موندن از نظر خصایل، از نظر انگیزه ها دارای در واقع نقاط قوتی هستند، به همین دلیل مارکسیست می شن، این سازمان ما به این دلیل مارکسیست نمی شن که مثلا فرض کن مذهبی ها را می ذاره بیرون، به این دلیل مارکسیست می شه که عناصر به اصطلاح با انگیزه های غیر توده ای، با انگیزه های غیرانقلابی، با نمی دانم گرایشات انحرافی، این ها رو می ذاره بیرون، اینها رو تصفیه می کنه، آن وقت مارکسیست می شه، آن وقت می تونه در واقع به این نقطه برسه، آخه این نکته با هم رابطه دارن، شما که تو تشکیلات کار می کنید، خوب این رو می دونید.

**حمید اشرف:** ... رفیق انحراف از چی؟

**تقی شهرام:** ... انحراف از چی؟! یعنی چی انحراف از چی؟

**حمید اشرف:** ... این هایی که شما می گید منحرف بودن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... از چی منحرف بودن؟

**تقی شهرام:** ... از آن ضوابط انقلابی ای که ما به مرور تونسته

بودیم به دست بیاریم و نشون می دادیم که ...

**حمید اشرف:** ... اون ضوابط انقلابی که شما به مرور به دست می

آوردید، طبعاً به سمت مارکسیسم میل می کرد ...

**تقی شهرام:** ... درسته

**حمید اشرف:** ... و این با ایدئولوژی طبقات خرده بورژوا سازگار

نیست ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب ...

**حمید اشرف:** ... و آنها طبیعیه که این رو نفی اش بکنن.

**تقی شهرام:** ... ما، آخه یه مسئله است اینجا رفیق، ما مگر می

تونیم به این مسئله تسلیم بشیم؟ ببین توی یک تشکیلات فرق می کنه

با جامعه. طرف آمده داره مبارزه می کنه، درسته؟ این آدم مثلا یک

روشنفکره. این روشنفکر اولاً هنوز به این دلیل که مذهبی یا

مارکسیسته نمی شه بهش گفت نماینده پرولتاریا. هنوز تازه باید بیاد

طی بکنه، مواضع اصولیش دقیقاً معلوم بشه، اون وقت اگر، حتی از نظر روینایی هم ترک کرد ایدئولوژی ایده آلیستی شو، اون موقع تازه شرایط لازمش را می آره. ما هم در مورد یه چنین افرادی، وقتی که چنین پروسه ای را طی می کرده اند، موظف بودیم باهاشون برخورد کنیم، ما نمی تونستیم تا به طرف می رسیم بگیم که آقاجون مثلاً تو فلان ضعف را داری، خیلی خب این ماله ماهیت خرده بورژوايته، برو پی کارت. تا فلان کسک فلان انحراف رو داره، ماله ماهیت خرده بورژوايته، برو پی کارت. یا اصلاً خب برو برای خودت یه سازمان دیگه تشکیل بده، ما می ریم پی کارمون. ما این جا در واقع یه کار مشترک انقلابی داشتیم، ما فرق می کنه، ما بله نمی ریم مثلاً فلان بازاری را بگیریم بیاریم بگیم آقا توی خرده بورژوا بیا مارکسیست بشو، کار احمقانه ایه. یا فعلاً نمی دانم روشنفکر دانشگاهی را ور نمی داریم یقه شو بچسبیم ...

**حمید اشرف:** ... خوب عملاً شما همین کار رو کردید.

**تقی شهرام:** ... اختیار دارین! آخه کی همچی حرفی رو می زنه؟  
**حمید اشرف:** ... شما زمینه های عضوگیریتون عملاً از بازاری ها بوده.

**تقی شهرام:** ... کی همچی حرفی را زده؟ آخه ...

**حمید اشرف:** ... یک مقدار زیادی ...

**تقی شهرام:** ... آخه ما، آخه کدوم، آخه رفیق این هایی که این همه افراد، بیا ده نفر افراد الان این جا، نه نفر ده نفر بودن این ها اعدام شدن، این ها کدومشون بازاری بودن غیر از [مهدی] غیوران که اعدامش نکردن؟ نه نفر ...<sup>۶</sup>

**حمید اشرف:** ... بازاری بودن مگر الزاماً این هستش که به اصطلاح خودشون دکون داشته باشن؟

---

۶ - اشاره به ۹ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران که در سوم بهمن ماه ۱۳۵۴ اعدام شدند. اسامی آنها بدین شرح در روزنامه های آن زمان اعلام شد: وحید افراخته، منیژه اشرف زاده کرمانی، محسن بطحایی، سید محسن سید خاموشی، محمد طاهر رحیمی، مرتضی صمدیه لباف، ساسان صمیمی بهبهانی، مرتضی لبافی نژاد، عبدالرضا منیری جاوید.



**تقی شهرام:** ... خب پرولتر بودن، مگه الزاما اینه که حتما طرف دانشجو باشه؟

**حمید اشرف:** ... بله؟

**تقی شهرام:** ... پرولتر بودن مگر معنایش الزاما اینه که طرف دانشجو باشه؟ مگر دانشجو پرولتره؟

**حمید اشرف:** ... نه مسئله اینه که با چه هدف هایی وارد سازمان شده.

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... یعنی با چه ایدئولوژی، یعنی چی را پذیرفته اومده تو سازمان.

**جواد قاندي:** خب پس این ربطی به، به بازاری بودن یا نبودن نداره ...

**تقی شهرام:** ... بازاری بودن یا نبودن نداره ...

**حمید اشرف:** ... چرا! چون ایدئولوژی سازمان وقتی بازاری هست، کسی هم که با پذیرش اون ایدئولوژی می آد تو سازمان، همون، به اصطلاح ایدئولوژی خرده بورژوایی را پذیرفته.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، بسیار خوب، درسته؟ این حرف شما قبول، ولی آیا ما این جا منکر هر گونه تغییری هستیم در یک جریان پراتیک انقلابی؟ یعنی مثلا فرض کنید که یه عنصر مثلا مذهبی نمی تونه مارکسیست بشه؟ یه سازمان مذهبی نمی تونه مارکسیست بشه؟ یه کسی نمی تونه در حالی که ...

**حمید اشرف:** ... ولله، صحبت بر سر اینه که یک سازمان مذهبی می تونه مارکسیست بشه یا یک سازمان خرده بورژوایی می تونه سازمان پرولتری بشه؟

**تقی شهرام:** ... آخه سازمان خرده بورژوایی هم اگر ...

**حمید اشرف:** ... بحث ما بر سر این هست.

**تقی شهرام:** ... بسیار خب. مذهب هم همان روبناست هیچ فرقی نمی کنه، همون سازمان خرده بورژوایی بگیریم، سازمان فئودالی بگیریم، هر چی، وقتی پیوندهای طبقاتی اش قطع بشه، وقتی که جهت گیری

در واقع غیر از آن طبقه ای که قبلا به اش وابسته است بکنه، و این جهت گیری رو ... خیلی مشخصه ...

**حمید اشرف:** ... این سازمان نمی تونه اینکار رو بکنه.

**تقی شهرام:** ... خب. این پس معلوم می شه که، معلومه که شما اصلا الان در کل مسئله تغییر یک جریان مثلا فرض کنید که فکری در یک سازمان الان ایراد دارید، یعنی می گید اصلا نمی شه، یک همچنین چیزی امکان پذیر نیست، از ابد که، از ازل که این به وجود آمده همین طور می مونه، تا آخر هم مثلا همون موضع طبقاتی اش رو حفظ می کنه.

**حمید اشرف:** ... بله خوب، یک سازمانی که بر اساس تمایلات و خواسته های سیاسی خرده بورژوازی قوام پیدا می کنه و رشد می کنه ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... و تاریخ خودش رو می سازه ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... این سازمان، کلا با تمام گذشته اش، با تمام به اصطلاح تاریخ اش، با تمام موجودیت اش نمی تونه تبدیل به یک سازمان پرولتری بشه، طبیعیه که یک همچنین جریانی را می شه پذیرفت، یعنی جریان پرولتری، جریان مارکسیستی را حتی می تونیم ما بپذیریم، در وجود این سازمان که یک جریان مارکسیستی رشد بکنه. ولی این وقتی رشد کرد، از طرف اون سازمان و از طرف اون طبقه ای که نمایندگی شو ...

**تقی شهرام:** ... خب

**حمید اشرف:** ... به عهده داره، طرد می شه

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، معلومه که طرد می شه.

**حمید اشرف:** ... درسته؟

**تقی شهرام:** ... بسیار خب

**حمید اشرف:** ... خیلی خب

**تقی شهرام:** ... خب

**حمید اشرف:** ... این وقتی که طرد می شه، در حقیقت باید به سمت طبقه، یعنی اون جریان پرولتری یا اون جریان مارکسیستی، وقتی که از درون این طبقه طرد می شه به سمت طبقه دیگه ای گرایش پیدا می کنه ...

**تقی شهرام:** ... درسته، خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... این کارش را باید بطور کامل، این گروه انجام بده.

**تقی شهرام:** ... انجام بده، بسیار خب، پس شما منکر تغییر اصولیش نمی تونید بشید؟!

**حمید اشرف:** ... ما ...

**تقی شهرام:** ... شما فقط می تونید این رو که بگید آقا شما جریان مثلا فرض کن جدا شدنتون از طبقه خرده بورژوازی و سمت تون به سمت پرولتاریا دارای اشکاله، دارای مثلا انحرافه، این سمت رو پیدا نکردید، این رو به ما مشخصا نشون بدید، راجع به این مسئله بحث می کنیم.

**حمید اشرف:** ... خیلی خوب. ما همین رو می خواهیم بحث بکنیم.

**تقی شهرام:** ... آها! بحث می کنیم راجع به این مسئله که نشون بدیم که کی موضع به سمت در واقع سیاست پرولتری داره، کی خط مشی پرولتری داره و کی نداره. این رو اتفاقا همان خط مشی نشون می ده. این رو همون موضع طبقات گوناگون نشون می ده، امروزه چه کسانی ما را مورد حمله قرار می دن؟ این خیلی قابل اهمیته.

**حمید اشرف:** ... امروز کسانی شما رو مورد حمله قرار می دن ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... که به اصطلاح، این رو احساس می کنن که شما شرایط ذهنی شون رو خدشه دار کردید.

**تقی شهرام:** ... خب!

**حمید اشرف:** ... یعنی مواضع طبقاتی این ها را شما ...

**تقی شهرام:** ... منافع شونون را خدشه دار کردیم رفیق!

**حمید اشرف:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... پدر خرده بورژوازی در اومده، ضربه خورده، کمر نمی تونه راست کنه، مشخصه از نظر ایدئولوژیک داغون شده! یعنی، این در واقع امروزه ما با گروه های مذهبی سروکار داریم دیگه؛ طرف الان نمی تونه متشکل بشه از نظر ایدئولوژیک، و بخواد در واقع اون مواضع در واقع انحرافی رو در جنبش بوجود بیاره، به این دلیل، که باید با این نقطه نظر ما برخورد کنه، و این نمی تونه این برخورد بکنه. اگر ما می اومدیم، عزیز من، اگر ما می اومدیم می گفتیم خیلی خوب آقا ما یک عده به اصطلاح مارکسیست بودیم اصلا چرا بریم سازمان تشکیل بدیم، می رفتیم تو رفقای فدائی. دیگه حالا از این بهتر؟ خب آنوقت چی می شد؟ خیلی خوب، فوقش اون بود که یک عده از مارکسیست های سازمان مجاهدین بلند شدند رفتند کجا؟ تو سازمان فدائی ها! خب، این یه جریان طبیعی، همیشه هم هست. چیزی که خیلی از خرده بورژوازی هم دلش براش لک زده. ولی، مسئله اینه که ما می خوایم این را نشون بدیم که مارکسیسم یک حقانیتی داره، که در پروسه عمل انقلابی خودشو تحمیل می کنه و نشون می ده. و این چیزیه که در واقع ما می خواستیم، یعنی اون جنبه تاریخی و در جریان به اصطلاح اجتماعی که ما عمدتا می خواستیم تاثیر بذاریم این بود. این نکته بود که می خواستیم نشون بدیم که چگونه یک سازمان، اگر مواضع صادقانه ای داشته باشه، اگر واقعا بخواد خودش را در جریان منافع توده ها و زحمتکش ترین طبقات توده ها سمت گیری بده سیاستشو و هدفشو، این چه جوری اجبارا می رسه به یک موضع مارکسیست - لنینیستی. و ما می خواستیم این و نشون بدیم اگر ما سازمان مون رو، یک اسم شو این و می گیم، خیلی خوب برای ما راحت بود اصلا اسمشو بذاریم آقا سازمان مثلا رزمندگان نمی دونم مجاهد خلق! خیلی خب، مسئله ای را، می دونی خیلی روشنه، شما یک چنین، اگر مثلا، اگر چنین اسمی رو ما می داشتیم، مثلا می گفتید خیلی خب، با طبقه مون بریدیم؟ ولی، عملا الان طبقات خرده بورژوا چنان موضعی دارند نسبت به ما، و یا مثلا عناصر اپورتونیست مذهبی چنان ضربه ای خوردند و چنین واکنشی نشون

می دن، این نشون دهنده بریدن از طبقه نیست؟ شما که می گید شرایط ذهنی شون رو خدشه دار کردید، یعنی چی؟ منافع طبقاتی شون و خدشه دار کردیم رفیق! اون منافعش اینه که بیاد نشون بده آقا ایدئولوژی من برتره، ایدئولوژی من می تونه مثلاً مبارزه را رهبری کنه، ایدئولوژی من می تونه فلان کار را بکنه، الان نمی تونه این حرف رو بزنه.

**حمید اشرف:** ... اون هیچ وقت نمی تونست این حرف رو بزنه. **تقی شهرام:** ... ا. این حرف یعنی چی شما می زنید؟ اگر اون هیچ وقت نمی تونست این حرف رو بزنه شما تازه بعد ...

**حمید اشرف:** ... برای این که شرایط عینی واسه اش وجود نداشت. **تقی شهرام:** ... یعنی چی شرایط عینی وجود نداشت؟ یعنی مثلاً فرض کن خرده بورژوازی در ایران قوی نیست؟

**حمید اشرف:** ... خرده بورژوازی در حال تجزیه و اضمحلاله. **تقی شهرام:** ... آخه این جریان تاریخی یه ، شما تو اون جلسه هم این بحث را کردید،<sup>۷</sup> ولی عملاً خودتون در واقع، در عمل خودتون نشون می دید که ضد این قضیه. شما می گید که خرده بورژوازی، نه تنها شما می گید تاریخ این و می گه، نه تنها شما می گید اصول عام می گه، بله در جهانی که سرمایه داری داره حاکم می شه، رشد می کنه، تمرکز پیدا می کنه، فلان می شه، خرده بورژوازی رو به انحطاط می ره. به دلایل گوناگون هم می ره. این به معنای اینه که طبقه نمی دونم به طور تاریخی نقش خودشو از دست داده، ما این و نشون دادیم که حتی این نقش رو نه در فعال، بلکه در شرایط سال های چهل و دو، چهل از دست داد. کما این که نتوانست این نقش رو بطور تاریخی اونجا از دست داد و دیدیم هم که چه ضرباتی خورد و چه شکستی را هم متحمل شد. ما اون جا این رو هم نشون هم دادیم. اما آیا این به آن معناست که الان این ها هیچ قدرتی ندارند؟ هیچ نیرویی نیستند؟ همین طوری نمی جوشند؟ همین طوری، بقول

---

۷- اشاره به يك جلسه ديگر در آذر ماه ۱۳۵۴ با شرکت رفقا حمید اشرف و بهروز ارمغانی از سوی سچفخا و رفقا جواد قائدی و بهرام آرام از سوی مجاهدین است.

معروف همین طور در زاد و ولد نیستند؟ اینها هیچ قدرتی الان وجود  
نداره بین این ها؟ قدرت دارند.

**حمید اشرف:** ... قدرت که هستند، ولی رهبری جنبش را نمی توانند  
به دست بگیرند.

**تقی شهرام:** ... خب، اگر رهبری جنبش رو ...

**حمید اشرف:** ... تمایل شان در این جهت هست.

**تقی شهرام:** ... اجازه بدید رفیق! آخه اگر رهبری جنبش را به دست  
بیاره، یکی از اون دلایلی که نمی تونن به دست بیارن همون موضع  
صحیح ماست! همین موضعی که ما سازمان های مارکسیستی می  
توانیم اتخاذ بکنیم که این ها نتونن ...

**حمید اشرف:** ... در حقیقت، بهتره بگم یکی از دلایلش اینه که، یه  
همچنین جریانی اجبارا در درون مجاهدین بوجود اومد.

**تقی شهرام:** ... کدوم جریان؟

**حمید اشرف:** ... جریان مارکسیستی.

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... یعنی شرایط عینی و معرفت علمی، که دو جنبه این  
حرکت بود ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... خودش رو تحمیل کرد.

**تقی شهرام:** ... خب، شما از یه جا این رو تایید می کنید، از یه  
طرف می گید که، نمی دونم، تکذیبش می کنید، کدوم درسته؟ از یه  
طرف قبول دارید که این جریان در درون سازمان مجاهدین به وجود  
اومده، و به این شکل هم غالب شده، از یه طرف می گید، نمی دونم،  
به شکل اصولی طرح نشده!

**حمید اشرف:** ... ما معتقد هستیم که این به شکل اصولی سازمان  
دهی نشده، این جریان جدید.

**تقی شهرام:** ... کدوم؟ با هم بحث کنیم سازماندهی یش بکنیم، هر  
جا جلو ضرر رو بگیریم منفعت. ما اسم مون رو عوض بکنیم، تا قضیه  
درست بشه؟ ما خط مشی ای که ارایه دادیم ایراد و اشکال داره، خط

مشی خرده بورژواویه؟! ما نمی دونم فرض کن، چیه؟ موضعی که در مقابل طبقات گرفتیم خرده بورژواویه؟ موضعی که در قبال شما گرفتیم ضدانقلابی و ضد وحدته؟ یه مورد مشخص حتما موجوده دیگه! یعنی حتما شما باید در شیوه عمل ما، در خط مشی سیاسی ما، در تاکتیک های ما، پیدا کنید اون نقاطی را که ما طبقاتی را در واقع که ما منافع طبقات خرده بورژوازی را داریم تامین می کنیم و اون نقاطی که ضدانقلابی و ضد پرولتریه، حالا ضدانقلابی هم نه، ضد پرولتریه. شما آن رو به ما نشون بدید.

**حمید اشرف:** ... ما چیزی رو که می تونیم نشون بدیم، عدم قاطعیت شما، برخلاف اونچه که فکر می کنید.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در موضع گیری جدیدتونه.

**تقی شهرام:** ... عدم قاطعیت؟ خوب نشون بدید! چیز جالبیه.

**حمید اشرف:** ... این چیز خیلی جالبیه! چرا؟ چون که واقعا شما

فکر می کنید که با قاطعیت کامل، این کار را کردید!

**تقی شهرام:** ... و شما فکر می کنید که حتما نیست؟!

**حمید اشرف:** ... و، ما دلایلی برای این مسئله داریم.

**تقی شهرام:** ... خوب، ما می شنویم!

**حمید اشرف:** ... یکی از دلایلش اینه که شما کوشیدین، امکاناتی

رو که سازمان مجاهدین در عرصه خرده بورژوازی داشته، در درون

خودش مجددا حفظ بکنه ... این یک دلیل.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... دلیل دیگه اینه که، سازمان مجاهدین به همراه

اعلام مواضع جدیدش، از خط مشی صحیح جنبش، که قبلا هم هیچ

موقع بطور رسمی و تئوریک تاییدش نکرده بود، ولی حداقل به شکل

تلویحی، با پذیرش خط مشی مسلحانه، این استنباط رو بوجود می

آورد که پذیرفته ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در بیانیه جدید، که اولین بیانیه ای است که در

حقیقت موضع گیری تئوریک مجاهدین رو راجع به جنبش نشون می ده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یک قدم به عقب برگشته.

**تقی شهرام:** ... دو تا.

**حمید اشرف:** ... مسئله دیگه این که، این جریان جدید، به اسم سازمان مجاهدین که دیگه آیه در بالای آرمش نداره، کماکان ایدئولوژی مذهبی رو، یعنی کسای رو که فقط حاضر شدند به شکل تاکتیکی عقب گرد بکنند، در درون خودش پذیرفته. یعنی، از نظر درون تشکیلاتی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... از نظر وحدت؛ از نظر ..

**تقی شهرام:** ... مورد چهارم، بله؟

**حمید اشرف:** ... آها. حالا این به اصطلاح جنبه هایی است از عدم قاطعیت در برخورد با ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... تغییر موضع. در زمینه مسئله وحدت، شیوه ای که در پیش گرفته شده، عملاً بخش هایی رو از نیروهایی که در جنبش کار می کردن، فعالیت می کردن، نه تنها متحد نمی کنه بلکه تجزیه می کنه. یعنی، عملاً به این کار کمک می کنه. کما این که حمله شدید به مذهب، چیزی که مارکسیست ها هیچ موقع ضرورتش رو احساس نمی کردند که بهش حمله بکنن، به خاطر این که یه مسئله رو بنایی می دونستن، و به این اعتقاد هستن بر اساس مشی لنینی، که مذهب بعد از تغییر زیر بنا تغییر می کنه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... با حمله شدیدشون به مذهب، به روحيات و به اصطلاح اعتقاداتی که حداقل به شکل ایدئو ... رو بنایی در مردم هست حمله کردند و موضع گیری شدیدی رو در این زمینه ایجاد کردن، که این موضع گیری شدید، به طور عملی، برخلاف وحدت عمل



می کنه.

**تقی شهرام:** ... یعنی چی؟! یعنی این حرف شما معنایش اینه که مارکسیست ها نمی تونن با نیروهای خرده بورژوازی متحد بشن دیگه! این به امر اتحاد مارکسیست ها با نیروهای خرده بورژوازی لطمه وارد می کنه، معنایش اینه دیگه؟!

**حمید اشرف:** ... معنی اش اینه که در آینده جنبش ما ...

**تقی شهرام:** ... نه این معنا را بگو، این معنی که من الان دارم توضیح می دم ایراد داره؟ یعنی معنی این که شما می گید که حمله به مذهب باعث تجزیه یه سری نیروها می شه، آیا جزء این، تجزیه نیروهای مارکسیستی که نمی شه؟!

**حمید اشرف:** ... بله، همکاری به اصطلاح نیروهای خرده بورژوایی رو با نیروهای مارکسیستی ...

**تقی شهرام:** ... دچار اخلال می کنه.

**حمید اشرف:** ... بر علیه دشمن مشترک دچار اخلال می کنه.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... و دیگه یک چیز دیگه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و اون این که در این، به همراه این اعلام مواضع جدید، خط کثی مشخصی بین نیروهای درون جنبش صورت گرفته نشده. یعنی، اپورتونیست ها در کنار مارکسیست های مبارز قرار گرفته اند، و با امتیاز مساوی، و این کاری که شده ...

**تقی شهرام:** ... این همونیه که، در واقع این شق دیگه ای از همون مورد شماره ۲، یعنی خط مشی مبارزه مسلحانه است دیگه؟! این توضیح که دارین می گین در همان کادر شماره ۲ می گنجه؟

**حمید اشرف:** ... شماره دو چیه؟

**تقی شهرام:** ... خط مشی صحیح جنبش در واقع به اون شکل صریحش عنوان نشده ...

**حمید اشرف:** ... بله ...

**تقی شهرام:** ... و از نظر تئوریک ...

**حمید اشرف:** ... یکی مسئله خط مشیه، که خب این جنبه تئوریک  
داره ...

**تقی شهرام:** ... خب، این ارتباط نمی گیره.

**حمید اشرف:** ... یکیش هم جنبه عملیته در عرصه سیاست عملی، و  
اون به اصطلاح در کنار قرار دادن مارکسیزم مبارز، با مارکسیزم به  
اصطلاح خرده بورژوایی و مارکسیزمی که فقط در درون کتاب ها  
سیر می کنه. و در حقیقت بی طرفانه، این دو جنبه از مسئله رو در  
کنار هم گذاشتن و حقوق مساوی براش قایل شدن ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... که این خودش ضد وحدته. چرا که مارکسیست  
های مبارز که خط مشی مشخص، ایدئولوژی مشخص و برداشت  
مشخصی از مبارزه انقلابی در ایران دارند، در هیچ چارچوبی با اون  
عده از مارکسیست ها که دارای انحرافات ایدئولوژیک هستند، و در  
حقیقت جناح های مارکسیزم خرده بورژوایی اند، و عملا هم یعنی از  
نظر ایدئولوژیک یه هم چنین سمتی رو نشون می دن، و عملا هم در  
جامعه هیچ گونه بردی نداره فعالیت هاشون ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... یه هم چنین اقدامی، طبعا ضد وحدته. چرا که  
مارکسیست های انقلابی هیچ وقت هم چنین وحدتی رو نخواهند  
پذیرفت. ولی از جانب دیگه، این عمل، این اعلام مواضع موافق وحدته،  
موافق وحدت کسانیه که در عرصه جامعه عمل نمی خوان بکنن و دنبال  
فرمول هایی برای اثبات موجودیت خودشون می گردن، وحدت ایجاد  
می کنه برای اون نیروها. و درست ضد وحدته، برای نیروهایی که  
واقعا در جامعه عمل می کنند.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این ها نقطه نظرهایی که در جنبه های مختلف  
سمت گیری جدید مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... به نظر شما می رسه، بله.

**حمید اشرف:** ... از رفقای ما مطرح شده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که البته این ها جنبه های اصولی مسئله است.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و طبعا در رابطه با این جنبه های اصولی، شیوه هایی که شما در پیش گرفتید، برای این سمت گیری نوین، توجیه می شه. و کار، یعنی جنبه های مختلف به اصطلاح برنامه تغییر مواضع ...

**تقی شهرام:** ... بله. مثلا، شیوه های موردی ذکر کنید.

**حمید اشرف:** ... همین شیوه ای که الان به اصطلاح ... اون جناح هایی که از سازمان جدا موندند و الان به تدریج دارن به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... متشکل می شن به نظر شما.

**حمید اشرف:** ... متشکل می شن، یا این که به اصطلاح حوادثی رو که براشون گذشته توضیح دارن می دن، حالا دیگه قضایا را دارن عام می کنن ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... عمومی اش می کنن، پخش بیرونی می کنن.

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... که خب این ها هم باز سوال انگیز هست. چون کسانی هم که این کارها را می کنن، که الان شما به عنوان اپورتونیست های مذهبی، یا فرصت طلبان مذهبی، اسم می زارید روشن، در حقیقت این ها با معیارهای ما می تونن اپورتونیست باشن، ولی چون معیارهاشون متفاوته با ما، اپورتونیست نیستن. یعنی از طرف نیروهایی که به اصطلاح طرف اونا هستن، یا هم عقیده با اونا هستن، یا احساس مشترک و منافع مشترک با اونا دارن، اون ها اپورتونیست نیستند.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اون ها کسانی هستند که سر مواضع خودشون وایسادن. سر مواضع طبقاتی خودشون ایستادن.

**تقی شهرام:** ... بله.

حمید اشرف: ... اون ها کسایی هستند که با خرده بورژوا  
هستن ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... در حقیقت، یک طبقه، یک واقعیت اجتماعی هستند.

تقی شهرام: ... ولی خرد ...

حمید اشرف: ... آیا ما یک طبقه را می خواهیم؟

تقی شهرام: ... ولی خرده بورژوا، این نکته مهمه.

حمید اشرف: ... دقیقا، درسته خرده بورژواست.

تقی شهرام: ... ولی این خرده بورژوا، در واقع این جا حقتش ضایع شده، و ما که در این جریان در واقع اومدیم در یک جریان انقلابی، اونچه که منافع، اساسی ترین منافع توده های زحمتکش ماست اعلام کردیم، ما در واقع، یک کار در واقع نادرستی کردیم! یعنی، حق مثلا این خرده بورژوا رو ضایع کردیم در این جریان! یعنی یک چنین نتیجه گیری بیرون می آد!؟

بهروز ارمغانی: ... نه رفیق! این نتیجه گیری درست نیست. نتیجه گیری این شکلیه، که ما خواستیم با یه حرکتی از یک ...

تقی شهرام: ... مثلاً یک ...

بهروز ارمغانی: ... پیشرو ...

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... بخواهیم تمامی خواست ها و تمایلات یک قشر از جامعه رو نادیده بی انگاریم، و این یه مقدار به نظر می آد که ذهنیه.

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... یعنی ...

تقی شهرام: ... یعنی شما این جا ...

بهروز ارمغانی: ... اعلام مواضع ...

تقی شهرام: ... ما را متهم به چپ روی می کنید، در مورد موضعگیری مون! یعنی، در واقع، این یک معنانش اینه، که متهم می

کنید به چپ روی. یعنی، در واقع نادیده گرفتیم این موضع را. در  
وا ...

**بهروز ارمغانی:** ... تصور شما به نظر من الان این بوده یا الان هم  
هست این.

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**بهروز ارمغانی:** ... که با این اعلان مواضع ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... از طرف رفقای مارکسیست مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... بطور کلی جلوی هر گونه تشکل خرده بورژوازی  
را در آینده خواهد گرفت.

**تقی شهرام:** ... خوب، حالا ما همه این ها را بحث خواهیم کرد که  
این طورها نیست. شاید، ما وقتی که بحث می کنیم، به شما می گیم،  
حالا دونه دونه این ها را من بحث می کنم این جا براتون. که ما می  
گیم رفقا بذاریم جلسه که ما به جریاناتی است راجع به تشکل همین  
گروه های مذهبی، ما می خواهیم با شما در واقع تبادل نظر بکنیم. و  
شما می گید نه، ما حالا موضعی داریم می نویسیم و ننوشتید هم  
بدین. حالا می بینید که این طوری نیست. ما نه تنها جلو نمی گیریم،  
بلکه اگر واقعا انقلابی باشه، و بنشینیم در بین نیروهای مارکسیست،  
واقعا این مسئله در سطح جنبش و نیروهای مارکسیستی یه، بنشینیم  
واقعا به توافق برسیم، ما الان داریم بهشون کمک هم می کنیم. شما  
چه خبری دارید؟ حالا بعد بحث می کنیم. ما حتی کمک هم می کنیم.  
منتهی واقعا این برامون، واقعا ابعادش روشن نیست که محدوده  
کمکی که ما می توانیم به این نیروها و تشکلشون بکنیم چه اندازه  
هست؟! ما نشون می دیم به شما که، چقدر در این موارد شما دچار  
ذهنی گرایی شده اید. تک به تک این سوالاتی که این رفیق مطرح  
کرد، ما مطرح می کنیم. شما فکر می کنید که مثلا ما، فکر کردیم که  
اگر ما این بیانیه را دادیم اولاً دیگه جلوی هر گونه تشکل مثلا مذهبی  
گرفته می شه! ثانیا، مثلا خیلی از نیروها هم به این اعتبار که ما این

حرف را دادیم، به اعتبار خواندن این بیانیه، مثلا مارکسیست می شن؟ بعد هم مثلا دلون خوشه که مثلا دیگه هر جریان مذهبی را از بین بردیم و خرده بورژوازی هم به این ترتیب دیگه برای ابد اصلا، نه تنها رهبریش، بلکه اصلا مبارزه اش منتفی شده.

**بهروز ارمغانی:** ... خوب ببین رفیق! این مسئله چیزی نیست که ما فکر کنیم.

**تقی شهرام:** ... نه حالا در عمل می بینیم.

**بهروز ارمغانی:** ... این مسئله ای است که ما فکر می کنیم شما اینجوری تصور دارید.

**تقی شهرام:** ... خب آخه رفیق، حالا ما در عمل به شما نشون می دهیم!

**بهروز ارمغانی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... ما نشون می دیم که در عمل این طور نیست. ما نشون می دیم که در عمل شما در واقع درست استنباط نکرده اید از موضعگیری های ما. این رفیق، ببینید یک به یک من جواب می دم. این رفیق می گه که حفظ امکانات خرده بورژوازی ...

**بهروز ارمغانی:** ... پس ببین، قبل از جواب دادن یک نکته، خیلی چیزی هم من دارم ...

**تقی شهرام:** ... بگو.

**بهروز ارمغانی:** ... اضافه کنم به اون موارد.

**تقی شهرام:** ... اشکال نداره. اشکال نداره.

**بهروز ارمغانی:** ... اون هم آینه که ...

**تقی شهرام:** ... آه ه ه ...

**بهروز ارمغانی:** ... این شکل اعلام تغییر مواضع هم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... تو اذهان مردم، یا تو اذهان لااقل تو ذهن من این رو آورده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... که چرا خیلی تدریجی و بفهمی نفهمی صورت

گرفته؟

**تقی شهرام:** ... آها! از نظر این که قبلا آیه را برداشتیم و این ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... آیه را برداشتید ...<sup>۸</sup>

**تقی شهرام:** ... خب این رو برای ... من توضیح می دم.

**بهروز ارمغانی:** ... و مواردی وجود داشته که مثلا خوانایی نداشته.

قضایا به اصطلاح حالت جریان کامل نبوده ...

**تقی شهرام:** ... کجا؟

**بهروز ارمغانی:** ... بله؟

**تقی شهرام:** ... تو همان بیانیه؟

**بهروز ارمغانی:** ... نه تو بیانیه، به طور کلی از اون لحظه که شما

شروع کردید آیه را برداشتن.

**تقی شهرام:** ... آها! حالا می گم براتون.

**بهروز ارمغانی:** ... بله. به اضافه این که، بعد مثلا این سوال

بوده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... که من شنیدم، در محیط هم بوده حداقل ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... که آیا این کتاب بیانیه درست به اصطلاح به

طبق ضرورتی، که حوادث پیش آمده به وجود آورده بود منتشر شد، و

یا می خواست بعدها منتشر بشه؟ و زود این به اصطلاح تسریع کرد

این قضیه رو ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... یا چی بوده قضیه؟

---

۸ - منظور آرم سازمان است که در پیش از اعلام تغییر ایدئولوژی سازمان به همراه آیه: "فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً"، که بخش آخر آیه نود و پنج از سوره النساء در قرآن بود و کمی پیشتر (اسفند ۱۳۵۳) از اعلام بیرونی تغییر ایدئولوژی در مهر ماه ۱۳۵۴ از روی آرم سازمان برداشته شد و همچنین برخی از سمبل های آرم نیز تغییر کرد. برای مشاهده این دو آرم می توانید به سایت اندیشه و پیکار، بخش اسناد سازمان مجاهدین خلق ایران مراجعه کنید.

**تقی شهرام:** ... خب الان من همه این ها رو توضیح می دم. ببینید، من توضیح می دم، منتها واقعا شرطش خیلی مشخصه. این که شما ممکنه قبول بکنید یا نکنید، به هر حال من توضیح ام رو می دم. می توئم از همین پایین توضیح بدم، راجع به مسئله تدریجی و به مرورش. شاید شما باور نکنید، دقیقا از روزی که ما شروع کردیم به نوشتن این، یعنی زمستون بعد از "مقاله پرچم"، ما تصمیم گرفتیم این رو اعلام بکنیم. بعد از "مقاله پرچم"، بلافاصله جریانات خانه گردی ها پیش اومد. خانه گردی<sup>۱۰</sup> ...

**حمید اشرف:** ... "مقاله پرچم" رفیق چی هستش حالا؟  
**جواد قائدی:** ... اون "مقاله پرچم" مبارزه ایدئولوژیکه، یه اشاره ای هم بهش شده.

**تقی شهرام:** ... ببینید، ما در زمستون، اوایل زمستون، زمستون ۵۲[۱۳]، به طور قاطع در تشکیلات طرح کردیم که در واقع ما با مبارزه ایدئولوژیک می ریم تو پهنای فلسفی و در واقع از نظر داخلی اعلام کردیم، چی رو؟ موضع مارکسیستی سازمان را. از نظر داخلی. از همون موقع وقتی به این نقطه رسیدیم ما تصمیم به نوشتن گرفتیم. در واقع مقدماتش هم آماده شد. و برخورد کردیم با جریانات مربوط به خونه گردی ها. خونه گردی ها اجبارا این ها را به عقب انداخت، نوشتن این و. به طوری که ما حتی خیلی از کارهای سیاسیمون هم به عقب افتاد. خیلی، برنامه هایی داشتیم همه اش به عقب افتاد. حتی مثلا نشریه داخلی ما چندین ماه خوابید، بخاطر همین جریان. حتما خودتون هم تو جریانش هستید دیگه، می دونید چه وضعیتی بود. خب ما خیلی تغییرات زیادی در سازماندهی به وجود آوردیم. اولین، به

---

۹- اشاره به، مقاله "پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم" که در آذر ماه ۱۳۵۲ به صورت درونی منتشر شد. این مقاله نیز در سایت اندیشه و پیکار قابل دسترسی است:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/parchame-mobarezeh.pdf>

۱۰- اشاره به، خانه گردی های ساواک از اواسط آذر ماه تا اواخر زمستان ۱۳۵۲ است که باعث جابجایی و از بین رفتن بسیاری از امکانات هر دو سازمان شد.



اصطلاح همون مقدمه، در واقع مقدمه دوم، که در همون بیانیه هست، این در حوالی عید ۱۳۵۴ [۱۳] نوشته شد. همین جریان ادامه داشت، یعنی مقدمه نوشته شد و داشت و نه مقدمه اول، مقدمه سیاسی نه، مقدمه اول که بحث می‌کنه علل در واقع انتشار این بیانیه<sup>۱۱</sup>. این ادامه داشت تا حدود، در واقع نوشته شد تا جریانات در اردیبهشت بود دیگه، جریانات عمل نظامی و فلان این‌ها پیش اومد<sup>۱۲</sup>. ما تصمیم داشتیم که در واقع بیانیه رو در تابستون، یعنی تابستون داشت تموم می‌شد دیگه کارهای چاپ اش و الا آخر، که قضیه رفقا و ضربه ای که رفقا خوردن تو تابستون پیش اومد<sup>۱۳</sup>. یعنی این ضربه اتفاقا این قضیه را به عقب انداخت. یعنی همه چی آماده شده بود، همه قضایا پیش، حل و فصل شده بود، این ضربه باز هم مدتی قضیه را به عقب انداخت و اون مقدمه مربوط به اون مقدمه ابتدایی اش، یعنی ما این طوری قصد داشتیم که، این بیانیه رو ما بنویسیم، بیاریم تا سال پنجاه و در واقع چهار. یعنی، این دو سال، این مقداری هم که حذف شده، این‌ها هم نوشته بشه. بعد، بعد از این، اون قسمت سیاسی رو، اون قسمتی که بعدا در این مقدمه اومده، نمی‌دونم دقت کردید یا نه، اون قسمت که راجع به اصطلاح بحث راجع به جنبش و این حرف

---

۱۱ - در بیانیه دو مقدمه وجود دارد. اصل بیانیه در زمان انتشار از حدود چند ده صفحه بعد آغاز می‌شود که خود، مقدمه ای جداگانه دارد. اما پیش از این مقدمه ای بر آن مبنی بر دلیل تاخیر در انتشار بیانیه، هدف از انتشار این رساله، مبارزه ایدئولوژیک و مراحل مختلف آن، مقاومت‌ها، مشکلات و موانع راه و ... آمده است که در بهار ۱۳۵۴ نوشته و بعدا با سیر روند اتفاقات برای سازمان، تکمیل شد. رفیق تقی شهرام منظورش همین مقدمه است.

۱۲ - اشاره به، "اعدام انقلابی" دو مستشار نظامی آمریکایی، سرهنگ پل شیفر و سرهنگ جک ترنر در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۴ بود که اطلاعاتیه سیاسی نظامی شماره ۲۲ سازمان در اول خرداد ۱۳۵۴، درباره این عمل انقلابی منتشر شد. برای اطلاعات بیشتر به کتابچه سه بیانیه از سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۵۴) در سایت اندیشه و پیکار مراجعه کنید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Se-Bayaniyeh-Mojahedin.pdf>

۱۳ - اشاره به، ضربات تشکیلاتی است که متعاقب آن تعداد بسیاری از اعضا و هواداران سازمان دستگیر شدند و امکانات بسیاری از بین رفت.

ها می شه، اونو در پایان این، به عنوان یک ضمیمه، به عنوان یک نقطه نظر سیاسی - استراتژیک طرح کنیم. منتهی، و یادداشت هایی هم تعیین شد، حتی یک سری از یادداشت هاش هم هست. ولی این ضربات باعث شد که ما، در واقع این مسئله، در واقع، تدوینش باز به عقب بیفته و ما دیگه انتشارش رو امکان پذیر نمی دیدیم. باز همین طور صبر بکنیم تا چطور بشه، تا آخر شاید تا مثلا اواخر سال طول بکشه. ما این رو دیگه منتشرش کردیم، بدون این که اون قسمت مربوط به سال های بعدش، چطور بشه، نوشته بشه. البته، این فکر هم بود بین رفقا که دو جلدش بکنیم، به جلدش رو قسمت اول بدیم و به جلدش رو هم قسمت دوم. و اصلا مسئله مربوط به این که این حوادث پیش اومده، ما این رو به اصطلاح الان نوشتیم، اصلا حتی اولا امکان نداشت، ما، این حوادث کی بوجود اومد، اگر شما دقت کرده باشید؟! حوادث مثلا مربوط بود به ...

**جواد قائدی: ... مر داد.**

**تقی شهرام:** ... مر داد دیگه، ما مهر این رو منتشرش کردیم. این لاقل، این خیلی برای شما قابل فهمه که خوب نمی تونست مثلا از مر داد تا مهر این نوشته بشه. ها، می شد هم چنین چیزی؟! انتشارش و تایپش و نوشتنش و، بعد تکثیرشو این حرف ها می تونست از مر داد تا مهر صورت بگیره؟ ها؟! این واقعا امکان پذیره؟ این ماله این مسئله. اما راجع به تدریجی اش؛ تدریجی اش خیلی مشخصه. برای این که ما چون در داخل تشکیلات این و اعلام کرده بودیم، با "مقاله پرچم" قضیه تثبیت شده بود، روشن شده بود، و بعد این اعلام در درون، تا موقعی که ما به بیرون اعلام نمی کردیم، ما اون جا در دفعه پیش هم رفقا بحث کردن،<sup>۱۴</sup> که عناصر در واقع اون خرده بورژوازی به دلیل تجزیه طبقاتی شون این رو درک می کردن، تا این که ما بتوانیم اعلام بکنیم شرایطش فراهم بشه، خوب به بیرون مسلمه نشر می کنه. ما نمی تونیم به این سادگی، نمی خواستیم هم

---

۱۴ - اشاره به، جلسه پیشین در آذر ماه ۱۳۵۴ است که اسنادش متأسفانه موجود نیست.

نکنیم. ما حتی مثلا فرض کنیم که اعلامیه زندی پور روش بحث بود که واقعا آرم بذاریم یا نذاریم؟<sup>۱۵</sup> آرم یعنی ...

**بهروز ارمغانی:** ... آیه؟

**تقی شهرام:** ... آیه بذاریم یا نذاریم؟ یعنی، اصلا رو این خیلی بحث بود. حتی یه مقدارش هم بدون آیه رفت. بعد گفتند این درست نیستش که تا قبل از این که ما این را انتشار ندیم، این آیه را برداریم. ما این رو به این دلیل گذاشتیم که فکر می کردیم زودتر این منتشر می شه! ولی عملا برخورد شد با اون جریانات و این منتشر نشد، یه سری اشکالات درون تشکیلاتی ... و منتشر نشد که ما دیگه در آمریکایی ها این رو دیگه برداشتیم. یعنی قضیه تدریجا، خود شما خوب می دونین، خوب معلومه توی تشکیلات یه جریان تدریجی حرکت می کنه میاد جلو، حتما یه انعکاساتی هم بیرون داره. همه هم می فهمند، ما هم پنهان نمی کردیم! این ماله این قضیه، یعنی شما فکر می کردید که مثلا ما مجبور شدیم این ها رو اعلام بکنیم؟!

**بهروز ارمغانی:** ... نه رفیق، من تصورم این بود که شاید هنوز به وحدت و انسجام تشکیلاتی نرسیدید.

**تقی شهرام:** ... نه رفیق اصلا هم چنین چیزی نیست. من ...

**بهروز ارمغانی:** ... گاهی این و گاهی اون.

**تقی شهرام:** ... آخه هم چنین چیزی می شه مگه؟! آخه ببینید ...

**بهروز ارمغانی:** ... والله، در یک سازمان التقاطی که امکان پذیر هست.

**تقی شهرام:** ... آخه سازمان التقاطی، خب بلافاصله، وقتی که این التقاطش به یک حد قاطع برسه پاشیده می شه، داغون می شه.

---

۱۵- اشاره به، "اعدام انقلابی" سرتیپ رضا زندی پور رییس کمیته مشترک ضد خرابکاری است که در ۲۶ اسفند ۱۳۵۳ انجام گرفت. اعلامیه سیاسی نظامی شماره ۲۱ که در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۳، منتشر شد دارای هیچ آرمی نبود و با نام خدا نیز آغاز نمی شد. برای مطالعه بیشتر به این اطلاعیه در کتابچه "سه بیانیه از سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۵۴) در سایت اندیشه و بیکار مراجعه شود:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Se-Bayaniyeh-Mojahedin.pdf>

**بهروز ارمغانی: ... همون دیگه!**

**تقی شهرام:** ... اون تا اون موقعیه که ما در واقع نیاییم. آخه وقتی که ما می آیم اون جا، در واقع در شعار، در "مقاله پرچم" مون یه چنین شعاری را طرح می کنیم. من نمی دونم شاید، حالا واقعا من با اون رفیق بحث کردم. ببینید این ها برامون مسئله ای نیست. قبل از این که شما بیاین، با رفیق یه بحثی داشتیم راجع به این جریان ضربات و این ها، که نمی دونم یه قسمتش بودین ...<sup>۱۶</sup>

**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... من گفتم، گفتم واقعا اگر که، چون یه جایی بحثی بود که واقعا دلایل این ضربات چیه و این ها؟ من گفتم ما می تونیم، حتی مثلا این جزوات درون تشکیلاتی مون، که راجع به، جمع بندی شده راجع به این ضربات، بدیم در اختیار رفقا بذاریم. مثلا، از جمله ما مثلا ضربات مربوط به مثلا خونه پایگاهی رو، یا ضربات مشهد<sup>۱۷</sup> و یا جاهای دیگه که داریم، ما از چه تحلیل ایدئولوژیک، نه معنی گفتم معنای خاصش نه، یعنی این که واقعا برمی گشته به یه سری ضعف های انگیزه های رهبری، ضعف های رهبری، برمی گشته به یه سری خصلت ها، انگیزه هاشون. یعنی، ما این چنین تحلیل هایی داریم از ضرباتی که خوردیم. و این ها رو می تونیم در اختیار رفقا قرار بدیم. این جا هم همین طور، این جا هم واقعا، واقعا مسئله ای را حل می کنه، برای ما هیچ مسئله ای نیست. ما می تونیم "مقاله پرچم" را در اختیار شما بذاریم. لاقلا اون قسمتش که برمی گرده به این قضایا. چون مسایل درون تشکیلاتیه. یعنی ببینید، ما اون موقع یک چنین

۱۶ - منظور ضربات تابستان ۱۳۵۴ است که پیشتر توضیح داده شد.

۱۷ - اشاره به ضربه خانه تیمی در کوی طلاب مشهد است که در طی درگیری با نیروهای ساواک رفقا، محمد صادق کفاش تهرانی و علی اصغر دوس در ۴ مرداد ۱۳۵۴ به شهادت رسیدند و افراد دیگری به چنگ رژیم افتادند. به جزوه امنیتی "تحلیل ضربه مشهد (۱۳۵۴) در سایت اندیشه و پیکار مراجعه شود:

<http://www.peykar.org/PeykarArchive/Mojahedin-ML/jozveye-amniyati/12-jozveye-amniyati-Zarbeye-Mashhad-1354.pdf>

قاطعیتی رو نشون می دیم در تشکیلات. در یک این تشکیلات التقاطی، حرف شما درست. ولی وقتی چنین قاطعیتی داره به یه سمت حل می شه، این تشکیلات التقاطی باید از هم بپاشه. خوب، پاشیدنش هم معلومه، این پاشیدنش هم یه سیر طی کرده. منتهی یه مسئله است این جا. ما این و تونستیم، در واقع، واقعا با یک، چی بگم براتون، یعنی با یک عملکرد خیلی به اصطلاح شاید اسمش و مثلا بذاریم، ... بذاریم مثلا فرض کن با یه هدایت شاید نه خیلی قوی، یا یک رهبری خیلی شاید قوی و از نظر ما صحیح، ما تونستیم این تصفیه ها رو، و این نوع در واقع تصفیه کردن سازمان را، و این که التقاط نتونه، یعنی التقاط در واقع تضادش رو به نفع تفکر انقلابی و تفکر مارکسیستی حل بکنیم، ما در این جریان همین رشد مبارزه ایدئولوژیک، ما این ها رو هی تصفیه می کردیم. مثلا، ما در داخل تشکیلات تا یه مرحله نیومدیم فشار را دقیقا بگذاریم رو مذهب. ما اومدیم شروع کردیم، از یه انحرافات دیگه شروع کردیم. انحرافات که واقعا هم مسئله بود برامون، در رابطه با روز. کما این که اون رفیق یه مقدار، اون رفیق رابط قدیم<sup>۱۸</sup>، اون رفیق دیگه را تحت، یه مقدار، صحبت کرده بود گفته بود که مثلا ما با جریانات انحرافات گوناگونی روبرو بودیم. این ها رو پیش کشیدیم. در یک مرحله این ها رو به طور اصولی برجسته کردیم و با این ها مبارزه کردیم. مبارزه با این ها باز یه سری تجربیات به ما داد. یه سری عناصر رو تصفیه کرد. یه سری به ضوابط ما افزود. مثلا، ما یه جریانی داشتیم به نام "اپورتونیسم چپ نمای سلطه طلب"<sup>۱۹</sup> که این رفیق بعدا فکر کرده بود که اون موقع مثلا اگه می گیم "چپ"، منظورمون مارکسیسمه. یادش نمی دونم هست یا نه اون رفیق. گفته بود رفیق منظور مارکسیست هان؟ گفته بود، نه بابا اپورتونیسم چپ نما، نه اون چپ. به هرحال یا چپ اصلا. اپورتونیسم چپ نما. بعد ما با این مسئله در حدود یک سال یه مبارزه

۱۸- اینکه منظور چه کسی ست معلوم نشد.

۱۹- اشاره به یکی از مطالب منتشره در مقاله "پرچم ..." است که در آن به رفیق علیرضا سپاسی آشتیانی - البته بدون ذکر نام او- به عنوان "اپورتونیست چپ نمای سلطه طلب" برخورد شده است.

ای رو، حدوداً ۹ ماه پیش بردیم، جمع بندی هایی کردیم. نشون دادیم که این چه جریانیه. یا با جریان پاسیفیستی مثلاً مبارزه کردیم، جریاناتی که همین طور آمد سلسله مراتب جلو، تا خودش رسوند به کجا؟ به اون پایگاه در واقع اصلی این ایده آلیسم در درون سازمان، و اون پایگاهش مذهب بود. ما یه دوره مثلاً در واقع یه سری مقالاتی که همان "جزوات سبز"<sup>۲۰</sup>، همان جا نمی دونم اومده دیگه، ما بررسی کردیم، ما نیومدیم روز اول مسئله مثلاً فلسفه اسلامی را بیاییم طرح کنیم! ما اومدیم نشون دادیم در اونجا انتقادات زیادی کردیم به خط مشی سیاسی مون، به نقطه نظرهای سیاسی مون، ما اونجا نشون دادیم. مثلاً چه جوری رابطه داریم این ایده آلیسم با ما، مثلاً با تحلیلی که مثلاً از اصلاحات ارضی می شده یا از تحولات سال های چهل می شده یا مثلاً از پانزده خرداد می شده، مثلاً ما این ها را مشخصاً اون جا نشون دادیم. نشان دادیم که مثلاً رفقا به چه دلیل نتونستن ضربه شهریور پنجاه را تحلیل کنن، و تحلیل هایی کردن به چه دلیل غلطه، به دلیل این که یه پایگاه ایده آلیستی در تفکرشون هست. این ها را ما کار کردیم. ما در واقع، واقعا ما هیچ ابایی نداریم، زحمت کشیدیم. این کار رو در درون تشکیلات کردیم و از همین جا، در واقع خب، از همین جا تصفیه ها شروع می شد! نه از این که طرف مذهبی، اعتقاد به خدا داره، گوشش را بگیری بندازی بیرون! این جاها نشون می داد خودشو، خود بخود تصفیه می شد. این می اومد جلو تا می رسه به کجا؟ می رسه به در واقع اوایل زمستون ۵۳ [۱۳] و تا زمستون ۵۳ [۱۳] در واقع این دو سال طول می کشه دیگه، این در واقع یک سال و نیم، یک سال و دو ماه تقریباً. اوایل زمستون پنجاه و سه در واقع اعلام کامل مواضع، نه دیگه،

---

۲۰- جزوه ای که بخاطر انتشار بر روی کاغذهای سبز رنگ و صرفاً بخاطر امکانات موجود، تکثیر شده بود، به نام "جزوه سبز" درون سازمان معروف شد. این جزوه در اوایل تابستان ۱۳۵۳، تألیف گردیده بود. آن را می توانید در سایت اندیشه و پیکار بیابید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Jozveye-Sabz.pdf>

زمستون هم تازه نه، قبل از، یعنی آذر. آذرماه.

**جواد قائدی:** ... نشریه آذر ماه<sup>۲۱</sup>.

**تقی شهرام:** ... نشریه آذر ماه. به طور قاطع، این مبارزه را ما سمت چپ می‌دیم؟ فلسفی‌اش و در واقع مذهب را این‌جا هدف قرار می‌دیم در مبارزه مون. و در اون مقاله<sup>۲۲</sup> به طور قاطع موضع ما را در داخل تعیین می‌کنیم. و طبیعتاً این موضع در خارج انعکاس پیدا می‌کنه. به همین دلیل هستش که شما می‌بینین مثلاً قبل از این، البته شما متوجه نشده بودین ولی دیگران متوجه شده بودند، قبل از این چنین جریاناتی قشنگ تو جامعه حتی موجوده به طوری که ما اون‌جا بیخودی نوشتیم مثلاً فرض کنیم ما عناصری بودند از خرده بورژوازی، نه آقا چرا این کار رو می‌کنید؟ فلان و حالا حتی اومدن گفتن اگر مارکسیست شدید، بشید اعلان نکنید<sup>۲۳</sup>، یه برنامه‌هایی! عناصری که مثلاً به حساب خودشون قطبی هستن، فلانن، بهمانن. خب، این جریاناتی بودش که به این شکل جلوه‌گر می‌شد، مشخص هم بود. ما در داخل این رو به طور قاطع روشن کرده بودیم، تا بیاد در خارج اعلامش بکنیم مدتی طول می‌کشید.

**حمید اشرف:** ... آن وقت رفقا، ضمناً، یک سوالی داشتم این

---

۲۱ - در آذر ماه ۱۳۵۲، جزوه "پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراشته‌تر سازیم" منتشر شد از سوی دیگر می‌تواند اشاره به نشریه یا خبرنامه امنیتی سازمان باشد که تا مهر ماه ۱۳۵۲ زیر نظر شهید مجید شریف واقفی منتشر می‌شد و بالاگرفتن اختلافات درونی، این مسئولیت از وی گرفته شد و در اواخر آذر ماه یا اوایل دی ماه ۱۳۵۲ اولین نشریه با مسئولیت جدید و محتوای متفاوت منتشر شد. این نشریه در سایت اندیشه و پیکار موجود است. در مقدمه کاملاً به وضوح مشخص است که مسئولیت این نشریه از شهید شریف واقفی گرفته شده است.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/jozveye-amniyati/01-jozveye-amniyati-135210.pdf>

۲۲ - احتمالاً، اشاره به مقدمه نشریه خبرنامه امنیتی در مورد چرایی تاخیر چند ماهه در انتشار این نشریه است.

۲۳ - در اینجا می‌توانید به مصاحبه پیکار با حسین روحانی و تراب حق شناس مراجعه کنید:

<http://www.peykar.org/articles/642-pepykarkhomeini.html?showall=1>

وسط ...

**تقی شهرام:** ... بله بفرمایید ...

**حمید اشرف:** ... فکر می کنم ...

**تقی شهرام:** ... بگو.

**حمید اشرف:** ... بد نباشد بکنم، اینه که در مورد این که شما این جزوات تون این ها را با ما طرح بکنید، بدهید ما بخونیم، بالاخره چه ضرری می دیدید در این مورد؟

**تقی شهرام:** ... خب این و می تونم این رو توضیح بدم. ببین رفیق، ما به شما اعتماد نداشتیم! می دونید خیلی رک، ما موضع، به نظر ما نه از نظر به اصطلاح به اصطلاح اش چون ما مذهبی شما مارکسیست، ما معتقد بودیم شما موضع مارکسیستی نسبت به ما ندارید! همه حرف رفقا هم در جلسه قبل<sup>۲۴</sup> اینه که میخوان به شما بگن، رفقا شما نسبت به ما موضع مارکسیستی نداشتید! حتی اگر ما یه سازمان خرده بورژوازی بودیم، شما وظیفه مارکسیستی خودتون را در قبال ما انجام ندادید! این اون چیزی بودش که ما بهش معتقد بودیم. و به این به اصطلاح برخوردهای شما، و مسایلی هم که شما ایجاد می کردید، این جریانات را، در واقع این سوء ظن ها رو، این عدم اعتمادها رو هم چه کار می کرد؟

**حمید اشرف:** ... این اعتقاد را شما چند وقت داشتید؟

**تقی شهرام:** ... ما این را از، می دونید از کی؟ ما این اعتقاد را ... تقریباً، اگه خواستی می تونم، می خواهی کامل توضیح بدم؟ مثلاً چه جوری به وجود اومد؟ یعنی چه جوری اصلاً این اعتقاد به وجود اومد؟ ببین رفقا! در حدود، اون موقع یادت هست تو اومده بودی راجع به پول چیز صحبت می کردی، "لوتی"، ها؟<sup>۲۵</sup>

---

۲۴ - اشاره به جلسه پیش از این جلسه است که حداقل دو رفیق از مجاهدین با رفیق حمید اشرف ملاقات داشتند.

۲۵ - در اوایل سال ۱۳۵۲، رفیق مصطفی شعاعیان مبلغ ۸۰ هزار تومان پول در ملاقاتی به رفقا رضا رضایی و بهرام آرام می دهد که سازمان مجاهدین در صورت نیاز استفاده کند. پس از وحدت گروه شعاعیان با سچفخا در خرداد ۱۳۵۲ رفیق



## حمید اشرف: ... خب.

**تقی شهرام:** ... از اون جا، در واقع به اصطلاح ما اولین نشونه هاش را دیدیم. تا اون موقع رفقا با شما یه برخورد، یعنی ما این برخورد را داشتیم، به اعتبار همون نقطه نظرامون دیگه، یعنی یه برخورد بیشتر عاطفی می شد، نه اصولی. از اون جا، وقتی تو آمدی گفتی نه آقا، رفیق اصلا مطرح نیست، مسئله پول چیزی نیست، فلان، بهمانه. من اون جا، بچه ها متقاعد شدند که، واقعا تو راست می گی، یعنی مسئله پول مطرح نیست، چون قبلش هم ما گفتیم که اگه پول می خواد بیاد بگیره، این حرفا. بعد که اون جریانات، یعنی روشن شد، یعنی از نظر ما شواهدی به دست اومد که واقعا شما، تو مخصوصا لوتی<sup>۲۶</sup> را آورده بودی اون جا که اون پول رو از ما بگیره، یعنی گرفته بشه، یعنی یه همچو جریاناتی این ها روشن شد، این اولین نمونه ای بودش برای این که چی بشه؟ اولین نمونه ای بود برای این که ما ببینیم شما با ما یه برخورد در واقع چی دارید می کنید؟ یه برخورد دیگه ای دارید می کنید. یعنی برخلاف اون ظاهری که نشون می دید، یه برخورد دیگه ای دارید. بعد سلسله مراتب ش زیاده، از نمی دونم ندادن کتاب "اقتصاد نیکیتین"<sup>۲۷</sup> گرفته، تا نمی دونم

---

حمید اشرف در ملاقاتی با رفیق بهرام آرام در تابستان ۱۳۵۲، خواهان بازگرداندن این پول به مصطفی شجاعیان و در نتیجه سچفا می گردد. مجاهدین معتقد بود که سچفا با انتقاد به مصطفی شجاعیان او را وادار به بازپس گرفتن پول کرده بود. این مسئله باعث کدورت و انتقاد رفیق بهرام آرام از حمید اشرف و سچفا می گردد. همچنین در نامه اول رفیق شجاعیان به سچفا هم در مورد این پول نوشته است: "... رفیق فاطمه (شهید مرضیه احمدی اسکویی) که آن پول ها را به "مجاهدین" بخشیده بودم و حتما به آن برادر مجاهد گفته بودم که رادیو ها بیت المال است ...". هشت نامه به چریک های فدایی خلق، مصطفی شجاعیان، به همت خسرو شاکری، نشر نی، ۱۳۸۸، ص ۴۸.

۲۶ - لوتی، همان رفیق مصطفی شجاعیان است.

۲۷ - مبانی اقتصاد سیاسی، نوشته پیترا یوانوویچ نیکیتین، در شناسنامه این کتاب آمده است که مترجم آن ع. نوریان و کتاب در اسفند ۱۳۵۲ توسط نشر صدای معاصر منتشر شد، اما قبل از توزیع کتاب، تمام نسخه های آن توسط ساواک جمع آوری و نابود شد و مترجم و ناشر کتاب هم مدت ها به زندان افتادند. مترجم در مقدمه از همکاران خود و از جمله " [شهید] حمید مومنی (م بیدسرخ) از اعضای

جریانات تایر، تا خیلی چیزها هست. این ها مسایل خیلی جزییه.

**حمید اشرف:** ... ندادن کتاب اقتصاد نیکیتین چی هستش؟

**تقی شهرام:** ... مدت ها مثلا ما اقتصاد نیکیتین می خواستیم از شما، "اقتصاد سیاسی" نمی دادید، در حالی، مثلا از این حرف ها. خیلی زیاده، از این چیزای خیلی جزییه دیگه.

**حمید اشرف:** ... یعنی ما داشتیم و نمی دادیم؟

**تقی شهرام:** ... آره ما خبرش رو داشتیم که دارید.

**جواد قاندى:** ... جزو انتشارات تون هم این دفعه اعلام کردید که نیکیتین را چاپ کردین.

**حمید اشرف:** ... درست می دونید که در چه تاریخی شده؟

**تقی شهرام:** ... نه اصلا خود، ها؟ نه ...

**جواد قاندى:** ... نه چاپ برون سازمانی شون.

**تقی شهرام:** ... یا مثلا، می دونید خیلی هست. الان من حضور ذهن ندارم. می شه اینا رو روشن کرد چیزهای از این ها زیاده. از این جا شروع شد، و ما مرتبا مواضع، در واقع حتی مثلا در اعلامیه هایتون ...

**حمید اشرف:** ... جریان تایر را هم می دونید چی هستش؟

**تقی شهرام:** ... اصلا نمی خوام. هیچ مسئله ای نمی خواهد طرح بشه، مهم نیست اینا. از این جا این جریانات شروع می شد، بعد مثلا این ...

**حمید اشرف:** ... جریانات، این که ما شناخت مارکسیستی از شما نداشتیم چیه؟

**تقی شهرام:** ... آهان، شما برخورد مارکسیستی نمی کنید! یعنی می دونی، در واقع ما برخوردی که، چون می دونید در واقع رهبری سازمان به طور، به دلیل یک سری جریانات سریع تر طبیعتا مارکسیست شد. البته خب این هم ... یه مسئله رو به قول معروف

---

سچفا، باقر مومنی و مرتضی بهنیا "تشکر می کند. چاپ دوم کتاب در اسفند ۱۳۵۲ توسط انتشارات شباهنگ انجام گرفته است. نسخه دیگری از این کتاب توسط ناصر زرافشان ترجمه و توسط نشر آگاه در سال ۱۳۸۷، منتشر شده است.

بہتر حل می کرد، ہم ممکن بود احياناً اگر واقعا توجه نشه يه جريان غلط هم بوجود بياره. ما در واقع می دیدیم که شما يه موضع مارکسیستی نسبت به ما نمی گیرید. ما تو چار ... ، ما تو يک تنگناهایی هستيم، ما نمی تونيم در واقع ما، مثلا فرض کنید در مواضع خودمون، مثلا، مواضع تو اين اعلاميه ها داريم، من عمدتا اعلاميه های دو سال اخير رو می گم، شما مثلا کجاها می تونيد به ما ايراد بگيريد که ما موضع های در واقع غير مارکسیستی داشتيم؟ حتی شما مثلا بيانیه دانشجویی ما<sup>۲۸</sup> بيانیه زندگی پور<sup>۲۹</sup>، بيانیه نمی دونم قابوس<sup>۳۰</sup>، چیز، اعلاميه ها. شما بررسی کنید. ما درسته که اون آرم آيه را می زدیم اون بالا، ولی واقعا خودمون هم چی بوديم؟ دل چرکين بوديم. چرا حالا نمی تونستيم برداريم؟ به دليل اين که کار درون تشکيلاتی ...

[نوار برای مدتی در اين جا قطع می شود]

... هيچ وقت نمی تونستيم اين پوسته را بشکنيم. دقت می کنید؟ برای اين که کار لازم در درون تشکيلات صورت نگرفته بود. اصلا ما اگر می خواستيم مثلا يه موقعی اعلام بکنيم، يه چیزی خب دو نفر آدم، پنج نفر آدم بقيه اصلا تو جريان نبودن، بايد برده می شد توشون، ببينيد اگر اين تو جريان نبودن، نه اين که زمينه های عینی اش فراهم نشده بود، بايد زمينه های ذهنی اش را هدايت می کرديم. اين خیلی نکته مهميه ها! يعنی نقش رهبری اين جا مهمه. يعنی ما

---

۲۸ - اطلاعیه سیاسی نظامی ۱۸، انفجار مقر گارد دانشگاه صنعتی، اردیبهشت ۱۳۵۳.

۲۹ - اطلاعیه سیاسی نظامی ۲۱، اعدام انقلابی سرتیپ رضا زندگی پور، اسفند ۱۳۵۳

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Se-Bayaniyeh-Mojahedin.pdf>

۳۰ - اطلاعیه سیاسی نظامی ۱۷، بمب گذاری در مسیر سلطان قابوس در میدان

شهید، اسفند ۱۳۵۲. در باختر امروز شماره ۵۳ هم آمده:

<http://peykarandesh.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-53.pdf>

در يك جریان خود به خودی مارکسیست نشدیم! و این اشاره هم شده تو اون بیانیه. خب، بنابراین ما متوجه بودیم، ما می فهمیدیم که در واقع موضع مارکسیستی یعنی چی. می فهمیدیم که حتی یه سازمان مارکسیستی با یه سازمان خرده بورژوایی این طوری برخورد نمی کنه. یعنی زرنگی های خرده بورژوایی نشونه نمی ده. نمی خواد مثلا از طریق، نمی دونم فرض کنید که برخوردهای مثلا پیچیده و زرنگ مآبانه، مثلا مسئله مثلا هرژمونی پرولتاریا را پیش ببره. این یه کار بچگانه ایه. این که مثلا دو تا عملیات ما نوشته نشه، در قبال این که مثلا ما حتی عملیات شما رو جلوتر از عملیات خودمان نوشتیم، این برای ما پوزخند داشت.<sup>۳۱</sup> یعنی برای ما این بودش که واقعا رفقا از موضع مارکسیستی برخورد نمی کنن. یک مارکسیست هیچ وقت برخوردش درست همون پاسخ برخورد یه خرده بورژوا نیست. خوب معلومه چه برخوردی می کنه، اون برخورد مشخص، اصولی، قاطع و درهمون چارچوب های خودش سازش ناپذیر داره. در عین این که موضع طرف از نظر تاریخی هم براش مشخصه، در عین این که هرگز هم نمی خواد مثلا به این شیوه های خرده بورژوایی مثلا طرف را تضعیف بکنه، یا مثلا برخورد بکنه، به این اعتبار که فکر کنه گویا اینا مثلا منافع پرولتاریا را برآورده می کنه. که در واقع این ها منافع پرولتاریا را برآورده نمی کنن. اینا منافع یک قشر مثلا به قول ما رهبری سازمان را برآورده می کنه. اینا مشخص نیست. این مسایل

---

۳۱ - از همان اطلاعیه سیاسی نظامی اول و تا حتی اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۲۰ در تیرماه ۱۳۵۳، در صورت عملیات همزمان و یا مشترک، به خاطر احترام و ایجاد همبستگی، در اطلاعیه ها اسم و عملکرد رفقای فدایی پیش از عملیات مجاهدین می آمده است. در یک اعلامیه سیاسی که در پنجم خرداد ۱۳۵۱ و یک روز پس از اعدام ۵ رهبر سازمان مجاهدین منتشر شد و در نشریه باختر امروز شماره ۲۷ در خارج از کشور باز انتشار یافت آمده است: "درود بر همه شهیدان خلق از گروه پیشتاز "چریک های فدایی خلق" نخستین حماسه آفرینان انقلاب مسلحانه خلق ایران که با خون پاکشان، آنقدر به نهال انقلاب نوشاندند تا بارور شد. درود بر شهیدان گروه "آرمان خلق" مظاهر صداقت و تهور ..."

به ما نشون می داد که شماها برخورد در واقع مارکسیستی نسبت به ما ندارید. این قسمت از سوال را من نمی فهمم، به اصطلاح از دستم در رفته. شما چه سوالی کردید و من داشتم چه پاسخی می دادم.

**جواد قائدی:** ... که شما چرا به ما اعتماد نداشتید.

**تقی شهرام:** ... آها، اعتماد نداشتیم این بود، از این جاها آغاز می شد. این ها زمینه هاش رو می ساخت. در حالی که ما قبل از، این خیلی مهمه، برخورد عاطفی داشتیم، یعنی برخوردمون جدی نبود. اما بعد سعی می کردیم برخورد چی داشته باشیم؟ حتی الامکان علمی داشته باشیم. ولی این و می دونستیم که، این خیلی نکته مهمیه، که تا به موضع مارکسیستی نگیریم، نمی تونیم به شما انتقاد کنیم. این نکته خیلی قابل اهمیتی یه ها! برای این که ما انتقاد اگر به شما، هر انتقادی که بکنیم، در یک مورد غیرمارکسیستی، شما خیلی ساده و صریح می تونستید برگردونید به مثلا مواضع طبقاتی ما. یا اصلا در واقع نتونید به این سادگی، نتوانید قبول کنید یا نخواهید قبول کنید. ما اون موقع، شما می گفتید که، اون رفیق مطرح می کرد که مثلا تو جلسات که به آن رفیق که، آخه انتقاداتون را به ما بگید، مسئله ای نیست، برخورد می کنیم، بیایید بگید. ولی ما نمی تونستیم رفیق به شما انتقادات بگیم! ما در چه موردی به شما انتقادات بگیم؟ ما بگیم بابا این برخورد کمونیستی نیست؟! این برخورد مارکسیستی نیست؟! تو بعد نمی آیی بگی، مرد حسابی تو خودت مگر کمونیستی که انتظار داری باهات برخورد کمونیستی بکنند؟! تو مگر مدعی کمونیسمی، مدعی مارکسیسمی؟! ما فقط از یه موضع مارکسیستی می تونستیم به شما انتقاد بکنیم! ما اون موقع می تونستیم به قول معروف مچ ضعف های شما را بگیریم که موضع مان مارکسیستی بود. به همین دلیل، در واقع ما موضع سکوتی داشتیم. هی شما با ما برخورد می کردید. هی به قول معروف چپ و راست می کوبیدین. ولی ما چی؟ ما مجبور بودیم تحمل کنیم! اینا خیلی مشخص و رک دارم من براتون می گم. برای این که فکر نکنین واقعا ما یه سیاست پیچیده

ای را، مثلا به معنای خرده بورژوازی اش، می خواهیم پیش ببریم با شما. این ها حقایقی بود و موجودی بود که برای ما مطرح بود. این ها برای در داخل سازمان ما، رفقا توجیه اند. باور کنید، چقدر از زیر به ما فشار وارد می آورد مثلا فرض کنید جریانات، آن موضع گیری های شما را می دیدن. این مثلا جریانات اعلامیه ها، یا چیزهایی که، یا مثلا محدود کردن همه جریانات جنبش مسلحانه تو خودتون. این یکی از مسائلی بودش که هر آدمی که یک خرده به قول معروف اصلا هر کسی ب بسم الله می خواست با ما کار کنه این انتقاد رو به ما داشت. که خوب این ها کی اند، چی اند؟ یا هر چی می نویس، گویا تمام جنبش مسلحانه خودشون و بقیه هیچن! آخه این درسته؟ والله می گفتیم، ما باشون برخورد می کنیم. می گفتیم بر می گرده به مواضع غلط ما. بر می گرده به این که ما موضع اصولی نداریم. ما همین و تبدیل می کردیم به یه زمینه ای برای آموزش و مبارزه ایدئولوژیک. متوجه هستید چی دارم می گم؟ ما می گفتیم این ضعف به ما بر می گرده. اگر رفقای فدائی درست دچار این اشتباه هستن، این ماییم که به دلیل ضعفمون آنها می تونن چنین اشتباهی را بکنن. پس بیایید توانایی هامون و بفهمیم بعد بیایید کار کنیم، بعد بیاییم بفهمیم این ضعف های ما چی هاست و چرا مثلا باید از کجا حل کرد؟ ما همین و تبدیل می کردیم به یه آموزش چی؟ ایدئولوژیک در درون سازمانمون. به ما می گفتن مثلا این ها تو اعلامیه فلان می نویس، تحلیل هایی که بود، نمی دونم اون اعلامیه های مختلفی که هست. نمونه های خیلی زیادی بود، که گویا مثلا جنبش مسلحانه فقط مثلا ما رفقای فدایی ایم! خوب باشه. ما می گفتیم ما چرا نمی تونیم برخورد کنیم؟ چرا نمی تونیم به این ها گوشزد کنیم که آقا، این درست نیست، این برخورد صحیح نیست، این به نوع برخورد گروه پرستانه است، یک نوع شوینیسیم سازمانیه و یا هر چی! هر چی که می آمدند به ما می گفتن به این دلیل که چیه؟ به این دلیل که ما خودمون دچار این ضعف هستیم. به این دلیل که ما نمی تونیم از یک موضع مارکسیستی با رفقای فدائی برخورد کنیم! این مسایل ما بود. این

اون چیز هایی بود که ما به شما بی اعتماد بودیم، دلایلش هم مشخصه، ... حرفی هست در این مورد؟

**حمید اشرف:** ... نه، خیلی خوب بود.

**تقی شهرام:** ... خب، حالا اجازه بدید من جواب هایی که شما در

این مورد طرح کردید، سوالاتی که طرح کردید ...

**جواد قائدی:** ... یه آنتراکتی ممکنه بدیم؟

**حمید اشرف:** ... می تونین صحبت کنید؟!

**تقی شهرام:** ... صحبت کنیم؟

**بهرز ارمغانی:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... خوب در ادامه صحبت قبلی باشه ولی منم بعد ...

**تقی شهرام:** ... بعد بگیرم ...

**حمید اشرف:** ... بعد ... صحبت کنم.

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، باشه ... خب داشتیم راجع به مسئله،

ها، اون سوال ها و جواب اون سوالات. اما راجع به سوال مربوط به

حزب خاص خرده بورژوازی؛ اولاً واقعا برای ما خیلی عجیبه، در حالی

که خرده بورژوازی به شدت علیه ما موضع گرفته و حتی مثلاً فرض

کنید علیه ما تبلیغات و کارهایی هم داره صورت می ده، به خصوص

نیروهای کوراش، تقریباً من براتون توضیح می دم که باز در میان

خرده بورژوازی چه قشرهایی هستند و چه جوری دارن عمل می کنن،

هر کدام یه جای خاصی، به طور کور البته، عناصر کور اش، آنوقت

شما چه جوری میگی ما امکانات خرده بورژوازی مان را حفظ کردیم؟

یعنی، عملاً ما با این کارمون، اگر شما از یک طرف به ما انتقاد می

کنید که شما به طور به اصطلاح یه نهاد چپ روانه می گید هر چی

که می گید می دیدید، مثلاً فرض کن مذهب را مورد حمله قرار دادید!

اگه این طوره، ما چه جوری امکانات خرده بورژوازی، که به قول شما

که معتقدم حتماً همینه که دقیقاً بر اساس به مذهب ما حفظ کردیم،

آخه مگه بندبازی می شه کرد؟ مگه می شه یک کسی، مثلاً فرض کن

هم کوسه باشه هم ریش پهن باشه؟ مگه امکان داره؟

**حمید اشرف:** ... اگر مذهب را به شکل غیراصولی، یه ذره هم یه

خورده آوانس بهش بدی، امکان داره.

**تقی شهرام:** ... آخه یه مسئله هست، غیراصولی کجا آقا؟ اگر ما بهشون بگیم که آقا جون بیایید در یک مثلا فرض کن جبهه مثلا مذهبی ها با مارکسیست ها کار کنن این آوانسه؟ این آوانسه؟ ما چه آوانسی دادیم به این ها؟

**حمید اشرف:** ... این آوانس نیست. این تایید مذهب باز به شکل نادرستش در جزوه "بیانیه اعلام مواضع" این تصور را ...  
**تقی شهرام:** ... کدوم جنبه مذهب رو ما تایید کردیم؟  
**حمید اشرف:** ... همان که شیعه، عناصر انقلابی ...

**تقی شهرام:** ... آخه رفیق، این در مقابل این حرفی که شما می زنید، در مقابل سیل اون انتقادات ما به مذهب، و در مقابل این واقعیت که بابا این مبارزه مذهب هنوز می تونه روبنای مبارزه یه قشری از عناصر متوسط باشه مگر این غلطه؟ این کجاش غلطه؟ شما مگر به این اعتقاد ندارید؟ مگر می تونید نداشته باشید؟ آخه، شما وقتی می گید یه عمری است که همه گروه های مذهبی دارن کار می کنن، می گیرن اعدامشون می کنند، می کشنشون، فلان بهمان، این ها پس چی؟ یعنی چی آخه؟ بین یه توجیه علمی، یه توجیه و تفسیر تئوریک داشته باشه آخه، نداره اینا؟ آخه مگر نمی بینن که واقعا همین مذهب الان می تونه ...

**حمید اشرف:** ... اون ها به خاطر مذهب نیست که کشته می شن. به خاطر طرح مسئله مبارزاتی طبقه شونه ...  
**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... طرح مسئله مذهب، یعنی دقیقا دو مرتبه از یک در دیگه ای ...

**تقی شهرام:** ... اصلا ...

**حمید اشرف:** ... با مذهب وارد شدن به این شکل ...

**تقی شهرام:** ... یعنی واقعا شما این و، واقعا به خودتون، من تعجب می کنم این اجازه رو می دین این طرح رو، این مسئله رو این طوری طرح کنید که ما در قبال یک چنین برخوردی، برخوردی ایدئولوژیک،



وقتی از نظر سیاسی می آیی مسئله رو روشن می کنی، در یه صفحه دو صفحه بشون توضیح می دی که آقا جون برای ما، ما هیچ وقت نمی خوایم بگیریم که کسانی که در چارچوب، ما آنجا هیچ وقت نگفتیم که این ها به خاطر مذهب کشته می شن، به خاطر گل روی نمی دونم فرض کنیم که امام حسین یا امام حسن کشته می شن! اینا را ما گفتیم، این توجیه ای یه ...

**حمید اشرف:** ... هر روز مذهب تشیع که توجیه می شه ...

**تقی شهرام:** ... ما رو موضع، ببینید خب دقت کنید، ما اون جا نگفتیم مذهب! بروید بخوونید اون کلمه رو. چی می گه؟ می گه "ما موضع مذهب مبارز"، "موضع" یعنی چی؟ آخه رفیق عزیز، این واقعا تعجب آورده! اون جا داره توضیح می ده که "ما موضع مذهب مبارز"، این "موضع مذهب مبارز" یعنی علیه رژیمه، علیه امپریالیزمه. مگر ما می تونیم تایید نکنیم؟ مگر کمونیست ها می تونن مبارزه طبقاتی از خلق را، که علیه دشمن اصلی شون، علیه امپریالیزمه، علیه رژیمه تایید نکنن؟ مگر امکان داره تایید نکنیم ما؟ آخه شما تا پریروز ما را تایید می کردید که نماینده همین ها بودیم؟! آخه رفیق، چرا شما در مورد حرف متناقض می زنین؟ شما پریروزها همین، قبل از این مگر ما نماینده همین ها نبودیم؟ مگر شما به همین شکل ما را تایید نمی کردین؟ به چه دلیل ما را تایید می کردید؟ مگر ما توجیه گر همین ها نبودیم؟ مگر در چارچوب همین ها کار نمی کردیم؟ مگر عمل ما، و در واقع توضیح های ما، درست نیست؟ عملی نبود ضد منافع پرولتاریا! مگر ما فکر می کنید نمی فهمیدیم که چه جریانات انحرافی به وجود آوردیم؟ شما فکر می کنید ما نمی فهمیدیم ما چقدر ضربه زدیم با این جریان التقاطی مون؟ شما فکر می کنید ما واقعا نمی خوایم آثار این ها از بین بره؟ آثار این چه جور از بین میره؟ آثار این ها دقیقا این جور از بین میره که بگیریم، آقا ما اشتباه کردیم در گذشته! ما دقیقا همون سازمان مجاهدین ایم که اشتباه کردیم! آخه شما این جا دارید، من نمی دانم، چرا این تفسیر می کنید قضیه را؟ برای ما خیلی راحت بود که بگیریم، آقا خوب ما یک عده مارکسیستیم، مثلا

سازمان مجاهدین را هم ولش کن. هر که هم می خواهد هر محفلی بشه بره بشه! ولی ما می خواهیم این را نشون بدیم که، ما با این جریانی که به وجود اومد، ما یه مقدار جبران بکنیم! از ما خیال می کنید چند نفر باشیم؟ چند نفر جریانات التقاطی تربیت کنیم تو دانشگاه ها بین قشرهای روشنفکری؟ چپ الان، همین الان، داره چوب همین ها را می خوریم؟ شما فکر می کنید کم مارکسیست ها اینجا ضرر کردند؟ خوب ما این ها را می فهمیم! ما دقیقا اگر در چارچوب این سازمان ادامه می دادیم می خواهیم این نتیجه را بگیریم! شما فکر می کنید مثلا ما به چه دلیل اعلام می کنیم؟ کشته و مرده چی هستیم؟

**بهروز ارمغانی:** ... در چه رابطه ای شما اعلام می کنید؟  
**تقی شهرام:** ... ما برای چی اعلام می کنیم که در این چارچوبه ها ما مارکسیسم شدیم. کشته و مرده یک دونه اسم هستیم؟ دنبال چی می گردیم؟ ما به این دلیل که، ما به این ترتیب اثرات زیان بار این جریان القاطی گذشته سازمان باشه، به این ترتیب یه مقدار زیادیش خنثی می شه. از نظر تاریخی اثرات خودشو می زاره. می گیم، آقا، آقای دانشجو، آقای نمی دونم گروه، آقای فلان، عناصر، توده ها، مردم، کسانی که به دنبال این جریان تحت تاثیر قرار گرفتید؛ جریان ایده آلیستی رشد کرد تو جامعه، جریان دوآلیستی، جریانات التقاطی رشد کرد تو جامعه، بدونید ما به این دلایل، همین سازمان، در پراتیک انقلابی خودش، مارکسیست شد! این معنای اینه! حالا شما از ما می خواهید که، ما یه عده مون جدا بشیم بگیریم خوب ما حالا مارکسیستیم؟! این درست بود؟ کدومه منافع پرولتاریا؟ من از شما می پرسم.

**بهروز ارمغانی:** ... رفیق اون مسئله ای که طرح شد و اون مورد اول پاسخ درست ندادید.

**تقی شهرام:** ... آره، همین.

**بهروز ارمغانی:** ... یک مسئله را در این رابطه جواب بدم ...

**تقی شهرام:** ... بگو.

**بهرروز ارمغانی:** ... که اگر بحث بر سر حفظ امکانات خرده  
 بورژوازی باشه ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**بهرروز ارمغانی:** ... این مسئله می تونه به این شکل هم طرح  
 بشه ...  
**تقی شهرام:** ... بفرمایید.  
**بهرروز ارمغانی:** ... که با حفظ یک سری ضوابط و ظواهر قضیه،  
 حالا اگر این کلمه را بکار ببریم.  
**تقی شهرام:** ... ضوابط یا ظواهر؟ دوتاست! ظواهر مشخصه ...  
**بهرروز ارمغانی:** ... خب، خود به خود ...  
**تقی شهرام:** ... ضوابط ممکنه بگید که در داخل تشکیلات مثلا یک  
 پوئن های مثلا حتی زیر جلکی بهشون می دیم ...  
**بهرروز ارمغانی:** ... آها من این تصوراتم را در این رابطه بگنجانم  
 و سوال خودم هم هست ...  
**تقی شهرام:** ... بفرمایید.  
**بهرروز ارمغانی:** ... که اون تغییر دریافتی، اعلام تدریجی قضیه  
 هم ...  
**تقی شهرام:** ... بله  
**بهرروز ارمغانی:** ... شاید در این رابطه بگنجد.  
**تقی شهرام:** ... که چی؟  
**بهرروز ارمغانی:** ... حفظ به اصطلاح منافعی که از طرف نماینده  
 خرده بورژواها برای این سازمان وجود داشته ...  
**تقی شهرام:** ... خب، ببین اگر پیوند به من بزنی ها، من می گم هر  
 جا که شما می خواستید این را اعلام بکنید، باید این منافع را می  
 بریدید! حالا نه یک ماه قبل اش نه یک ماه بعدش ...  
**بهرروز ارمغانی:** ... خب هر موقعه ...  
**تقی شهرام:** ... ببین این مسئله فوقش محدوده زمانی اش می شه  
 دو ماه سه ماه. پس ما یک موقع باید می بریدیم دیگه!

**بهروز ارمغانی:** ... شاید می شد یک سال!

**تقی شهرام:** ... آخه ببینید، عملا ...

**بهروز ارمغانی:** ... شما خودتون هم یه موقع مثل این که طرح کردید که با سمپات ها به گونه دیگری برخورد می کردید.

**تقی شهرام:** ... ببینین شما تو اون جلسه این برخوردها رو کردید با ما، که با سمپات ها به گونه دیگری برخورد کردیم. ببینید، ما در این دوران انتقالی، قبل از این که اعلام بکنیم در سطح جامعه، طبیعیه که وقتی که با طرف برخورد می کنیم، به این دلیل فقط آقا ما مارکسیستیم طرف را نمی رونیمش! یه آدمی مثلاً زحمتکشه، یارو مثلاً فرض کن بدبخت مثلاً فرض کن یک بنائیه، ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... با این ها این برخورد کردید نه با دانشجو ها مثلاً ...

**تقی شهرام:** ... نه بابا. آخه یعنی چه این کار؟

**بهروز ارمغانی:** ... مثلاً فرض کن با کسی که احیانا بنا بوده این جور برخورد می کردین ...

**تقی شهرام:** ... خوب معلومه الان هم ما با یه بنا تماس می گیریم، باور کنید الان اتفاقاً همین مورد مشخص، نه حالا بنا. مثلاً یک هم چنین آدم زحمتکشی که سواد یه کلاس داره. این هنوز نمی دونه که ما به اون معنا کمونیستیم. ببین ما داریم از این ها، نمی گم که مثلاً صد تا داریم ها! از این عناصر داریم. این آدم اصلاً برایش مذهب هم به آن شکل مطرح نیست، این می خواد مبارزه کنه. ما باید یه پروسه طی بکنیم. شما می گین این کار را نکنیم، اول بگیم بابا ببین ما کمونیست ضد مذهب هم هستیم ها! ما چی بگیم؟ شما به ما راهنمایی کنید. یه همچین آدمیه. یک آدمیه که زحمتکشه ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب رفیق ما هم با یک هم چنین آدم های زحمتکش برخورد می کنیم، ولی این برخوردی که شما اینجا مطرح کردید.

**تقی شهرام:** ... چی می گید؟ ما چی گفتیم؟

**بهروز ارمغانی:** ... اجازه بده. شما مطرح کردید که با سمپات ها

برخورد متقابل بکنید.

**تقی شهرام:** ... کجا ما گفتیم برخورد متقابل بکنید با سمپات ها؟! سمپات، ببین اینجا مسئله اش فرق می کنه. یارو اومده، باور کنید ما این و با چهار تا بچه، با زن، آدمیه مثلا پنجاه سالشه، چهل و پنج شش سالشه، مخفی اش کردیم. خوب حالا مثلا به دلایلی حالا چون ممکنه دفعه دیگه بهش برسیم، این آدم اصلا می دونید از مبارزه هیچ چیز فقط تنها چیزی، که می دونه اینه که بابا این رژیم آدم بدیه، چیز بدیه، باید با این مبارزه کنه. ما به این فرد در این حد چی بگیم الآن؟ الآن هست، الآن می توانیم در اختیار شما بذاریم. بیایید شما باهاش برخورد کنید. شما به این چی می گویید؟ به عنوان یک کمونیست ما از شما می خواهیم با این چگونه می خواهید برخورد کنید؟ یک کلاس هم بیشتر سواد نداره؛ یعنی فقط می تونه بخونه، نمی تونه بنویسه. با این چه کار کنیم؟ آخه کمونیسم یک مقوله علمیه رفیق. آخه اگر در یک ذره پراتیک، لااقل در یک حدودی علمی شرکت نکنه، به این سادگی ها حتی نمی شه با هاش سر کرد. چرا مثلا داخل فرض کنید که ۲۰۰ میلیون، ۱۵۰ میلیون جمعیت، تو زمان لنین، فقط ۲۰۰ هزار نفر عضو بودن؟ اون هم بعد از این که انقلاب پیروز شده بود.

**بهروز ارمغانی:** ... درسته، ما که قبول داریم که کمونیسم یک مقوله علمیه و ...

**تقی شهرام:** ... آخه با این بدبخت مثلا ...

## فایل ۲

این نوار، ۶۰ دقیقه و ۳۳ ثانیه است.

**تقی شهرام:** ... یک کلاس هم بیشتر سواد نداره؛ یعنی فقط می تونه بخونه، نمی تونه بنویسه. با این چه کار کنیم. آخه کمونیسم یک مقوله علمیه رفیق. آخه اگر در یک ذره پراتیک لااقل در یک حدودی علمی شرکت نکنه به این سادگی ها حتی نمی شه با هاش سر کرد. چرا داخل مثلا فرض کنید که ۲۰۰ میلیون ۱۵۰ میلیون جمعیت تو زمان لنین فقط ۲۰۰ هزار نفر عضو بودن. اون هم وقتی که انقلاب پیروز شده بود. **بهروز ارمغانی:** ... درسته رفیق، ما که قبول داریم که کمونیسم یک مقوله علمیه و ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، آخه با این بدبخت مثلا فرض کن عمله ...

**بهروز ارمغانی:** ... و به هم ارتباط داره ...

**تقی شهرام:** ... مثلا یک آدمی که تازه سواد نداره، ما هم درجا بهش چی بگیم. حالا مگه ما ...

**بهروز ارمغانی:** ... دو تا برخورد غیر واقعی بکنیم یا بهش بگیم آقا ما یک کمونیستیم و دو تا فحش هم به خدا بدیم ...

**تقی شهرام:** ... آخه ما هنوز که هیچی هم بهش نگفتیم، ببین آخه هنوز هیچی هم بهش نگفتیم ما نگفتیم که ما جلوش نماز نمی خونیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... آها! من می گم هر دو برخورد غلطه ...

**تقی شهرام:** ... نه، ما که جلوش، ببین ما جلوش نماز نمی خونیم، یک همچین آدمی را داریم ...

**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... اگر ما اونجا توضیح دادیم در قبال این عناصر، اون دوران، تازه الان که ما اعلام هم کردیم مثلا الان که قضیه اصلا، الان دیگه منتفی شده. اگه بدونه مجاهدیم، می گه آقا شما که مارکسیستید، شما که مذهبی نیستید. این مال این آدم. مال دانشجو اش مال هر قشر که مثلا فرض کن خرده بورژوای مذهبی یا هر کس دیگرس. درست؟ اما می رسیم به اینکه مثلا الان می ریم سراغ یک کارگر، ها! ما با این

کارگر یک دوره سمپاتی باید طی کنیم، با هاش یک کتاب بخونیم، دوتا حرف بزنیم، در جا که نمی تونیم بهش بگیم آقا خدا نیست. دو تا کتاب بهش می دیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... نه رفیق، شما الان مطرح می کنید که کتاب می دید؟ آره؟

**تقی شهرام:** ... ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... اون دوره انتقالی که ما صحبتش را می کنیم، تشکیلاتی که مورد نظرش حفظ امکانات موقعیت خرده بورژوازی بوده ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**بهروز ارمغانی:** ... شاید من به اصطلاح استنباطم این بوده ...

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**بهروز ارمغانی:** ... که با اعلام نکردن قضیه و یا به تدریج اعلام کردن حتی در سازمان خودتون هم نمی خواستید، بشدت آن امکانات ضربه بخوره ...

**تقی شهرام:** ... نه، اصلا ببینید بگذارید من یک چیزی بگم این مسله را. ببین ما یک شیوه ای داریم که حتی امکانات خرده بورژوازی مون هم ما به این سادگی در واقع ارزش استفاده نمی کنیم. ما خیلی از عناصر بودند کسانی که می خواستند فقط به ما پول بدن. ما این طوری باهاشون کار نمی کنیم. می گیم، آقا جون، پول، باید شرایطی باهاش باشه که آموزش ببینی، فلان. این مال دو سال سه سال پیشه، ها! یعنی مثلا طرفی را که می آریم، ما اینجا خلع مالکیتش می کنیم. ببینید، اگر هم حتی خرده بورژوا باشه به این سادگی ما باهاش تماس نمی گیریم، کار نمی کنیم، ضربه می زنند این ها. یعنی طرف باید تمام مایملکش تحت اراده ما باشه. این آدم اصلا نمی تونه، اگر امکاناتش منظور خودشونه یعنی آموزش خودشونه که در حیطه بقیه عناصر قرار بگیره. اگر مثلا، امکانات وابسته به اون که اصلا ما اینطور امکانات رو اون شکلی حفظ نمی کنیم، با طرف سازش کنیم. اول ازطرف اصلا جدا می کنیم امکانات چکار می کنیم، ارزش جدا می کنیم. طرف به قول معروف لات آس و پاس می شه. یعنی این آقا هیچی نداره. حتی قرار ما این بود

که خونه ات را هم باید بفروشی باید بروی خونه اجاره ای، فردا اگر گرفتنت، چرا دست رژیم بیفته؟ پولی هم ازش می گیریم.

**بهروز ارمغانی:** ... اینها امکانات همون خرده بورژوازی ...

**تقی شهرام:** ... آهان، حالا اجازه بدید. این مال کی یه؟ این مال دو سال پیشه. نه مال امروز ...

**بهروز ارمغانی:** ... من مورد نظرم هم همین ها، امکانات خرده بورژوازی یعنی همین.

**تقی شهرام:** ... آهان، بسیار خوب، درسته؟

**بهروز ارمغانی:** ... ما باید اینها را حفظ کنیم یا به ضرورت تشکیلاتیش یا به ضرورت های دیگر ...

**تقی شهرام:** ... فقط به سازشکاری افتادیم. افتادیم عملا یا نه؟

**بهروز ارمغانی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... اگر باید حفظ کنیم یک روند در داخل تشکیلات حفظ این ها بشه، پس ما نباید هیچوقت اعلام کنیم جرات شو بکنیم حتما باید به یک شیوه های التقاطی هم اعلام کنیم. می خواهیم یک ورقه بدیم و بگیم بله فلان چیز، دوتا چیز بنویسیم. یا مثلا بهر حال به یک شکلی ...

**بهروز ارمغانی:** ... حالا بگذار، جبر قضیه ...

**تقی شهرام:** ... آخه همش که به جبر نسیت که، خیلی جبرها هست عزیزم.

**بهروز ارمغانی:** ... آدم نمی تونه که نادیده بگیره، آره؟

**تقی شهرام:** ... نه، بله خوب طرف مثلا ...

**بهروز ارمغانی:** ... اگر نادیده بگیري اشتباه می کنی ...

**تقی شهرام:** ... نه، من نمی گم نادیده بگیره، پدرش هم در می آید، با کله هم می خوره زمین ...

**بهروز ارمغانی:** ... همون، من هم همین را می خوام بگم ...

**تقی شهرام:** ... ولی اگر کسی به جبر هم پاسخ داد تو نمی تونی فقط بهش بگی، آقا چون تو به جبر پاسخ دادی، پس هیچ عنصر آگاهی توی تو نبوده ...

**بهروز ارمغانی:** ... نه چرا عنصر آگاهی هم یک مسله جبر است.



**تقی شهرام:** ... بسار خوب از نظر فلسفه ایش همش به هم تبدیل می شه به جریان جبری تکامل تاریخ و جامعه ، نمی دونم ماده و الی آخر ...

**بهروز ارمغانی:** ... رشد پرولتاریا و از این حرف ها ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، بنابراین، خب ...

**بهروز ارمغانی:** ... من اینجا مورد نظر همین بود؟

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**بهروز ارمغانی:** ... که این امکاناتی که شما می گید از افراد منتزع می کنید ولی باز همین امکانات چی اند؟ امکانانی هستند که من فکر می کنم در اون دوره انتقالی شما یک همچنین برخوردی کردین که با به تدریج اعلام کردن قضیه و از به اصطلاح از مرکز به بیرون پخش کردنش بتدریج حتی در درون سازمان خودتون هم ...

**تقی شهرام:** ... ما در درون سازمان یک جریان داشتیم. آقا جان جریان همیشه نمونه های یک تدریج. یعنی، جریان هیچوقت خلاصه نمی شه در یک حرکتی کیفی، در یک حرکت جهشی خلاصه نمی شه. جریان، وقتی که ما می گیم، پروسه مبارزه ایدئولوژیکی طی دوسال، معنایش یعنی همین. یعنی اینکه ما با افراد در طی این دوره برخورد داشتیم. برخورد هیچوقت هم از روز اول، روز اول که اومدیم برخورد کردیم، اصلا خوده، به اون معنا خیلی ها نمی دونستند که جریانش به کجا می کشه. ما همان چیزهائی که اون موقع فهمیدیم و درست تشخیص دادیم، گرفتیم. مثلا فرض کنید، شاید ما بودیم دوسال و نیم سه سال پیش، اینطوری فکر می کنیم که این امکان داره مثلا، مثال ها! ما در عین حال که مذهبی هستیم یک شاخه مارکسیستی هم داشته باشیم. مثال ها! مثال می زنم برایتون. این شاید تفکری بود مثلا مال کی؟ مال سال ۵۰ [۱۳] مثلا ۲ درسته؟ حوالی ۵۲ [۱۳]. اما این مثلا عمر این تفکر چقدر طول کشید؟ دو ماه.

**بهروز ارمغانی:** ... چرا؟

**تقی شهرام:** ... ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... چرا؟

**تقی شهرام:** ... در عمل تناقضاتش روشن شد.

## بهبود ارمانی: ... هان! عملا نشد!

**تقی شهرام:** ... این نمی شد. عملا روشن شد. خب. این همون چیزیه که حالا شما. من حالا خیلی رک بگم. همین چیزیه که شما اشتباه کردید یعنی چنین تشخیصی دادید در آن مقاله شعار وحدت تون<sup>۱</sup> فکر کردید که ما منظورمون اینه که بیایم مثلا سازمان خودمون رو تبدیل به جبهه بکنیم و بعد هم اعلام نکنیم و خلاصه این قضیه وسط، مثلا قضیه بین مارکسیسم و مذهب معلق بگذاریم و قضیه ماست مالی بشه. خوب شما اومدید اون بحث را کردید که مثلا تحمیل خصلت های نمی دونم جبهه به حزب یا سازمان، نمی دونم راست روی و تحمیل عکس اش چپ رویه و بعد تناقضات ایجاد می شه و اون بحثی که اونجا دارید. یعنی اون استتباط را داشتید. در حالی که عملا ما فرسنگ ها از این قضیه چی بود؟ فاصله گرفته بودیم یعنی اون موقع که شما در اردیبهشت می گید، عملا ما اعلامیه مان بدون آرم درآمده بود.<sup>۲</sup> عملا ما چندین ماه بود. نزدیک شش ماه بود که در داخل تشکیلات اعلام کرده بودیم و تمام مقدمات اعلام بیرونی اش هم آماده بود. خب، وقتی ما می گیم تدریجی بله خب وقتی می گیم تدریجی که قضیه مربوط به مبارزه ایدئولوژیک که ادامه پیدا کرده و اومده، ما روز اول این و می گیم که نگفتیم که ضد مذهب. روز اول نیامدیم بگیم، در واقع مسئله تمام شد سازمان مارکسیستی شد. خوب نمی تونستیم هم بگیم. الان من توضیح دادم. اگر شما می گید که بخاطر حفظ امکانات بوده. من می گم نبوده. فقط این دوره، این دوره تدریج. این دوره طی این پروسه لازم بود و دقیقا هم لازم بود برای اینکه ما باید در یک پروسه در واقع بالا به پایین و پایین به

---

۱ - اشاره به سرمقاله نشریه نبرد خلق شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۵۴ با عنوان "شعارهای وحدت"، است.

۲ - اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۲۱ در ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ و در رابطه با [اعدام انقلابی] سرتیپ رضا زندی پور، بدون آرم و بدون عنوان "به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران" منتشر شد. اطلاعیه سیاسی نظامی ۲۲، در اول خرداد ۱۳۵۴ و در رابطه با اعدام انقلابی دو مستشار نظامی آمریکایی، با آرم تغییر شکل یافته ای که بدون آیه در بالا و سال تاسیس سازمان در پایین آن و همچنین بدون عنوان "به نام خدا و خلق قهرمان ایران"، منتشر شد.

بالا به این نقطه نظر می رسیدیم. در تمام تشکیلات این کار را می کردیم. منافع در واقع پرولتاریا چنین چیزی را ایجاب می کرد. وگرنه ما می تونستیم چهار- پنج نفر بلند شیم بیایم از سازمان بیرون و یگیم آقا هر غلطی هم می خواهید بکنید، بکنید؛ ما مارکسیستیم و می خواهیم بریم پی کارمون، ها! چهار- پنج نفر آدم مارکسیست جمع می شدند می گفتند آقا ما می آییم بیرون و شما هم برین پی کارتون. مثلاً، این کار را می کردند؟ کدام درست تر بود؟ بله ما مجبور بودیم این پروسه را طی کنیم برای اینکه ما با یک سازمان سرو کار داشتیم. ما باید کار می کردیم. کار ایدئولوژیکی می کردیم. باید پیش می بردیم. باید قانع می کردیم. باید نشون می دادیم این کار زحمت داشت. پدرمون دراومد. کردیم و حالا هم نتایجش هم اینه و حالا هنوز هم در سطح جامعه مسایلی داره و حتما هم داره.

**بهروز ارمغانی:** ... ولی در درون سازمان همچنین مسایلی وجود نداره دیگه؟

**تقی شهرام:** ... نه.

**بهروز ارمغانی:** ... این سوال برای من ناروشنه که ...

**تقی شهرام:** ... نه بهیچ وجه وجود نداره، نه.

**بهروز ارمغانی:** ... مدتی قبل یکی از رفقا طرح کرد ...

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**بهروز ارمغانی:** ... که ما اگر هم الآن در درون سازمان خودمون عناصر مارکسیست نداشته باشیم در موضع مسئول نیستند.

**تقی شهرام:** ... نه، نه همچنین نیست. من یادمه که در اون جلسه این طوری طرح کرد<sup>۲</sup> که تمام رفقای ما، رفقای ما مارکسیستند. ببینید، ما هیچ عضو غیر مارکسیست نداریم. این نکته خیلی قابل اهمیتیه ...

---

۲ - اشاره به جلسه پیشین که در آذر ماه ۱۳۵۴، رفیق جواد قانّدی از سوی سازمان مجاهدین در آن شرکت کرده بود. آن جلسه هم مکالماتش ضبط شده بوده است، ولی موجود نیست. در آن جلسه تغییراتی در مواضع سازمان مجاهدین خلق به سچفا توضیح داده شد و حتی درباره تشکیلات خارج از کشور سازمان هم اطلاعاتی داده شد، که در ادامه همین گفتگو نیز به آن اشاره می شود.

**جواد قائدی:** ... یک چیز دیگه مطرح شد. در رابطه با اپورتونیست، کسانی که ممکنه بطور اپورتونیستی بیایند به مارکسیست ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**جواد قائدی:** ایمان بیاورند ما گفتیم یک همچین آدمی هایی تا امتحان خودشان را ندهند ...

**تقی شهرام:** ... آها. این خوب طبیعیه ...

**جواد قائدی:** ... نمی توانیم در مواضع مسئول بگذاریم. اصلا بحث مذهبی نبود.

**تقی شهرام:** ... اونجا شما یک بحثی می کردید که ...

**بهرز ارماغانی:** ... مذهبی نبود ها، غیر مارکسیست.

**تقی شهرام:** ... نه، مارکسیست ...

**جواد قائدی:** ... نه گفتیم که این ها ظاهرا به مارکسیست ایمان آورده اند. ولی چون ما ازشون امتحان نکرده ایم. این ها اون آزمایش خودشون را از سر نگذارند اند، ما این ها را در موضع مسئول نمی گذاریم.

**تقی شهرام:** ... این چیزیه که در هر سازمان انقلابی ای باید اجرا بشه. یعنی شما بله برخورد می کنید تو جامعه هم با خیلی از عناصری کسانی که می گند آقا ما مارکسیستیم. مگر شما، ... به همین سادگی مارکسیست می شنند؟ یا به همین سادگی قبول می کنید؟ و یا باید بکنید؟ نه، ما باید برخورد بکنیم.

**حمید اشرف:** ... یک ویژگی هم داره، در اینجا که مثلا کسانی هستند که تا فرض کن مثلا تا پنج ماه پیش، شش ماه پیش، یک سال پیش. همان یک سال پیشی که رفقا رسما مواضعشون رو اعلام کردند ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... مثلا ما در سطوح مختلف سازمان هم این جریان را شاهد بودیم

**تقی شهرام:** ... که یک، که چی بوده؟

**حمید اشرف:** ... مثلا فرض بکنید رفقایای در خارج از کشور بودند ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که حتی تا قبل از بیانیه اعلام مواضع ...

**تقی شهرام:** ... بله. نه قبلش نه. ببینید ما راجع به به خارج کشور اگر یادتون باشه اون رفیق برای شما یک توضیحی داد. ببینید. ما اتفاقاً در عین اینکه خیلی جالب توجه که اینها را بررسی کنیم. واقعا از موضع واقعا با احساس مسئولیت. ما با این که این قدر نسبت به شما بی اعتماد بودیم. و الآن هم بگم. الآن هم اعتماد نداریم به اون شکل دلایل مون هم داریم و اگر لازم بشه اون بحثی که اول جلسه کردم و ضبط هم نشد توی نوار.<sup>۴</sup> اگر قرار شد در آن زمینه ها بحث کنیم. ما می گیم دلایل مون چیه. اون وقت صحبت خواهیم کرد که چرا اعتمادمان فعلا مشروط و نسبی. ما علیرغم اون، اونجا احساس کردیم که چون ما خارج کشور رو، هست و اسنادش هم هست. انتقاداتی را که ما نوشتیم و داریم و اگر خواستید باز البته این رو من باید با رفقا این رو مشورت کنم. می تونیم در اختیارتون بگذاریم. البته با مشورت رفقا. ما در اونجا نتونسته بودیم این کار را پیش ببریم. و اونجا جهت خود به خودی خودش و داشت. این درست پاشنه آشیل سازمان ما بود. اون گروه خارج. ما برای اینکه واقعا شما را نزدیکتر به هر حال می دیدیم علیرغم همه اون ناروایی هائی که شما در مورد ما به اصطلاح روا دانسته بودید. ما علیرغم همه اون ها شما را نزدیک تر می دونستیم به خودمون تا اون ها. چون هنوز ما واقعا گروه خارج از ما منتزع شده بود. نزدیک به دو- سه سال بود که اصلا ما، نه تبادل افراد به اون شکل شده بود، بودند، رفته بودند. ولی به اون شکل در راسش مثلا تغییرات نکرده بود اینها از قبل از شهریور<sup>۶</sup> مونده بودند اونجا. ما اصلا اینها را نمی شناختیم یعنی اصلا نمی دونستیم کی اند؟ چی اند؟ دقت می کنید. به اون معنا. یک سری مسایلی داشت. ما به خاطر این مسئله حتی آمدیم بخود شما یک توضیحی دادیم. یادته؟ اون رفیق آمد. این تصمیم گرفته شد. به تو

۴ - همان گفتگوهایی که در ابتدا این جلسه صورت گرفته اما ضبط نشده و بیشتر هم به آن اشاره شده است.

۵ - اشاره به بخش خارج از کشور سازمان مجاهدین است که عمده اعضای آن در منطقه خاورمیانه و بویژه در پایگاه سازمان در عراق مستقر بودند.

۶ - اشاره به ضربه بزرگ پلیس به سازمان مجاهدین در شهریور ۱۳۵۰ است.

گفتش که ما به جریاناتی در داخلان هست که در خارج ازش جداست. ما نسبت به اون احساس نگرانی داریم. یادته؟ ها؟

**حمید اشرف:** ... بله.

**جواد قاندى:** ... که گفتیم یکی را هم می خوایم بفرستیم عناصر رهبری خارج را می خوایم تغییر بدیم.

**تقی شهرام:** ... ها!

**جواد قاندى:** ... این و بهتون توضیح دادیم.

**تقی شهرام:** ... این و توضیح دادیم به شما. چرا؟ به دلیل اینکه به هر حال توی این جریانات، ما خودمون را به شما نزدیکتر احساس می کردیم. چون به هر حال اون ها، ما به اون ها هیچ اعتمادی از این نظرات نداشتیم یعنی از نظر ایدئولوژیک هر حال خودمان را به شما چکار می کردیم؟ بیشتر نزدیکی احساس می کردیم. دقیقا هم نزدیکتر بودیم. به همون دلیل هم اومدیم این توضیح درون تشکیلاتی. دقیقا یک مسئله درون تشکیلاتی بود، اون موقع به شما دادیم. چه تاریخیه؟ تقریبا من فکر می کنم که برمی گرده به چه موقعیه؟ تو می دونی؟

**جواد قاندى:** ... حدود بهار.

**تقی شهرام:** ... بهار ۵۴ [۱۳]. درسته، رفیق؟

**حمید اشرف:** ... بله همین حدوده.

**تقی شهرام:** ... آها! بهار ۵۴ [۱۳] ما اومدیم به شما گفتیم. آقا ما تو خارج یک نگرانی هائی داریم نسبت به بعضی عناصر موجود در اونجا و این و قبلا به شما توضیح دادیم یعنی یک گوشی دستتون باشه مثلا. که این و حواستون باشه و بعد توضیح دادیم که جریاناتی که ما در اینجا گذروندیم اونجا نگذشته. این مسئله است. در خارج ...

**حمید اشرف:** ... نه ...

**تقی شهرام:** ... این مسئله بود. برای ما بود. حالا اجازه بده ...

**حمید اشرف:** ... این جریاناتی که ما اینجا گذرانیم، اونجا نگذشته، طرح نشده چون ما از جریاناتی که اینجا بوده بی اطلاع بودیم.

**تقی شهرام:** ... آهان، شما گفته بودید که یک سری بحث‌هایی، بحث‌هایی درگیر هست. تو اون جلسه<sup>۷</sup> هم تو خودت گفتی که اون موقع به ما گفتید که در داخل سازمان یک سری بحث‌هایی درگیر هست ...

**جواد قائدی:** ... شما فکر کرده بودید که بحث‌های بر سر خط مشی سیاسی.

**تقی شهرام:** ... آها! شما فکر کرده بودید که بحث بر سر خط مشی سیاسی و مسلحانه است گویا که اصلاً مسئله اینطوری نبود. اون موقع ...

**حمید اشرف:** ... البته ما چندین بار هم خواستیم که اگر ممکنه یک گوشه‌هایی در این زمینه ...

**تقی شهرام:** ... ما نمی‌تونستیم بهتون بگیم، برای اینکه ما به شما اعتماد نداشتیم خیلی رک.

**حمید اشرف:** ... آن وقت خطرش چی بود؟ اگر ما اینکار را، می‌گفتین، چکار می‌کردیم ما؟

**تقی شهرام:** ... آها! خطرش چی بود؟

**حمید اشرف:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... ما برای اینکه می‌دونستیم که شما عملاً در این راه هیچ کمکی بمان نکردید.

**حمید اشرف:** ... می‌دونم خطرش چی بود، اگر می‌گفتید؟

**تقی شهرام:** ... ما فکر می‌کردیم مثلاً ممکنه با همین جریانات ...

**حمید اشرف:** ... مثلاً؟!!

**تقی شهرام:** ... سالمی که ما داریم پیش می‌بریم، شما ضربه بزنید. یعنی با عملیات ...

**حمید اشرف:** ... مثلاً چطوری؟

**تقی شهرام:** ... ها! نمی‌تونستیم این و پیش بینی بکنیم. چون شما در عمل ببینید شما در یک جلسه، اون جلسه شما سوال خوبی کرده بودید.

گفته بودید که شما تو این جریانات از ما چه انتظاری داشتید؟ یادته؟

---

۷ - اشاره به جلسه مشترک اول سال ۱۳۵۴، نمایندگان دو سازمان در خرداد ماه است.

**حمید اشرف:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... ما خیلی انتظارات داشتیم، ولی نه دیگه اون موقع. شما در ... با عمل خود تون نشون داده بودید که حاضر نیستید جریانات مارکسیستی در درون سازمان ما را تقویت بکنید و کار بکنید روش. ببین مثلا این رو بهت بگم. مثلا ما با گروه های مذهبی تماس داریم. ما با این گروه ها اون کارهائی نمی کنیم ...

**حمید اشرف:** ... ما یک موقع خواستیم بکنیم این کار رو ...

**تقی شهرام:** ... آخه می خواهی بگی ما نداشتیم. این از یک گروه مارکسیست پذیرفته نیست. یقه مارکسیست را می گیره، می گه تو باید هزار شیوه بکار ببری، می گه، بله اون معلومه که مقاومت می کنه. تو چیکار کردی؟

**حمید اشرف:** ... هزار شیوه اش این بود که ما اون جریان جبهه رو بیابیم در عرصه جامعه مطرحش کنیم ...

**تقی شهرام:** ... جامعه، تحقیق ...

**حمید اشرف:** ... و روش تحقیق کنیم ...

**تقی شهرام:** ... اصلا هر کاری می تونستید بکنید. خیلی کارها می تونستید بکنید. الان مثلا ما چکار می کنیم با این گروه های مذهبی؟ ما کاری نمی کنیم که شما با ما کردید. ما می ریم توشون ما وحشت نداریم که. ما می رویم توشون ولی شما چیکار می کردید. شما اصلا توی ما نمی آمدید. شما خوتون رو از ما کنار می کشیدید. شما می آمدید تو ببینید یک گام می آمدید تو که ببینید چقدر ...

**حمید اشرف:** ... شما که می گفتید اعاده حیثیت بکنید. مارکسیست ها باید اول اعاده حیثیت بکنند ...

**تقی شهرام:** ... چی؟ کی؟

**حمید اشرف:** ... همون سال ۵۲ [۱۳].

**تقی شهرام:** ... نه، چه سالی، چه موقعی از ۵۲ [۱۳].

**جواد قأدی:** ... جوابیه هم که منتشر ...

**حمید اشرف:** ... در بهار ۵۲ [۱۳].<sup>۸</sup>

۸ - شاید اشاره به نوشته ای منصوب به مجاهد شهید رضا رضایی است که بین



**تقی شهرام:** ... ببین من اصلا از تو یک سوالی می‌کنم. بابا جان تو خط مشی یک سازمان را از چی می‌شناسی؟ از مگه نه از همین در واقع بیانیه هاش؟ از همین نمی‌دونم اعلامیه هاش؟ از همین نقطه نظراتی که ارائه می‌ده؟

**حمید اشرف:** ... والا ما از عملکردش ...

**تقی شهرام:** ... عملکردش!

**حمید اشرف:** ... نه از بیانیه اش می‌شناسیم و نه از اعلامیه اش.

**تقی شهرام:** ... آخه این جا در واقع بین چیز نگیر از من، بقول معروف ...

**حمید اشرف:** ... چرا که ...

**تقی شهرام:** ... نه عملکردش هم الزامیه ...

**حمید اشرف:** ... الزاما هر کسی که هر چیزی رو می‌گه بهش عمل نمی‌کنه ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب. آخه هر کسی هم نمی‌تونه الزاما هر چیزی را بگه. این و هم ما خوب می‌فهمیم. یعنی اینطوری بی‌در و دروازه نیست. اگر هم بخواهند یک کسی را نقدش کنند، وقتی می‌خوان نقدش کنند. همون نظرات خودش رو بر می‌داره نقد می‌کنه هیچوقت هم نمی‌گه تو مثلا الان رفتی فلان جا چیکار کردی؟ همون چیزی هم داره می‌گه این نمی‌تونه ...

**حمید اشرف:** ... نه این لنینی نیست، رفیق!

**تقی شهرام:** ... نه اجاره بده ...

**حمید اشرف:** ... شیوه لنینی در این مورد اینکه که به گفتار افراد به اعتبار کردارشون بها بدید.

**تقی شهرام:** ... این حرف کلا درسته، ولی آخه اینطور هم نیست که در دراز مدت یک کسی بتونه گفتار شو دقیقا جدا کنه از کردارش. این

---

دو سازمان و درون گروهی منتشر شد. این مقاله، در زمان آغاز دور اول گفتگو و بحث پیرامون وحدت دو سازمان که با تلاش رفیق مصطفی شعاعیان در اواخر سال ۱۳۵۱ و اوایل سال ۱۳۵۲، انجام گرفت، نوشته شده بود. درباره این مقاله و محتوای آن در انتهای این نوار بیشتر صحبت می‌شود. این مقاله متأسفانه در دسترس نیست.

امکان نداره. بله، یه جا ممکنه، دو جا ممکنه، سه جا ممکنه، و تازه، کردار ما مگه موجود نبود؟ رو این بحث خواهیم کرد. یعنی این امکان نداره یه کسی بتونه برا یه مدت دراز مدتی، کردارش و از رفتارش جدا کنه، از نمی دونم، گفتارش جدا کنه. یعنی تئوری هایی که می ده، ضد عملش باشه. این امکان نداره. پس شما باید این و می دیدی که در جریانات سال ۵۲ [۱۳] به بعد ما، یه جریانی هست. یعنی اینا نشون می ده. این انعکاسات خارجی ما، جهت گیری های نظامی ما، جهت گیری های سیاسی ما، جهت گیری های تئوریک ما، باید این و نشون می داد به شما. حالا به هر حال، شما با این برخورد نکردید، نه داخل ما اومدید، نه خواستید جریانات مارکسیستی ما را تقویت کنید. اصلاً جالب بود، بچه ها می گفتند که، مثلاً، این رفقای فدایی اصلاً نمی خوان بچه های ما مارکسیست بشن. یا اصلاً از دادن کتاب های مارکسیستی ابا می کنند، می ترسند حالا به دلایلی، من نمی دونم چی بود. ولی اصلاً این به طور، به قول معروف، ضرب المثلی شده بود این قضیه، که مثلاً، همون سر جریان همون کتاب. که بارها ما به این کتاب خیلی احتیاج داشتیم، به دلیل آموزش، و نبودش هم. این کتاب، مخصوصاً اون چیزش هم می خواستیم، اون ترجمه خاصش هم می خواستیم. یه ترجمه خوبی کرده بودند. فکر می کردیم شما دارین. بارها و بارها این گروه ها از ما می خواستند و می گفتند که خوب، گرفتید؟ نگرفتید؟ بارها و بارها شده بود. حتی این ضرب المثل شده بود. یعنی شما اصلاً داخل نمی اومدید. بارها می شد شما اصلاً ارتباطات و نو با ما یک هو، می انداختید شش ماه، می رفتی، می اومدی، اصلاً عین خیالتون هم نبود. یک چنین نیرویی را شما، چه نیروهایی بهتر از این؟ شما می دونی، مثلاً فرض کن، خیلی جالبه. شما چقدر بهتر می تونستید از درون سازمان ما عمل بکنید؟ حتی خرده بورژوازی را به قول خودتون تحت حیطة و هرژمونی خودتون دربیارین. حتی عناصر مارکسیست ما را در واقع ...

**حمید اشرف:** ... ما این کار را در رابطه با این جبهه می تونستیم بکنیم که متأسفانه شما زمینه وجودش رو ...

**تقی شهرام:** ... ما نداشتیم! شما نمی تونید بگید ما نداشتیم! یه مارکسیست نمی تونه بگه تو نداشتی. چون معلومه، مذهبی نمی زاره. شما چی کار کردید؟ این نکته مهمه.<sup>۹</sup>

**حمید اشرف:** ... ما چکار می تونستیم بکنیم؟

**تقی شهرام:** ... خیلی کارها. یعنی، یه سازمان مارکسیستی خیلی کار داره بکنه. حالا ...

**حمید اشرف:** ... مثلاً؟

**تقی شهرام:** ... حالا به مرور خواهیم دید که اگر ما موندیم، اگر حالا نمی دونم، ما تونستیم، هر شکلی، دیدید که مثلاً با گروه های مذهبی ما چکار می کنیم، حالا خواهیم دید، که چه کار می شه کرد. خیلی کارا می شه کرد، خیلی کارا. منتها شما نمی اومدید جلو، شما به خودتون این اجازه را نمی دادید. حالا دلایلش چی بود، من نمی دونم. یعنی شما اصلاً ...

**جواد قائدی:** ... شما فقط از زیر می زدید. رفیق.

**تقی شهرام:** ... یعنی مثلاً شما می داشتید وسط، اصلاً، می دونی مثلاً؟ یهو ارتباطات را ول می کردید، مثلاً چهار ماه، حاضر نبودید، مثلاً فرض کنید که، خیلی زمینه ها بود. ما الآن مثلاً به این گروه های مذهبی، اینقدر زمینه دادیم. اینا اصلاً تجربه ای تو زمینه مثلاً نظامی ندارن. مثال ها. بگن آقا مثلاً بیا مثلاً با ما کار نظامی مشترک بکنیم. می گیم بیا. چه اشکالی داره؟ علیه رژیمه، درعین حال ما می تونیم نقطه نظراتمون و، ما می تونیم در اینا نقطه نظر صحیح القا کنیم. ما می تونیم در درونشون جریان مبارزه ایدئولوژیک راه بندازیم. هزار تا کار می تونیم باهاشون بکنیم. می تونن، کار فنی تکنیکی، احتیاج دارن، باهاشون می کنیم کار انتشاراتی، می کنیم. یعنی، اینقدر کار هست، اینقدر زمینه هست. که واقعاً، این رژیم اینقدر، به قول معروف، مسئله داره، و اینقدر تمرکز قدرت داره، که هر نیروی مبارزی به هر حال

---

۹ - اشاره به همان تلاش دور اول برای وحدت در اواخر سال ۱۳۵۱ و اوایل سال ۱۳۵۲ است، که سازمان مجاهدین همچنان مذهبی بود.

احتیاج داره به همدیگه، تا این زمینه ها مادی بشه برای اینکه بخواد کار بکنه.

**حمید اشرف:** ... می دونی اشکال کار، اگر شما تمام این حرف ها را درست بگید، از اینجا ناشی می شه که اون موقعی که جریان رضا رضایی حاکم بود ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و بعد از شهادتش ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اون جریان از حاکمیت در سازمان افتاد ...

**تقی شهرام:** ... شما نتوانستید این و تحلیل کنید. این خیلی جالبه.

**حمید اشرف:** ... شما هیچ حرکتی در جهت تغییری که رخ داده، و

اثبات این تغییر ...

**تقی شهرام:** ... آخه بابا ...

**حمید اشرف:** ... برای ما نکردید.

**جواد قائدی:** ... سر ...

**تقی شهرام:** ... عجیبه، صبر کن ...

**حمید اشرف:** ... تنها حرکتی که می تونستید بکنید ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... این بودش که اون مسئله به اصطلاح ...

**جواد قائدی:** جوابیه جبهه رو.

**حمید اشرف:** ... جوابیه جبهه رو<sup>۱۰</sup> ...

**تقی شهرام:** ... اصلا ما اونا را ندیده بودیم. ببین، این چیزایی که تو

داری می گی آخه ...

**حمید اشرف:** ... چطور شما ندیده بودید؟

**تقی شهرام:** ... این یک سری مسائل درون تشکیلاتیه. ببین، اینا رو من

نمی تونم الان برات بگم، که بعد از جریانات رضا، اصلا سازمان ما

بطور کیفی تغییر کرد رهبریش. یعنی اصلا شاید عناصرش، بطور

---

۱۰ - این جوابیه در باره جبهه مشترک، احتمالا پیش از فرار رفیق تقی شهرام در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۲ داده شده بود که وی در جریان نبوده است.

غالبی ایی، عوض شد. یه شکل دیگه ای شد اصلا. حتی این جوابیه که تو داری می گی، من که اینجا نشستم، ندیدم، خیلی رک اش، حالا من نمی دونم، من در هر مذهبی هستم، خدا می دونه.

**حمید اشرف:** ... خب، پس این نشون می ده که عناصری در رهبری شما بودند که در این جهت برخورد نادرست کردند.

**تقی شهرام:** ... باشه ...

**حمید اشرف:** ... یعنی روابط ...

**تقی شهرام:** ... شما کمونیستید. شما باید بکنید. یه کمونیست باید برخورد صحیح تر ...

**حمید اشرف:** ... ما از طریق همان عناصر رهبری که این یادداشت ها را، از شما پنهان نگه داشتند، یا از بین بردند ...

**تقی شهرام:** ... نه بعد از رضا ...

**حمید اشرف:** ... با سازمان مجاهدین ارتباط داشتیم.

**تقی شهرام:** ... ببین، بعد از جریان رضا، همه این جریانات از بین رفت. درواقع رضا کانون این قضایا بود، و رفت. و خیلی از قضایا هم به اصطلاح، حالا، نمی دونم، خوب یا بد، حل شد، نشد، هر چی ولی مسئله اینجاست که شما نمی تونید این و به عنوان به اصطلاح یک ...

**حمید اشرف:** ... نه، ما مجددا می گفتیم، ما از رفقا می خواستیم که شما ...

**تقی شهرام:** ... ما چه برخورد بدی کردیم؟

**حمید اشرف:** ... بعد گفتیم که دوباره نظراتتون و بدید ...

**تقی شهرام:** ... راجع به چی؟

**حمید اشرف:** ... راجع به مسائل مختلف.

**تقی شهرام:** ... آخه عملا رفیق، من اینجا نشون دادم به تو، که چقدر شما برخوردهای نادرستی با ما داشتید. چقدر درواقع سر ما را بیخ طاق می کوبیدید.

**حمید اشرف:** ... خیلی خوب ما ...

**تقی شهرام:** ... چقدر مثلا رل بازی می کردید، چقدر ما این ها را می ...

حمید اشرف: ... ما وقتی که با یک جریان خرده بورژوازی مواجه هستیم که جنبش مارکسیستی را می خواد عملا ...

تقی شهرام: ... بله ضربه ...

حمید اشرف: ... تبدیل به یک چیز ضعیفی بکنه ...

تقی شهرام: ... درست.

حمید اشرف: ... فقط می خوادش که با اتکا به اون حمایت های طبقاتی ...

تقی شهرام: ... درست.

حمید اشرف: ... که داره، با بسیج طبقاتی خودش ...

تقی شهرام: ... درست.

حمید اشرف: ... نیروهای نوپای کمونیستی رو ...

تقی شهرام: ... درست.

حمید اشرف: ... تضعیفش بکنه، ...

تقی شهرام: ... درست.

حمید اشرف: ... طبعا ما موضع گیری می کردیم.

تقی شهرام: ... ولی آخه، موضع گیری شما اتفاقا کمونیستی نبود. شما باید می اومدی این سازمان خرده بورژوازی را، ببینید، شما خیلی رک اش، از سازمان ما می ترسیدید، حتی، نمی گم مثلا می ترسیدی از یه چیزی ها!

حمید اشرف: ... نه، اشکالی نداره، الآن واقعیت ها را ...

تقی شهرام: ... یعنی می دونی چه جوری می گم می ترسیدی؟

حمید اشرف: ... می تونیم بحث بکنیم ...

تقی شهرام: ... ببینید، می دونید چه جوری می گم می ترسیدی؟

حمید اشرف: ... ما خودخواهی نداریم که می ترسیدی یا نمی ترسیدی ...

تقی شهرام: ... نه، اصلا خودخواهی نیست. می دونی چه جوری می ترسیدی؟ یعنی شما، این که این ایدئولوژی ما چقدر ضعیفه، و چقدر قابل برخورداره، و چقدر می شه به مسائل خیلی حتی به اصطلاح معمولی در هم شکستش، شما این و ایمان ندارید، به این دلیل که عملش و نکردید. شما با ما یه برخوردار ایدئولوژیک نکردید. یک چیز

تئوریک ندارید در رد مسائل ایدئولوژیک ما. نیامدید در واقع یک زمینه های حتی تاکتیکی، تکنیکی، نظامی، اینا، فراهم کنید برای این که بخواهید نقطه نظرات ایدئولوژیک خودتون و، همون کاری که ما بعدها کردیم ...

**حمید اشرف:** ... ما که جنگ حیدری و نعمتی نمی خواستیم بکنیم که. **تقی شهرام:** ... آخه جنگ رفیق، جنگ حیدری نیست. مگه مبارزه ایدئولوژیک جنگ حیدریه؟ با این کلمات، ببین، من مخالفم ها! جنگ حیدری و نعمتی، مبارزه ایدئولوژیک نیست. مبارزه ایدئولوژیک، بودند عناصری که بتونند این مسائل رو درک کنند. هیچ لزومی نداشت شما اول بیائین از تقدم ماده بر روح صحبت بکنید، از تقدم ماده بر نمی دونم، شعور صحبت بکنید، نه، زمینه های دیگه بود.

**حمید اشرف:** ... ما حداقل روابط رو لازم داشتیم؟

**تقی شهرام:** ... خب، ایجاد می کردید! ما را وادار می کردید!

**حمید اشرف:** ... داشتیم ایجاد می کردیم نشد. چطوری؟

**تقی شهرام:** ... نمی شه. همچی چیزی غیر ممکنه. چطور ما الان می تونیم در رابطه با گروه های دیگه این کار و بکنیم؟

**حمید اشرف:** ... بله؟

**تقی شهرام:** ... چرا همین گروه های مذهبی که الان می بینی در سطح جامعه اینقدر علیه ما هستند، وقتی پیشتازاشون تشکیل می شن، یهو به دو ماه نمی کشه، دو ماه هم به شیش ماه نمی کشه، میان می گن خودشون، به قول معروف، لنگ می اندازن، می گن آقا ما حاضریم با شما کار کنیم چرا؟ مجبورشون می کنه، جامعه. آخه این آدمی که از نظر سیاسی نمی تونه خط ...

**حمید اشرف:** ... والله، الان که جامعه وضعیتش فرق کرده با سابق، این اجبار هست. الان، جنبش مارکسیستی خودش و تثبیت کرده و عملا ...

**تقی شهرام:** ... قبلا نبود؟

**حمید اشرف:** ... نه قبلا تثبیت شده نبود.

**جواد قانیدی:** ... ممکنه من یک سوال بکنم؟

**حمید اشرف:** ... بله.

**جواد قائدی:** ... شما خودتون با این جریانات مذهبی برخورد دارید الان؟ اصلا میان پیش شما، با شما برخورد کنن؟  
**حمید اشرف:** ... نه. واسه این که ما، ریشه تاریخی در بین اینها نداریم.

**جواد قائدی:** ... ها!

**تقی شهرام:** ... این دلیل نمی شه. ریشه تاریختون ما.  
**حمید اشرف:** ... ما با گروه های مذهبی، این علت که شما با گروه های مذهبی تماس می تونید بگیرید، ما، گروه های مارکسیستی، میان سراغ ما، آره، خیلی هم زیاد.

**جواد قائدی:** ... خوب، گروه های مارکسیستی سراغ ما هم میان.  
**حمید اشرف:** ... که گروه های مارکسیستی که با شما هم ارتباط می گرفتند در گذشته، اکثرا، طالب ارتباط گیری با ما بودند. چون اندیشه مون یکیه اونا طالب، تمایل دارند که با ما ارتباط بگیرند، مذهبی ها هم تمایل دارند که با شما ارتباط بگیرند. و هنوز هم این جریان، چون شکل جدید خودش و تثبیت نکرده، مثل سابق کماکان هست.

**تقی شهرام:** ... آخه، این مسئله ...

**حمید اشرف:** ... و این تدریجا، این شاید حل بشه.

**تقی شهرام:** ... حالا من یه سوال دارم. تو چرا می خوای این قضیه را بذاری تقصیر شرایط؟ چرا نقش خودتون و نمی خواین ببینید؟ چرا شما شرایط و تغییر ندین؟ چرا ...

**حمید اشرف:** ... والله ما شرایط را تغییر دادیم. جنبش کمونیستی رو تثبیت کردیم.

**تقی شهرام:** ... نه، اینطور ...

**حمید اشرف:** ... شرایطی ایجاد کردیم که حتی این شرایط و به اصطلاح، تثبیت موضع مارکسیست ها، چیزی که نیروهای مذهبی از جمله خود سازمان مجاهدین در گذشته قبول نداشت، فکر می کرد که کمونیست ها نمی تونند در جامعه، خودشون و تثبیت بکنند ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خوب، این درست.

**حمید اشرف:** ... و همین جریانات خود بخود در عرصه جامعه ...

**تقی شهرام:** ... یعنی شما راضی هستید؟



**حمید اشرف:** ... شرایطی ایجاد کرد ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب. شما همه این ...

**حمید اشرف:** ... که خب، یک سری از نیروهای مذهبی، یعنی همین تحلیل ها، رسیدن به مارکسیسم، یکی از جنبه های اجتماعی و شرایط عینی اش هم همینه ...

**تقی شهرام:** ... به هرحال ...

**حمید اشرف:** ... تثبیت جنبش مارکسیستی در جامعه ست.

**تقی شهرام:** ... البته، من به این حرف شما، به این شکل به اصطلاح مستقیم اش اعتقاد ندارم. به این دلیل که این، اون موقع که شما این و می گفتید که واقعاً کوشش لازم را برای بوجود آوردن این ...

**حمید اشرف:** ... نه، خودش کرده ...

**تقی شهرام:** ... چنین شرایطی می کردید.

**حمید اشرف:** ... تثبیت جنبش کمونیستی ...

**تقی شهرام:** ... اگر به طور خود بخودی می گید ...

**حمید اشرف:** ... در جامعه شرایطی را واسه این کار فراهم می کنه.

**تقی شهرام:** ... این همون نقشیه که مثلاً بورژوازی هم در رابطه با خودش، پرولتاریا را مثلاً ایجاد می کنه، متشکل می کنه، و اجباراً تفکر مارکسیستی هم اجباراً در برابر یک چنین رژیم بورژوایی، فقط به اتکای ایدئولوژی پرولتری می شه باهاش مبارزه کرد. خب ...

**حمید اشرف:** ... واقعیت دیگری هم هست، و اون این که پرولتاریا به اتکا به قدرت سازمان یافته شه که می تونه اعمال قدرت بکنه

**تقی شهرام:** ... آخه ...

**حمید اشرف:** ... تا وقتی که متشکل نشده ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... این امکان رو نداره و عملاً خرده بورژوازی که موقتاً به خاطر شرایطی که داره، به خاطر تشکل سیاسی بهتری که داره به خاطر شرایط اقتصادی، خب، اون نمی پذیره. ولی بعدها در جریان عمل، در عرصه حرکت اجتماعیش ...

**تقی شهرام:** ... خب، اون که عرصه حرکت تاریخه، اجتماع است، اینها درست.

**حمید اشرف:** ... نه ...

**تقی شهرام:** ... ببین، ما داشتیم این و بررسی می کردیم که شما چه کار خاصی در این مورد، می تونستید بکنید و نکردید. تأثیراتی که شما بطور جوی و زیربنایی می تونستید تو جامعه بذارید، همه اش درست. تأثیری که نمی دونم، فرض کنید که به هر حال عمل شما در تثبیت یک نقطه نظر مارکسیستی در اون قسمتش می تونستید بذاره، اینا قبول، درست و کاملاً پسندیده. اینا درست؟ اما ما از شما چیز دیگری را در عین حال، الآن ها، نه اون، اون موقع، الآن که خوب، طبیعتاً قضیه عوض شد. ما انتظار داشتیم که شما در عین حال نزدیک تر بشید، بیائید جلوتر.

**حمید اشرف:** ... ما بارها و بارها پیشنهاد کردیم.

**تقی شهرام:** ... اونوقت، شما ببینم، دنبال اون صحبتی که کردید، گفتی که ما بعد از جریان رضا نتونستیم این جریان تغییر رهبری را بفهمیم، متوجه بشیم، این واقعا نتونستید، یا نمی خواستید؟ یا اینکه ...

**حمید اشرف:** ... ما تلاش هایی کردیم که ارتباطات را بیشتر ما حتی پیشنهاد کردیم که جلسه دو به دو بذاریم و جلسه یک به یک رو، و حتی من این و مطرح کردم ...

**تقی شهرام:** ... من، ما یادمون نمی آد، یک چنین چیزی.

**حمید اشرف:** ... خوب، پس رفیق رابط کوتاهی کرده در این مورد.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... چون که من به طور مشخص طرح کردم، حتی گفتم که بیائید به کمیته ای برای جبهه بوجود بیاریم.

**تقی شهرام:** ... ببین، این اصلاً طرح تو راجع به جبهه ها، این و بهت بگم، من نمی دونم چقدر هست، این و ما می تونیم یادداشت کنیم از اون رفیق رابط بپرسیم ...<sup>۱۱</sup>

**حمید اشرف:** ... بله.

<sup>۱۱</sup> - آن رفیق رابط در اوایل سال ۱۳۵۲، رفیق بهرام آرام است.

**تقی شهرام:** ... به طور مشخص به ما منتقل نشده. یعنی مسئله، طرح مسئله شما به نام جبهه، به ما منتقل نشده. این از این نظر.

**حمید اشرف:** ... چرا، ما بر حسب حتی من ...

**تقی شهرام:** ... ببینم، بعد از رضا؟

**حمید اشرف:** ... بعد از رضا، و می تونم بگم سال ۵۲ [۱۳] این کار شد.

**تقی شهرام:** ... شما این را بنویسید.

**حمید اشرف:** ... یعنی مثلا بهار، تابستون ۵۲ [۱۳] ...<sup>۱۲</sup>

**تقی شهرام:** ... بهار یا تابستون ۵۲ [۱۳] ...

**حمید اشرف:** ... ما پیشنهاد می کردیم که یه کمیته ای، کمیته جبهه به وجود بیاریم. کمیته ای برای، یعنی یه بار شد که رفیق، رفیق رابط خیلی ناراحت بود و این ارتباطات ما سازنده نیست، ما، اصلا فایده ای نداره ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ارتباطاتمون هیچ کاری صورت نمی گیره، جدایی وجود داره. من گفتم بیایم مسائلمون و برخورد کنیم باهاش. اگر جدایی هست، این جدایی را چه طوری به نزدیکی تبدیل کنیم؟!

**تقی شهرام:** ... درست.

**حمید اشرف:** ... بلاخره یه راهی باید داشته باشه؟

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... برای این که بیایم چیز بکنیم، دو، چندین طرح ما دادیم. یه طرحش این بود که بیایم انتقادات و بنویسیم با هم.

**تقی شهرام:** ... ها، ما این و قبول نمی کردیم.

**حمید اشرف:** ... که شما قبول نکردید.

**تقی شهرام:** ... دلایلم هم گفتم چرا.

**حمید اشرف:** ... بله. و ...

**تقی شهرام:** ... دیگه، طرح دیگه ای من خاطر من نیست.

---

۱۲ - بهار یا تابستان ۱۳۵۳، باز هم گفتگوهایی درباره تشکیل جبهه، بین نمایندگان دو سازمان انجام گرفته بود. در نوار شماره ۴، هم به آن اشاره می شود.

**حمید اشرف:** ... نه رفیق ببین، من حالا، این مسئله ای که شما خیلی انگشت می دارید ...

**تقی شہرام:** ... حالا تحقیق می کنیم.

**حمید اشرف:** ... کہ می گید قبول نداریم این ہم آگہ بیشتر صحبت کنیم، بہ نقطہ ضعفش می رسیم.

**تقی شہرام:** ... کہ چی؟

**حمید اشرف:** ... نقطہ ضعفش این ہستش کہ مائی کہ می گفتیم بیاییم مسائلمون و حل کنیم، درحقیقت بچمون نزدیکی بود، دیگہ!  
**تقی شہرام:** ... بلہ.

**حمید اشرف:** ... ما کہ نمی خواستیم بیشتر جدا بشیم، ما، اگر شما از ما انتقاد می کردید، و ما می خواستیم با غرور، انتقادات شما را، یا با اتکا بہ این کہ معیارہای مشترک نداریم، رد بکنیم ...  
**تقی شہرام:** ... بلہ.

**حمید اشرف:** ... کہ خب، بدتر از شما جدا می شدیم. ما ہم در رابطہ با یک سری معیارہای مشترک انقلابی، در رابطہ با ہمون مبارزہ ضد امپریالیستی کہ می کردیم، می تونستیم انتقاداتی را بپذیریم، و شما بہ این مسئلہ ہم توجہ نکردید.

**تقی شہرام:** ... آخہ!

**حمید اشرف:** ... بخشی از انتقادات بود کہ می تونستیم بگیم، آقا، ما دو تا نیرو کہ برعلیہ امپریالیست مبارزہ می کنیم، از نظر ایدئولوژیک، از نظر نمایندگی طبقات مختلف، فرق داریم با ہم.

**تقی شہرام:** ... بلہ.

**حمید اشرف:** ... ولی در رابطہ با ہمین تعہدی کہ نسبت بہ مبارزہ ضد امپریالیستی داریم، یہ معیارہایی داریم

**تقی شہرام:** ... بسیار خوب، ولی آخہ عملاً شما ...

**حمید اشرف:** ... در رابطہ با ہمین معیارہا، ما درست عمل کردیم و شما درست عمل نکردید. حداقل انتقاد در این سطح را کہ می تونستید مطرح بکنید.

**تقی شهرام:** ... آخه هر انتقادی در این سطح چون ما واقعا، این نکته مهم بود، در عین حال، ما مارکسیسم رو قبول داشتیم و مذهب رو قبول نداشتیم، ما نمی تونستیم این کار رو بکنیم. ببین، آخه یک جریانی ...  
**حمید اشرف:** ... مسئله مذهب نیست.

**تقی شهرام:** ... آخه نمی تونستیم!  
**حمید اشرف:** ... اجازه بدید، شما اگه یه تحلیل واقع بینانه ای داشتید، خودتون را می شناختید.

**تقی شهرام:** ... خیلی خوب.  
**حمید اشرف:** ... نه اینکه به، به اصطلاح، اندیشه ها و احساس ها و تمایلات، به قول خودتون، چهار نفر از عناصر رهبری توجه داشته باشید.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.  
**حمید اشرف:** ... شما عده ای از عناصر رهبری بودید، که به قول خودتون چهار پنج نفر، به مارکسیسم رسیده بودید.

**تقی شهرام:** ... خب.  
**حمید اشرف:** حالا می خواستین سازماننا از موضع مارکسیستی با ما برخورد کنید. خب، این که نمی شد.

**تقی شهرام:** ... خب ما این کار را نمی کردیم.  
**حمید اشرف:** ... کار واقع بینانه چی بود؟ کار واقع بینانه این بود که بگید آقا، ما، یه پروسه، خودتون این تحلیل رو می کردید، می گفتید ما تو یک پروسه ای که می خواهیم رشد بکنیم و به یک جریان مارکسیستی برسیم. ولی فی الحال چه هستیم؟

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.  
**حمید اشرف:** ... فی الحال موجودیت ما چیه؟ یعنی اون جریان و جنبه غالبی که پدیده مجاهدین داره، همون جریان به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... آخه شما یه برخورد مارکسیستی نمی کردید.  
**حمید اشرف:** ... ایدئولوژی التقاطیه همان جریان، اجازه بده!  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اون جریان هست. یعنی ما الآن یه جریان التقاطی هستیم که یک جریان سالمی داره توی ما رشد می کنه. ولی اون جریان سالم، یک جوجه است ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و اون جریان غالب، یک کل، یعنی عنصر اصلی. **تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... خیلی خب، حالا این عنصر اصلی هستش که داره رابطه می گیره با یک جریان دیگه، مثلاً، سازمان چریک های فدایی خلق در این رابطه، ما با توجه به گذشته مون، موجودیتمون، هدف هامون، و اون نقاط اشتراکی که همون کل مون داره، با این ها، در همین رابطه ما به هم انتقادات داریم. از این نقطه شروع بکنیم، انتقاداتمون و مطرح بکنیم. با توجه به معیارهای مشترک که هیچکدوم نمی تونیم زیرش بزنینم، که همون معیارهای مبارزه ضدامپریالیستی، ضد دیکتاتوری هست. بیا انتقادات و مطرح بکنیم. یک فتح بابی بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ببینیم اینا چیه؟ حداقل عملاً، ببینیم که اینها چی می گن، حرف هاشون چیه، یک مقدار بیشتر سونداژ بکنیم مسئله را. و درحقیقت، اینجا شما بودید که وحشت زده بودید از این کار، که این سونداژ را نکردید.

**تقی شهرام:** ... آخه ما اگر ...

**حمید اشرف:** ... یعنی اگر شما یه سونداژی، خوب، شروع، چه ضرری داشت؟

**تقی شهرام:** ... بین رفیق!

**حمید اشرف:** ... شاید اون چند تا مارکسیست می ترسیدند که ...

**تقی شهرام:** ... نه.

**حمید اشرف:** ... ما مثلاً، بیائیم از موضع مارکسیستی انتقاد بکنیم و چی بشه؟

**تقی شهرام:** ... آخه قضیه این طوری بودش که ...

**حمید اشرف:** ... چه بلایی سرتون می آمد؟

**تقی شهرام:** ... نه، هیچ مسئله هیچ بلایی به سرمون نمی اومد. قضیه اینطوری بودش که ما در عین حال، یک جریانات نادرست، و برخوردهای نادرستی در شما می دیدیم. ببین رفیق، این طوری بود قضیه، که ما، مثلاً فرض کن، در شما یک موضع غرور آمیزی، بطور خیلی ذهنی می دیدیم و این در مطبوعات تون منعکس می دیدی، یعنی واقعاً مثلاً فرض کنید که، این موضوع را مثلاً ما به چه صورت می تونستیم با شما طرح بکنیم؟ شما چه جوری می تونستید این را قبول بکنید؟ یعنی مسئله این طوری می شد که ما، اگر مسئله جبهه را مطرح می کنید اون یه بحث دیگه س، اگر صرفاً مسئله انتقاد رو مطرح می کنی ...

**حمید اشرف:** ... نه انتقاد چیزی بود که ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... در چارچوب همون جبهه صورت می گرفت.

**تقی شهرام:** ... نه جبهه طرح نشد ولی ...

**حمید اشرف:** ... چرا، جبهه هم بعدش مطرح شد.

**تقی شهرام:** ... تو انتقاد رو طرح کردی.

**حمید اشرف:** ... ما انتقاد رو مطرح کردیم یک ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... چندین بار هم مطرح کردیم که رفقا پاسخی نمی دادن ...

**تقی شهرام:** ... انتقاد رو.

**حمید اشرف:** ... که حتی یک بار اون رفیق یعنی من یادم هست یعنی احساس شما هم اون موقع هم تا حدود نارسایش القاء می شد.

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... همون رفیق هم یک بار گفته ش که صداقت طبقاتی، هر طبقه ای به چیزهای خودش صادق و کنایه وار این چیزها را گفت. که من گفتم که خب اون شناختی که ما از رفقا داشتیم از، در رابطه با به اصطلاح جبهه گیری های طبقاتی شون، نیروهای طبقاتی که از شون حمایت می کردن. خب این مشخص بود که اساساً خرده بورژوازی سنتی حمایت می کرد از سازمان مجاهدین.

**تقی شهرام:** ... نه این طورها هم نیست.

**حمید اشرف:** ... این یه واقعیه ...

**تقی شهرام:** ... نه این طورها هم نیست.

**حمید اشرف:** ... اجتماعیه ...

**تقی شهرام:** ... خرده بورژوازی سنتی واقعا اون طوری حمایت نمی کرد، اگه این طوری بود الان ما باید مثلا پر از خرده بورژوای سنتی باشه سازمان ما!

**حمید اشرف:** ... نه!

**تقی شهرام:** ... حالا ما نمایندگان فکری ش بودیم، ها؟! خب اگر اینطور، اینطور هم نیست ...

**حمید اشرف:** ... به اصطلاح این جریانی بود که منعکس بود، انعکاس بیرونی مسئله بود.

**تقی شهرام:** ... این، همین نکته است انعکاس بیرونی این نبود، آخه عزیز من اگر تو جریان را می گی، جریان خرده بورژوازی سنتی، من به توده تا گروه خب، این گروه "مهدویون" اعلامیه شو بذارم جلوش، از هر کلمه ش معلومه که این نماینده چه قشریه، آخه تو برمی داری برخورد ما رو، نمی دونم تحلیل ما از فلان مسئله، از این ها رو بذار جلو، آخه ...

**حمید اشرف:** ... تحلیل شما از مسئله یک پله از "مهدویون" مترقی تر بود.

**تقی شهرام:** ... نه، آخر یک پله نه، تفاوت خیلی طبقاتی آشکاری داشت.

**حمید اشرف:** ... مسئله اینه که شما عناصر به قول همین ...

**تقی شهرام:** ... آخه این که نمی شه خرده بورژوایی سنتی، خرده بورژوایی سنتی ...

**حمید اشرف:** ... نه!

**تقی شهرام:** ... تفکرش شناخته شده است آخه ...

**حمید اشرف:** ... خرده بورژوای سنتی در عهد به اصطلاح نیمه دوم قرن بیستم و عهد رواج انقلابات پرولتاریایی و ... اصلا ایدئولوژی النقاطی چرا بوجود می آد؟ دقیقا این هم، یک دلیل تاریخی داره ...

**تقی شهرام:** ... دلیلش بله، خرده بورژوای اصلا ...



**حمید اشرف:** ... یعنی خرده بورژوازی با ایدئولوژی التقاطی بخاطر این بوجود می آید ... [صدا قطع می شود] ... نیروهای پرولتری در سطح جهانی رشد کرده هستند و بازتاب این می شه که یه مقدار ایدئولوژی های به اصطلاح خرده بورژوایی و این ها ...

**تقی شهرام:** ... سنتی یا نه؟ تو گفتی سنتی.

**حمید اشرف:** ... سنتی حتی چون خرده بورژوازی انقلابی ایران خرده بورژوازی سنتیه.

**تقی شهرام:** ... این طور نیست.

**حمید اشرف:** ... خرده بورژوازی به اصطلاح جدید که بر اساس بورژوازی کمپرادر و منافع وابستگی به امپریالیسم به وجود می آید که اصلاً مبارز نیست، خرده بورژوازی مبارز در ایران خرده بورژوازی سنتیه، و این ها هم طبعاً پیشگامان شون با توجه به اوضاع و احوال جهانی نمی تونن در بست نظرات غیر به اصطلاح مخالفت علم مخالفت با مارکسیسم بلند کنند، طبعاً به شکلی می پذیرند و حتی این یه مقدار مایه های عینی طبقه شون هم هست، چون خرده بورژوازی سنتی بخش های پایینی اش به پرولتاریا نزدیک می شه و زمینه های اجتماعی هم داره به اصطلاح روبنای ایدئولوژیک ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به اصطلاح روبنای ایدئولوژیک و در نتیجه این مسئله بودش یعنی ما از این به اصطلاح جریان را به این شکل می دیدیم و انعکاس بیرونی ش ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... عملیات شما این و منعکس می کرد نمی دونم همه این ها بود دیگه ...

**تقی شهرام:** ... عملیات ما مثلاً چه جوری منعکس می کرد، حالا برای اینکه من بدونم ها، من اگه بخوای خودم برات می گم چه جوری اگر مثلاً، چه ارتباطی داشت، فقط می خوام بدونم شما چه جوری مثلاً ...

حمید اشرف: ... مثلاً فرض کن طاهری زده می شه.<sup>۱۳</sup>  
 تقی شهرام: ... آها؟  
 حمید اشرف: ... شعبان بی مخ زده می شه.<sup>۱۴</sup>  
 تقی شهرام: ... خب.  
 حمید اشرف: ... نمی دونم بانک عمران منفجر می شه، نمی دونم ...<sup>۱۵</sup>  
 تقی شهرام: ... بانک عمران را ما نکردیم!  
 حمید اشرف: ... ها؟  
 جواد قائدی: ... چرا کردیم.  
 تقی شهرام: ... کردیم؟ ها!  
 حمید اشرف: ... خب اینا مشخصه دیگه، یا مثلاً فروشگاه های بزرگ  
 منفجر<sup>۱۶</sup> می شه، این ها مثلاً خب چطوره که ما مثلاً هیچ وقت نمی آیم  
 فروشگاه منفجر کنیم، اصلاً به فکر ما هم نمی رسه که بریم جلو بانک  
 عمران مثلاً بمب بذاریم.  
 تقی شهرام: ... هوم! خب بانک عمران چیه قضیه اش؟  
 حمید اشرف: ... بانک عمران خب یک مؤسسه بورژوازیه دیگه ...  
 تقی شهرام: ... نه!  
 حمید اشرف: ... بورژوازی بزرگ و ...  
 تقی شهرام: ... نه اتفاقاً نکته اش ...  
 حمید اشرف: ... تضادی که با بورژوازی سنتی داره این ها بود ....

۱۳ - "اقدام انقلابی" سرتیپ سعید طاهری، رییس زندان های شهربانی کل کشور، در ۲۲ مرداد ۱۳۵۱. اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۷ و همچنین در باختر امروز شماره ۲۹: <http://peykarandesh.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-29.pdf>

۱۴ - اقدام ناموفق اعدام انقلابی شعبان جعفری در ۶ مهرماه ۱۳۵۱. اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۱۲.

۱۵ - اقدام به انفجار در بانک عمران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۱، اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۱.

۱۶ - اشاره به اقدام به انفجار در فروشگاه بزرگ کورش در خیابان پهلوی در ۱۸ مرداد ۱۳۵۱، که در آن مجاهد حسین مشار زاده بشدت مجروح شد.

**تقی شهرام:** ... نه اتفاقا اینا نیست، بانک عمران از قرار، مسئله اش آخه این نیست از قرار، بانک عمران مال شاه است، مستقیما، دقت می کنی، در رابطه با بنیاد پهلویه ...

**حمید اشرف:** ... بله شاه کیه، شاه نماینده بورژوازی بزرگه ...

**تقی شهرام و جواد قاندى:** [قهقهه خنده ...]

**حمید اشرف:** ... یعنی در حقیقت وقتی که ...

**تقی شهرام:** ... [با خنده] خب اگر شما می خواهید عملیات کنید باید برید علیه بورژوازی بزرگ عمل کنید دیگه. نمی رید، مثلا ...

**حمید اشرف:** ... آره، ولیکن ما بر علیه بورژوازی بزرگ عمل می کنیم بطوری که پرولتاریا حسش بکنه.

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... ولیکن یک سازمان خرده بورژوایی بر علیه بورژوازی بزرگ عمل می کنه بطریقی که خرده بورژوازی حسش کنه و طرف پیشگامش رو بگیره.

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... مسئله اش اینه و این هام دقیقا تحلیل هم به اون شکل نداره ها، یعنی یه مقدار حسی عمل می کنه یعنی خلیات و روحیاتی که یه جریان می کشه که فلان طرح رو را پیشنهاد بده، مشخص کننده اینه، یعنی به روان شناسی اجتماعی هم بر می گرده، مسئله.

**تقی شهرام:** ... بله ولی خب ...

**حمید اشرف:** ... به هر تقدیر صحبت سر این بود ما با یه همچین مسئله ای مواجه بودیم و بنابراین در رابطه با همکاری با شما چیزی که می تونستیم داشته باشیم این جبهه بود ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و در چارچوب جبهه چون این واقعیته حالا شما می گید که با ما شما غرور آمیز برخورد کردید و می گید ...

**تقی شهرام:** ... خیلی چیزای دیگه ...

**حمید اشرف:** ... شما خیلی عاطفی بودید و اینها ...

**تقی شهرام:** ... نه! ما عاطفی تا کی بودیم؟

**حمید اشرف:** ... ولی شما دفعه پیش<sup>۱۷</sup> هم، من می خواستم بگم اون رفیقمون خیلی احساساتی می شد و نمی شد آدم بحث رو ادامه بده.

**تقی شهرام:** ... کدوم رفیق؟

**حمید اشرف:** ... اون رفیق رابط قلبی.

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... من این و میخوایم ... که گفتم منحنی روابط را ترسیم کنیم ببینیم این کش و قوس روابط چه طوری بوده، ما در سال ۵۰ [۱۳] ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اگر رفقا یادشون باشه ما واقعا از لحاظ برخورد عاطفی و مساوات طلبانه و این ها سنگ تموم می گذاشتیم، یعنی واقعیت این بود که اگر به ما، بطور مشخص یه نمونه دارم ما یه وضعیتی پیش اومد بهمون حدود ۱۳۰-۱۲۰ کیلو دینامیت رسید.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ما این دینامیت رو گذاشتیم وسط با چاقو از وسط نصفش کردیم و نصفش رو در چند جلسه، یه مقدار زیادی هم بود چند تا گونی بود آوردیم دادیم به رفقا.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... حتی ما در رابطه با جنبش مبارزاتی، جنبش مسلحانه که شروع شده بود حالت مساوات گر رو در چیزهایی که بهمون می رسید ...

**تقی شهرام:** ... بله

**حمید اشرف:** ... مساوات طلبی می کردیم

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی ما با این احساس شروع کردیم، ولی بعدها و رفقا همین احساس را متقابلا به ما داشتن.

**تقی شهرام:** ... خب.

---

۱۷ - اشاره به جلسه مشترک اول در بهار سال ۱۳۵۴، احتمالا در خرداد ماه، در رابطه با تشکیل جبهه مشترک و انتقاد رفیق بهرام آرام به پاسخنانه سچفخا به نامه حزب توده ایران در جزوه ای در رابطه با "اعدام انقلابی" عباس شهریاری است.

**حمید اشرف:** ... و این جریان درست تا موقعی بود که سازمان مجاهدین هنوز پر و پا نگرفته بود، یعنی قوام نگرفته بود. تا این که جریانات تابستون ۵۱ [۱۳] پیش اومد و عملیات پرایس<sup>۱۸</sup>.

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... که دراون که، این هم باز قابل ذکر است که در اون جریان یک محرکی که رفقا اون عملیات را بکنن ما بودیم. یعنی بخصوص من این رو چون خودم دست اندر کار مسئله بودم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به یادم هست که بعدا رفقا به شکل رسمی در یه جایی موضوع رو تکذیبش هم کردند.

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**حمید اشرف:** ... که البته، که یه حالتی که اون روابطی که ما داشتیم چون اون عملیات، عملیات مشترک بود کلا ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و متاسفانه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اون طرحی که ما داشتیم ...

**تقی شهرام:** ... بله می دونم ...

**حمید اشرف:** ... و مشابهش هم در اختیار رفقا گذاشتیم که با موتور برن و اون دینامیت ها و اینا رو بذارن منفجرش بکنن، ما عین همون طرح رو داشتیم برای ویلیامسون<sup>۱۹</sup> ...

---

۱۸ - اشاره به اقدام به "اعدام انقلابی" ژنرال هارولد پرایس، مستشار آمریکایی در ۱۰ خرداد ۱۳۵۱. اطلاعاتیه سیاسی نظامی، شماره ۳. در این عملیات ژنرال پرایس بشدت مجروح شد. در باختر امروز:

<http://peykarandees.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-27.pdf>

۱۹ - اشاره به ژنرال الیس ویلیامسون، از فرماندهان ارشد آمریکا در جنگ ویتنام و سپس فرمانده کل نیروهای نظامی آمریکایی در ایران بین سال های ۵۲-۱۳۵۰، و مشاور شخصی شاه در امور نظامی است.

Major General Ellis W. Williamson (1918- 2007). He held high-level posts supervising troop training and, from 1971

**تقی شهرام: ... بله.**

**حمید اشرف:** ... که نیومد یه اشتباهی شد و موفق نشدیم.

**جواد قانّدی:** ... البته من اینجا این حرفتون را به این ترتیب قبول ندارم ها، رفیق. می‌تونیم بعدا بحث کنیم ولی اون طرح رو شما به ما پیشنهاد نکردین و حتی تا وقتی که ما پرایس رو بهتون نگفتیم شما ویلیامسون رو بهمون نگفتین. این مشخصا یادمونه که وقتی ما گفتیم می‌خوایم پرایس را بزنیم، عمل می‌خوایم بکنیم شما گفتین ما می‌خوایم ویلیامسون رو بزنیم.<sup>۲۰</sup>

**حمید اشرف:** ... بله ولیکن ...

**تقی شهرام:** ... پس شما ببینید اینجا گاهی اوقات می‌گم، گاهی اوقات اطلاعات مثلا موجود نیست من این و نمی‌دونم شما توجه بکنید ها من گاهی اوقات ممکنه از ...

**حمید اشرف:** ... بله من حتی یه چیز، این البته رفقایایی که تو خود جریان بودن، نمی‌دونم تا چه حد درست در جریان مسئله قرار گرفتن، چون حتی ما به، بعد رفقا گفتم که ما شناسایی این ویلیامس ...، این چیز را داریم پرایس را، شناسایی شو داشتند. یعنی می‌دونستن که با اون ماشین آبی اش می‌آد از جلو سفارت آمریکا رد می‌شه و این‌ها. ما تاکید کردیم که رفقا اینکار رو بکنید، مسئله برای رفقا به این شکل مطرح بود که یک تیم بذارن با مسلسل یوزی، تنها مسلسل یوزی که در اختیارشون بود با اون عمل بشه، و رفیق رضا به من گفت که این طرح را

---

to 1973, was chief of the United States military mission to Iran. In 1971, he was designated chief of the U.S. military mission in Iran and personal adviser to the shah of Iran. He retired in 1973.

<http://www.arlingtoncemetery.net/ewwilliamson.htm>

۲۰ - بنا به آنچه شنیده ایم، رفیق جواد قانّدی در آن زمان هنوز به عضویت و حتی هواداری سازمان مجاهدین خلق هم در نیامده بود. احتمالا رفیق این را به نقل از رفقای مسئول می‌گوید. در آن زمان همان طور که رفیق حمید اشرف می‌گوید، رابط سازمان شهید رضا رضایی بود. رفیق جواد در آن زمان دانشجوی دانشگاه صنعتی بود و در همان روزها بخاطر تظاهرات علیه نیکسون دستگیر و پس از یک سال حبس در سال بعد آزاد و به سازمان پیوست.

در این شرایط ما نمی‌تونیم بکنیم چرا که ما یه دونه مسلسل داریم و یه تیم بخوایم رو این کار بذاریم اگر ضربه بخوریم برامون فاجعه است.<sup>۲۱</sup>  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که ما گفتیم شما، ما طرح مشابه ای داریم برای ژنرال ویلیامسون.

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... که مواد بذاریم سر راهش به این شکل منفجر کنیم، شما دو نفر با موتور سیکلت بسیج بکنید مواد منفجره هم که هست. بر اساس انفجار از ... سیمکشی شده این عمل را انجام بدیم.

**تقی شهرام:** ... بسیار خب.

**حمید اشرف:** ... که، بعدا، که خب طرح مون مشترک بود که حتی زمان هاش و را با هم تطبیق می‌دادیم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... که یه روز باشه و این‌ها، که این عملیات وقتی اجرا شد طبعاً عملیات خیلی چشمگیری بود ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و تا قبل از اون حتی رفقا مسائلی طرح می‌کردند، از جمله این که سطح روحیه در سازمان پائینه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و رفقا خود کم بینی احساس می‌کنند در رابطه با جریان انقلابی، این‌ها مسائلی بود که رضا طرح می‌کرد.

**تقی شهرام:** ... بله خب.

**حمید اشرف:** ... ولی بعد از اون جریان پرایس قضایا به کلی دگرگون شد و واقعا من یادمه، همون موقع که این صحبت‌ها بود ما اصلاً آتیش می‌گرفتیم وقتی این و می‌شنیدیم که مثلاً رفقا روحیه شون مثلاً تضعیف شده یا مثلاً می‌گفتن که چون اون موقع که مذهبی بودن همه اکثراً ...

**تقی شهرام:** ... بله درسته.

---

۲۱ - اشاره به، گفتگوی مستقیم رضا رضایی و حمید اشرف در بهار ۱۳۵۱ است.

**حمید اشرف:** ... و تصورشون این بود که این مثلا مارکسیست ها یه عناصری از سرشت ویژه ای هستن که مثلا این طوری برخورد می کنن و عملیات موفقیت آمیز می کنند و بخصوص چون چند تا عمل ناموفق هم شده بود، مثل عمل شهرام و این ها ...<sup>۲۲</sup>

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یه مقدار سطح روحیه اومده بود پایین و وقتی رفیق این و مطرح می کرد شخصا من آتیش می گرفتم.

**تقی شهرام:** ... حق داشتی واقعا.

**حمید اشرف:** ... و این احساس رو داشتیم که چرا رفقا این قدر ذهنی اند.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و هیچ فرقی نداره اون ها هم می تونن عملیات بکنن اونها قدرت دارن حالا، چند تا مثل چند مورد به شکل تاکتیکی نشده که دلیل نمی شه.

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... و بخصوص رو این عمل ما چیز داشتیم یعنی می خواستیم رفقا را در پیروزی های خودمون سهیم کنیم.

**تقی شهرام:** ... واقعا یه گرایش انقلابی ای بوده.

**حمید اشرف:** ... و در این جهت در این زمینه حالا چون یه مقدار جریانات صحبت می شه که برخورد عاطفی بوده، می خوام بگم برخورد ما هم عاطفی بوده.

**تقی شهرام:** ... بله، البته اون موقع شما کار درستی کردین که خواستین واقعا ما رو کمک بکنین، اگر این کار رو کردین برای کمک کردن یعنی برای عمل کردن ...

**حمید اشرف:** ... ما الآن هم پشیمان نیستیم

**تقی شهرام:** ... الآن هم باید بکنین ...

**حمید اشرف:** ... و معتقدیم که وظیفه مون بوده ...

---

۲۲ - اشاره است به عملیات ناموفق ربودن شهرام پهلوی نیا در مهرماه ۱۳۵۰، توسط تیمی از سازمان مجاهدین خلق ایران، جهت معاوضه با زندانیان سیاسی مجاهد.



تقی شهرام: ... کار خوبی کردین، بله.  
حمید اشرف: ... حالا هم همین اعتقاد را داریم ...  
تقی شهرام: ... بله کار خیلی خوبی کردین، الآن هر گروهی می خواد عمل کنه باید بهش کمک کرد.  
حمید اشرف: ... و در این رابطه ما تا جائی که برنامه ریزی مشترک کردیم و اینها و بلاخره نتیجه عمل به اون شکل در اومد.  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... ولی از اون لحظه به بعد، قضایا راه دیگه ای رو طی کرد یعنی این غروری که ...  
تقی شهرام: ... یعنی واقعا از طرف رفقای ما چنین ...  
حمید اشرف: ... بله.  
تقی شهرام: ... جریانی بوجود اومد؟  
حمید اشرف: ... بطور مشخص.  
تقی شهرام: ... صحیح.  
حمید اشرف: ... حتی کار به جایی رسید که در یک اعلامیه ای که فکر می کنم در رابطه بود با اون اعظم؟<sup>۲۳</sup> که در [خیابان] سیروس، عزت شاه‌ی<sup>۲۴</sup> را می خواستن بگیرند، تیر خورد. ...  
تقی شهرام: ... بله بله، درسته، یه اعلامیه دادیم.  
حمید اشرف: ... در اعلامیه ای که در این رابطه منتشر شد.  
تقی شهرام: ... بله.

---

۲۳ - اشاره به کشته شدن دختر بچه ۱۰ ساله ای به نام اعظم فرد امیری در خیابان سیروس توسط تیراندازی متقابل ساواک بود که سازمان مجاهدین خلق در اطلاعیه سیاسی- نظامی، شماره ۱۴، "درباره جنایت خیابان سیروس"، در ۱۶ اسفند ۱۳۵۱، آن را برای مردم توضیح داد و منتشر کرد. در باختر امروز شماره ۳۹:

<http://peykarandees.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-39.pdf>

۲۴ - آنطور که شبنده ایم، عزت الله شاه‌ی، پس از انقلاب نام فامیلش را به مطهری تغییر داد. او از اعضای سازمان مجاهدین خلق بود و در عملیات ناموق "اعدام انقلابی" شعبان جعفری به همراه وحید افراخته شرکت داشت. او در عملیات تعقیب و گریز در خیابان سیروس حضور داشت و در حالی که مسلح نبود، با گلوله زخمی و دستگیر شد.

**حمید اشرف:** ... چون ما هم بلافاصله، ما در تابستون پنجاه و یک ضربه های سختی خوردیم.<sup>۲۵</sup>

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی در حقیقت چون سازمان ما یه سازمانی بود که جوانان کمونیست رو عضوگیری می کرد و چون نیروهای کمونیست معتقد به جنبش مسلحانه هم تثبیت نکرده بود خودش رو، و از طرف به اصطلاح سازمان های سنتی کمونیستی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به اصطلاح کمونیستی تکذیب می شد راه مسلحانه، جنبش ما، سازمان ما قدرت زیادی نمی تونست بگیره و هدف اول ما تثبیت جنبش مسلحانه بود دیگه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... تثبیت خط مشی مان. و ضربه هایی هم که می خوردیم بازسازیش زمان می گرفت چون حمایت طبقاتی هم مشخصا ما نداشتیم. یعنی طبقه کارگر هم هنوز تحت تاثیر اون شیوه هایی که ما در پیش گرفته بودیم به مبارزه کشیده نشده بود. جنبش خودبخودیش هم که بر اساس رشد شرایط عینی به مرحله پیشرفته نرسیده بود. در اون اوضاع و احوال، برخوردی که رفقا با ما داشتن به طورکلی برخورد، دگرگونی شد.

**تقی شهرام:** ... چی؟

**حمید اشرف:** ... یعنی از اون به بعد احساس و استنباط کردیم و انعکاساتی هم داشت.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که رفقای سازمان مجاهدین استنباط شون این بود که این جریان مارکسیستی در جامعه ایران، خوب چیز ایدئولوژیکشون هم بود یعنی ...

---

۲۵ - اشاره به دستگیری شهید عباس جمشیدی در تیر ماه و سپس شهادت محمد صفاری آشتیانی، احمد زبیرم، مهدی فضیلت کلام، فرخ سپهری، فرامرز شریفی عده ای دیگر در مرداد ماه و همچنین از دست دادن برخی امکانات مهم سازمان مجاهدین است.

**تقی شهرام: ... بله.**

**حمید اشرف: ...** منطبق بود با ایدئولوژی‌شون هم بود، یعنی طبیعی بود که هم چه چیزهایی هم داشته باشن.

**تقی شهرام: ...** این تضعیف می‌شه و نابود می‌شه و ...

**حمید اشرف: ...** تضعیف می‌شه و نابود می‌شه ...

**تقی شهرام: ... بله.**

**حمید اشرف: ...** و ما هم، خوب طبعا چون اعتقاد هم داشتن به خط مشی خودشون و به ایدئولوژی خودشون ...

**تقی شهرام: ...** باقی می‌مونیم.

**حمید اشرف: ...** باقی می‌مونیم و ضمنا این جریان به تدریج حل بشه هم چیز بدی نیست اگه بشه حل بشه یه جوری و حالا یا یه جوری حل بشه خلاصه ...

**تقی شهرام: ...** کدوم جریان حل بشه؟

**حمید اشرف: ...** جریان چریک‌های فدائی خلق.

**تقی شهرام: ...** یعنی چه جوری حل بشه یعنی مثلا حتی یه جوری رو به اضمحلال برن؟

**حمید اشرف: ...** اضمحلال بره. تضعیف بشه، اینا.

**تقی شهرام: ... بله.**

**حمید اشرف: ...** در این رابطه رفقا، تو همون اعلامیه شون، یه چیزی بود که اول بار یک زنگی بود برای ما.

**تقی شهرام: ...** بله بفرمایید.

**حمید اشرف: ...** در سال ... اواخر سال ۵۱ [۱۳] بود.

**تقی شهرام: ...** درسته.

**حمید اشرف: ...** که رفقا اعلامیه دادن، اون ماجرای شهادت فضیلت کلامی‌ها رو نوشتن تو اون اعلامیه شون و نوشتند: این‌ها همگی از مجاهدین خلق و خدا بودن.<sup>۲۶</sup>

---

۲۶ - فدایی شهید مهدی فضیلت کلام که در ۹ مرداد ۱۳۵۱ در درگیری مسلحانه با ساواک در منطقه سلیمانیه تهران کشته شد. در اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۱۴ به تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۱، که نسخه‌ای از آن در نشریه باختر امروز شماره ۳۹، نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۵۲ منتشر شد، در اواسط اطلاعیه با اشاره به کشته شدن

تقی شهرام: ... آره؟ (خطاب به قاندى)  
 جواد قاندى: ... من يادم نيست.  
 حميد اشرف: ... شما اگر يادتون نيست مراجعه كنيد اعلاميه اش  
 شايد در زوايای انبارها و اينجا بشه پيدا كرد.  
 تقى شهرام: ... شما دارين يه نسخه ازش؟  
 حميد اشرف: ... ما نداريم، نه، ... ولى ما چون همگى با اين مسئله  
 برخورد داشتيم ...  
 تقى شهرام: ... ما اگر اينطور باشه، خب، به هر حال، ما، حق با  
 شماست كاملا، يعنى انتقاد كاملا وارده.  
 حميد اشرف: ... البته من اين انتقاد رو ...  
 تقى شهرام: ... اصلا انتقاد به شكل حتى خيلى بدش هم وارده، يعنى  
 واقعا حتى اگه آدم مذهبي متعادلى باشه نبايد اين كارو بكنه، اين كاره  
 غلطيه، يه عنصر ...  
 حميد اشرف: ... به هر حال ...  
 تقى شهرام: ... خيل ...  
 حميد اشرف: ... اين اولين جايى بود كه ما، يعنى ما نشانه هاى  
 چيزش رو مى ديديم، نشانه هاى به اصطلاح برخوردهاى كه ديگه  
 آنچنان مثل اول صادقانه نيست.  
 تقى شهرام: ... نيست. بله.  
 حميد اشرف: ... اين و مى ديديم، در اونجا يه مقدار تظاهر بيرونى  
 پيدا كرد.  
 تقى شهرام: ... درسته.

---

مردم عادى در درگيرى ها مى نويسد: "آيا مردم [محلّه] سلطانيه را كه شاهد  
 كشتار بى رحمانه و وحشيانه سه تن انقلابى (مهدى فطيلت كلام، فرخ سپهرى و  
 فرامرز شريفى) دلير و سه تن كارگر و خواربار فروش و دانش آموز توسط پليس  
 بودند، مى توان فريب داد؟" سپس در پاراگراف پايانى اطلاعيه آمده است: "ما به  
 مادر داغديده اعظم شهيد و همه مادران و پدرانى كه فرزندانشان به دست پليس  
 جنايت كار شاه كشته شده اند اطمينان مى دهيم كه انتقام خون فرزندانشان را از  
 مزدوران ... شاه خواهيم گرفت. و همه آنها كه به دست پليس شاه كشته شده اند،  
 شهداى راه خدا و آزادى خلقند. ياد همه اين بى گناهان همچون ياد همگى شهداى  
 سر افراز خلق تا ابد در خاطره ها خواهد ماند. ..."

**حمید اشرف:** ... به این شکل که اینها فضیلت کلام، اسمشون اومده بود که از مجاهدین خلق خدا، خلق، و یا راه خلق خدا اند. چون ما واسه مون مسئله این بود که ما دوتا، دوتا و نصفی آدمیم کمونیست هم هستیم. از اول هم حرفی که ...

**تقی شهرام:** ... (با پوزخند) اینا می خوان ما رو بخورن ...

**حمید اشرف:** ... حرفی که، نه نمی خوان ما را بخورن.

**تقی شهرام:** ... نه واقعا دیگه!

**حمید اشرف:** ... بلکه اینها به اصطلاح در حقیقت ...

**تقی شهرام:** ... نه واقعا، یعنی مستحیل بکنن قضیه رو ...

**حمید اشرف:** ... می خوان قضیه رو لوٹ بکنن، چون که ما لوٹ بشو نبودیم ...

**تقی شهرام:** ... خب نمی شد، از نظر تاریخی نمی شد، این قضیه ...

**حمید اشرف:** ... ولی چون این نیروهای کمونیستی که بودن، یعنی کمونیست ها بقول استالین یه مقدار هم راست راستی از سرشت ویژه اند.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی به هر حال زیر هر شرایطی خودشون رو بیرون می کش.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ولی خب این جریانات که همچنین دیده می شد از اون طرف ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... خب یک زنگ خطری هم واسه ما بود که نیروهای خرده بورژوازی که الآن، در، فعلا موقتا قدرت را بدست گرفته اند کوشش هایی در این جهت در وجود، در به اصطلاح تمایلاتی در این جهت داره در وجودشون جوونه می زنه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این مسئله، به این شکل ...

**تقی شهرام:** ... خب ببین اینجا ...

**جواد قاندي:** ... این جا من یه چیزی بگم رفیق.

**حمید اشرف: ... بله.**

**جواد قائدی:** ... این حالا این مسئله "اعظم امیری" رو اعلامیه شو ما می رویم برخورد می کنیم. ولی رفیق عزیز شما خودتون مثل این که اصلا اعلامیه پاسگاه ها تو نو فراموش کردین این وسط.<sup>۲۷</sup>

**حمید اشرف:** ... کاملاً، من فراموش نکردم آنها را هم می گم.

**جواد قائدی:** ... آها، اون قبل از اینها بود رفیق.

**حمید اشرف:** ... هان!

**جواد قائدی:** ... اون قبل از این بود، که شما گفتین پاسگاه ها رو در رابطه با ما جمع کردن، در حالی که ما تو اعلامیه مون هم اسم شما رو آوردیم هم اسم خودمون رو، اون قبل از این جریانات بود، مگر اون عمل به وسیله خود رفیق سپهری<sup>۲۸</sup> انجام نشده بود، پاسگاه شاه، میدان شاه؟

**حمید اشرف:** ... چرا.

**جواد قائدی:** ... خیلی خب، پس این اعلامیه پاسگاه ها قبل از شهادت رفیق سپهری بود.

**حمید اشرف:** ... والله در جریان اعلامیه پاسگاه ها ما برنامه مشترکی با سازمان مجاهدین نداشتیم ...

**جواد قائدی:** ... نه رفیق ما نگفتیم ...

**حمید اشرف:** ... حتی پاسگاه ها را ما منفجر کردیم.

**جواد قائدی:** ... نه.

**حمید اشرف:** ... اساساً ...

---

۲۷ - منظور عملیات انفجار پاسگاه های راهنمایی و رانندگی تهران در خرداد ۱۳۵۱ است، که توسط هر دو سازمان انجام گرفت. در این باره سازمان مجاهدین در بیانیه ای به تاریخ چهارم خرداد ۱۳۵۱ که در نشریه باختر امروز شماره ۲۷، ص ۲، نیمه اول خرداد ۱۳۵۱ هم آمده است نوشته:

<http://peykarandeesh.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-27.pdf>

۲۸ - منظور فدایی شهید فرخ سپهری است که در ۹ مرداد ۱۳۵۱ در درگیری با ساواک کشته شد.

**جواد قانُدی:** ... شما دوتا شما منفجر کردین دوتا هم ما. این حالا  
چطور شد که فقط در رابطه با شما جمع کردن؟<sup>۲۹</sup>  
**تقی شهرام:** ... خب ببینید این مسائل الان زیاده، ببینید، اینا را الان  
من فکر کنم بگذار اون رفیق صحبت اش را بکنه.  
**حمید اشرف:** ... از نظر من، نه رفیق.

**تقی شهرام:** ... ببینین اصلا طرحش ببینید اشکال نداره به عنوان  
تاریخ آدم واقعا اینا درس آموزه، یعنی خیلی خب، باید گفت واقعا  
اشتباهاتی بوده، هیچ وقت ما در مقام دفاع از اشتباهات، اصلا آدم  
احمقیه اگر کسی قبول بکنه که یعنی اصلا بخواد در مقام دفاع یا قبول  
یا اصلا رد قضیه بر بیاد، کاملا اشتباهاتی که ما داشتیم در این زمینه  
قبوله ...

**حمید اشرف:** ... و تازه اولین ...

**تقی شهرام:** ... ولی یه مسئله هست که ...

**حمید اشرف:** حالا ما آمدیم، به فرض ما عملیاتی را، چون عملیات  
پاسگاه ها عملیاتی نبود که مشترکا طرحریزی شده چون در رابطه با  
عملیات آمریکایی ها که خب چون مشترکا بود اعلامیه های ما هم  
مشخص بود. در رابطه با عملیات پاسگاه ها، سازمان ها مستقلا اون  
عملیات را کردند. و به ویژه اینکه عملیاتی که شد و اعلامش کردن که  
ان الان من یادم نیست، شاید حق با شما باشه، و در اینجا موضع تنگ

---

۲۹ - در اطلاعیه چریک های فدایی خلق، در ۴ خرداد ۱۳۵۱، آمده است: "در شب  
چهارشنبه، سوم خرداد ماه جاری، چند پاسگاه راهنمایی از جانب چریک های  
فدایی خلق مورد حمله قرار گرفتند." در این اطلاعیه هیچ اشاره ای به سازمان  
مجاهدین خلق نشده است. در باختر امروز شماره ۲۸ ص ۳:

<http://peykarandeesh.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-28.pdf>

در بیانیه ای از سازمان مجاهدین خلق که آن هم در چهارم خرداد ماه ۱۳۵۱ منتشر  
شده است، آمده: "به دنبال حملات متعددی که از جانب "چریک های فدایی خلق" و  
سازمان مجاهدین خلق ایران، علیه پاسگاه های راهنمایی در روزهای سه شنبه ۲  
خرداد و چهارشنبه ۳ خرداد، صورت گرفت، پلیس مجبور به جمع آوری این پاسگاه  
ها گردید." باختر امروز شماره ۲۷ ص ۳:

<http://peykarandeesh.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-27.pdf>

نظرانه ای بوده که این طوری شده، و حتماً هم بوده لابد، من نمی دونم این پاسگاه ها همزمان هم منفجر شد ولی می دونم که ما یک برنامه ضربتی داشتیم که در عرض چند روز چند تا پاسگاه منفجر شد و بدنبال این و چند تا بمب هم گذاشتیم که کشف کردن، و سروصدا بالا گرفت یعنی پنج- شش تا پاسگاه رو ما بمب گذاری کردیم که دو سه تاش عمل کرد یکی دوتاش هم کشف کردن و طرح های مختلفی رو ما در این زمینه پیاده کردیم و خود همان رفیق فضیلت کلام هم مسئول این طرح ها بود که پیاده کرد و اعلامیه شو نوشتن و دادن بیرون و وضعیت پاسگاه ها هم خیلی سریع شروع کردن یعنی دونه دونه، یعنی هر کدام زده می شد که ورمی داشتن و بعد هم تک و توک شروع کردن برداشتن و بعد هم عملیات شما مثل این که همزمان یا بعدش شاید صورت گرفت ...

**جواد قائدی:** ... رفیق این طوری نبوده رفیق، من فکر می کنم ببینید شما تو اون اعلامیه که نوشتین گفتین که رژیم شاه اومده در رابطه با انفجار پاسگاه ها، پاسگاه ها رو جمع کرده، اگه پاسگاه جمع شده بود ما چطور منفجرش می کردیم.

**حمید اشرف:** ... پاسگاه ها ...

**جواد قائدی:** ... جمع شدن در رابطه کاملاً با عمل هر دو تا سازمان بود. و شما هم اعلامیه تون هم اینقدر سریع در نیومد، یعنی یه نمودهای مشخصی از جمع کردن بقیه پاسگاه ها دیده شده بود که شما اعلامیه را دادین و یه همچو حرفی را نوشتین، یعنی شما بدون سند که حرف نمی زدین، رو هوا که حرف نمی زدین رژیم پاسگاه ها را جمع کرد.

**تقی شهرام:** ... بله!

**حمید اشرف:** ... به هر حال من در این زمینه الآن دفاعی نمی کنم.

**تقی شهرام:** ... نه اصلاً بحثی نیست.

**حمید اشرف:** ... تو حافظه ام نیستش مسئله ...

**تقی شهرام:** ... حالا اصلاً این مسئله ...

**حمید اشرف:** ... که به خواهم دفاع بکنم و می پذیرم.

**تقی شهرام:** ... نه واقعا این نقطه که اصلاً از کجا برای ما خیلی جالبه ...



**حمید اشرف:** ... ولیکن اینکه رفیق فضیلت کلام مجاهد راه خلق و خداست ، اون دیگه ...

**تقی شهرام:** ... این واقعا باید گیرش کرد از کجا مسائل به این شکل دراومده؟

**حمید اشرف:** ... این از کجا در اومده؟

**جواد قاندى:** ... این و باید ببینیم

**حمید اشرف:** ... حالا ببینیم این مسئله از کجا در اومده، این و شما الان باید توجیه باشید که از کجا درآمده.

**تقی شهرام:** ... همون ما هم اتفاقا ...

**حمید اشرف:** ... چرا، چون اون مشی یی رو که رهبری مجاهدین در اون سال ها داشت و یه مقدار در جهت قدرت طلبی و نمى دونم نفوذ بیشتر و تبلیغات وسیع ...

**تقی شهرام:** ... تبلیغات خیلی زیاد و ...

**حمید اشرف:** ... این انتقاداتی نمى دونم شما هم در رابطه با مجاهدین کردین از اون دوره؟

**تقی شهرام:** ... حتما هم کردیم، شما یه چنین جریاناتی بعدا هم دیدین؟

**حمید اشرف:** ... ها؟

**تقی شهرام:** ... یعنی به شکل تبلیغات تو خالی و اون جریانات و اون ها شما مشاهده کردین واقعا، یعنی بعدا ادامه داشت، پیدا کردین مثلا این جریانات؟

**حمید اشرف:** ... والله سیاست تبلیغاتی تعدیل شده بود ولی خب باز جنبه هایی از اون و در بر داشت.

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... و کما اینکه خوب جریانات هاوکینز<sup>۳۰</sup> و این ها هم باز همون بود دیگه. جریانات هاوکینز که ...  
**تقی شهرام:** ... هاوکینز که قبل از ...  
**حمید اشرف:** ... پنجاه و دو بود دیگه.  
**تقی شهرام:** ... پنجاه و دو قبل از کشته شدن رضا بود.  
**حمید اشرف:** ... آره دیگه.

**تقی شهرام:** ... بله، خب هاوکینز بود ولی می خوام بگم که بعدا جریانات تبلیغاتی ما واقعا یه چنین چیزی بود که احیانا، مثلا ...  
**حمید اشرف:** ... بعدا هم متاثر از اون جریانات بود ولی خب به اون شکل دیگه خیلی پر سر و صدا نبود.

**تقی شهرام:** ... یعنی مثلا اینا هیچ کدوم زمینه ای نبود، شما راجع به مسائل مجددا فکر کنید. ببینین، اینا را برای این می خوام بگم که واقعا روشن بشه ها، من نمی خوام حتما اینجا، حتما اثبات بکنیم یک چیزی را.

**حمید اشرف:** نه خب این ها هم زمینه هایی بود کما اینکه بعدا هم رفقا، ما یک چیز دیگه هم داریم یه نشانه دیگه ای هم داریم، آن را هم می گم که مال بعد از جریان رضاست. چون زمان رضا اصلا نشریه داخلی نبود.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و بعد از رضا، نشریه داخلی تون درست شد.

**تقی شهرام:** ... بله.

---

۳۰ - اعدام انقلابی سرهنگ لويس هاوکینز مستشار نظامی آمریکا در ۱۲ خرداد ۱۳۵۲، اطلاعاتیه سیاسی نظامی شماره ۱۶، که در ۱۵ خرداد ۱۳۵۲ منتشر شد. این اطلاعاتیه و همچنین نوشته درون سازمانی "تحلیل درباره هاوکینز" که از اولین نوشته های رفیق شهرام پس از فرار از زندان است را می توانید در اینجا ببابید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/edame-enghelabi/Etelaiyeh-16-mostasharan.pdf>

**حمید اشرف:** ... که اون جریان کشید یعنی اواخر سال ۵۱ [۱۳] بود که اون اعلامیه<sup>۳۱</sup> در اومد و مقارن همین احوال بود که رفقا، [مصطفی] شعاعیان<sup>۳۲</sup> را به ما معرفی کردند.

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... و گفتند که این فرد هست و یه گروه مارکسیستی دارن و ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و تمایل داره با شما ارتباط بگیره و که ما خب یه جلساتی گذاشتیم و دیدیم و در همون رابطه با همون جلسه که شعاعیان هم توش بود مسئله جبهه، اومدش بالا ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... طرح شد. که البته شعاعیان هم روی مسئله یه مقدار چیز می کرد دیگه، پافشاری می کرد و یک مقاله ای هم نوشت و ...

**تقی شهرام:** ... چون به منافعش بود دیگه ...

**حمید اشرف:** ... مقاله ای هم در این زمینه نوشت<sup>۳۳</sup> و ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و که پاسخ رفقا هم به اون، اون بود. ما در جلساتی که در رابطه با همون تشکیل جبهه داشتیم یک تمایل مشخص رو در رفقا کشف کردیم.

**تقی شهرام:** ... اوهوم!

---

۳۱ - منظور اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۱۴، درباره جنایت خیابان سیروس است که در ۱۶ اسفند ۱۳۵۱ منتشر شد و پیشتر هم درباره آن گفته شد.

۳۲ - رفیق شهید مصطفی شعاعیان (۱۳۱۴-۱۳۵۴) از اعضای سابق سچفا، چند هفته پیش از این گفتگوها، در ۱۶ بهمن ۱۳۵۴، در درگیری در خیابان استخر به شهادت رسیده بود. وی به همراه گروهش در تیر ماه ۱۳۵۲ به سچفا می پیوند و در شهریور ۱۳۵۳ به تنهایی از این سازمان جدا می شود.

۳۳ - منظور مقاله "دو پاسخ به دو یاوه" است که در مرداد ۱۳۵۱ برای چاپ در شماره نخست چنین نشریه ای می نویسد و بعدا در سال ۱۳۵۳ این مقاله را در مجموعه ای از نوشته های خود به چاپ می رساند. چنین توضیح می دهد که "کوشش امیدوارانه ای می شد که نشریه ای از سوی همگی نیروهای چریکی شکل گیرد ... آن کوشش ها با مخالفت نهایی سازمان مجاهدین خلق، به یکباره به شکست انجامید." با استفاده از کتاب "درباره روشنفکر" از ناصر پاکدامن، ص ۹۳.

**حمید اشرف:** ... و آن این هستش که رفقا، جبهه را نمی خوان اساسا، و این جبهه واسه شون یک چیز مضریه فعلا، چرا؟ بطور مشخص هم معلوم بود ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... چرا که فکر می کردن که عناصر مذهبی و عناصر به اصطلاح سنتی خرده بورژوازی که به ...

**تقی شهرام:** ... ممکنه بیایند و مارکسیست بشن.

**حمید اشرف:** ... نه، به هیچ وجه ، نظرشون اون بود که اونها حمایت نمی کنن.

**تقی شهرام:** ... یعنی اونا جبهه را حمایت نمی کنن؟

**حمید اشرف:** ... یعنی جبهه را تایید نمی کنن.

**تقی شهرام:** ... نه احتمالا این نبود، احتمالا اون شق اول بوده، ببینین من، مسئله رو، برات درست تر برات بگم دیگه ...

**حمید اشرف:** ... چرا چون مسئله ...

**تقی شهرام:** ... نه، اگر بوده این بوده ...

**حمید اشرف:** ... چون در اون چیزی که رضا نوشت، جزوه ای که رضا نوشت<sup>۳۴</sup> اون رو تئوریزه کرد، اصلا خیلی جالب بود واسه ما، یعنی ما اون و همین طور دست به دست می گردانیم و می خونیم و می گفتیم که ببینید تمایلات طبقاتی ...

**تقی شهرام:** ... چه جوری؟

**حمید اشرف:** ... اصلا ...

**تقی شهرام:** ... باریک الله.

**حمید اشرف:** ... چیز نداره ...

**تقی شهرام:** ... رد خورد نداره.

**حمید اشرف:** ... رد خورد نداره، و نظر ...

**تقی شهرام:** ... یعنی تو نظر طرف منعکس می شه، باریک الله.

---

۳۴ - اشاره به همان مقاله منصوب به مجاهد شهید رضا رضایی است که در بهار ۱۳۵۲ منتشر شد. به پانویس شماره ۸ مراجعه کنید.

**حمید اشرف:** ... نه اینکه منعکس می شه و وقتی که یعنی فشار طبقاتی چیزیه که هیچ عاطفه ...

**تقی شهرام:** ... این حرف ها سرش نمی شه.

**حمید اشرف:** ... و روابط اینها سرش نمی شه.

**تقی شهرام:** ... حتما منعکس می شه، یک طوری، بله!

**حمید اشرف:** ... این حاکم می شه، نه تنها منعکس می شه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این حاکم می شه در اونجا مسئله این بود، یعنی

همون طرح مسئله پیش به اصطلاح ارتباط پیشتان با پیشتان و توده با

توده. خیلی دیگه گویا بود دیگه، یعنی بطور مشخص من نمی دونم خود

رضا، یا رفقای که نوشتن تا چه حد شناخت داشتن نسبت به چیزی که

نوشتن، ولی واقعا ...

**تقی شهرام:** ... ما این نسخه را نداریم این و، شماها دارین این و؟

**حمید اشرف:** ... ما داریم اگه می خواهید واسه تون می فرستیم

**تقی شهرام:** ... یه نسخه برای ما بفرستید، چون ما اصلا، ما دورادور

شنیدیم که حدودا چی ها بوده.

**حمید اشرف:** ... چون در اونجا به شکل خیلی جالب و دقیقی مسئله را

از دیدگاه طبقاتی مطرح می کرد.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و به این صورت، که می گفتش که ما دو تا پیشتانیم.

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... و مسئله برای ما مسئله اساسی وحدت پیشتان با

توده است.

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... نه وحدت پیشتان با پیشتان!

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و این توده ای که ازش صحبت می کرد ...

**تقی شهرام:** ... همه توده مردم بود که در واقع ...

**حمید اشرف:** ... توده مردم نبود بلکه خرده بورژوازی سنتی بود.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در حقیقت ...

**تقی شهرام:** ... در حقیقت ولی به حساب او فکر می کرد همه توده با او وحدت پیدا می کرد.

**حمید اشرف:** ... اون فکر می کرد همه توده با اون مربوط می شه، آره درسته. کلا جناح های خرده بورژوازی وقتی از توده حرف می زنن ..

**تقی شهرام:** ... منظور همه شون ...

**حمید اشرف:** ... توده خودشون را دارن می گن.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این مشخص بود که رفقا انتخاب خودشون و کردن و این انتخاب رو در حقیقت تاریخ کرده، که پیشتاز خرده بورژوازی هم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... بهش پاسخ داده.

**حمید اشرف:** ... در خدمت طبقه خودش قرار می گیره و در مقابل متحدین مارکسیست یا غیره مارکسیست و یا هر کس دیگه ای ...

**تقی شهرام:** ... ببینم!

**حمید اشرف:** ... از موضع اون طبقه برخوردار می کنه.

**تقی شهرام:** ... ببینم، تو اون کاغذ تو اون نوشته، مسئله جبهه رد شده بود نهایتا دیگه، بله؟

**حمید اشرف:** ... مسئله جبهه، به شکلی که ما پیشنهاد کرده بودیم رد شده بود، شما گفتین بیاین حتی نشریه مشترک داشته باشیم.

**تقی شهرام:** ... آها، من چون می دونی ...

**حمید اشرف:** ... ما پیشنهاد نشریه مشترک داده بودیم.

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... گفتیم بیایم جبهه و نشریه مشترک.

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... داشته باشیم، که البته شعاعیان هم مقاله ای نوشته بود در این رابطه، که اونم نمی دونم خوندین یا نه.

**تقی شهرام:** ... اون و خوندم.

**حمید اشرف:** ... که اون، یه مقدار شدیداً هم برای رفقا تحریک آمیز بود. چون نوشته بود که یک جمله معروفی داشت که سازمان مجاهدین در معده شورش گوارده<sup>۲</sup> خواهد شد.

**تقی شهرام و جواد قائدی:** ... [می خندند!]

**حمید اشرف:** ... یعنی که به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... آخه اونجا یه چیزهای دیگه هم نوشته بود مثلاً کمونیست های مسلمون، مسلمون های کمونیست ...

**حمید اشرف:** ... خب اون یه تئوری داشت به این صورت که جریانات ...

**تقی شهرام:** ... از این چرت و پرت های ... بله.

**حمید اشرف:** ... جریان کمونیستی مجاهدین هم الآن کمونیستن و این مسئله هم در معده شورش گوارده خواهد شد و این گوارده شدن در معده شورش خب خیلی چیز ناگواری بود در حقیقت، که بهر حال بازتابش اون بود. ولی ما مقاله ای که رفقا دادن ...

**تقی شهرام:** ... پس ببینم تو اون بطور مشخص جبهه منتفی نشده بود؟

**حمید اشرف:** ... نه، نوشته شده بود که ...

**تقی شهرام:** ... ولی می دونی من چی می خوام بگم؟

**حمید اشرف:** ... تعارفات جبهه ای شده بود که ما متحدین خط یکدیگر هستیم.

**تقی شهرام:** ... باشه، ولی ببین یک چیزی، شما باید باز هم پیگیری می کردین.

**حمید اشرف:** ... آخه زمینه دیگه نبود.

**تقی شهرام:** ... آها!

---

۳۵ - اشاره به کتاب "شورش" که بعدها به "انقلاب" تغییر نام داد، است. بایستی توجه داشت که شهید مصطفی شجاعیان که چند روزی پیش از این گفتگو ها به شهادت رسیده بود، کتاب شورش را در اواخر سال ۱۳۵۱ و به خاطر شناسایی نشدن نویسنده آن توسط ساواک با سبک نگارش احمد کسروی و به صورت فارسی نویسی "سره" نگاشته بود. او بعدها و پس از لو رفتن و مخفی شدنش، این کتاب را در ویرایش نهایی، به صورت نثر معمول نوشت و نامش را به انقلاب تغییر داد. رفیق حمید اشرف از دلایل، رفیق شجاعیان برای این گونه نگارش اطلاع داشت.

**حمید اشرف:** ... چرا که ...

**تقی شهرام:** ... یعنی ممکنه واقعا ملاحظات تاکتیکی ...

**حمید اشرف:** ... عملا می دیدیم که رفقا به آیت الله شریعتمدار و اینا بیشتر امیدواری دارن.

**تقی شهرام:** ... نه. [می خندد]

**حمید اشرف:** ... تا به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... نه ببینین ...

**جواد قانادی:** ... این دیگه نبود، رفیق!

**تقی شهرام:** ... چه، [با خنده]

**حمید اشرف:** ... حالا بذار بگم. می گم من یه فاکت دارم. این ها همه فاکته که می خوام بگم اینا، اینها سَنَدَه، نوشته است، حافظه و اینا نیست. و در این رابطه بود که خب ما دیدیم که خوب دیگه حرفی نیست. یعنی اون پاسخ که به جبهه داده شده و به مسئله پیشتان و پیشتان، و پیشتان و توده. و مسئله مهمتر از همه، اعاده حیثیت، که مارکسیست ها حتما باید از خودشون بکنن!

**تقی شهرام:** ... از چه نظر؟

**حمید اشرف:** ... از نظر توده ها.

**تقی شهرام:** ... که مثلا بیان چه کار کنن؟ آخه به توده ها بگن چی؟ مگر چه هتک حیثیتی کردن؟

**حمید اشرف:** ... هتک حیثیت شون این بود که مارکسیست ها ظاهرا به اصطلاح به اعتقادات و احترامات مذهبی توده ها.

**تقی شهرام:** ... بها نمی دن؟

**حمید اشرف:** ... بی احترامی کردن در گذشته و حالا ...

**تقی شهرام:** ... یعنی واقعا تو اون نوشته هستش، هم چه چیزی؟

**حمید اشرف:** ... آره. اعاده حیثیت، کلمه اعاده حیثیت مارکسیست ها.

**تقی شهرام:** ... ششششششششش ...

**حمید اشرف:** ... که مارکسیست ها باید از خودشون اعاده حیثیت به عمل بیارند.

**تقی شهرام:** ... بله.



**حمید اشرف:** ... و در این رابطه است که ما می توانیم این مارکسیست ها را هم در این وسط که هستیم یک جایی بهشون بدیم که توده ها بتونن این را هضم بکنن ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... و اگر این کار نشه به اصطلاح دیگه نمی شه ...

**تقی شهرام:** ... کار ...

**حمید اشرف:** ... یعنی کار دست ما نیست قضیه، خلاصه، اگه اعاده حیثیت هم نشه خب طبیعیه که ما، اشاراتی به ما که شما چرا از کمونیسم اسم می برین، چرا نمی دونم از مارکسیسم اسم می برین، شما بیائید تو جزوه هاتون از فلسفه علمی نام ببرین ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و خوب اینها جریاناتی بود که به نظر ما ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... جنبش کمونیستی رو تضعیف می کرد.

**تقی شهرام:** ... بله، کاملاً.

**حمید اشرف:** ... و طبیعتاً، ما حتی در همون موقع هم که اون مطلب نوشته شد که جنبش پیشتاز با پیشتاز و پیشتاز با توده ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... در همون موقع هم که رفقا قویا می گفتن که اسم کمونیست تکف ... کفره و نکید و ایران مذهبییه و غرب اِلَه ست و بِلَه ست،

ما در همون موقعش هم از همون اول کار هم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... تو اعلامیه مون صریحاً می گفتیم که ما کمونیستیم، رهرو راه طبقه کارگریم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... هدف ما این هستش، حتی اعلامیه ای بود که رفقا کمک کرده بودند عکس های اسکندر<sup>۳۶</sup> رو با اون دستگاه فتو

---

۳۶ - منظور فدایی شهید اسکندر صادقی نژاد است که در خرداد ۱۳۵۰ در درگیری با ساواک کشته شد.

ترانسفرشون تکثیر کرده بودن که ما بریده بودیم دورش را چسبانده بودیم روی اعلامیه هامون ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... از همین موضع با مسئله برخورد کرده بودیم

**تقی شهرام:** ... خب، اینا حرف شما کاملا درست و موضع درست که نباید در جنبش کمونیستی تضعیف می شد.

**حمید اشرف:** ... بعدها ...

**تقی شهرام:** ... اما این قسمت قضیه که باید به هر حال شما، این هم

به یک وسیله ای زیر مهمیز خودتون درمی آوردید به یه وسیله ای ...

**حمید اشرف:** ... کدوم رو؟

**تقی شهرام:** ... همین جریان خرده بورژوازی رو به یه وسیله ای به هر حال ...

**حمید اشرف:** ... والله، جریان خرده بورژوازی ...

**تقی شهرام:** ... یعنی به هر حال در یک روابطی اون رو باش وارد در

یک مناسبات نزدیکتری می شدی بهر جور، اون طور نه، یه جور دیگه،

یعنی ما وسایل رو ازمون نگرفتن. شما به اندازه کافی در واقع به دلیل

همین نقطه نظر مارکسیستی، یعنی واقعا مارکسیست ها این نقطه چی

می گن بهش این امکان رو دارن که می تونن دست شون باز باشه برای

برخورد. می دونید یعنی مثل مذهبی ها در یه کالبدهای خیلی محدودی

محصور نیستن، چون مذهبی ها مجبورن یه چیز به این نگن به اون به

قول معروف اصابت نکنه، یه چیز نگن از اون ور به قول معروف قضیه

خراب نشه، خیلی دچار تناقض هستن. اما مارکسیست ها خب روشنه

اصولشون معلومه از نظر اصولی از نظر خط و شیوه شون هم به اندازه

کافی انعطاف و به اصطلاح زمینه و بعد داره برای کار. حالا منظور من

این بودش که شما اگر می دیدی یه چنین جریانی، آیا باید می کشیدید

خودتون و کنار؟! یعنی اصلا یه موضع منفعل می گرفتین؟

**حمید اشرف:** ... نه ما خودمونو کنار نکشیدیم.

**تقی شهرام:** ... خب، چی شد؟

**حمید اشرف:** ... ما باز هم، همون پیشنهادهای خودمون رو طرح می کردیم با رفقا، رو مسئله جبهه پافشاری می کردیم، چیز باز مسئله نشریه مشترک را و نشریات دیگه ای رو هم ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... مطرح می شد و اینجا رفقا ...

**تقی شهرام:** ... ولی مثل اینکه نشریه مشترک ...

**حمید اشرف:** ... کار يك مقدار ...

**تقی شهرام:** ... مثل اینکه خودتان جمعا رسیده بودین که امکان پذیر نیست مگر اینکه هر کسی، آخه می دونین نشریه مشترک این طوری بودش گویا، مصطفی<sup>۳۷</sup> اینا مطرح کرده بودن که نشریه باشه مثلا احتمالا مسئله سردبیری و ... و نمی دونم ...

**حمید اشرف:** ... نه.

**تقی شهرام:** ... هیئت تحریریه این جریانات داشت.

**حمید اشرف:** ... نه نه، به اینجاش اصلا نرسید.

**تقی شهرام:** ... بابا مثل اینکه این طوری ها بوده!

**حمید اشرف:** ... یعنی صحبت اصلا به هیئت تحریریه و ...

**تقی شهرام:** ... قرار بود هیئت تحریریه ش یکی اش مثلا خود مصطفی باشه، مگه نه؟ اینطور که من می دونم ...

**حمید اشرف:** ... نه اصلا صحبت هیئت تحریریه نشد چون کار به پذیرش اش نرسید که هیئت تحریریه عدم توافق باشه، یعنی اصلا نفی شد. نشریه مشترک ...

**تقی شهرام:** ... ها. رسیدیم به اینکه اول باید هر گروهی و سازمانی برای خودش نشریه داخلی به وجود بیاره و بعد در رابطه با وحدت اینها یک ...

---

۳۷ - در اینجا درباره نشریه مشترک بین دو سازمان در سال ۱۳۵۱ گفتگو می شود و نه دوره بعد در سال ۱۳۵۵ که دو شماره نشریه بحث داخلی از سوی دو سازمان منتشر شد.

### فایل ۳

قسمت اول، ۱۷ دقیقه و ۴۲ ثانیه است. ( همان پیاده شده نوار شماره ۲، قسمت C، از دقیقه ۲.۱۷ است، سپس از دقیقه، ۱۱.۵۳ به بعد در نوار دوم قسمت D) قسمت دوم، ۱۵ دقیقه و ۱۳ ثانیه است. ( همان نوار پیاده شده شماره ۲ قسمت D و از دقیقه ۵.۵۲، سپس از دقیقه ۱۰ به بعد در نوار سوم قسمت B غیر تکراری است) ( برای کل این نوار در هر دو قسمت ما مجموعاً، ۲۷ دقیقه و ۴۲ ثانیه تکراری داریم)

**تقی شهرام:** ... یعنی در رابطه با مثلاً وقتی که نشریه مشترک در داخل سازمان‌ها بوجود آمد، این‌ها در یه جریان دیگه اون وقت بیان مثلاً اون نقاط مشترکش و بیارن تو یه نشریه مشترک مثلاً دو تا سازمان. یعنی هر سازمان نشریه خودش داشته باشه، بعد از تو اون یک زمینه‌هایی پیدا کنند برای یه نشریه مشترک. اینطور مثل این که بعداً شد. ها؟

**حمید اشرف:** ... والله، ظاهراً همینطوری‌ها بود.

**تقی شهرام:** آها.

**حمید اشرف:** ... که بعد اون وقت این نشریات داخلی در آمد و مدت‌ها گذشت و اینها یکی از اون شماره‌های نشریه داخلی هم رفقا به ما دادند. یک نسخه شو فقط ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که در اون نسخه در حقیقت، خوب یکی در این زمینه بود که ما نشریه داخلیمون و در آوردیم، یکی دیگه این البته مال بعد از، شاید مثلاً اواخر [۱۳]۵۲ یا اوایل [۱۳]۵۳ ...

**تقی شهرام:** ... نه اواخر [۱۳]۵۲ نیست. اگر همون نسخه را دادند، حدوداً مثلاً باید ...

**جواد قائدی:** ... تابستون [۱۳]۵۲.

تقی شهرام: ... تابستون، اوایل شهریور و اینا باشه.  
 حمید اشرف: ... ۵۲ [۱۳]؟  
 تقی شهرام: ... ۵۲ [۱۳] است.  
 حمید اشرف: ... همان نسخه ای هست اش ...  
 تقی شهرام: ... چون ۵۳ [۱۳] نیست، حتما.  
 حمید اشرف: ... که عکس کلت هم کشیده شده بود. چاپ الکی و اینها ...  
 تقی شهرام: ... نمی دونم.  
 جواد قائدی: ... شماره ۲ نشریه داخلی.  
 حمید اشرف: ... این مال کیه؟  
 جواد قائدی: ... مال شهریور.  
 حمید اشرف: ... ۵۲ [۱۳]؟  
 جواد قائدی: ... بله.  
 تقی شهرام: ... بله، ۵۲ [۱۳].  
 حمید اشرف: ... که اون شماره را به ما دادند. که در اونجا، خوب همه چیزاش یک طرف، یک تحلیلی بود از نیروها. که این تحلیل مبتنی بر این بود، که صحبت از مارکسیست های افراطی و چپ شده بود، از یک طرف، یعنی خلاصه، تحلیل طبقاتی شده بود. به اصطلاح تحلیل نیروهای طبقاتی. که در اون تحلیل، سازمان چریک های فدایی خلق به تلویح مارکسیست های چپ و افراطی قلمداد شده بودند، و آیت الله شریعتمدار جزو نیروهای بینابینی ...  
 جواد قائدی: ... اسم این تحلیل چی بود رفیق؟

---

۱ - اشاره به نشریه "خبرنامه امنیتی" است که با مسئولیت مجاهد شهید مجید شریف واقفی از دی ماه ۱۳۵۲ تا مهر ۱۳۵۳ در دهم هر ماه برای استفاده داخلی تشکیلات در می آمد، که طرحی از یک کلت در صفحه اولش بود. در اینجا اما، اشاره رفیق حمید اشرف به نشریه داخلی به نام جزوه "خبرنامه ماهانه" است که در خبرنامه امنیتی شماره ۳ در صفحه ۹، به آن اشاره شده است. این خبرنامه برای صرفا مصرف داخلی تشکیلات منتشر می شد. برخی از شماره های "خبر نامه امنیتی" در سایت اندیشه و پیکار قابل دسترسی است:

<http://www.peykar.org/PeykarArchive/jozveye-amniyati.html>

**حمید اشرف:** ... نمی دونم، شما نشریات داخلی را حتما دارید.  
**تقی شهرام:** ... پیدا می شه. داریم، ما یه دوره داریم، فکر می کنم.  
**حمید اشرف:** ... که آیت الله شریعت .... که گفته بودند نیروهای  
بینابینی مثل آیت الله شریعتمداری و اینطوری، یعنی با تحلیلی که  
این دوتا چیزش تو یاد من هست. که ما دیدیم که موضعگیری بعد از  
رفیق رضا هم طوره که ما کماکان مارکسیست های چپ هستیم، و  
آیت الله شریعتمداری درباری جزو نیروهای بینابینی. و خوب، وقتی که  
آیت الله شریعت مدار بینابین باشه، این دو طرف بین هم قابل  
توضیحی دیگه که کیا می خوان باشن. و این، از چه موضعی داره این  
تحلیل صورت می گیره. و بخصوص چون رفقا این هم دادند به ما.  
چون نشریه داخلی که هیچکوم و نمی دادند. این یک نسخه اش را  
دادند. و این برای ما نشانه ای بود بر این موضوع که، دومرتبه  
تائیدی، تاکیدی است بر همون به اصطلاح ...  
**تقی شهرام:** ... الآن من این و توضیح بدم ...  
**حمید اشرف:** ... خط مشی سابقی که رفقا دارند.

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... و خوب از اون به بعد دیگه، روابط خیلی چیز شد  
به اصطلاح به سردی رفت. به سردی رفت تا سال ۵۳ [۱۳] که دیگه  
باز همین مسائل مطرح بود. که در سال ۵۳ [۱۳] طرح می کرد رفیق،<sup>۲</sup>  
که یک بحث هایی در درون سازمان ما هست. که چندین بار، چندین  
بار متوالی ما گفتیم که رفقا اگر می شه این بحث ها ما را هم تا  
حدودی در جریان این بحث ها بذارین. بعد مسئله به اصطلاح  
انتقادات را مطرح کردیم. که رفقا می گفتند که انتقادات ...

**تقی شهرام:** ... پس ببین، مسئله جبهه بعد طرح نشد ها! ببین، تو  
داشتی این و می گفتی که در واقع قضیه جبهه ...

**حمید اشرف:** ... ها؟ حال می گم، چرا ...

**تقی شهرام:** ... یک وسیله ای بود که بتونیم ...

---

۲ - احتمالا اشاره به رفیق رابط، شهید بهرام آرام است.

**حمید اشرف:** ... چرا، در یک نقطه دیگری دوباره مطرح کردیم، ولی کارش بالا نگرفت. به این صورت که بعد از طرح مسئله انتقادات که رفقا پاسخی ندادند ...

**تقی شهرام:** ... نه، پاسخ مثل اینکه دادیم که نمی‌کنیم این کار را.  
**حمید اشرف:** ... ها؟

**تقی شهرام:** ... مثل اینکه اون رفیق گفته بود که این کار و نمی‌کنیم.

**حمید اشرف:** ... همین گفته، به شکل مبهمی هم طرح کرد ...

**جواد قاندى:** ... گفته بود، انتقاد از کدام موضع؟

**حمید اشرف:** ... ها، انتقاد از کدام موضع بود که ما می‌گفتیم که خب، رفقا تا حالا موضعشون موضع مارکسیستی نبوده. حالا می‌خواهن ما به موضع مارکسیستیشون صحنه بگذاریم؟  
**تقی شهرام:** ... نه. همچی چیزی شما نگفته بودید.  
**حمید اشرف:** ... نه، ما نگفتیم. احساس ما بود.

**تقی شهرام:** ... آها، تو فکر خودتون.

**حمید اشرف:** ... که خوب، چی می‌خوان؟ حالا مثلاً اینکه برن ...

**تقی شهرام:** ... البته ما تصور می‌کردیم که شما می‌فهمید. می‌دونی؟ یعنی تصور ما این بود که شما از روی عمل ما، نظرات ما، انعکاسات خارجی سازمان ما، می‌فهمید حرکت سازمان ما رو، ولی ...

**حمید اشرف:** ... من اون دفعه هم گفتم که چون ...

**تقی شهرام:** ... عمد دارید که در واقع خودتون و به نفهمی بزیند.

**حمید اشرف:** ... خیر. چون سازمان، سازمان التقاطی بود ...

**تقی شهرام:** ... آها شما ...

**حمید اشرف:** ... ما این تحلیل را داشتیم که سازمان التقاطی ...

**تقی شهرام:** ... آخه این یک چیزه ...

**حمید اشرف:** ... یه مقدار هم اصلاً التقاطی بودنش هم یه مقدار به خاطر، به اصطلاح امکان شتر مرغ بودنشه.

تقی شهرام: ... خوب.  
حمید اشرف: ... یعنی هم بتونه این ور بازی کنه، هم بتونه آن ور بازی کنه.  
تقی شهرام: ... اون ور ... بسیار خوب.  
حمید اشرف: ... یا ما ...  
تقی شهرام: ... ولی تا ابد؟ تا ابد بتونه این کارو بکنه؟  
حمید اشرف: ... تا ابد طبعا نمی تونست این کارو بکنه.  
تقی شهرام: ... خوب، پس شما باید متوجه باشید که ...  
حمید اشرف: ... ما ...  
تقی شهرام: ... که بالاخره، این می شکنه.  
حمید اشرف: ... در حقیقت ...  
تقی شهرام: ... این پوسته داغون می شه، این تناقض این و از بین می بردش. کجاست؟ ما به این کمک کنیم. ما جهت صحیحش و تقویت کنیم.  
حمید اشرف: ... از کجا پیداش می کردیم؟  
تقی شهرام: ... اه! کاری نداشت!



## فایل ۴

این نوار، ۴۴ دقیقه و ۵۸ ثانیه است.

**حمید اشرف:** ... چون حس می کردیم که، حس می کردم که رفیق رابطه شاید در اینجا نقشی داره، و شاید مسائل به اصطلاح، یعنی ارتباط محدود، یک مانعی هستش برای پیشبرد این امر نزدیک شدن. گفتیم دو نفر از شما ...

**تقی شهرام:** ... این پیشنهاد هم به ما نرسیده.

**حمید اشرف:** ... و دو نفر از ما بیان و یک کمیته ای درست بکنند.

**تقی شهرام:** ... این پیشنهاد را هم بنویس ...

**حمید اشرف:** ... کمیته بررسی جبهه، یعنی، حتی این طرح یادمه و پیشنهادش هم یادم هست ...

**تقی شهرام:** ... بله. خب، حالا شما می گین، ما قبول داریم.

**حمید اشرف:** ... کمیته بررسی جبهه باشه. بیائیم بررسی کنیم زمینه های اشتراکمون رو، حالا هر چیه، شما به ما انتقاد دارید، نمی دونم اختلاف دارید. چون بخصوص موقعی بود که در خارج از کشور هم این رادیو میهن پرستان این ها راه افتاده بود.

**تقی شهرام:** ... بله. اوج گرفته بود، قضایا.

**حمید اشرف:** ... در خارج هم قضایا مطرح بود، ما خواستیم حداقل نزدیک تر باشه.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یک سری اختلالاتی هم در اون رابطه پیش اومده بود ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... در رابطه خواندن کتاب ها و نمی دونم مسائل مربوطه اش و این ها ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... که این رو ما گفتیم بیایم بشینیم حداقل، ارتباط مداوم و نزدیک باشه و به صورت تصمیم گیری هایی در بیاد، نتیجه این جلسات ارتباطی، چون عملا ارتباطات به صورت مبادله اخبار بود. **تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در یک دوره خیلی زیاد، شاید یک سال و یک سال و خورده ای ...

**تقی شهرام:** ... ولی ببینید، اجازه بدید من یک چیزی بگم. من خاطرم هستش که، اولین باری که ما، در همین دوران اخیر، یعنی حدود سال ۵۳ [۱۳]، ضرورت یک برخورد، فعال را طرح کردیم، همینطور که خودت هم وسط هاش گفتی، وسط صحبت خودت قبلا گفتی، از طرف ما بود. و ما طرح کردیم که این نوع ارتباطات فایده ای نداره، بیائیم، بنشینیم، واقعا یک برخورد اصولی تری بکنیم، آخه این چه فایده ای داره، هی بیا و برو و فلان کن ...

**حمید اشرف:** ... ولی خب ما گفتیم بیائید کمیته تشکیل بدیم بیاییم بشینیم، کجا بشینیم؟ **تقی شهرام:** ... آخه.

**حمید اشرف:** ... این که ما بیشتر بحث های دو نفری کردیم. رفیق می گفتش که فایده نداره، ولی ظاهرا، من استنباط ام حالا این است ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... با توجه به چیزهایی که می گین، که شما می خواستید با کنایات، ما را متوجه خطای خودمون بکنید و به موضعگیری، به قول خودتون صادقانه، بکشونید.

**تقی شهرام:** ... البته ما این برامون، بودش که ...

**حمید اشرف:** ... آخه این با کنایات؟ این واقعا خیلی نادرسته، ضعیف برخورد کرده ...

**تقی شهرام:** ... این، این برای ما این بود. ببین، این برای ما این بودش ...

**حمید اشرف:** ... چون شما یک بار کنایه اینکه، هر کسی نسبت به طبقه خودش صادق است رو زدید.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یک بار دیگه هم کنایه این که این ارتباط چیه، فایده نداره. نمی دونم، خب فایده نداره دیگه...

**تقی شهرام:** ... خب، معلوم بودش. ولی ببین چی می گم.

**حمید اشرف:** ... پیشنهاد؟

**تقی شهرام:** ... آخه، ما پیشنهاد دادیم، گفتیم که ...

**حمید اشرف:** ... ما که پیشنهاد انتقاد از خود و انتقاد رو داده بودیم ...

**تقی شهرام:** ... اها ...

**حمید اشرف:** ... پیشنهاد تشکیل ...

**تقی شهرام:** ... خب، ما استنباط مون چی بود؟ استنباط ما این بودش که شما در واقع می خواهید در پناه یک چنین انتقاد و انتقاد از خودی، در واقع، اساسی ترین انتقاد، یعنی اصول و ریشه انتقادات را در واقع، به این ترتیب لوث بکنید. یعنی خیلی راحت، خیلی خب، می گید این یک اشتباه بوده، یک خطا بوده، ما قبول می کنیم و ادامه پیدا می کرد همه اون قضایایی که ما اساسا ...

**حمید اشرف:** ... نه خوب شما هم اگر در ان شرایط، شما ...

**تقی شهرام:** ... ببین! ما نمی تونستیم. ما قادر نبودیم.

**حمید اشرف:** ... شمایی که همیشه از مواضع خرده بورژوایی دفاع کرده بودید!

**تقی شهرام:** ... بله!

**حمید اشرف:** ... در مقابل ما، حداقل در روابط مشخصی که با ما داشتید، این مسئله حاکم بوده.

**تقی شهرام:** ... ا، ما فکر کردیم شما هم اولاً، این مسئله جریانات ایدئولوژیک ما را می فهمید ولی خود تون و به نفهمیدن می زنید.

یعنی چون تقریباً ...

**حمید اشرف:** ... رفیق، این حرف ...

**تقی شهرام:** ... ببین، این یه مقداریش ...  
**حمید اشرف:** ... این اشتباه بزرگیه ضمنا ها، که شما هنوز هم  
داریدش ...

**تقی شهرام:** ... نه، اجازه بدید.  
**حمید اشرف:** ... و فکر می کنید که، مسئله اصلا می تونه این  
باشه.

**تقی شهرام:** ... نه، حالا!  
**حمید اشرف:** ... چرا که حتی اگر ما، جریان به اصطلاح، حتی مثلا  
این کتاب های شما، کتاب های مارکسیستی شما، که اومده دست  
ما ...

**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... شما این کتاب ها را هم دادید، شاید مثلا مقصود  
این بود ...

**تقی شهرام:** ... اها، ببین ...  
**حمید اشرف:** ... که ما متوجه بشیم.  
**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، مثلا ما ...  
**حمید اشرف:** ... این کتاب ها ...

**تقی شهرام:** ... مقدمه رویونیوزم را دادیم، شما چی از این تو  
فهمیدید؟ ببین، مقدمه رویونیوزم<sup>۲</sup>، دقیقا ضمیمه همون آذرماه ها!  
این ها همش به هم ارتباط داره.

---

۲ - اشاره به، مقاله "انقلاب پرولتری و رویونیوزم خروشچی" است که با همین مقدمه در ضمیمه نشریه داخلی آذرماه ۱۳۵۳ منتشر شده است. این مقاله در بخش ضمیمه های کتاب "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک ..." آمده است. در نسخه اینترنتی آن در سایت اندیشه و پیکار، آن را می توانید در صفحه ۸۹ این کتاب بیابید.

**حمید اشرف:** ... نه خوب، چیز هم مال کتاب افاناسیف<sup>۲</sup> هم نمی  
دونم گرفته بودیم و ...

**تقی شهرام:** ... اها، مثلا ...

**حمید اشرف:** ... فلسفه ...

**تقی شهرام:** ... شما فکر نکردید که آخه کسی که این مقدمه رو می  
نویسه، یا یه سازمانی که این توش پخش می شه، اگر تو این  
سازمان، آخه ما این و پخش کرده بودیم دیگه، تایپ کرده بودیم،  
منتشرش کرده بودیم، تو سطح جامعه هم حتی انداخته بودیم.

**حمید اشرف:** ... کدومو؟

**تقی شهرام:** ... همون مقدمه ای بر رویزیونیسیم خروشچف که تو این  
ضمیمه آمده، ما ...

**حمید اشرف:** ... خوب اون کتاب را کی به ما دادید؟

**تقی شهرام:** ... ما این و کی دادیم؟

**حمید اشرف:** ... تابستون پیش ء.

**تقی شهرام:** ... تابستون دادیم؟

**حمید اشرف:** ... بله.

---

۲ - اشاره به ویکتور گریگوریویچ آفاناسیف، (۱۹۹۴-۱۹۲۲) Viktor Grigoryevich Afanasyev فیلسوف دوران اتحاد شوروی و احتمالا اشاره ای است به کتابی از وی که در ایران با نام "اصول فلسفه مارکسیسم" منتشر شده بود. نام واقعی کتاب را می توان به "رئوس مطالب پرتطرفدار فلسفه مارکسیسم" ترجمه کرد. این کتاب در سال ۱۹۶۲ به زبان روسی و یک سال بعد به زبان انگلیسی منتشر شد. این کتاب توسط حزب توده ایران نیز منتشر شده است. "اصول فلسفه مارکسیسم"، آفاناسیف، انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۳۵۱، (با اندکی ویرایش و برخی افزوده ها از ب. الف. بزرگمهر). این کتاب در سال ۱۳۴۴ توسط مرتضی ثاقب فر که زمانی از دوستان نزدیک مصطفی شجاعیان بود از زبان فرانسه ترجمه شد و به صورت زیر زمینی و پلی کپی در اختیار فعالین سیاسی بود. ممکن است این اختلاف در نسخه ها به دلیل ترجمه ها و ویراستاری های متفاوت آن باشد. در این مورد می توانید به این آدرس مراجعه کنید:

<http://iranshahr.org/?p=16521>

۴ - منظور تابستان ۱۳۵۴ است، مقاله در آذرماه ۱۳۵۳ در نشریه داخلی منتشر شده بود.

**جواد قائدی:** ... ( به آرامی) راست می گه.  
**تقی شهرام:** ... مقاله ...  
**حمید اشرف:** ... شما اولین چیزی که به ما دادید، ما بعد از جلسه ای که تو تابستون<sup>۵</sup> با هم داشتیم ...  
**تقی شهرام:** ... خب ولی ...  
**حمید اشرف:** ... شما، تحلیل عراق<sup>۶</sup> را دادید. یعنی بعد از جلسه تابستون، تازه اولین باری که مطالب مارکسیستی به ما داده شد، ...  
**تقی شهرام:** ... درسته، من اشتباه کرده بودم.  
**حمید اشرف:** ... بعد از تابستون، بعد از جلسه بود اصلا ...  
**تقی شهرام:** ... اون بعد از ...  
**حمید اشرف:** ... کتاب عراق و دادین، که حتی ...  
**تقی شهرام:** ... ولی به هر حال ...  
**حمید اشرف:** ... نه، بعد از اون هم مقدمه بر رویزیونیسیم خروشچفی را دادید، که بعد، بعدش هم که این کتاب جدید<sup>۷</sup>.  
**تقی شهرام:** ... آها! به! شما هنوز هم، این موقع، در این موقع ها که این کتاب ها را دادیم، شما تفسیرتون چی بود از قضیه این؟ ...

---

۵ - اشاره به جلسه مشترک دوم سال ۱۳۵۴، در تابستان است. جلسه اول در خرداد ۱۳۵۴ انجام گرفته بود.

۶ - اشاره به جزوه: "تحلیلی بر روابط ایران و عراق" است که در سال ۱۳۵۲ گویا بخش هایی از آن توسط رفیق شهید هاشم وثیق پور نوشته شده بود و بعداً در دی ماه ۱۳۵۴ بصورت کتابی با عنوان: "ظهور امپریالیسم ایران در منطقه و تحلیلی بر روابط ایران و عراق" توسط سازمان مجاهدین خلق ایران (م. ل) منتشر شد.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Zohure-Imperialisme-Iran.pdf>

۷ - منظور کتاب "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک ..." است که در مهر ماه ۱۳۵۴، منتشر شد.

**حمید اشرف:** ... ما، اولاً می‌دیدیم که سازمان مجاهدین، کتاب‌های تاریخ شوروی<sup>۸</sup>، تاریخ حزب کمونیست چین و درس‌های مختصر حزب کمونیست چین<sup>۹</sup>، و آفاناسیف، ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... این سه تا کتاب را ما، رسید به دست ما. حتی مثل اینکه قبل از این جریانات<sup>۱۰</sup> هم رسید.

**تقی شهرام:** ... بله، قبل از آن بود.

**حمید اشرف:** ... این‌ها، آفاناسیف را ما خواندیم، دیدیم که بخش‌هایی که از مذهب تحلیل کرده ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... حذف شده.

**تقی شهرام:** ... ششش! همچی چیزی نیست!

**حمید اشرف:** ... حالا یکی یکی مطابقت کنیم.

**تقی شهرام:** ... آها! خب ببینیم. ببینید اون ...

**جواد قانادی:** ... فلسفه مارکسیسم مال آفاناسیف نیست<sup>۱۱</sup>.

**تقی شهرام:** ... اون فرق می‌کنه، مال آفاناسیف نیست. اون فلسفه مارکسیسمه پیش شما. همون که با یک جلد به اصطلاح الکی نوشته شده؟ جلد قرمز داره؟

---

۸ - منظور کتاب: "تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی دوره مختصر"، سال ۱۹۳۸، است که در ایران به نام تاریخ مختصر هم شناخته می‌شود. این کتاب توسط اداره نشریات به زبان‌های خارجی مسکو در سال ۱۳۴۸ به زبان فارسی منتشر شد. نسخه اینترنتی آن توسط حزب کار ایران (توفان) در این آدرس قابل دسترسی است:

<http://toufan.org/Ketabkhaneh/tarikhb%20belshovik%201.pdf>

۹ - اشاره به کتاب: "یک درک پایه‌ای از حزب کمونیست چین"، است که توسط گروه مولف "درک پایه‌ای از حزب" در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی تهیه شده بود و توسط مرکز انتشارات خلق، شانگهای انتشار یافته بود. به نقل از سایت سریداران:

<http://www.sarbedaran.org/library/hezbcpc.htm>

۱۰ - منظور قبل از انتشار "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک" سازمان مجاهدین است.

۱۱ - احتمالاً منظور کتاب دیگری از نویسنده دیگر با همین عنوان است.

**حمید اشرف:** ... همونه.

**تقی شهرام:** ... اون آفاناسیف نیست. ببینید، اینا چند تا کتابه، عین هم، ما اتفاقا دنبال همین آفاناسیف می گشتیم. اجبارا، این فلسفه مارکسیسم را، این و از قبل از شهریور<sup>۱۲</sup>، ما نسخه هاش و داشتیم و تکثیر کردیم این موقع. دقت می کنید؟ یعنی اصلا این، اصلا خیلی عجیبه، این حرفی که شما می زنید. ما تمام نسخه ها، یعنی یک نسخه قبل از شهریور داشتیم، این و در همان دوران، همان دوران مبارزه ایدئولوژیک و بحث و این ها، این و تکثیر کردیم.

**حمید اشرف:** ... آها! آگه، اگر این مال قبل از شهریوره؟! ...

**تقی شهرام:** ... اون موقع هم ترجمه کردیم.

**حمید اشرف:** ... همون موقع ترتیب اش را داده بودند.

**تقی شهرام:** ... ولی آخه، یک مسئله، آخه دقت کنید.

**حمید اشرف:** ... که ضد مذهبی شده ...

**تقی شهرام:** ... آخه یک مسئله را هم دقت کنید. این ترجمه اصلا تفاوت کیفی داره با این ترجمه ای که اخیرا تو اروپا چاپ شده و شما هم روش، شما هم رو همین ترجمه تکثیر کردید مجددا ها، درست هست یا نه؟

**حمید اشرف:** ... ترجمه هاش با هم فرق داره، اما متن یکی است.

**تقی شهرام:** ... آها! ولی این و دقت کنید که ما این و داشتیم.

**حمید اشرف:** ... ترجمه هاش؟

**تقی شهرام:** ... و دنبال اون می گشتیم. دنبال اون ترجمه می گشتیم. ببینید من تا حالا خود من، نزدیک به این مال آفاناسیف هم نیست. این مال میتنه.

**جواد قانادی:** ... این مال آفاناسیف نیست که تکثیر شده باشه. این مال یکی دیگه است.

**تقی شهرام:** ... این مال یکی دیگه است، این مال میتنه. من یادمه. این قبل از شهریور، این اصلا، اصلا تو برنامه مون نبود به آن معنا.

---

۱۲ - شهریور ۱۳۵۰، زمان دستگیری های وسیع مجاهدین.



ولی روی یک قسمتش که مربوط به نمی دونم نسبت و این ها صحبت می کرد، من یادمه که این و تو یه قسمتی تو کلاس ها می خوندن و دلایلی می آوردن که نمی دونم، ... بحثی بود، حالا او به اون کاری ندارم. ولی مال میتنه، این مال آفاناسیف نیست و ما اتفاق دنبال آفاناسیف می گشتیم، بعدا از یه طریقی گیر آوردیم، نسخه چاپ شده خارجش بود. و من از این فلسفه مارکسیسم نزدیک به ۵-۴ تا ترجمه تا حالا دیدم که همه اش همین مباحث و داره وهمه اش هم مال روسیه است. ا، مال میتنه، مال آفاناسیف اسم هایی از این قبیل داره، ولی ما اصلا حذف نکردیم. برای اینکه این مسئله روشن تر بشه، من اشاره می کنم به همون تاریخ حزب کمونیست شوروی، ما ...

**حمید اشرف:** ... حالا، یک چیزی دیگه هم در این رابطه، چون درست می گید شما. چون یکی از رفقای ما که در این زمینه ها یک مقدار وارد بود و متون در اختیارش بود، این اظهار نظر را کرد.  
**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... چون بویژه در اون فلسفه مارکسیسمی که شما درآوردید، در مورد مذهب هیچ موضعگیری که مطلقا نشده.  
**تقی شهرام:** ... چرا، اونجا گفته در ابتداش، راجب به مذهب و ایده الیسم و این ها و بعد! ...

**حمید اشرف:** ... در مورد مسئله مذهب؟  
**تقی شهرام:** ... ما ماتریالیسم دیالکتیک را منتشر کردیم توی خود اون مثلا فرض کنید که تاریخ مختصر ...  
**حمید اشرف:** ... ولی از این نکته جالبتر این بود که ...

**تقی شهرام:** ... آها!  
**حمید اشرف:** ... این انتشارات درون سازمان، هرچند درون سازمانی ...

**تقی شهرام:** ... آها!  
**حمید اشرف:** ... بدون آرم بود. یعنی مشخص نبود که سازمان مجاهدین آنها را تکثیر کرده.

**تقی شهرام:** ... آها! ما اصلا راجع به این مسئله، چون در، ما در ... توی درون تشکیلاتیمون اصلا آرم نمی زنیم، خیلی کم. یعنی تاحالا مثلا این کار را نمی کردیم.

**حمید اشرف:** ... ولی خوب جزوه تکنیکی را زده بودید. چون اون هم الکی بود، با همین خصوصیات که این ها داشت.

**تقی شهرام:** ... ولی این اصلا حساب شده نبود.

**حمید اشرف:** ... اون خورده بود ولی این نخورده بود ...

**تقی شهرام:** ... این و من به شما مطمئنا بگم که ...

**حمید اشرف:** ... تو همین کتاب های، ولی فرض کن جزوه، جزوات تکنیکی و این ها که تا اونجائی که به دست ما می رسید، آرم دار بود، ولی هیچکدام از این مارکسیستی ها، حتی مثلا نوشته نشده بود که ...

**تقی شهرام:** ... نه، اصلا!

**حمید اشرف:** ... که مجاهدین در آوردند این و.

**تقی شهرام:** ... نه، اصلا می بینید، یک مسئله ای رو بهتون بگم، این اصلا، اشتباهیه که در اینجا داره صورت می گیره. ببینید، برای ما مهم هم نبود که حتی مثلا اگر اون موقع ها مثلا کتاب مارکسیستی هم منتشر کنیم و آرم هم بزنینم. چون اصلا ما، در، از نظر انعکاس اجتماعی، ما مارکسیسم را به صورت یک علم قبول داشتیم. خب مسئله ای نبود، از این نظر اصلا برای ما تناقض ایجاد نمی کرد. ولی اینش مهمه که ما این نوع کتاب ها را برای آموزش درون تشکیلاتی یعنی، شدیدا منتشر کردیم و شدیدا گذاشتیم توی آموزش. مثلا ما "تاریخ مختصر" را کی به شما دادیم؟ من یادمه سال ۵۲ [۱۳] دادیم. سه جلدش و منتشر کردیم، سریع هم منتشر کردیم، به همین دلیل هم یک مقدار ...

**حمید اشرف:** ... ۵۲ [۱۳] که ندادید.

**تقی شهرام:** ... ۵۲ [۱۳] دادیم.

**حمید اشرف:** ... سال ۵۳ [۱۳].

**تقی شهرام:** ... و آخر، اصلا اون فردی که این و نوشته<sup>۱۲</sup>، من یادمه اصلا سال ۵۳ [۱۳] تو دم دست نبود، تا اونجا که من یک مقدارش یادمه. حالا نمی دونم. ولی ...

**جواد قاندی:** ... درون خودمون که تو زمستون ۵۲ [۱۳] در اومد. حالا ممکنه به شما دیر تر رسیده باشه.

**حمید اشرف:** ... بله، به ما چندین ماه بعد ...

**تقی شهرام:** ... بله، ما این ها را منتشر می کردیم، تو آموزش وارد می کردیم، و بعدش هم، ما اصلا غیر از این کتاب ها، می گم، باز ما بیشتر انتظار داشتیم که شما از همین انعکاسات خارجی ما ...

**حمید اشرف:** ... ولی رفیق می بخشید، من یک چیز دیگر هم به شما بگم ...

**تقی شهرام:** ... آها، بگو.

**حمید اشرف:** ... که ما در سال پنجاه و ... سه ...

**تقی شهرام:** ... خب!

**حمید اشرف:** ... در تابستان سال ۵۳ [۱۳]، که درحقیقت بحبویه بحث های به اصطلاح، پروسه مارکسیستی شدن سازمان هست ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در رابطه با رفیق رابط سازمانی<sup>۱۴</sup>، در مقابل یک مسئله ای قرار گرفتیم، که این هم فاکت مشخصی می تونست باشه.  
**تقی شهرام:** ... باشه!

**حمید اشرف:** ... به طوری که، رفیق دو تا مسئله را مطرح کرد، می کرد. یکی مسئله تکامل بود، تکامل طبیعی، می دونیم که تکامل طبیعی و وارد شدن به دانش مارکسیستی معمولا از این راه ها صورت می گیره. یعنی مثلا مذهبی ها و این ها، معمولا از این ...

**تقی شهرام:** ... یک پروسه اش اینه تویه معمولا ...

**حمید اشرف:** ... یک پروسه اش ...

---

۱۲ - اشاره به نویسنده جزوه موسوم به "تکنیکی" است، که احتمالا در سال ۱۳۵۲ دستگیر و یا به خارج اعزام شده بوده.

۱۴ - منظور رفیق شهید بهرام آرام است.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... یک طریقتش، اصلاً، چیز ابتدایی، یعنی نقاط حساسش هم هست.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... ان موقع که حالت احساسی دارند و این ها ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... رو مسئله تکامل خیلی ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... مقاومت می کنند. که این رفیق در مورد تکامل، طرحی را مطرح کرد که این مسئله تکامل هنوز اثبات نشده.

تقی شهرام: ... این تقدم ماده و اینکه مثلاً فرض کن چه جوری؟ ...

حمید اشرف: ... نه، اصلاً، مسئله به اصطلاح این ...

جواد قاندى: ... پیدایش انسان.

تقی شهرام: ... پیدایش انسان.

حمید اشرف: ... پیدایش انسان و این ها مسئله ای است که اثبات نشده است.

تقی شهرام: ... این ...

حمید اشرف: ... این مسئله در رابطه با اینکه، این دیگه یک نظری بود که واسه ما خیلی چیز، خیلی جالب توجه! که حتی مثلاً خیلی از رفقا حتی توی زندان و این ها، بودند که مسئله تکامل را قبول داشتند. و این رفیق تکامل و هم قبول نداشت ...

تقی شهرام: ... نه، اص ...

حمید اشرف: ... از نظر ایدئولوژیک، دفعه پیش هم قبول کرد که آره این مسئله درسته.

تقی شهرام: ... آره؟ چی بوده قضیه؟

جواد قاندى: ... من یادم نیست.

حمید اشرف: ... اون تو نوار ها هستش، اگر دقت کنید<sup>۱۰</sup>.

تقی شهرام: ... نه توی نوار هم یک همچین چیزی نیست.

جواد قاندی: ... یک همچین چیزی را ما نگفتیم رفیق!

حمید اشرف: ... نه، اون رفیق گفت.

جواد قاندی: ... اون رفیق هم نگفت.

حمید اشرف: ... چرا حالا می خواهید ...

تقی شهرام: ... آخه نیست تو نوار ...

جواد قاندی: ... آخه نیست یک هم چنین چیزی رفیق، چنین چیزی که ...!

حمید اشرف: ... اگه می خواهید اگه اجازه بدید، من تو نوار پیداش می کنم، دفعه دیگه می یارم اینجا.

تقی شهرام: ... اصلا بگو چه ساعتی از نوار است، ما داریم پیدا می کنیم، می آریم.

حمید اشرف: ... من یادم نیست. شاید تو صحبت ها، تو محاوراتمان بود.

تقی شهرام: ... ولی توی نوار همچین چیزی ضبط نشده. من که گوش دادم ضبط نشده بود. حالا ممکنه در بیان گفته باشه، ولی ضبط تو نوار نداریم. یعنی من که گوش دادم، نبود.

حمید اشرف: ... حالا از خودش بپرسید، یادش هست حتما.

جواد قاندی: حتما.

حمید اشرف: ... چون دفعه پیش هم تائید کرد، و من یادم هست. شاید تو نوارها ضبط نشده.

تقی شهرام: ... یعنی تائید کرد که اصلا مسئله تکامل، هنوز حل نشده؟

حمید اشرف: ... همش نه، نه، ببینید، درمورد خود اون رفیق می گم ها.

---

۱۰ - نوار گفتگوهای رابطین دو سازمان در تابستان ۱۳۵۳، که متأسفانه موجود نیست.

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... حداقل. چون اون رفیق در اون جلسه، که من یادمه تابستون بود، تابستون ۵۳ [۱۳] بود مثل اینکه، که ما، حتی جای قرار هم بهش گفتم و یادش بود، که ما طرف های خیابون های سه راه، حوالی امیری و نمی دونم، تیموری و اونجاها، داشتیم راه می رفتیم و صحبت می کردیم، که رفیق دو تا مسئله را طرح کرد. که یک مسئله اش به طور مشخص ضدعلمی بود که خب، من اصلا هیچی اصلا بحث نکردم. گفتم خب، رفقا مذهبیید دیگه، مسئله تکامل، قبولش ندارند. ما که هدفمون بحث فلسفی نیست.

**تقی شهرام:** ... بله بحث فلسفی نیست، خب.

**حمید اشرف:** ... یک چیز دیگه هم طرح کرد، که اون و گفتم، گفت نه من منظورم اون نبوده، و اون مسئله اختلافات چین و شوروی بود.

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... که مطرح می کرد که این اختلافات چین و شوروی، به اصطلاح، به شکل سوال انگیز، به عنوان به صورت یک مسئله، یک مسئله پیچیده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و حتی، استنباط من این بود، شاید چون بلافاصله بعد از اون جریان تکامل بود، فکر کردم رفیق داره، تو این جلسه می خواهد یک مقدار مواضع ایدئولوژیک مارکسیست ها را مورد ...

**تقی شهرام:** ... حمله قرار بده.

**حمید اشرف:** ... حمله قرار بده و بگه بابا جون، اون هم چین و شوروی بودند که ...

**تقی شهرام:** ... خراب کردند.

**حمید اشرف:** ... اون طوری خراب کردن. اختلاف، یعنی تق مارکسیسم و کمونیسم و این ها ...

**تقی شهرام:** ... در اومد.

**حمید اشرف:** ... در اومده، از نظر ایدئولوژی هم که تکامل و این هاش فعلا مورد بحث و این هاست. و چون این مسئله چین و شوروی

هم به دنبال اون، بعد البته رفیق دفعه پیش گفت که مسئله چین و شوروی من اون مقصود را نداشتم. من هم قبول کردم. ولی احساس من در اون موقع ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این بود، در تابستون ۵۳ [۱۳] بود. و با توجه به این فاکت هایی که ما داشتیم، این چیزهایی که می دیدیم دیگه! خوب رفیق رابط سازمانی معتبره دیگه.

**تقی شهرام:** ... بله معتبره، مسلمه.

**حمید اشرف:** ... طبعا این که رفقا، این برای ما مطرح بود که در سازمان مجاهدین، جریانات مارکسیستی هم اگه هست، حتی من فکر کردم که این رفیق الان، تو درون دچار یک سری مسائلی هستند، که دارن دو مرتبه جریانات مارکسیستی که رشد می کنه، یک مقدار مورد ...

**تقی شهرام:** ... حمله قرار گرفته.

**حمید اشرف:** ... حمله قرار گرفته، که این رفیق هم، بازتابش هم پیش ما اینه.

**تقی شهرام:** ... این زمانی بود؟ تابستون ۵۳ [۱۳]؟

**حمید اشرف:** ... آره، تابستون ۵۳ [۱۳] بود. و ... در مجموع، این مسئله حالا، مبارزه بین مارکسیسم و با ایدئولوژی خالص مذهبی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... را منعکس می کرد. و در رابطه با سایر چیزهایی که شنیده می شد، حتی اون جنبه هایی که پذیرش مارکسیسم را در بر داشت، چون به شکل مشخص، در اون یادداشتی<sup>۱۶</sup> که رفیق سعید محسن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

---

۱۶ - این متن را می توانید در سایت اندیشه و پیکار ببینید:

[http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/Matne-Kamel-Defaiyat-Saeed\\_Mohsen-Mehdi\\_Rezai.pdf](http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/Matne-Kamel-Defaiyat-Saeed_Mohsen-Mehdi_Rezai.pdf)

**حمید اشرف:** ... داره از زندان، رابطه مجاهدین رو با مارکسیسم مشخص می کنه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و می گه که ما ماتریالیزم تاریخی را قبول داریم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این ماتریالیسم فلسفیه که ما قبولش نداریم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این و دیگه چیزی بود که از سال ۵۰ [۱۳] هم مطرح بود. یعنی این وجود به اصطلاح، پذیرش بخشی از مارکسیسم در سازمان مجاهدین، یا نشانه های مارکسیستی در سازمان مجاهدین، به صورت این جور ...

**تقی شهرام:** ... جریانات ...

**حمید اشرف:** ... موضع گیری ها گه گاهی وقت ها ...

**تقی شهرام:** ... طبیعی بوده!

**حمید اشرف:** ... آها! یک چیز قدیمی بوده، و چیز تازه ای، می خواهم بگم، نبوده. و اگر شما این انتظار را داشتید که با توجه به این مواضع اخیر و این ها هم، ما به این کشف نائل می شدیم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این زیاد درست نیست. چرا که جریانات مختلفی که می دیدیم و سوابقی که از مسئله داشتیم، چون ما تحلیل مون از مسئله که به خاطر یک دونه دو تا اعلامیه نیست. یک پدیده را گذشته، آینده، حال، تمام، یعنی پروسه اش را باید بررسی کرد دیگه. و ما حتی می دیدیم که، ما به نظر ما این که سازمان مجاهدین یک سازمان التقاطیه، خودت! در عمل هم همینطور بود. رفقا می گفتند مارکسیست ها را ما عضو گیری می کنیم، چه فرق می کنه، مبارزه ضدامپریالیستیه. مذهبی ها هم بیان مارکسیست ها هم بیان ...

**تقی شهرام:** ... من می خوام بگم شما در همون سطح باقی موندید رفیق، ببین ...



**حمید اشرف:** ... ها!

**تقی شهرام:** ... اگر شما یک کوشش آگاهانه ای می کردید، ببین معلومه، آدم همی شه می تونه بگه، ظواهر کار اینطور نشون می داد، خب ما هم اجبارا همین و فهمیدیم. اما شما در همون سطحه به اصطلاح، در سطح باقی می مونید، به علت اینکه عمل ات در سطح باقی می مونه. یعنی نمی روید پرده را بشکافید. این حرکت به اصطلاح تعرضی را ایجاد نمی کنی، نمی ایی جلو. معلومه که تو ممکنه اشتباه بکنی. این خیلی طبیعیه. مسئله ات این نیستش که چرا مثلا فرض کن تو مثلا تو خونه ات نشستی و مثلا از چهار مثلا تا دوتا اعلامیه ما یا فلان نفهمیدی که اصلا سازمان ازهم داره حالا مارکسیست شد یا فلان شد و یا بهمان شد. ما بیشتر این و داریم میگی که اون حرکت لازمی را که یک سازمان مارکسیستی باید درقبال یک سازمان ...

**حمید اشرف:** ... البته شما، در این، سوال ما را بی جواب می گذارید. که می گید وقتی ما می پرسیم، ما چه می کردیم؟ شما در جواب می گید که شما کاری هم نمی تونستید بکنید.

**تقی شهرام:** ... نه، خیلی کارها می تونستید بکنید.

**حمید اشرف:** ... آها! دفعه پیش رفقا طرح می کردند که ...

**تقی شهرام:** ... نه کی همچی حرفی زده؟

**حمید اشرف:** ... ما گفتیم که شما توقع داشتید ما چه بکنیم؟

**تقی شهرام:** ... خیلی کارها می تونستید بکنید. ولی نکردید.

**حمید اشرف:** ... گفتند ما توقع نداشتیم.

**تقی شهرام:** ... نه عزیزم! کی گفته؟

**جواد قانیدی:** ... ما توقع از رو عمل شما نداشتیم رفیق.

**تقی شهرام:** ... ببین!

**جواد قانیدی:** ... یعنی عمل شما برای ما این ...

**تقی شهرام:** ... ما خیلی، عجیبه! شما چرا قضایا را اونطوری، من، من می ترسم واقعا این بحث هایی که اینجا کردیم، دومرتبه یک جای دیگه به جور دیگه تفسیر بشه. ببین بابا جان، مطمئنا شما می

تونستید تاثیر بگذارید. تاثیرات خیلی شگرفی هم می توانستید بگذارید. و خیلی در واقع، نیروها را که در یک حالت مثلا فرض کن، در یک مرحله تعادل قرار داشتند، تو یک مرحله، مثلا فرض کن که ضعیف بودند، شما تقویت بکنید. ولی عملا اگر ما می گیم دیگه انتظار نداشتیم، دیده بودیم، دیده بودیم شما نمی خواهید بکنید، خودتون و کنار می کشید و حتی ...

**حمید اشرف:** ... به چه صورت ما کنار می کشیم؟

**تقی شهرام:** ... یعنی شما حتی جریانات ...

**حمید اشرف:** ... کی شما حرکتی کردید و ما کنار کشیدیم؟

**تقی شهرام:** ... ببین، اگر تو این سوال را از من بکنی، ممکنه من یه جواب هایی بدم. ولی نمی خواهم اون طور جواب بدم. چرا ...

**حمید اشرف:** ... والله فکر کنم که جواب نداشته باشی، که نمی دی.

**تقی شهرام:** ... نه، می دونی چرا؟ برای اینکه من اگر بخوام بگم ما می کردیم، در واقع یک چیزی رو اینجا نادیده می گیرم. برای اینکه اون انتظار، اون دو تا انتظار متفاوتی که باز از یک سازمان مارکسیستی می ره، و یک سازمانی که هنوز هویت ایدئولوژیکش رو معلوم نکرده.

**حمید اشرف:** ... حالا، کاری نداریم که معلوم کرده ...

**تقی شهرام:** ... باشه!

**حمید اشرف:** ... یا نکرده. واقعیت اینه که ان جریان هم فعلا به شکل پنهان شده ای مارکسیسته، به فرض!

**تقی شهرام:** ... بله، درست.

**حمید اشرف:** ... این جریان چه می کرد؟ شما که می گید ...

**تقی شهرام:** ... این جریان می دونی ...

**حمید اشرف:** ... شما مارکسیست بودید چه می کردید، شما در اینجا دارید یک ظرافت کاری هم به خرج می دید.

**تقی شهرام:** ... خب، شما بازش کنید، قضیه رو روشن کنیم.

**حمید اشرف:** ... در عمل می گید ما مارکسیست بودیم و خیلی شدید و غلیظ و این ها،

**تقی شهرام:** ... خوب

**حمید اشرف:** ... ولیکن اونجایی که می آئید مورد ما رو، مورد تحلیل قرار بدین، می گید ما خرده بورژوا، درست؟ شما چرا برخورد اون طوری کردید؟

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... سر حالی که ... یعنی در اینجا، این شیوه درستی نیستش.

**تقی شهرام:** ... آخه مسئله که ...

**حمید اشرف:** ... شما بیائید این مسئله را طرح بکنید که خودتون چی؟ شما که رسیده بودین، شما که داشتین دیگه از اذر ماه مارکسیست شده بودین. از اذر ماه که دیگه مارکسیست را تکمیل کرده بودید.

**تقی شهرام:** ... در داخل سازمان.

**حمید اشرف:** ... در داخل سازمان. حالا که دیگر مواضعتون قرص شده بود. دیگه ۵ ، ۶ نفر نبودید.

**تقی شهرام:** ... بله، درست.

**حمید اشرف:** ... شریف واقفی و این ها هم که رفته بودند کارگری و ...

**تقی شهرام:** ... دنبال کارشون.

**حمید اشرف:** ... تبعید شده بودن و این ها.

**تقی شهرام:** ... تبعید هم نشده بودند، خب.

**حمید اشرف:** ... همان، همان چیز سازمانی، تنبیه سازمانی.

[صدای خنده]

**جواد قانیدی:** ... تنبیه هم نه، آموزش سازمانی.

**حمید اشرف:** ... آموزش سازمانی.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اونا که اون طوری شده بودند. یعنی نیرویی نمونه بود در مقابل ...

تقی شهرام: ... درسته.

حمید اشرف: ... اون موقع چرا نیومدی بگی؟

تقی شهرام: ... خب، ما می خواستیم بگیم، اون موقع دیگه، قضیه باید در سطح اجتماع باید طرح می شد.

حمید اشرف: ... حالا زودتر از اجتماع!

تقی شهرام: ... و بعد یک چیز دیگه، حالا گوش کن!

حمید اشرف: ... ما مگه نمی تونستیم در سطح اجتماع کمک کنیم به طرح شدن شما؟

تقی شهرام: ... حالا یک مسئله، ببین! اون جلسه که ما نشستیم، شما نشسته بودید با همین رفقا، جلسه تابستون<sup>۷</sup>، اون موقع ما اون به اصطلاح چیز هامون را داده بودیم؟ اون، مثلا "مقدمه رویزیونیسم ... " و اون چیز های دیگه ...

حمید اشرف: ... خیر.

تقی شهرام: ... هنوز نداده بودند؟

جواد قاندى: ... نه.

تقی شهرام: ... آها! ببینید، ما اون جلسه در واقع به من ...

بهروز ارمغانی: ... من صحبتی هم در این زمینه داشتم البته ...

تقی شهرام: ... بگو!

بهروز ارمغانی: ... چون اشاره کردی به این که اون را داده بودیم، یا نداده بودیم.

تقی شهرام: ... آها!

بهروز ارمغانی: ... به نظر من اینجوری می آد که، برداشت ها این شکلیه که اگر فرض بگیریم یک سازمان التقاطی، چند تا اثر مارکسیستی داده بیرون.

تقی شهرام: ... نه! نه، نه، نه ...

بهروز ارمغانی: ... ها! این و می خواستم، توضیح مختصری بدم ...

---

۱۷ - اشاره به جلسه مشترک دوم سال ۱۳۵۴ در تابستان همان سال است.

**تقی شهرام:** ... می خواستم بگم که این جریان برای شما سوال می شه؟ می آئید بپرسید آقا شما چکار دارید می کنید؟ خب ...

**بهروز ارمغانی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... این کی اند؟ چی اند؟ می دونی؟ ما این رو انتظار را داشتیم. نه این که شما متقابلا ...

**بهروز ارمغانی:** ... این رو می خواستم تذکر بدم که برداشت من این بوده ...

**تقی شهرام:** ... نه، نه، این نبود. حالا من توضیح می دادم، متوجه می شدی. ببین، ما تو اون جلسه، می خواستیم ببینیم که شما چه جوری برخورد می کنید. یعنی در واقع اون یک زمینه ای بود که ما ببینیم ایا واقعا زمینه فراهمه؟ باز ما حتی جلوتر مطرح بکنیم؟ تو همون جلسه. که اون رفقا، اون جلسه، بیشتر یک موضعی داشتند، شنوا بودند. یعنی می خواستن بیان، گوش بکنند حرف های شما را. هی ببینند واقعا شما چی می گید. و واقعا چه کمکی ما می تونیم از شما بگیریم. دقت می کنی؟ با توجه به اون عدم اطمینان هایی که موجود بودها!

**جواد قاندى:** ... یک توضیحی من اینجا بدم در ...

**تقی شهرام:** ... متوجه هستيد چه می خوام بگم؟

**جواد قاندى:** ... این که ما چه موضعی داشتیم. رفیق، ما اسفند ماه<sup>۱۸</sup> بهتون پیشنهاد نشست کردیم. بلافاصله بعد از اون نشست، ارتباط ما به مدت دو ماه و نیم قطع می شه، و بعد برامون سوال بود که چرا شما ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**جواد قاندى:** ... یک کوششی نمی کنید در جهت وصل این ارتباط ها ...

**تقی شهرام:** ... و بعد هم ...

---

۱۸ - منظور اسفند ماه یک سال پیشتر در سال ۱۳۵۳ است.

**جواد قائدی:** ... هی می اومدیم علامت می زدیم. هی می اومدیم سر قرار. یک مرتبه ما مواجه می شیم تو نشست ...  
**تقی شهرام:** ... این نکته مهمیه.

**جواد قائدی:** ... با بیانیه رویزیو ... ضد توده شما، و اون موضع گیری تون در مقابل ما<sup>۱۹</sup>. این چی را به ما نشان می ده، آخه؟  
**تقی شهرام:** ... یعنی شما عملا سر ما را بیخ طاق می کوبیدید و حاضر نبودید که واقعا با ما، ما این طور استتباط می کردیم. دیدید! باز هم گذاشتند، رفتند! ما بهشون می گیم چرا نیومدید؟ اون رفیق<sup>۲۰</sup>، خیلی خوش خیال می گه، خوب اومدیم، مثل اینکه نشد و یک سری اشکالات بود و مثلا، انگار مسئله اصلا مهمی نیست. دو ماه سه ماه

---

۱۹ - در اینجا باز هم اشاره به نشست خرداد ماه ۱۳۵۴، است و همچنین اشاره به اطلاعیه ای است، با نام عملیات خسرو روزیه، در رابطه با "اعدام انقلابی" "عباس شهریاری" در ۱۴ اسفند ۱۳۵۳ و همچنین معرفی نامه مفصل کتابی با عنوان: "اعدام انقلابی عباس شهریاری ..." است که در اینجا متن آن را که در صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱، نشریه نبرد خلق شماره ۶، آمده است، می آوریم: «قسمت پنجم کتاب "ما و حزب توده" نام دارد. این قسمت از کتاب قبل از هر چیز واقعیت سازمانی را که خود را "حزب توده" می نامد، روشن ساخته و گفته است که این سازمان، مجمعی از بقایای رهبران حزب توده سابق است که در نهایت یک سازمان محدود روشنفکری ضد رژیم است و بدین جهت اساسا نمی توان آن را حزب نامید. کتاب خود همواره برای نامیدن این سازمان، نام "مجمع بقایای رهبران حزب توده" و یا "بقایای رهبران حزب توده" را به کار می برد. کتاب سپس به جریان تلاشی حزب توده اشاره می کند و سیاست سازمان چریک های فدایی خلق را در مقابل مجمع بقایای رهبران حزب توده، یعنی همان "سازمان روشنفکری" ضد رژیمی که اکنون خود را حزب توده می نامد. روشن می سازد و پیامی که بقایای رهبران حزب توده برای سازمان ما فرستاده اند جواب می گوید و هدف آنها را از فرستادن این گونه پیام ها روشن می سازد. مطالب این قسمت با یک پیشنهاد عملی به بقایای رهبران حزب توده بر مبنای پیام های خود آنها و برای افشاگری هر چه بیشتر شان پایان می پذیرد. پس از این قسمت عین پیام بقایای رهبران حزب توده به سازمان چریک های فدایی خلق آورده شده است.» همچنین اشاره ای است به سر مقاله نشریه نبرد خلق شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۵۴، با عنوان "شعارهای وحدت" است که، بارها در این گفتگوها به آن اشاره شده است. در این باره همچنین نگاه کنید به نامه هشتم رفیق مصطفی شعاعیان به سچفخا در نیمه اول بهمن ۱۳۵۴. این نامه در کتاب هشت نامه به سچفخا، که توسط خسرو شاکری تهیه شده، موجود است.

۲۰ - رابط سچفخا.

اصلا مهم نیست، زمان اهمیتی نداره، یعنی واقعا یک چنین ضرورتی برای رفقا مطرح، نیست. می دونید؟ یک همچین چیزهایی ما می دیدیم. اون جلسه هم، باز نشست تابستون هم، باز برای این بود که ببینیم باز رفقا یک حرکتی کردند. ایا، به قول معروف، چراغ سبزی نشون داده می شه؟ نمی شه؟ می دونی؟ این بود. و بعد اون بحث ها که اصلا، خود رفقا گوش داده بودند دیگه، شما هم قضیه "حزب توده" را تبدیلیش کرده بودین به یک جریان مثلا خیلی مهم و گویا براتون هم مثلا فکر می کردید یعنی واقعا مثلا ما می خواهیم از زیرش در ریم و یا واقعا برامون مطرح است. مثلا ما رویزیونیسم را مارک کی داره؟ ما آذر ماه دادیم. همون موقع هم منتشر کرده بودیم. خیلی از خارج هم حتی این ها در صدد انتشارش بودند و بعدا تو مجاهد هم چاپ شد. یعنی، اصلا همون موضع ضد توده ای ما تو اون موجوده اصلا، علنا ما اونجا ذکر کردیم. ولی خوب، شما ترجیح داده بودید که مثلا به شکل یک جانبه ای مثلا ما را بکوبید، بگین که آره مثلا ممکنه مثلا شما احيانا ...

**حمید اشرف:** ... نه ما در این مورد ...

**تقی شهرام:** ... مثلا، یک گرایشاتی بوده ...

**حمید اشرف:** ... یک چیز ...

**تقی شهرام:** ... فلانی بوده ...

**حمید اشرف:** ... ما می خواستیم ...

**تقی شهرام:** ... یک چنین چیزهائی که بچه ها گوش داده بودند این

جریان رو ...

**حمید اشرف:** ... نه، اون واسه ما یه چیزی بود، واسه ما این ها واقعا مسئله ای بود.

**تقی شهرام:** ... در حالی که واقعا ما ...

**حمید اشرف:** ... در اون رابطه وقتی حزب توده پیام داد ...

**تقی شهرام:** ... بله. ... ما واقعا می دونی که چرا نمی خواستیم پیام بدیم؟<sup>۲۱</sup> بابا جون، رک، اون جلسه هم شما این را پرسیدید. ما می خواستیم موضع ایدئولوژیک مون را هرچه زودتر اعلام کنیم، از آن موضع بود، موضع بگیریم. نمی خواستیم از یک موضع مذهبی باهاش مقابله کنیم. آخه چرا شما این ها را متوجه نمی شید این قضایا را؟

**بهروز ارمغانی:** ... آخه ببین، ما متوجه می شیم، یه سوال دارم  
ها ...

**تقی شهرام:** ... بفرما.

**بهروز ارمغانی:** ... تو چیزهایی را مطرح می کنی و می گی ما به این دلیلی که نمی خواستیم قبل از بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک این را بررسی بکنیم، این ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... کار را نمی کردیم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... ما اون بار هم سوال کردیم که رفقا، اون بحث درون سازمانی به کجا کشید؟ حداقل یک اشاره کوتاهی، یک چیزی که ...

**تقی شهرام:** ... ببین، آخه ...

**بهروز ارمغانی:** ... برخی از این ها مواردی هستند که ...

---

۲۱ - در اوایل تابستان ۱۳۵۳، حزب توده ایران به سچفخا به عنوان یک سازمان م.ل و سازمان مجاهدین خلق به عنوان یک سازمان دموکرات انقلابی از طریق رادیوشان پیک ایران، پیامی فرستاد تا در پیشنهاد این حزب مبنی بر تشکیل "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" شرکت کنند. سازمان چریک های فدایی خلق به آن پاسخ دادند و در فروردین ۱۳۵۴ در کتابی درباره اعدام انقلابی عباس شهریاری نژاد، با آوردن اصل پیام حزب توده به نقد و بررسی این پیام پرداختند. از سوی دیگر سازمان مجاهدین خلق که در زمان ارسال پیام (تابستان ۱۳۵۳) جوابی برای آنها داشتند، اما چون در حال گذراندن تغییر و تحولات ایدئولوژیک درونی خود بودند و این پاسخ را با دیدگاه مارکسیست لنینیستی در نظر داشتند و هنوز تغییر مواضع ایدئولوژیک خود را علنی نکرده بودند، از اعلام پاسخ خوداری نمودند.



تقی شهرام: ... این ها را ما فکر می کردیم، آخه، والله به خدا، به پیر، به پیغمبر.

بهروز ارمغانی: ... آها. من اینجا می خواستم اون توضیح را بدم ها، ببین ...

تقی شهرام: ... هان.

بهروز ارمغانی: ... اون توضیح من که می خواستم بدم که تو گفتی متوجه هستم من اینجا می خواستم یک توضیحی بدم ...

تقی شهرام: ... بگو.

بهروز ارمغانی: ... شما به عنوان یک مارکسیست باید بپذیرید این مسئله را که یک فلسفه التقاطی، از مارکسیسم به عنوان یک منبع تغذیه می تونه استفاده کنه ...

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... همچنان که خرده بورژوازی و بورژوازی ملی هم ...

تقی شهرام: ... می کنه.

بهروز ارمغانی: ... از نیروهای پرولتری ...

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... برای رسیدن به اهداف خودش استفاده می کنه.

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... یا غیر از اینه؟

تقی شهرام: ... درست.

بهروز ارمغانی: ... در همین رابطه، از به اصطلاح فلسفه پرولتاریا هم می تونه بهره گیری کنه ...

تقی شهرام: ... درست.

بهروز ارمغانی: ... به نفع منافع طبقاتی خودش.

تقی شهرام: ... بسیار خوب.

بهروز ارمغانی: ... پس در اون رابطه، من می خواستم این و بگم، شما می گید که بایستی می تونستید، یا الان هم باز تاکید می کنی و

حتی شاید برات تعجب اوره که باز مثلا من الان، الانش هم البته نمی فهمم. تعجب تو، به نظر من این از اینجا ناشی می شد که، من این تحلیل را می کردم. فرض بگیر ...

**تقی شهرام:** ... آخه التقاط را ساکن می گرفتی. آخه علتش اینه. **بهروز ارمغانی:** ... نه رفیق. التقاط ساکن نیست، خود به خود التقاط متحرکه.

**تقی شهرام:** ... التقاط، اتفاقا خیلی تحرک داره. **بهروز ارمغانی:** ... متحرکه، کی متحرکه. ببین، در شرایط به اصطلاح ... در مناسبات مترادف باید بررسی کرد.

**تقی شهرام:** ... آخه در مناسبات شدیداً ... **بهروز ارمغانی:** ... نه در بیان ها و آگاهی هایی که ...

**تقی شهرام:** ... آخه، مناسبات تولید، عزیزم، تو از تفسیرت باید اصلاً از اجتماع باشه، از حرف های ما نه. بگو آقا الان بورژوازی داره رشد می کنه، پول نفت سرازیر شده، اجباراً به دلایل متفاوت داره پرولتاریا متشکل می شه، داره مبارزه اش فلان می شه ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب خود به خود دیگه ... **تقی شهرام:** ... بورژوازی متمرکز می شه ... **بهروز ارمغانی:** ... خود به خود ...

**تقی شهرام:** ... این ها برای این که بخواهند با این بورژوازی مبارزه بکنند، اجباراً باید با سلاح های در واقع پرولتاریا، هر چه بیشتر مجهز بشن، و الی به سازشکاری می افتند.

**بهروز ارمغانی:** ... هر چه بیشتر یا اها اینجا یک چیز ... **تقی شهرام:** ... ها؟ نه آخه سمت مهمه، سمت مهمه ... **بهروز ارمغانی:** ... هرچه بیشتر، با تغییر کیفی متفاوته ...

**تقی شهرام:** ... آخه طبقات الان به هم خوردن. تو این تحلیل را از اینجا بکن که جامعه در واقع با رشد بورژوازی اساساً دچار یک دگرگونی شده. یعنی تقریباً یک دگردیدی طبقاتی در جامعه ما در شرف تکمیل، داره به نتایجش می رسه. این ها مهمه. شما از اینجا ببین.

**بهروز ارمغانی:** ... داره صف بندی ها دقیق تر می شه.

**تقی شهرام:** ... افرین. تو از اینجا ببین.

**بهروز ارمغانی:** ... آها.

**تقی شهرام:** ... بگو که، یعنی این تحلیل را بکن، سال ۵۳-۱۳۵۲، بگو آقا، این مجاهدین باید در عرض یکی دو سال آینده، دقیقا صف بندی‌شون مشخص بشه. یعنی این تحلیل اجتماعی را بکن که این سازمان، با این ایدئولوژی، با این وضعیت، با این ظواهری که ما داریم می بینیم و تمام انعکاساتش، این باید متلاشی بشه. این باید چی بشه؟ پلاریزه بشه. این باید صف بندی هاش و دقیقا مشخص کنه. نه دیگه خرده بورژوازی می تونه این موضع رو تحمل کنه، نه پرولتاریا، نه نیروهای انقلابی، نه نیروهای نمی دونم بینابینی. یعنی تو حتی از اونجا به مسئله برس. آخه این و ببینید تحول اجتماعی ...

**بهروز ارمغانی:** ... آخه همین.

**تقی شهرام:** ... دقیقا فشار می آره.

**بهروز ارمغانی:** ... همین و می خواستم بگم ...

**تقی شهرام:** ... خب بگو.

**بهروز ارمغانی:** ... که در همین رابطه یک همچین سازمان التقاطی می تونه گرایش های به چپ بیشتری داشته باشه.

**تقی شهرام:** ... آخه بیشتر به چپ، چی اون وقت؟ بعد خرده بورژوازی اون وقت چوب دو سر طلا نمی شه؟

**بهروز ارمغانی:** ... مگه نیست؟!

**تقی شهرام:** ... هم این ور و از دست بده، هم اونور و؟ آخه نمی شه، وقتی در واقع طبقات دارند دگرذیسی پیدا می کنند، دارند در واقع در حال تکوین اند، در حال ایجادند، در حال رشدند، اصلا وضعیتشون با مثلا سال ۴۰ [۱۳] یا سال ۴۳ [۱۳]، ۴۲ [۱۳] ...

**حمید اشرف:** ... جواب شما را بدم؟

**تقی شهرام:** ... بگو.

**حمید اشرف:** ... خرده بورژوازی می تونه بطور متناسب نیروی خودش و تقسیم کنه این بار ...

**تقی شهرام:** ... یعنی چه؟

**حمید اشرف:** ... چون خرده بورژوازی، خصلتا از نظر ایدئولوژیک، یک موضع منضبط و به اصطلاح یک جهته نداره. به خاطر این که خودش از نظر اقتصادی ضعیف است، به خاطر این که به اصطلاح، منافعهش میان دو طبقه قرار گرفته ...

**بهرز ارمانی:** ... یا چوب دو سر طلا.

**حمید اشرف:** ... ها؟ ... بین دو طبقه نوسان داره.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... و این نوسانش، دقیقا تناسب داره بین نیروها.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... یعنی وقتی که نیروهای پرولتری قوی می شن ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... این هم میل یک مقدار بیشتر، متناسب با قوی شدن اون ها، یعنی اصلا خصلتش اینه، متناسب با قوی تر شدن اون ها، به اون سمت میل می کنه.

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... ضعیف شدند، متناسب با ضعیف شدن اون ها به این یکی سمت میل می کنه.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... یعنی چی؟ یعنی این که که تمایله به مارکسیسم، یعنی حتی به اصطلاح واقعیت های طبقاتی، رشد شرایط عینی، تغییراتی که در شرایط عینی رخ می ده، به یک باره خرده بورژوازی را از این موضع ...

**تقی شهرام:** ... ولی ما، رفیق عزیز بحثمون ...

**حمید اشرف:** ... به آن موضع چیز نمی کنه، بلکه ...

**تقی شهرام:** ... بحثمون سر طبقه خرده بورژوازی نبود، سر یه سازمان التقاطی بود. یعنی یک سری از عناصر ...

**حمید اشرف:** ... سازمان التقاطی بطور مشخص یه ...

**تقی شهرام:** ... آها، این پلاریزه می شه، ...

**حمید اشرف:** ... سازمان خرده بورژوازیه.

**تقی شهرام:** ... پلاریزه می شه. الان ببین، بعد به قول معروف، فاکت مشخص، ما با این گروه های مذهبی تماس داریم. باور کنید، از ۱۵ نفرشون، دائما یک عده شون مارکسیست می شن، یک عده شون دگماتیست تر می رن به قول معروف، اینا را می کشونن به اون سمت. یعنی دقیقا در حال اصلا در حال پلاریزن یعنی، عین مثلا یک نمونه آزمایشگاهی می بینی، اصلا قشنگ داری توشون می بینی. مثلا روز اول مثلا فرض کن ۱۵ تا عضوند، خب مثلا به گرایشاتی دارن، یکی شون یک خورده خیلی دگمه، یکی شون گرایش به مارکسیسم داره. یکی جریان ما را تأیید می کنه، یکی می گه نه، باید حتما مثلا ضدش بیانیه بدیم. این جریان همینطوری در درونشون می جوشه، بعد مثلا باور کن در عرض ۴ ماه، ما داریم می بینیم. یهو ۳ تاشون از توشون مارکسیست درآمدند، به ما پیوستند. مارکسیست شدن، ول کردند، نفی کردند، اومدن. مثاله ها! یعنی اینطور شده، یعنی اینقدر قضایا عینیه، برای کسی که دستش تو آب و آتیشه و می بینه قضایا را، اصلا در واقع مشاهده می کنه. یک جریان، حتی تبدیل به یک جریان ذهنی دیگه نیست، تحلیل تئوریک رو کاغذ نیست. شما عملا دارید می بینید این دگردیسی را، این غلیانی که در جامعه موجود هست. اون وقت یک سازمان که تو این غلیان همچنان همون یک سازمان می مونه؟ نه! الاقل شما باید بگید این باید بشکافه، این اصلا موقع اش رسیده که باید در واقع هسته اش چه کار بکنه؟ از اون پوسته جدا بشه، یا پلاریزه بشه، هر مسئله ای، خوب حالا پس ما وظیفه مون چیه؟ این، اون چیزیه که ما می گفتیم شما باید نسبت بهش موضع مارکسیستی می گرفتید. این حرف ماست.

**حمید اشرف:** ... خب، شما این پلاریزاسیون را مطلق اش می کنید.  
**تقی شهرام:** ... نه.

**حمید اشرف:** ... شما فکر می کنید این پلاریزاسیون در حقیقت، یک جریان خلیلی یعنی خیلی شسته و رفته و کامل ...

**تقی شهرام:** ... نه. نه.

**حمید اشرف:** ... در نظرش می گیرید. در حالی که ...

**تقی شهرام:** ... نه. معلومه.

**حمید اشرف:** ... حتی همون نیروهایی هم که میان مارکسیست می شن و به اصطلاح مرعوب می شن به نظر من ...

**تقی شهرام:** ... اون ها بله!

**حمید اشرف:** ... الان یک حدی این ها میان مارکسیست می شن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این هستش که فعلا سازمان متشکل خودشون و ندارند. و کماکان ...

**تقی شهرام:** ... خب اون سازمان متشکل، اون تناقض توشه، اگر، اگر التقاطی باشه. اگر مثل این که ...

**حمید اشرف:** ... از مسئله این هستش که اون ها دیگه ضرورتی هم نداره خیلی التقاطی باشن.

**تقی شهرام:** ... خب، پس دیگه آها! پس حالا این، رسیدیم به همین قضیه. که می آد مرزبندی ها مشخص می شه. همین حرف رفیق، یعنی یه سازمان هایی می رن دقیقا منعکس کننده قشرهای، همون قشرهای در واقع تثبیت شده خرده بورژوازی هستنند. این ها دیگه محاله به این سادگی ها حتی یک دونه مارکسیست هم از توشون بیاد بیرون. این می رن موضع شون و تعیین می کنند. اینا در واقع خط و مرز شونم هم با مارکسیسم خیلی مشخص و عمیق و فاصله شون هم خیلی معین و اصلا حرف هم توش نداره. نمونه اش این اعلامیه مهدویون را بیاریم بذاریم جلومون، اصلا خیلی جالبه. اون طرف چی؟ اونور هم اجبارا نیروهایی که نوسان می کردند، تمایل به این طرف داشتند، باید، مجبورند به این سمت بیان. بله، مسلما این ها دارای ضعف هایی هستنند، نواقصی هستنند، باید باهاشون برخورد کرد. همون طور که شما هر عنصری که مارکسیست می شه تو جامعه، اون هم مارکسیست واقعی نیست، باید بیاد ساخته بشه. و خیلی جریانات دیگه. این پروسه را باید این طوری باهاش برخورد کنید. شما می گید که مثلا سازمان خودشون و ندارند. ولی اون سازمانی

که دارند اون وقت دیگه سازمان ما نخواهد بود، شکل سازمان ما نخواهد بود. اون سازمانی که اونا الان دارند، همان سازمان شکل فدائیان اسلام بوجود خواهد آمد. یعنی این تپیی به وجود خواهند آمد. مذهبی های آینده ای که می تونن به کار ادامه بدن و سازمان شون این شکل خواهند بود. و این و ما عملا داریم می بینیم نطفه هاش و. طرف اصلا معتقد نیست به این که مثلا فرض کنیم که مارکسیست مثلا یک چیزی هم هست، اصلا گویا یک چیزی هست اصلا، به هیچ وجه و تمام این جریانات التقاطی ای که الان، حتی هنوز هم موجودند، نمونه اش مثلا هست دیگه. ولی هنوز عناصرش هستند. این ها دیگه نمی تونند متشکل بشن. اینا دیگه فاتحه تشکلهشون خوند، تشکل فقط در یک شکل کاملا مشخصش، و با، تثبیت شده طبقاتیش، یعنی ماهیت تثبیت شده طبقاتی داشته باشه و اون هم در شکل های همین واقعا، مثلا شکل های خیلی، از نظر ما دگمه، مثلا فرض کن، مذهبیون، که هستند، و این ها هم پایدارند، تناقض هم ایجاد نمی شه توشون. کارشون هم می کنند. همین مثلا تپی های، حتی مثلا فرض کنید که، این ملایری ها، اسمشون چی ها بودند؟ اینا، کشته شدند؟

**جواد قائدی: ... نهاوند.**

**تقی شهرام: ... نهاوندی ها مثلا، این تپیی ها، اصلا ...**

**جواد قائدی: ... ابوذر<sup>۲۲</sup>.**

**تقی شهرام: ... گروه ابوذر مثلا. این تپیی ها. هستند، به وجود هم میان، و الان هم دارن هم میان. و این ها باقی می موندن، مارکسیست هم نمی شن، به قول معروف، امام حسینی میرن جلو و کار هم می کنند و کشته هم می شن و خیلی هم آدم های به قول معروف، کله شقی هم هستند، این تپیی هان. این ها دیگه التقاطی نیستند. اون چیزی که شما بحث می کنید، از این به بعد باید روشن**

۲۲ - اشاره به گروه ابوذر هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران و البته بدون هیچ ارتباطی با سازمان، در نهاوند است که برخی از اعضایش در تیر ماه ۱۳۵۲، دستگیر و سرانجام شش نفر از آنها در ۲۰ بهمن ماه سال ۱۳۵۲ تیرباران شدند و گروه بکلی متلاشی شد.

کنید، اگر درباره این سازمان صحبت می کنید؟ این سازمان هنوز ماهیت تثبیت شده طبقاتی و را پیدا نکرده. در حال نوسانه، در حال التقاطه، و بعد، جریانات الاقل اجتماعی، حالا حتی نگیم جریانات مربوط به ما، باید شما را به این رهنمود می کرد که بابا دیگه الان موقعی رسیده که باید، این پیشبینی را بکنیم، ما مجبوریم پیشبینی های مربوط به رژیم را بکنیم. ما باید، مجبوریم پیش بینی کنیم که دو سال پیش، وقتی که نفت قیمتش گرون می شه، ما بفهمیم که تو جنبش ما چه تاثیری می گذاره. و چه تحولاتی بوجود می آره و در آینده اصلا این چه جوری مثلا لبه اش برمی گرده به سمت خود رژیم و ما چه استفاده هایی باید از نظر سیاسی، یا فلان و بهمان بکنیم ازش. خب، این سری مسائل وقتی مثلا واقعا برای ما ضرورت داره، درکش و فهمش، خب این مسائلی که نزدیک تر و ملموس تره، برای شما، ما فکر کردیم ضرورت داره، و شما، ولی شما ازش شونه خالی می کنید. شما نمی خواهید بفهمید. شما در واقع خودتون و کنار می کشید. شما در واقع، شاید به یک بیان بدی، مثلا به منافعتون نیست. نمی دونم، البته به منافع کمونیستی نیست، نه ها، به منافع مثلا فرض کن، محدودیت های مثلا فردی بگیریم. منافع مربوط به فردیه افرادی، کسانی، چیزهایی، یک همچین مقولاتی که الان روش نمی تونیم مثلا اصلا صحبتی بکنیم، چون مشخص نیست، همین طوری که نمی شه حرفی زد. ولی می فهمیدیم که خوشتون نمی آد، نمی خواهید برخورد کنید، خودتون و ازش کنار می کشید، برخورد نمی کنید. و این هم، نمونه اش، گفت این رفیق، که مثلا از اسفند تا فلان، نزدیک سه ماه ارتباط قطعه. ما هی می ایم سر علامت می دیم، بعد هم می بینیم که اهمیتی نمی دید. خب این طوری شد دیگه، بعد هم می ایم تو جلسه میشینیم، این برخورد. باز تیر آخر، به قول معروف، همون قدر که عقلمون می رسه، باز هم به چی می خوره؟ به سنگ می خوره ظاهرا. این، اون جریانات است.

**جواد قانودی:** ... حرف ما بطور مشخص اینه که شما نقش خودتون و به تناسب اون پلاریزاسیون زیربنایی انجام ندادید.



**حمید اشرف:** ... خب، این نقش را شما چگونه می بینید؟ چه باید می شد؟

**تقی شهرام:** ... ما الان، ببین، مثلا، ما فکر می کنیم که شما می تونستید زمینه های مثلا وحدت، حتی از هر جایی که، شما می گرفتید ضرر نمی کردید. مثلا فرض کنید که، آقا بیائید کار تکنیکی با هم بکنیم. مهم نیستش که، از همون کار تکنیکی شروع می کردید. دوتا انتقاد می کردید راجع به، مثلا به، روش مثلا، آموزش سیاسی تو گروه تکنیکی ما، خوب حتما می فهمیدیم دیگه، به دوتا نقطه نظر مثلا، موجود در اونجا برخورد می شد، متوجه می شدیم. از همین جا به کانالی، مثال می زنم ها، به کانالی پیدا می شد، می اومد نظراتون، به مقاله می نوشتید اجبارا چهار تا از بچه ها می خوندن، مجبور بودیم ما به ده نفر دیگه هم بدیم دیگه. خوب، این، یک نقطه نظری می امد تو سازمان. ما مجبور به موضع گیری بودیم. یک سری چیزهایی یا می فهمیدیم یا نمی فهمیدیم. به عده پیدا می شدند که با حرف شما موافقت می کردند، به عده پیدا می شدند با حرف مخالفتون موافقت پیدا می کردند. این خودش به جریانی ایجاد می کرد، باز دومرتبه می اومد طرف شما جواب می دادید، و الی الاخر، مثال ها! به مثال ساده.

**جواد قانادی:** ... یک مثال دیگه، پیشنهاد عمل مشترک ما تو اون جلسه<sup>۲۳</sup>، از همین دریچه هم خیلی می تونست مهم باشه.

**تقی شهرام:** ... مثلا، فرض کن.

**حمید اشرف:** ... عمل مشترک، ما نمی تونستیم بکنم. اون دفعه، دفعه پیش هم<sup>۲۴</sup> شما طرح کردید، عمل مشترک ...

**تقی شهرام:** ... خب، حالا عمل مشترک، به دلیل اینکه مثلا اعلامیه باید بدیم، بعد هم، ممکنه مسائلی ایجاد کنه، ها؟

---

۲۳ - جلسه گفتگو های مشترک در تابستان (مرداد ماه) همان سال ۱۳۵۴، جلسه دوم.

۲۴ - اشاره رفیق حمید اشرف به جلسه بعدی در آذر ماه ۱۳۵۴ است.

**حمید اشرف:** ... نه، مسئله اون نیست که عمل مشترک در رابطه با خط مشی مشترکه.

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... و ما، این مسئله باید روشن بشه که ما خط مشی مشترک داریم یا نه؟

**تقی شهرام:** ... خب، همین مسئله ...

**حمید اشرف:** ... اصلا تحلیلمون از جنبش مسلحانه باید مشخص بشه ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، همین مسئله، یکبار ...

**حمید اشرف:** ... شما تا به حال هیچ تحلیلی از مبارزه مسلحانه و جنبش مسلحانه ارائه نکردید.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... علیرغم اینکه تائیدش می کنید.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... و این باید روشن می شد. و عملیاتی هم که ...

**تقی شهرام:** ... ببین، اتفاقا تو این جواب و اونجا نداده بودی. گوش کن. تو اونجا این و موکول کردی به جریان حزب توده. ببین، دو قسمته، تو ...

**حمید اشرف:** ... نه، ما، واسمون همین، اون هم به همین قضیه مربوط می شد.

**تقی شهرام:** ... آخه، ببین، شما همش ...

**حمید اشرف:** ... دقیقا به همین مربوط می شد. بذار توضیح بدم، آخه!

**تقی شهرام:** ... می دونم، می خوامی بگی که مثلا فرض کن شما تردیدهایی فکر می کردید ما راجع به مبارزه مسلحانه داریم. ها؟ آخه این قضیه چقدر می تونه واقعیت داشته باشه؟ حتی اگر ما بطور علمی هم با مبارزه مسلحانه برخورد نکرده بودیم، یا نمی کردیم، دیگه این نمی تونست معنای این باشه که ما تردید داشته باشیم نسبت به مبارزه مسلحانه. شما حداکثر این بود، می گفتید خیلی خوب، عمل؟

ما قبول داریم، ولی بذارید یک کمیته برای عمل، حالا همین کمیته است، هرچی، این بیاد، اول معلوم کنیم اصلا چرا داریم مبارزه مسلحانه می کنیم. از این طریق، تو ما، نقطه نظر درست بیاد بیرون. **حمید اشرف:** ... ببینم، این مسئله ای که ما دفعه پیش، به اصطلاح، با علم کردن موضوع حزب توده بهش که جنبه عملی داشت ... **تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... طرحش می کردیم، باز در اینجا واقعیت پنهان نشه.

**تقی شهرام:** ... ها.

**حمید اشرف:** ... ما چیز دیگه ای رو می گفتیم. ما گفتیم رفقا، بیائید وحدت سیاسی بکنیم.

**تقی شهرام:** ... نه، وحدت سیاسی که خب ...

**حمید اشرف:** ... بیائید وحدت سیاسی، شما می گفتید بیائید همکاری عملی ...

**جواد قائدی:** ... شما هم محدودش می کردید به همین.

**حمید اشرف:** ... بیائید همکاری عملی بکنیم.

**تقی شهرام:** ... نه، اصلا همچی چیزی نشد. ن، ن، ن، ن!

**حمید اشرف:** ... قبل از اینکه ما بیائیم، مسئله همکاری عملی یک چیز تبعیه. ما اگه خط مشی مون، نقطه نظرهامون به اصطلاح طرح کنیم حتی من گفتم، گفتم ما چه موقع می تونیم طالب رشد شما باشیم؟ چه موقع شما می تونید طالب رشد ما باشید؟ وقتی که اساسی ترین به اصطلاح مسائل خط مشی مون با هم خوانایی داشته باشه.

**تقی شهرام:** ... آخه ببین، یه چیزایی تو داری می گی عجیب ...

**حمید اشرف:** ... و اگر اینا خوانایی نداره، چه همکاری عملی؟

**تقی شهرام:** ... آخه چرا خوانایی نداره؟ آخه تو، تو که می گی ...

**حمید اشرف:** ... آها، اینجا بود که در مقابل سوال این که می گی چرا، این علت پافشاری ما رو مسئله حزب توده و برجسته کردن اون، این مسئله بود ...

تقی شهرام: ... آخه.

حمید اشرف: ... که ما بیائیم، ما فشارمون بر این بود، شما شعار همکاری عملی بکنیم را می دادید ...

تقی شهرام: ... آخه.

حمید اشرف: ... ما شعار بیائید نقطه و ...

تقی شهرام: ... نه. نه!

حمید اشرف: ... خطوط فاصله مون و ترسیم بکنیم را می دادیم.

تقی شهرام: ... نه، شما این و می گفتید، که ...

حمید اشرف: ... و اگر دقیقا می گم الان تو می تونی بگی، شما بطور دگم هی پاتون و به زمین می کوبیدید و می گفتید حزب توده. درحالی که اگر یک آدم آگاهی، این رو بره تو ...

تقی شهرام: ... بطن اش بره.

حمید اشرف: ... بطن مسئله ...

تقی شهرام: ... خیلی خب.

حمید اشرف: ... متوجه اختلاف در اینجا می شه.

تقی شهرام: ... آخه، این که بر ما ...

حمید اشرف: ... ما می گفتیم بیائید خطوط سیاسی مون و خطوط سیاسی مشترک مون و رسم کنیم، شما می گفتید بیائید خطوط تکنیکی مون و رسم کنیم.

تقی شهرام: ... آخه کی، کدوم آدم عاقلیه که منکر این بشه؟ ما این و به این شکل حل می کردیم توی خودمون، که ما در یک سری اصول کلی، مثلا ضرورت مبارزه مسلحانه، حالا مثلا فرض کنیم، ما، شما که فکر می کردید که ما یک سازمان مذهبی هستیم دیگه. یک سازمان مذهبی هم که به قول معروف، نمی تونه بطور علمی بیاد استراتژی بده دیگه، نیست؟ اون به دلیل خط به اصطلاح همون گرایشات طبقاتیش می آد مبارزه اش را هم می کنه و بعدا هم ...

حمید اشرف: ... اما ما یه چیزو می خواستیم.

تقی شهرام: ... خب.

حمید اشرف: ... یک چیز، در یک چیز که ...

**تقی شهرام:** ... ها.

**حمید اشرف:** ... بالاخره، وقتی که دو تا ...

**تقی شهرام:** ... چی؟

**حمید اشرف:** ... جریان می خواستن همکاری کنند ...

**تقی شهرام:** ... در چی؟

**حمید اشرف:** ... باید یک خطوط مشترکی داشته باشند واسه کارشون دیگه. ما می گفتیم بیائید اون خطوط مشترک را ترسیم کنیم و پای این خطوط مشترک ترسیم شده هم به ایستیم.

**تقی شهرام:** ... آخه بهتر از این که هر دو مون در عمل مسلحانه وارد بودیم؟ از این خط بیشتر؟ ما همون روزش مثلا، عمل، دو سه تا عمل کرده بودیم، عمل مسلحانه، مگه می شه یک گروه عمل مسلحانه بکنه، بعدش هم مثلا فرض کن معتقد به خط مشی سیاسی باشه؟

**حمید اشرف:** ... ببینید.

**جواد قاندى:** ... ما اونجا می گفتیم رفیق ...

**حمید اشرف:** ... صحبت بر سر این نیست.

**جواد قاندى:** می گفتیم ما عمل بکنیم، اعلامیه اش اصلا بحثی نیست. ما اصلا سر اعلامیه اش بحث کردیم که چه چیز باشه؟

**تقی شهرام:** ... عمل که دیگه تناقضی نداشت با کار!

**جواد قاندى:** ... شما اعلامیه می دادید، ما را مجبور می کردید تو اون این اعلامیه ما موضع سیاس ...

**حمید اشرف:** ... یعنی چه؟ وقتی که ما پشت اش قبل از عمل، که داره زمینه هاش ...

**تقی شهرام:** ... قبل از عمل توضیح می دادیم.

**حمید اشرف:** ... زمینه های ذهنیش آماده می شه، ما توافق نداریم. ما ...

**تقی شهرام:** ... نه، چرا، توافق ...

**حمید اشرف:** ... شما فرار می کنید از توافق ...

**تقی شهرام:** ... نه ما فرار نمی کنیم. شما بیائید بگید که آقا جون، شما این را روشن نکردید به طور صریح که ما موافقیم با این طرح به شرط به شرطی که رو هدف های سیاسیش توافق داشته باشیم.

**حمید اشرف:** ... به شرطی که ...

**بهروز ارمغانی:** ... ما گفتیم بیائیم مواضع گروه ... سیاسی مشترک مون را مشخص کنید. این و گفتیم دیگه، دقیقا همین و گفتیم. گفتیم بیاین مواضع سیاسی، چرا، چر می گید همکاری؟  
**تقی شهرام:** ... .. گفتم، ... این رفیق هست اینجا<sup>۲۰</sup>. تو توضیح بده، اگر گفتن، واقعا حق با این رفقااست.

**جواد قائدی:** ... اینطوری نبوده، رفیق!

**بهروز ارمغانی:** ... رفیق، ببین، دقیقا من الان یادم می افته. رفیق صحبت کرد، حتی شما یک جلسه نیم ساعته هم انتراکت خواستید که روش صحبت کنید با هم، یا فکر کنید لااقل. رفیق گفت چرا می گید همکاری؟ نمی دونم، کارهای پیش پا افتاده؟ بیائید رو مواضع ...

**تقی شهرام:** ... خب پس معلومه!

**بهروز ارمغانی:** ... سیاسی مشترک صحبت کنیم. دقیقا همین و گفت. رفیق، الان شاید نوارهاش هم شما داشته باشید.

**تقی شهرام:** ... پس، ما نوارهایی داریم که نمی شد، ما نتونستیم گوش بدیم. نوارهای خیلی ...

**حمید اشرف:** ... نوارهای ما خوبه، مثل اینکه.

**تقی شهرام:** ... نوارهای شما خوبه؟ نوارهای ما خیلی ناجور بود، ما نتونستیم گوشش بدیم.

**حمید اشرف:** ... داریم ما.

**تقی شهرام:** ... خوب حالا به روزی گوش می دیم.

**بهروز ارمغانی:** ... بله، اصلا گفتیم مواضع سیاسی مشترک، چرا همکاری؟ اون وقته که اگر ما موضع سیاسی مشترک اتخاذ کنیم، دیگه فرق اینکه مثلا...

---

۲۵ - اشاره به جلسه مشترک سوم در آذر همان سال (۱۳۵۴) است که رفیق جواد قائدی به همراه رفیق بهرام آرام به عنوان نماینده سازمان شرکت داشت.

**تقی شهرام:** ... ببینید ما ...

**بهروز ارمغانی:** ... یک چیزی شما به ما بدید، ما یک چیزی به شما بدیم، دیگه خیلی روشنه.

**تقی شهرام:** ... حرف شما درسته، ببینید، اگر واقعا، این رفیق اینجا هست، نمی دونم ما باز صحبت می کنیم با رفقا. حرف شما، من فکر می کنم درسته. یعنی الان، این مسئله اگر شما واقعا طرح کردید راجع به مواضع سیاسی، ما باید این کار و بکنیم. یعنی اصلا یه کار نادرستی بوده اگه کسی مثلا می گفته آقا بیا راجع به این بحث نکنیم بریم همین طوری عمل کنیم. این حرف بی خودیه. الان هم ما بخواهیم باهم هر نوع همکاری بخواهیم بکنیم، باید اول مواضع سیاسی مون و مشخص بکنیم.

**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... اول شما باید به ما بگید که، بله شما الان، مسلما، می گید که، مثلا، هنوز موضع شما مثلا تو بیانیه یه جوری هست دیگه، مثلا، اشاره شده. آیا مثلا به سیاسی کارها فلانه. این و ما باید روشن کنیم

**بهروز ارمغانی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... برای شما یا ما اینجا اشتباه کردیم یا توضیح می دیم یا اینکه قبول نمی کنیم، پس وحدتی هم نمی تونیم داشته باشیم.

**بهروز ارمغانی:** ... ببین اگر بخواهید ...

**تقی شهرام:** ... این خیلی مشخصه.

**بهروز ارمغانی:** ... جلسه قبل هم، اگه گوش داده باشید نوارهاش و، وقتی صحبت از این مسئله شد، رفقا گفتند که شما اون موقع از مواضع ضد امپریالیستی با ما برخورد کردید. اصلا هیچوقت صحبت از طبقات و این ها نشد. همه اش ما را تأیید کردید از مواضع ضد امپریالیستی مون. این فقط جوابی بود که رفقا به ما دادند جلسه قبل ...

تقی شهرام: ... فکر کنم این رفیق<sup>۲۶</sup> الان توضیح باید بده.  
بهروز ارمغانی: ... گله مند بودند از این که ما چرا با اونا، با  
رفقا ...

جواد قائدی: ما گله مند؟ ما گله نکردیم رفیق.  
بهروز ارمغانی: ... حالا!

جواد قائدی: گفتیم شما از همین موضع ...  
بهروز ارمغانی: ... حالا انتقاد ...

جواد قائدی: ... نه، اصلا انتقاد هم نکردیم.  
بهروز ارمغانی: ... آها!

جواد قائدی: ... گفتیم شما از همین موضع ما، موضعی که تائید  
می کردید ما را، از همین موضع هم می تونستید با ما برخورد کنید.  
بهروز ارمغانی: ... نه گفتید شما با ما برخورد ... تائید کردید  
مواضع ضدامپریالیستی ما را، حتی به این ترتیب خواستید ...  
تقی شهرام: ... نه.

بهروز ارمغانی: ... بفهمید که ما موضع پرولتری نداریم.

تقی شهرام: ... نه رفیق، من اون یادمه. هم تو نوار هستش،  
اینطوری بودش گویا که، اون رفیق گفته بود که شما عوض اینکه بیائید  
واقعا راجع به مسائلی که خیلی مهمتره اینا بحث کنید، شما گفته  
بودید که آره تو اون جلسه اولیه<sup>۲۷</sup>، یعنی تو جلسه تابستون اوائل چیز  
گفته بودید که آره ما موضع ناسیونالیستی شما را مثلا تائید می  
کنیم.

بهروز ارمغانی: ... تائید می کنیم، آره.

تقی شهرام: ... و یک همچی حرف هایی زده بودید ...  
بهروز ارمغانی: ... درسته دیگه.

---

۲۶ - رفیق جواد قائدی.

۲۷ - منظور دومین جلسه مشترک سال ۱۳۵۴ و پیش از جلسه خرداد ماه، است  
که پیشتر هم به آن اشاره شده است.



تقی شهرام: ... و این حرفی که، یعنی در واقع، به این ترتیب، خیال خودتون و در این، اینطوری انتقاد می شد به شما که شما در سطح باقی موندید. در ...

بهروز ارمغانی: ... در پوسته، درست، ما در سطح باقی موندیم ...  
تقی شهرام: ... آها، اجازه بدید.

بهروز ارمغانی: ... این نظر شماست. نه اجازه بدید رفیق ...

تقی شهرام: ... آها، این حرفی که اون رفیق زده بود.

بهروز ارمغانی: ... من یک نتیجه می خواهم بگیرم.

تقی شهرام: ... بفرما!

بهروز ارمغانی: ... اون هم اینه که، ما با همون برخورد سطحی خودمون، گفتیم بیاید مواضع سیاسی مشترک داشته باشیم.

تقی شهرام: ... شما حرف درست زدید.

بهروز ارمغانی: ... و رفقا گفتند که ...

تقی شهرام: ... ما انتقاد رو قبول می کنیم اگر این طور باشه.

بهروز ارمغانی: ... نه، ما بیاییم به جای اینکه این کار را بکنیم، از

بیرون به درون بریم ...

تقی شهرام: ... نه، نه.

بهروز ارمغانی: ... دقیقا همین و گفتند.

تقی شهرام: ... اگر این باشه، انتقاد و قبول می کنیم ما.

بهروز ارمغانی: ... بله، البته می شه این و نوار اش رو پیاده کرد.

تقی شهرام: ... بله، حرفی نیست، انتقاد شما درسته، ما برای هر

حرکتی اول باید بتونیم مواضع سیاسی مشترک داشته باشیم ...

بهروز ارمغانی: ... مواضع سیاسی مشترک داشته ...

تقی شهرام: ... حرف شما کاملا درسته.

بهروز ارمغانی: ... بعد اقدام بکنیم.

تقی شهرام: ... اقدام بکنیم. کاملا، ما می گیم.

بهروز ارمغانی: ... چون در غیر این صورت ...

**تقی شهرام:** ... ما آدم های انتریکی که نیستیم که بخواهیم بریم فقط کار بکنیم بدون اینکه بدونیم چه کار می کنیم!  
**بهروز ارمغانی:** ... باید بدونیم. در غیر این صورت همکاری هم همکاری نخواهد بود.

**تقی شهرام:** ... نخواهد بود. یه چیز دیه، چیز دلبخواه خواهد بود.  
**بهروز ارمغانی:** ... چون من نمی دونم به چه دلیل دارم به تو این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... بارک الله!

**بهروز ارمغانی:** ... را می گم و یا انبساط می دم...

**تقی شهرام:** ... احسن! حرف شما...

**بهروز ارمغانی:** ... نمی دانم چرا ...

**تقی شهرام:** ... درسته یعنی اگر واقعا این مسئله را شما طرح کردید و رفقای ما توجه نکردند، انتقاد به ما وارده، ما قبول می کنیم.  
**حمید اشرف:** ... بنابراین لازمه که اون نوار ها را رفقا دو مرتبه تجدید برخورد کنند.

**تقی شهرام:** ... ما برخورد می کنیم، باهاش!

**حمید اشرف:** ... چون اتفاقا دفعه پیش، رفقا انتقاد می کردند از برخورد اون دفعه<sup>۲۸</sup>، ما گفتیم برخورد ما عوض نشده، ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ما همون برخورد و داریم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی ما، چیزی تو چند ماه گذشته، فلان، ما همان مواضعی را که اون، تو اون جلسه داشتیم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... جلسه پیش داشتیم، حالش هم داریم. و این نه به خاطر مثلا غرور ...

**تقی شهرام:** ... بله.

---

۲۸ - اشاره به جلسه مشترک اول سال ۱۳۵۴ در خرداد ماه است.

**حمید اشرف:** ... و پافشاریه، به خاطر اصولیه که داریم.  
**تقی شهرام:** ... نه، اتفاقاً آدم رو اصول باید پا فشاری کنه، حالا هر چی هم بهش می خواهند بگن، بگن.  
**حمید اشرف:** ... ما وقتی که طرح می کنیم مثلاً، که آقا، بیائید ما خطوط مشترک سیاسی مون و طرح بکنیم ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... و از برخورد،... من بگم مسئله حزب توده چون رفقا خیلی بحث رو می پیچوندند، و نمی خواستند ...  
**تقی شهرام:** ... نمی خواستند، نگفتند این و، نگفتند که آقا جون ما به دلیل اینکه ...  
**حمید اشرف:** ... بحث خیلی بد شده بود.  
**تقی شهرام:** ... خیلی بد شده بود. واقعا ...  
**حمید اشرف:** ... دفعه قبل و هم این دفعه، به نظر من بحث های امروز ما خیلی خوبه.  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... چرا؟ چون نه سیاست بازی توشه ...  
**تقی شهرام:** ... نه خیر، رک و راست داریم می گیم.  
**حمید اشرف:** ... رک و راست این نظرات داره طرح می شه ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... ته مسئله داره طرح می شه.  
**تقی شهرام:** ... من گفتم اول جلسه، که ما این انتقاد و به اون رفقا گفتیم ...  
**حمید اشرف:** ... برخورد اول ...  
**تقی شهرام:** ... که برخورد دیپلماتیک ...  
**حمید اشرف:** ... دفعه اولش هم پیشنهاد ما همین بود، گفتیم آقا بیایم مسائل و طرح بکنیم مسائل مون و ...  
**تقی شهرام:** ... طرح ... بله.

حمید اشرف: ... حتی این و اگر باور بکنید، ما از آغازش هم همین  
و می خواستیم ...  
تقی شهرام: ... بین رفیق ...  
حمید اشرف: ... که بیاین مسائلی که داریم، هر چی که داریم ...  
تقی شهرام: ... رک بگیم.  
حمید اشرف: ... رک بگیم ...  
تقی شهرام: ... ما این کار را خواهیم کرد ...  
حمید اشرف: ... حلش بکنیم ...  
تقی شهرام: ... ما اینجا خواهیم کرد این کار رو.  
حمید اشرف: ... و تنها چیزی که نتیجه بخش می تونه باشه ...  
تقی شهرام: ... همینه!  
حمید اشرف: ... علیرغم... یعنی الان تمام به اصطلاح بدبینی هایی  
که طرح می شه ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... تو همین جلسه ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... شما می گید که مثلا شما نمی فهمیدین و شما  
می گید شما این طور هستید ...  
تقی شهرام: ... بله به بزار رک بگیم.  
حمید اشرف: ... خیلی اتفاقا گواراتر ...  
تقی شهرام: ... بله، از ...  
حمید اشرف: ... و شیرین تر هست از اون که ما بیائیم بگیم که  
خب، ما که البته شما را تأیید می کنیم، ولی فلان ...  
تقی شهرام: ... فلان، درسته.  
حمید اشرف: ... ولی بیسار.  
تقی شهرام: ... بارک الله!  
حمید اشرف: ... این جور خیلی بهتره ...  
تقی شهرام: ... آفرین!

**حمید اشرف:** ... و نتیجه بخش تر.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ما از اولش هم خواهان همین بودیم. اون موقع هم که خواهان انتقاد بودیم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... دقیقا یک همچین چیزی رو، یعنی می خواستیم بیائیم طرح بکنیم مسائل رو.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... همان موقع، البته ممکن بود که اون موقع ما نتونیم، دستمون باز نباشه واسه ...

**تقی شهرام:** ... بله، واقعا هم همینه درسته.

**حمید اشرف:** ... طرح این چیزها را بگیریم، دستمون بسته تر بود. ولی باز هم هدفمون این بود که مسائل واقعیت هایی که هستش ...

**تقی شهرام:** ... توضیح بدیم.

**حمید اشرف:** ... و ضعف هایی که تو کار وجود داره بیائیم مطرحش بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... ببین! ...

**حمید اشرف:** ... و انگشت بذاریم روش.

**تقی شهرام:** ... راجع به اون حرف شما، ما کاملا موافقیم، اگر که واقعا این مسئله هست، انتقاد به ما وارده. به هیچ وجه ما درصدد این نیستیم که بیائیم یک به اصطلاح وحدتی در مثلا هیچی، اصلا کشکه، یعنی آدم بره، به قول ایشون، بره کار بکنه، بعد هم نفهمه چرا کرده، به چه دلیل، و به چه به اصطلاح، هدفی، این کارها صورت گرفته، این ...

**حمید اشرف:** ... بله، بنابراین، اینکه طرح مسئله فرماندهی مشترک ...

**تقی شهرام:** ... اصلا اونا بی خوده، چیزهای بی خودیه ...

**حمید اشرف:** ... نمی دونم ... و مبادلات نمی دونم ... این ها باید، اتفاقا اون دفعه هم گفتیم به رفقا.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... گفتم اگر ما، همون دفعه، دو دفعه پیش<sup>۲۹</sup>، گفتم اگر ما دقیقا احساس نکنیم که نقاط مشترک داریم، و این رو بهش به نتیجه نرسیده باشیم، هر عهدنامه ای هم با هم ببندیم ...

تقی شهرام: ... هیچ فایده ای نداره.

حمید اشرف: ... اجراش نمی کنیم.

تقی شهرام: ... اجراش نمی کنیم.

حمید اشرف: ... یعنی در عمل اجراش نمی کنیم. چرا؟ چون مرتبا ...

تقی شهرام: ... نقض می شه در عمل.

حمید اشرف: ... نقض می شه در عمل، و عوامل مشکوک کننده و این ها وجود داره.

تقی شهرام: ... بوجود می آره.

حمید اشرف: ... و خود بخود با بهانه هائی از زیرش در این مقطع پس چی؟ جنبه عملی داره قضیه ...

تقی شهرام: ... درسته.

حمید اشرف: ... و تا وحدت سیاسی، مشخص کردن خطوط مشترک ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... این جنبه را می تونست داشته باشه.

تقی شهرام: ... درسته! این کاملا ما، من فکر می کنم که قضیه مشخص کردن خطوط سیاسی، برای این رفقا این طور جلوه گر شده که باید مقدماتا و ابتدا و اساسا روی مثلا حزب توده بوده.

حمید اشرف: ... نه مسئله حزب توده را ...

جواد قائدی: ... نه اصلا خطر همکاری ...

تقی شهرام: ... یعنی اینطوری جلوه گر شده ...

حمید اشرف: ... نه به اصطلاح چیز اش کردیم ...

---

۲۹ - اشاره به جلسه اول در خرداد ماه است.

**تقی شهرام:** ... یعنی برای ما.

**حمید اشرف:** ... برجسته اش کردیم. گفتیم که شما مثلا در مورد همین مورد مشخص.

**تقی شهرام:** ... بین ...

**حمید اشرف:** ... این و رفقا ...

**تقی شهرام:** ... بین ... اصلا بذارید من یه توضیحی بدم. ما واقعا خودمون خودمون و می خوردیم که نمی تونیم جواب این حزب توده را حسابی بدیم. حتی یه مطلبی هم من می تونم در اختیارتون بذارم که ما اون موقع تهیه کرده بودیم برای حزب توده، ولی چون یک موضع مارکسیستی باهاش برخورد شده بود، ما نمی تونستیم این ها را انتشار بدیم.

**جواد قائدی:** ... دقیقا.

**حمید اشرف:** ... ما در اون موقع یک پیشنهادی هم کردیم ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... بعد الانش هم فکر می کنم که خیلی اصولی بود که شما اون کار را می کردید. چون گفتم، شما که احتیاج نداشتید ...

**تقی شهرام:** ... نه که ژست ...

**حمید اشرف:** ... که ژست مارکسیستی بگیرید.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... می خواستید که خودتون و از درون استحاله بدید.

**تقی شهرام:** ... درست، خب.

**حمید اشرف:** ... با توجه به این مسئله، جواب حزب توده را که ما هم خواستیم، چون ما بطور مشخص همون موقع هم که حزب توده اون پیام داد<sup>۲۰</sup>، حساسیت نشون دادیم.

**تقی شهرام:** ... هوم!

---

۳۰ - اشاره به پیام حزب توده ایران به سچفخا در تابستان ۱۳۵۳ و جوابیه سچفخا به آن در فروردین ۱۳۵۴ است. برای اطلاعات بیشتر به زیر نویس ۱۹ مراجعه کنید.

**حمید اشرف:** ... حساسیتی که ما نشون دادیم، از لحاظ رفقا شکل  
دیگه ای تعبیر شد. حتی تو جلسه پیش هم چیز دیگه ای تعبیر شد.  
**تقی شهرام:** ... درست.

**حمید اشرف:** ... و رفقا فکر کردند که ما، از اینکه اتحادهایی به  
دور از ما، در درون به اصطلاح نیروهای مبارز ضد رژیم می خواد به  
وجود بیاد، دچار عذاب هستیم.

**تقی شهرام:** ... نه، اتفاقا ما ...

**حمید اشرف:** ... در حالی که ...

**تقی شهرام:** ... نه!



## فایل ۵

این نوار، ۴۴ دقیقه و ۵۷ ثانیه است.

**حمید اشرف:** ... رفقا داشتند، این دفعه پیش هم این طوری من احساس کردم که فکر می کنند که ما از این مسئله نگرانیم. ولی نمی دونم، و فکر کردم مقاومت رفقا دقیقا به خاطر همین مسئله است که فکر می کنند که نکته چون ما به این مسئله خیلی پافشاری می کنیم، نکته یک چیز مضریه. از اونجا که ما همیشه ...

**تقی شهرام:** ... نه حالا من اتفاقا ...

**حمید اشرف:** ... نقش منفی داریم در مقابل قضایا، هر پیشنهادی که ما بدیم الزاما یک نقطه شری توش هست.

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... حالا تحلیل ها و اینها هم درست باشه، یه طرف ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... به یه طرف ولی باید گشت دید اون مقصود شری که در این خوابیده، چیه؟ ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... برای اینکه در همون موقع، ما این هم نشون دادیم که ما هیچ مقصود شری نداریم. بلکه ما توصیه کردیم که رفقا، شما

بیاین یک پیام بدین ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... بگین آقای حزب توده؛ اصلا اختلاف ایدئولوژیک، من مارکسیستم، تو مذهبی هستی، همه اینها به کنار ...

**تقی شهرام:** ... به کنار ...

**حمید اشرف:** ... ما فقط با کسی می تونیم، وحدت داشته باشیم ...

**تقی شهرام:** ... که بتونه ...

**حمید اشرف:** ... که خط مشی ما را عمل بکنه بهش.

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... اگر این کار را شما بگید و اتفاقا اون رفیق<sup>۱</sup> در همون موقع هم جواب داد که ما هر چه فکر کردیم که حداقل چیزی که، می تونیم به اینها بگیم ...

**تقی شهرام:** ... همینه!

**حمید اشرف:** ... همینه!

**تقی شهرام:** ... حتی ببینید، شما در اینجا اصلا ...

**حمید اشرف:** ... من گفتم، رفقا پس بیاین این حداقل چیز را به اینها بگید. و با توجه به این حداقل چیز که کاملا مثبت و هیچ ضرری به هیچ جا نمی زد.

**تقی شهرام:** ... اصلا باور کنید، ما می خواستیم خیلی از اینها، چیزها بیشتر بگیم یعنی این طرح اصلا بود ...

**حمید اشرف:** ... درسته، ما حالا، شما می تونید این و بگید.

**تقی شهرام:** ... اصلا ما یک تحلیلی داشتیم ...

**حمید اشرف:** ... ولی در حقیقت در ...

**تقی شهرام:** ... ببین، اینها<sup>۲</sup> یک گفتاری داشتند راجع به مسئله چیز، یک تحلیلی داشتند راجع به مسئله شیوه های مبارزه، نمی دانم دارید شما هم یا نه؟ تو رادیو خوندد، بچه ها ضبط کردند، نوشته بودند. بعد یک تحلیل خیلی تمیز می شه از اون تو در آورد. راجع به اینکه مثلا این می آید چه جوری، ... شما هم یک اشاره ای کردید تو این بیانیه تون.

---

۱ - اشاره به رفیق رابط، شهید بهرام آرام است.

۲ - اشاره به حزب توده ایران و گفتاری رادیویی است که از رادیو پیک ایران پخش شد. پیش از این جزوه ۳۳ صفحه ای "چریک های فدایی خلق چه می گویند" در سال ۱۳۵۱، از سلسله برنامه های رادیویی این حزب که توسط ف م جوانشیر (فرج الله میزانی) تهیه شده بود منتشر گردیده بود. مجددا همین جزوه در ۸۰ صفحه با عنوان "چریک هایخلقچه می گویند: بررسی انتقادی جزواتیکهچریک هایخلقنوشتهاند"، در سال ۱۳۵۴ در خارج از کشور، منتشر شد. این کتاب در سال ۱۳۵۸ نیز باز انتشار یافت. برای اطلاعات بیشتر به اینجا مراجعه شود:

<http://www.nosabooks.com/WebUI/Search.aspx?qk=creator&q=%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%8C%20%E2%80%8F%E2%80%AB%D9%81.%D9%85&qts=3&adv=0&rp=1>

**حمید اشرف:** ... عقب موندگی های تاکتیکی شون و نشان می ده ...

**تقی شهرام:** ... خیلی ...

**حمید اشرف:** ... ضعف های ایدئولوژیک شون و نشون می ده.

**تقی شهرام:** ... خیلی مسائل، مثلا می آن پرتقال<sup>۲</sup> را مطرح می کنند، بنگلادش<sup>۳</sup> را مطرح می کنند، نمی دونم فلان جا و فلان جا پاکستان و چیز و ترکیه را هنوز مطرح می کنند، که مثلا بله، اینجا مثلا، نیروهای سوسیالیستی و دمکراتیک حاکم شده اند و بعد این یک، ما یک چیز دیگه هم داشتیم از مال "پونا ماریف"<sup>۴</sup> بود. مال این به اصطلاح، نامزد کمیته مرکزی حزب کمونیست بود، که اخیرا رفت تو حزب کمونیست. از اون به قول معروف جوجه های برزنفه<sup>۶</sup>. این هم یک جزوه ای داده بود بیرون و ترجمه اش را ما داشتیم اخیرا. که تو اون سیاست های شوروی را تو منطقه خاورمیانه تحلیل کرده بود، که اصلا ما باید کمونیست ها رو ول کنیم، بریم سراغ خرده بورژوازی منطقه. اصلا ماهیت حرفش این بود راجع به خاورمیانه، یک جزوه خیلی جالبیه از نظر ما، این و آموزش می دیم راجع به شناخت ماهیت رویزیونیسم. این تحلیل را کرده بود که اصلا ما باید خرده چی و ول کنیم کمونیست ها را ول کنیم، اینها هم فلان اند، بهمان اند. اصلا در

۲ - اشاره به انقلاب پرتغال در سال های ۷۵-۱۹۷۴ (۵۴-۱۳۵۳) که موجب سرنگونی دیکتاتوری در آن کشور شد. یک کودتا در ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ و سپس جنبش مردمی و حضور کمونیست ها تا فروردین ۲۵ آوریل ۱۹۷۵.

[http://en.wikipedia.org/wiki/Carnation\\_Revolution](http://en.wikipedia.org/wiki/Carnation_Revolution)

۴ - اشاره به مبارزات استقلال طلبانه این کشور در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی دارد.

۵ - بوریس نیکولایویچ پوناماریف، (۱۹۹۵-۱۹۰۵) Boris Nikolayevich Ponomarev عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مسئول دفتر جنبش های کمونیستی در سراسر جهان در آن کشور بود. او کتاب تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی را نگاشته و مدت ها از مشاورین ارشد سیاست های خارجی این کشور بود.

[http://en.wikipedia.org/wiki/Boris\\_Ponomarev](http://en.wikipedia.org/wiki/Boris_Ponomarev)

۶ - لئونید الیچ برزنف، (۱۹۸۲-۱۹۰۶) Leonid Ilyich Brezhnev، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبر این کشور، بین ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۲.

<http://en.wikipedia.org/wiki/Brezhnev>

یک چهارچوب های خیلی به اصطلاح پیچیده و واقعا نامردانه ای و بعد بریم سراغ دمکرات های انقلابی و در واقع همون خرده بورژوازی منطقه. بعد، این دقیقا انعکاس داشت با حرف، حرف هایی که اون تو اون بیانیه زده بود، تو اون شیوه های مبارزه می زد با پیامی که به ما داده بود. متوجه هستی چی می خوام بگم؟ یعنی اون در واقع اومده بود، همون سیاست خط مشی رویزیونیستی شوروی را می خواست چکار کنه؟ اینجا پیاده کنه. به اضافه اینکه تو ایران، تضادهایش هم با ایران، با رژیم ایران اوج گرفته بود شوروی و یک مسائلی بوجود اومد راجع به منطقه، که خوب اجبارا این کشونده بود به سمت چی؟ نزدیک شدن به نیروهای اپوزیسیون رژیم. یعنی ما این تحلیل را داشتیم، و حتی یک مقدارش هم آماده کرده بودیم. و مشخصا به اصطلاح گرایش، اصلا تبلیغ به اصطلاح پوچیستی حزب توده برامون مشخص بود، اون کودتا گری و اون به اصطلاح گرایش ضدانقلابی که داره بوجود می آره، و ما حتی اینها آماده بود، نه رفیق ببین، برای ما به هر حال مشخص بود. به قول اون رفیق حداقل حرفی هم که تازه بهش می زدیم، واقعا اون تازه خیلی کم اش بود. ولی ما همه اش مونده بودیم ایم که این قضیه موضع، چون ما در کش و قوس همین قضایا بودیم که از یک موضع مارکسیستی این را عنوان کنیم. و این برخورد کرد، با اینکه اصلا قضایاش هم یک مقدار بعد منتفی شد و ما باز درگیری هایی پیدا کردیم، عملا جز یک، شاید بگیم، یک انتقادی به ما وارد بشه که یک برخورد، مثلا فرض کنید که، فعلا و پیگیرانه ای نسبت به قضیه ما نکردیم، یعنی شاید علت همه این قضایاش این باشه، هیچ چیز دیگه ای نبود. و این هم ما فکر می کنیم که علاوه بر این موضوعی که گرفتیم، این حتما باز هم برخورد خواهیم کرد. یک جزوه مثلا ...

**حمید اشرف:** ... ولی ضمنا یک چیزی هم ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... که می خواستم واست تکرار بکنم، اینه که، شاید رفقا دومرتبه در این مورد هم تجدید، تجدید نظر بکنند.

تقی شهرام: ... کدام مورد؟  
حمید اشرف: ... مورد حزب توده، با توجه به این ارگان تبلیغاتی که  
داره ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... صرفاً یک گربه مرده نیست. یعنی کسی یه که در  
ایدئولوژی نیروهایی که معتقد به مارکسیسم هستند ...

تقی شهرام: ... آها.

حمید اشرف: ... اختلال ایجاد می کنه و اگر چه از نظر عملی ...

تقی شهرام: ... هوم.

حمید اشرف: ... چیزی ممکنه نباشه، حالا ...

تقی شهرام: ... مهمش اینه!

حمید اشرف: ... گروه هاشون شروع به کار هم کردن.

تقی شهرام: ... ها؟

حمید اشرف: ... گروه هاشون تو داخل شروع به کار هم کردن.

تقی شهرام: ... نه، این ها، ما گروه هاشون را هم می شناسیم.  
همه شون دست پلیس اند. یعنی آدم هایی مثلاً دارند، آت و آشغال  
هایی که تو کارخونه کار می کنند، و تماس هم داشتیم باهاشون.  
البته اینها نفهمیدن که با ما تماس دارند. ما حسابی ته و توشون و  
درآوردیم. حزب توده ای اند و از اون ها هستند که مثلاً جلساتشون  
تو عرق خوریه هنوز و نشست هاشون و تو عرق خوری می گذارند  
و ...

**حمید اشرف:** ... مثلا این هایی که نشریه "نوید"<sup>۷</sup> را در میارن، چی؟

**تقی شهرام:** ... ها، کدوم و "نوید" و؟

**حمید اشرف:** ... نوید.

**تقی شهرام:** ... نوید، نه، "نوید" را نمی شناسیم. ا، ولی ...

**حمید اشرف:** ... به هر حال، مسئله اینه که این ها ...

**تقی شهرام:** ... از این کار ها هم می کنند ...

**حمید اشرف:** ... گروه های، چون شعاری که حزب توده می ده، واسه یک عده از روشنفکرهایی که قاطعیت انقلابی ندارند و واقعا نمی خواهند کار کنند، ولی می خواهند ارضاء کنند خودشون و، و باشند فعلا ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... برای این ها یک راهی را پیش می کشه و مطرح می کنه. و بخصوص، یعنی تلاش های سیاسی حزب توده، کم اهمیت نباید تلقی بشه در مرحله کنونی ...

**تقی شهرام:** ... من فکر می کنم که اتفاقا در مرحله کنونی، کم اهمیته.

**حمید اشرف:** ... چرا؟ چون اغتشاش ایجاد می کنه ...

**تقی شهرام:** ... نه، اتفاقا!

**حمید اشرف:** ... یعنی درحقیقت، البته این باز مسئله است که شاید جنبه ...

**تقی شهرام:** ... آها.

---

۷ - ارگان انتشاراتی، جمعی به نام نوید که خود را "سازمان نوید" می نامیدند و از هواداران حزب توده در ایران بودند. این جمع در پاییز سال ۱۳۵۴ اعلام موجودیت کرد و اولین نشریه اش را در دی ماه ۱۳۵۴ و کمی پیش از این گفتگو ها منتشر کرد. این نشریه در ابتدا به صورت فصل نامه بود، بعدها بصورت ماهنامه و هفته نامه هم تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، منتشر می شد. برای اطلاعات بیشتر می توانید به اینجا مراجعه کنید:

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/hezbe\\_toode-navid-navid\\_moarrefi.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/hezbe_toode-navid-navid_moarrefi.pdf)

**حمید اشرف:** ... تعیین کنندگی نداشته باشه ...

**تقی شهرام:** ... البته ...

**حمید اشرف:** ... ولی اخلاص کننده هست.

**تقی شهرام:** ... ببین، به دلیل وجود همین دیکتاتوری و همین شرایط، اتفاقاً حزب توده گربه مرده شده. ولی این گربه مرده می تونه اون موقعی که جنبش یک شرایطی از رشد پیدا کنه، یک موقعی که مثلاً، نیروها گسترش پیدا کنند، یک سری مسائلی از این قبیل مطرح بشه احیاناً، و یک سری نیروهای مارکسیستی مثلاً، نتوانند متحد بشن علیه حزب توده، این، اون موقع باید پنجه هاش باز بشه. ولی الآن، این واقعا هیچ کاری نمی تونه بکنه. الآن ها! الآن نیروئی هیچ در داخل نداره به اون معنا. یعنی نیروی داخلی خیلی ضعیفه.

**حمید اشرف:** ... نه، نیرو داره، ولی نیروهایی که داره ...

**تقی شهرام:** ... آخه ببین!

**حمید اشرف:** ... کار بری ندارند.

**تقی شهرام:** ... آخه ببین، از این نیروها، خوب رژیم هم داره.

**حمید اشرف:** ... واقعیت اینه.

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... یعنی گروه هایی هستند، که در رابطه با حزب توده، چون فعالیت انتشاراتی حزب توده، در داخل ایران هم بد نیست. و ما این را در ارتباطات مختلفی که داریم، می بینیم.

**تقی شهرام:** ... یعنی ببینم، غیر از این "دنیا"<sup>۸</sup> شون، بطور مشخص ...

**حمید اشرف:** ... تمام آثارشون ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... تمام سلسله انتشاراتشون ...

---

۸ - نشریه سیاسی تئوریک حزب توده، که در آن زمان در خارج از کشور منتشر می شد و بیشتر مقالات آن از رادیو پیک ایران بازخوانی می شد. برخی از شماره های آن را در این آدرس می توان یافت:

**تقی شهرام:** ... آخه، اوناش که مثلا کاپیتال و این ها را منتشر کردند، اونا را می گوی؟

**حمید اشرف:** ... نه، به صورت خاص ایران، جزوه هایی منتشر می کنند، روی کاغذهای نازک ...

**تقی شهرام:** ... کاغذ نازک و ریز منتشر می کنند این ها ...

**حمید اشرف:** ... بله. اینها را ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... می فرستند به داخل، و ما الآن از این ور اون ور زیاد می شنویم، در خونه ها می یارن می دن، همراه اوراق تبلیغاتیشون. و کسانی همین گروه ها، همین کارهایی که ماها می کنیم، که در خونه هایی که به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... این نشریه "نوید" چیه توش؟

**حمید اشرف:** ... نشریه نوید هم یک نشریه پلی کپی شده است که درآورده، و هدف خودش را در سرمقاله اش، مبارزه با انحرافات در درون جنبش ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... قرار داده، که همون مساله خط مشی مسلحانه و این ها رو ...

**تقی شهرام:** ... ببین، فکر نمی کنی مثلا، گاهی اوقات اینها از طرف خود پلیس داده بشه؟



**حمید اشرف:** ... خب، این احتمال هست. یعنی ما این را نفی نمی کنیم که پلیس می تونه فعالیت ها را تا یک حدودی، حداقل سکوت کنه در مقابلش، یعنی اگر بشناسدش هم، سکوت کنه، چون ضد مبارزه مسلحانه است و این به نفع شونه ...

**تقی شهرام:** ... اصلا ما خبرهایی داریم، اون ستارزاده<sup>۹</sup> نیست؟ این و آزادش کردن، این مجددا گروه تشکیل داده، کار می کنه. اون ستارزاده معروف نیست؟

**حمید اشرف:** ... مال "ساکا".

**تقی شهرام:** ... آها. این همون فریدون پسرش، هم خود باباها، این ناکسا مجددا گروه تشکیل دادن، دارن از این کارها می کنند. یعنی همین کار ضد مبارزه مسلحانه می کنند. یعنی این ها، حتی از نظر پلیس، یعنی کاملا هدایت دارند می شن، یعنی در واقع نقش دو مرتبه، یه جور دیگه شهریاری<sup>۱۰</sup> دارند ایفا می کنند. و این خبرها تقریبا موثقه.

**حمید اشرف:** ... مال "نوید" و اینا ...

**تقی شهرام:** ... احتمالا همین هست ...

---

۹ - حمید ستارزاده، از بنیانگذاران سازمان انقلابی کارگران ایران (ساکا) بود که در اواخر دهه ۱۳۴۰ از مبارزه دست کشید. در اوایل فروردین ۱۳۵۰ دستگیر و در برابر آزادی خود و دو پسرش پس از یک هفته، به همکاری با ساواک پرداخت و موجب لو رفتن افراد بسیاری شد. مبارز درگذشته، آلبرت سهرابیان در کتاب خاطراتش به تفصیل آن را شرح داده است. سهرابیان، آلبرت، "خاطرات آلبرت سهرابیان: برگی از جنبش کارگری کمونیستی ایران"، نشر بیدار، ۲۰۰۰، ۳۱۴ صص. همچنین در این وب سایت:

[nashrebidar.com/gunagun/ketabha/albert.sorabiyani/tasis%20saka.htm](http://nashrebidar.com/gunagun/ketabha/albert.sorabiyani/tasis%20saka.htm)

۱۰ - عباسعلی شهریاری نژاد معروف به مرد هزار چهره، که با همکاری ساواک به درون محافل روشنفکری و ضد رژیم رفته و آنها را تحویل ساواک می داد، وی در ۱۴ اسفند ۱۳۵۳ توسط سچفا اعدام انقلابی شد. همچنین مراجعه شود به کتاب "سازماندهی و تاکتیک ها" از مجاهدین خلق.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/Sazmandehi-Va-Taktikha.pdf>

**حمید اشرف:** ... هم ممکنه همین جریانات و جنبه هائی را داشته باشند ...

**تقی شهرام:** ... احتمالا ممکنه، همین باشه.

**حمید اشرف:** ... و با توجه به این که این ها یک رادیو دارند.

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و ما نقش رادیو را در به اصطلاح سمت گیری نیروها کاملا دیدیم، و می دونیم که چقدر زیاده ...

**تقی شهرام:** ... ببینم شما، میون کلامتون. اخیرا خبر داری راجع به نتیجه رادیو که مثل اینکه منتفی شده؟

**حمید اشرف:** ... یعنی، ا، کدوم رادیو؟

**تقی شهرام:** ... فعالیت هایی که رفقا داشتند تو خارج، می دونی؟

**حمید اشرف:** ... به شکست منجر شده؟

**تقی شهرام:** ... آها، خبرشو دارین؟

**حمید اشرف:** ... والله، آخرین خبرهایی که داریم این بوده که به زودی می شه.

**تقی شهرام:** ... آها، همون، ما هم داشتیم. اما آخرین خبر اینکه که مثل اینکه، یعنی بعد از اون ملاقاتی که داشتند با اون طرف، که نمی دونم حتما خبرش را حتما دارید، هم رفقای شما، هم رفقای ما<sup>۱۱</sup>.  
**حمید اشرف:** ... خب.

**تقی شهرام:** ... می دونید، دیگه؟

**حمید اشرف:** ... طرفی که از ...

**تقی شهرام:** ... رئیس جمهور، دیگه.

---

۱۱ - اشاره به گفتگوی رفقا، علیرضا سپاسی آشتیانی از مجاهدین م. ل و محمد حرمتی پور از سچفخا با رییس جمهور یمن جنوبی، "سالم ربیع علی" در پاییز ۱۳۵۴ است، درباره سیاست های منطقه و کمک های احتمالی از سوی یمن جنوبی به این دو سازمان. شرح مختصری از آن در مقاله ای از تراب حق شناس با نام "علیرضا سپاسی یادی از رفیق" آمده است. در این مقاله تراب حق شناس به سال ۱۳۵۵ اشاره می کند، اما همین گفتگوها که متنش را می خوانید، در اسفند ۱۳۵۴، انجام گرفت. مقاله رفیق را می توانید در لینک زیر ببینید.

<http://peykar.org/articles/645-sepasi.html?showall=1>

حمید اشرف: ... ظفار و این ها ...

تقی شهرام: ... نه!

حمید اشرف: ... می دونم ...

تقی شهرام: ... آها.

حمید اشرف: ... مال یمن.

تقی شهرام: ... یمن، و بعد از اون، که موافقت کرده بود و این ها، مثل اینکه منتفی شد. این هم یک خبره، مثل این که این اواخر داده بودند.

حمید اشرف: ... که موافقت نشده؟

تقی شهرام: ... مثل این که منتفی شده، نداده بودند.

حمید اشرف: ... گویا می خواستند یک رادیوی دیگه ای از جای دیگه ای تهیه کنند. که گویا زمینه هاش هنوز هست.

تقی شهرام: ... آها، جایه؟ لیبی اینا؟

حمید اشرف: ... آره،

تقی شهرام: ... هوم.

حمید اشرف: ... که در اون زمینه، تا چه حد موفق بشن، معلوم نیست.

تقی شهرام: ... حالا اون هم اطلاع زیادی الان ندارم. اما اینش منتفی شده. به هرحال، می گفتید. یعنی ببینید، این رادیو، شما بهش اهمیت زیادی می دین؟ یعنی فکر می کنید واقعا مؤثره؟

حمید اشرف: ... رادیو مؤثره، چون ما عملا، برخورد داریم باهاش.

تقی شهرام: ... خب ما الان هم می توانیم ...

حمید اشرف: ... یعنی در محیط هایی که، چون تبلیغاتی که جنبش مسلحانه می کنه ...

تقی شهرام: ... هوم.

حمید اشرف: ... خیلی محدوده.

تقی شهرام: ... هوم.

**حمید اشرف:** ... محدودیتش، یعنی اگر بخواهیم مقایسه کنیم، در مقابل یک رادیو، البته آن موقعی که جنبش مسلحانه از طریق رادیو میهن پرستان تبلیغات می کرد، رادیو پیک<sup>۱۲</sup> را خفه کرده بود. و اصلاً رادیو پیک را کسی نمی گرفت. حتی رادیو بغداد وقتی بود، رادیو پیک را کسی نمی گرفت. ولی وقتی این جریانات خاموش شد<sup>۱۳</sup>، واسه مردم، ما چقدر در این رشته فعالیت می کردیم؟

**تقی شهرام:** ... خیلی کم.

**حمید اشرف:** ... خیلی کم، و مردم، کسانی که نیروهای سیاسی، واسه شون دنیائی همون رادیوهه. تو همون فحش دادن به شاه، واسه شون کلی مسئله است. رضایشون می کنه، می گیرن گوش می کنند، و درضمن زهر تبلیغات اپورتونیستی اون ها هم ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

---

۱۲ - رادیو حزب توده ایران در تبعید که از سال ۱۳۳۷ در برلین آغاز به کار کرد و پس از مدت کوتاهی به صوفیه پایتخت بلغارستان منتقل شد. این رادیو سرانجام در پی معامله اقتصادی بین دولت ایران و بلغارستان در اواسط سال ۱۳۵۵، خاموش شد. در دوران پایانی این رادیو ف م جوانشیر (فرج الله میزایی) سردبیر آن بود. در این رادیو از جمله گفتارهای تحلیلی حزب توده نیز پخش می شد.

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/dez-2005/radio-peikiran.html>

۱۳ - در مورد رادیوها در خارج از کشور، در مقدمه باختر امروز (برگی از تاریخ) آمده است: "همکاری بین سازمان مجاهدین (بخش خارج کشور...) و جبهه ملی طی آن سال ها ابعاد دیگری هم داشت از جمله اداره مشترک سه رادیو به ترتیب زمانی: "صدای انقلابیون ایران"، "رادیو میهن پرستان" و "رادیو سروش" که هر سه به خوبی در ایران شنیده می شدند".

<http://peykarandees.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/Bargi-az-tarikh.pdf>

این رادیوها پس از امضای قرارداد شش مارچ ۱۹۷۵ برابر با ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ شاه با حکومت عراق و پایان خصومت های منطقه ای آنها، در اوایل سال ۱۳۵۴، بر چیده شد. رادیو های جدید سپس از عدن (در اختیار مجاهدین) و لیبی (در اختیار سچفخا) پخش می شد. بخش فارسی رادیو بغداد که در زمان اختلاف بین دو کشور، به افشاگری علیه رژیم ایران می پرداخت ربطی به رادیوهای یاد شده نداشت.

**حمید اشرف:** ... به کام مردم ریخته می شه. و در شرایطی که اون ها میان به اصطلاح، گروه ها را هم به بازی می گیرند با پیام های خودشون، چون واقعیت اینه، که حزب توده یعنی این، اصلا نوعی به بازی گرفته ...

**تقی شهرام:** ... بله، می دونیم ...

**حمید اشرف:** ... با پیام های متعددی که می دن. مثلا راجع به بیانیه "اعلام مواضع" هم موضع گیری کردن.<sup>۱۴</sup>

**تقی شهرام:** ... چی گفتن؟

**حمید اشرف:** ... چیز کردن پیام دادن که ما قبول داریم و ...

**تقی شهرام:** ... !؟

**حمید اشرف:** ... تایید می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... حرکت شما را تایید می کنیم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و به مارکسیسم رسیدید. و این کمک می کنه که خط صحیحی را که ما توصیه می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... بپیمائید، مثلا.

**حمید اشرف:** ... ها به این معنی که ...

**تقی شهرام:** ... بارک الله!

**حمید اشرف:** ... هنوز نرسیدید، ولی می رسید.

**تقی شهرام:** ... بله.

---

۱۴ - احتمالا اشاره به مقاله ای در یکی از شماره های نشریه "به سوی حزب" از تشکیلات داخل کشور حزب توده ایران، با عنوان "بررسی انتقادی مواضع جدید انشعاب کنندگان سازمان مجاهدین خلق ایران" است. نشریه "به سوی حزب"، تا اوایل سال ۱۳۵۷ در ۱۲ شماره منتشر شد. در اینجا به آن اشاره شده است:

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/hezbe\\_toode-navid-navid\\_moarrefi.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/hezbe_toode-navid-navid_moarrefi.pdf)

**حمید اشرف:** ... یعنی، و این در رابطه با اینکه، پارسال هم اون پیام<sup>۱</sup> را داد، کسایی که فقط شاهد همین پیام ها هستند ...

**تقی شهرام:** ... ممکنه واقعا این ها با هم تداعی بکنه، بگه که ...

**حمید اشرف:** ... تداعی می کنند ...

**تقی شهرام:** ... بله ...

**حمید اشرف:** ... ماماشات می کنند ...

**تقی شهرام:** ... و هم یک جریان غلط ایجاد کنه، متوجه شدم.

**حمید اشرف:** ... و از نام مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... یک سمبلی می سازند برای کوبیدن جنبش مسلحانه.

**حمید اشرف:** ... در حقیقت سو استفاده می شه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و استفاده می شه برای کوبیدن جنبش مسلحانه.

**تقی شهرام:** ... متوجه ام.

**حمید اشرف:** ... و اون چیزی که ما چون که ما تا به حال طی می کردیم و حالا تقریبا ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... بهش رسیدیم، یعنی مرحله استراتژیک اول جنبش ما ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که تثبیت جنبش مسلحانه بوده ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... یه مقدار به همین مسائل مربوط می شد ...

**تقی شهرام:** ... درست.

---

۱۵ - اشاره به پیام حزب توده ایران به سچفا در تابستان ۱۳۵۳ و جواب سچفا در فروردین ۱۳۵۴ در کتاب "اعدام انقلابی عباس شهریاری ..." به آنها است. به زیر نویس ۱۹ از نوار چهارم مراجعه شود.

**حمید اشرف:** ... و اگر ما در مقابل این جریان‌ها حساسیت داشتیم،  
رفقا باید توجه کنند که به خاطر اصولون بوده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و جنبه های خودخواهی گروهی و نمی دونم  
ناراحتی از تشکیل وحدت های دیگه و اینها رو در بر نداشته، و این  
مقدار ...

**تقی شهرام:** ... بله، البته ما این تصور را نمی کردیم، ...

**جواد قائدی:** ... چنین استنباطی هم اصلا وجود نداشت.

**تقی شهرام:** ... اینکه مثلا شما احیانا؛ می دونید، مثلا ما تصور  
داشتیم مثلا حالا شما چون خودتون حالا موضعی دارید، یا موضعی  
گرفتید، حالا حتما دارید ما را هم تو امپاس قرار می دید تا، و هر  
کی هزار تا کار ریخته سر ما، این یه مسئله ای که زیاد هم مهم  
نیست، و اصلا مساله ای به اون معنا نیست. ما در یک فرصت یه  
خورده راحت تری که این موضع را خواهیم گرفت، بیایید حتما این کار  
را بکنید، و همه کارها را مشروط کردید به این مسئله که گفتیم دفعه  
قبل هم گفتیم ...

**حمید اشرف:** ... نه، اصلا، اون پیام ساده را شما ...

**تقی شهرام:** ... آخه ما نمی خواستیم ...

**حمید اشرف:** ... در خارج از کشور حداقل، چون تو یکی از بخش  
های تبلیغاتی جنبش در خارج از کشوره.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی همین انتشاراتی که در خارج از کشور می  
شه، ...

**تقی شهرام:** ... هوم ...

**حمید اشرف:** ... شاید اهمیتش کمتر از انتشارات زیرزمینی که در  
داخل می شه، نداشته باشه ...

**تقی شهرام:** ... دقیقا.

**حمید اشرف:** ... چون مثلا اگر در داخل یک جزوه ای مثلا ۵۰۰ تا  
پخش بشه ...

تقی شهرام: ... در خارج مثلا ...  
حمید اشرف: ... و در خارج مثلا ۵ هزار تا چاپ بشه،  
تقی شهرام: ... اصلا همون ۵۰۰ تا که چاپ می شه، به اندازه ده  
هزار تا تأثیر داره.  
حمید اشرف: ... آره، ولی در خارج هم اگر ۵ هزار تا جزوه چاپ  
بشه، حدودا ۵۰۰ ، ۴۰۰ تا ش ممکنه به داخل نشط کنه.  
تقی شهرام: ... هوم.  
حمید اشرف: ... یعنی این هم هست.  
تقی شهرام: ...؟!  
حمید اشرف: ... با توجه ...  
تقی شهرام: ... می آرَن دیگه! بله.  
حمید اشرف: ... به این مسئله، اگر شما در همون نشریاتی که به  
اسم مجاهد در می آمد و بعد شماره ششمش<sup>۱۶</sup> هم ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... با مواضع جدید در اومده ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... همون پیام کوتاه<sup>۱۷</sup> را بعد از بیانیه در می  
آوردید ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... مقصود ما عملی بود، ...

---

۱۶ - در اینجا رفیق حمید اشرف احتمالا شماره نشریه را اشتباه می کند و منظورش شماره پنجم نشریه مجاهد (ارگان خارج از کشور سازمان مجاهدین خلق ایران) است که در خرداد ۱۳۵۴ و چند ما پیش از انتشار بیانیه منتشر شد. شماره شش در مرداد ماه ۱۳۵۵ و پس از شهادت رفیق حمید اشرف در خارج از کشور منتشر شد.

۱۷ - اشاره به مقاله ای است با عنوان: "درباره ضرورت وحدت و برخی از مسایل جنبش مسلحانه و اعلامیه کمیته هماهنگی انقلابی آمریکای لاتین"، که در شماره پنجم در خرداد ماه ۱۳۵۴ منتشر شد. این نشریه را در اینجا ببایید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/Mojahed-5.pdf>



تقی شهرام: ... البته ببینید ...

حمید اشرف: ... یعنی ما چیزی بیش از این نمی خواستیم.

تقی شهرام: ... البته ببینید ...

حمید اشرف: ... و آتش هم ...

تقی شهرام: ... ما توجیه نبودیم راجع به این مسئله که شما راجع به جنبش مسلحانه و ارتباطش و اینا، چون این هم بعدا، بخصوص بعد از جریان مسئله ایدئولوژیک، ممکنه اصلا مسئله ای بشه حتی. یعنی من متوجه هستم اون چیزی که می گین شما. یعنی مسئله این که واقعا، اینها بگن خوب، همون طور که شما رسیدید به پروسه مثلا مارکسیست شدن، طی کردید، به مارکسیسم، همین طور هم، در ادامه همین، پروسه را ادامه بدید، می رسید به نفی مبارزه مسلحانه! یعنی اینا می خوان یک همچین قیاسی را اینجا بول بگیرند.

حمید اشرف: ... اونها یک همچین قیاسی را بول می گیرند ...

تقی شهرام: ... هوم.

حمید اشرف: ... اون موقع اش هم به شکل دیگه ای بول گرفتند. به نظر من یک مقدار هم چیز ایجاد کردند.

تقی شهرام: ... کجا؟

حمید اشرف: ... بهره برداری ...

تقی شهرام: ... کجا؟

حمید اشرف: ... کار خودشون در حد خودشون کردند. همون پیامی که پارسال فرستادند ...

تقی شهرام: ... آره.

حمید اشرف: ... چون عملا حزب توده با همین رادیوی خودش و با همین انتشارات خودش، فعالیت های تبلیغاتی شو داره گسترش می

ده ...

تقی شهرام: ... بله

حمید اشرف: ... و این جریانها کاملا خطرناکی هست.

تقی شهرام: ... یعنی شما به این خیلی اهمیت می دید؟

**حمید اشرف:** ... این می تونه سوسیالیزم پلیسی را در ایران ایجاد بکنه، که در آینده خطرناکه، حالا اگر حالا چیزی نباشه ...

**تقی شهرام:** ... درسته، من ...

**حمید اشرف:** ... یعنی

**تقی شهرام:** ... معتقدم الآن چیزی نیست. ولی آینده خطرناکه.

**حمید اشرف:** ... و این می تونه، و از همین حالا هم باید نوکش و چید.

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... و تلاش ما هم از حالا کما اینکه، مثلا همین چیزی که ما دادیم،...

**تقی شهرام:** ... در رابطه با، ... بله.

**حمید اشرف:** ... جزوه ای که ما منتشر کردیم<sup>۱۸</sup> و تو تابستون هم در واقع این کار را با قاطعیت می خواهیم ادامه بدیم ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به رفقا هم توضیح دادیم که با اینکه مسئله حزب توده الآن ...

**تقی شهرام:** ... واقعا مسئله ای نیست.

**حمید اشرف:** ... مسئله روز مره مهمی نیست، ولی ...

**تقی شهرام:** ... حتی مثلا رفیق هم گفته بابا هر گروهی تو خارج، واقعا فحش می دن. شما تو همین نشریات خارج، همه اش فحشه که می بینید ...

**حمید اشرف:** ... نه آخه فرق می کنه رفیق ...

---

۱۸ - جزوه ای که در رابطه با اعدام انقلابی عباس شهریاری در فروردین ۱۳۵۴ منتشر شد. برای توضیح بیشتر به زیر نویس شماره ۱۹ از نوار چهارم مراجعه کنید. در صفحه ۷۴ این جزوه، سچفا، اعلام کرده بود که: "تا قبل از کودتای مرداد ۱۳۳۲، حزب توده، حزب طبقه کارگر ایران بود". همچنین دو صفحه پیشتر با توهم نوشته بودند که: "در حول و حوش کمیته مرکزی حزب توده و سایر سازمان های انقلابی مشابه، عناصر صادقی وجود دارند که هنوز بسیاری از مسائل برایشان حل نشده است و ناآگاهانه به دنبال این سازمان ها روانند."

**تقی شهرام:** ... درسته، از چه موضعی؟ این حرف کاملاً صحیحه!  
**حمید اشرف:** ... آره، از چه موضعی حمله می کنن ...  
**تقی شهرام:** ... درسته، کاملاً درسته.  
**حمید اشرف:** ... اون ها خودشون هم ...  
**تقی شهرام:** ... توفان<sup>۱۹</sup> خودش، به قول معروف، سگ زرد برادر شغاله.

**حمید اشرف:** ... آها.  
**تقی شهرام:** ... احمد قاسمی<sup>۲۰</sup> خودش بدتر از نمی دونم رادمشه<sup>۲۱</sup>،  
اون یکی بدتر از اونه. اینها این وقت که به هم، به قول معروف، می  
پرن، هیچ چیزی را ثابت نمی کنه. هیچ حقیقتی روشن نمی شه.

---

۱۹ - اشاره رفیق شهرام در زمان این گفتگو ها، به گروهی است از انشعابیون از حزب توده و طرفدار خط مشی چین و در مخالفت با سیاست های اتحاد شوروی. این گروه در ابتدا در جلسه ای در اردیبهشت ۱۳۴۳ در مونیخ بوجود آمد. در اولین کنفرانس خود در آذرماه ۱۳۴۳ با نام "سازمان انقلابی حزب توده ایران" اعلام وجود کرد. سه تن از رهبران قدیمی حزب توده که به این سازمان پیوسته بودند، پس از اخراج از این سازمان در اوایل سال ۱۳۴۶ با "سازمان مارکسیست لنینیست توفان" که کمی پیشتر تشکیل شده بود، وحدت کردند، که نشریه ای به همین نام ارگان بیرونی اش بود. این گروه سپس در اواسط دهه ۱۳۵۰ به حزب کار ایران تغییر نام داد و اولین کنگره آن در ۱۳۵۶ تشکیل شد.

۲۰ - احمد قاسمی (۱۳۵۲-۱۲۹۶) از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران در خارج از کشور بود که به اتفاق دو عضو دیگر کمیته مرکزی این حزب، غلامحسین فروتن و عباس سغایی در اعتراض به سیاست های حزب توده ایران و دنباله روی از راه و روش اتحاد شوروی پس از استالین، از آن حزب در سال ۱۳۴۴ جدا شدند. وی به همراه آن دو نفر دیگر در آذر ماه ۱۳۴۴ به "سازمان انقلابی حزب توده ایران" پیوست. آنها در آذر ماه ۱۳۴۵ از این سازمان اخراج شدند و به همراه گروه دیگری در اوایل سال ۱۳۴۶ سازمان مارکسیست لنینیستی توفان را بنیان نهادند. احمد قاسمی در بهمن ماه ۱۳۵۲ در خارج از کشور درگذشت.

[http://www.toufan.org/Lohe\\_janbasan.htm](http://www.toufan.org/Lohe_janbasan.htm)

۲۱ - رضا رادمش (۱۳۶۳ - ۱۲۸۴) از گروه ۵۳ نفر و از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران و دبیر اول این حزب در تبعید تا سال ۱۳۴۹ بود. در زمان این گفتگو ها، وی به کار علمی در دانشگاه های آلمان شرقی مشغول بود.

[http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%B6%D8%A7\\_%D8%B1%D8%A7%D8%AF%D9%85%D9%86%D8%B4](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%B6%D8%A7_%D8%B1%D8%A7%D8%AF%D9%85%D9%86%D8%B4)

**حمید اشرف:** ... در نتیجه و به خاطر همین مسئله هم، ما این جزوه را منتشرش کردیم ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... که حداقل پاسخ مون و برای همیشه داده باشیم به موضوع.

**تقی شهرام:** ... البته من حالا، بعد بحث می کنم، که شما، در اون جزوه، برا من، درسته خیلی جاها مثلا فرض کن، برخوردهای تندی هم داشتید. ولی یک چیزایی را هم باز گذاشتید. حالا بعد اون و بحث می کنیم.

**حمید اشرف:** ... حالا، خیلی مشخص، همون که گفتیم که این انتقاد هم شده ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... که گفتیم که چریک هاتون و بفرستید داخل.  
**تقی شهرام:** ... ها اصلا، کلا اصلا، شما اونجا، می دونی، یه برخورد نکردید اصلا، که شما نمی تونید، یعنی اصلا ماهیت شما چنین اجازه ای را نمی ده مثلا شما اونجا صحبت کردین از ...  
**حمید اشرف:** ... خب ما ...

**تقی شهرام:** ... یا مثلا صحبت از مثلا چیز کردید، کارهایی می کنید مثل "کاپیتال"<sup>۲۲</sup>، درحالی که مثلا این یارو مرتیکه، کسی که این و چاپ کرده، "ایرج اسکندری"<sup>۲۳</sup>، خودش رهبرشونه مثلا، یا شما

---

۲۲ - اشاره به کتاب کاپیتال اثر کارل مارکس با اولین ترجمه آن به زبان فارسی توسط ایرج اسکندری در سال ۱۳۵۲ و انتشار آن بوسیله حزب توده ایران در آلمان است.

۲۳ - ایرج میرزا اسکندری (۱۳۶۴-۱۲۸۷)، از افراد گروه ۵۳ نفر، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و همچنین دبیر اول این حزب از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ بود. وی برای اولین بار ترجمه فارسی جلد اول کتاب کاپیتال را در سال ۱۳۵۲ در آلمان منتشر کرد.

<http://www.tarikhirani.ir/fa/events/3/EventsList//%D9%88%D9%82%D8%A7%DB%8C%D8%B9.%D9%88.%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%A7.html?Page=&Lang=fa&EventsId=281&Action=EventsDetail>

گفتید بعضی از عناصر مساعد تون، درحالیکه ایرج اسکندری، خودتون می شناسید کیه دیگه، پسر همون اسکندریه!<sup>۲۴</sup>

**حمید اشرف:** ... ولی خوب، ما تایید می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه یه مسئله است، چی رو؟ ...

**حمید اشرف:** ... ما ترجمه هاشون ...

**تقی شهرام:** ... شما می گید، اون عناصر بهترشون ایرج اسکندری کسیه که ...

**حمید اشرف:** ... نه، ما نگفتیم عناصر بهترشون.

**تقی شهرام:** ... حتی ...

**حمید اشرف:** ... ما گفتیم در بین اینها یک عده روشنفکر هست ...

**تقی شهرام:** ... آخه خود ...

**حمید اشرف:** ... که دارای ...

**تقی شهرام:** ... ایرج اسکندری اصلی ترین رهبرشونه، کسی که به قول معروف تو قمارخونه های پاریس پوکر می زنه. همه می شناسنش اصلا. یعنی این آدم اصلا، آشغال ترین آدمه.

**حمید اشرف:** ... این باشه، ما حتی این آشغال ترین آدم را هم ...

**تقی شهرام:** ... آخه ... ش ش ش!

**حمید اشرف:** ... اگر صرفا بشینه آثار مارکسیستی را ترجمه بکنه ...

**تقی شهرام:** ...، [می خندد] نمی کنه این کارو.

**حمید اشرف:** ... و پخش بکنه، تایید، این کارش و تایید می کنیم، چون به گسترش مارکسیسم کمک می کنه.

**تقی شهرام:** ... درست، حرف شما درست ...

۲۴ - یحیی میرزا اسکندری (۱۲۸۸-۱۲۴۰)، پدر ایرج میرزا اسکندری از شاهزادگان قاجار هوادار مشروطه بود که پس از به توپ بسته شدن مجلس و دستگیری مشروطه خواهان، مدتی در زندان باغشاه زندانی بود و اندکی پس از آزادی، به سبب تحمل سختی های زندان، دوران محمد علی شاه، درگذشت. برادر وی سلیمان میرزا اسکندری (۱۳۲۲-۱۲۴۲) اولین دبیرکل حزب توده ایران بود. از منبع شماره ۲۳ استفاده شده است.

**حمید اشرف:** ... ولیکن موضع سیاسی گفتیم نگیر، بشین تو ترجمه ات و بکن، کتابت و پخش کن.

**تقی شهرام:** ... آخه شما می دونید، یه برخورد، حالا، اون هم بعد بحث می کنیم. اگه وارد بحث های دیگه شدیم، اونجا ما می گیم مثلا به نظر ما بهتر بود که برخورد مثلا، اگه ما بودیم چه جوری برخورد می کردیم. خب بگذریم از اون. ... بعد، به هرحال، اینها ملاحظات ما بود در مورد این مسئله، ما، آینده هم قبول داریم، اگر واقعا این مسئله که شما مطرح می کنید، راجع به مسئله چیز مطرح هست، مسئله ... ا می رسید به این نقطه و این حرف ها. همچی چیزی را، گفته بودن، ولی من نمی دونم، من نشنیدم که، شنیده بودم مثل اینکه حرف هایی زده حزب توده و این ها ولی من نمی دونستم که این چنین مثلا، نتیجه گیری ممکنه بشه. ما الان هم حاضریم، حتما برخورد می کنیم.

**حمید اشرف:** ... فقط در رابطه با چیزهایی که قبلا گفته و موضع گیری ای که شما نکردین،

**تقی شهرام:** ... ما حتما این موضع گیری را می کنیم، اگر موضع گیری را کردیم تو این چیزها ...

**حمید اشرف:** ... این خیلی مهمه ...

**تقی شهرام:** ... تو این بیانیه<sup>۲۰</sup>، دیگه آخه ما، از این روشن تر، دیگه در یک جمله به هر حال گفته شده، یعنی، این خیلی آدم، باید وقاحت داشته باشه برگرده مثلا ...

---

۲۵ - در فصل اول "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک ... مطالب بسیاری در افشا ماهیت حزب توده ایران آمده است، به عنوان مثال در صفحه ۲۸ نسخه اینترنتی آن چنین آمده است: "اما تاریخ به هر حال و در مجموع، حرکتی رو به عقب ندارد. بدین قرار، حزب توده شجره خبیثه ای! در میدان مبارزه خلق بود که دیگر نه تنها حیات رو به رشد جنبش در زیر ساق و برگ مسموم آن امکان نداشت، بلکه طبیعت انقلابی همین جنبش حکم به نابودی آن می داد."

**بهروز ارمغانی:** ... ببینید، مثلا بعد از اون پخش بیانیه تون هم اونا پیامشون و پخش می کنند. پیامی که دادن مثلا پارسال ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... اونا الآن هم مثلا دارن پخش می کنند. اگر مثلا دو تا جزوه می خوان پخش کنن، اون هم می گذارن جزوش پخش می کنند.

**تقی شهرام:** ... بله، خب، واقعا بشینیم چاره جویی کنیم. ببینید، ما مثلا تصمیم داشتیم، یه جزوه ای دادن اینا "چریک های خلق چه می گویند؟"<sup>۲۶</sup> مثلا ما تصمیم داشتیم این و نقد کنیم و منتشرش بکنیم. یعنی جواب اینا را بدیم. دقت می کنید؟ یعنی واقعا این برنامه ها را حالا اگه روشن کردیم، رسیدیم به یک خطوط مشترکی، اینا را می تونیم بذاریم مشترکا هم عمل کنیم. یعنی ما اصلا موافقیم. حتی اصلا این کار و ما داشتیم به، همین مسائل ایدئولوژیک، ما خیلی از کارهای سیاسیمون به دلیل همین مسائل، در واقع یک مقدار عقب افتاد. یعنی همین اونجا مثلا وعده داده شده، تو یکی از همین بیانیه ها، رویزیونیسمه، کدوم یکیه، مثلا این برخورد می کنیم با این جزوه مثلا "چریک های خلق"، یک چیزهایی هم هست، یادداشت هایی شده.<sup>۲۷</sup> خیلی حرف های مثلا، ظاهرا خواستن مثلا برخورد تنوریکی

---

۲۶ - مجموعه گفتارهای "رادیو پیک ایران"، با عنوان "چریک های فدائی خلق چه می گویند؟" که در ابتدا در حدود ۳۰ صفحه، در سال ۱۳۵۱ در خارج از کشور به صورت کتابچه و سپس در چند سال بعد در ۸۰ صفحه منتشر شد. به زیر نویس ۲ مراجعه شود.

۲۷ - اشاره به زیرنویس مقاله "انقلاب پرولتری و رویزیونیسم خروشچفی" است که در فصل ضمیمه ها در کتاب بیانیه آمده است. این مطلب در صفحه ۹۱ چاپ اینترنتی این بیانیه بدین صورت منتشر شده است: "نشریاتی از قبیل "چریک های خلق چه می گویند؟" و "شیوه های مبارزه" از انتشارات حزب توده و وابستگان داخلی و خارجی آنها و یا همچنین ناله های محتضرانه گروه های دیگر اپورتونیستی داخل مبنی بر "آماده نبودن شرایط برای مبارزه مسلحانه"، محدود کردن مبارزه خلق و طبقات زحمتکش به مبارزه فرهنگی و تنوری بالا بردن آگاهی خلق توسط تبلیغات سیاسی (نوع اکونونیستی) و یا حداکثر خط مشی "کار آرام! سازماندهی نیروها" و ... از همین قبیل تفکرات رویزیونیستی مایه می گیرد. ما بعدا در فرصت دیگری به بررسی و تحلیل

بکنند، ولی خب، خیلی جای حرف داره. می شه اینا را تو برنامه گذاشت، تقسیم مسئولیت کرد. ولی حالا آینده برسیم ما، حاضریم در این زمینه ها، تا هر جائیش به قول معروف، بیائیم جلو، مسئله ای نیست. یعنی واقعا اگر این، همچین جریانی، همچین، شما، خطری را احساس می کنید، برخورد می کنیم بهش. یعنی واقعا خب، خطرناک هم هست. ولی تحلیل ما این بود از حزب توده. که این الان نیرویی نیست. همون گربه مرده است الان، ولی این را منکر نمی شیم که در یک شرایط در یک شرایط امکان داره چنگال در بیاره ها! ببینید، همین طور که شما می گید "سوسیالیسم پلیسی" دقیقا هم همین، یعنی اگر یک رژیم، طرف، در واقع همین رژیم ایران، یا رژیمی، همین رژیم های بورژوازی دیگری در ایران مثلا بوجود بیان، و اینها بخوان یه جریانات به ظاهر دمکراتیکی بوجود بیان، این حزب توده اون موقع بعد اصلی ترین دشمن ما خواهد شد. متوجه ای چی می خوام بگم؟

**حمید اشرف: ... بله.**

**تقی شهرام:** ... یعنی اینها این وسایل لازم اند در دست بورژوازی برای اینکه در واقع پرولتاریا پدر صاحب بچه شه در بیان. و اینا را همانطور که شما می گید باید نوک شون و چید و ما هم با این موافقیم. و اینا، اون موقع خطرناک می شن. همون ماریو سوارش

---

این جزوات و مسائل مطروحه در آنها خواهیم پرداخت."



ها<sup>۲۸</sup>، همین نمی دونم، بدتر از ماریو سوارش ها، بدتر از نمی دونم،  
همین دار و دسته اینا. بله، می گفتید!

**بهروز ارمغانی:** ... ضمنا رفقا، با توجه به اینکه ناهار هم باید  
بخوریم ...

**تقی شهرام:** ... بخوریم!

**بهروز ارمغانی:** ... اگر امکان داشته باشه آنتراکت بدیم. ناهار  
بخوریم.

**تقی شهرام:** ... آنتراکت بدیم. اشکال نداره.

( نوار مجددا آغاز می شود)

**تقی شهرام:** ... این اند فلانند، از این حرف هایی که ...

**بهروز ارمغانی:** ... بحث می کنند دیگه.

**تقی شهرام:** ... همین بحث ها و همین صحبت ها ...

**بهروز ارمغانی:** ... این بحث را می تونیم بکنیم.

**تقی شهرام:** ... آها، یک مسئله است، آیا صرفا فقط این بحث ها را  
تا اینجا بکنیم که اونا رو حتما حتما متقاعدشون بکنیم؟ یا نه، اگر،  
مثال می زنم، مثلا فرض کنید که ما در رابطه با همین هدف هامون،  
مثلا چیزی مثلا "قیام کارگر"<sup>۲۹</sup> در می آریم. اگر اینا خواستند پخش  
کنند، ما بهشون ندیم؟ اگر مثلا دو تا خبر و گزارش آوردند، ازشون

---

۲۸ - ماریو البرتو نیره لویز سوارش، ( - ۱۹۲۴) Mário Alberto Nobre  
Lopes Soares سیاستمدار پرتغالی و از رهبران حزب سوسیالیست پرتغال که  
در منازعات سیاسی آن کشور یک حزب چپ میانه رو است. در زمان این گفتگو ها  
وی در حال شرکت در انتخابات آن کشور بود و کمی بعد از این گفتگو ها به  
نخست وزیر پرتغال رسید. در آن زمان و پس از انقلاب پرتغال و سرنگونی دولت  
دیکتاتوری نظامی، نام وی اغلب در میان خبرها، می آمد.

[http://en.wikipedia.org/wiki/M%C3%A1rio\\_Soares](http://en.wikipedia.org/wiki/M%C3%A1rio_Soares)

۲۹ - نشریه ارگان کارگری سازمان مجاهدین خلق ایران (م. ل)، که دو شماره از  
آن پیش از انقلاب بهمن منتشر شد. اولین شماره آن در آذرماه ۱۳۵۴ به چاپ  
رسید. از جمله فعالین چاپ این نشریه، رفقا محبوبه متحدین و حسن آلاپوش  
بودند. هر دو شماره در سایت اندیشه و پیکار موجود است.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Ghiame-Kargar-1.pdf>

نگیریم؟ این چیه، این چه جوری حل می شه؟ یا برعکس، حالا هر کدام. یعنی این و واقعا چه جوری می تونیم حلش کنیم؟ این و واقعا شما باید بشینیم صحبت کنیم. چون مسائل عملیه، یعنی شما باهاش درگیرید، ما هم درگیریم. واقعا ممکنه این در واقع تقویتش، سیاست ضد مبارزه مسلحانه باشه؟ اینا را چه جوری باید حل کرد؟

**حمید اشرف:** ... اگر رابطه، رابطه ای باشه که اون ها را به تدریج قانع کنه، و توجیه کنه، یعنی مبارزه باشه در حین این رابطه.  
**تقی شهرام:** ... مبارزه در سطح جامعه می کنیم. در سطح اگر مثلا یک ...

**حمید اشرف:** ... نه، به طور مشخص هم ...

**تقی شهرام:** ... باشه، خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... به طور مدام باید هم مبارزه بشه.

**تقی شهرام:** ... بشه، خوب معلومه، ما وقتی می ریم می شینیم که ماست نمی شینیم. الان برخورد داریم مثلا با یکی از این، از این گروه هایی هستند، سیاسی اند، هستند، سه، چهار تا از اینا، زیادند. پر اند، اخیرا هم خیلی زیاد شدند.

**حمید اشرف:** ... می دونی چرا؟

**تقی شهرام:** ... علتش مشخصه، یک جریان در واقع اپورتونیسته. یعنی در واقع اینا که نمی کشند، نمی توند ...

**حمید اشرف:** ... در جریان چه جریان تبلیغاتی اینها زیاد شدند؟

**تقی شهرام:** ... اینا، یه مقدار، من فکر می کنم که عمدتا فشار رژیمه رو خرده بور ... رو عناصر روشنفکر، کلا روشنفکرها هستند. و اینا چون نمی کشند، چون در واقع ...

**حمید اشرف:** ... نه خط کارشون را کی تعیین می کنه؟

**تقی شهرام:** ... شما می گید حزب توده تعیین می کنه؟

**حمید اشرف:** ... به نظر من، دو جناح از اپورتونیست ها رهبری این ها را به عهده دارند.

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... یکی جناح چینی ها ...

**تقی شهرام: ... هوم!**

**حمید اشرف:** ... یکی هم جناح حزب توده. همین ها اساسا اگه  
بری پای حرف هاشون بشینی ...

**تقی شهرام:** ... ما نشستیم!

**حمید اشرف:** ... تکرار کننده حرف های یکی از این دو جناح  
هست.

**تقی شهرام:** ... نه می دونی؟ واقعا ...

**حمید اشرف:** ... چه در رابطه با مبارزه مسلحانه ...

**تقی شهرام:** ... اتفاقا بین، این، حالا درسته، از نظر کلی اگه  
بخوای بگی، می رن زیر پرچم اینا. یعنی من اتفاقا، این و قبول داریم  
ما. اگه ما واقعا نجنبیم، اینا می رن زیر پرچم اینا، ولی الآن خیلی  
هاشون این طوری نیستند. یعنی خیلی هاشون می دونی، به دنبال  
زندگی هایی که پیدا کردند، در واقع، همون جریانات روشنفکرهایی که  
مأیوس شدند، کسانی که درعین حال نمی تونند هم برگردند به  
بورژوازی پیوند بخورند، اینا راهشون و پیدا می کنند می رن تو  
کارخونه. بعد، حالا دلایلش هم شاید یه مقدار بشه از نظر اجتماعی  
بحث کرد. بعد به مرور اینها به دلیل اینکه از طرف مبارزه مسلحانه  
هیچ برخوردی با اینا نمی شه، هیچ برخورد فعال، این روز به روز  
حتی بطور ذهنی جدا می شن. و اجبارا به دامان اینا می افتن. ما از  
اینها زیاد دیدیم ها! یعنی طرف اینها که می رن، اوایل مثلا هیچ  
جزوه ای ندارن، هیچی ندارن، به مرور می بینند که جزواتی که مثلا  
مبارزه شون و توجیه می کنه، علیه مبارزه مسلحانه، همین جزوات مثلا  
تیپ های طوفان و موفان. مثلا یارو خیلی جالب بود. یکی از این گروه  
ها اومده بود، یک جزوه دست نویس آورده بود، می گفت اش که حالا  
نمی دونست با ما تماس داره، بعد گفته بود، مثلا به طرف ما، بخون.  
بعد این گرفته بود و بعدا گفته بود حالا این یک جزوه ای بودش از  
همین چیزهایی که طوفان نوشته بود. تو همین یه مقاله اش هم ما  
داشتیم. بعد اینها دست نویس بود. این فقط فحش می داد به طوفان،  
یعنی اینقدر عقلش می رسید که طوفانی ها مثلا آدم های عوضی اند.

یک گروه بودند، فحش می داد، ولی جزوه اش رو آورده بود و می گفتش که این خوبه، بخون. دقت می کنی چی می گم؟ یعنی این جریانات هم موجوده تو اینا. یعنی اینا به دامان اونا می افتند و خیلی تمیز هم می افتند. برای این که عموماً ندارند، تئوریزه نیست کاراشون، اختلافاتشون، یا حتی انگیزه ها و گرایش هائی که با ما مخالفه، اینها تئوریزه نشده، و اونا تئوریزه کردن. اجباراً وقتی اینا میان تو این مسیر، چطور می شه؟ خود بخود به دامان اینا رونده می شن. و این و حالا ما مواجه هستیم باهاش. طرف آورده یه جزوه ای به ما داده، می گه که؛ خیلی بد نیست، چیزهای خوبی داره توش، اصلاً همه را هم ما باهاش موافق نیستیم. چون طرف مثلاً شرایط ایران را نیمه مستعمره نیمه فئودال دونسته اونجا، این یارو هم اینقدر دیگه عقلش می رسه که بابا، دیگه، شرایط ایران نیمه مستعمره نیمه فئودال نیست. می گه ما بعضی هاش و قبول نداریم. یعنی منظورش مثلاً این قسمت اش بوده. ولی بقیه اش مثلاً چیزای خوبیه. بعد که مثلاً می بینیم، می بینی جزوه اش هم مال خود توفانه. بعد مثلاً می گیم بابا این مال توفانه. می گه نه آقا، توفانی ها آدم های پدرسوخته ای اند، فلان اند، بهمان اند، از این حرف ها. یعنی این هم هست، یعنی اینجا، این و که می بینی به این اعتبار درسته، یعنی این واقعا باز ضعف ماست. یعنی ما نتونستیم ...

**حمید اشرف:** ... نه رفیق. همه اش هم به این اعتبار درست نیست ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... یعنی درحقیقت، این یک جنبه تعیین کننده مسئله هم نیست.

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... جنبه تعیین کننده مسئله اینه که کسانی که به هر حال در راس گروه های سیاسی- کار قرار می گیرند، یا پیشنهاد این شیوه کار رو مطرح می کنند، کسانی هستند که از طرف دو جناح اپورتونیستی، که یکی حزب توده باشه و یکی هم گروه های مخالف

چینی، چه در خارج از کشور، چه در داخل، تحت تعلیم قرار گرفتند، تحت تعلیم ایدئولوژیک قرار گرفتند. اینها مئونِ شون و آثارشون و یا از طریق جناح حزب توده، از طریق پخش آثارش و رادیو پیک اش، به طور مشخص این شیوه را تبلیغ می‌کنه. چینی‌ها و گروه‌های مختلف چینی ...

**تقی شهرام:** ... یعنی منظورت از چینی یعنی همین طوفان و ستاره سرخ و اینها را می‌گی؟

**حمید اشرف:** ... چینی‌ها ...

**تقی شهرام:** ... چینی‌ها همین هاند دیگه!

**حمید اشرف:** ... سازمان انقلابیه<sup>۳۰</sup> ...

**تقی شهرام:** ... سازمان انقلابی

**حمید اشرف:** ... نیروهایی از کادری‌ها<sup>۳۱</sup> هستند.

---

۳۰ - "سازمان انقلابی حزب توده ایران"، توسط عده‌ای از دانشجویان و فعالین کمونیست ایرانی عضو حزب توده ایران که در کشورهای اروپای غربی زندگی و تحصیل می‌کردند بوجود آمد. این افراد معتقد بودند که حزب توده ایران با پیروی و سرسپردگی به اتحاد شوروی و همچنین عدم ارتباط با ایران، عملاً به انحطاط کشیده شده است. در اردیبهشت ۱۳۴۲ اولین جلسه برای تشکیل این سازمان در شهر مونیخ برگزار می‌شود. در آذر ماه همین سال اولین کنفرانس این سازمان تشکیل شده نام سازمان انقلابی حزب توده ایران را بر خود می‌نهند و نشریه "توده" ارگان رسمی آن بود. این سازمان در سال ۱۳۴۸ دچار انشعاب شد و انشعابیون به "کادرها" معروف شدند. تا زمان انقلاب به فعالیت خود ادامه دادند و پس از انقلاب و بازگشت به کشور به همراه چند گروه دیگر، "حزب رنجبران ایران" را بنیان نهادند. از منابع مختلف و از جمله:

[http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86\\_%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8%DB%8C\\_%D8%AD%D8%B2%D8%A8\\_%D8%AA%D9%88%D8%AF%D9%87\\_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8%DB%8C_%D8%AD%D8%B2%D8%A8_%D8%AA%D9%88%D8%AF%D9%87_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86)

۳۱ - اشاره به "گروه کادرها" است که در تیر ماه ۱۳۴۸ از سازمان انقلابی حزب توده ایران جدا شد و از شاخص‌ترین افراد آن که از فعالین کنفدراسیون دانشجویان نیز بودند، مهدی خانبابا تهرانی، مجید زربخش و بهمن نیرومند می‌باشند. این افراد مخالف مشی محاصره شهرها از طریق روستاهای مائو بودند و در برنامه کاریشان، تربیت کادرهای انقلابی در شهرها بود. منبع: کنفدراسیون:

تقی شهرام: ... کادری ها که چینی نیستند که!  
 حمید اشرف: ... چرا.  
 تقی شهرام: ... نه.  
 حمید اشرف: ... البته  
 تقی شهرام: ... همین فرانسوی ها؟ تو فرانسه اند؟ تو فرانسه کار  
 می کنند عمدتا ...  
 حمید اشرف: ... اینها گروه های مختلف دارند ...  
 تقی شهرام: ... ها!  
 حمید اشرف: ... یعنی اینها کادرهای سازمان انقلابی بودند که  
 ازش جدا شدند.  
 تقی شهرام: ... صحیح.  
 حمید اشرف: ... که البته جناح هایی شون هم موافق جنبش  
 مسلحانه اند.  
 تقی شهرام: ... بله.  
 حمید اشرف: ... بعض ...  
 تقی شهرام: ... یکی از بچه ها نوشته بود که موافق جنبش مسلحانه  
 اند و به مواضع ... سمپاتی هم دارند و از این حرف ها ...  
 حمید اشرف: ... بعضی هاشون اینطوری اند. بعضی از جناح  
 هاشون اینطوری اند.  
 تقی شهرام: ... بله.  
 حمید اشرف: ... بعد، کمونیست ها هستند. سازمان انقلابیون  
 کمونیست<sup>۳۲</sup>، که در آمریکا هستند عمدتا.

---

تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲، افشین متین، ترجمه  
 ارسطو آذری، تهران: شیرازه، ۱۳۸۷.

۳۲ - گروهی متشکل از دانشجویان ایرانی م. ل در آمریکای شمالی و عضو  
 کنفدراسیون دانشجویان که بعدها به همراه گروه "پویا"، گروه "اتحادیه کمونیست  
 های ایران" را بنیان نهادند. این گروه از طیف خط ۳ است. آنها هوادار خط مشی  
 چین و مخالف اتحاد شوروی بودند. برخی بازماندگان آنها حزب کمونیست  
 مارکسیست لنینیست مائوئیست (سریداران) را تشکیل دادند.

**تقی شهرام:** ... هوم، همین مجله "کمونیست" رو در می آرن.  
**حمید اشرف:** ... مجله "کمونیست" رو در می آرن.

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... اینها جناح های مختلف طرفدار چین هستند که اساسا کارشون هم پیاده کردن خط دولتی چین هست، در جنبش.  
**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... البته بعضی از جناح هاشون هستند که به طور غیر مستقیم به سیاست خارجی چین هم انتقاد می کنند. ولی اساسا دنباله، دنباله روی قطب اند دیگه، دنباله روی از قطب ها ...

**تقی شهرام:** ... آخه، یک مسئله است. اونها دنباله روی از قطب هان، این جریان به هر حال به اعتبار یک جریان اجتماعی تو جامعه ما می تونه ریشه بگیره.  
**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این جریانی که هست، در نتیجه ...

**تقی شهرام:** ... این و باید باهاش برخورد کرد. این ریشه را باید خشک کرد. این و باید در واقع باهاش برخورد کرد. او همیشه هست. این جریان اجتماعی را باید باهاش برخورد کرد.

**حمید اشرف:** ... این جریان ها، البته در رابطه با واقعیت های عملی، خیلی از این گروه های سیاسی- کار هم سرخوردگی پیدا می کنند.

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... یعنی هم واقعیتی. یعنی ما تماس زیاد داشتیم با این نمونه ها که بعد از تجربه عملی تو کارخانجات، دچار سرخوردگی شدند. چرا که اون انتظاراتی که اینها دارند از رفتن به میون کارگرا ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اجابت نمی شه ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... و ذهنی هستند در این رابطه. چون درسته که جنبش های خود به خودی کارگری، به اصطلاح مراحل ابتدایی خودشو داره طی می کنه، ولی اون طور که اینها در تئوری هاشون، به اصطلاح فکر می کنند، سریع می تونند به نتیجه برسند، در عمل سریع به نتیجه نمی رسند. و معمولا این تبدیل می شه به این که یا تبدیل به کارگر ساده می شن، یعنی دارن استثمر می شن خالصه، تو کارخونه ها. یا این که این طوری می شن، یا این هم که همون به جریانات فاسد کشیده می شن. چون واقعیت اینه که جنبش خود به خودی هم به اون وسعت و اون شکل اش در ایران وجود نداره. و خیلی از اینها که هدف اساسی شون را این می گذارند و از تهییج توده اجتناب می کنند، یه مقدار دچار ناامیدی و شکست و اینها می شن.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این جریانات هم این شکلیه.

**تقی شهرام:** ... بله، خوب هست. منظور ما اینه که باید در مورد ...

**حمید اشرف:** ... یه مسئله اینه که در رابطه با اینها، اینها به هیچ وجه اون جریان نیرومندی نیستند که ما بخواهیم ...

**تقی شهرام:** ... من فکر می کنم که اینا اینطورها هم نیست.

**حمید اشرف:** ... شرایط به اصطلاح، یعنی، خط مشی اینها رو و ایدئولوژی اینها رو، به نظر من یک ...

**تقی شهرام:** ... ببین، شما اینجا بحث کردیم. حالا، نمی دونم نوار روشنه، نیست، چه جوریه؟

**حمید اشرف:** ... نوار روشنه<sup>۳۳</sup>.

**تقی شهرام:** ... روشنه؟ آها! عرضم به حضورتون که، راجع به مسئله چی، اتفاقا حالا می رسیم، راجع به این مسئله ای که سوالات

---

۳۳ - شاید اشاره به این مسئله هم هست که این ملاقات در خانه تیمی رفقای فدایی انجام می گرفت و دستگاه ضبط صدا نیز به آنها تعلق داشته و در کنترل آنها بوده است.



بعدی که تو طرح کرده بودی، جلوتر، چند تا مسئله بود که یکی حفظ امکانات خرده بورژوازی و اینا، که بحث کردیم. راجع به اون قسمت سومش، و دوم و به اصطلاح چهارم بود، که مطرح شده بود که خط مشی جنبش مسلحانه، بطور مشخصی در رابطه با به اصطلاح، یک رابطه ای برابر و معادل قرار گرفته با مثلا، نقطه نظرهای دیگه، من اولاً این و رد می کنم و بعدش توضیح می دهم راجع به این مسئله که، فکر می کنم نظر شما اون قسمت از بیانیه ما است که ما جبهه را با توجه به نیروهای سیاسی، یعنی نیروهای سیاسی را هم در واقع، دعوت کردیم به چنین جبهه ای، و ورودشون و در چنین جبهه ای در واقع، بلامانع دونستیم. ها؟ فکر می کنم این باشه. نیست؟

**حمید اشرف:** ... نه ...

**تقی شهرام:** ... هان!

**حمید اشرف:** ... این هستش که شما گفتید که ما در درون ...، گفتید که گروه هایی که می تونن در جبهه شرکت کنند اینها هستند ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و علیرغم اختلاف نظری هم که با ما دارند می تونن باشن در جوار ما ...

**تقی شهرام:** ... و در سازمان خودشون، در ...

**حمید اشرف:** ... و ما ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در چارچوب جبهه با اینها بحث خواهیم کرد که ببینیم راه اونا درسته ...

**تقی شهرام:** ... نه، نه، نه! ... نوچ!

**حمید اشرف:** ... یا راه ما!

**تقی شهرام:** ... نه، همچی حرفی نزدیم، ما گفتیم بهترین جا برای مبارزه ایدئولوژیک با اینها تو یک جبهه هست ...

**حمید اشرف:** ... آها.

**تقی شهرام:** ... ببین، فرق می‌کنه، یک موقع هستش که شما می‌گید که ما تردید داریم رو این مسئله و بعد حالا بیایم بنشینیم اونجا و ...

**حمید اشرف:** ... ولی ...

**تقی شهرام:** ... در باره این تردید بحث کنیم.

**حمید اشرف:** ... ولی شما مبارزه ایدئولوژیک را به این قاطعیت طرح نکردین ...

**تقی شهرام:** ... نه، طرح کردیم ...

**حمید اشرف:** ... ولی ...

**تقی شهرام:** ... ولی یک بند هم اختصاص دادیم به مبارزه ایدئولوژیک که در چنین شرایطی، در چنین مثلاً چارچوبی مبارزه ایدئولوژیک سالتر و صحیح‌تر پیش می‌ره. اتفاقاً مورد نظر ما هم همین، یعنی این که اصلاً ما یک جایی پیدا کنیم، اینا یقه شون و بچسبیم باشون برخورد کنیم. نمی‌دونم، حرف ما اتفاقاً اینه. یعنی ما نمی‌گیم که در واقع ما، رو خط خودمون تردید داریم و یا در واقع ممکن مثلاً فرض کنید که اصلاً این مسئله خیلی قابل توجهه که به دلیل همین برخوردهایی هم که ما داریم، اتفاقاً ما، رفقایی که مسئول مثلاً برخورد هستند با این گروه‌ها، اینها بیشتر از هر کسی به واقعا دست آوردهای جنبش مسلحانه می‌آن و در واقع ایمان می‌آرن. چون عملاً می‌رن و وضعیت اینها رو می‌بین که در عین حال در عین این که واقعا، مثلاً از صبح تا شب می‌رن کار می‌کنن و می‌آن و از مثلاً خوابشون می‌زنن و می‌خوان مطالعه کنن، نمی‌رسن و خرده کاری زیاد دارن اینا. ببین چقدر پرت اند، و چقدر در واقع، به اصطلاح سوراخ دعا را گم کردن و ما برای اینکه بهترین جای مناسب رو برای برخورد با اینها، این نیروهایی که به هر حال قسمتی از اینها رو می‌تونیم جذب کنیم، می‌تونیم در رابطه با سازمان، با جنبش مسلحانه سازمان بدیم. قسمت‌هایی زیادی از اینها را می‌تونیم افشا شون کنیم. می‌تونیم به قول معروف پاکشون بکنیم و در واقع انحرافاتشون رو نشون بدیم. ما مسئله جبهه را مطرح کردیم و فکر نمی‌کنیم یک چیزی باشه که اصلاً، در اینجا به هیچوجه چنین مسئله‌ای

بیرون نمی آد که ما تردیدی داریم راجع به جنبش مسلحانه. ببینید، اصلا قواعد، قضیه درست ضدش فهمیده شده. ما می تونیم این و اگه شما موردش رو نشون بدید حتی مشخصا در این چاپ دومش<sup>۳۴</sup> که می خوایم بذاریم، متوقف کنیم، توضیح مجددی در مقدمه بدیم که از نظر ما چیه، اگر ابهامی پیش می آد راجع به این مسئله. یعنی ما نظراتمون اون تو مشخصه، ما هیچوقت به قول معروف کشته مرده اینها نیستیم که مثلا دارن کار سیاسی می کنن از نظر ما هم یک کار انحرافی، ولی به دلیل اینکه در، باز در جبهه مبارزه با رژیم هستند به هر حال یک ارتباطی با ما می تونن داشته باشن ولی این ارتباط به عقل ما می رسه چیه، تو یک جبهه است و باید تو این جبهه با اینها مبارزه ایدئولوژیک کرد ولی الان ما چکارشون می خوایم بکنیم؟ چه برخوردی باشون می تونیم داشته باشیم؟ یعنی اصلا ...

**حمید اشرف:** ... همین برخوردی که پنهانی دارید، می تونید پیش ببرید ...

**تقی شهرام:** ... این برخورد عملا وجود نداره رفیق. اصلا به مثلا واقعا اینا اینقدر تصورات ابتدایی راجع به جنبش مسلحانه دارن که حد و حساب نداره، یعنی اینا به دلیل همان اپورتونیسم شون حتی که رهبری شون داره و یا به دلیل خیلی چیزای دیگه اصلا چیزی از ما نمی دونن. مثلا در مورد شما مثلا فرض کنید همین یک گروه گفتش که بابا اینا مثلا فرض کنید که چیزی بیرون ندادن که، اینا مثلا خود به خود نمی دونم از بین رفتن و تمام شدن و کاره ای نیستن و این که مال اینها، اینا هم که نمی دونم مجاهدین هم، که اینا هم نمی دونم تازه ایدئولوژی شون و عوض کردن، خودشون همدیگر رو لو می دن و عین همین جمله که دارم می گم، عین یکی از همین گروه هاست گفت که اینا افتادن به اینکه خودشون همدیگر رو لو می دن و این جریان

---

۳۴ - اشاره به چاپ دوم کتاب "بیانیه اعلام مواضع ..." است. این کتاب در پیش از انقلاب سه بار چاپ شد.

مثلا لباف<sup>۳۰</sup> اینا رو اشاره می کرده. به یک آدمی که فکر نمی کرده مثلا با ما ارتباط داشته باشه، اونا هم که دارن خودشون و لو می دن و اینها هم امروز و فردا از بین می رن و بنابر این جنبش مسلحانه چیزی ازش نمونده. اینا حرفی ندارن بزنن اصلا، هیچی ندارن بگن هیچ برخورداری ندارن و واقعا هم به این حرفی که می زنه، حالا بگذریم از همون می گم جهت اپورتونیستی که حاکم بر اینها، این بوده. این، این مجموع دانستنی هاش از این دو تا سازمان این بوده و آدم مثلا فرض کن خیلی هم فعال، "بارتی" بهش می گن. حالا شما حساب بکنید مثلا یک قیاسی بگیرید که مثلا ما واقعا با اینا چه جوری می تونیم برخورد کنیم. بقول شما رهبریشون مثلا امکان خیلی زیاد داره همین ها باشن یا به دامن اینا بیافتن و آدم های اپورتونیست، ولی آیا واقعا این آدم های اپورتونیست این نیروهایی که در جامعه ما به اعتبار یکسری زمینه های اجتماعی، به اعتبار یک سری مسائل دیگه که از جمله مثلا عدم برخورد ما هست، و عدم وحدت و تشکل و در واقع نیروی ما هست و خیلی چیزهای دیگه، این امکان نداره که یک سری نیروها را به هرز بیرن، شیوه برخورد با اینا چیه؟ کجا باید باشون مبارزه ایدئولوژیک کرد؟ آیا اینا هیچ نیرویی نیستن، هیچ به حساب نمی آن؟ یعنی مثلا مبارزه اینا با رژیم هیچ معنایی نداره؟

---

۳۰ - اشاره به مجاهد شهید مرتضی صمدیه لباف (۱۳۵۴ - ۱۳۲۵) است. وی پس از زخمی شدن در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴، که به دستور رهبری سازمان به جهت به قتل رساندنش صورت گرفته بود، توسط ساواک دستگیر شد. او با رد گم کردن در بازجویی ها خود را عضو ساده ای به ساواک قبولانده بود که بخاطر اختلاف با مسئولین اش مورد تعرض آنها قرار گرفته است. با دستگیری برخی دیگر، در مرداد ماه همان سال، تقریبا همه اطلاعات او لو رفت. کمی بعد در مهر ماه ۱۳۵۴ و در مقدمه کتاب "بیانیه اعلام مواضع ..." نیز از او نام برده شد. "خائن شماره دو، مرتضی صمدیه لباف نام دارد که توانست در حین اجرای حکم اعدام، از دست ما بگریزد. اما به چنگ پلیس افتاد. وی به احتمال بسیار زیاد از طرف دشمن نیز به دلیل شرکت در یکی دو واقعه نظامی از جمله شرکت در واقعه اتفاقی کشته شدن مامور ژاندارمری که به دنبال جستجوی مواد مخدر قصد بازرسی او را در مسجد هاشمی داشت (این وقایع لو رفته است)، محکوم به اعدام خواهد شد." به همان منبع شماره پیش مراجعه کنید.

**حمید اشرف:** ... معنایی داره؟

**تقی شهرام:** ... اگه به همین شکل اش باقی بمونه، ما هیچ اقدامی نکنیم واقعا، نه. یعنی در واقع در جریان طول تاریخ خودش تبدیل می شن به یکی از ابزار های بورژوازی، معلومه، ولی الآن ...

**حمید اشرف:** ... ولی اینها ...

**تقی شهرام:** ... هان؟

**حمید اشرف:** ... به نظر من رشد هم نمی کنن ...

**تقی شهرام:** ... آخه اینطورها هم نیست ...

**حمید اشرف:** ... یعنی اینها در حقیقت ...

**تقی شهرام:** ... خیلی این نیروها رو اینها، مثلا خیال می کنه غافله از اینکه چقدر اینها کارگرهای ساده و جوون رو اغفال می کنن و چقدر از این کارگرا هستن که می رن دنبال اینا و بیچاره ها می دونی دیگه کارگره دیگه، طرف دو کلمه حرف خوب می شنوه از این، دو تا حرف مثلا فرض کن مطابق طبعش می شنوه و اون می ره دور هم جمع می شن و شروع می کنن، خیلی نسبتا نیروهای کمی را کمی اتفاقا زیاد می کنند.

**حمید اشرف:** ... و ضربه هم نمی خورن ...

**تقی شهرام:** ... چرا ضربه هم می خورن، یعنی از چه نظر می گی ضربه هم نمی خورن؟

**حمید اشرف:** ... یعنی ...

**تقی شهرام:** ... یعنی از نظره ...

**حمید اشرف:** ... یعنی آیا شما گروهی در این رده سراغ دارید که پایدار مونده باشه و شناخته شده باشه، چهار سال، پنج سال؟

**تقی شهرام:** ... خب حالا من یک سؤال دارم، امکان داره نشه، یعنی حتی الآن مثلا یک گروه هستش که می گه من الآن، اینطور که می گن چهار پنج سال، داریم کار می کنیم. از این گذشته ولی یک مسئله هست آیا ما باید واگذار کنیم به پلیس که این ها رو نابود کنه؟ بگیرد شون و بیندازد تو هولفدونی، کدوم؟ یعنی ما بذاریم که در جریانات جبری خود به خودی بیاد، پلیس اینها را نابود کنه؟

**حمید اشرف:** ... نه مبارزه کنید باشون، افشاء کنید، خط مشی شون، چون اینها ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... سر منشاء این ها توی روشنفکرها است، یعنی کسایی که سرگروه می شن تو این موارد، تو محیط روشنفکری ان دیگه، طبیعیه یعنی الان جنبش ...

**تقی شهرام:** ... یعنی منظور از روشنفکری رو اگر بگی دانشگاهی، قبول ندارم اگر بگی روشنفکری به معنای عام ترش، چرا.

**حمید اشرف:** ... همون دیگه روشنفکری به معنای عام ترش که بخش اعظمش دانشگاهیه ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... یعنی چون به اصطلاح جامعه فارغ التحصیلان دانشگاه ها ...

**تقی شهرام:** ... نه، مثلا اینا تیپ هایی بودن تکنیسین بودن، نمی دونم فرض کن که روشنفکر بودن، قبوله ...

**حمید اشرف:** ... اگر تکنیسین هم بودن ...

**تقی شهرام:** ... آره از روابط ...

**حمید اشرف:** ... تحت تاثیر ...

**تقی شهرام:** ... جریانات روشنفکری این کار رو ...

**حمید اشرف:** ... جریانات دانشگاه و ...

**تقی شهرام:** ... درسته، می گم.

**حمید اشرف:** ... روشنفکران و در خارج از کشور و ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... یک مهندسی که لابد که عضو توفان بوده قبلا با فدراسیون که بوده، اومده این تکنیسین رو روش کار کرده یا اینکه نمی دونم داداش اش فلان بوده و واسه اش کتاب فرستاده.

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... یا که طرفدار حزب توده است و شب ها رادیو پیک گوش می ده، اینا ...

**تقی شهرام:** ... نه، با رادیو پیک مثلا یه عده ای شون مخالف اند. اصلا با حزب توده، رادیو پیک اینا رو ...

**حمید اشرف:** ... خیلی هاشون هم موافقند.

**تقی شهرام:** ... عمدتا هم موافقشون اصلا آدم جرئت نمی کنه بهشون نزدیک بشه، چون بلافاصله دمشون به پلیس وصله.

**حمید اشرف:** ... گفتم که اینا دو رقم اند دیگه، یه سرشون به جناح های چینی وصله ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... یعنی بگیری نخ و بری به جلو می رسی به اونجا. یعنی هیچکوم از اینا نیستن که اتوماتیک و خود به خودی به اون رسیده باشن که باید رفت میان کارگرا و کار سیاسی کرد.

**تقی شهرام:** ... ببینین مثلا حال برای اینکه، ها؟ اتوماتیک یعنی چی؟ یعنی مثلا ...

**حمید اشرف:** ... یعنی خود، خودشون با غرائزشون به این رسیده باشن. واسه اینکه که می گم این جریان سرمنشا اش در این دو بخش خوابیده و با این دو بخش، که مادر همچه جریاناتیه باید مبارزه کرد. هم با حزب توده، با اپورتونیسیم حزب توده وهم با اپورتونیسیم سازمان های طرفدار چین.

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... با هر دوی این جناح ها باید مبارزه کرد، افشا شون کرد و ...

**تقی شهرام:** ... خب ببین، اون چیزی که تو الان تصویر می کنی، یعنی یک جریانیه عمدتا جزء یعنی در واقع می آئی یک جریانی که الان عملا، مقدار زیادیش جداست. یعنی الان نیروهایی هستند مثلا از این تیپ هایی که مثلا یکی از همین افراد ادعا می کنه که مثلا جزء، قبلا جزء عناصر شما بوده، ما نمی دونیم، شاید هم بوده و جزء سمپاتیان های شما بوده و مثلا بعد، بعدا در جریان مثلا مطالعه اش

پی برده که این غلطه و ول کرده رفته، سال پنجاه و یک، پنجاه، این حدودها مثلا. رفته تو کارخونه و از حالا هم داره کار می کنه، از سال پنجاه ...

**حمید اشرف:** ... کیه؟ این با کی ها ارتباط داشته؟

**تقی شهرام:** ... این با شما تماس داشته، مثاله ها، یک همچی کسیه، بعد این آدم رفته و بعد مثلا عناصری جمع و جور کردن و تو کارخونه کار کرده و الآن مثلا چهار ساله تو کارخونه کار می کنه ...

**حمید اشرف:** ... ببینم اینها چی شدن تو این چهار سال؟

**تقی شهرام:** ... خب یک عده ای شدن، جمع و جور شدن.

**حمید اشرف:** ... چه کردن؟

**تقی شهرام:** ... هیچی، اگه بخواین از نظر واقعا تاثیراتش روی جنبشبه طور اصولی بخواهیم بگیریم، هیچی. ولی واقعیت اینه که اینا می رن و تو جریان خود به خودی خودشون جریانات انحرافیشون را ایجاد می کنن، به قول تو یک موقع هم پلیس می گیرتشون می ندازنشون تو هلفدونی، بعد هم یا در واقع می افتن تو دامن در اصل همان اپورتونیست ها و در دستشون قرار می گیرن و باز به یک شکل دیگه ضربه می زنن. اما من می خوام این و بگم که به هر حال اینا یک جریانی هستند. این جریانشون رو حتی اگر اپورتونیستی هستند ما باید بیایم روشن بکنیم که این اپورتونیسم واقعا الآن تبدیل می شه به یک، یعنی مبارزه ما در مقابل یک جریان اصولیه؟ یعنی ما الآن هیچ وحدتی هیچ رشته پیوندی با اینا نداریم؟ یعنی صرفا و صرفا رابطه ما با اینا رو مبارزه تعیین می کنه؟ و اگر این طوره که اگه حرف های تو داره این و نشون می ده؟ که این تقریبا مخالف حتی نظرات خود شماست. تو این حتی مثلا چیزهایی که به نام رفیق جزنی<sup>۳۶</sup> اینا منتشر کردید یا نوشته های دیگه تون. یعنی حتی شما

۳۶ - اشاره به رفیق بیژن جزنی است که مقالات تئوریک در رابطه با جنبش مبارزه مسلحانه و تاریخ جنبش مبارزاتی در زندان می نوشت و به بیرون منتقل می کرد. مقالاتی مانند: "مبرمترین مسائل جنبش انقلابی ما در لحظه کنونی"، "حزب طبقه کارگر ایران"، "مشی سیاسی و کار تودهای"، "وحدت و نقش استراتژیک چریکهای فدائی خلق"، "طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژیک جنبش انقلابی ایران"،



جای دیگه این نظر رو ندارید، و می گید اینا را باید باهاشون به هر حال برخورد کرد یک وحدتی باشون داشت و الی آخر و دلائلی هم راجع به این مشخصا در واقع برعکسش اونجا ارائه شده، که به هر حال اینها مثلا فرض کنید که می تونن در یک هدف هایی مثلا در تحت یک سری چارچوب های سازمان پیدا کنن. یک استفاده ای ازشون بشه، هست تو همون اتفاقا همین جزوه "چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود" رفیق جزنی، این موجوده این مسائل، شما منتشرش کردید حتما قبولش دارید. این هم یک مسئله...<sup>۳۷</sup>

**حمید اشرف:** ... نه ما اون که روش نظر داریم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... متفاوت با کاری که این ها می کنن. که یعنی اون جنبشی که حول محور تبلیغ مسلحانه صورت می گیره ...

**تقی شهرام:** ... خب اون که اصلا چیز ...

**حمید اشرف:** ... یک مسئله ست، جنبشی که، یعنی جنبش های اقتصادی که این مسئله رو به شکل محوری قبول دارن و در رابطه با سازمان به اصطلاح مسلح کار می کنن یعنی بخشی از این جریان می شن کما اینکه خود ما هم یک همچو جریاناتی ایجاد می کنیم. تو کارخونه ها می ریم، گروه کارگری هم ایجاد می کنیم ارتباط کارگری می گیریم، سعی می کنیم عملیات بکنیم در رابطه با کارگرا، نمی دونم تبلیغات بکنیم تو کارگرا ...

**تقی شهرام:** ... خب این که جای بحث نیست.

**حمید اشرف:** ... این ها کارهائی که ...

**تقی شهرام:** ... خب این کارهایی که جای بحث نیست، ما کردیم، ما هم می دونیم شما هم می دونین اینا موجوده ...

---

"چگونه مبارزه مسلحانه توده‌های میشود"، این نوشته‌ها توسط سچفا در ارگان رسمی سازمان در خارج از کشور و در نشریه ۱۹ بهمن منتشر می‌شد.  
۳۷ - در اینجا اشاره رفیق شهرام، به تغییر مشی تدریجی و استراتژیک سازمان سچفا از مشی رفقا احمد زاده و پویان به مشی رفیق بیژن جزنی است.

**حمید اشرف:** ... و شکل اصولی کار ولی اینها نیست و در این رابطه، گروه های کارگری مثلا به طور مشخص این گروه ها در کارخونه جات، ذهن کارخونه ها، ذهن کارگرها را به جنبش مسلحانه مخدوش می کنن ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... چه بسا و در این رابطه تبلیغاتی هم می کنن، به این صورت که همون چیزایی را که تو رادیو شنیدن یا نمی دونم تو این جزوه ها می نویسن این خارج از کشوری ها، عمدتا اینان ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... و جنبه های تئوریک کارشون رو اونا تعیین می کنن. اینها حمله می کنن ...

**تقی شهرام:** ... خب ببین ...

**حمید اشرف:** ... کما اینکه ...

**تقی شهرام:** ... یعنی ما هم باید صرفا بهشون حمله کنیم؟ نه! یعنی این مهمه ها! اونا مسلما مخالف ما اند، ما هم مسلما از نظر اصولی و استراتژیک باشون مخالفیم. ولی این آیا همه مسائل و همه رابطه ما با این ها، همین مسئله مبارزه باشون در واقع در همین خالصه می شه، یعنی هیچ رابطه دیگه ای ما با اینا نداریم؟

**حمید اشرف:** ... ما باید در رابطه با گروه هایی مشخص، تحلیل های مشخص داشته باشیم ...

**تقی شهرام:** ... خب این معنا نداره، حتما تو باید از این گروه مشخص، یک جمع بندی عمومی هم دربیاری!

**حمید اشرف:** ... جمع بندی عمومی، باید اون وقت یه تجارب را جمع بندی کرد، کلاسه شون کرد ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... و در رابطه با جناح هایی که مثلا بگیم جناح های حزب توده شه که اصلا نباید سراغش رفت ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، بسیار خب، نظر ما هم همینه.

**حمید اشرف:** ... و مبارزه هم باید باش کرد دیگه ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خب.

**حمید اشرف:** ... یا اینکه جناح چینی شون و ...

**تقی شهرام:** ... البته من با اون تقسیم بندی صد درصد گفتم ها، موافق نیستم ها، چون این طورها هم نیست.

**حمید اشرف:** ... می دونم، فکر می کنید که گروه ها به جز این دوتا، منشاء دیگری می تونن داشته باشن؟

**تقی شهرام:** ... ببین، من قبول دارم که اینا ممکنه در نهایت اگر که واقعا باشون برخوردار نشه این ها به هرحال می رن، به یک چنین سمت هایی می رن ...

**حمید اشرف:** ... نه، صحبت بر سر می رن نیس ...

**تقی شهرام:** ... آخه، خیلی مسئله اس.

**حمید اشرف:** ... صحبت بر سر اینه که اینا چرا اومدن؟

**تقی شهرام:** ... آخه یک مسئله است.

**حمید اشرف:** ... سؤال این جاست که، اینا چرا اومدن، از کجا اومدن؟

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... اینا از کجا اومدن؟

**تقی شهرام:** ... معلومه اینا از کجا اومدن ...

**حمید اشرف:** ... از کجا؟

**تقی شهرام:** ... یعنی، از نظر اجتماعی مشخصه، وقتی یک جنبش، یعنی در واقع اگه بخوایم اینا را حسابش و بکنیم بطور تئوریکمان می تونیم اینها را انحرافات درون جنبش کارگری بینیم. یعنی اینا در واقع نمایندگان همون بخشی از، در واقع، به اصطلاح اقشار شاید اریستوکراسی کارگری یا خرده بورژوازی مرفه ای هستن در واقع خرده بورژوازی کارگری هستن که چیه؟ که در واقع همون خط مشی اکونومیستی رو دنبال می کنن و منافع این نوع قشرها و این نوع عناصر رو چکار می کنن؟ توجیه می کنن. یعنی از نظر تئوریک فرقی خلی روشنه، یعنی اینا مناقع این قشر از کارگرا، این قشر از سرپرست ها، این نمی دونم عناصر بالای کارگری رو توجیه می کنن.

اینا در واقع اون اقشار به اصطلاح بورژوایی کارگری اند، اریستوکراسی کارگری اند و این ها منافعشون در این رابطه است. یعنی اگه بخوایم از نظر طبقاتی بگیم، اینه. یعنی همون در واقع همون انحرافاتیه هم که اینا ایجاد می کنن، دقیقا یه انحراف در درون همین جنبشه و ما اتفاقا با همین قضیه، ظرافت قضیه هم در همین، که ما وقتی اینا مثلا صحبت می کنن از مسئله نمی دونم فرض کنید که رد مبارزه مسلحانه و می خوان از شیوه های نمی دونم سیاسی و اینا کار کنن عملا شیوه سیاسی در کار نیست. عملا شیوه های چی می شه؟ اکونومیستی می شه. اینا را هم ما می دونیم. ولی ما این و می خوایم بگیم که آیا ما هیچ راهی، هیچ وحدتی، هیچ نوع در واقع مثل خط اصلی بین خودمون و این عناصر که همشون هم عناصری نیستن که صد در صد وابسته باشن، توشون عناصری هم هستن که اغفال شدن در واقع عناصری هستن، عناصری از کارگرای ساده هستن، کسایی هستن که ممکنه برگردن، ممکنه تصحیح بشن و خیلی از این، در واقع قبیل کسایی دیگه که به سمت این گرایش پیدا می کنن، اینا برگردن به جنبش مسلحانه و متقاعد باشن، در میون شون در عین حال هست. آیا، و در عین حال هم یک موضعی که دارن، ضد بورژوایی دارن، این خیلی مهمه، اون وقت این ضد، موضع ضد بورژوایی این ها، این موضع در عین حال ضد رژیم اینا، در عین اینکه از یک موضع به اصطلاح واقعا پرولتری و صد در صد انقلابی نیست، موضع پرولتری نیست، آیا هیچ برخوردی را هم ضرورت به اصطلاح ایجاب نمی کنه؟ هیچ به اصطلاح برخورد وحدت آمیزی هم با اینا ما نمی تونیم داشته باشیم؟ ببینید، بخش حزب توده شون را بذاریم کنار، ها! کسانی که می رن کار می کنن ولی در مجموع می دونیم منافعی که از این کار این ها عاید می شه واقعا منافع صد در صد پرولتاریا نیست ...

**حمید اشرف:** ... می تونیم تماس بگیریم باشون، کار کنیم ...

**تقی شهرام:** ... ها، منافع می دونید چه بخشی هستن؟

**حمید اشرف:** ... امکان مون را در اختیارشون قرار بدیم ...

تقی شهرام: ... خب.

حمید اشرف: ... باشون جلسه کنیم ...

تقی شهرام: ... خب.

حمید اشرف: ... بحث بکنیم ...

تقی شهرام: ... خب این، این معنایش چیه؟ مثلاً فرض کن ...

حمید اشرف: ... ارتباط بین دو تا سازمان ...

تقی شهرام: ... خب حالا مثلاً فرض کنید که این در طرح یک چارچوب مثلاً بزرگتر یک در صورت چارچوب مکمل، کامل تر این مسئله به درستی، به درست تر و صحیحتر پیش نمی ره؟ مثلاً ...

حمید اشرف: ... اگرهم چنین چارچوب کاملتری وجود داشته باشه ...

تقی شهرام: ... آها!

حمید اشرف: ... و خطوطش مشخص باشه ...

تقی شهرام: ... ها، مثلاً همین خطوطی که ما پیشنهاد کردیم در مورد مسئله جبهه؟

حمید اشرف: ... اون خطوطی که شما پیشنهاد کردید، خطوط نامشخص بود.

تقی شهرام: ... خب، مشخصش می کنیم.

حمید اشرف: ... و اگر در این ...

تقی شهرام: ... همون چیزهایی که این رفیق [بهروز ارمغانی] می گفت راجع به ضوابط، فلان بهمان این ها رو جمعبندی می کنیم، توش می آریم. چه مسئله ایه؟

بهروز ارمغانی: ... در اینجا یک صحبتی دارم ...

تقی شهرام: ... هوم.

بهروز ارمغانی: ... که لازم بود، اگر برسیم به اون مسئله بزرگترش، باز روشنتر صحبت می کنیم.

تقی شهرام: ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... ببینید رفیق، من معتقدم که گروه هایی که ما  
در شرایط کنونی به اصطلاح آنها را وابسته به اریستوکراسی  
کارگری می دونیم یا ...

## فایل ۶

این نوار، ۴۵ دقیقه و ۳ ثانیه است.

**بهروز ارمانی:** ... در جنبش انقلابی، شهودیت گروهی دارند ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.  
**بهروز ارمانی:** ... اینکه اقشار مختلفی که در این گروه ها شرکت می کنن ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.  
**بهروز ارمانی:** ... به نظر من بعضی از گروه ها هستند که به طور کلی یعنی با توجه به سوابق کار و پراتیکی که داشتن می شه گفتش که در این ها این مسئله مبارزه با، به اصطلاح مخالفت با، مبارزه مسلحانه یک مسئله ای هست به اصطلاح پخته شده و با درک کامل منافع خودشون این موضع را گرفتند، ما اون ها را می گذاریم کنار ...  
**تقی شهرام:** ... بله! مثلا حزب توده ...  
**بهروز ارمانی:** ... مثلا حالا فرض کن.  
**تقی شهرام:** ... سمبل اش اینه دیگه  
**بهروز ارمانی:** ... بله، سمبل شون اونه دیگه، به قولی ...  
**تقی شهرام:** ... اینه.  
**بهروز ارمانی:** ... این و بذاریم کنار و با این ها ما هیچ وقت به اصطلاح وحدتی هم نمی تونیم داشته باشیم.  
**تقی شهرام:** ... درست.  
**بهروز ارمانی:** ... حتی این ها در چارچوب بخش ضد دیکتاتوری هم بگنجد مثلا ...  
**تقی شهرام:** ... خب، که واقعا نمی گنجد هم، یعنی فقط صرفا در همان شاید مثلا بگیم در رابطه، مثلا حزب توده را هم ما نمی تونیم به صورت یک سازمان ...  
**بهروز ارمانی:** ... ضد دیکتاتوری هم بذاریم.

تقی شهرام: ... آها، چون آنها مثل یه سازمان پلیسیه ...  
بهروز ارمغانی: ... آره.

تقی شهرام: ... حتی حزب توده هم واقعا پلیس توش نفوذ داره.  
یعنی ما واقعا این اطمینان را هم نداریم ...  
بهروز ارمغانی: ... بله.

تقی شهرام: ... که پلیس توش نباشه، تو رهبریش نباشه حتی ...  
بهروز ارمغانی: ... ولی گروه های هستند که بعضی از عناصر این  
ها ...

تقی شهرام: ... بله.  
بهروز ارمغانی: ... که عمدتا هم عناصر رهبری این گروه ها  
هستند، احیانا ...

تقی شهرام: ... درسته.  
بهروز ارمغانی: ... اگر گروه رهبری انسجاماتی داشته باشه ...  
تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... چون، این بعضی ها هم که اصلا به طور کلی  
حالت گروهی ندارند بلکه شکل به اصطلاح تجمع طبیعی افرادند.  
یعنی فامیل اند با هم یا مثلا دوست و آشناهای قدیمی اند و هیچ به  
اصطلاح انسجام گروهی هم ندارند، حالا اون ها هم یه پروسه دیگه  
س ...

تقی شهرام: ... صحیح.

بهروز ارمغانی: ... ولی اون گروه هایی که انسجام گروهی هم  
دارن، عمدتا رهبری این گروه ها به اصطلاح بیشتر نزدیک به اون  
عناصر اولیه این گروهه، ولی کادرهای این گروه ها می تونن عناصری  
باشن که به قول تو که هنوز در مورد موضع خودشون جا نیافتادن ...  
تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... و می شه با این ها با توجه به این که  
رهنمودهای ما به اصطلاح یا حتی پاره ای از در اختیار گذاشتن  
تجرباتی که اونا، از اصلا آگاهی بهش ندارند می شه از بین این ها



افرادی به وجود بیاره که تمایل به مبارزه مسلحانه را هم درشون ایجاد کنه ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**بهروز ارمغانی:** ... و آگاه هم باشن به این قضیه که این تمایل درست در این رابطه است که این افراد خودشون از اون آریستوکراسی کارگری نیستن ...

**تقی شهرام:** ... درست. آهان این نکته مهمه، هستند بین شون که در واقع جزو آریستوکراسی کارگری نیستن ...

**بهروز ارمغانی:** ... ولی در دام این آریستوکراسی افتاده اند ...  
**تقی شهرام:** ... درسته، آفرین.

**بهروز ارمغانی:** ... ما می تونیم با مرزبندی این مسئله ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... که البته می شه با بحث های مفصل تر و با رایه تجربیاتی در این مورد وجود داشته و اینها ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... می تونیم این مرزبندی را بکنیم ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.

**بهروز ارمغانی:** ... و عمدتا نیروی مون رو صرف این گروه ها بکنیم، این افراد بکنیم.  
**تقی شهرام:** ... خیلی خوب.

**بهروز ارمغانی:** ... و حالا ...

**تقی شهرام:** ... در شکلش فقط بحث می مونه، یعنی واقعا در محتوی ما هیچ اختلافی در این جا یعنی ما توافق داریم در واقع در مسئله این که باید با این ها فقط برخورد کرد و عناصر صحیح و درست حسابی شون رو از توشون جذب کرد و تحت چارچوب ها و هدف های خودمون سازمانشون داد، ببینید ما اصلی ترین هدفمون اینه، اینا را بیاریم نیروهاشون رو جذب کنیم تحت هدف های مبارزه مسلحانه، اینا رو چکار کنیم سازمان بدیم. هر چی بیشتر در واقع اینا را بکشونیم به این سمت در یک جریان چی؟ مبارزه و این جریان

مبارزه باید در یک چارچوبی در یک شرایطی یا یک شکلی صورت بگیرد ما این شکلش رو پیشنهاد کردیم که آقاجون بیاین در یک چارچوب جبهه ای، حالا شما می گید که این چارچوب جبهه ای واقعا به معنای اینکه به رسمیت داریم می شناسیم خط اونا رو، نه. ما خط فاصله مون رو تعیین می کنیم تو این جبهه، اصلا امکان نداشت، بیرونشون می کنیم ...

**حمید اشرف:** ... قبل از تشکیل تعیین می کنین یا بعدش؟

**تقی شهرام:** ... تعیین می کنیم، تعیین می کنیم، قبل از تشکیل تعیین می کنیم. مشخصا قبل اش، یعنی ما مسلما نمی تونیم با یک حالت در یه سازمان مخدوش هر چند سازمان، سازمان واحد نباشه، یعنی یه سازمان جبهه ای حتی به طور مخدوش، شرکت کنیم. معنا نداره ...

**بهروز ارمغانی:** ... بدون مرزبندی نمی شه یه سازمان در جبهه شرکت کرد دیگه، مرزبندی لازمه!

**تقی شهرام:** ... بابا مرزبندی لازمه، یعنی اول ما باید در اصول چکار کنیم؟ مرزبندی بکنیم، بگیم آقا این، این، این و شما هم این، این، حالا می آیم مثلا تو یه جبهه کار می کنیم و بعد این ضوابط هم باید رعایت بشه این برخوردها هم بشه و الآخر. می دونی چرا؟ برای این که ما از خودمون می دونی شک نداریم ببینین ما معتقدیم ما مثلا تو، واقعا برخورد کردیم با اینا ما هر چه بیشتر سعی می کنیم مثلا با عناصر بیشترشون برخورد کنیم چون اینا مثلا می رن مثلا دارن با یکی دوتاشون می خواد برخورد بشه و اینا ما مطمئن نیستیم که می رن به همه کادرشون حرف های ما را به سیاسی کارها منتقل می کنند، چون نمی کنن واقعا. ما که از خودمون شک نداریم ما به اندازه کافی دلیل و فاکت داریم، دقت می کنی، حتی مثلا جالبه اینا همون متونی که مثلا ما گذاشته بودیم با یکی از اینا، اصلا "چه باید کرد" را گفتیم بخوونیم باش، گذاشتیم، باباجون بیا بشینیم، "چه باید کرد" بخوونیم، اصلا ما با شما، اصلا نمی دونستن ما هنوز سازمانیم ما ها، یعنی فکر می کنن ما یه گروه مارکسیستی ایم. بیا

بشینیم مثلاً "چه باید کرد" بخوونیم، تو همون "چه باید کرد" بهشون نشون می دادیم و نشون دادیم که چگونه نقطه نظرای اینا چیه؟ انحرافی، اینا در واقع اکونومیست های خرده کاری بیش نیستن، یعنی منتهی این و ما نمی تونیم، یعنی ما فقط دو نفرشون می تونیم بکنیم، اما در یه جبهه مثلاً درصد کل سازمان شون، گروه شون بکنیم.

**بهروز ارمغانی:** ... ولیکن مهم تر از این مسئله که من گفتم و تو هم تایید کردی، این بود که ما بدونیم که اینا واقعا رابط با همون آریستوکراسی کارگری نیستن.

**تقی شهرام:** ... آخه این و دیگه می دونی، این و ما مجبوریم به طورمشخص تحلیل کنیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... آهان همون دیگه یه تحلیل مشخص از گروه های مشخص می شه.

**تقی شهرام:** ... باریکلا، خب ولی آخه این قبلا معنایش آیا این نیستش که ما یک زمینه ای بذاریم برای این که یه جایی با اینا برخورد کنیم بعد آن وقت به طور مشخص بریم جلو و یقه شون و بچسبیم؟

**حمید اشرف:** ... اون در اجتماع است ...

**تقی شهرام:** ... هان؟

**حمید اشرف:** ... اجتماع ست ...

**تقی شهرام:** ... خب اجتماع ست، خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... اجتماع، این همون جایی است که الآن باهاشون برخورد می کنید ...

**تقی شهرام:** ... باشه ...

**حمید اشرف:** ... و شما دارین "چه باید کرد" رو باهاشون می خونین، تاثیر می گذارین ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و چقدر هم جالبه این کاری که می کنین.

**تقی شهرام:** ... بله، خوب ما این کار و داریم می کنیم. ولی آخه یه مسئله هست، الآن ما داریم اینکار و می کنیم می دونی چه جوری

داریم می‌کنیم گفتیم به این عنوان این طرف داره با ما تماس می‌گیره که ما جزو سازمان های مثلا مسلح نیستیم، فکر می‌کنه که مثلا یه گروه اند و این گروه حالا داره با اینا برخورد می‌کنه و هنوز هم ...

**حمید اشرف:** ... همین هم کار خوبییه ...

**تقی شهرام:** ... و هنوز هم مثلا مشخص ...

**حمید اشرف:** ... به این ترتیب که، عملی اش کاملا محرز و مورد تاییده در صورتی که شما بتونید این ها رو در عمل، اگر عناصر صادقی باشن، واقعا.

**تقی شهرام:** ... آخه، خب، همین مسئله اتفاقا برای ما همین مطرحه، که ما بتونیم هر چه بیشتر عناصری از این، عناصری به اصطلاح واقعا مساعدی که در درون این ها هستن و عمدتا کارگرای ساده را، یعنی لامصب کارگرای ساده شون هم که نمی‌آن با ما بحث کنن، همون تیپ های روشنفکرشون می‌آن. و جالب این جاست که اینا که خودشون واقعا تا مغز استخون روشنفکرن، این جنبش مسلحانه ایی ها رو، عجیب می‌گن اینا، اینا یه مشت روشنفکرن. خیلی جالبه اینا به اعتبار مثلا فرضا هفت، هشت، ده ساعتی که می‌رن تو کارخونه کار می‌کنن، فکر می‌کنن که دیگه کمر غول رو شکستن و حالا دیگه مثلا صد در صد هم پرولتر شدن. نمی‌آن که بگن نقطه نظر مثلا واقعا غیر پرولتری دارن. نمی‌آن بگن تفکرات شون چقدر در واقع بورژوازیه و چقدر به منافع بورژوازی خدمت می‌کنن. اینا رو نمی‌خوان بپذیرن، و ولی می‌دونید هنوز تنگه، یعنی هنوز این برخورد با این ها کوچک و تنگه، و ما می‌خواهیم شیوه های بهتر و اصولی تر و در واقع گسترده تری در پیش بگیریم. چرا؟ چون قدرت داریم. ببینین! اگر جنبش مسلحانه قدرت نداشت ما واقعا خیلی باید احتیاط می‌کردیم، ولی بقول لنین کسی که از خودش اطمینان نداره از وحدت هم می‌ترسه، درست. بین وحدت و من می‌گم اول باید اصول تعیین بشه و مشخص بشه بعد هم یه چارچوب می‌ذاریم براش. ما که نمی‌ترسیم، در واقع از برخورد با اونا، ما چه ترسی داریم؟

بهروز ارمغانی: ... آخه مسئله ترس نیستش، مسئله چیز دیگه ست.  
تقی شهرام: ... می دونم واقعا ترس نیست ها، می دونم شما هم  
نمی ترسید، ولی وقتی که ما می تونیم در واقع بریم و برخورد کنیم و  
در یک چارچوب وسیع تری، وسیع تر درواقع با اینا برخورد بکنیم و  
مبارزه ایدئولوژیک مان را گسترده بکنیم در سطح اینا، چرا نکنیم؟  
بهروز ارمغانی: ... خب رفیق این مسئله هست که ...

تقی شهرام: ... ها!

بهروز ارمغانی: ... برای من یه سوال پیش اومد ...

تقی شهرام: ... بگو!

بهروز ارمغانی: ... در ارتباط با، این که تو گفتی که چون به دلیل  
این که مشخص نشده که شما سازمان مسلحی نیست ...  
تقی شهرام: ... آها.

بهروز ارمغانی: ... اینا با شما حاضر به صحبت با شما ...

تقی شهرام: ... حالا البته ما ضرورت ...

بهروز ارمغانی: ... ولی واقعیت به چه شکله؟

تقی شهرام: ... هیچی!

بهروز ارمغانی: ... یعنی اگر بدونن

تقی شهرام: ... نمی دونیم.

بهروز ارمغانی: ... قطع تماس می کنن؟

تقی شهرام: ... نمی دونیم.

بهروز ارمغانی: ... هان این مسئله یه مقدار ...

تقی شهرام: ... می دونی، ما، چون از نظر امنیتی اشکال داره  
قضیه ...

بهروز ارمغانی: ... نه حالا اون و کار ندارم ...

تقی شهرام: ... آها.

بهروز ارمغانی: ... می گم که این مسئله به طور کلی ...

تقی شهرام: ... آها.

**بهروز ارمغانی:** ... یه خرده خطوط اون جبهه رو روش می کنه  
ها ...

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**بهروز ارمغانی:** ... اگر واقعیت اینه که این گروه ها حتی حاضر به  
تماس با امثال مجاهدین نیستند ...

**تقی شهرام:** ... آخه تقصیر ماست، ببینین ما الان، این به دلیل  
امنیتی ما نتونستیم این کار رو بکنیم این دلایل امنیتی داشت طرف  
نمی خواست بگه که مثلا من عضو مجاهدینم ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب آره ولی مثل خیلی به دلایل امنیتی چیز  
دیگه ای نداشت؟ یعنی اگر احیانا می گفت می گفت ما ارتباط مون  
رو قطع می کنیم یا نه؟

**تقی شهرام:** ... نمی دونیم این و دقیقا! می دونی ... این و دقیق،  
هنوز، چون تجربه در مورد مثلا، این گروه نکردیم.

**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... نمی دونم، دقیقا نمی دونیم، شاید مثلا می گذاشت  
می رفت. شاید نمی رفت، شاید می گفت مثلا این برخوردارش مثلا  
عوضی تر می شد، نمی دونم والله، این و باید ما هنوز هم با اون  
رفقای رابط و اینا هنوز صحبت نکردیم، مثن این آدم ها بگن ما بگیم  
بهشون چی می گن. ولی منظور ما این جاست که اگر هم حتی اونا  
بذارن برن معنانش این نیست که ما ولشون کنیم، باید یقه شون  
بچسبیم. بذاریم برن، معلومه می زارن در می رن از ما ، امکان داره  
یه عده شون هم بذارن در رن، برای این که واقعا می ترسن، می  
ترسن، ضعف دارن. ما نباید ولشون کنیم برن، باید یقه شون بچسبیم  
چکار دارید می کنید شما، دارید خیانت می کنید.

**بهروز ارمغانی:** ... خب، این که می شه به شون گفت.

**تقی شهرام:** ... نه خب، درسته در یک چارچوب تئوریک ...

**بهروز ارمغانی:** ... همون.

**تقی شهرام:** ... در یک چارچوب سازمانی، در یک چارچوب تئوریک.  
ببینید، این و می خوایم بگیم، والله ما بقول معروف ما کشته مرده این

آدمای نیستیم که بخواهن بیان مثلا فرض کن، برن تو کارخونه کار بکنن و یا مثلا، یعنی واقعا خرد، ... چیزی هم نداریم، یعنی حساب خرده ای هم باشون نداریم، یعنی قضیه این جاست که ما می خواهیم شیوه های صحیح مبارزه ایدئولوژیک رو واقعا دنبالش بریم و اون شیوه های صحیح که ما را به این طرف ها می رسونه پیدا کنیم نه این که این فحش و فحش کاری که گروه های خارج می کنن، الان جاهایی هست دیگه، این قضایا. ما اینیم، حالا تو این بحث بریم جلو.

**حمید اشرف:** ... پس این هم که، شما امکان داشته باشه این خطوط رو با توجه به تجاری که پیدا کردید و جمع بندی که دارید در چاپ دومه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اون جزوه اعلام مواضع ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... منعکس اش بکنید، فکر می کنم جنبه های مثبتی داشته باشه.

**تقی شهرام:** ... والله ما راجع به چاپ دوم هنوز فرصتی یعنی چاپ می خواهیم بکنیم بدونه، قصد داشتیم یه مقدمه دیگه سرش بذاریم، یه سری باز مسایلی پیش اومد، نشد. اگر که، از نظر یعنی می خواین می تونیم بحث بکنیم. چون ما فکر می کنیم که اون کافیه شما بگید اشکالاتش چیه، ما توضیح می دیم. تو این چاپ دوم حتما یه مقدمه می داریم، متوقفش می کنیم تا مقدمه زده بشه.

**حمید اشرف:** ... اشکالات اش که خوب اون در حقیقت چیز مشخصی نیست

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... فقط باید بیاییم اول، انگیزه ها، هدف هامون خیلی دقیق ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در رابطه با این مسئله جبهه واحد، مشخص  
بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... بله، خب ما الآن واسه همین این جا اومدیم این  
جوری نشستیم.

**حمید اشرف:** ... مرزبندی رو، مرزبندی نیروها رو، اولاً نیروهای  
موجود را تحلیل بکنیم و مرزبندی میان نیروها را مشخص بکنیم و  
شعارهای جبهه را هم مشخص بکنیم.

**تقی شهرام:** ... آخه این ها را من نمی تونم بکنم که، ما نمی تونیم  
بکنیم که عزیزم.

**حمید اشرف:** ... نه ببینید ...

**تقی شهرام:** ... این کار رو باید بشینیم ...

**حمید اشرف:** ... در اینجا پیشنهاد دهنده باشید ...

**تقی شهرام:** ... آها، باشه ببینین یه مسئله رو شما در نظر  
بگیرید ...

**حمید اشرف:** ... کار و بکنید.

**تقی شهرام:** ... ببینید رفقا یه مسئله رو در نظر بگیرید ما، شما هم  
خوب می دونید ما هم خوب می دونیم که در وحله اول آنچه که اهمیت  
داره تو جبهه برای ما وحدت با شماست. این، خیلی، بدون هیچ رو در  
واسی می گیم، شوخی بردار که نیستش قضیه. یعنی واقعا برای ما  
وحدت با شما اصله. ولی این معنانش این نیستش که اگر واقعا شما  
خواهان وحدت نباشید ما با نیروهای مبارز دیگه متحد نمی شیم. این  
هم هستش که وقتی ما می گیم وحدت با شما اصله در این مورد که  
اگر واقعا نظر، یعنی نظرات شما برای ما خیلی به اصطلاح قابل  
استماعه، یعنی ما می شنیم، بحث می کنیم و قبل از اینکه حتی،  
یعنی ما اگر این امکان رو، حالا اگر اون مسائل پیش نبود، یعنی  
شما مطمئن باشید، یعنی که اگر قبل از این که، یعنی ما این شعار  
این جبهه را بخوایم بدیم، اگر اون مسایل نبود و شما مواضع رو نمی



گرفتید و یا حتی مثلا اون "شعارهای وحدتی"<sup>۱</sup> که نوشتید و واقعا باز هم ما را متقاعد کردید که ما نمی‌تونیم با شما بحثی داشته باشیم، چون واقعا خیلی دور هستید از مواضع ما، حالا با همان نقطه نظرهای حتی غلطی که داشتید. ما طرح می‌کردیم ما قبل از این که اعلام بکنیم این و با شما طرح می‌کردیم و می‌گفتیم خب حالا شما چی می‌گید ما اون جا مثلا، مسایل جبهه رو، می‌گفتیم آقا ما یه چیزهایی می‌گیم، هیچ دلیلی نداره که حالا تمام ضوابطش همین باشه یا اصلا ضوابط دیگه ای نخواد داشته باشه، نه! یه طرحه، یه پیشنهاد شما هم، هر کس دیگری هر نظری می‌تونه داشته باشه، و ما با همین زمینه کار می‌کنیم. یعنی فردا حالا با شما داریم، واقعا یعنی مسئله خیلی روشنه، شما نظراتی دارید می‌گید واقعا یه جاش ایراده یا این ضوابط باید اضافه شه، ما اگه قبول داشته باشیم، بشینیم به توافق برسیم. تو این جا به جایی ضوابط رو هم اضافه می‌کنیم، مسئله ای نیست از نظر ما ...

**حمید اشرف:** ... من فکر می‌کنم ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... برای اینکه پاسخ بتون بدن نیروها به این جبهه ...

**تقی شهرام:** ... ضوابط اش باید معلوم تر بشه.

**حمید اشرف:** ... ضوابط اش باید معلوم بشه، ولی این ...

**تقی شهرام:** ... آخه این ...

**حمید اشرف:** ... پاسخی که ... نیروها نخواهند داد به این جبهه.

**تقی شهرام:** ... چرا! مسلما این طور نیست. یعنی در واقع خوب این پاسخ رو این طوری می‌دن که با ما وارد یه سری مباحثاتی می

---

۱ - اشاره به سر مقاله نشریه نبرد خلق، شماره ۶، در اردیبهشت ۱۳۵۴، است که در آنجا با عنوان "شعارهای وحدت" به مقابله با ایده وحدت در میان گروه‌ها و سازمان‌های مبارز در جنبش پرداخته بود. در این مقاله بدون نام بردن از سازمان مجاهدین خلق ایران، از حتی فکر وحدت با این سازمان نیز اجتناب شده بود. برای دیدن این نشریه به این آدرس مراجعه کنید:

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha\\_ta\\_1357-nabarde\\_khalgh\\_6.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha_ta_1357-nabarde_khalgh_6.pdf)

شن و خوب این پاسخ معلومه که از درون این مباحثات به یک توافقی اگر رسیده بشه، پاسخ می دن. این حتما که نمی خوان یه چیزی، سند کتبی از ما بگیرن چون یه مسئله ای، تجربه اش تو ایران نیست، یه چیزیه که در واقع ما خیلی نمی خواهیم حرف بزنیم فقط که، ما دنبال اش هستیم داریم کار هم می کنیم که به این به اصطلاح تئوری ...

**حمید اشرف:** ... با توجه به این، جبهه ای که شما توصیه می کنید ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... جبهه واحده ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، جبهه واحد.

**حمید اشرف:** ... جبهه واحد یک معنی مشخصی داره ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، یعنی معلو ..

**حمید اشرف:** ... جبهه ای که تمام نیروها رو شامل بشه!

**تقی شهرام:** ... آخه، عملا ما می بینیم که نیروهایی که دارن مبارزه می کنند در ایران، جبهه واحد مرکب از نیروهای واحد در جبهه نبرد، یعنی عملا اینا که دارن مبارزه می کنن با رژیم معلوم هم هست که چه کسانی هستند. جبهه معلومه، یه مبارزه ضد امپریالیستی داریم ما، مبارزه ضد امپریالیستی ما معلومه، مرکب از نیروهای پرولتاریا، مرکب از نیروهای خرده بورژوازی، جناح های مختلف اش، و یه مبارزه مثلا فرض کن احيانا از جناح های مختلف اش دیگه مبارزه مثلا دهقانی و فلان اینا توش می گنجه و غیره. و همینه و این جبهه خب حالا اسمش و گذاشتیم واحد، معنانش اینه که، یعنی همه این نیروها می تونن وقتی علیه رژیم یه موضع اصولی مبارزه جویانه ای داشتند تو این جبهه بیان، آیا شما با این مخالف اید؟ یعنی اصلا با اصل واحد بودن جبهه مخالف اید؟ یعنی تو ایران مثلا چند جبهه باشه؟ مثلا یه جبهه مثلا ضد فرض کنید که بورژوازی باشد، یه جبهه مثلا ضد امپریالیستی آمریکا باشه، یه جبهه هم مثلا ضد مثلا فرض کنیم که سلطنت باشه! چی؟ چه جوری؟ چند تا جبهه می تونه باشه؟

**حمید اشرف:** ... والله، ما معتقدیم با توجه به این که نیروهای طبقاتی هنوز در جامعه شکل گرفته نیستند و اقشار مختلف طبقاتی ...

**تقی شهرام:** ... می شه همون حرف و صحبت "شعار" است دیگه، "شعارهای وحدت"<sup>۲</sup>!

**حمید اشرف:** ... که به اصطلاح ... تشکل خودشون و پیدا نکردن ...

**تقی شهرام:** ... یعنی به بیاند مثلا یک ...

**حمید اشرف:** ... جبهه اساسا معنی نداره ...

**تقی شهرام:** ... آخه یعنی ببین ...

**حمید اشرف:** ... جبهه واحد موقعش نیست.

**تقی شهرام:** ... هان، چه طور، چه طور این مسئله قابل اهمیت، که مثلا این نیروها بیان مثلا برچسب بزنن به سینه شون بگن مثلا ما نماینده فلان هستیم مثلا این طوری؟ چه جوهری آخه؟ این که تو می گی اون جا هم نوشته شده که مثلا اونا نمیان خودشون، قبول نمی کنن که مثلا نماینده فلانند، خوب نکنن، سیاستشون در عمل این و نشون می ده.

**حمید اشرف:** ... نه، اینها اصلا نه تنها نماینده، نه تنها، در به اصطلاح، یعنی در شکل عملی اش نیستن ... و اساسا پشت شون یک جریان اجتماعی به اون شکله مشخص اش صف آرای می کرده.

**تقی شهرام:** ... آخه این دیگه، این یه چیز، درست همون، ببین الان رسیدیم به همون جا که ما بخوایم بنشینیم باز جریانات اجتماعی

---

۲ - باز هم اشاره به سر مقاله نشریه نبرد خلق شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۵۴ با عنوان "شعارهای وحدت" است. در این مقاله در همان صفحه اول خود نوشته شده است: "در شرایط کنونی، سازمان های انقلابی ضد رژیم به هیچ وجه نمی توانند تشکیل جبهه واحد دهند، زیرا این سازمان ها خود نه تنها تا کنون به نماینده واحد این یا آن طبقه تبدیل نشده اند، بلکه هنوز رابطه ارگانیک با طبقه ای که نماینده ایدئولوژی آن هستند، نیز پیدا نکرده اند، بنابر این کاملا نماینده توان انقلابی و نقش تاریخی طبقه خود نیستند، که بتوانند بر اساس آن، نقش مشخصی در جبهه بیابند. در واقع می توان گفت که ما تا تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی فاصله زیادی داریم." همان منبع پیشین.

بیاد یه چیزی رو حل کنه، و به نفع خودمون تموم اش کنیم. اینم ما، ما می دونیم که نه تنها برای اونا، برای هیچ کدوم از ما نه، اون طور مثلا برای سازمان شما جریان اجتماعی پشت سر شماست، نه مثل سازمان، نه برای سازمان ما، نه برای هیچ سازمان دیگه. ولی یکی از وسایل این که این جریان اجتماعی پشت سر این جنبش انقلابی بیاد صف آرایی بکنه همین جبهه ست. این و شما پاسخ بدین. اگر اون جا ما طرح مسئله جبهه رو می کنیم، اون جا همین طور سر هوا نمی آییم بگیم آقا جبهه، دلایلی می آریم. در حالی که شما در "شعارهای وحدت" در واقع بدون هیچ دلیل مشخصی دارید صرفا می گید که بله چون سازمان ها دلایل مثلا ماهیت طبقاتی شون و پشتوانه طبقاتی شون دقیقا مارک نخورده و مشخص نیست و خودشون اقرار و اعتراف نمی کنن، بنابراین جبهه نمی تونه به وجود بیاد. در حالیکه اصلا مسئله این طوری طرح نمی شه، مسئله این طوری طرح می شه، خود جبهه و خود وحدت یکی از وسایل همین چی، توده ای شدن. یکی از وسایل همین که همه نیروها پشت سر همین سازمان هاشون دربیان. ببینید، اصلا قضیه فرق کرده، ها!

**حمید اشرف:** ... به چه شرطی این کار عملی یه؟

**تقی شهرام:** ... آها، ببینید، فهمیدی چی شد؟ نمی دونم حرف، نکته حرف من و متوجه شدی یا نه؟ ببینید، تو مسایل رو از یه جایی مطرح می کنی که اصلا مسایل به قول معروف هیچ وقت جواب نمی تونه داشته باشه. یعنی اون حرفایی که "شعار وحدت" زده خیلی جای حرف داره برای این که اصلا حرفی نیست، مثل این می مونه که آدم هر موقع می تونه بگه که مثلا فرض کنید که مبارزه ما شکست خورد برای این که توده ها ازش حمایت نکردن. خب، می گیم مرد حسابی خب تو چه کار کردی؟ چه وسایلی چه شیوه هایی به کار بردی که توده ها ازت حمایت نکردن؟ یا چه شیوه هایی می تونستی ببری به کار، حمایت کنند. حالا هم حرف ما هم همین، که مسئله جبهه نه به این دلیل که به اصطلاح، نمی تونه به این دلیل رد بشه که چون مثلا فرض کن سازمان ها دقیقا نماینده طبقه شون نیستن پس نمی تونن

تو این جبهه جمع بشن، بلکه، خود جبهه یکی از وسایل جمع شدن این نیروها پشت سر این سازمان هاست، و این نکته مهمیه که ما تو بیانیه طرح کردیم و شعار جبهه را از تو این تحلیل بیرون آوردیم. شما این طوری با قضیه برخورد بکنید.

**حمید اشرف:** ... عزیز، سوال من همینه که چطور؟

**تقی شهرام:** ... کردیم، اون جا نشون دادیم.

**حمید اشرف:** ... چطوری نشون دادید؟

**تقی شهرام:** ... خب، مشخصا اگر بخواهید بحث می کنیم، ما سوالات چندی رو مطرح کردیم.

**حمید اشرف:** ... طرح، کردید؟

**تقی شهرام:** ... بله، ما سوالات چندی را طرح کردیم در اون جا و نشون دادیم که برای پاسخ به چنین سوالاتی، برای این که واقعا این مسایل و مشکلات حل بشه از جنبش، ما باید به چنین سمتی بریم، باید به چنین سمتی بین نیروهای انقلابی بریم. چرا ما باید به جنبش مثلا فرض کن در روستا داشته باشیم و هیچ ارتباطی با جنبش در شهر نباشه؟! من از شما این سوال را می کنم، شما تو اون جلسه برگشته بودید، گفته بودید که مثلا دکتر اعظمی<sup>۲</sup> اینها هیچ کی نبودن و مثلا هیچ نیرویی نبودن، هیچ مثلا انگار، انگار نه انگار. در حالی که واقعا این، غیرمنصفانه بود شما این رو توجه نمی کنید که مثلا دکتر اعظمی واقعا یک لرستان را تکون داد. دکتر اعظمی اینها ما کار نداریم فردن چی بودند، ولی جریان شون خیلی تاثیر گذاشت و این واقعا منصفانه نیستش که شما یک چنین برخوردی رو بکنیم، شما در، باید ...

---

۲ - دکتر هوشنگ اعظمی لرستانی (۱۳۵۵-۱۳۱۵)، پزشک انقلابی و انسان دوستی بود که در خرداد ماه سال ۱۳۵۳، به کمک همفکران و هوادارانش، یک شورش مسلحانه در منطقه بروجرد و خرم آباد بوجود آورد. چند تن از اعضای گروه او از اعضای سچفخا بودند. این جنبش روستایی و عشائری توسط ساواک سرکوب شد و بسیاری از اعضای آن دستگیر و در زندان ها به شدت شکنجه شدند. دکتر اعظمی در بهار ۱۳۵۵ در یک درگیری مسلحانه به شهادت رسید. برای اطلاعات بیشتر ر.ش: به کتاب، کمالوند فریده، یادهای ماندگار، تهران، ۱۳۸۱.

**حمید اشرف:** ... شما در این زمینه و رابطه آیا یک تحلیل اجتماعی دارید؟

**تقی شهرام:** ... کدام جریان؟

**حمید اشرف:** ... در رابطه با جریاناتی که در نوشته تون، جنبش دهقانی از اسم می برین؟

**تقی شهرام:** ... نمونه ش رو ما توضیح دادیم، جریانات شون یه مقدار جریانات ملیه، یه مقدار هم جریانات دهقانی که از طرف همین گروه های مثل دکتر اعظمی ایجاد می شه، دو تا جریان داریم ...

**حمید اشرف:** ... جریان دهقانی که بهش آشنایی داشته باشین ...

**تقی شهرام:** ... مثل جنبش دموکرات<sup>۴</sup>، تو کردها اصلا ...

**حمید اشرف:** ... همین جریان دکتر اعظمی را داریم؟

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... شما تحلیل تون از این مسئله چی هستش؟

**تقی شهرام:** ... یعنی چی تحلیل مون از این جریان چی هست؟

**حمید اشرف:** ... تحلیل تون از جنبش دکتر اعظمی چیه ؟

**تقی شهرام:** ... ببین، من کاری به این ندارم که مثلاً جنبش، من اصلاً هیچ استراتژی نخوندم نمی دونم، من این و کی، مثلاً چی ...

**حمید اشرف:** ... پس چطوری تشخیص می دین، چی می بینین اش؟

**تقی شهرام:** ... یعنی چی، آخه؟

**حمید اشرف:** ... اصلاً چیه این جریان؟

**تقی شهرام:** ... بنظر ما، این تقریباً در همون حدیه که همان رفقای فدایی، رفقای سیاهکل عمل کردن، این تقریباً همونه، اینا اومدن یه جریان جنبش را آغاز بکنن، ضربه خوردن، خیلی مشخصه. یعنی

---

۴ - اشاره به مبارزات باقی ماندگان حزب دمکرات کردستان ایران همچون عزیز یوسفی (۱۳۵۷-۱۳۰۷) و همچنین مبارزین کرد در دهه پنجاه است که بسیاری از آنها از مؤسسين سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومله) شدند. این افراد بارها بخاطر مبارزاتشان به زندان می افتادند. از جمله فواد مصطفی سلطانی (۱۳۲۷-۱۳۵۸) از کومله.

همون، یعنی اگه شما می گید که واقعا جنبش مثلاً سیاهکل رو، و این خیلی این برای ما خیلی قابل توجه بود، یعنی رفقا روی این مسئله، وقتی بزارند برا ما گوش دادیم، یعنی ما تعجب کردیم، شما مثلاً اثرات جنبش رفقا رو در جنگل چنان به اون شکل ارزیابی می کنید، ولی مثلاً جنبش دهقانی رو که واقعا رو دهقانان اون جا چه تاثیراتی گذاشت مثلاً دیدید اقداماتی که رژیم کرد، تمام را می گشت تمام منطقه رو بسته بود، نمی، جیب هاشون و می گشت که یک تکه نون قرص بیش تر حق نداشتن حمل و نقل بکنن و واقعا تاثیرات اجتماعی گذاشت حالا شده، خب از هر طریق، حالا از نظر بعضی ها می گن که دکتر اعظمی زنده ست و تو تهران دیدنش و همچون حرف هایی هم می زنند. بعضی ها می گن رفته عراق و از این بحث ها، به اوناش کار نداریم ولی به هر حال یه حرکتی بود، یه حرکت توده ای بود یه حرکت مبارزاتی بود حالا خطش چی بود ما اصلاً چیزی منتشر نشده که اطلاع داشته باشیم.

**حمید اشرف:** ... یعنی چیزی به صورت جنبش دهقانی پس شما قبول دارین هست در ایران، در شرایط کنونی ...

**تقی شهرام:** ... مسلمه!

**حمید اشرف:** ... یعنی وقتی نیروها را طبقه بندی می کنید ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... نیروها ی جبهه را به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... متوجه جریانات دهقانی هم باشید.

**تقی شهرام:** ... منظور از جریانات دهقانی برای ما در اشکال ملی خیلی مشخصاً موجوده. مثل مثلاً همین جریانات دموکرات های کرد یا جریانات بلوچ ها، یا ...

حمید اشرف: ... جریان‌ات بلوچ‌ها را ...  
تقی شهرام: ... همین اهوازی‌ها.<sup>۶</sup>  
حمید اشرف: ... شما تحلیل دارین؟  
تقی شهرام: ... تحلیل ما الآن هستش، یه دونه جزوه<sup>۷</sup> دادن، شاید  
مثلا منتشرش کنیم ما.  
حمید اشرف: ... ما با این نیروها چند ساله در ارتباط هستیم ...  
تقی شهرام: ... خیلی خوب.  
حمید اشرف: ... و تحلیل ما از این‌ها این هستش که این‌ها در  
حقیقت یک جریان ...  
تقی شهرام: ... هیچی نیستند.  
حمید اشرف: ... ادامه داری در محیط‌های خودشون نیستند ...

---

۵ - اشاره به مبارزات چند گروه در منطقه بلوچستان است، از جمله "جبهه تحریر بلوچستان" و همچنین "سازمان جنبش خلق بلوچ". برای مطالعه بیشتر به این سایت مراجعه کنید:

<http://magass.blogspot.com/1388/10/22/post-16>

۶ - اشاره به یک گروه کوچک و ناسیونالیست عرب با نام "جبهه التحریر احواز و عربستان" (جبهه آزادیبخش اهواز و عربستان) در خوزستان بود که گردانندگان اش در سوریه و عراق حضور داشتند و تعدادی از اعضایشان هم در زندان‌های اهواز و تهران حبس می‌کشیدند. این گروه خواهان استقلال خوزستان، زیر نام عربستان بودند. با امضای قرارداد الجزایر در اواخر سال ۱۳۵۳، بین ایران و عراق بقایای این گروه به سوریه رفتند. برای مطالعه به این آدرس مراجعه کنید:

<http://tarikhirani.ir/Modules/Files/Phtml/Files.PrintVersion.Html.php?Lang=fa&Typeld=14&fileId=142>

۷ - اشاره به کتابچه‌ای است به نام: "انقلاب کرد"، سرمقاله‌ها و ضمیمه‌های نشریه وحده القاعده، نشریه حزب کمونیست عراق - رهبری مرکزی، که توسط محسن فاضل از عربی ترجمه شده بود. این کتاب سرانجام در سال ۱۳۵۶ در سوئد چاپ شد. نسخه اینترنتی آن را می‌توانید در این آدرس ملاحظه کنید.

[http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Enqelab\\_kurd-Fasel.pdf](http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Enqelab_kurd-Fasel.pdf)



**تقی شهرام:** ... آخه رفیق اگه جریان، من این و سوال می کنم  
جریان، اگه مثلا تاریخی می گی ادامه دار، یه بحثیه، خیلی خب،  
نیست، نباشن، الان چکار می کنن؟ الان که نیرو هستند! ...

**حمید اشرف:** ... الان هیچ کاری نمی کنن ...

**تقی شهرام:** ... هیچ، هیچ نیرویی نیستند اصلا؟

**حمید اشرف:** ... هیچ کاری نمی کنن و هیچ نیرویی هم نیستن!

**تقی شهرام:** ... این حرف شما مخالفه با ...

**حمید اشرف:** ... مخالفه با فاکت هایه؟

**تقی شهرام:** ... مخالف با خیلی از فاکت هاست.

**حمید اشرف:** ... یکی از این فاکت ها را می تونید عرضه کنید؟

**تقی شهرام:** ... خب، تعجب می کنم شما از یک طرف ...

**حمید اشرف:** ... نه خیر هم ...

**تقی شهرام:** ... می تونید شما خیلی جالبه از یه طرف می دونید،  
از یه طرف شما مثلا فرض کنید تو خارج با این جبهه ای ها<sup>۸</sup> مثلا،  
فرض کن اکبر، حسن ماسالی<sup>۹</sup> و نمی دونم اکبر موسکویچی<sup>۱۰</sup> اینا

---

۸ - اشاره به تشکل "سازمان های جبهه ملی ایران در خاورمیانه" که متشکل از فعالین چپ دانشجویی درون جبهه ملی ایران بودند. منابع بسیاری از تاریخچه و انتشارات این سازمان که بعدها با نام سازمان اتحاد کمونیست و سپس سازمان وحدت کمونیستی شناخته شد در این سایت موجود است:

<http://www.vahdatcommunisti.org>

۹ - حسن ماسالی، در فاصله سال های ۱۹۶۱-۱۹۷۰ در تاسیس و کادر رهبری جبهه ملی ایران در اروپا فعال بود و در کادر رهبری کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی قرار گرفت و پنج بار به عنوان دبیر آن انتخاب شد. در سال ۱۹۷۰ به اتفاق افرادی دیگر همچون خسرو کلانتری و اعضای جوان تر جبهه ملی در خارج از ایران که طی سالهای دهه ۱۳۴۰ مارکسیست شده بودند، تشکلی به نام "سازمان های جبهه ملی ایران در خاورمیانه" و پس از چندی "گروه اتحاد کمونیستی" را به وجود آوردند. ارتباط و توافق برای پرورسه تجانس بین این گروه و سازمان چریکهای فدائی خلق طی سه سال بعد در سال ۱۳۵۲ برقرار شد و فعالیت مشترک این دو در منطقه خاورمیانه در مجموعه ای واحد انجام گرفت. گروه طی بیانیه ای در مخالفت با نحوه سازمان دهی، روابط درونی، مناسبات غیر دموکراتیک و غیرقابل قبول سازمان چریکها موضع گیری کرد که به قطع ارتباط گروه با سچفا در سال ۱۳۵۵ منجر شد. به همان منبع پیشین مراجعه شود، همچنین وی اخیرا خاطرات خود را در سه جلد منتشر کرده است.

مثلا آنچنان تداخل کردید و آن چنان وحدت پیدا کردید که امروزه اگر از شما بپرسن، آقا تحت چه شرایطی، تحت چه ضوابطی شما با اینها وحدت دارین، معلوم نیست چیه. حتما می گید که مثلا فرض کن اینا حمایت می کنن از جنبش و حالا اینا چه نیرویی اند و نماینده چه چیزین پاسخی ندارید. ولی وقتی که مثلا واقعا مثلا همین تیپ هایی که الآن تو کردستان هستن، حالا شما حساب کن چقدر مثلا از همین رهبران کرد توی زندان هستن ده سال، پانزده سال همین هان که تو زندان هر کدوم شون رو که آزاد کنن قول به شما می دم که یه جریان راه می ندازن. همین تیپ هائی مثلا "عزیز یوسفی" نمی دونم شنیدین اسمش و یا نه؟ این و مثلا فرض کن اینا یا همین جریاناتی که الآن مثلا فرض کن به صورت همین ارگان مثلا کردستان و این جریان خط مشی که اخیرا نمی دونم در کنگره سوم نمی دونم دیدین یا ندیدین؟

**حمید اشرف: ... حزب دموکرات؟**

**تقی شهرام: ...** بله مثلا یک همچین جریانی، اینا به هر حال نیروهایی اند و حاضرند یه کارایی رو بکنن، و اگر در شرایط مساعدی قرار بگیرن می تونند علیه این رژیم مبارزه بکنن و دارن و زمینه هاش هم هست. نمونه اش این که ما خبر مثلا فرض کن حدود دو ماه سه ماه قبلش داشتیم، یه "ریو" را اینها خلع سلاح کردن و بعد

---

۱۰ - اشاره به اکبر افراتی دانشجوی دانشگاه پاتریس لومومبا در مسکو است که بخاطر پخش اعلامیه ای در حمایت از زحمتکشان ایران، در میدان سرخ در روز اول ماه مه در مقابل برژنف، ۹ می ۱۹۶۷، از شوروی اخراج شد و به برلین غربی رفت و در چارچوب کنفدراسیون دانشجویان فعالیت می کرد. وی بخاطر این که چندین دانشجوی فعال سیاسی به نام اکبر در آن شهر وجود داشت، توسط دوستانش به "اکبر مسکوویچ" به معنی اهل مسکو معروف شده بود. در زمان این گفتگو ها پس از اخراج از آلمان بخاطر فعالیت های سیاسی اش، در سوئد مقیم شد.

۱۱ - عزیز یوسفی (۱۳۵۷-۱۳۰۷)، نویسنده و مترجم کرد، از بنیان گذاران و رهبران حزب دمکرات کردستان ایران بود. او ۲۵ سال از عمر خود را در زندان های شاه گذراند. به منبع زیر مراجعه کنید:

[http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%B2%DB%8C%D8%B2\\_%DB%8C%D9%88%D8%B3%D9%81%DB%8C](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%B2%DB%8C%D8%B2_%DB%8C%D9%88%D8%B3%D9%81%DB%8C)

یه ریو را خلع سلاح کردن هیچی، بین همین اسنادی که همین سرگرده<sup>۱۳</sup> آورده از مراغه ما دیدیم و همین سرگرده خبرش رو می داد که جریانات خرابکاری و جریانات به اصطلاح جنبش های پراکنده دقیقا تو همین منطقه مهاباد و در واقع منطقه کردستان، کردستان که می خوره با آذربایجان به شدت جریان داره و کمیته ضدخرابکاری دقیقا اون جا یه شکل کاملا چی مبارزه با جریانات خرابکاری دهقانی داره. اینا فاکت هایی که ما می تونیم در اختیارتون بذاریم، حتی نامه هاش هم هست که مثلا می گن این کار و می خواهن بکنن، این طوری می خوان مصادره، یه دونه ریو مصادره کردن همین چند وقت پیش.

**حمید اشرف: ... ریو چی؟**

**تقی شهرام: ... یه ریو ارتشی، ریختن زدن و کشتن و اسلحه هاش هم ورداشتند ...**

**حمید اشرف: ... در چه تاریخی این کار شده؟**

**تقی شهرام: ... بین مثلا فرض کنید تابستون به بعد.**

---

۱۲ - اشاره به رفیق شهید سرگرد علی محبی (۱۳۵۴ - ۱۳۱۹) که در ۴ دی ماه ۱۳۵۴ با مقادیر بسیاری سلاح و مهمات از پادگان تیپ سلماس به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست و در خانه های تیمی سازمان مخفی شد. او متأسفانه در سوم اسفند ماه ۱۳۵۴، هم زمان با این گفتگو ها، در درگیری با ساواک به شهادت رسید. در نوار اول از گفتگوی رفیق شهرام با منشعبین فدایی، وی درباره رفیق علی محبی چنین می گوید: " ... آخه می دانید، این واقعه تقریبا هم زمان بود با فرار به اصطلاح آن سرگرد محبی، می دانید که به ما پیوسته و بعد از آن دستگیری های نسبتا زیادی را تو ارتش انجام دادند، از جمله تمام مثلا رفقای گذشته اش، افراد پادگان، دوستانی که داشت و این ها و این خبرش هم رسیده بود به ما. البته حالا من نمی دانم که این با هم تداخل کرده یا نکرده و این ها، ولی تقریبا هم زمان بود دیگر. آن را اگر یادتان باشد توی اواخر اسفند، اسفند فرار کرد مثل این که، و همان موقع، آها! تو بهمن فرار کرد و تو اسفند هم به شهادت رسید. ... در سایت اندیشه و پیکار در لیست شهادی سازمان مجاهدین (م. ل) اطلاعات کمی درباره وی آمده است. همچنین، سازمان مجاهدین خلق ایران در پس از انقلاب کتابی در باره وی منتشر کرد. در خبرنامه شماره ۱۸ و ۱۹ از پیوستن او به سازمان اطلاع داده می شود.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Nashriyeh-Khabari-19-1354.pdf>

**حمید اشرف:** ... این جزو این افسانه‌هایی که شایع و متداوله نیست؟

**تقی شهرام:** ... والله شاید (با حالت پوزخند) نمی‌دونم، اگه شما می‌خواهید افسانه تلقی بکنید، ولی خبرهایی که جزو همین خبرهایی که معمولا از یه طرق نسبتا موثقی به دست ما می‌رسه. علاوه بر این من می‌گم فاکت‌هایی حتی رسمی‌تری را من سعی می‌کنم پیدا کنم و همین سرگرده صحبت می‌کنیم<sup>۱۳</sup> و در اختیارتون می‌گذاریم.

**حمید اشرف:** ... و این کارهای جبهه دموکراتیک کردستان می‌کنه، حزب دموکرات ...

**تقی شهرام:** ... نه نه، آها، این مسئله است که مسلما حزب دموکرات الآن اگر دارای یه چنین قدرتی بودش که بتونه مثلا فرض کن سازمان بده، حمله به فلان چیز رو در فلان روستای دور افتاده، الآن اون جا یک جنگ تمام عیار راه انداخته بود. ولی مسئله این جاست که ما اجبارا ...

**حمید اشرف:** ... اصلا این کاره نیست.

**تقی شهرام:** ... نه آخه این طوری هام نیستش، یعنی شما می‌خواهید بگید اینا یه مشت عناصر مثلا فرض کن فرصت طلب مثلا اروپانشین؟ می‌خواید این و بگید؟ یعنی حرف شما آخرش این می‌شه دیگه!

**حمید اشرف:** ... اینا یه عده کارمندان دولتی هستند درسیستم دولتی عراق اساسا، حزب دموکراتیک کردستان ...

**تقی شهرام:** ... سیستم دولتی عراق؟

**حمید اشرف:** ... بله، رییس اداره، معلم آموزش و پرورش.

**تقی شهرام:** ... خب، اگه این طوری هست، این که خب، ما الاقل اطلاع نداریم، چیزهایی که ما می‌دونیم غیر از این هاست.

---

۱۳ - با توجه به این که رفیق علی محبی در سوم اسفند ماه به شهادت رسید و خبرش در روزنامه‌های همان روز نیز منتشر شد. این گفتگوها بایستی پیش از سوم اسفند ماه انجام گرفته شده باشد.

**حمید اشرف:** ... در هر صورت من، چیزی که در همون دفعه پیش هم خواستم ...

**تقی شهرام:** ... هان.

**حمید اشرف:** ... این هستش که، قبل از این که ما شعار جبهه رو می دادیم، خوب بودش که این رو حداقل در یک سطحی قبل از طرح عمومی اش مطرح می کردیم. چون این شعاری که شما دادین الان یه مقدار کار رو مشکل کرده، چرا؟ چون از طرفی شما مجبورید که پای این شعار بایستید ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و چون مطرح اش کردین، روش تبلیغات کردین ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... و الان دشواره واقعا ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... که بخواین روی این شعار خط بکشید!

**تقی شهرام:** ... البته بهتون بگم، مسئله این جواری نیستش که برای ما یه مسئله ای فرض کنید، فکر کنید مثلا حیثیتی باشه، اگه آدم بدونه اشتباه کرده از خودش انتقاد می کنه مسئله ای نیست. ولی ما به این نتیجه رسیدیم و در واقع حالا خواهیم دیدش که آیا واقعا طرح شعار اشتباه بود یا نه؟! یعنی ما ناظر به چه جریاناتی این شعار را طرح کردیم و حالا آیا زمینه هاش اصلا فراهم نیست؟! یعنی آیا مثلا این شعار با خلاء روبرو شده؟ حالا این و می بینیم، در عمل می بینیم، یعنی در تئوری هم معلومه، یعنی شما می گید ما این و طرح می کردیم و بعدش مثلا فرض کن می دیدیم که ...

**حمید اشرف:** ... به عقیده ما همین! ما معتقد بودیم که از آغازش هم که، البته این اعلامیه "بیانیه اعلام مواضع" و اینا. اگه قبل از این که منتشر می شد، چون ما در داخل با همین اعلام مواضع مخالفتی به هیچ وجه نداشتیم، و حتی کاملا مایل بودیم که این اعلام مواضع حتما صورت بگیره. چون نظرمون این بود که این قاطع، قطعیتی می ده به مسئله و در خط سیاسی کارمون می گنجه. ولی این چگونه این

مواضع اعلام بشه و در صورتی که به شکل، یعنی قبلا، این مورد مشورت قرار می گرفت و حداقل نقطه نظرهایی که ما داشتیم در این رابطه و می تونست مورد استفاده شما قرار بگیره و حداقل نقطه نظرات بخشی از جنبش را منعکس بکنه، جنبشی که عملا وجود داره و ...

**تقی شهرام:** ... بله، ما، درسته.

**حمید اشرف:** ... قدرتمند هست.

**تقی شهرام:** ... بله قبول داریم.

**حمید اشرف:** ... این نتایج خیلی مثبت تری می تونست داشته باشه.

**تقی شهرام:** ... خب مسئله این جاست که ...

**حمید اشرف:** ... و این نتیجه عملی ش این می شد که ما می اومدیم حداقل یه تحلیل مشترکی از نیروها می کردیم ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... گذشته از این که در این رابطه ما به هم، به اصطلاح کاراکتر جدید مجاهدین هم برای ما روشن تر می شد. این اثر را داشت که به یک فرمول های واقع بینانه تری برسیم. فعلا الان مسئله این هستش که شما به این شکل با مسئله در حقیقت برخوردید، گفتین ما یه تحلیل هایی داشتیم طبعاً که البته تحلیل ها کامل نبوده.

**تقی شهرام:** ... پس، تحلیل هایی از کی؟ از ...

**حمید اشرف:** ... از نیروهای اجتماعی ...

**تقی شهرام:** ... آها، فهمیدم ...

**حمید اشرف:** ... که ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... در نتیجه، یعنی تحلیل ها مشخص نبوده ...

**تقی شهرام:** ... نه مشخصه!

**حمید اشرف:** ... کلی بوده، ... ولی خوب می گم که درهمنون روابطی

که سوال برانگیز هست ...

**تقی شهرام:** ... خب، ما تا اون جا که برامون مشخصه، حتما یه مقدارش نامشخصه دیگه، یعنی مشخص بودن نظر ما معنای این نیستش که دقیقا منطبق بر واقعیت موجود هم هست، نه اون قدر که ما تونستیم برداشت کنیم از مسئله ...

**حمید اشرف:** ... این در رابطه با کسانی که دست اندر کار هستند این می تونست خیلی مشخص تر بشه ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... و ...

**تقی شهرام:** ... الآن هم دیر نشده.

**حمید اشرف:** ... فرمولی انتخاب بشه برای مسئله که این فرمول واقع بینانه باشه، ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خوب یعنی شما معتقدین که ...

**حمید اشرف:** ... یعنی طوری باشه که ما بتونیم در حقیقت و وقتی هم که طرح اش می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... از پس اش بر بیایم.

**حمید اشرف:** ... از پس اش بر بیایم.

**تقی شهرام:** ... بسیار خب، من کاملا با شما موافقم.

**حمید اشرف:** ... پاش هم بایستیم و یا حداقل بتونیم تا مدتی دفاع کنیم و یه چیزی باشه که حساب شده باشه خلاصه ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... و حالا این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... حالا ببین رفیق ...

**حمید اشرف:** ... که شما ...

**تقی شهرام:** ... ها، این مسئله این طوریه که ببین الآن بذار من بازش کنم. ما طرح شعار جبهه دادیم، شما طرح شعار وحدت مارکسیست - لنینیست ها را دادید، درسته؟ این تناقض اش این جاست دیگه، یعنی در واقع حرفی که تو می خوای بزنی، اینه که ما به یه وحدتی برسیم که آقا بگید شما دلایل تون چیه ما دلایل مون چیه و به هر حال به تفاهمی برسیم. چون در واقع ما هم قبول داریم دو تا

نیروی اصلی جنبش به هر حال الآن این دو تا سازمانند. اگر اینا بتونن به یه توافقی عمومی برسن شاید خیلی از مسایل هم حل شه. اما قضیه این جاست که آیا واقعا استدلالات ما در مورد جبهه، واقعا رسانا نیست؟ کفایت نمی کنه؟ اگر مثال می زنیم ما، ما رو این حسابیم، خیلی خوب، وحدت مارکسیست - لنینیست ها، ولی اون وقت ببین خیلی مسایل این جا هست. ما اگر صرفا وحدت مارکسیست - لنینیست ها را بگیریم آیا واقعا خودمون نقض نکردیم خط مون و؟ ببین احمدزاده<sup>۱۴</sup> تو خود آخر استراتژی و تاکتیک اش چی می گه، می گه که بگذار مبارزه مسلحانه آغاز بشه، چی می گه هژمونی پرولتاریا را بذار برای مرحله ای که چیه مبارزه مسلحانه رشد کرده باشه و بعد اون چه که اون جا مطرح می کنه اساسا، اتفاقا خیلی جالبه همین مسئله تز جبهه را اون جلو جلو پیشنهاد می کنه. می گه در یه مرحله اینه که، این مسیره که می رسونه. اون موقع اگر تو بیایی مثلا مسئله وحدت مارکسیست - لنینیست ها را مطرح بکنی اجبارا مبارزه مثلا فرض کنیم که خرده بورژوازی، دموکرات ها، فلان فلان این، یه مرحله اصلا باشون نمی تونی برخورد کنی و در این مرحله است و در این مرحله اجبارا ما مثلا باید بیفتیم به موضع چی بیفتیم؟ به موضع مثلا دقیقا در همون خطی قرار می گیریم که باید مثلا در واقع بریم دنبال

---

۱۴ - رفیق شهید مسعود احمدزاده هروی (۱۳۵۰ - ۱۳۲۵)، یکی از بنیانگذاران گروه ۲ و یا گروه مبارزه مسلحانه در شهر و از تشکیل دهندگان سچفخا و همچنین نویسنده کتاب "مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک" است. وی در قسمت پایانی کتاب می نویسد: "بگذار مبارزه مسلحانه آغاز شود. اتحاد گروه ها و سازمان ها از نقطه نظر سازماندهی سیاسی - نظامی وسیعتر مبارزه نیز مطرح است، باز در جریان عمل این مسئله را هم حل خواهیم کرد. بدین ترتیب ایجاد حزب طبقه کارگر یک هدف مشخص نیست که مبارزه مسلحانه در خدمت تحقق آن قرار داشته باشد بلکه مشخص کننده مرحله ای جدید در مبارزه است. مرحله‌ای که تامین هژمونی پرولتاریا چون مسئله‌های مشخص و مبرم مطرح خواهد شد. سابقا ضرورت مبارزه مسلحانه را بطور کلی میپذیرفتیم و ایجاد حزب بعنوان یک مسئله مشخص مطرح بود. اما اینک مبارزه مسلحانه به صورت یک مسئله مشخص مطرح است و ضرورت ایجاد حزب را به طور کلی می پذیریم." این کتاب در سایت سایه‌هاکل موجود است و این نقل قول را می توانید در اینجا بیابید:

<http://www.siahkal.com/publication/notes.htm>



مثلا تشکیل حزب. یعنی اون وقت اون موقعی که وحدت مارکسیست - لنینیست ها اجبارا قدم بعدی اش حزبه و نه باز هم جنبش مسلحانه و بعد وحدت نیروهایی که متعلق به خلق هستند.

**حمید اشرف:** ... نه نمی شه ...

**تقی شهرام:** ... چرا می شه! ...

**حمید اشرف:** ... حزب در این جا حزب مسلحه!

**تقی شهرام:** ... آخه، آخه این حرف تو درست نیست، حالا خواهیم دیدش که حزب مسلح معنا نمی ده. بین حزب مسلح یعنی چی؟ یعنی تو در واقع میای یه سازمان را گنده اش می کنی، می کنی حزب؟ این میشه حزب؟، بین اون اگه ...

**حمید اشرف:** ... نه، اون حزبی که در ایران به وجود می آد در آینده ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... چون وحدت مارکسیست - لنینیست ها ...

**تقی شهرام:** ... این که بلافاصله تو باید مسئله حزب را اون وقت مطرح کنی، جز اینه؟

**حمید اشرف:** ... بلافاصله؟

**تقی شهرام:** ... آخه بین چه ...

**حمید اشرف:** ... هیچ ضرورتی نداره ...

**تقی شهرام:** ... آخه یه چیز ...

**حمید اشرف:** ... بلافاصله مطرح بشه.

**تقی شهرام:** ... آخه یه چیزه، بین ما حرفی نداریم، ما از خدا، ما می گیم اصلا مسئله وحدت مارکسیست - لنینیست ها را باید تو همین جبهه در واقع حل کرد، و باید تو همین جبهه حلش کرد. اما یه مسئله هست مبارزه اگر تو صرفا به اون شعار بسنده کنی و اون رو مطرح بکنی اولاً که اصلاً با خط خودت تناقض داره حالا از این بگذریم ... و دلایل زیادی هست که چه جوری این تناقض پیدا می کنه این شعار شما، با همین خطوط تون، حتی با خط مسلحانه. ثانياً این نیروهایی که معتقد به خط مشی مسلحانه اند و به قول احمدزاده

"بگذار مبارزه مسلحانه را آغاز کنند و بگذار ... " با این ها وحدت پیدا بکن تا بررسی بعد به مرحله هژمونی پرولتاریا، این چی می شه؟ این رو ولشون کنیم تو این مرحله؟ تو معتقدی که اینا رو ولشون کنیم، بیایم فرض کنیم ما حرف مون غلط بوده، به این نیروها فعلا کاری نداشته باشیم بریم دنبال وحدت خود نیروهای مارکسیست و در واقع این جبهه رو یعنی جبهه پرولتاریا را به طور اختصاصی بچسبیم و این رو، مبارزه در یه مرحله در واقع به طور مستحکم مثلا مستحکم کنیم پشتوانشه، اینه؟ این مسئله است؟ الان واقعا مشکل ما اینه؟ آخه می دونیند این، تو اون شعاری که می دی، بلافاصله ارتباط پیدا می کنه، درسته تو اون "شعارهای وحدت"<sup>۱۵</sup> طرح نشده ولی حالا این و اگر نقد کنیم خواهیم دیدش که اون بلافاصله می کشه به مسایل استراتژیک. یعنی اون بلافاصله می کشه به این که شما اون وقت موضع تون راجع به حزب چیه؟ نسبت به مبارزات طبقات مختلف چیه؟ اون شعاری که شما دادید شعار همکاری هر چه بیش تر که معنا نداره که، یه چیزی که نمی تونه باشه، به قول معروف بی در و دروازه که نمی تونه کار ما باشه، یعنی چی شعار همکاری هر چه بیش تر؟ هیچ چیزی رو نمی رسونه ...

**حمید اشرف: ... چرا؟!**

**تقی شهرام: ... هیچی رو نمی رسونه ...**

**حمید اشرف: ... دست ما رو باز می شه که هر برخوردی که می خواهیم بکنیم.**

**تقی شهرام: ... اتفاقا همان، هیچ برخوردی نمی شه، عملا هم، همه برخوردهای غلط هم از همین جا آغاز می شه که هیچ ضابطه برایش نباشه، و بعد ...**

**حمید اشرف: ... این ضوابط رو جنبش کمونیستی تعیین اش می کنه ...**

**تقی شهرام: ... خب بکنه، اعلام کنه ...**

---

۱۵ - اشاره به سرمقاله نشریه نبرد خلق شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۵۴ با عنوان "شعارهای وحدت" است. منابع پیشین.

**حمید اشرف:** ... و اون رو اعمال می کنه ...  
**تقی شهرام:** ... آخه نمی تونه به قول معروف مخفیانه، که نمی تونه به طرف اعمال کنه خوب رک بگه، ترس نداره که، بگه خب ضوابطی که من برای همکاری با گروه ها دارم اینه، بدونید! بکنه ...  
**حمید اشرف:** ... می کنه این کار رو، یعنی ...  
**تقی شهرام:** ... خیلی خب، ولی شما می گید همکاری هر چه بیش تر دارید در واقع خودتون رو می تونید از قید همه گونه مسوولیتی در این زمینه فارغ کنید ...  
**حمید اشرف:** ... نه ما واسه همکاری های بیش ترمون هم می تونیم چارچوب بذاریم.  
**تقی شهرام:** ... آخه هر چارچوبی بذاری اون هم می شه تازه جبهه ...  
**حمید اشرف:** ... نه ...  
**تقی شهرام:** ... هر چارچوبی بذاری می شه خودش جبهه.  
**حمید اشرف:** ... جبهه نیست.  
**تقی شهرام:** ... هر، خب اون و ما می گیم جبهه، تو چی می خوای بگی، هر چارچوبی تو می آی قایل بشی می شه جبهه.  
**حمید اشرف:** ... جبهه چیزیه که ارگان داشته باشه.  
**تقی شهرام:** ... نه، چه ارگانی؟ ارگان سیاسی داشته باشه؟  
**حمید اشرف:** ... بله.  
**تقی شهرام:** ... نه، نه، کی گفته؟ جبهه یعنی یه سری توافقات اصولی بر سر یه خطوط مشترک بکنن، می شه جبهه.  
**حمید اشرف:** ... و بعد چه کار کنن؟  
**تقی شهرام:** ... فعالیت بکنن در همان زمینه های خودشون.  
**حمید اشرف:** ... حالا شما با توجه به این زمینه ها، نقطه نظرهایی دارین دیگه.  
**تقی شهرام:** ... نه، ما نقطه نظرامون هر چی بوده گفتیم.  
**حمید اشرف:** ... آخه اون چه گفتین، چیزی نگفتین شما، یعنی چیزی رو، نقطه نظری رو ...

تقی شهرام: ... ببین ...

حمید اشرف: ... مشخص نکردین ضوابطی رو مشخص نکردین ...  
**تقی شهرام:** ... ببین! از قضیه در نرین، تو راجع به اون مسئله بحث می کردی یعنی جواب قضیه از دستمون در نره، منظورم اینه. ا، راجع به این صحبت می کردی که در واقع ما می اومدیم صحبت بکنیم با هم و به یک واقعا شعار مناسبی برسیم، سنگ هامون و با هم صاف بکنیم، بعد اون وقت می تونستیم چکار بکنیم راه مون را با توجه به یک به اصطلاح عینیات موجود شعارمون رو هم بدیم، ها؟ این حرف معنانش اینه که ما ملاحظات سازمان چریک های فدایی خلق رو نادیده گرفتیم و شعاری را دادیم که در واقع لااقل رو این قسمت، رو این بخش، ذهنی بود. یعنی واقعا شما توافق ندارین با این شعار و تحلیل تون از شرایط چیز دیگه ای بود و ما نادیده گرفتیم این و این کار رو کردیم. ما این بخش رو، ما این بخش رو قبول داریم که با شما صحبتی نکردیم. ولی اگر هم ارایه دادیم مسئله جبهه رو، یه تحلیل بود، این تحلیل اش هم الآن من گفتم. وقتی شما می گید که تحلیل، مثلا شعار وحدت مارکسیست ها را می دید این تحلیل اش هزار جور اشکال داره توش، یعنی در واقع این مسئله است که هیچ چیز رو در واقع باز هم روشن نکرده، ما مخالف وحدت مارکسیست - لنیست ها نیستیم، ما اصلا ...

**حمید اشرف:** ... البته مارکسیست های معتقد به خط مشی مسلحانه!

**تقی شهرام:** ... مارکسیست های معتقد به خط مشی مسلحانه نیستیم، نیستیم تو اون جا هم اگر شما دقت کرده باشید.

**حمید اشرف:** ... چون اینها نزدیک ترین کسانی هستند به هم ...

**تقی شهرام:** ... درسته، به، باریکلا.

**حمید اشرف:** ... و این نزدیک ترین کسان ...

**تقی شهرام:** ... اگر شما دقت کنید ...

**حمید اشرف:** ... به طور طبیعی هم اول باید با هم ...

**تقی شهرام:** ... ببین! ...

**حمید اشرف:** ... جمع بشن.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، حرف تو درسته، این اول و دوم اینجا اصلا برای ما به اون شکل مطرح نیست، ما اصلا فکر می کردیم که جبهه باید بیایم ما و شما متحد بشیم. اگر دقت کرده باشین اون جا یه اصل، یه چیزی داریم ...

**حمید اشرف:** ... ببینم، ضمنا ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... شما در این مورد هیچ فکر کردید که شمایی که دارید اعلام موضع مارکسیستی می کنید ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... چطور با یه سازمان مارکسیستی دیگه می خواهین جبهه بکنید؟

**تقی شهرام:** ... نه، ما با یه سازمان مارکسیستی دیگه نمی خواهیم جبهه کنیم. مارکسیستی مبارزه مسلحانه؟ متمایل به مشی مبارزه مسلحانه؟

**حمید اشرف:** ... آره دیگه ...

**تقی شهرام:** ... نه ما نمی خواستیم بکنیم ...

**حمید اشرف:** ... می گفتید!

**تقی شهرام:** ... ما کی، ما گفتیم سازمان های، بین گفتیم عناصر، گفتیم سازمان های معتقد ...

**حمید اشرف:** ... چون شما اولین گام برای وحدت را گفتین جبهه.

**تقی شهرام:** ... نه، نه ...

**حمید اشرف:** ... شرکت در جبهه ...

**تقی شهرام:** ... نه نه، اشتباه همینه ...

**حمید اشرف:** ... بعد در درون این جبهه، مارکسیست ها می تونن اون وقت با هم نزدیک بشن.

**تقی شهرام:** ... نه، جبهه یه خطه، وحدتی که ما اون جا مطرح می کنیم در واقع معنا هم نداره. ببین، عملا دو تا سازمان مارکسیستی با خط مشی واحد اصلا مسخره ست. مگر این که اینا در عمل نشون

بدن استنباط شون از این خط مشی یه چیز دیگه ست، یا در عمل اختلاف خودشون رو ظاهر بکنند که حتما هم می کنن. چون دلیل نداره اگر دو تا سازمان، مارکسیستی باشن، معتقد به خط مشی مسلحانه هم باشن و وحدت سیاسی و ایدئولوژیک داشته باشن هیچ دلیلی نداره که دو تا باشنند. ولی حتما یا وحدت ایجاد می شه یا اختلاف شون ظاهر می شه. ما هم به این مسئله کاملا واقف بودیم و اونجا هم اگر شما دقت کرده باشین می گیم که مارکسیست های معتقد به خط مشی مسلحانه تو یه سازمان واحد، ما هم اون سازمان واحد رو شرط، اگر دقت کرده باشید اون شماره یک به اصطلاح ضوابط جبهه تعیین کردیم، درست هست یا نه؟ ها، گفتیم سازمان واحد یا نه؟

**حمید اشرف:** ... سازمان واحد چیزی ست که موکول شده به همکاری ...

**تقی شهرام:** ... نه ببینین، نه ...

**حمید اشرف:** ... جریان ها؟

**تقی شهرام:** ... اینجا اشتباه ست، مسلما اعلام مسئله جبهه یک نقطه نظر سیاسی ماست، ولی این معنایش این نیستش که ما معتقدیم تو این جبهه مثلا دو تا سازمان مسلح جداگانه می تونن باشن و بعد در یه پروسه ای مثلا تو این جبهه بیان.

**حمید اشرف:** ... خب این را چرا دقیقا توضیح ندادین؟

**تقی شهرام:** ... خب علنا، از این صریح تر اون جا دیگه توضیح بدیم؟ می گیم یه سازمان واحد، عجیبه! اصلا واقعا این تو ذهن ما نمی گنجه شما چنین تصویری بکنید، چون این تصور رو هیچ بچه ای نمی کنه، خب، کسی ... !

**بهروز ارمغانی:** ... رفیق پس سوال من، آهان بگو ...

**تقی شهرام:** ... کوچک ترین واقعا اطلاعی از روابط مثلا بین نیروهای جنبش داشته باشه نمی تونه بگه آقا دو تا سازمان مارکسیستی با یک خط مشی مسلحانه جدا از هم، بعد مثلا در یک پروسه جبهه ای متحد بشن، کی همچ و حرفی رو زده؟ ما ...

**بهروز ارمغانی:** ... پس نظر شما اینه که یک سازمان واحد ...  
تقی شهرام: ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... مارکسیستی - لنینیستی معتقد به مبارزه  
مسلحانه باید به وجود بیاد و به این ترتیب در جبهه شرکت کند.

**تقی شهرام:** ... آها، اتفاقا این نکته مهم اش هم اون جا اینه، ما  
می گیم که این سازمان با قدرتی که داره اگه دقت کرده باشین اون  
جا می گیم، می گیم با قدرتی که داره می تونه با نیروهای دیگه  
جنیش برخورد کنه، این جا منظور ما هم مذهبی ها بودن هم خط  
مشی سیاسی ها، اگر، یعنی این بود که ما حالا دیگه قدرت بزرگ  
تری داریم. یعنی اون چه که مبارزه مسلحانه قدرت داره، به قدرت اش  
توجه می کنه والا در شرایط ضعف ما نمی تونیم بریم با مذهبی ها یا  
نمی تونیم بریم با این سیاسی کارها حتی یه برخورد هم بکنیم. در  
صورتی که قدرت داریم و این قدرت ما، اون وحدت ماست.

**بهروز ارمغانی:** ... ببین! مسئله جبهه واحد توده ای، مرحله دوم  
اتحاد شماست.

**تقی شهرام:** ... آخه، ها، ببین! حالا شما می خواهید این جا، ببینید  
اگه می خواهید این و شما این جا ...

**بهروز ارمغانی:** ... نه، من می خوام بفهمم واقعا!

**تقی شهرام:** ... ببین! دوم نیست، ما معتقدیم که ما تو جبهه باید با  
یه سازمان واحد بریم جلو ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب عزیز من، منظورتون، مثلا باز نفهمیدم من.

**تقی شهرام:** ... اگه می خواهی بگی که، ببین! اگه می خواهی این  
را از من به اصطلاح، به اصطلاح این اقرار رو از ما بگیری که مثلا  
فرض کنید که ...

**بهروز ارمغانی:** ... در اوضاع جاری، مثل، سوال من واقعا  
روشن ...

**تقی شهرام:** ... نه، سوال هم نیست، واقعا برای ما مطرح نیست.  
یعنی الآن ما این جا راجع به وحدت دو تا سازمان صحبت می کنیم  
بدون این که صحبت هامون با نیروهای دیگه راجع به جبهه دیگه به

جای مناسب، به اصطلاح، به اصطلاح مشخصی رسیده باشه. یعنی ما نوشتیم هم برای شما که آقا ما برخورد داریم با نیروهای مختلف، واقعا می‌خواهیم تکلیف مون را زودتر با شما روشن کنیم، خیلی رک. ما می‌خواهیم، واقعا برای ما اهمیت داره مسئله وحدت با شما. شما هم خوب می‌دونید، شما هم، برای شما هم اهمیت داره، ما برای ما این تعیین کننده است. ما اگر بتونیم این و به یه جایی پیش ببریم، ما، در واقع همه چیز موکول به این می‌شه، اون موقع اگر ما بتونیم وحدت پیدا کنیم اون وقت دیگه سازمان مایی وجود نخواهد داشت. همون سازمان واحد می‌ره با اینا تماس می‌گیره و اون سازمان واحدی که اون وقت نقطه نظرهای در واقع تو همین بحث هاست که حاجی هم می‌شه، واقعا طرح ما راجع به جبهه یا این نقطه نظرها راجع به نیروها اینها درسته، غلطه، چی هست چی نیست. ببینید، این مسئله اش خیلی روشنه، من تعجب می‌کنم. ما مسئله همین بودش ما اون جلسه نشستیم و انتقاد در درجه اول به رفقای ما مطرحه، که رفقا واقعا استفاده لازم را از بحث اون جلسه نکردن، و افتاد بحث به یک جریان خود به خودی و این‌ها واقعا برخورد قاطع نکردند و این مسئله را روشن نکردن، اینا بود اون مسایلی که ما بعد همون نمی‌دونم دو ماه پیش<sup>۱۱</sup>، چند وقت پیش بود نشستیم بحث کردیم؟ باید روشن می‌شد. .... یعنی واقعا شما مثلا تصورتون اینه که مثلا ما بیایم تو جبهه مسائل دو سازمان و یا مثلا بریم جلو، مثلا یا ما اصلا به شما توجه ای نکنیم بریم برا سرخود مثلا فرض کن یه جبهه تشکیل بدیم بعد هم مثلا به شما بگیم که خب حالا چی می‌گی مثلا شما. نه اینها نیست رفیق جان، اینها برخوردهای انقلابی نیست. ما واقعا این را می‌دونیم که شما به هر حال به ما نزدیک ترید تا یک نیروی مذهبی.

**حمید اشرف:** ... نه این برخورد نه تنها انقلابی نیست ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... فکر می‌کنیم عملی هم نیست ...

---

۱۶ - اشاره به جلسه مشترک سوم در آذر ماه سال ۱۳۵۴، ما بین رفقا بهرام آرام و جواد قائدی از مجاهدین و رفقا حمید اشرف و بهروز ارمغانی از سچفا دارد. در نوارهای پیشین در این باره گفته شده است.



**تقی شهرام:** ... نه، خب به هر حال ممکنه به یه اشکال حتی، مثلا اگر غلط باشه حتما اشکال اپورتونیستی عملی می شه و این خب به هر حال یه ضعف و یه انحطاط ماست. ولی مسئله این جاست که وقتی که شما در واقع ما اون جا طرح می کنیم که آقا یه سازمان واحد می آد به عنوان نماینده جنبش مسلحانه، شما چرا این استنباط رو می کنید؟ ما اون جا به طور صریح و روشن گفتیم، توضیح دادیم، ما هیچ وقت نگفتیم دو سازمان. ما عملا می گیم آقا ما برای شما نوشتیم که آقا ما در رابطه مون با مذهبی ها یه سری اشکالات داریم، ما یه سری به اصطلاح موانعی داریم این موانع هم عمدتا پیش بردن این مسایل با شماست. شما به این مسائل توجه نمی کنید، چرا؟ ما واقعا عاجزیم از این که تصمیم بگیریم، ما واقعا احساس مسوولیت می کنیم که مبادا واقعا خطی را بریم که به منافع جنبش ضربه بزنه، ما بیایم یه کاری بکنیم، بعدا واقعا دودش تو چشم خودمون بره.

سکوتی نسبتا طولانی، در حدود ۲۵ ثانیه!

**حمید اشرف:** ... خب در این رابطه، این مشخصه که گام اول مسئله پاسخگویی به وحدت مارکسیست ها در درون جنبش مسلحانه هست، دقیقا ...

**تقی شهرام:** ... این گام اول می دونی به چه معنایی، اگر می تونه باشه؟

**حمید اشرف:** ... جبهه به اعتبار این وحدت می تونه به وجود بیاد.

**تقی شهرام:** ... حالا، ببین! این هست بلکه یک نکته هست این جا، حرف تو هم درسته هم غلطه، درسته به این معنا که وقتی ما این نیروهای دیگه انقلابی را واقعا، یعنی نیروهای مبارز دیگه ای که قبول داریم، دارند مبارزه می کنند، معتقدیم هم با اینها باید یک وحدتی ایجاد کرد. اون موقع صلاح جنبش کمونیستی، صلاح جنبش کمونیستی ما، این مهمه ها، اقتضاء می کنه و باید هم در واقع خط ایینه که یه وحدتی ایجاد بشه تا ما با یه موضع در واقع قوی تر و درست تر و محکم تری بتونیم با این نیروها برخورد کنیم. ما با این

موافقیم، ما اصلا دلون می خواد با یه سازمان واحد بریم با این نیروها برخورد کنیم. اما، به شرطی که این امکان پذیر باشه اگر این امکان پذیر نباشه، اگر شما حاضر نباشید این معنای اینه که به هر حال ما در یه، در خط سیاسی مون با هم اختلاف داریم، خب اون وقت اجبارا ما اون وقت دیگه می ریم، مثلا فرض کن یا شما می رین یه کار دیگه می کنید، ما می ریم یه کار دیگه می کنیم، که یکی از کارهای ما ممکنه مثلا بریم با این مذهبی ها متحد بشیم یا با سازمان های مارکسیستی یا هر کوفت و زهر مار دیگه. یعنی قضیه این جاست! اساسا بر این هست که، این جا آغاز می شه که ما نیروهای کمونیستی جنبش مسلحانه، مصالح کمونیستی رو بیاریم در مدنظر قرار بدیم و بتونیم تطبیق کنیم با مسایل جنبش ضدامپریالیستی. ما می خواهیم این و، این برای ما خیلی مهمه، ما نمی خواهیم این جا در واقع، یه موقع کاری بکنیم که مثلا فرض کنیم که بعدا دودش تو چشم خودمون بره. فردا مذهبیون بیان شاخ بشن پدر خودمون را در بیارن. ما برامون این مهمه، این مهمه که این وحدت صورت بگیره، اگر ما بتونیم با یک سازمان واحد بریم به سمت مذهبی ها، برای ما خیلی راحت خلی اصلا در واقع این همان منافع کمونیستیه، چون ما وحدتمون رو حفظ کردیم. آنها فردا نمی تون به این اعتبار هزار جور در واقع ما را برقصوند.

**حمید اشرف:** ... خب شما این نقطه نظر را الان دارید؟ یا ...

**تقی شهرام:** ... ما این و از اول داشتیم ...

**حمید اشرف:** ... یا از اول هم داشتید؟

**تقی شهرام:** ... از اول داشتیم.

**حمید اشرف:** ... ا، چه اشکال و منعی می دیدید که طرح اش کنید با ما؟

**تقی شهرام:** ... ما طرح اش؟! با کیا؟ با شما؟ ما اون جلسه می خواستیم این ها را طرح کنیم ولی متاسفانه روال بحث به یه جایی<sup>۱۷</sup> افتاد که نتوانستیم ...

**حمید اشرف:** ... چون اون جلسه می گفتیم بیایم ...

**تقی شهرام:** ... کدوم بحث؟

**حمید اشرف:** ... به اصطلاح فشنگ و تفنگ و اینا بودش متاسفانه ...

**تقی شهرام:** ... ببین، نه این ...

**جواد قاندی:** ... اون جلسه خرداد بود.

**تقی شهرام:** ... نه اون جلسه خرداد، این جلسه اخیر ...

**جواد قاندی:** ... هوم، رفیق [حمید اشرف] منظورش اینه چرا تو جلسه خرداد این کار رو نکردین؟

**تقی شهرام:** ... جلسه خرداد می گم بحث ما، انتقاد داریم به اون بحث، به اون جلسه، واسه همین هم این جلسه را تقاضا کردیم.

[در اینجا احتمالا، یادداشتی رد و بدل می شود، حدود ۷ ثانیه سکوت است]

**حمید اشرف:** ... آها!

[حدود ۱۰ ثانیه سکوت است]

**تقی شهرام:** ... بله اگه یادتون باشه تو نامه ای بلافاصله بعد از این، براتون نوشتیم<sup>۱۸</sup> ...

---

۱۷ - در آن جلسه، رفقای رابط سازمان در پی انتقادات به رفقای فدایی در رابطه با نوشتن پاسخننامه ای به حزب توده در جزوه ای به مناسبت اعدام انقلابی عباس شهریاری، آنها را به مماشات با حزب توده متهم کردند. در این باره می توانید به زیر نویس شماره ۱۹ از نوار چهارم مراجعه کنید. این مسئله باعث تشنج بسیاری در بحث افراد دو طرف شد و بخاطر همین نیز این بار، همان گونه که در نوار می آید، رفیق تقی شهرام تصمیم به شرکت در این جلسه گرفت.

۱۸ - اشاره به دو نامه از سوی سازمان مجاهدین خلق پس از نشست آذرماه ۱۳۵۴، به سچفا است، به این دو نامه که متن آنها هم در کتاب دومین نشریه بحث بین دو سازمان، "مسائل حاد جنبش ما"، نیز آمده در صفحه ۲۲، همین کتاب نوشته شده است: "... با این وصف پیشنهاد ما نه تنها بدون استدلال طرح نشد، بلکه ما در طی دو نامه (در اولین و دومین نامه های بعد از نشست آذر ماه) مفصلا دلایلی را که بر لزوم چنین ارگان رهبری کننده ای نظارت داشت، توضیح دادیم."

**حمید اشرف:** ... راجع به چی؟

**تقی شهرام:** ... راجع به موضع ما نسبت به گروه های مذهبی و الی آخر. یعنی یک اشاره ای بود باز ما می خواستیم بذاریم، اون جا بهش اشاره کردیم که یه جلسه ای بذاریم راجع به این مسائل بحث کنیم، شما گفتید لازم نیست ما می نویسیم می دیم، یادتونه؟

**حمید اشرف:** ... بله این و نوشتیم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و الان هم هست.

**تقی شهرام:** ... آها، بله، این و ما مخصوصا برای این گفتیم که باز یه زمینه ای بشه بیایم بنشینیم بحث کنیم و این اشتباهات مربوط به اون جلسه را واقعا تصحیح کنیم. ولی شما خب نخواستید بشینیم، گفتید ما می نویسیم می دیم. ولی ما مجددا دیدیم که باز واقعا پیش ...

**حمید اشرف:** ... ببینید رفقا ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... ما مسایل رو، گفتم ما اون نظری که ما اون دفعه هم داشتیم خیلی هم استقبال رفقا هم واسمون جالب توجه بود که بیایم این ها رو در سطح سازمان ها به بحث بذاریم. در حقیقت یه پیشنهاد کمونیستی بود به این صورت که در شکل وسیع اش مسایل جنبش رو طرح کنیم، حداقل تو سازمان ها ...

**تقی شهرام:** ... بله، اشکال نداره، ما ...

**حمید اشرف:** ... رفقای سازمان ها به اعتقاد ما نیروهای پیشروی جنبش انقلابی ایران هستند و به ویژه از این لحاظ که دست اندر کار عملی اند، یعنی دارن عمل می کنن ...

**تقی شهرام:** ... ببینید!

**حمید اشرف:** ... کار می کنند و روز، به روز تجربیاتی پیدا می کنن، تحلیل هایی می کنن، جمع بندی هایی به دست می آرن و این ها حق شون و شرکت در این بحث بیش از هر نیروی دیگه ایه. ولی به طور

مشخص افراد یک دونه از تیم های شما حق شون برای شرکت در این بحث از فلان گروه سیاسی کار بیش تره. چون اینها ...  
**تقی شهرام:** ... یعنی چی؟ اینها چه ارتباطی با هم داره؟  
**حمید اشرف:** ...ها، چرا؟!

**تقی شهرام:** ... چون اون الان تو این بحث شرکت می کنه  
**حمید اشرف:** ... ها.

**تقی شهرام:** ... از طریق مثلا فرض کن مرکزیت سازمانش و رهبری اش و ...

**حمید اشرف:** ... خیلی خب.

**تقی شهرام:** ... اگر هم لازم باشه از طریق زیر هم هست، شرکت می کنه این ارتباطی با اون بحث ما نداره.

**حمید اشرف:** ... اگر از این طریق این بحث شرکت بکنه و نقطه نظرهای و مطرح بکنه، تجارب رو بیاد در این رابطه و نقطه نظرهای مختلف، این باعث می شه ما بیایم در رابطه با کل مسایلی که جنبش مسلحانه بهش دست پیدا کرده به اصطلاح، فرمول هایی برسیم برای کار ...

**تقی شهرام:** ... ببین! الان ...

**بهرز ارمانی:** ... رفیق ...

**تقی شهرام:** ... مثل این که بحث وارد یه چیز دیگه ای شد. یعنی ببین! ما این جا داشتیم صحبت می کردیم که استنباطاتی که شما داشتن از بیانیه ما و نظرات ما، دقیقا اون چیزی نبود که مقصود ما بود و ما داشتیم این توضیحات رو می دادیم و این که چه جوری این سوء تفاهماتی به وجود آورد و مثلا همین مسئله سیاسی کارها یا مسئله نمی دونم جبهه، یا نمی دونم استفاده از امکانات خرده بورژوازی یا مسئله اعتقاد به خط مشی مسلحانه و یا الی آخر. ما داشتیم اینا رو توضیح می دادیم. ببین، مسئله استفاده از اون شیوه رو اصلا همون جلسه اول جلسه من گفتم این مسئله ایه که مستحسنه، پسندیده است و ما می دونیم معنی اش چیه و شما می دونید معنی ش چیه و به هر حال اگر ما نتونیم از یه طرق دیگه ای

حتی از یعنی در کناری از طرق سریع تر طریق سهل الوصول تری به یک در واقع نقطه نظرات واحدی برسیم به هر حال این هم یکی از مسایل در دسترسه و باید ازش استفاده بکنیم حتی اگر هم این نشه، امکان نداشته باشه در سطح جامعه هست. هیچ راجع به این مسئله ای ما، هیچ بحثی نداریم. راجع به مسئله الآن فعلا بحث راجع به مسئله نشریه نمی کنیم. ما می خواهیم بگیم که یه سری از سوتفاهمات، یه سری استنباطاتی که متقا...

## فایل ۷

این نوار، ۴۵ دقیقه و ۱۰ ثانیه است.

**تقی شهرام:** ... مستحکم تری با هم بریم جلو، ببین! مثلا اگر واقعا ما می تونستیم در این سو تفاهمات به نحوی، مسائلی که موجود بوده بین دو سازمان ...

**حمید اشرف:** ... آخه وقتی که ...

**تقی شهرام:** ... تحت، این سطوح ببین! آخه این سطوح هم این طوری نیستش که، واقعا مثلا کادریهای ما دیگه ضد ما باشند. آخه این طوری نمی شه، درسته، ممکنه واقعا یک جریاناتی باشه، ما به این نقطه نظر برسیم که، بله بهتره مثلا از پایه مضمونی را کادرها داشته باشن، به رهبری برسه. ولی اگر ما اینجا بتونیم این هم پیش ببریم، هیچ تناقضی نداره. ما هر چقدر بتونیم اینجا پیش می بریم. هیچ تناقضی نداره این. ما که نمی خوایم به قول معروف شامورتی بازی بکنیم که. تو داری می بینی، ما داریم چی می گیم، من هم دارم می بینم، ما ها هم می فهمیم داریم در واقع چه مسائلی طرح می کنیم و حل و فحص می کنیم. بنا بر این، این زمینه ها و این رشته ها و این نوع شعارها ما داریم اینجا تجویز می کنیم. یعنی که واقعا اینا یک چیز های ذهنیه! یعنی یک چیزش که ما با توضیحات با در واقع همین بحث ها، همین صحبت ها حل و فحص می کنیم. و ما اگر این جلسه را الان تشکیل دادیم و تو می گی که اون جلسه، شما چنین مسائلی طرح نشده بود و یا چرا مثلا، فرض کنیم که، این استنباطاتی که امروز ما داریم بدست می دیم از نظراتمون، آخه استنباطات مون را داریم می دیم، آخه خودش مشخصه، چه سود چه زیان در اون جلسه بحث نشد. این همان انتقادیه که ما به اون جلسه داریم. همان اول بحث هم من گفتم. گفتم متاسفانه این بحث تو اون جلسه نشد، به یک نتایجی که ما فکر کرده بودیم و قرار بود رسیده بشه، یعنی در صورتی که تماما در به اصطلاح بحث از صورت به

قول خود تو هم دیپلماتیک و یه مقدار، چه می دونم همون بازی ها خارج بشه. رک و راست آقا، حرف و حقیقت آقا اینه. بریزیم رو دایره. از ما این معضل رو می خوایم، اینا رو روشن کنیم، این قسمت های ذهنی اش دور ریخته بشه. اون چی که حقیقت داره و اون اختلافاتی که هنوز هست بین ما، اونا عیان بشه، روشن بشه، بعد هم باهش برخورد اصولی بکنیم. واقعا بین مون چه اختلافاتی هست؟ الان بین دو رهبری دو سازمان چه اختلافاتی هست؟ این سوالات را روشن می کنیم می زاریم میون کادرامون. بله، نشریه معنانش همینه که، نتیجه معنوی اش اینه که در واقع اختلافات بین رهبری دو سازمان رو کادرهای این دو سازمان باید حل بکنند. مگر معنانش جز اینه؟ ها؟

**حمید اشرف:** ... والله، ما اختلافات رهبری هم نداریم.

**تقی شهرام:** ... نه، چرا ...

**حمید اشرف:** ... از چه زمانی، اصلا ما موضع مشترک تا به حال نداشتیم، که اختلاف داشته باشیم. ...

**تقی شهرام:** ... خب، اتفاقا، واسه همینه که ...

**حمید اشرف:** ... ما به عملکردهای دو سازمان، به طور کلی ایراداتی داشتیم، نه به این که ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، عملکرد می شه در رهبری دیگه، عملکرد و به کی باید ایراد بگیری؟ خب باید به رهبری بگیری دیگه ...

**حمید اشرف:** ... به رهبری، کادرهای نقش داشتن، به سازمانه!

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، ولی در نهایت تو باید یقه رهبری رو بگیری. در واقع کار به اعتبار رهبری اش معنا می ده. یعنی از نظر ادعا تو می تونی هم بری یقه مثلاً یه کادری که رفته مثلاً فلان عمل انجام داده بگیری، می گه آقا شما در رهبری سازمان شماسست که فلان تصمیم گرفته فلان عمل انجام، بی مورد و انجام داده. اون که به عملکردش، عمل کننده اش بگه آقا چرا رفتی مثلاً فلان عمل نظامی، غل..، مثلاً نادرست رو انجام دادی؟ بنابر این، اینجا شما بایستی، این نوع، به قول معروف وقتی که ما در اینجا دچار یک سری اختلافاته به مسائل این چنینی داریم حل و فحص کنیم. ببین، این من



باز هم تکیه می‌کنم، معنایش، نفی نشریه یا برخورد از طریق کادرها نیست‌ها. معنی‌اش این است که وقتی ما این وسائل را در اختیار داریم، چرا استفاده نکنیم؟ وقتی که می‌تونیم این مسائل رو حل و فحس کنیم، چرا این‌ها را نادیده بگیریم و چرا از خودمون رو گم و گیج بکنیم؟ چرا آخه این، چرا من یک سلسله واقعا سو تفاهات به این شکل موجود باشه بین ما؟ در حالی که واقعا نمی‌صرفه این قضیه‌ای که ارزشی نداره، هیچ معنایی هم نداشته. ما با شما بی اعتماد بودیم، شما هم با ما بی اعتماد بودین. هر کدومون هم دلائلی داشتیم. این دلایل الان، واقعا نه تنها یه مقداری به این موضوع، بلکه اون مختصر هم از بین رفته. و اینها هم واقعا بهش فکر، واقعا نسبت بهش احساس مسئولیت بکنیم. ما فکر می‌کنیم الان واقعا موقعیت جنبش، موقعیت حساسیه، ما اگر بتونیم نیروهایمون را پیش بدیم، واقعا یک قدرت خیلی زیادی پیدا می‌کنیم.

**حمید اشرف:** ... ما در این رابطه گفتیم ...

**تقی شهرام:** ... ها.

**حمید اشرف:** ... یک واقعیتی که ما به هیچ وجه نمی‌خوایم دنبال اون مسائل رو بگیریم.

**تقی شهرام:** ... کدوم مسائل رو؟

**حمید اشرف:** ... همون، اختلافاتی...

**تقی شهرام:** ... اختلافات ...

**حمید اشرف:** ... که من ...

**تقی شهرام:** ... شاید برا تو هم روشن شده باشه که ما هم نمی‌خوایم بیاریم اون رو ...

**حمید اشرف:** ... ما اومده بودیم، شما نیومده بودین، اینا ...

**تقی شهرام:** ... آها، واقعا روشنه که برا ما، ما هم نمی‌خواهیم بیاریم ...

**حمید اشرف:** ... حالا شما رفقا، به عنوان، علتی هم که تو این بحث و شروع کردی، اینا رو طرح کردی، اساسش این بود که ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... رفقا این مسئله رو که، چون یک برخوردی شد ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.  
**حمید اشرف:** ... یعنی به نظر من، رفقا عدم طرح مسئولش، شما  
توجیه کردن، به شکلی ...  
**تقی شهرام:** ... یعنی واقعا تو این جلسه هم ما توجیه کردیم؟  
**حمید اشرف:** ... تو این جلسه، خب یه مقدار قضایا روشن تر شد.  
**تقی شهرام:** ... ولی ...  
**حمید اشرف:** ... ولیکن باز هم، چون شما اون تصمیمی رو که در  
رابطه با ما گرفته بودین ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.  
**حمید اشرف:** ... چون شما واسه، پیاده کردن این "تغییر  
مواضع ..."، مرتبا برنامه ریزی می کردین دیگه، یه واقعیتی.  
**تقی شهرام:** ... آها!  
**حمید اشرف:** ... طبعا، ما هم در این برنامه ریزی ها جایی رو  
داشتیم.  
**تقی شهرام:** ... اهوم.  
**حمید اشرف:** ... که خب، با اینها ما قضیه رو چطوری طرحش  
بکنیم؟ و طرح مسئله با ما به صورت انتقاد که شما با ما برخورد  
نکردین ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.  
**حمید اشرف:** ... اون رو من نمی دونم.  
**تقی شهرام:** ... این، واقعا، ما این طوری فکر می کردیم که ...  
**حمید اشرف:** ... آها! در نتیجه ...  
**تقی شهرام:** ... شما از جریانات ما، مطلع بودین ...  
**حمید اشرف:** ... اگر واقعا شما ...  
**تقی شهرام:** ... ببین! من برات رک گفتم، ما چیزی را نداریم واقعا  
بپوشونیم، ما هم فکر می کردیم که شما از جریانات آقا جون، مطلع  
هستید، به طور مطمئن قضیه رو درک کردید شما عملا نخواستین،

نمی خواستین، حالا دل‌آلش هر چیز غلطی می تونه باشه، ما به اونش کار نداریم. ولی از نظر ما، شما با چنین گرایشی در واقع تن نداده بودین ...

**حمید اشرف:** ... اگر فقط شما ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... به شکلی که واقعا برای ما مورد قبول بود ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... یعنی به شکلی که به نظر ما اصولی می اومد، بنیادا اصولی بود، با این مسئله برخورد می کردید، فکر می کنید واقعا ما دارای معنای ...

**تقی شهرام:** ... نمی دونم!

**حمید اشرف:** ... خاصی بودیم؟ ...

**تقی شهرام:** ... الان شاید نظر ما این نباشه.

**حمید اشرف:** ... مونوپل هایی واسه ما وجود داشته ...

**تقی شهرام:** ... آها، آره، آره، ما این طوری فکر می کردیم. فکر مون این بود، خب، حالا می گیم دیگه، رک، که نمی خواین بگین، فکر ما این بود، آره.

**حمید اشرف:** ... یعنی ما از، وحشت یک سازمان مارکسیستی مترقی ...

**تقی شهرام:** ... آره ...

**حمید اشرف:** ... در عرصه جامعه به وجود بیاد ...

**تقی شهرام:** ... نه وحشت، می دونی چی؟ نه ...

**حمید اشرف:** ... بیاد اونته مخفی کنه؟ ...

**تقی شهرام:** ... نه، نه ...

**حمید اشرف:** ... هان؟

**تقی شهرام:** ... ببین، می دونی که ما از جبهه ای ها<sup>۱</sup> پرسیدیم، این قضیه رو، جوابشون و هم شخصا نه، کتبی هم داریم، خط خودشون. چی گفتن؟ می خوای بفرستم یه نسخه براتون؟ ما نظر اونا رو در واقع نظر شما دیدیم، خیلی رک. چون برای این که شما و جبهه ای ها آنچنان در هم تداخل دارین که اصلا نماینده در واقع خارج شما همان جبهه ای است عمدتا، خیلی خوبه، اشکالی هم نداره ها. چون شما می تونید تشخیص بدید. ولی جبهه ای ها اونجا به نام شما سخن می گن. و ما این و در واقع نظر شما دیدیم. چرا در واقع ما بیایم ...

**حمید اشرف:** ... ببینم، ما اینجا نبودیم در خود او دو سال؟ ...  
**تقی شهرام:** ... آها یه مسئله است، کجا نبودین، اینجا، ما عملا ما چیزهای دیگه ای می دیدیم. ببین، این هم در واقع مزید بر علت شده.  
**حمید اشرف:** ... یعنی ما نمی تونستیم اینجا نظری بدیم، آیا شما نمی تونستین یک جرقه حداقل، یک نشانی مثلا ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... نشست خرداد رو تبدیل می کردیم به نشست واقعی اعلام مواضع.

**تقی شهرام:** ... آخه این حرفی، تو می زنی، ببین! حرفی که می زنی به شرطیه که ما، واقعا یه آدمایی بودیم، مثلا، فوق انسان یا چیزهای ذهنی مون را همه می تونستیم یکباره بریزیم دور. تمام اون پیش داوری ها، تمام اون برخوردهای که شما عنوان کرده بودین و همه هم هست، خودمون هم می دونیم که چه چیزهایی هست. اگر این

---

۱ - اشاره به "سازمان های جبهه ملی ایران در خاورمیانه" است. این تشکل از دو، سه سال پیش از این گفتگو ها در حال وحدت با سچفا بود و گفتگوهایی تحت عنوان پروسه تجانس را طی می کرد. این تشکل نشریه ای به نام باختر امروز را در خاورمیانه منتشر می کرد و دست به تبلیغات ادبیات هر دو سازمان چریکی درون ایران می زد. آنها در آن زمان بخاطر سابقه بیشتر در خارج از کشور و همچنین نزدیکی ایدئولوژیک به سچفا، نماینده آن سازمان در روابط خارجی بودند. کتاب ها و نشریات این سازمان در این سایت قابل دسترسی است:

کار رو می تونست می کردیم حتما، اون کار رو هم می کردیم، چرا مثلا آلان می آیم می شینیم این حرف ها رو می زنیم. من نمی دونم اصلا ...

**حمید اشرف:** ... اون جلسه این پیشنهاد همکاری ها با چی بود؟ یعنی شما می خواستین با اون بیشتر به کجا برسین؟  
**تقی شهرام:** ... آها، کدوم؟ جریان پیشنهاد همکاری؟  
**حمید اشرف:** ... همکاری کلی مون، نمی دونم، اصلا ...  
**تقی شهرام:** ... آخه این قضیه ای بودش که ...

**حمید اشرف:** ... جریان سیاسی نباشه، تا اون، اون بارش رو ریشه یابی نکنه، ما اصلا درست، دقیقا ما می گفتیم حتم هایی، بیاین مسائل سیاسی مون رو مطرح کنیم الان. بیایم خطوت مشترک سیاسی مون رو بریزیم رو دایره. حتی من با همین رفیق، خیلی با خلوص ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... اونجا مطرح کردم که رفقا ما به شما علاقه مندیم. ما حساب می کنیم روی شما. بیایم مسائلمون رو حل کنیم. بیایم اون انتقادهایی که داریم، اون مسائلی، هر چی که داریم مرتبطه با هم بریزیم رو دایره، مطرح شون بکنیم، به بحث بذاریم. وازش کنیم، آخه ...

**تقی شهرام:** ... یه مسئله است، آخه ببین بابا جان، تو همه اینا رو می گی به شرط این که، این ور قضیه، واقعا مسئله یه چیز، در واقع ما هم همون قدر که تو این حرف ها می زدی ما هم از همون انگیزه ها با تو برخورد کنیم، این طوری نبوده. ما چنین تصویری نداشتیم. تو هر چه می گفتی ما می خواستیم بیایم قدم به قدم ببینیم چقدر تفاهم هست، خب هست.

**حمید اشرف:** ... آخه، این چقدر تفاهم رو چی تعیین اش می کرد؟

**تقی شهرام:** ... هر چی، عملیات کارهای روزمره ...

**حمید اشرف:** ... مثلا که، مثلا کتاب و فشنگ و هم چیز رو عوض بکنیم ...

تقی شهرام: ... نه ...

حمید اشرف: ... این طوری که نیست که ...

**تقی شهرام:** ... این که نیست، این که مسئله ای نیست. ببین، ما اگر هم دستمون مسئله ای مثلا فرض که می کردی، شما طرفدارشین ما، باید که تو وقتی اومدی می گفتی، همون تابستون ۵۳ [۱۳]، آقایون چه نشست و زمینه مثلا برخورد، برخورد الان در اینجا فراهمه ما کار، خب بهش نمی دیم. برخوردها خیلی مثلا آبکیه، فلانه، این هم یک گامی بود از طرف ما. چون ما فکر می کردیم به این طریق، شاید بذاره یه خرده نزدیک تر بشیم، ها! آخه می دونی چه جوریه، مثلا، یک مثال بزنم براتون، مثلا شما شعار های وحدتون آ رو برداشتین نوشتین. شعارهای وحدت عملا چی می خواست به ما بگه؟ ما اصلا این تصور کردیم که، ببین! در واقع یک موضعی بودش، مقدار زیادش علیه ما بود. می گه مثلا فرض کنیم که، طرح می شد که، گویا مثلا سازمان ما، اصلش رو می دونید، کی به ما دادید؟ ما رو، به ما مثلا حدود شهریور دادید ها! ...

**جواد قاندى:** ... مهر ماه بود ...

**تقی شهرام:** ... [خطاب به جواد قاندى] مهر دادن؟

**جواد قاندى:** ... بیست و پنجم مهر نشریه رو به ما دادن ...

**تقی شهرام:** ... آها!، نشریه رو شما بیست و پنج مهر دادید، نه اردیبهشت. البته مارکه اردیبهشت داره، ... [خطاب به جواد قاندى] ... باشه، باشه، ...

**حمید اشرف:** ... راستش ...

---

۲ - اشاره به سر مقاله نشریه "نبرد خلق" شماره ۶ است که تاریخ انتشارش اردیبهشت ۱۳۵۴، درج شده است. یعنی ماه ها پیش از انتشار کتاب "بیانیه اعلام مواضع ... و چند ماهی پیش از اولین نشست سال ۱۳۵۴ دو سازمان، در خرداد ماه آن سال بود. اما نشریه همان طور که در این گفتگو ها اعلام می شود به خاطر ضربات تشکیلاتی به سچفا تا مهر ماه ۱۳۵۴، چاپ و توزیع نشد. برای اطلاعات بیشتر به زیر نویس اول از نوار ششم و همچنین آدرس زیر مراجعه کنید:

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha\\_ta\\_1357-nabarde\\_khalgh\\_6.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha_ta_1357-nabarde_khalgh_6.pdf)

تقی شهرام: ... ما ...  
حمید اشرف: ... ماجرا رو که ببینین ...  
تقی شهرام: ... اون ...  
حمید اشرف: ... به امکانات انتشاراتی ما مربوط می شد ...  
تقی شهرام: ... خب، البته ...  
حمید اشرف: ... بعد، نشریه قسمت هاییش چاپ شده بود، قسمت هاییش نشده بود ...  
تقی شهرام: ... بله. اشکال نداره ...  
حمید اشرف: ... ضرباتی<sup>۲</sup> خرده بودیم، بعد هم ...  
تقی شهرام: ... بله، اونش مهم نیست ...  
حمید اشرف: ... آخه نشریه دیرتر از موعدهش در اومد.  
تقی شهرام: ... اتفاقا، موقعی در اومد که دیگه چاپ مال ما<sup>۳</sup> هم، تقریبا داشت تموم می شد. یعنی من خوب یادمه، که ما موردی را دیدیم که، اصلا باور نمی کی، که ما چقدر، مثل آب سرد ریختن رو سرمون، وقتی که مثلا این "شعارهای وحدت" شما رو خوندم. و دیدیم که، ما این طوری حتی حساب کردیم که شما به یه چیزهایی در واقع متوجه شدید. و نقطه نظرهای، چون ما اون مقاله وحدت رو اگر یادتون باشه، مقاله "وحدت نیروهای آمریکای لاتین"<sup>۴</sup> رو، بهتون داده

---

۲ - اشاره به شهادت جمعی از رفقای فدایی از فروردین ماه تا تیر ماه همان سال است که مهمترینشان، رفقا خشایار سنجری (۲۳ فروردین ۱۳۵۴ - ۱۳۲۷)، علی اکبر (فریدون) جعفری (دوم اردیبهشت ۱۳۵۴ - ۱۳۲۷) و نزهت السادات روحی آهنگران (۷ تیر ماه ۱۳۵۴ - ۱۳۲۶) است. حتی مقاله بزرگداشت رفیق جعفری که در اوایل اردیبهشت ماه به شهادت رسیده بود نیز در صفحات آخرین این نشریه جای داده شده بود.

۴ - اشاره به کتاب "بیانیه اعلام مواضع ..." است، که در مهر ماه ۱۳۵۴، منتشر شد.

۵ - اشاره به مقدمه ای بر "اعلامیه کمیته هماهنگی انقلابی سازمان های انقلابی آمریکای لاتین است که در کتاب "بیانیه اعلام مواضع ..." در بخش ضمیمه ها هم آمده است. این مقدمه قبلا همراه با متن "اعلامیه کمیته هماهنگی انقلابی" و مقدمه هایی که روزنامه مترقی "الطلیعه" چاپ کویت (شانزده مارس ۱۹۷۴) و نشریه باختر امروز (اردیبهشت ۱۳۵۳) بر این اعلامیه نوشته بودند، در نشریه داخلی سازمان

بودیم. یعنی در واقع یه سرنخی اونجا ما داده بودیم. قبل از این قضایا، قبل از این که این اعلامیه را بدیم. ...

**حمید اشرف:** ... بعد ...

**تقی شهرام:** ... بعد در این دنباله توش، شما چی نوشتین؟ شما "شعار های وحدت" رو نوشتین. یعنی ما قرار بود، این طوری تفسیر شد و فکر کنم، هنوز هم درسته، که شما وقتی اونجا ما نوشتیم که ما واقعا چه، در واقع چه در این قید که ما را مقایسه در این سیر وحدت پیدا می کنیم، ما اونجا منظور نبود که ما مذهبیه ها و مثلا ایده ایی ها به اون ترتیب مثلا مارکسیست ها را خر کنیم دوباره بکشیم تو یه سازمان مذهبیه. ما منظورم بود که واقعا به همان شکلی که الان داریم صحبت می کنیم، منتهی خب، اون موقع اعلام نکرده بودیم. شما اینجا چه برداشتی کردین؟ شما فکر کردین که ما به این وسیله می خوایم در واقع، یه موضع التقاطی پیچیده تری بگیریم و مثلا فرض کنیم، مارکسیست ها را هم جذب بکنیم و بعد هم بگیم که خب ما هم مذهب و هم مارکسیسیم، بابا اصلا این حرف ها نداره بیایم با هم میشینیم تو یه سازمان، کادرهامون هم می شه یه جبهه. و بعد هم که اون رو نوشتین. این که شما نوشتین، به اضافه این که ما حتی اونجا به شما این نامه را داده بودیم. این مقاله را داده بودیم و تو، مشخصا، منتظر عکس العمل شما بودیم. عکس العمل شما، به صورت "شعارهای وحدت" در اومد. واقعا مثل این که آب سرد ریختن رو سر مون. این درست تا همون مهر بوده، در واقع چیزهای ما در اومده بود، منتشر شده بود.

**حمید اشرف:** ... شما انتقادتون به "شعارهای وحدت" چیه؟

**تقی شهرام:** ... خب، اون و بحث می کنیم. حتما اگر لازم شد برخورد می کنیم.

---

(آذر ماه ۱۳۵۳) تحت عنوان "اعلامیه وحدت آمریکای لاتین" منتشر شده است.

ر.ش:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Bayaniyeh-1354-5.pdf>



**حمید اشرف:** ... حتما لازمه آخه ...

**تقی شهرام:** ... خب، می کنیم، می کنیم، یعنی اگه واقعا، قرار شد تو این جلسه، ببین! ...

**حمید اشرف:** ... بلاخره باید بپردازیم، الان نیم ساعت به اون اشاره ...

**تقی شهرام:** ... ببین، اگه قرار بشه تو این جلسات هم ادامه پیدا بکنه، بشینیم به این نتیجه می رسیم که می گیم، مشخصا مواردش رو می گیم. اگر قرار بشه نوشته بدیم، نوشته می دیدم. یعنی ما انتقاد داریم به اون "شعار های وحدت"، چون واقعا ما فکر کردیم، داریم فکر می کنیم، نه این که قسمت هاییش خیلی، خیلی به اصطلاح مسائل عام و اصولی داره که خب ما هم، قبول ما هم هست. بله تو یه سازمان خب، کمونیست ها باید سازمان های مخصوص به خودشون را داشته باشن، حتی در، به قول لنین در نطفه ای ترین به اصطلاح فعالیت و سازمان هم کمونیست ها باید سازمان مخصوص به خوشون را داشته باشن. این هیچ بحثی توش نیست. یک سری از بحث هاتون اصلا بهش انتقاد نداریم. ولی این که در واقع به یک شکل خیلی یک جانبه ای، تمایل ما رو، شما به طور نادرستی تفسیر کردید. تمایل ما رو به وحدت و نظر ما که تو ...

**بهروز ارمغانی:** ... مورد شما، فاکتی، خدایی و سیستم انحرافات ...

**تقی شهرام:** ... آها، تمایلاتی داریم ما، یعنی ما فکر می کردیم شما متوجه می شدید،

**بهروز ارمغانی:** ... آها، ... کرده بودیم و این که سخنان ...

**تقی شهرام:** ... آها!!!

**بهروز ارمغانی:** ... تو رو متوجه می شدیم ما ...

**تقی شهرام:** ... ها بحث، این دیدیم که واقعا شما این طوری برخورد کردین. در واقع انگار که نه انگار! و بعد دیدیم، دیدیم درست مثل این که آبه سردی ریختن رومون، ا عجب ...

**جواد قاندى:** ... ما تو مرداد<sup>۶</sup> بهتون گفتيم ما مارکسيست شديم، شما تو مهر يه نشريه دادين دست ما که درش می گيد که نمی دونم، عوام فریبی ایدئولوژیکه، نمی دونم فلانه، بیساره، ديگه آخه یعنی چی؟ این خطابش به کی بود اون؟

**تقی شهرام:** ... یعنی، مثلا، این و واقعا بحث و بچه ها می خوندن، خب معلوم بود، هر آدمه ساده ای هم می فهميد که فوری منظورش کیان، چيان. مثلا چه مسائلی را طرح کرده! بين ما از این شرط شما می گيد که چرا نمی آمدید به ما بگيد؟ ببينيد، شما این کار خودتون رو هم ببينيد. ببينيد که وقتی که ما اومديم تو کتاب ما "شعار وحدت" و ما، ما "مقاله وحدت" و دیديم شما همین جور نمی دونم ما رو مسخره می کنيد، می گيد که، کسانی که نمی دونم ساده لوحانه دلشان لک زده برای وحدت، که چه بسا به همین سادگی هام می شه و فلان و بهمان.

**حمید اشرف:** ... آخه، وحدت ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... وحدتی که صحبت می کنه، وحدتته نیروهای مارکسيسته<sup>۷</sup> ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، ما که دلایل رو می فهميم، بله چار تا سازمان مارکسيستی بودن، اونجا هم توضیحش اينه ...

**حمید اشرف:** ... چون تعیین بودند ...

**تقی شهرام:** ... آخه، آخه ...

**حمید اشرف:** ... شما می گيد که اونا ...

**تقی شهرام:** ... من از شما يه سوال دارم، رفیق،

**حمید اشرف:** ... برا همون می ريد ...

**تقی شهرام:** ... تو همون مقاله ...

---

۶ - اشاره به جلسه دوم سال ۱۳۵۴ در مرداد ماه است.  
۷ - منظور مقاله "شعارهای وحدت" است. برای توضیح بیشتر به زیرنویس شماره ۲ مراجعه شود.

**حمید اشرف:** ... تحقیق می کنید که، سوال های سخت سخت می کنید ...

**تقی شهرام:** ... نه ببینید! بعد هم می گید، نمی دونم تو همون مقاله وحدت، اگر یادت باشه، آخر، تو اون مقاله، بیایم اینجا بزاریم، بشینیم بخونیم رفیق. اونجا داره بحث می کنه، اونجا کجا موضع انتقادیه؟ اونجا داره بحث می کنه که مذهب چه پایگاهی داره؟ و چی جواری نقض و چی جواری اون رو تهدید می کنه ماهیت اجتماعی مذهب و حتی مبارزه اش رو توجیه می کنه، به اصطلاح توضیح می کنه و نشون می ده که رو به انحطاط و فلان بیسار و نشون می ده که نیروهای مارکسیستی چه جواری رو به رشدن، و دقیقا موضع مارکسیستی مقاله روشنه. بنابر این اگر هم حتی بحث وحدتی شده اینجا مسئله درباره وحدت نیروهای مارکسیسته، ما فکر کردیم اصلا با این دو تا مقاله<sup>۸</sup> اصلا شما کاملا متوجه شدین دیگه. و بعد از این "شعارهای وحدت" رو نوشتید، که خب، باز هم می خواستین، به قول معروف چشم تون و ببندید و بگید که واقعا تحلیل ما این بود. شما می خواهید چشم تون رو ببندید و بگید که اصلا دلتون هم نمی خواد هم یه سازمان مثلا مارکسیستی بشه. یه نظر هم، به هر حال این موضع را دارید.

**حمید اشرف:** ... اتفاقا ما می خواستیم سازمان مارکسیستی بشه و با اون متحد بشیم.

**تقی شهرام:** ... ما، ما هم عکسش رو فکر می کردیم، نه که هر چی به شما گفتیم ...

**حمید اشرف:** ... چون وحدت مارکسیست ها در اون جنبش مسلحانه معنی اش چیه؟

---

۸ - منظور از دو مقاله، یکی، مقاله "اعلامیه وحدت آمریکای لاتین" و دیگری مقدمه ای بر آن توسط سازمان مجاهدین خلق ایران است که در اختیار سچفا قرار گرفته بود.

**تقی شهرام:** ... آخه می دونی ما چه استنباط، ما در واقع حدس ما، شما، خود ما همین نظر را داشتیم، شما وقتی شعار وحدت مارکسیست ها را دادید ...

**حمید اشرف:** ... خب.

**تقی شهرام:** ... از، خیلی رک این، از ترس این که مبادا مثلاً مارکسیست ها بیان تو یه یک سازمان مذهبی، ترس تون هم بجاست، ما اون منصفیم، ...

**حمید اشرف:** ... نه

**تقی شهرام:** ... نه! ( با صدای بلند)

**حمید اشرف:** ... آخه کدوم مارکسیستی که می خواد، ترس داره که شما که برین تو یک سازمان مذهبی؟

**تقی شهرام:** ... برای این که ترس هم داره، برای این که انحراف ایجاد می کنن. معلومه حرف های که اینجا زدید دقیقاً در همین رابطه است. ...

**حمید اشرف:** ... چرا، دقیقاً صحبت ما اینه، ما گفتیم وحدت، وحدت بین مارکسیست ها ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، وقتی که اونجا صحبت می کنید ...

**حمید اشرف:** ... خودتون (با صدای بلند) ...

**تقی شهرام:** ... اونجا متضاد همونی ...

**حمید اشرف:** ... دقیقاً ببینم، مگر شما چه جوی، شما خود بخود می سازید، عین این که، ا، چه جالب شد! ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه می دونید ...

**حمید اشرف:** ... ما رو می گفتم ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه یه چیزه ...

**حمید اشرف:** ... مای نوعی رو گفتن، مایی که می خوام بشیم، ما ...

**تقی شهرام:** ... نه آخه، نه یکیه دیگه، درسته ما رو گفتن، ولی شما اونجا عملاً ...

**حمید اشرف:** ... خب ...

**تقی شهرام:** ... ما، انگیزه مهمه، ما چه، چه نفعی داشتیم، اگر ما اگر می ترسیدیم، یعنی شما به هر حال یه چیز دیگری می گفتین، چون انگیزه تون مهم بود. از نظر ما انگیزه تون این بودش که شما ...  
**حمید اشرف:** ... اگر شما ...

**تقی شهرام:** ... شما ...

**حمید اشرف:** ... بدون همون موازین اعلام شده در "شعارهای وحدت"، یک سازمان خلص مارکسیستی رو می ساختین، در اون چارچوب می گنجوندین ...

**تقی شهرام:** ... آخه ...

**حمید اشرف:** ... ما هیچ حرفی نداشتیم ...

**تقی شهرام:** ... آخه معلوم نمی شه که ...

**حمید اشرف:** ... مواضع مون هم اعلام شده بود ...

**تقی شهرام:** ... نه ...

**حمید اشرف:** ... اگر شما می خواستین یک سازمان التقاطی باشین به شکل پیچیده ترش، تبعا ما حرفمون رو زده بودیم. ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه مراحلی ...

**حمید اشرف:** ... متاسفانه ها، ...

**تقی شهرام:** ... این طوری نمی شد ...

**حمید اشرف:** ... شما که نمی خواستین التقاطی باشین، شمایی که می خواستین سازمان خلص مارکسیستی باشین، چرا ناراحت شدین؟

**تقی شهرام:** ... نه، ناراحتی مون از این نبودش که شما چرا طرح شعارهای وحدت نیروهای مارکسیستی رو دادین، ما ناراحتی مون از این بودش که ما، ما تحلیلمون این بود و هنوز هم راجع به این مسئله باید بحث کنیم چون هنوز اون تحلیل و ما پس نگرفتیم. که شما بنا به مثلا اقتضاهات مثلا مریض، مقاله رو نوشتین، درست ضد اون چیزهایی که قبلا گفته بودید. یعنی چون شما در این ارگان این طوری گفتید، واقعا بدون یه ارزیابیه هم جانبه از اوضاع، اومدید این شعار و دادین و منظورتون این بودش که در واقع اون سازمان خیالی

خودتون رو از، که این، واقعا خیالی خودتون، با چیز خیالی که از سازمان ما ساخته بودید به عنوان یک التقاطِ مذهب و فلان که دیگه وجود نداشت. می رفتین دنباله مارکسیست می زدید، خب می اومدین به عنوان مارکسیسم جذب می کنیم. این درست، ما هم خوشحال می شدیم، از جریان مثلا وحدت مارکسیست ها، ولی به شرطی که شما انگیزتون در این جریان، واقعا ...

**حمید اشرف:** ... ببینم! ...

**تقی شهرام:** ... ها؟ تو متوجه حرف من شدی؟ ...

**حمید اشرف:** ... آره، خوب هم متوجه هستم، ...

**تقی شهرام:** ... آها ...

**حمید اشرف:** ... من یک صحبتی داشتم ...

**تقی شهرام:** ... بگو ...

**حمید اشرف:** ... شما، اگر واقعا پروسه مارکسیستی و داشتنی طی می کردین و یا بهش هم معتقد بودین ...

**تقی شهرام:** ... اهوم ...

**حمید اشرف:** ... این حرفی که ما زدیم، شما می تونستین یک پوزخند بزنین به این مقوله ...

**تقی شهرام:** ... خب! ...

**حمید اشرف:** ... به این صورت که، اِ، اینا این فکر و می کنن، خب ما که متوجه هستیم ...

**تقی شهرام:** ... زدیم، خب ما هم زدیم، ما هم زدیم ...

**حمید اشرف:** ... بعد و بلافاصله، عکس العملش اینه که، عکس العملش اینه که پاسخ "شعارهای وحدت" و با تاییدش ...

**تقی شهرام:** ... ما هم، بله، ما هم زدیم<sup>۹</sup> ...

**حمید اشرف:** ... شما تایید می کردین ...

---

۹ - اشاره به واکنش رابطین سازمان مجاهدین در جلسه آذر ماه بر سر مقاله "شعارهای وحدت" است. در این مورد به طور مفصل در کتاب "مسائل حاد جنبش ما" صحبت شده.

**تقی شهرام:** ... ما هم، ما هم این قسمتش رو عملا تایید می کنیم ...

**حمید اشرف:** ... بعد ما ...

**تقی شهرام:** ... بله ...

**حمید اشرف:** ... لیست این مقاله های بیانیه مواضع می داشتین مطرح می کردین ...

**تقی شهرام:** ... البته "بیانیه مواضع ... " دیگه چاپ شده بود، اون<sup>۱۰</sup> موقعی که شما به ما دادین ...

**حمید اشرف:** ... آها، در خیلی از مقدمه ها و مقاله های حساس هم نوشته می شد و ..

**تقی شهرام:** ... الان هم چاپ شد و اصلا این در واقع همین جلدش هم در اومد بود و این یکی، ولو این که الان هم اون قسمتش موافق ...، مخالف نیستیم. ولی اون شکلی که شما مطرح کردین، آخه، شکل قضیه و ابعاد و جوانبش هم بیایم بررسی کنیم، می زاریم می خونیم، بحث می کنیم. اون چیزی که شما اونجا مطرح کردین، نمی تونه واقعا تمام و کمال خوش آیند باشه، شما از ببینید از ...

**حمید اشرف:** ... یعنی چی در این صورت نمی تونست خوشایند باشه؟ دلیلش چیه؟

**تقی شهرام:** ... آها، می دونی برای چی ...

**حمید اشرف:** ... برای این که ...

**تقی شهرام:** ... چی؟ برای این که ...

**حمید اشرف:** ... سازمان مارکسیستی نبودین شما؟ ...

**تقی شهرام:** ... برای این که، آها، برای این که سازمان مارکسیستی واقعا، برای یک سازمان مارکسیستی که انصافا قید

---

۱۰ - منظور نشریه نبرد خلق شماره ۶، حاوی مقاله "شعارهای وحدت" است که تاریخ اردیبهشت دارد، اما در ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۴ به مجاهدین خلق داده شد. رفیق اشرف کمی پیشتر در همین نوار گفته بود که بخاطر مشکلات تشکیلاتی و امکاناتی، انتشار بخش هایی از آن به تاخیر افتاده بود. کتاب "بیانیه اعلام مواضع ..." در اوایل مهر ماه ۱۳۵۴، منتشر شده بود.

جنبشی داره. ببینید شما چه جوری قضیه رو حل کرده بودید؟ شما این جوری قضیه رو حل کرده بودید که به بیان دیگه، سازمان مجاهدین که خب، هیچی، در مورد این سازمانی که التقاطیه و حالا باید بیاد مثلا مسئله اش و روشن کنه و از تمام اون نشریاتی هم که ما بهتون داده بودیم، به هر حال، این استنباطی که از اون کرده بودین که ما می خوایم کلاه بزاریم سر مردم و در این حال دودوزه بازی کنیم هم به مارکسیست ها بگیم مارکسیستیم و به مذهبی ها هم بگیم مذهبی هستیم. از نشریات ما شما این استنباط و کرده بودید! این خیلی مهمه، که اون قسمته، قسمته زیادی از بحث تون رو اختصاص داده بودین به این قضیه، و این هم خب مشخص بود که شما هنوز دارید، در اینجا زدید، یعنی این تحولات سازمان ما رو این طوری تفسیر می کنید. این معنای این بودش که شما واقعا، اگر هم تحت، شعار وحدت مارکسیست ها دادین، واقعا نه بخاطر وحدت مارکسیست ها، بلکه بخاطر زمینه این نوع مثلا فرض کنید، برخوردهایی که ما می خوایم تو جنبش بوجود بیاریم، حتی اگر در واقع اعلام بکنیم مواضع مارکسیستی مون رو، این زمینه رو به یه شکلی چکار بکنید، یعنی در واقع، تو این تصور و داشتی از نظر این دوره سازمان ما، از این نظر وقتی که شما، شعار وحدت مارکسیست ها رو هم بدین، ما نمی تونستیم گاهی به شعارهایی که شما می دین، اعتماد داشته باشیم در، حالا فکر نکنین اگر فردا اومدیم گفتیم، خیلی خب، حالا این شعارهای شما قبول، ولی در عین حال این مسائل رو هم داره و در عین حال مسئله جبهه رو هم مطرح می کنیم. این دلایل ضرورت داره، اون موقع، اون وقت، یعنی ما هنوز واقعا این مسئله هم پایه بحثه که اون وقت از کجا معلوم که اصلا شما با این چنین انگیزه ای، چنین مقاله ای را نوشته بودین، فردا برنگردین یه چیز دیگه ای طرح نکنید؟ که خب عملا باز ...

**حمید اشرف:** ... ببینم، هدف ما چی بود از این کار؟

**تقی شهرام:** ... ما فکر می کنیم هدف، هدف شما، گفتیم از اول که، از نظر ما در اون موقع این بودش که تمام ...



**حمید اشرف:** ... هدف ما اصولی بود یا اصولی نبود؟

**تقی شهرام:** ... هدف شما، ای، کامل نبود ...

**حمید اشرف:** ... اصولی بود یا نبود؟

**تقی شهرام:** ... ها، کجاش اصولی بود؟ اصولی به چه معنی رفیق؟

معنی جنبشی نه! یعنی شما می خواستید در اون جریان موضع خودتون رو نسبت نیروهای در واقع با موضع، با ما می خواستید اون کار و بکنید. که مارکسیست ها رو، دیدگاه های، این خیلی نکته مهمی، مارکسیست ها رو به بهای ایزوله شدن کمونیست ها از جنبش های دیگه انقلابی، از جنبش طبقاتی دیگه ای، جدا بکنید به این بهانه، که مبادا به دام مثلا سازمان ما بیافتند. می دونید از این نظر، اصولی و انقلابی نبود. ولی از این نظر که شما اونجا روشن ساختید که بله، مارکسیست ها باید تو سازمان های خودشون برن، باید، جبهه معنی اش اینه، نمی دونم سازماندهی باشه، ولی از این نظر که شما ...

**حمید اشرف:** ... ببینم شما، سازمان شمایی که هنوز هویت خودش رو ...

**تقی شهرام:** ... آخه ما فکر می کردیم که ببین برای شما که ...

**حمید اشرف:** ... اعلام نکرده ...

**تقی شهرام:** ... دیگه مشخصه با اون مقالات و اون مسائل ...

**حمید اشرف:** ... و ما بارها و بارها گفته بودیم که مشخص کنین ...

**تقی شهرام:** ... خب، خب این ...

**جواد قاندي:** ... آخه رفیق، ببین، این مقاله رو، صرف این که تو

اردیبهشت نوشتین جلوش اصلا، چه جوری می شه ...

**تقی شهرام:** ... شما این مقاله رو، شما تو اردیبهشت نوشتین؟

**حمید اشرف:** ... من الان ...

**تقی شهرام:** ... نه راستی یه سوال داریم ما، این مقاله رو شما

اردیبهشت نوشتین؟

**حمید اشرف:** ... این مقاله رو، توی اون جلسه ای که راجع به مقاله

بحث کردیم، که ... شد، کی بود؟ ... نه اردیبهشت نیست، مشخصا

بعدش ...

جواد قائدی: ... خب همین مسئله ...  
تقی شهرام: ... یعنی همین مسئله است ...  
حمید اشرف: ... این مقاله ...  
بهروز ارمغانی: ... ۱۱ خرداد ...  
تقی شهرام: ... آها ببین ...  
جواد قائدی: ... اون مثلا اونجا، مسئله عوام فریبی رو مطرح می  
کنید، مثلا مستقیما به کی بر می گرده؟  
تقی شهرام: ... حالا به ما بر می گرده، مهم نیست، اون سازمان  
مثلا خرده بورژوا بر می گرده، مهم نیست ...  
بهروز ارمغانی: ... اجازه بدید یک دقیقه وقتتون رو بگیرم، آخه ...  
تقی شهرام: ... باشه ...  
بهروز ارمغانی: ... اجازه بدید یک دقیقه من ...  
تقی شهرام: ... بفرما ...  
بهروز ارمغانی: ... اینجا من، یک صحبتی کرده باشم، من یادآوری  
کنم که ۱۱ یا ۱۲ خرداد بود، این باید باشه.  
حمید اشرف: ... چون ما این مقاله رو راستش، تو یک جلسه ای  
خوندیمش، گفتیم بزنیم یا نزنیم ...  
تقی شهرام: ... اهوم ...  
حمید اشرف: ... و بعدش هم رفقایای گفتن که چیز کنیم، این و  
بزاریم به بحث سازمانی ...  
تقی شهرام: ... بله ...  
حمید اشرف: ... چون با توجه به این که رفقا، همون جریان  
مجاهدین رو، سازمان التقاطی تصور می کردن ...  
تقی شهرام: ... هوم ...

---

۱۱ - در این جا منظور اولین نشست رابطین سازمان مجاهدین، بهرام آرام و جواد  
قائدی با رفقای فدایی، حمید اشرف و بهروز ارمغانی در سال ۱۳۵۴ است.

**حمید اشرف:** ... این مسئله مطرح بود واسشون، که حالا درسته ما اینجا، این تو، چون موضع گیری بود، موضع گیری در مقابل چی؟ در مقابل سازمان التقاطی!

**تقی شهرام:** ... درست ...

**بهروز ارمغانی:** ... نمی رسونه رفیق [ خطاب به حمید اشرف ]، یک مسئله ای هم که من دقیقا یادم داره می آد، این بود که اون موقع بحث، بر سر این بود که در این سازمان التقاطی، ما باید جناح مارکسیستی رو اگر وجود داشته باشه، تقویت بکنیم یا نه؟

**حمید اشرف:** ... آره و این بود که تقویت بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... خلاصه، پس حقیقت هم اینه ... [می خندد]

**حمید اشرف:** ... که تقویت بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... [ در حال خنده ] ... این، این و می گه ...

**بهروز ارمغانی:** ... سوالی بود که حالا ما اون موقع، خب متوجه نبودیم، مثلا ...

**تقی شهرام:** ... بله ...

**بهروز ارمغانی:** ... بعد این بحث رو شروع کردیم و گفتیم که انتشار این مسئله به عناصر مارکسیست در درون این سازمان التقاطی کمک می کنه، این برداشت مون بود از این قضیه. حال من می گم چرا ...

**تقی شهرام:** ... [ باخنده ] حالا این قدر کمک کرد که دیگه کلا همه شون مارکسیسم و نفی کنن ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب، حالا، نه ...

**تقی شهرام:** ... [می خندد] نه، این نه ...

**بهروز ارمغانی:** ... حالا شما این موضوع را این جور دیدید رفیق، ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... شما هر طور این تصور و داشته باشین که ما تا وقتی که این "شعار ها ..." رو می نوشتیم، قضیه مارکسیست

شدن سازمان مجاهدین به طور کلی رو نمی دونستیم. و واقعیت برای ما این بود،

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... گرایش های به چپی رو و بیشتر به چپی رو می دیدیم در سازمان مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... من از شما یه سوال دارم ...

**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... چطور ممکنه توی یک سازمان مذهبی، التقاطی حتی ... **بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... مقاله وحدت نوشته بشه، و این پخش بشه تو سازمان که به شما هم داده بشه، از اون مقاله هم هست که بزاریم بخونیم الان، یه رویه باز هم ...

**بهروز ارمغانی:** ... مقاله ...

**حمید اشرف:** ... مقاله اون جاست، ما خرداد دستمون نرسیده اونجا ...

**تقی شهرام:** ... یعنی به هر حال این قبل از اونه ...

**بهروز ارمغانی:** ... نه اون وقتی بود که شما، آیه رو برداشتین رفیق، لپ مطلب اون روز مون بوده ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**بهروز ارمغانی:** ... شما آیه رو برداشتین از روی یکی از اعلامیه هاتون<sup>۱۲</sup> و ما اون و یک جور دیدیم ...

---

۱۲ - سازمان مجاهدین برای اولین بار در نشریه خبری شماره ۱۶، که در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۵۴ منتشر شد، آرم سازمان را بدون آیه در بالای آن منتشر کرد. در متن این نشریه خبری هم هیچ اشاره ای به مضمون مذهبی نشده بود. لازم به یادآوری است که این تغییر در شکل آرم به تدریج صورت گرفت. در ابتدا آیه برداشته شد، سپس تاریخ "۱۳۴۴"، بعدا نام سازمان که در خارج از دایره بود، جزیی از محیط دایره آرم شد. در نهایت نیز نوع اسلحه به کلاشنیکوف تغییر کرد و دستی که اسلحه را گرفته است بزرگتر نشان داده شد. این نشریه را در این سایت ببینید و اساسا روند تغییر شکل آرم را هم می توانید در این نشریات خبری ببینید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/Nashriyeh-Khabari/Nashriyeh-Khabari-16.pdf>

تقی شهرام: ... اهوم.

بهروز ارمغانی: ... از رو آرم تون برداشته بودین، ولی توی اعلامیه تون بود<sup>۱۲</sup>، ما تو یکی از ترور ها هست، کدومشون بود؟

تقی شهرام: ... چی؟

بهروز ارمغانی: ... مال زندگی پوره ...

جواد قائدی: ... مال آمریکایی ها<sup>۱۳</sup>، ما از رو آرم برداشتیم ...

بهروز ارمغانی: ... نه آمریکایی ها نه ها، مال زندگی پور مثل ای که بود، خود اعلامیه بود ولی رو آرم، آرم رو آیه نبود [ منظور این است که آیه روی آرم نبود ] ...

جواد قائدی: ... نه رفیق همچی چیزی نبود ...

تقی شهرام: ... همچی چیزی نداریم، نه، قطعاً نداریم ...

بهروز ارمغانی: ... خب آیه بود و لیکن ...

تقی شهرام: ... آیه که مدت هاست نداریم اصلاً توی بیانیه ...

حمید اشرف: ... قبل از همون موقعی بود که آیه را برداشته بودین<sup>۱۴</sup> ...

---

۱۲ - در این مورد رفیق ارمغانی، اشتباه می کند. در اعلامیه سیاسی نظامی شماره ۲۱ که به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ منتشر شد و در باره اعدام انقلابی سرتیپ رضا زندگی پور بود، برای اولین بار یک اعلامیه از سازمان بدون آرم و همچنین بدون هیچ مضمون مذهبی و هیچ اشاره ای به آیات مذهبی منتشر شد. در اینجا ببینید:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Se-Bayaniyeh-Mojahedin.pdf>

۱۴ - در اعلامیه سیاسی نظامی شماره ۲۲، که در تاریخ اول خرداد ۱۳۵۴ منتشر شده است و در باره اعدام انقلابی دو مستشار نظامی آمریکایی است، در آرم سازمان هیچ آیه ای نیست. تاریخ "۱۳۴۴" برداشته شده.

۱۵ - اشاره رفیق اشرف به مقاله "شعارهای وحدت" است که مطابق گفته رفیق در چند صفحه پیشتر، در سازمان سچفاً به بحث گذاشته می شود. یعنی پیش از این که سازمان مجاهدین آیه را از روی آرمشان بردارند سچفاً این مقاله را نوشته بود و در سازمان به بحث گذاشته بودند. در اینجا هر دو رفیق بخاطر اطلاعاتی که از همدیگر و جزئیات موضوع بحث دارند، با کمترین توضیحاتی صحبت می کنند. برای شنونده نوارها و یا خواننده این متن، ممکن است کمی نامفهوم باشد.

تقی شهرام: ... اهوم.

بهروز ارمغانی: ... بله، آیه رو برداشته بودین ...

جواد قاندى: ... اون آمريكايى هاست ...

بهروز ارمغانى: ... آها، همين ديگه، اين مسئله براى ما سوال انگيز بود كه چرا اين آيه رو برداشتن؟ توجه مى كنيد؟

تقى شهرام: ... خب.

بهروز ارمغانى: ... يه سوالى بود برا من.

تقى شهرام: ... چرا شما هى داريد از ما سوال مى كنيد؟ حال من يه سوالى هم از شما بكنم ...

بهروز ارمغانى: ... خب پس بزار من ...

حميد اشرف: ... شما قبلا سوال مى كردين، ما هم قبلا خواسته بوديم از شما كه رفاقا نظراتشون رو به ما بدن، نداده بودن كه ...

تقى شهرام: ... در مورد چي؟

حميد اشرف: ... اصلا ما گفتيم كه به هر ترتيب، نتيجه بحث ها رو ...

تقى شهرام: ... شما نيامدين بگيد، كه آقا جون، شما آيه رو برداشتيد، ماركسيست شديد، چي هستيد آخه؟! نظرا ...

حميد اشرف: ... نه خب، ما نمى تونستيم تو اين بحث هاى در درون سازمان ...

تقى شهرام: ... خب پس اگه اينقدر مى دونستيد، خب، بر مى گشتيد، نتيجه اش معلوم مى شد...

بهروز ارمغانى: ... اتفاقا ما يك تحليلى هم كه كرده بوديم گفتيم شايد رفقاي مجاهد، نه به خاطر اين مسئله ماركسيست شدن اين آيه رو برداشتن، ولى واسه اين كه خب، مسئله مواضع ضد رژيم توسط امپرياليزم مى تونه مثلا به اون هاى كه از مس .. به اصطلاح مسيحي يان نسبت داده ... [ صدای خنده بلند از سوى تقى شهرام و جواد قاندى ] .... اين هم يك طرف قضيه است، مگه چه اشكال داره اين؟ .... آخه برداشته شدن آيه كه دليل ماركسيست شدن يك سازمان نمى تونه باشه.

تقی شهرام: ... [همچنان با خنده] خب، بله.

بهروز ارمغانی: ... بعد، حالا این بحث رو من، این جوری ادامه بدیم که، ما فرضمون در اون موقعه که این مقاله رو نوشتیم، به این دلیل نوشتیم که اگر سازمان التقاطی وجود داشته باشه، مثلا سازمان مجاهدین، سازمان التقاطی باشه، بهتر اونه که مارکسیست هاشون در درون یک سازمان ...

تقی شهرام: ... مارکسیستی باشن ...

بهروز ارمغانی: ... باشن، و به شرطی که متشکل باشن و ...

تقی شهرام: ... بله، حرف شما درسته ...

بهروز ارمغانی: ... همین دیگه.

تقی شهرام: ... ولی خب، می گم دیگه، وقتی که این و می زارین در کنار اون جریانات گذشته و روابط شما ...

بهروز ارمغانی: ... ببین شما ...

تقی شهرام: ... ها.

بهروز ارمغانی: ... مقاله رو نه بر اساس خود مقاله، بر اساس این که مثلا به دستتون اون موقع رسید و شما در اون موقع در شرایطی بودین ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... که دیگه مثلا اعلام مواضع کرده بودین ...

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... اون مسئله اونجا به این مسئله ...

تقی شهرام: ... به این شکل ...

بهروز ارمغانی: ... به این شکل ...

تقی شهرام: ... در اومد ...

بهروز ارمغانی: ... تعبیر شد ...

تقی شهرام: ... در واقع ما جوری کردیم.

بهروز ارمغانی: ... خب این یک مسئله دیگه ست.

تقی شهرام: ... ما حقیقت قضایا رو ...

بهروز ارمغانی: ... حقیقت قضایا واقعا ...  
 تقی شهرام: ... همه، همینه، همه، چیز پنهانی نیست که ...  
 بهروز ارمغانی: ... و این طور، به نظر من بایستی، نمی دونم حالا  
 چه به چه، به چه شکلی اثباتش کرد این رو ...  
 تقی شهرام: ... کدوم؟ که چی؟ ...  
 بهروز ارمغانی: ... همین که مثلا آیا واقعیت امر چه بوده؟  
 تقی شهرام: ... که ...  
 بهروز ارمغانی: ... من مسئله ام بحث بر سر، خود "شعارهای  
 وحدت" نیست، بحث تعبیری از شعار های وحدته که در زمان ...  
 تقی شهرام: ... بله ...  
 بهروز ارمغانی: ... به دست شما رسیده،  
 تقی شهرام: ... بله، زمان مشخص و در روابط مشخص تر ...  
 بهروز ارمغانی: ... بله ...  
 تقی شهرام: ... یعنی ما می دیدیم که دیگه اصلا این درواقع یک تو  
 دهنی محکمی به همه مون بود، واقعا، تمایلات وحدت طلبانه ما، که و  
 بعد انگیزه های که وقتی این و می دیدیم ...  
 بهروز ارمغانی: ... وحدت طلبانه شما نه، شمای مارکسیست نه ها،  
 تقی شهرام: ... نه یک چیزی ...  
 بهروز ارمغانی: ... شمای التقاطی ...  
 تقی شهرام: ... نه، قبلش یه چیزی خوابیده بود. ما مطمئن نبودیم  
 اگر ما وقتی که اعلام، مستقلا اعلام می شد، شما یه چیز دیگه ای  
 نگید که در واقع این هم هست، خلاصه بگیم که ...  
 بهروز ارمغانی: ... خب، این پیش داوری را ما نمی تونیم الان ...  
 تقی شهرام: ... آها، آره می دونم که ...  
 بهروز ارمغانی: ... به هیچ وجه تایید کنیم ...  
 حمید اشرف: ... شما می تونستید از سر ...  
 تقی شهرام: ... می دونم آخه ...  
 بهروز ارمغانی: ... این که می گفتید، هر چی می گفتید که ...



**تقی شهرام:** ... نه، آخه، نه، می دونم چی می گید شما، ولی آخه ما زمینه داشتیم. یعنی می دونید که ما اومدیم جلو و اومدیم جلو و این مقوله را در اختیار شما گذاشتیم و این و گفتیم. بعد یهو مثلا، اونجا طرح مسئله وحدتم دادیم، تو مقاله هم معلوم کردیم، یه موضع کمونیستی داریم ما برخورد می کنیم، مثلا یهو یه حرف هایی یه همچون جریانی مواجه می شیم، ما اصلا می گم، وقتی این رفیق گفت، موضع تون "اصولی"<sup>۱۶</sup>، ما اونجا، اون مواضع اصولی رو به اون معنی قبول داریم، از اون معنی هم اصلا ناراحت نشدیم که شما مسئله وحدت مارکسیست لنینیست ها را طرح کردین، چون به هر حال خود این دامن شما را می گرفت تا آخر در واقع پاش وایسین. این در واقع این مسئله است. ولی، واقعا چیز بدی هم نبود. چیز درستی بود. ولی این معنایی که ما امروزه مسئله رو، حالا این طرح راجع به مسئله جبهه، این معنای مشخص سیاسی داره، یعنی ما برای، برای درواقع اون، تازه من توضیح دادم، ما برای این، معنی ای در عین حال داشتیم. یعنی این برای ما حتی، وقتی این هم خوندیم، در این حال تناقضی نداشت. یعنی اگر واقعا شما ثابت... به اصطلاح ثابت بودید در نظر خودتان راجع به وحدت نیروهای مارکسیست، ما در عین حال تناقضی نداریم با حرف ما ...

**بهروز ارمغانی:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... برای این که ما از مسئله جبهه، یک تفسیر سیاسی داشتیم، یک تحلیل سیاسی تشکیلاتی داشتیم تو اینجا بگیریم. که در عین حال، مسئله وحدت نیروهای مارکسیست معتقد به خط مشی مسلحانه رو توی راسش قرار داشت. و ما همه جا اتفاقا این و به عنوان مسئله خیلی مهمی طرح کردیم که به این ترتیب قدرت پیدا می

---

۱۶ - اشاره به اولین جملات گفتگوها ست در نوار اول که رفیق حمید اشرف می گوید:

حمید اشرف: ..... برای رفقا، مسئله ای مطرح بود. و جان کلام مسئله ای که رفقا مطرح می کردند این بود که آیا این حرکت جدید، یک حرکت بنیادا اصولی هست یا نه؟

تقی شهرام: ... این و توضیح بدین بعد اگر، "بنیادا اصولی" یعنی چی ؟

کنه جنبش مسلحانه و با قدرت می ره به سمت حریفاش به اصطلاح، این، این مسئله است.

**بهروز ارمغانی:** ... شما، فکر کنم در رابطه با اون مسئله شعار های وحدت، به هر طریقی که ما الآن داریم صحبت می کنیم راجع به این قضیه، بحث تعابیر، به نظر من، شما مثلا ...

**تقی شهرام:** ... خیلی زیادش، این طوری زنده ...

**بهروز ارمغانی:** ... بله، شما می گید به طور طبیعی این رو، آیا واقعا اردیبهشت نوشتید؟ نه کنه که مثلا این رو فرض بگیر مثلا در یک شب نوشته باشین، به محض این که مثلا اطلاع پیدا کردین از طریقه مبارزه ما ها، این و گرفتین نوشتین و خیلی سریع هم چاپ کردین کتاب رو، مسئله، مثلا عقب نیافتین مثلا، حالا به همچو چیزی ...

**تقی شهرام:** ... مثلا ببین، سر بحث چاپ و اینها، من چیزهایی که باید بگم ها ...

**بهروز ارمغانی:** ... چون من این احساس می کنم ها به همچو چیزی رو ...

**تقی شهرام:** ... ببین، بچه ها می گن، آقا چه طور شد مثلا چیزهایی که ما تو اردیبهشت دادین، به دست ما تو مهر می رسه؟ و بعه هم می گن که مثلا نشون می دن که مثلا، شاید به چیزهایی هستش که نشون می ده که، نمی دونم به خبری که سازمان داده، که این و گفتن، بعد از اردیبهشت ضمنا ...

**جواد قائدی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... نه راجع به چاپش و اینا بود. مثلا گفتن که نشون می ده که تازه مثلا از مطبعه اومده بیرون، مثلا تازه چاپ شده، یا مثلا خرده های فلان هست، یا مثلا ...

**بهروز ارمغانی:** ... ببینم، اینا خب ...

**تقی شهرام:** ... اصلا، چرا که در دانشکده بحث نشده، می دونی؟ چیزهایی که می گن دیگه. خب اجبارا ما هم می شنوفیم. من نمی خوام رو اینا تاکید کنم ...

**بهروز ارمغانی:** ... خیلی خب، من هم ...

**تقی شهرام:** ... منظور من اینه که یه چیزی به وجود می آره. یعنی یک چنین مثلا، که شما چنین برخوردی رو می کنین، درست در غوغای **حمید اشرف:** ... می خواستم یک چیزی رو بفهمم ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... من یک حرفی داشتم، می خواستم بحث های اصولی بکنیم.

**تقی شهرام:** ... بکنیم.

**حمید اشرف:** ... یعنی اصولیت این قضیه رو مورد بحث قرار بدیم. بعد تعبیر و تفسیرهای اونا رو شما بکنید. ببینید واقعا درسته؟ این شعارهایی که شما مطرح کردین ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... درسته یا غلط بوده؟ آیا این شعار رو باید بشینیم ...

**تقی شهرام:** ... ما شعار شما رو معتقدیم بهش. ما به شعار شما معتقدیم. ولی این معنای این نیستش که نیروهای دیگر مبارزه رو نادیده بگیریم و بعد بحث را شما باید روشن کنید، که موضع تون راجع به این تفسیری که ما از مسئله جبهه کردیم چیه؟ ما حرف شما را قبول داریم. بحث بر سر جناح مارکسیست معتقد به مشی مبارزه مسلحانه ...

**حمید اشرف:** ... آیا این رو هم قبول داری که وحدت نیروهای مارکسیست لنینیست مقدم بر وحدت نیروهایی که ...

**تقی شهرام:** ... مقدم، یعنی چی؟

**حمید اشرف:** ... یعنی جلوتر از اون، حرکت زمان ...

**تقی شهرام:** ... این جلوتر، آخه زمانی یعنی چی ببین، الآن من از شرایط ...

**حمید اشرف:** ... اصلا ..

**تقی شهرام:** ... از نظر عملی می گی آره، از نظر تئوری ...

**حمید اشرف:** ... یعنی از نظر فرهنگ مادی اساسا، انقلاب و ...

**تقی شهرام:** ... آخه، اون اگه بخواد، گوش کن، ببین یه چیزی رو دارم بگم ...

**حمید اشرف:** ... در جامعه، اون مقدم تر است.

**تقی شهرام:** ... ببین، من این طوری به قضیه نگاه کردم، ببین، اگر بخوایم از نظر عملی بگیم، الان ما می تونیم، اگر قرار بشه که مسئله در دستور قرار بگیره ما هر، در واقع هر دو گروه موظفند هر نوع فعالیت دیگه ای به اصطلاح با گروه های دیگه رو متوقف کنند، این و بزارن تو دستور. این می شه از منظر، تقدم هر نوعی که بگی، حتی از نظر عملی دیگه، عملا مقدمه. ما به این معتقدیم. ما ببینیم در یک ماه مثله چند تا مسئله رو پیشش ببریم. اگر واقعا دو تا سازمان با هم متحد قرار باشه بشن، دیگه دلیل نداره که مثلا ما بریم با این گروه های مذهبی تماس بگیریم. اون سازمان واحد خواهد رفت. ... خوب معلومه که مقدمه، از این نظر مقدمه! ...

**حمید اشرف:** ... یعنی این که از این پس سازمان واحد مارکسیست لنیست ها که ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... هر تشکیلی رو در جنبش تعریف می کنه ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، آره من هم معتقدم، ما هم معتقدیم به این. ولی اگر مثلاً یه گروه مارکسیستی، از جمله، مثلاً حتی یک گروه بزرگ مارکسیستی، مثلاً شما، نخواستین بیاین تو این، می دونی، چون تو اگر بخوای مسئله جبهه را کلاً منتفی کنی ...

**حمید اشرف:** ... نخوایم کجا بیایم؟

**تقی شهرام:** ... اصلاً نخواستین وحدت پیدا کنین. می دونی چرا، مثلاً می گید که، آقا جون همسایه ام کولر وصل ...

**حمید اشرف:** ... اما وحدت اصولی با مارکسیست ها را که می پذیریم که!

**تقی شهرام:** ... می پذیرید؟! ولی یه مسئله، آیا واقعا، شما مثلاً، فرض کنید که راجع به مسئله جبهه چه نظری دارید؟ ببین، اینجا مسئله جبهه رو یه تفسیری ازش دارید دیگه، همین طور الکی نمی

گید جبهه، چون عشق است! جبهه داریم، بریم تو جبهه. ما می گیم این مسائل رو، جبهه هم حل می کنه. این جزو یکی از نظرات ماست. شما می گید که باید حتما، وحدت مارکسیست لنینیست ها، بیاد مقدم قرار بگیره؟!

**حمید اشرف:** ... خب، بعله، این در حقیقت وظیفه مارکسیست لنینیست هاست که...

**تقی شهرام:** ... این معنایش اینه که ...

**حمید اشرف:** ... حدود جبهه رو بیاد معین کنه!

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، حال این معنایش اینه که ...

**حمید اشرف:** ... خطوط جبهه رو رسم کنه!

**تقی شهرام:** ... باریک الله! این معنایش اینه که. الان من و تو، ما و شما که اینجا نشستیم، پس بیایم اصلا راجع به مسئله جبهه بحث کنیم و راجع به این متقاعد بشیم. اگر ما متقاعد بشیم و یا شما متقاعد بشید، خود بخود مسئله وحدت ما اصلا حل. یعنی مسئله وحدت دو تا سازمان پس موکول می شه به نقطه نظرات شون راجع به جبهه، مگه نه؟! اگر بخوایم مسئله رو در واقع به طور مشخص ..

**بهروز ارمغانی:** ... یعنی شما هیچ نقطه اختلافی نمی بینید برای وحدت، صرفا الا ...

**تقی شهرام:** ... که درسته، ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... نمی دونم، این مسئله شماست؟

**تقی شهرام:** ... نه، من می گم اگر بخوایم از نظر عملی موارد رو بررسی کنیم، این می شه دیگه! یعنی الان اگر ما و شما بیاییم، راجع به جبهه به یک منطقی برسیم، به هر نقطه نظری برسیم، خود بخود وحدت، اگر نرسیدیم به یک نقطه نظر واحد، اون موقع هم وحدت پیدا نمی کنیم ...

**حمید اشرف:** ... در مورد جبهه؟

**تقی شهرام:** ... آره دیگه، عملا به این مسئله می رسیم، چون، تو این و مطرح می کنی، که آیا کدوم مقدمه، ها؟! من می گم از نظر عملی این مقدمه. می آیم با هم بحث می کنیم و طرح می کنیم. تو

می گی از نظر تئوریک، من می آم می گم از نظر تئوریک بخوایم تقدم جبهه رو بر وحدت مارکسیست لنینیست ها بحث بکنیم، اون وقت این یه مسئله تئوریک، باید بشینیم اصلا راجع به ضرورت جبهه، راجع به موضعی که مارکسیست لنینیست ها در باره جبهه بگیرند و جبهه چه نقشی داره، چه نیروهایی رو قبول می کنه، چه نیرویی رو قبول نمی کنه، بحث بکنیم، چون ما اوجا یه سری چیزهایی رو بکنیم. اگر حرفامون قبول شد، خب، وحدت خود به خود ایجاد شده و اون جبهه هم می ره جلو. اگر نشد، ما باید نظراتمون رو تغییر می دادیم، اگر متقاعد شدیم، حرف های شما رو، دیدیم که جبهه اون تعریفی که ما کردیم غلط، یا جبهه اصلا ضرورت نداره، اصلا معنا نداره جبهه، اصلا باید فقط مارکسیست لنینیست ها متحد بشند. اصل برن مثلا "هژمونی"، دنبال "هژمونی پرولتاریا"<sup>۱۷</sup>، برن دنبال اصلا تشکیل حزب

---

۱۷ - اشاره به، نوشته مسعود احمد زاده در قسمت یادداشت های کتاب "مبارزه مسلحانه هم استرژژی هم تاکتیک" است، که: "ما میگوئیم نباید منتظر حزب شد، باید دست به مبارزه مسلحانه زد. خواهند گفت پس حزب را چکار میکنید؟ میگوئیم مسئله حزب برای ما به شکلی مشخص و نه کلی در پروسه مبارزه مطرح خواهد شد. حزب مستقل طبقه کارگر را برای چه میخواهیم: برای تامین هژمونی پرولتاریا، ادامه انقلاب تا مرحله سوسیالیسم و ... ما یقین داریم که برای تامین هژمونی پرولتاریا و ... اتحاد گروه ها و سازمان های پرولتری در یک حزب واحد ضروری خواهد بود، اما این مسئله اینک به شکل مشخص و کنکرت برای ما مطرح نیست. ... بدین ترتیب ایجاد حزب طبقه کارگر یک هدف مشخص نیست که مبارزه مسلحانه در خدمت تحقق آن قرار داشته باشد بلکه مشخصکننده مرحله ای جدید در مبارزه است. مرحلهای که تامین هژمونی پرولتاریا چون مسئلهای مشخص و مبرم مطرح خواهد شد. سابقاً ضرورت مبارزه مسلحانه را بطور کلی می پذیرفتیم و ایجاد حزب بعنوان یک مسئله مشخص مطرح بود. اما اینک مبارزه مسلحانه به صورت یک مسئله مشخص مطرح است و ضرورت ایجاد حزب را به طور کلی می پذیریم.

در اینجا نکته ای بس مهم مطرح میشود. در شرایط کنونی گروه ها قبل از تشکیل حزبی، دست به مبارزه ای میزنند که بر تمام خلق تکیه می کند و مبین خواسته های تمام خلق است. در چنین مبارزه ای هر گروه انقلابی، چه کمونیست و چه غیرکمونیست، میتواند شرکت داشته باشد. پس از لحاظ سازماندهی بهتر و وسیع تر مبارزه، از لحاظ وحدت نیروهای انقلابی، اتحاد تمام این گروه ها در چهارچوب یک جبهه واحد ضدامپریالیستی، در پروسه مبارزه امری اجتناب ناپذیر میگردد. بدین ترتیب اتحاد تمام گروه ها و سازمان های انقلابی و ضدامپریالیستی

مسلح، تو خودت گفתי ضرورتیه، هر چی. اون درسته، اون رو می کنیم. چون مسئله مون رو اونجا حرف زدیم<sup>۱۸</sup>، که پروسه حزب از درون جبهه می گذره! شما باید با این نظر ما برخورد کنید. غلط بگیم، درست بگیم، حرف بی خودیه، حرف بی خودی نیست، اونجا یه بحثی شده راجع به این قضیه دیگه، ما اینجا باید بحث کنیم... یعنی باید بشنید اینجا صحبت بکنید شما، آقا جون، واقعا حرفی که ما اونجا زدیم، این همه اون حرف ها هم تئوری اش اینجا منتقل می شه که

که مشی مبارزه مسلحانه را، چه در شهر و چه در روستا، بپذیرند، امری است بسیار مبرم تر و فوری تر از اتحاد نیروهای پرولتری در چهارچوب حزب طبقه کارگر. ایجاد جبهه واحد قبل از ایجاد حزب طبقه کارگر در دستور روز انقلابیون قرار میگیرد. اگر طبقه کارگر صرفاً در بطن یک مبارزه توده‌های مسلحانه تشکل و خود آگاهی پیدا می کند، پس حزب طبقه کارگر در بطن جبهه واحد ضدامپریالیستی نطفه می بندد و رشد می کند و آنگاه شکل مشخص پیدا خواهد کرد که امر تامین هرژومونی پرولتاریا و ادامه انقلاب به شکلی مشخص و مبرم در دستور روز قرار گیرد." در این مورد به زیر نویس ۱۴ از نوار ششم مراجعه کنید. لازم به گفتن است که در اینجا استفاده رفیق شهید مسعود احمدزاده از بکار گیری کلمه "هرژومونی پرولتاریا" که پیشتر از ترهای معروف کمونیست ایتالیایی، آنتونیو گرامشی است، صرفاً ترجمه تحت الفظی آن به معنی "استیلا" است و نه آن گونه که گرامشی در آثارش توضیح داده است. رفیق شهرام در اینجا با کنایه به این مسئله و تز رفیق احمدزاده که در زمان گفتگوها هنوز هم یکی از بنیاد های اساسی سچفا بود، اشاره می کند.

۱۸ - اشاره به کتاب "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک..." و طرح تشکیل جبهه واحد توده ای است که در آنجا آمده است: "کلیه عناصر و گروه های مارکسیست-لنینیست که بطور مشخص به کار فعالانه ترویج سیاسی، تبلیغ و نشر و اشاعه اندیشه سوسیالیستی در میان طبقات زحمتکش خلق مشغولند می توانند مستقلاً و یا در اشکالی از ارتباط با سازمان واحد مسلح پیشتاز متشکل از مارکسیست-لنینیست های معتقد به خط مشی مسلحانه، کار انقلابی خود را دنبال نمایند. بنظر ما، کار این نیروها بطور کلی تباینی با امر مبارزه مسلحانه گروه های مسلح مارکسیستی ندارد، چرا که بخشی از نیروهای خود ما نیز، منتهی با هدف های اساسی مبارزه مسلحانه، در چنین روابطی (کار توده ای مخصوصاً در میان کارگران) سازمان یافته اند، البته اختلافات مربوط به اصل یا فرع بودن این خطوط و یا چگونگی ارتباط میان محتوای استراتژیک کار سیاسی توده ای و کار تبلیغ مسلحانه (که اساساً خود محتوای کاملاً غالب سیاسی دارد) مسائلی است که در پروسه کار در درون جبهه واحد توده ای مورد بحث قرار خواهد گرفت." این منبع را در سایت اندیشه و پیکار در قسمت ارشیو اسناد خواهید دید.

راجع به مسئله جبهه و وحدت دو سازمان با هم بحث کنیم، اون وقت می بینیم، واقعا، این ور صحبت شد، این به این جور مورد اختلاف قرار می گیره. هم این مسئله از جنبه تئوریکش، اگر از جنبه عملیش بخواد بگیریم، بعله ما حرف شما رو قبول داریم، از نظر عملی باید خیلی مقدم، خیلی صحیح تر و درست تر اینه، که ما اینجا به وحدتی برسیم و دو سازمان باید بره با هر گروهی هر سازمانی هر چیزی، اون دقیق تر، در رابطه با سازمان بره با هم برخورد کنه، صحبت کنه. [ حدود ۱۱ ثانیه سکوت ]

**حمید اشرف:** ... خب، فکر کنم این بحثمون یه مقدار زیادی روشن کننده بود، یعنی یک سری مسائلی رو، نقطه نظرهایی رو ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... روشن کرد، حالا در رابطه با ادامه سوالات شما، ... اینا ...

**تقی شهرام:** ... کدام سوال راستی ...

**حمید اشرف:** ... همون داشتیم ها ...

**تقی شهرام:** ... آها ....

**حمید اشرف:** ... ادامه همون، چیزا بود که ...

**تقی شهرام:** ... آره ...

**حمید اشرف:** ... تو یادداشت می کردی ...

**تقی شهرام:** ... آره، عرضم به حضورتون که، اینجا یاد داشت هام ...

**حمید اشرف:** ... یعنی الان ما به این نتیجه رسیدیم که باید به مسئله جبهه ...

**تقی شهرام:** ... اهوم، بشینیم با هم تبادل نظر کنیم ...

**حمید اشرف:** ... یعنی، بین این دو مسئله، وحدت مارکسیست ها مقدم اند ...

**تقی شهرام:** ... از نظر تئوریک!

**حمید اشرف:** ... هم از نظر تئوریک و هم از نظر پراتیک ...



**تقی شهرام:** ... چرا؟ از نظر پراتیک ما حرفی نداریم، اگر شما مسئله جبهه براتون روشنه، یعنی این که قبول دارید، از نظر عملی ما موافقیم. ببینید اگر شما از نظر تئوریک مسئله جبهه رو به این شکل که ما طرح کردیم و به اون شکل که از یک رابطه ای هم با حزب کمونیست روشن کردیم، که اینا یک سلسله احکام تئوریک. شما که حرف ها رو قبول دارید به طور کلی، می گید که الان بشینیم پس راجع به وحدت مارکسیست ها صحبت کنیم. خب می شینیم صحبت می کنیم. اون وقت اگر ما راجع به این وحدت صحبت کردیم، مثال ها، بعد مثلا، بعد صبر کنیم مثلا همه نیروهای طرفدار مارکسیست ها یی که مثلا پراکنده اند، بطور کلی تو جنبش و معتقد به خط مشی مسلح اند، خط مشی مسلحانه اند، بعد صبر کنیم که اونا همه متحد بشن، بعد بریم مثلا سراغ مثلا فرض کنید نیروهای دیگه معتقد به خط مشی مسلحانه یا نیروهای دیگه انقلابی، این ...

**حمید اشرف:** ... آخه نیروهای دیگه معتقد ...

**تقی شهرام:** ... این ...

**حمید اشرف:** ... به مشی مسلحانه وجود ندارند.

**تقی شهرام:** ... خب اگه نیستند، خب دیگه عملا، حرف ما و شما در یک جا به قول معروف، دیدی که بعضی از این معادلات مثلا درجه چهار می آد، تاییدی می آره و تاییدیش می شه درجه یک و خطی، معادلات خطی می شد، آخرش هم ما، حرف ما و شما یکی می شه. مگر این نیست؟ اگر واقعا عملا هستند، که خب باید با هاشون برخورد کرد و نظراتشون رو با هم یکی کنیم. به نظرات مون برخورد کنیم، ببینیم اختلافاتش کجاست. بله الان به طور مشخص، قضیه به یک مسئله، تقریبا مشخصی تحلیل می شه.

۲۱ ثانیه بدون هیچ گفتگویی

**تقی شهرام:** ... ببینید، آ، مسئله بعد که ...

**بهروز ارمغانی:** ... اجازه بدید من شاید اگر بحث جدید هست ...

**تقی شهرام:** ... ها! بحث جدید ...

**بهروز ارمغانی:** ... یک چند دقیقه آنتراکت بدیم ...

تقی شهرام: ... آره ...

بهروز ارمغانی: ... اگر که ممکنه ...

تقی شهرام: ... باشه ...

بهروز ارمغانی: ... خاموش کنیم ... اون هست (خطاب به حمید اشرف)

[نوار در اینجا قطع و مجدداً پس از زمانی دیگر وصل می شود]

بهروز ارمغانی: ... بفرمایید ...

تقی شهرام: ... اطلاعیه در رابطه با اینها می تونست مطرح بشه ...

چی رو زدی؟ (خطاب به بهروز ارمغانی)

بهروز ارمغانی: ... ضبیط نزنم؟! ...

تقی شهرام: ... نزن، بهتره نرنی این و ...

بهروز ارمغانی: ... باشه ...

تقی شهرام: ... چون که اطلاعی یه!

[نوار مجدداً در این جا قطع و در زمان دیگری وصل می شود]

تقی شهرام: ... چون که قرار بود بحثی کنیم راجع به او جریان خارج اینا دیگه، اگه ما صحبت بکنیم با رفقا، هر کس ضرورتی داره نمی دونم. شما اگه در واقع احتیاج، می خواد ما براتون می فرستیم، ما هم با رفقا مون صحبت می کنیم، فکر نمی کنم محظوری باشه ...

حمید اشرف: ... این که در خارج می دونند همه، انعکاساتش خیلی ناچور بوده، این جریان، چون که کنگره، کنفدراسیون هم ...

تقی شهرام: ... آها ...

حمید اشرف: ... رو این اعلامیه ها خونده شده ...

تقی شهرام: ... آها .

**حمید اشرف:** ... یعنی اعلامیه گروه های مذهبی<sup>۱۹</sup> و انعکاسات  
ناجوری پیدا کرده ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... البته مسئله خارج خودش، یک سری جریاناتی  
هست، اختلافات درونی کنفدراسیون ...

**تقی شهرام:** ... بله ...

**حمید اشرف:** ... کنگره مستقلی که برای امسال کنفدراسیون تشکیل  
داد تا موقعی که پیام ... گفته شد بهش از طرف شما ...

**تقی شهرام:** ... اون کنگره ای که جبهه ای ها تشکیل داده بودند؟<sup>۲۰</sup>

---

۱۹ - اشاره به اعلامیه ای است که توسط برخی از اعضا و سمپات های سازمان در دی ماه ۱۳۵۴، در مخالفت با "بیانیه اعلام مواضع ..." در نشریه پیام مجاهد شماره ۳۷ منتشر شد. همچنین چندین اعلامیه به نام برخی از انجمن های دانشجویی اسلامی در ایران نیز در این باره منتشر شد. برای مطالعه بیشتر به زیر نویس شماره ۲ از نوار هشتم مراجعه کنید. این اطلاعیه در سایت اندیشه و پیکار هم قابل دستیابی است:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/bayanieh-bakhshi-az-mojahedin-khalgh-54.pdf>

۲۰ - آخرین کنگره ای که همه جناح های کنفدراسیون در آن شرکت داشتند، کنگره ۱۶ و در دی ماه ۱۳۵۳ بود، پس از این کنفدراسیون دچار انشعاب شد. اما یک سال بعد همان گونه که رفیق حمید اشرف هم اشاره می کند، کنگره دیگری متشکل از بخشی از اعضای کنفدراسیون تشکیل شد که خود را کنگره ۱۷ ام نامید. افشین متین در این مورد نوشته است: "در ماه ژانویه ۱۹۷۶ (دی ماه ۱۳۵۴) ائتلافی از سازمان های جبهه ملی خاورمیانه، گروه کارگر و کادرها، کنگره ای را در شهر فرانکفورت با نام هفدهمین کنگره کنفدراسیون تشکیل دادند. حدود ۱۰۰۰ دانشجو در این کنگره حضور داشتند. پیام های سازمان چریک های فداییان خلق و مجاهدین (مارکسیست لنینیست) قرائت شد و آنان این کنگره را به عنوان کنفدراسیون مورد شناسایی قرار دادند. هر دو سازمان چریکی از جنبش دانشجویی خارج از کشور درخواست کردند تا دفاع از اپوزیسیون ایرانی و به ویژه جنبش های چریکی را در دستور کار قرار دهند. مجاهدین (م. ل) از پوزیسیون خارج از کشور می خواستند تا تماما در خدمت دفاع از مبارزات مسلحانه قرار گیرند. پیام فداییان خلق انعطاف پذیرتر و مبتنی بر این بود که تبلیغات ضد رژیم را باید با حمایت مستقیم از انقلابیون داخل کشور همراه کرد." کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲، افشین متین، مترجم، ارسطو آذری، تیرازه، ۱۳۷۸، صفحه ۲۸۳.

**حمید اشرف:** ... کنگره چیز دیگه، کنگره ای که در همون ...  
**تقی شهرام:** ... همین جبهه ای ها مثل این که تشکیل داده بودند،  
نیست؟!

**حمید اشرف:** ... آره دیگه ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... در حقیقت کنگره سازنده جبهه رو اینا تشکیل می  
دن. کنگره سالانه کنفدراسیون رو اینا تشکیل دادن.

**تقی شهرام:** ... ببین، ما راجع به مسائل خارج تقریباً یک استقلالی  
به اینا دادیم. یعنی چون ما زیاد تو کارش نمی تونیم باشیم هم، اینا  
تو همون چارچوب خطوت اصلی سازمان می تونن، یعنی خودشون  
اونجا موضع می گیرن و به هر حال برخورد می کنند. چون کتاب  
های، به اصطلاح جهت خارج رو، اخیراً رو یه نظمی در می آد که از  
اون حالت گذشته خارجش بکنیم، مخصوصاً، چون خیلی اینا مسائل  
زیادی باقی گذاشته بودن، ما می بایست، خیلی جریانات غلط اونجا  
موضع می گرفتیم. ولی به هر حال سعی داریم می کنیم که اونجا پاک  
سازی بشه و ...

**حمید اشرف:** ... ببینم رفقای می مثل نژاد حسینیان<sup>۲۱</sup> و اینا، چه  
موضعی گرفتن در این رابطه؟

**تقی شهرام:** ... نژاد حسینیان؟! چه جوریه؟ این کیه؟

**جواد قانیدی:** ... ما با اسم مستعار می شناسیم.

---

۲۱ - اشاره به محسن نجات حسینی است. او یکی از شش زندانی مجاهد است  
که در جریان عملیات هواپیما ربایی از دوی به بغداد در پاییز ۱۳۴۹ از افتادن به  
دام رژیم شاه نجات یافتند و سپس از کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران در  
خاورمیانه شد. او چند سال پیش خاطراتی از دوران فعالیتش در سازمان را به  
نگارش در آورده و با عنوان "بر فراز خلیج فارس" منتشر کرده است. رفیق حمید  
اشرف با محسن نجات حسینی هم دانشکده ای بود و احتمالاً به همین دلیل او را  
بیاد می آورد. نجات حسینی مهندسی شیمی و رفیق اشرف، مهندسی مکانیک می  
خواندند. محسن نجات حسینی در این مورد از طریق ایمیل برای ما نوشته است:  
"من در دانشکده فنی دو سال (دوره ی عمومی) با حمید هم کلاسی و آشنا بودم.  
بعد از ادامه تحصیل در رشته های متفاوت نیز در ارتباط با فعالیت های فوق برنامه  
ی دانشجویی آشنائی نزدیکی بین ما وجود داشت."

[تقی شهرام و جواد قاندى به آهستگى در اين باره صحبت مى کنند و کلمات ناواضحى شنیده مى شود]

**تقى شهرام:** ... مثل اين که ...

**حميد اشرف:** ... مثل اين که، موضع جديد رو پذيرفته ...

**تقى شهرام:** ... آها، مثل اين که، بله پذيرفته ... بله، عرضم به حضورتون که، بعد هم، همچين مسائلى داشت. اين در مسئله خارج، گفتم براتون يک سري بر ما دشواري هاي خيلي زيادي داشت، بخاطر اين که مجبور بوديم که کات اوت (Cut Out) کنيم. يعنى خارج، ما در اينجا که مى برديم، واقعا اين امکان و نمى داشت که اونجا برخورد کنيم. گفتم که در حين صحبت هام. ولى با اين وصف تونست اينام اونجا بلاخره به اونجا هم برسيم، همون کادرهاي اصلي خودمون رو در واقع برخورد کرديم، آورديمشون اينجا و به هر حال برخورد مناسب با هاشون شد. ولى خب، هنوز آثارالتقاتش همين هاست ديگه. هنوز ... سراغشون، در واقع بدون اين که مراحملى که ما اينجا گذرونديم، از نظر تصفيه عناصرى که همين قبيل آدم ها بودن، اين نئونستن بگذروندن، طبيعى هم بودش که اين، يه موقعى همچين نسلى، دست به چنين کارهايى هم بزنن. به هر حال انعکاس اين، حرفى بود من هم که هر چند که جريان بدى ايجاد کرده باشه، بعضى باز مفهوم طبقاتى داره، يعنى به هر حال اينها، اگر ما سياست درستي رو پيش بگيريم، و اين سياست رو ادامه بديم، به هر حال هر چيز بدى، چيز، چيز خوبى بشه، يعنى چيز خيلي خيلي بد، مى تونه يه چيز خيلي خيلي خوبى هم بشه! و ما اين طوري برخورد مى کنيم با قضيه. شما چيزى به نظرتون مى رسه؟

**حميد اشرف:** ... نه، فقط مى دونيم که يه همچين جرياناتى هست.

**تقى شهرام:** ... خب تحليل تون چيه از اين؟ از اين جريانات؟

**حميد اشرف:** ... والله چون ما شناختى نداريم،

**تقى شهرام:** ... چه جورى شناختى ندارين؟

**حميد اشرف:** ... تحليلى هم نداريم، وليکن فکر مى کنيم که اين ها کسانى هستند که به هر حال سر خوردند در اين رابطه، چون در

داخل هم مظاهرشون دیده می شه، که همین روزهام، اینا تو این دانشکده و اینا هم اعلامیه هاشون رو در می آرن. و ...  
**تقی شهرام:** ... ببینم، شما خبر دارین از قبل که می خوان اعلامیه درآرن؟

**حمید اشرف:** ... از قبل؟!

**تقی شهرام:** ... شما می گید ...

**حمید اشرف:** ... نه درمی آرن، یعنی مثلا ...

**تقی شهرام:** ... آها، پخش می کنند این اعلامیه ها رو ...

**حمید اشرف:** ... پخش می کنند، به دیوارها می زنند، الان مثلا، هفته پیش بود مثل این که، دانشکده فنی، یه اعلامیه ای رو دیوارها بود.

**بهروز ارمغانی:** ... دو تا اعلامیه بود. دو تا اعلامیه هفته پیش!

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... که تحت عنوان "مسلمانان آگاه"<sup>۲۲</sup> ...

**تقی شهرام:** ... آه اون اعلامیه چند صفحه ای ...

**بهروز ارمغانی:** ... دانشجویان مسلمان آگاه ...

**جواد قاندي:** ... "دانشجویان مسلمان"<sup>۲۳</sup> چند صفحه ای بود.

"دانشجویان مسلمان" را دیدیم ولی "مسلمانان آگاه" که ...

**تقی شهرام:** ... گفتیم که، گفتیم که ...

**جواد قاندي:** ... همان علم و صنعتی هایی هستند که ... رو زدن.

**تقی شهرام:** ... کدوم، مسلمانان آگاه؟

---

۲۲ - اعلامیه ای از سوی افرادی با عنوان "مسلمانان آگاه" در نشریه شماره ۳۸ پیام مجاهد به تاریخ بهمن ۱۳۵۴ در خارج از کشور در رابطه با حمله به مواضع جدید سازمان مجاهدین خلق منتشر شده بود.

[http://nedayezadi.org/cd/fmi/bayanieh/54x\\_57\\_j10/54x\\_57\\_2/54x\\_57\\_b2\\_38.htm](http://nedayezadi.org/cd/fmi/bayanieh/54x_57_j10/54x_57_2/54x_57_b2_38.htm)

۲۳ - اعلامیه ای چند صفحه ای به نام "دانشجویان دانشگاه" در نشریه شماره ۳۷ نشریه پیام مجاهد در دی ماه ۱۳۵۴ در خارج از کشور منتشر شده بود.

[http://nedayezadi.org/cd/fmi/bayanieh/54x\\_57\\_j10/54x\\_57\\_2/54x\\_57\\_b2\\_37.htm](http://nedayezadi.org/cd/fmi/bayanieh/54x_57_j10/54x_57_2/54x_57_b2_37.htm)

**جوادقائدی:** ... آره.

**تقی شهرام:** ... ولی این چیز نمی ده از ...

**جواد قائدی:** ... دانشجویان مسلمان یکی دیگه است، دو تا می گن.

**تقی شهرام:** ... نه اون چیزی که تو دیروز می گفتی که ...

**جواد قائدی:** ... خب همون، دانشجویان مسلمان دیگه است ...

**تقی شهرام:** ... که درش تو یه جمله خارجی انداخته بود ...

**جواد قائدی:** ... آها،

**تقی شهرام:** ... چی بود؟

**جواد قائدی:** ... کانالیستی ...

**تقی شهرام:** ... آها، کانالیستی، همین بود، سه چهار ورق بود، نمی

دونم گفته بود که سر نهضت آزادی دفاع کرده بود و این حرف ها؟

**حمید اشرف:** ... نه، بیشتر به مارکسیسم حمله کرده بوده ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... و به موضع جدید مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... بله، ما این که در صدیم که می دونیم که از طرق

مختلف باهاش برخورد می کنن. یکی اش کار توضیحیه، می کنیم این

کار رو، یکی همون مسئله حل تشکیلاتیه، می گه با هم مرکزیت دو تا

سازمان پیش بره، من فکر می کنم، فکر می کنیم که خیلی خب،

قضایا به یه اشکالی، خیلی مناسب حل می شه. یعنی در واقع مسئله

اصلا از اون شکلی که خرده بورژوازی مستمسکی قرار داده، خارج

می شه، یکی مسئله در واقع تایید و وحدت با همین گروه های در

واقع صادق مذهبی، که حاضرند با ما کار کنند و وحدت داشته

باشند. اینا مسائلی که ما می تونیم با این جریانات برخورد کنیم.

شما راه های دیگری به نظرتون می رسه؟

**حمید اشرف:** ... این گروه های صادق مذهبی، که بیش از این گروه

هایی که مجاهد سابق بودند ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... این ها این ها رو چه نقطه نظری دارند؟ چکار می خوان بکنن؟

**تقی شهرام:** ... اینا، نقطه نظر مبارزه مسلحانه دارن ...

**حمید اشرف:** ... می دونم، آیا اینا می خوان سازمان مسلح تشکیل بدن؟

**تقی شهرام:** ... اینا؟

**حمید اشرف:** ... اهوم.

**تقی شهرام:** ... آره، گروه مسلحانه تشکیل می دن. گروه مسلح تشکیل دادن اصلا!

**حمید اشرف:** ... ولی اسمی رو خودشون نداشتن ...

**تقی شهرام:** ... نداشتن، چون عمل نظامی نکردن.

**حمید اشرف:** ... و آیا می خوان از اسم مجاهدین استفاده کنن؟

**تقی شهرام:** ... فکر نمی کنم، یعنی اگر هم استفاده بکنن، به این شکل استفاده نمی کنن، مثلاً یه چیز دیگه بذارن، مثلاً، مسلمانان مجاهد خلق، یه چیزی شاید از این قبیل، ولی این کار را نخواهند کرد. چون می دونی که در داخل زندان هم رفقای تقریباً اصلی ما مارکسیست شدن. یعنی رفقای، یعنی خیلی از رفقایمون، می دونید دیگه؟

**حمید اشرف:** ... این طور شنیدیم که سه جناح در زندان هست!

**تقی شهرام:** ... سه جناح؟ سه جناحش رو کنار، دو جناح در واقع ...

**حمید اشرف:** ... سه جناح ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... که یک جناح مارکسیست و مارکسیسیم و پذیرفته اند یعنی مواضع جدید مجاهدین رو پذیرفتن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یک جناح نپذیرفته اند، یک جناح هم موضع مارچ [خنثی؟]، یعنی پاسیو شدن ...



**تقی شهرام: ...؟**

**حمید اشرف:** ... این طور که ما شنیدیم ...

**تقی شهرام:** ... بله. اون رفقای که موضع مارکسیستی گرفتن، تقریباً از رفقای یک مقدار استخون دار تر هستند، به طور کلی.

**حمید اشرف:** ... رفیق رجوی این ها، موضع مارکسیستی گرفتن؟ ...

**تقی شهرام:** ... من رجوی<sup>۲</sup> رو نمی دونم، چون مسئله اطلاعاتیه راجع به این صحبتی نمی کنیم. من فکر هست که با رفقا جزئی این ها، در همین روابط که مثلاً مشخص شده بود و جریاناتشون، اینا رو باهاشون این کار ها رو کردن<sup>۳</sup>. کلاً نباید در این باره صحبت کرد، ولی، نه من نمی دونم رجوی تغییر کرده، ولی چیز ...

**حمید اشرف:** ... ولی پلیس می دونه که ایدئولوژی رو گذاشتن کنار و این حرفا ...

**تقی شهرام:** ... آخه، اونم نمی دونسته، پلیس نمی دونه این طور چیز ها رو، می دونه؟ نمی دونم، فکر نمی کنم بدونه. ولی هستند رفقای که مارکسیست شدن، در واقع هم رفقای باتجربه ترمون اند. رجوی رو نمی دونم. ممکنه نشده باشه، ولی خب، چون، نمی دونم، من راجع به رجوی اطلاعی ندارم. می دونی رفقای دیگه ای که هستند ... بله، ببخشید. ... ببینید، یک جریان اجتماعی، مسلماً در ابعاد اجتماعی هم تاثیر می گذاره. واقعا شما خودتون هم می دونید دیگه. یعنی اصلاً به هیچ وجه قابل تعجب نیست این قضایا، کاملاً منتظرش هم هستیم، بیشتر از اینا. بله. به هر حال شما نظری دارید، راه حلی پیشنهاد می کنید. شیوه هایی که ما داریم، توضیح دادم براتون که چی یا هست.

---

۲۴ - مسعود رجوی (-۱۳۲۷)، از اعضای قدیمی سازمان مجاهدین خلق ایران که در سال ۱۳۴۶ به سازمان پیوست و در ضربه شهریور ۱۳۵۰، از اعضای مرکزیت ۱۱ نفره سازمان بود. وی در کنار، بهمن بازرگانی، کاظم نوالانوار و موسی خیابانی یکی از اعضای مسئول سازمان در زندان بود.

۲۵ - اشاره به توطئه ساواک و کشتار رفیق بیژن جزنی و ۶ تن از رفقای فدایی و همچنین دو مجاهد خلق در ۲۹ فروردین ۱۳۵۴ در تپه های اوین بود.

حمید اشرف: ... در رابطه با گروه های مذهبی، که ما نظرات، باید اجازه بدیم، هم گروه های مسلح خودشون رو درست کنن ...

تقی شهرام: ... بیارن، چه اشکالی داره ...

حمید اشرف: ... و در جهت تشکل استفاده کنند ...

تقی شهرام: ... اهوم، و به شون کمک کرد، ها؟

حمید اشرف: ... و به شون کمک کرد و اگر خواستن به شون کرد، چون نمی تونند برن با چارچوب های دیگر متشکل بشن ...

تقی شهرام: ... بله کاملاً درسته ...

حمید اشرف: ... چون کاملاً پراکنده می شن ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... اگه متشکل نشن ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... همین، نظرات ما در مورد گروه های مذهبی، به طور مشخص همینه.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... ولی چیزهایی که خواسته بودی که بنویسیم، ما نظرمون همینه ...

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... که گروه های مذهبی باید متشکل بشن و

تقی شهرام: ... ما می دونیم که باید متشکل بشن، ولی واقعا مناسبات ما و ماتریالیست ها، مناسبات جنبش کمونیستی با این ها چه شکلی باشه؟ این هم مسئله است. چون به هر حال اینا هم یه نکات متضاد و متعارفی داره، یعنی به مرور وقتی به جلوتر پیش بریم، می رسه مسائلی ایجاد می کنه. به همین دلیل ما معتقدیم که ما هم واقعا در این مورد حرفی نداریم، یعنی جلو نگرفتیم، ممانعتی نکردیم.

حمید اشرف: ... اون وقت با ما در واقع این چه طور می شه با اینا؟

تقی شهرام: ... با کیا؟

**حمید اشرف:** ... با همین گروه های مذهبی که مستقل اند و تشکیل می شن.

**تقی شهرام:** ... ما فکر می کنیم که، رابطه، همون رابطه جبهه ای داشته باشیم. چه جوری می تونیم داشته باشیم دیگه؟ از چه نظر، مثلا فکر کن، اونا اصلا ادعای مثلا گذشته سازمان و بکنن؟

**حمید اشرف:** ... یه مقداری مسئله و موردی هست، ضمن این که تحلیل شون الان چی هست؟

**تقی شهرام:** ... اینا می گن شما در ... انقلابی رسیدین به مارکسیسم، ما نرسیدیم.

**حمید اشرف:** ... و لحظه "اعلام مواضع ..." و اینا رو تایید می کنن؟

**تقی شهرام:** ... البته، نه، انتقاداتی دارن که شما نه این که اصلا می تونین، بعد بعضی هاشون متقاعد شدن که اعتقاد داشتیم که ما باید این کار و می کردیم. نظرات یک پارچه ای ندارن. یعنی یه مقدارم تغل عمل شون اینا هم، همینه دیگه.

**حمید اشرف:** ... یعنی عملیات می کنین شما؟  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... پس اینا، الان گروه های مختلفی هستند یا یک گروه رو تشکیل دادن؟

**تقی شهرام:** ... اینا، عمدتا، یک گروه رو تشکیل می دن. یعنی گروه رفقای ما<sup>۳۶</sup>، یک گروه رو تشکیل می دن

**حمید اشرف:** ... یعنی، مجاهدین آزاد شده؟

**تقی شهرام:** ... بله دیگه، عمدتا هم رفقای که از قدیم بودن با اون هایی که تازه آزاد شدن و مذهبی باقی موندن ...

---

۲۶ - اشاره به هسته مذهبی در کنار سازمان مجاهدین م. ل است. برخی از اعضایی که هنوز به اعتقادات پیشین مذهبی سازمان پایبند بودند، اما از نظر تشکیلاتی به سازمان وابسته و تحت حمایت سازمان بودند. این هسته متشکل از محمد حسین اکبری آهنگر، مجتبی آلاذ پوش، سرور آلاذ پوش، فرهاد صفا و عده ای دیگر بودند که رابط شان با سازمان، رفیق حسن آلاذ پوش بود.

حمید اشرف: ... مهدویو... با مهدویون؟<sup>۲۷</sup> ...

تقی شهرام: ... نه مهدویون از اون تیپ های دیگه ان، اصلا، اونا اصلا با اینا نمی تونند مخلوط بشن، به این سادگی ها تطابق پیدا کنن، چون اصلا اونا یه تیپ های دیگه ای دارن ها. تیپ های هستند به ... اصلا یه داستانیه، اینا یه عملی اخیرا انجام دادن. البته گفتن نگید، چون ممکنه که، مثلا پلیس بعدا بیاد و بگیره، اعدام اینا بکنه. یعنی اصلا یه نفر ...

[نوار در اینجا تمام می شود، اما دنباله این گفتگو در نوار هشتم، وجود ندارد و گفتگو ها از جایی دیگر آغاز می شود. احتمالا به خاطر مسائل امنیتی، بخشی از آن حذف شده است.]

---

۲۷ - گروه مذهبی مهدویون، از تعدادی جوانان مذهبی در محفلی خانوادگی و نزدیک به هم در اوایل سال ۱۳۵۲ در اصفهان، تشکیل شده بود. تعدادی از اعضای آن در اواخر سال ۱۳۵۳ دستگیر و حداقل دو نفر از برادران شاه کرمی که دانشجوی دانشگاه صنعتی بودند، طی درگیری مسلحانه با ساواک به شهادت رسیدند. از برخی منابع مطلع شنیده ایم که، تعدادی از اعضای این گروه بعدها در زندان و خارج از آن مارکسیست شدند و به سازمان های چپ پیوستند.

## فایل ۸

این نوار، ۴۵ دقیقه و ۱ ثانیه است.

[در اینجا نوار دقیقا در دنباله گفتگو ها از نوار هفتم نیست. احتمالا به خاطر مسائل امنیتی مقداری از آن حذف شده یا ضبط نشده است.]

**حمید اشرف:** ... می رن سراغش و ...

**تقی شهرام:** ... کمیت نمی زاره، بچه های بدی نیستند یعنی بچه های خوبیند، دارن کار می کنند.

**حمید اشرف:** ... دگمن.

**تقی شهرام:** ... مثلا اینا رفته بودند، مثلا چهار روز تو خونه هاشون نشسته بودند و بیرون نیامده بودند. بعد معلوم نبود، فکر کرده بودند، مثلا گرفتند بقیه رو. همین، سر راه یه چیز مشکوک دیده بودند، تو یک جا، مثلا سر قرار، که رفته بودند تو خونه ها و بیرون نیامده بودند، اصلا. همچنین برخوردهایی دارند دیگه، به هر حال خیلی ضربه پذیرند از این نظر که جمعیت شون را دارند زیاد می کنند و کیفیتی، کیفیتی هم به اون معنا ندارند. بله.

**حمید اشرف:** ... یک جریانی هم بود تو اون خیابونه ... اون هدایت ...

**تقی شهرام:** ... آها؟

**حمید اشرف:** ... صفی علیشاه.

**تقی شهرام:** ... آها؟

---

۱ - اشاره دارد به درگیری نیروهای ساواک در ۲۵ آذرماه ۱۳۵۴ با جمعی از انقلابیون، به روایتی ساواک در طی خانه گردی ها به طور تصادفی به خانه تیمی یک گروه مبارز می رسد. در این درگیری دو نفر به شهادت می رسند و سه نفر دستگیر شدند. خبر این درگیری در خبرنامه شماره ۱۹ سازمان مجاهدین خلق در صفحه ۶، منتشر شده بود.

**حمید اشرف:** ... اون روشن شد براتون که چی بوده؟ کیا بودن؟  
**تقی شهرام:** ... همون مهدویون بودند.

**حمید اشرف:** ... مهدویون بودند؟

**جواد قائدی:** ... پس با ... اینا چی؟، چه فرقی می کن؟

**تقی شهرام:** ... ها، اون، نه، نه سر صفی علیشاه؟ اون چیز بودش،  
ببینید ... این طرف اسمش چی بود؟

**جواد قائدی:** ... [به آرامی به تقی شهرام] ... اسفندیاری.

**تقی شهرام:** ... خب اسفندیاری نبود، یه پسری بود به نام چیز، به  
نام، بذار من فکر کنم که ... همون، یادت نمی آد؟ یه اسمی داشت،  
اسم یک شاعر بود خیلی شاعر معروفی، همچی چیزی بود. ... یه  
پسر، یه زن و شوهر بودند. یه تیپ های سیاسی بودن اینا، بعد یکی  
از اون، یک پسر مذهبی، مخفی شده بود، رفته بود خونه اینا، مدتی  
اون، خونه اینا مونده بود. بعد این پسر را گرفتند. اسفندیاری بود، به  
نام اسفندیاری ...

**حمید اشرف:** ... چی شد گرفتند؟

**تقی شهرام:** ... اینجا را که لو داد، این ها فکر کردند خونہ تیمیه،  
ریختند، تیراندازی کردند و خلاصه این زن یارو هم، طرف حامله بود،  
بیچاره از اون بالا خودش و پرت کرده پایین و خیلی مسایل به وجود  
آمد. خودشون شلوغ کرده بودند. اون خونہ معلومه جریانش چیه دیگه،  
اون خونہ را طرف لو داده بود، بعد فکر کرده بود که ...

**حمید اشرف:** ... این خونہ عادی، این ها بود پس؟

**تقی شهرام:** ... آره خونہ عادیشون بود. ولی چون طرف تیپ سیاسی  
بود این خونہ را، نرفته بود خونہ پدر و مادرش، یک خونہ به اصطلاح  
چیز گرفته بود، یک خونہ مثلا کسی زیاد نبینه، از این حرف ها. آدمه  
یه تیپ از اون بچه پولدارها و اینا بود. پسره؟ اسمش هم الان خاطر  
نمست.

**حمید اشرف:** ... پس پلیس حمله می کنه این زن و شوهر رو می  
گیره؟ ...

**تقی شهرام:** ... بله دقیق حمله می کن ...

**حمید اشرف:** ... به خاطر اینکه اینها مسلح هم بودند؟  
**تقی شهرام:** ... آره، تیراندازی و گاز اشک آور و خیلی بند و بساط،  
در حالیکه اینها هیچکسی نبودند، فقط همین ها بودند.  
**حمید اشرف:** ... این زن و شوهر، پیرو خط مشی مسلحانه هم  
نبودند؟

**تقی شهرام:** ... نه.

**حمید اشرف:** ... حالا می‌تونیم صحبتمون را ادامه بدیم.

**تقی شهرام:** ... عرضم به حضورتون که، حضورتون ... آها، راجع به  
این جریانات مذهبی بود گویا. عرضم به حضورتون که، ... آخه این  
کاغذ من و ... شما مسئله ضرورت حمله به مذهب را طرح کردید و  
این که خب یک حمله روبنایی و الا آخر و اینکه انتقاداتی که جنبه به  
اصطلاح به اعتباری برای زیر بنایی هست با توضیح مثلا رو بنایی  
حل نمی‌شه و به قول خودتان مشی لنینی که مثلا بعد از اینکه  
طبقات از بین رفت و استثمار به نابودی رفت پایگاههایش هم از بین  
می‌ره. مذهب خود به خود نابود میشه و الی آخر، نیست؟ خب در این  
مورد من فکر می‌کنم که احتیاج به توضیح هست که چرا ما این کار  
را کردیم. با توجه به بحث‌هایی که در گذشته داشتیم، راجع به اون  
اثراتی که ما می‌خواستیم بذاریم از نظر تحکیم و تثبیت موقعیت  
نقطه نظرهای مارکسیستی و حقانیتش و در حالیکه اصلا ما مجبور  
بودیم اینکار را بکنیم، اینها واقعا برای شما هم روشن نیست؟  
توضیحی لازم داره؟ و یا گویا و یا ما مثلا فرض کنید که با این نظر  
خودمون این طور متبادر ذهن شما شده که مثلا ما می‌خواستیم از  
این طریق یه عده ای رو، مذهبی رو مثلا مارکسیست بکنیم یا اینکه  
مثلا معتقدید که از این طریق مثلا می‌تونیم مارکسیست ایجاد بکنیم  
یا عناصر مارکسیست بشند؟ هان، به نظر شما اینهاست؟

**حمید اشرف:** ... نه، نظر من این بودش که این جریان...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... مقاومت‌هایی را ایجاد می‌کنه، کما این که الان  
هم کرده، ما ناظریم.

**تقی شهرام:** ... آخه این دلیلش اعلام، دلیلش این نیست که ما اینجا این شکل برخورد کردیم، علتش این است که ما واقعا اعلام کردیم مارکسیست شدیم.

**حمید اشرف:** ... خب یه مقدار احساسات مذهبی، چون مذهبیون اینا یک مقدار هم احساسی اند ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه ...

**حمید اشرف:** ... در رابطه با اعتماد به نفس ...

**تقی شهرام:** ... نه ما به این معتقد نیستیم. این تحلیل تو اتفاقا درست نیست. اونا دقیقا به خاطر اینکه یک چنین ضربه ای بهشون خورده و منافعشان اینجا لطمه دیده و در واقع ما مواضع، چنین موضع ای را گرفتیم، چنین برخوردی می کنند. حال وای به اون موقعه ما واقعا حمله هم نمی کردیم، هیچی ام نمی گفتیم، فقط میگفتیم، خب آقا ما مارکسیست شدیم، حالا با ما کاری نداشته باشید. پدرمون و اون موقه بیشتر در می آوردند. در واقع الان اینا خیلی دستشان خالی تره، چون اگر بخواهند با ما برخورد کنند باید با این نقطه نظرات ما برخورد کنند، وای به اون ...

**حمید اشرف:** ... برخوردهایی هم می کنند؟

**تقی شهرام:** ... خب بکنند، معلومه این در اون ..ها؟

**حمید اشرف:** ... از مواضع خودشون برخورد می کنند.

**تقی شهرام:** ... خب بکنند، ولی این مواضع دیگه خیلی فاش شده است. چون وقتی مثلا طرف ور می داره می نویسه، مثلا این طرفی که نوشته که ماتریالیسم یک چیز خود محور، خود محورانه است، هان! مگه ننوشته اونجا؟ خب این دیگه، به قول معروف پنبه این حرفش زده شده. یا مثلا اگه یکی ور داره بنویسه که مثلا فرض کنیم ماتریالیسم یک چیزی مثلا فرض کن همون مادیات مثلا بورژوازیه یا الی آخر، از این حرف ها هم جواب داد، خب این هم تا مقدار زیادیش روشنه، یعنی ما فکر می کنیم که خود به خود اینها هنوز در مواضع خیلی خیلی دفاعی قرار دارند و وای به آن موقعی که ما این و طرح نمی کردیم. شما خودتان فکر کنید که اصلا ما می تونستیم



این کار را بکنیم. اصلا درست بود؟ نه شما واقعا حق بدهید به ما. ما می تونستیم مثلا بعدش بگیم خب آقا، ما مارکسیست شده ایم و فلان و بعدش هم این که تو جریان این عمل انقلابه به این مسائل رسیدیم. والا بلا، به پیر به پیغمبر قصد و مرضی هم نداشتیم. کودتایی هم نکردیم، فلان هم نشد، به این پروسه رسیدیم. این کفایت می کرد واقعا؟ اثراتش الان بهتر بود؟

**حمید اشرف:** ... که شما این نیروها را در دام می کشید.

**تقی شهرام:** ... ما نظرمون را که عمل کردیم ...

**حمید اشرف:** ... که ...

**تقی شهرام:** ... ما معتقدیم اون موقع خیلی مسائل بیشتری مطرح می شد. اون موقع، خیلی در واقع، هم زیون اینا درازتر بود، هم حرفشون بیشتر به خیلی جاها ممکن بود برسه و همین که خیلی تعبیرها، خیلی مسائل می تونست ایجاد بکنه. کما این که موضع کاملا تعرضی داری! اون ها نه در رابطه با این حرفیکه ما زدیم راجع به این مسئله همون جور که خودتان می دونید که اینا در رابطه با طبقه شون و منافعی که از دست دادن و ضربه ای که خوردند، دارند صحبت می کنند. ما هر نوع گرایشی به طرف مارکسیسم می خواستیم پیدا کنیم، اینا همین برخورد را می کردند و خیلی بدتر از اینا. شما غیر از این اعتقاد داری؟ آخه یه چیزی هم که ما ...

**حمید اشرف:** ... اینها از آنچه که ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... مطرح می کنند ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این هستش که سازمان مجاهدین با توجه به سنن و عواقبش و تاریخش یک سازمان مذهبییه ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... و وابسته به خرده بورژوازی ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... و بسیار کسانی که در چارچوب این سازمان مبارزه کرده اند ...

**تقی شهرام:** ... خب اینا مجبورند این را بگن. شما، شما چی می گید؟

**حمید اشرف:** ... هان؟

**تقی شهرام:** ... شما چی می گید؟ اونها می گند، او نا می رن، اون ها اصلا سینه می زنند.

**حمید اشرف:** ... نه، ما دقیقا بازتاب این عمل را روی نیروهای مختلف مذهبی می خواهیم درک بکنیم.

**تقی شهرام:** ... ببین! نه که معلومه که اینا می آن می شینند و به خاطر خودشون سینه می زنند. آه و ناله می کنند، گریه زاری می کنند. آیما یک دوره ای تحت این چهار چوب مبارزه می کردیم حال دیگه اینا مارکسیست شدند. اینا به ما پشت کردند. اینا به ما ضربه زدند. بیاین به داد ما برسید. مردم ببینید اینا ما را به دست رژیم انداختند. از این .. از این حرف ها می زنند ...

**حمید اشرف:** ... اینا هستش، اما اینها توی اون چیزشون، نوشته شون، همون که نامه داده بودند ...<sup>۲</sup>

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... یک پیشنهاداتی هم داده بودند و اینا.

**تقی شهرام:** ... البته این نامه را بعد از اینکه منتشر شد دیدیم ما، نامه یی در کار نیست. شگرد شوئه.

**حمید اشرف:** ... یعنی نامه نفرستاده بودند!؟

**تقی شهرام:** ... نه بابا جون، کجا فرستاده بودن!؟ به کیا فرستاده بودند؟

**حمید اشرف:** ... پس چرا باید نامه بنویسن؟

**تقی شهرام:** ... کسی نبوده، یه دو آدمه، مثلاً، معلوم هم نیست کیه گفتی؟ کی هستش ...

**حمید اشرف:** ... پس این چه معلومیه؟

**تقی شهرام:** ... کسی نبوده این، اصلاً شناخته شده نیست، خودشون معرفیکنند، کی اند.

---

۲ - اشاره رفیق اشرف به نامه یا بیانیه سرگشاده ای است که در نشریه پیام مجاهد (ارگان نهضت آزادی ایران- خارج از کشور)، شماره ۲۷، دی ماه ۱۳۵۴، انتشار یافت با عنوان: "بیانیه کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران"، این نامه در مخالفت با تغییر ایدئولوژی سازمان و محکوم کردن آن نوشته شده بود. در زیر آن تاریخ شهریور ۱۳۵۴ ثبت شده است. این نامه در سایت اندیشه و پیکار موجود است، به پاورقی ۱۹ در نوار هفتم مراجعه کنید.

از سوی دیگر در نشریه پیام مجاهد، شماره ۳۶، آذر ماه ۱۳۵۴، در سر مقاله ای بسیار طولانی با عنوان "خیانت و انحراف" به محکوم کردن انتشار "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک ..." و در رد مواضع سازمان نگاشته شده بود. همچنین باز هم در نشریه شماره ۳۷، مقاله ای با عنوان "بیانیه دانشجویان دانشگاه" (آذرماه ۱۳۵۴) در همین روال به چاپ رسیده بود که با نام گروهی ناشناس به نام "دانشجویان مسلمان" امضا شده بود. در شماره ۳۸ این نشریه، به تاریخ بهمن ماه ۱۳۵۴، مقاله با عنوان نامه ای از ایران و به امضای گروهی ناشناخته به نام "مسلمانان آگاه" منتشر شده بود. در آن زمان این نوشته ها بیشتر در خارج از کشور منتشر می شد و اغلب آنها نیز توسط افرادی که بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، در رژیم جمهوری اسلامی جایگاهی بدست آوردند، نگاشته می شد.

**حمید اشرف:** ... ولی به هر حال پیشنهادهاتی که اینها طرح می کنند و مسائلی که طرح می کنند، من فکر میکنم چون مشابهات در همین محیط ها می بینیم، در دانشگاهها و غیره.

**تقی شهرام:** ... پیشنهادهاتی چی مثلا؟

**حمید اشرف:** ... که مثلا این مسئله که سازمان مجاهدین، اون سازمانی نیست، اون چیزی که مجاهدین شناخته می شه، جریان ...

**تقی شهرام:** ... مذهبی همچنان؟

**حمید اشرف:** ... و اون افرادی که اعلام مواضع کردند ...

**تقی شهرام:** ... اونام کمونیست ها را شرمندہ کردن ...

**حمید اشرف:** ... منعکس کننده از طرف تمام مجاهدین نیستند و اینها اجبارا عده ای را تصفیه کردند، نمی دونم، در شرایط بدی قرار دادند ...

**تقی شهرام:** ... خب، بگن ...

**حمید اشرف:** ... از این مسائل.

**تقی شهرام:** ... آخه قضیه اینجاست که واقعیت عمل، این طوری نیست. ما کسانی را که تصفیه کردیم، نه به خاطر اینکه طرف مذهبی بوده. آخه مسئله اینجاست. حالا برو با یه، با یک سازمان مذهبی مبارزه کن، یک گروه مذهبی معرفی ات میکنیم، برو. بودند از این افراد، عناصر بودند، متقاعد نمی شدند، نمی دانستند، آخر معرفی شون می کردیم برو. برو با این گروه مذهبی، الان هستند، کار می کنند، برو کار کن. آخه اینا، شما که می دونید، واقعا نیروهایی که دستشون توی آب و آتیشه که متوجه اند. اول به مرور با این مسایل خب برخورد می کنیم، حقایق اوضاع بالاخره خودش و نشون می ده. اینا خب، بگن، مجبورا این حرف ها رو بزنند. شیوه های استالینی چیه که اینها مطرح می کنند؟ دقت میکنید. این رژیم می تونه بگه. حتی اینام می توند بگن، ولی واقعا دیگه کی ها می توند بگن؟ شیوه های استالینی مگه چیه؟ مگه حالا به قول معروف یک خاربه تو چشمه بورژوازی. استالین به قول معروف هنوز عقده هاش خالی نیست از این. خب، همیشه همینه، همیشه کمونیست ها مورد چنین حملاتی

بودند. چرا که می‌گه واقعا وحدت‌شان را مستحکم کنند. واقعا پشت هم‌دیگر را داشته باشند. آینه، باید برخورد کرد و مستحکم کرد، مستحکم کرد. مسلما واقعا، شاید اگر در این رابطه احساس مسئولیت نکنید، خب اینها به ما یک فشارهایی می‌آورند. معلومه، کما این که بعدها یک جور دیگه، فشار هم می‌آد روی کله خود شما برمی‌گرده، یعنی فرق نمی‌کنه. یعنی قضیه اینجا یه مسئله واقعا شما این احساس را نمی‌دونم دارید، ندارید؟ چه جوری برخورد می‌کنید با این قضیه؟ یعنی الان مثلا خودش یک مسئله است. که مثلا، واقعا مثلا آینه که شما چه موضع دارید؟ ما اون دفعه هم برخورد کردیم به شما. چه موضع ای دارید؟ شما میخواستید حمایت کنید از این نقطه نظر ما از موضع ما، یا نه؟ آخه، این خودش خیلی مسئله است. شما واقعا به عنوان یک کمونیست از یک جریان کمونیستی حمایت میکنید یا نه؟ می‌دونید! قضیه آینه. یعنی بر می‌گردد، بازم به اینکه واقعا ما میتونیم در درون خودمون مسایل مون را حل کنیم. مسایل بیرون و همیشه به وسیله واقعا با اتحاد خودمون ما می‌تونیم با از پیش بر بیاییم. ولی وای به اینکه در درون خودمان اختلاف و شکاف باشه، آینه. ما این مسایل را برای همین الان ما اجازه داریم طرح بکنیم. بحث و فحص [جستجو] بکنیم به قول معروف به خاطر همین، که این مسائل از این دریچه واقعا، واقعا خوبه یعنی مسائلی که اتفاقا طرح شد تو این جلسه، ابعاد گوناگون مسئله طرح شد. این مسئله، مثلا موضع گیری مذهبی‌ها. خودش دقیقا یه، اون ور قضیه‌هاش، اون روی سکه اش این که واقعا موضع گیری واقعا نیروهای واقعا مارکسیست یا کمونیستی چیه؟ آیا اینا می‌توانند در واقع برخورد کنند در قبال این مسئله؟ ما این ایده مان رو گفتیم از این که چرا به نام این سازمان و به این شکل قضیه را طرح کردیم. شما واقعا به ما اعتقاد دارید؟ ما کار نادرستی کردیم؟ چه کار می‌تونستیم بکنیم؟ شما این را به ما بگید؟

**حمید اشرف:** ... یه طرحی را که رفقای ما مطرح می کنند تو همین مقاله<sup>۲</sup>، که دارند ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... طرحه سازمان مستقله.

**تقی شهرام:** ... یعنی چی؟

**حمید اشرف:** ... یعنی سازمان کمونیستی مستقل ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... اعلام یک سازمان کمونیستی مستقل ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... به جز مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... یعنی این رفقا مثلا، همه رفقا می تونستند تمام این مواضع شون رو ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... چیز بکنند.

**تقی شهرام:** ... آخه می شد آخه؟ ببین، یه چیزی داشت. ما این کار رو روش هم فکر کردیم. ببین از، به قول معروف همه حسن قضیه در این بود که ما، این و می دونید، اون موقع فقط خرده بورژوازی خیلی سوء استفاده می کرد. ببین، همه حسن قضیه در این بود که ما این پروسه را به این شکل نشون بدیم و الا این مسئله مهمی نبود که مثلا یک عده کمونیست هم مثلا دور هم جمع بشوند و یک سازمان تشکیل بدهند. اصلا، اهمیت اون طوری پیدا نمی کرد. همه در واقع دعوایها هم سر اینه. شما هم، اتفاقا، من می خوام بگم که شما این نکته را بفهمید که این، در واقع این به نفع کیه؟ ما بیا بیایم اگر هوشیارانه انتقاد بکنیم، مثلا ما اسم خودمان را می داریم سازمان مثلا رزمندگان، مثلا مجاهد خلق. دیگه اینا می تونستند حرفی بزنند؟ مثلا،

---

۲ - اشاره به مقاله ای است به قلم سچفخا، در باره تغییر و تحولات ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق که صرفا جنبه داخلی داشت و هیچگاه انتشار بیرونی نیافت. به این مقاله بارها در این گفتگو اشاره می شود.

ها؟! یه رزمنده می داشتیم، یک سازمان مثلا یک اسم دیگر، در ما که تأثیری ایجاد نمی شد. ما همان آدم ها بودیم، همه هم اعتقاد داشتند، همه هم ارتباطات تشکیلاتی داشتیم. باز هم می تونستیم رشد کنیم، باز هم هزار تا مسئله بود، برامون این اهمیت زیادی از این نظر نداشت. مسئله اینجا بودش که ما اون هویت تاریخی رو، اون به اصطلاح در واقع اون حکم تاریخی که می خواستیم بدیم در این جریان رسیدیم و دلایلمش اینه و این در واقع یک تائیدی بود بر حقانیت مارکسیسم لنینیسم، همان طور که تو اون مقدمه اومده، بعد این و باید ازش چشم بپوشیم!

**حمید اشرف:** ... خب این می تونست در رابطه با یک گروه مارکسیستی مستقل، سازمان مستقل حرف بزنه.

**تقی شهرام:** ... نه، نمی تونه، چه جوری می تونست؟ ما می خواستیم یکی... ما ...

**حمید اشرف:** ... شما قسمتی از مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... آخه نبود این قسمتی، رفیق. ما عملا، آخه قسمت کو؟ چند تاست؟ چه جوری؟ کیا هستند الان؟

**حمید اشرف:** ... همین قسمتی که رفقا در واقع هستند ...

**تقی شهرام:** ... ببین! ما الان نزدیکه، ببین! ما الان نزدیکه مثلا فرض کن که، یک ساله که مارکسیست شدیم در درون و نزدیک به مثلا، چند ماه می شه مثلا؟ ۵ ماه، ۴ ماهه که اعلام کردیم. دیگه تازه مثلا یک همچین تیپ های اپورتونیستی همچین برخوردهایی می کنند. خب بکنند! آخه ما چه مرضی، واقعا ما تونسته بودیم با زحمات زیاد در عرض ۲ سال این سازمان، واقعا کار کنیم از نقطه نظرهای انحراف، در هر صورت، مسئله ای نیست بفرستیم. اگر واقعا این ها کار نمی شد باید در روابط با گروه مذهبی کار کنیم. آخه این درست بود؟ منافع جنبش چی اقتضا میکنه؟

**حمید اشرف:** ... آخه می دونید؟

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... واسه اینه که این پروسه ایی که شما طی کرده بودید ...

**تقی شهرام:** ... آها؟!!

**حمید اشرف:** ... در حقیقت این از سال ۱۳۵۲ شروع می شه؟

**تقی شهرام:** ... بله، درسته.

**حمید اشرف:** ... یعنی از دقیقا، بعد از بهار، تابس ...، تابستان ۱۳۵۲ شروع می شه؟ ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این جریانات جدید ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و سازمان مجاهدین، وقتی آدم تاریخچه را می خونه، مسایل را بررسی می کنه.

**تقی شهرام:** ... این کار ارتباط داره مثلا به هفت، هشت، ده سال پیش.

**حمید اشرف:** ... هفت، هشت، ده سال پیش ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... ارتباط پیدا می کنه به نقطه نظرهای مشخصا اعلام شده و تئوریزه شده ای ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه مسئله اینجاست که این سازمان، یه ارگانیه که در حال تغییره. مگه اون بچه ای که مثلا ده سالگیه، یه مثلا حسن آقاست، همون حسن آقائی که مثلا در ۲۵ سالگی هم حسن آقاست؟ محتویش عوض شده. خب، شکل هم متناسب با همان، اسم هم متناسب با اون، معنای دیگه ایی می ده.

**حمید اشرف:** ... ببینید، مسئله اینه که....

**تقی شهرام:** ... اگه شما ...

**حمید اشرف:** ... سازمان تغییر پایگاه طبقاتی میخواد بده ...

---

۴ - رفیق اشرف احتمالا مخاطب خودش را می شناخته و می دانسته که طرف گفتگو تقی شهرام است که در اردیبهشت ۱۳۵۲ از زندان ساری گریخت. وی می خواهد این تغییر و تحولات ایدئولوژیکی را به رفیق تقی ارتباط دهد.



**تقی شهرام:** ... باشه، بده.

**حمید اشرف:** ... در حالیکه اون طبقه نابود نشده ...

**تقی شهرام:** ... باشه، بده، بده، خب؟

**حمید اشرف:** ... و این تغییر پایگاه طبقاتی، یک مقدار مسائلی هم برا همون طبقه هم ایجاد کرده. همون خرده بورژوازی که شما مطرح می کنید که ناراحته ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این ناراحتیش هم یک مقدار هم، در حقیقت، حق داره.

**تقی شهرام:** ... آخه، این حق داره ببین! هر کاری بکنیم ما، حق داره. مثلا این که ما بیاییم این طوری، این طوری مسئله را حل کنیم. ببینید آقایون خرده بورژوازی، آقایون خرده بورژواها، ما یه عده کمونیست رفتیم پی کارمون، شما هم برین. هر کار دلتون می خواد بکنین، بهانه های این عناصر، واقعا جهت ...

**حمید اشرف:** ... الان مجبور نبود این و بگین ...

**تقی شهرام:** ... .. همین، نه ...

**حمید اشرف:** ... همین الان که می گین گروه های مذهبی سازمان مستقل خودشون رو درست بکنن ...

**تقی شهرام:** ... آخه ما عملا اثرات اجتماعی که ...

**جواد قائدی:** ... [ به آهستگی ] نه حالا، اثرات این که ...

**تقی شهرام:** ... این که فرق می کنه، او در واقع چیزی رو این وسط، یعنی شما حتی راضی هستین ما این کار و می کردیم درست بود؟ یعنی واقعا، به این مسئله شما خوب فکر کردین؟

**حمید اشرف:** ... یعنی ما معتقد هستیم که عملا، یعنی ته قضیه رو که بشکافیم ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... فرقی نمی کنه ...

**تقی شهرام:** ... چرا!

**حمید اشرف:** ... واقعیت این که جریانات تاریخی ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... و شکل گیری نیروهای طبقاتی و وضعیتشون، اون با یه مقدار بالا پایین، که حالا عنصر آگاه در اینجا چه نقشی داره، بحث سر این است، کار خودش و می کنه. یعنی ما با این کار، خرده بورژوازی را از تشکل باز نمی داریم ...

**تقی شهرام:** ... ما نخواستیم باز بداریم رفیق، کی گفت؟

**حمید اشرف:** ... بعد ...

**تقی شهرام:** ... باز بداریم، گفتیم که ما، این تاثیراتی که می تونستیم به یه شکله در واقع، اون هویتی که ما می تونستیم، ابراز بکنیم در یک سازم... در شکل یک سازمان مارکسیستی و در عین حال پروسه مداوم و مستمر خودمون رو در یک سازمان اشاره بکنیم بهش که چه جوری رسید به مارکسیسم، این و اون وقت دیگه نمی تونستیم ارائه بدیم. ما می گفتیم خوب یک عده هست در بین راه، می گفتند اینا همان نمی دونم آدم های مارکسیست این و عوضی عضو گیری کردند، بعد هم اومدن زدن بیرون دیگه، تصحیح، خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... نه، این مشخص نیست چهره هایی در این مارکس تا یک مقدار وجود داشت که نشون می داد که جریان، یک جریانیه که از گذشته ها هم این طور تداعی کنیم، نطفه ای بوده به ف ...

**تقی شهرام:** ... آخه این بهترین شکلش همان بود که ما عمل می کردیم. حالا، ببین، او تاثیراتی که این می تونست بذاره، واقعا اون نمی تونست بذاره! حالا چرا اسممون رو عوض بکنیم؟ در حالی که، تقر... اکثریت قریب به اتفاق عناصری که باقی موندن در اینجا با ما، دیگه حالا مارکسیستند. یعنی بعد از این مرحله، این پیچ و خم ها، با ما حال کسایی شدند که مارکسیست موندند. کسایی حالا باقی موندند، که مارکسیست شدند. چرا ما بایستی عوض کنیم؟ در حالی که می دونید می شد تاثیرات بیشتری بداریم. ما اینجا، واقعا این و به تون بگم، من نمی دون شما این چقدر براتون قابل قبوله که اینجا ما منافع نمی دوم عرضی و گروهی را اصلا، به هیچ وجه نمی خواستیم پیش ببریم. یعنی مسئله، واقعا ما روی این مسئله حساب

کردیم. این واقعا منافع باز همین اندیشه کمونیستی، منافع همین جنبش کمونیستی در چیه؟ آیا ما واقعا بیایم، مثلا اسم عوض کنیم؟ بیایم مثلا، این موقع ها سازمان مجاهدین رو منحل! یه سازمان دیگه مارکسیستی، بگیم مثلا چی؟ کدوم برنامه ...

**حمید اشرف:** ... ببینم، اصلا آیا شما این مسئله رو بررسی کردین که برای این جناح های مذهبی و اون هایی که می خوان مذهبی بموند ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... سازمان مجاهدین را واگذار کنین و ...

**تقی شهرام:** ... آخه نبوده، عملا اون موقع، اینا اصلا هیچی نبودند. کو؟ کجا بود؟ تازه الان دارن یواش یواش بهشون کمک بکنیم که یه چیزی بشن. آخه شما، به قول معروف آواز دهل از دور خوشه. خب دو نفر آدم می توندن بشینن تو خارج بردارن یک اعلامیه صد صفحه ای هم بنویسند. خب بنویسند! فحش هم بدن! اینقدر می نویسند، می دونی تو گروه خارج هر دو نفر که دور هم جمع می شن، یه روزنامه تشکیل می دن، خب بدن! کی اینجا داره کار می کنه؟ اینه باید دید. خب اون ...

**حمید اشرف:** ... از این به بعد در صدد تحکیم های رشد ایناست ...

**تقی شهرام:** ... باشه، زمینه ای نیست ...

**حمید اشرف:** ... چون اینا به نظر من ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... از ترس این که، موردی، موردی بی اد، گروهی که واقعا علم مخالفت برداشته و سازمان مجاهدینی اعلام کنه و با همون آرم قدیمی اعلام کنه که جدایی کردم ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... و همون با آرم قدیم درآوردن این اعلامیه شون رو ...

**تقی شهرام:** ... نوشته، یه اعلامیه زدن، آقا فلان و ...

**حمید اشرف:** ... بعد هم زدن. بعد این کار و بکنه، حالا یه سری نیروهایی، یعنی اون وقت می آن دو قسم سازمان مجاهدین خواهیم داشت ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... یه سازمان مجاهدین قدیم ...

**تقی شهرام:** ... آخه این یه چیزی که تو می گی، الان، الآن من برات توضیح می دم، که این، این به این سادگی ها امکان نداره. برای این که اینا باید بتونن در واقع عمل سیاسی و نظامیه خودشون رو هم، همپای این بیارن بالا، ما الان نداریم همچین نیرویی تو داخل. این و به طور، باید به طور به قول معروف، مسائل رو به طور عینی بررسی کرد. چنین نیرویی رو ما نداریم.

**بهروز ارمغانی:** ... ولی ...

**تقی شهرام:** ... حداکثر نیروهایی که هستند، همین بچه هایی اند که الآن ما با هاشون در تماسیم. اینا می تونن هم کاری رو بکنن و این و ما باهاشون یه برخوردی داریم و مسائل روشنی که این کار رو بخواهند کرد.

**بهروز ارمغانی:** ... رفیق ببین! یه مسائلی اینجا ...

**تقی شهرام:** ... ها!

---

۵ - احتمالاً اشاره به همان بیانیه کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران در نشریه "پیام مجاهد" شماره ۲۷، آذر ماه ۱۳۵۴ است که در پیش نویس های قبلی توضیح داده شده است.

۶ - اشاره به "هسته مذهبی" در کنار سازمان مجاهدین م.ل است. ر.ش به نشریه "فریاد خلق" در آدرس زیر:

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/Faryade-khalgh-khamosh-shodani-nist.pdf>

**بهروز ارمغانی:** ... ... بوده و آن این که، سازمان مجاهدین خلق ایران، تو اذهان عمومی، البته سر دسته، به اصطلاح گروه‌ها و عناصری که خیلی از نزدیک با این مسائل آشنا هستند ...

**تقی شهرام:** ... هان، یک بار مذهبی داره‌ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... ... آره، یک بار مذهبی داره، بذاریم به کنار ...  
**تقی شهرام:** ... آها.

**بهروز ارمغانی:** ... ... اشاره به اصطلاح هم به فعالیت گذشته را هم در این جهت می‌بینیم ...

**تقی شهرام:** ... درسته، اتفاقا شما اون دفعه هم یک اشاره ای کردید که مثلا شما می‌خواین گذشته تون رو نفی نکنین، نه؟ آها!

**بهروز ارمغانی:** ... ... این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... ما گذشته مون رو نفی می‌کنیم.

**بهروز ارمغانی:** ... ... آها، نفی با حرف نمی‌شه درست شد تا وقتی که کامل گذاشتید کنار!

**تقی شهرام:** ... آها، باریکلا! من خوشم اومد که چون، تو اون دفعه، شما این طوری گفتید که چرا نفی نکردید؟ در حالی که دقیقا یک چیز نو از توی کهنه بیرون می‌آد و اتفاقا دیالکتیک قضیه هم در همین نهفته است. که ما این و نشون بدیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... ... ولی این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... ما، آها!

**بهروز ارمغانی:** ... ... مسئله به اصطلاح حفظ اسم سازمان مجاهدین خلق ایران ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**بهروز ارمغانی:** ... ... و خواستگاه طبق این مسئله شان اون دفعه مورد صحبتی می‌کرد و می‌گفتش که، بعید نیستش که این رفقایایی که از ما جدا شدند و همان‌هایی تو می‌گی که می‌تونن عملا بکنن ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**بهروز ارمغانی:** ... ... ادعای خلع بکنند و ...

**تقی شهرام:** ... این و ما به دلیل طبقاتی می گیم ها، چون به هیچ وجه به اینا به طور طبقاتی اعتماد نمی کنیم. از نظر ایدئولوژیک، چون به هر حال ممکن تابع جریانات طبقاتی خود شون، وقتی که تا این طبقات که خیلی فشار بیاره، این احتمالش و باید گذاشت. یعنی خیلی نباید خام شد.

**بهروز ارمغانی:** ... از یه طرف دیگه، گذشته سازمان مجاهدین خلق ایران ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**بهروز ارمغانی:** ... بیشتر طرف دارا با اون هان تا در سازمان مارکسیستی لنینیستی ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**بهروز ارمغانی:** ... یا غیر از اینه؟

**تقی شهرام:** ... خب، این درسته، دقیقا حرف شما کاملا درسته، ولی این مسئله مطرحه، آیا ما یک سری ملاحظات تاکتیکی، یک سری ملاحظات مثلا، فرض کنید که نمی دوم حال اسمش و چی بگم. ملاحظات تاریخ هایی کلا. اینا را باید در نظر بگیریم یا حقیقت قضیه رو؟ یعنی ما واقعا اگر بیایم مثلا اسم و عوض بکنیم چقدر قضیه واقعا حقیقتش منعکس شده و یا اگر اسم و عوض نکنیم؟ و نمی کرد ... یا می کردیم؟

**بهروز ارمغانی:** ... زیر فشار مناسبات و یک مقدارش همین طور به ملاحظاتی بر می گرده ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... باید نمی کردین دیگه.

**تقی شهرام:** ... به طور عمده برای ما ملاحظات تاکتیکی مطرح نبود. چون ما واقعا عناصر مون و داشتیم، تو دستمون بودن، همون آدما براشون هیچ مهم نبود که تحت پرچم مجاهدین خلق مبارزه کنند یا رزمندگان مجاهد خلق، یا مثلا رزمنده خلق یا هیچ براشون این مسئله مهم نیست. الان هم مهم نیست. ما برامون ملاحظاتی ...

**بهروز ارمغانی:** ... من نگفتم، جز اون مسائل و دنبالش، نمی گم، ها!

**تقی شهرام:** ... ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... ما تو اون جلسه رفیق، گفتیم باری که ...

**تقی شهرام:** ... آخه بار اینجا، قدرت تعیین می کنه، رفیق!

**بهروز ارمغانی:** ... خب همون.

**تقی شهرام:** ... آها، قدرت تعیین می کنه، تو وقتی قدرت داشته باشی، قدرت تشکیلاتی داشته باشی، قدرت سیاسی و نظامی داشته باشی، خود به خود نیرو جذب می کنی، خود به خود رشد می کنیم و اگر خط درستی هم داشته باشیم، پیش می ریم. بنابر این برای ما، اون چه که اهمیت داشت، واقعا همان جریان تاریخی بود و تثبیتش و این که این جریان ایدئولوژیک ما با هم به طور دیالکتیک وار، یعنی همان طور که ما این، این پروسه را طی کردیم واقعا و یک چنین تحولی در ما به وجود اومد، ما این رو منعکسش بکنیم. اون این بود.

**بهروز ارمغانی:** ... در، در این رابطه، هدف تون این بود که به

اصطلاح به این مرحله، بارِ دیگران مشخص باشه. یک سازمانه ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**بهروز ارمغانی:** ... در چشم توده ها و مناسباتش ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**بهروز ارمغانی:** ... در همه مناطق ...

**تقی شهرام:** ... آها! این ...

**بهروز ارمغانی:** ... فقط می تونه از طریق مارکسیسم لنینیسم

به جایی برسه.

**تقی شهرام:** ... آها، باریکلا! این عمده ترین، این عمده ترین به اصطلاح هدف ما بود. و واقعا این بزرگترین دستاورد ماست. ما فکر می کنیم حتی اگر هم جنبش گوش نکرد، یکی از اعلامیه هایی که اخیرا در اومد تو همین دانشگاه ها، گروه های مارکسیستی بودند، گفته بودند که جنبش مسلحانه تنها همین یک به قول خود همین گروه مارکسیستی، همین یک دستاورد رو داشت که سازمانی به چنین

پراتیکی برسه، مارکسیست بشه، خودش خیلیه. ما این و انتخاب کردیم و هدف اصلی ما این بود. و واقعا برامون مهم بود. چون واقعیت قضیه را حزب تعیین نمی کنه، خب شما خوب تو دست تون تو کاره، قدرت تعیین می کنه، هزار تا از این حزب قشنگ تر هم بذاری سرش، اگه تو خالی باشه هیچ چیزی رو نه به وجود می آره، نه! ...

**جواد قائدی: ... شکوفا ...**

**تقی شهرام: ... خلق می کنه.**

**بهروز ارمغانی: ... تعبیر حزب هم، این مسئله و توضیح سازمان تو اذهان عمومی این که، این سازمان تو روابط توی خودش یک تغییر کیفی کامل داره می کنه ...**

**تقی شهرام: ... در اذهان به جود می آورد؟**

**بهروز ارمغانی: ... تو اون هایی که ...**

**تقی شهرام: ... ها؟ اگر تغییره این چنین، یعنی بهتر بود.**

**بهروز ارمغانی: ... آره.**

**تقی شهرام: ... از این نظر که می گفتند که تغییر کیفی کرده؟ یعنی اگر شما ببینین، مردم خیلی تغییر کیفی رو هم در این رابطه بیشتر فهمیدن. یعنی واقعا، ببین مثلا فرض کن، من یک مثال می زنم، اصلا وقتی می گیم که، جبهه ها مشخص می شه این نوارات "شریعتی" رو می خونین شما؟ توی چیز، تو روزنامه کیهان دیگه<sup>۷</sup>.**

---

۷ - اشاره به مقالات سلسله وار از دکتر علی شریعتی با عنوان "مارکسیسم ضد اسلام" بر گرفته از کتابی با عنوان "انسان، اسلام و مکتب های مغرب زمین" بود که دکتر شریعتی در دوران زندان ۱۸ ماهه که آخر سال ۱۳۵۲ به اتمام رسید نوشته بود. اولین مقاله از این کتاب در روز یکشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۴ در روزنامه کیهان منتشر و چاپ آن تا مدتی ادامه داشت. ظاهرا دکتر شریعتی در مورد انتشار بدون اجازه این مقالات در روزنامه کیهان به دادگستری هم شکایت می کند. حتی گروهی تحت عنوان "انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی آمریکا و کانادا"، به انتشار این مقالات و جعلی بودن آن اعتراض نامه ای منتشر کردند. این مقالات موجب بدبینی در میان جنبش دانشجویی و روشنفکری ایران نسبت به وی و مذهبی ها شده بود. در وب سایت منسوب به دکتر علی شریعتی مطلبی در این باره آمده است:



**بهروز ارمغانی:** ... آره.

**تقی شهرام:** ... شما می تونید بگید، یعنی می تونید این ارزیابی حتما کردید که این چقدر به وادار کرده موضع گیری واقعا این جناح ها رو، و چقدر ضربه زده به این عناصره بینابینی از نظر ایدئولوژیک. پس شریعتی چرا وادارش کردن بیاد بشینه تویه در واقع روزنامه کیهان، که چنین چیزی بنویسه، یعنی موضع اپورتونیستی اش در واقع مرزبندی داره می شه. یک لحظه شریعتی می دونی چطور شد، یعنی با این جریان قراره یکی شه. چقدر نیروهای مذهبی در واقع، الان ما یه خبر داشتیم، باور کنید این خبر و همین دیروز چی گفتن، گفته بودن که، البته این حرف این در واقع سمپات بازاری علیه ما هستش، گفته با توجه به جریان شریعتی، الان همه بازاری ها مارکسیست می شن. البته این حرف بی خود ها. یعنی خب معلومه، ببین ...

**بهروز ارمغانی:** ... یعنی ..

**تقی شهرام:** ... امکان نداره، ولی این اینقدر ناراحت شده، اینقدر زده شد که ا، پس این هم اومد سازش کرد؟ این هم اومد با رژیم ساخت؟ پس معلوم می شه مذهب نمی تونه. ببینید، این حالا حساب کنید، روشنفکر برای اون قشرهای آماده، برای عناصری که در آینده تو جنبش ما می خوایم آماده باشه و سر کار بریم چقدر پشتوانه ایجاد می کنه! این مسائل را چرا نمی خواین ببینید؟ شریعتی را که وادار می کنند، به اون صورت ضد مارکسیست بنویسه، چرا آخه؟ شما این و نمی خواین در واقع انعکاس متقابلش رو واقعا به نفع پرولتاریا ببینید؟ دستش رو می شه، فردا نتونه این حرف رو بزنه، مچش وا شده ...

**بهروز ارمغانی:** ... این یه مقدار به این بر می گرده که، تضاد مارکسیستی در جامعه کار می کنه ...

**تقی شهرام:** ... خب، این آیا چیز مترقی هست یا نه؟

**بهروز ارمغانی:** ... والله! ببینم، فرمودید، در ضمن این که ...

**تقی شهرام:** ... دقیقا مترقیه ...

**بهروز ارمغانی:** ... .. برای ایجاد مرزبندی مصنوعی کارگر می  
کنه ...

**تقی شهرام:** ... نهههههه، مصنوعی!!، ببین، دقیقا تشدید تضاد می  
کنه، تشدید تضاد در شرایطی که جنبش ما، در واقع داره رو به اوجه  
و رو به اصطلاح داریم در واقع رو به تکامل هست و این احتمال وجود  
داره که در این چنین جریاناتی، نیروهای هوم، به اصطلاح بینابینی  
جا باز کنند و در واقع یک سری انحرافات ایجاد بکنند، این که این  
تشدید تضاد یک چیز مترقیه، یعنی ما به این ترتیب مثلا فرض کن یک  
سری از این نیروها را از جنبش حذف نکردیم. ما می گم مرزبندی ها  
را رو مشخص تر کردیم. تشدید تضاد چیز بدی نیست.

**بهروز ارمغانی:** ... .. هیچی، چطور می تونی بگی، چیزی اضافه  
شده؟ ...

**تقی شهرام:** ... تضاد، تر، تشدید شده دیگه ...

**بهروز ارمغانی:** ... .. چطور امکان پذیره این؟

**تقی شهرام:** ... ببین، در عین این که ...

**بهروز ارمغانی:** ... .. چطور ...

**تقی شهرام:** ... در عین اینکه این عناصر ببین، از، برای این که  
خرده بورژوازی مجبوره مبارزه کنه، ولی، این خیلی مهمه، ولی در عین  
حال تازه خوب مرزهاش و با این می فهمه و در عین حال، یعنی در  
این که مبارزه خرده بورژوازی با رژیم منتقی می شه، حل نمی گیره،  
این منظورم اینه ها، در عین حال این مرز هم مشخص می شه و اون  
به این سادگی نمی تونه، تحت مثلا پوشش های دوآلیستی، تحت  
پوشش های التقاطی، نیروهای مترقی و انقلابی رو، چکار کنه؟ به این  
سادگی ها منحرف کنه. چون در واقع مرزش مشخص شده. نمونه  
اش، آقای شریعتی وقتی می اد، وقتی که مثلا فرض کنید که توی  
کیهان مقاله می نویسه، دیگه این نوع خرد شد، تموم شد. دیگه این  
نمی تونه یک جریان ایجاد کنه. این و وادارش کرد، رژیم وادارش کرد  
که به اینجا بکشونتش. نیروهای دیگر هم وادار می کنه و این در واقع  
چییه؟ همون مرزبندی طبقاتیه، خیلی خوبه، این نشون دهنده رشد

جنبشه و باید در این جو حرکت کرد و کمک کرد که این مرزوبندی‌ش صورت بگیره.

**بهروز ارمغانی:** ... اونی که در این رابطه، زودتر از سازمان‌ها برن چی؟

**تقی شهرام:** ... تو از اون تاریخ، مگه ما اصلا می‌تونیم زودتر از تاریخ قدم بزنیم، رفیق؟

**بهروز ارمغانی:** ... خب.

**تقی شهرام:** ... این تاریخی که خودش و به، به قول این رفیق الان مطرح می‌کنه، می‌گفت ...

**بهروز ارمغانی:** ... یه تاریخ ...

**تقی شهرام:** ... شرایطش و خودش و، اجبارا تحمیل کرد. ما قبول داریم ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب همون ...

**تقی شهرام:** ... پس ما ...

**بهروز ارمغانی:** ... من هم از این که ...

**تقی شهرام:** ... پس ما ...

**بهروز ارمغانی:** ... شرایط بعدی و یک جور تعریف کنه که ما ...

**تقی شهرام:** ... که چی، که چی؟

**بهروز ارمغانی:** ... به اجبار، این مسئله ایدئولوژی، این آوانس رو به، الان این سازش و می‌کنیم ...

**تقی شهرام:** ... آهان.

**بهروز ارمغانی:** ... بعد ها بهش بها ندیم.

**تقی شهرام:** ... نمی‌تونم بفهمم این چیه! به نظرم ...

**بهروز ارمغانی:** ... مثلا، الآن که شما با اسم سازمان، سازمان مجاهدین ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**بهروز ارمغانی:** ... ، به قول تو تضاد رو در درون اون پدیده‌ها در جامعه تشدید کردین ...

تقی شهرام: ... اهوم.

بهروز ارمغانی: ... شاید به علت همون یک نوع از کاری که اونا داشتند، مجبور می کنه که بعدها دوباره ...  
تقی شهرام: ... نه من فکر نمی کنم ...  
بهروز ارمغانی: ... با روشی که استفاده می کنید، مجددا  
ما ...

تقی شهرام: ... عقب گرد کنیم؟

بهروز ارمغانی: ... آها.

تقی شهرام: ... فکر نمی کنم ...

بهروز ارمغانی: ... آها، این پیش نمی آد؟

تقی شهرام: ... فکر نمی کنم، ببین، اوم ...

بهروز ارمغانی: ... یکی به اون بر می گرده، اوم ...

تقی شهرام: ... پیش بینی های من این طور نیست، بر می گرده به  
اون راه حل هایی که در نظر داریم،

بهروز ارمغانی: ... یک نفر به اون بر می گرده ...

تقی شهرام: ... اوهوم.

بهروز ارمغانی: ... یکی برمی گرده به نیروهای مخالف ما ...

تقی شهرام: ... بله، بله، یعنی این واقعا مسئله است. ما با شما هم متحد بشیم، تمام کارهایی که ما کردیم، تبدیل به یه چیز مثبت می شه. یعنی همه، همه جنبه های منفیش هم مثبت می شه ها. یعنی خیلی روشن هم هست، شما می فهمین ما می فهمیم، یعنی حتی اون جنبه های که ظاهرا مثلا منفیه، البته می گن، چیزه خیلی خیلی بد، می تونه خیلی خیلی خوب هم بشه. ولی، حتی اون جنبه ها، اون جریانات هم اینا در واقع چطور می شن، باز هم به عقب کشیده می شن، این یکی جنبه اش. یه جنبه اش، این که مثلا خب، یه جنبه ضعیف ترش که ما در واقع، ا، تمایل زیادی به او شکل نداریم، که خب یک سری از نیروهای مذهبی تایید می کنند، او از این جنبه شه. به هر حال ما یه قدرتمون رو حفظ می کنیم، این مهمه، خط مون رو

درست پیش ببریم. قدرت سیاسی و تشکیلاتی و نظامی مون حفظ بکنیم، من فکر می کنم که نباختیم و در مجموع حرکت درستی کردیم. [سکوتی نسبتاً طولانی، سرو صدای محیط هست، اما به مدت ۳۲ ثانیه هیچ گفتگویی انجام نمی شود]

**تقی شهرام:** ... خب، رفقا، یک پیشنهادی داشتم راجع به ادامه بحث ها، اگر شما ضرورتی ببینید. اینکه این پرده را برداریم و ببینیم، یعنی اگر قرار باشد به طور دائم این جلسات ادامه داشته باشد نمی دونم، چه اشکالی می تونه داشته باشه از نظر شما؟ یعنی این مسائلهای را ایجاد می کنه؟

**حمید اشرف:** ... والله ما، جریان پرده، در حقیقت چیز هستش، توی درون سازمان هم، ما همین برنامه را داریم، چون که از شیوه های متداولون هست.

**تقی شهرام:** ... خب، ما هم داریم ولیوقتی که قرار باشه بحثها ادامه پیدا کنه، به یه، به اصطلاح، به هر حال در همه جا که نمی تونیم. برای یک جلسه مثلاً خب، ۲ ساعت ۳ ساعت آدم صحبت می کنه، در پشت پرده. ولیاگر ما واقعا بخواهیم به کارهامون ادامه بدهیم از صبح تا شب و بریم جلو، این، این نظر پیشنهاد ما چه معنایی داره؟ یعنی شما ممکنه قبول کنید، نکنید.

**حمید اشرف:** ... بله ما هم داریم.

**تقی شهرام:** ... از این نظر می گم که من فکر می کنم که قضایای ما به این، بهتر حل بشه، بهتر برخورد بکنیم، بتونیم نزدیکتر باشیم.

**حمید اشرف:** ... خب، چه برخوردی بکنیم؟

**تقی شهرام:** ... به هر حال، نزدیکتره.

**حمید اشرف:** ... احساس مشترک تری در اینجاست.

**تقی شهرام:** ... مثلاً، حالا من، ایثار آدم می کنه. مثلاً خب حالا این پرده خودش از یه نظر، پرده درسته هیچ معنایی نداره ولیخوب اگر واقعا به قیافه و اینها باشه، که من فکر نمی کنم همچین چیز زیاد مهمیاشد، دیدن قیافه آدم ها، نمی دونم حالا، من ولی ...

**حمید اشرف:** ... ضرورتی که کلا ...

**تقی شهرام:** ... می دونی ...

**حمید اشرف:** ... این مسئله را توی کار ما ایجاب می کنه، توی کار شهری، این هستش که ما توی خود سازمان که این کار را می کنیم حتا مسئولین سازمان ما هم، همدیگر را گاهی وقت ها نمیبینند. یعنی ما، جلسات شورا را هم که تشکیل می دهیم از پشت پرده تشکیل می دهیم. یعنی به خاطر رعایت یک مسئله امنیتی ...

**تقی شهرام:** ... میدونم ...

**حمید اشرف:** ... خب، فاصله یی را احساس نمی کنه.

**تقی شهرام:** ... نه هم می دونم، فاصله ای، نه می دونید، ببینید ما یه پیشنهاد، پیشنهاد کردم من از این نظر که به هر حال توی اون شکل قضایا من فکر می کنم که یک شکل نزدیکتری داره، حالا نمی تونم دلیلشم، دلیل مشخصیرو بگم. بله پرده، این تکه پارچه فاصله یی را ایجاد نمی کنه. ولیحالا به هر حال یک پیشنهاد بود. شما می تونستید قبول بکنید، می تونید هم نکنید. اگر ادامه پیدا کند این جریانات ما، بحثهایمان و کارهایمان، این مسئله یی نیست. حالا ...

**حمید اشرف:** ... حالا می دونید علتش هم چیهستش؟

**تقی شهرام:** ... هان؟

**حمید اشرف:** ... علتش این هستش که ما، رفقای یی که توی این جلسات شرکت می کنند، در شهر حرکاتیدارند، یعنی همدیگر رو به نوع، به این علت بوده، که مخصوصا، رفیقی، رفیق دیگر را با مثلا ...

**تقی شهرام:** ... فعلا کسک می بینه، آشنا می ...

**حمید اشرف:** ... با فلان کسک می بینه، با فلان ماشین مشخص می بینه، از گذر فلان خانه می آد بیرون می بینه. داره به فلان خانه، در فلان خونه زنگ می زنه، می بینه.

**تقی شهرام:** ... خب اینا همه اش جنبه هایی که درسته می دونم، جنبه های مخفی و اصولی ...

**حمید اشرف:** ... جنبه های اصولیه ...

**تقی شهرام:** ... می دونم.

**حمید اشرف:** ... ضد امنیتی ...

**تقی شهرام:** ... متوجه هستم چی می گی ..  
**حمید اشرف:** ... اگر به موقع برگردیم به مسائل امنیتی، جنبه های کوچک امنیتی ببینیم، ضرورتی نداره، میتونیم توی جلسه دیگر مثلا ...

**تقی شهرام:** ... به هر حال ما، یک حرفی بود. حالا نه، ضرورت، خب جنبه های اصولی همیشه داره، اگر اصولی باشد؟ گاهی اوقات به هر حال هست، این قضایا من، به یک جریان، به اصطلاح به یک منافع بیشتری موکول بشه، خب آدم این را عطا می کنه.

**حمید اشرف:** ... آره، اگر واقعا مشکل و مسئله یی هست ...  
**تقی شهرام:** ... نه، مسئله ای به اون شکل وی خب، من فکر می کنم که بهتر و نزدیکتر برخورد می شه، می دونیبه هر حال خود، به قول معروف تو چشم تو چشم بودن، یک چیز دیگه ایه. این نظر من حالا، دلایل مشخصیهم برایش ندارم. نمی دونم احساسیه حالا، شاید هم غلط باشه.

**حمید اشرف:** ... حالا می شه بریم سر یک کار دیگه؟  
**تقی شهرام:** ... بله، .... حتی، پس جلسه دیگه می تونن رفقا خونه ما تشریف بیارن؟ خونه ما بیان؟

**جواد قانیدی:** ... مسئله، رفقا، همه چیز هاشون مشخص نیست ...  
**حمید اشرف:** ... خب ...

**تقی شهرام:** ... خب حالا ...  
**حمید اشرف:** ... چرا، می تونیم، این بار هم ضمنا بگم که رفقا پیشنهاد دادن که ساعت ۸ باشه قرار و اینها؟

**تقی شهرام:** ... نه، ما، پیشنهاد، می دونیچطوری کرده بودین؟  
**حمید اشرف:** ... آها؟

**تقی شهرام:** ... مثل اینکه، نامه این طوری شده بود که ...  
**حمید اشرف:** ... اون نامه مال ما نرسیده بود دست شما؟

**تقی شهرام:** ... اون نامه دست اون رفقای که باید برسه، نرسیده بود. خودشون نامه ی قرار ی گذاشته بودند. مثل این که هر دوش رسید. مثلا، مال ما رسیده بود دست شما و مال شما هم رسیده بود

دست ما. ما گفته بودیم همان جا ساعت ۸ بیائید ما ببریمتون، آره؟  
**جواد قائدی:** ... آها.

**تقی شهرام:** ... شما گفته بودید که بیائید ساعت ۷ آنجا ما ببریمتون. به هر حال ما اومدیم.

**حمید اشرف:** ... سر اون نامه شما دیر کردین، ما اون را خیلیوقت پیش داده بودیم.

**تقی شهرام:** ... این می دونیقبل از اینکه ما اون و بنویسیم به دست ما رسیده بود. خیلیدست، چند دست، چندین دست، مثل اینکه می گرده، اینا هم نگه داشته بودند، نمی دونم. بله، خب دفعه دیگه می تونیم ما ببریمتون، مسئله نیست، حالا اگر. خوبه، الان بحثهایمان نتیجه گیری میتونیم کنیم، یعنی الان.

**حمید اشرف:** ... خب، فکر کنم، چند تا از موضوعهای مشخص شده را، روش صحبت نکرده ایم.

**تقی شهرام:** ... والله من الان یادشتهایم، اینجا، خیلیخط خطیشده، چیزهایی که صحبت کردیم. بین، اون راجع به مسئله استفاده از امکانات خرده بورژوازی یک بحثکردیم. راجع به مسئله خط مشی صحیح جنبش و که به حضور شما، راجع به این که، با مبارزه مسلحانه در یک ردیف قرار داده شده بود، باز ما نظراتمان را به طور مشخص گفتیم. بعد اون توضیحی که دادیم راجع به مسئله ایدئولوژی مذهبیرا ما به یک شکلیپذیرفته ایم و در درون خودمان و به اصطلاح هنوز باهانش برخورد قاطع نکردیم! که این و به هیچ وجه قبول نکردیم. توضیح دادیم چه جوری ما یک موضع سیاسی گرفتیم. موضع مذهب مبارز را در واقع، ما گفتیم مبارزه اشان را، مبارزه سیاسی اشان را و به عنوان توجیه گر مبارزه طبقات متوسط، به اون شکل برخورد کردیم، اجباراً شما هم باید برخورد کنید. اجباراً هر نیروی مارکسیستی باید قبول کنه، موضوع مبارزه اینها را، و موضع ایدئولوژیک را بطور مشخص گفتیم، چه جوری برخورد کردیم که من فکر نمی کنم، شما از یک طرف به ما انتقاد می کنید. برخورد چپ کردید از یک طرف می گید برخورد قاطع نکردید، آخه اینها با هم



تضاد داره. اگر ما تا آن حد در واقع چپ شده باشیم که دیگه نمیتونیم برخورد قاطع نکنیم، راجع به این قضیه. لاقلاً در این قسمت چپش قاطع هستیم. این و توضیح دادیم و راجع به مسئله، عرضم به حضورتان که، هوم، گفتید که موضع یی که ما گرفتیم راجع به وحدت، نه تنها نیروهای واقع‌گرا را متحد نمی‌کنه، بلکه تجزیه می‌کند. بعد این را توضیح دادیم که چه جوری ما در واقع. این در مورد، شما در مورد در واقع گروه‌های سیاسی کار و اینا هم مثل این که مورد نظرتان بود و اینکه خط مشی مبارزه مسلحانه اینجا به طور مثلاً فرض کنید که مشخصی مورد تایید قرار نگرفته، یا احیاناً یک استنباطاتی داشتید، شما راجع به مسئله که گویا ما این‌ها را باز بطور برابر و موازی در کنار هم قرار دادیم. ما توضیح و استنباطاتمان را گفتیم از این نیروها و گفتیم که چه جوری، چه استنباطی داریم از اصلاً برخورد با این نیروهای غیر مشی مسلحانه. عرضم به حضورتان که، در حمله به مذهب بود که این بحث آخریمن هست. این را من توضیح دادم. بعد گفتید که موضع‌گیری شدیدی را در این زمینه ایجاد کردند به طور عملی، ما هم قبول داریم، موضع‌گیری شدید اینا هم انعکاس همون برخورد ما است. ما هم دلایلی داشتیم و ارائه دادیم که چرا این موضع‌گیری را کردیم و دلایلمان چی بود و این فکر نمی‌کنم دیگه شما، سوال دیگری، من الان در مقابل نیست مگر اینکه تو مطرح کنیکه، چیزهای دیگری هست؟ ... ها هنوز هم، پس چی؟

**حمید اشرف:** ... در رابطه با مسئله ...

**تقی شهرام:** ... هان آن مسئله تدریجیو مرور بود که توضیح دادیم، بله، می‌گفتید ...

**حمید اشرف:** ... چیه این تدریجی؟

**تقی شهرام:** ... تدریجی، این که چرا مثلاً، تدریجاً ما مثلاً آرم رو برداشتیم، آیه را برداشتیم از آرم. نمی‌دونم، آیا تدریجیبودنش، این بودش که ما اجباراً تحت جریانات مثلاً خائنین و اینها مجبور شدیم اعلام کنیم، نمی‌خواستیم اعلام کنیم! این رفیقی بود که پرسیده بود.

بعد ...

**بهروز ارمغانی:** ... به نظر ما، اون ۲ سوال اول بود که آیا این قضیه اعلام کردن تون در چارچوب ارتباط با استفاده از امکانات خورده بورژوازی بود. بعد ...

**تقی شهرام:** ... آها! توضیح دادیم که واقعا این طور نبود. یعنی ما استفاده از امکان خرده بورژوازی را در واقع، آنها خیلیزنگتر از این حرف هایند، حتی منافعشون رو خوب میفهمند. وقتی کهیکی، حتی، گرایش هایی در سازمان ما بوجود اومد، اون ها خیلی زودتر بار و بنیادشان را می بستند و می بستند و ما هم به هیچ وجه محدود و کارمون را مشروط به اینها نمی کردیم ولو دلیلش هم بود، که نکردیم. چنین ملاحظه کاری هایی همیشه می تونه تا ابد وجود داشته باشه و همواره به سازش بکشونه.

**حمید اشرف:** ... یعنی چی؟

**تقی شهرام:** ... یعنی این و واقعا، اگر آدم بخواهد تسلیم این گرایشات بشه که آهای نمی دونم فلان کسک، فلان امکاناتش هم دستمونه، امکاناتش رو بیایم حالا فلان کنیم، اگر الان اعلام کنیم اون قطب هم فلان میشه، اون کسک هم مثلا ممکنه برای ما اعلامیه فلان بده، اون هم، اگر این جور باشه، اینقدر هستش که تا ابد ادامه داره. یعنی منظور من اینه.

**حمید اشرف:** ... باز این مسئله دیگری که هست ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... که این مسئله مطرحه، و اون هم اینه که آیا شما در سطح سازمان ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... پروسه مارکسیستی را کامل می دونید و یا اینکه این پروسه رو هنوز در حال هدایت؟

**تقی شهرام:** ... ببین، مسلما پروسه مارکسیستی را تو هم نمی تونیتو سازمانتون کامل ببینو این ...

**حمید اشرف:** ... ببینید، این مسئله، به این شکل نمی خوام در

رابطه با هاش وارد بشم. چون مسئله ما با مسئله شما متفاوت.

**تقی شهرام:** ... آها، می خوام بگم که ...

**حمید اشرف:** ... خب، از این روش ها، نباید رابطه این دو تا را ...

**تقی شهرام:** ... آخه مسئله اینجاست ...

**حمید اشرف:** ... کار درست، به این ترتیب که، یه زمانی ...

**تقی شهرام:** ... آخه یک جریانیه، آخه برات توضیح می دم، که ما تنها به این اکتفا نکردیم که یک مبارزه ایدئولوژیک بکنیم با رفقای مارکسیست، با رفقامون و مارکسیست بشوند. بلکه ما دست به یک سری عضو گیری های مارکسیستی هم زدیم. یعنی عناصر مارکسیستی که جدیدا وارد سازمان ما شدند، در واقع خیلی، یعنی خودش یک باری رو ایجاد کرده. ما مخصوصا حتا این عضو گیری اینها رو هم، یک مراحلش رو هم حتی جلو انداختیم. به این دلیل که پایگاهش به هر حال مستحکم بشه و بازگشت ناپذیر بشه این قضیه. یعنی، من چون می خواهم بهت جوابه، نمی خوام جواب همین طوری بگم، همین طور بگم، به هیچ وجه، چون به هر حال این مسایل هم، توی خودت هم، این جوری حتما یک نطفه هایش یک جایی هست. یعنی مثلا خیلی رک، بهت بگویم. ما وقتی که مثلا حسابرسی می کنیم از مسئولی، مثلا طرف خب، موضع مارکسیستی داره، می خوایم بینیم که موضع ضد مذهب داره یا نه؟ موضع ضد دین داره؟ یا طرف صرفا مارکسیست نمی دونم، بیانی و زبانی نیست. نمی خواهیم به این صورت که طرف باشه. این طرف واقعا عمق ایده آلیسم رو فهمیده؟ یعنی در رابطه با این مبارزه با ایده آلیسم به ماتریالیست شده یا نه؟ یعنی ما این رو دنبال هستیم و این مسلمانا یک پروسه خیلی پیچیده تری از اون چیزیه که واقعا فکر بکنیم. یعنی ما این هدف را داریم، حتا در داخل تشکیلات. به همین دلیل هم هستش که عضو گیری های مارکسیستی داریم، گروههای مارکسیستی را عضو گیری کردیم. و همین خودش، درسته مثلا این ها یک سری خصلتها، یک سری، مثلا بعضی هایشون هنوز مراحل کمیرا طی نکردند. ما این ها رو در یک موضعی قرارشان دادیم. ولی اینا، خب اون

بنیادهایی که مورد نظر شما ها است، به هر حال چه کار می کنند، اینها تا یک اندازه ای بطور اتوماتیک حس می کنند و ما بطور، خب، آگاهانه روی این مسائل کار کردیم، ادامهاش هم می دهیم. و مسلما از نظر ما مسئله تثبیت بشه. یعنی خلص به اون معنای باز. یعنی چی؟ هیچوقت نگفتم جواب به تو بدم، هر گز. چرا، برای این که تو گوشه و کنار سازمان هم برخورد می کنیم، طرف مارکسیست شده، فلان شده، خب، برخورد میکنیم باهاش، نه اینکه الان طرف مذهبیها! ولی واقعا مثلا فرض کنید که، نقطه نظرهای دقیقا ضد ایده آلیستی مذهب را نداره، نمی تونه تحلیل کنه مسایله به صورت ماهیت مثلا ایده آلیستی اش. نه این که گرایشی داشته باشه ها. ولی به همین دلیل ما مثلا، چیه، یک نقطه ضعف داریم. می گیم، اگر یک روزی یک جریان انحرافی بوجود بیاد و توی جامعه قوی بشه، فلان بشه، ممکنه یک تیکه از سازمان ما را چکار کنه؟ بکنه بیره. ما به این مسایل توجه داریم. شما هم می تونید، بعد توجه داشته باشید، البته به اشکال دیگه، نه مذهبی بودن، مثله چیزهای سیاسی. و ما هم به مرور این جنبه مذهبی را از دست می ده. با توجه به عضو گیری هایی که داریم از گروههای مارکسیستی و برخورد می کنیم باهاشون و از این طریق به طور اتوماتیک، اصلا ترکیب در واقع گروهی سازمان، یعنی گروه اجتماعی اش رو تغییر می ده، به این ترتیب، یکبار اون باز روشهاییست که ما بکار بردیم. نمی دانم کافی هست، توضیح؟

**حمید اشرف:** ... یعنی عضو گیری مارکسیست ها هر چه بیشتر تکیه بر این مسئله؟

**تقی شهرام:** ... نه، فقط از این طریق ها، یکی از این طرق مون هم همینه. یعنی حتی مثلا ما، عضو گیری های مارکسیستی داریم، عناصری که فقط مارکسیست بودند، توی گروه مارکسیستی کار می کرده اند و صرفا با اینها کارشون ...

**حمید اشرف:** ... این ها مارکسیست های معتقد به مشی مسلحانه بودند ...

**تقی شهرام:** ... بله دیگه! نه ..

**حمید اشرف:** ... یا سیاسی کار؟

**تقی شهرام:** ... نه بابا، سیاسی کار؟! عجب بابا، تو هم، مثل اینکه هر چی گفتیم، اصلا توجه نشده. قضیه، لیلی داره می شه. خب، مارکسیست سیاسی کار که نمی آد توی یک سازمان معتقد به مشی مسلحانه! نه، این عناصری که در حول و حوش، شاید هم مثلا، از سمپاتیزنهای شما بودند، ولی راه کشیدن، خب برخورد کرده اند با ما و جذب ما شدند. یعنی عمدتا عناصر معتقد به مشی مسلحانه هم سمپاتیزان های شما اند. خیلی رکش و بگم من. خیلی خب وقتی ما مارکسیست شدیم، وقتی با ما برخورد می کنند، وقتی که به هر حال حاضرند با ما کار کنند و می آیند کار می کنند. توضیح کافیه؟ روشن شد؟

**حمید اشرف:** ... این یک مقدار چیز کرد، مشخص کرد که تلاشهایی

که در این زمینه میشه ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... به چه صورتی هست.

**تقی شهرام:** ... از چه نظر؟

**حمید اشرف:** ... همین که، این پروسه به این شکل ادامه داره، یعنی شما هنوز هم این احساس خطر رو در سازمان می کنید.

**تقی شهرام:** ... آهان!

**حمید اشرف:** ... به مراتب ...

**تقی شهرام:** ... خطر رو می دونی، تنها فکر دور اندیشی یعنی انقلابی به ما می گه که این خطر رو احساس بکنیم، میفهمی؟ یعنی ما هیچ وقت ایده آلیست، به قول معروف، شما اگر دقت کرده باشید، تو تاریخ حزب کمونیست شوروی رو هم بخوانید، یعنی حتا توی کمونیست های دو آتیشه، دو آتیشه اش هم برمی گردند، چطور می شن؟ یک دوره که جنبش به عقب بر می گرده، مذهبی می شنند. خوندی یا نه؟ توی سال ۱۹۰۶ این هاست. که اینا بر می گردند، لنین "ماتریالیسم و امپریوکریتیسیم" رو می نویسه. ها، یادته هست؟

**حمید اشرف:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... آها، حتی، حتی مارکسیست‌ها، کمونیست‌های دو آتیشه برمی‌گردند قضیه خدا و نمی‌دونم تکامل و این حرف‌ها رو طرح می‌کنند. اون وقت ما چطوری می‌تونیم دوراندیشی نداشته باشیم، خوش خیال باشیم. ما به قول معروف نطفه‌اش را باید خشک کنیم دیگه، هر نوع باز مانده ...

**حمید اشرف:** ... می‌خواستم بدونم که ...

**تقی شهرام:** ... ها.

**حمید اشرف:** ... این اقداماتی که می‌کنید در این زمینه ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... بجز عضوگیری مارکسیست‌ها ...

**تقی شهرام:** ... بالا بردن فرهنگ ماتریالیستی مارکسیستی گروه، کار توضیحی، فرهنگ ترویجش و نقد ایده آلیسم. یعنی من فکر میکنم الان واقعا بعضی از رفقای ما از نظر نقد ایده آلیسم از خیلی از سطوح معمول مارکسیست‌های معمولی خیلی جلو ترند. به همین دلیل هم ما میتونیم جذب کنیم نیروهای مارکسیستی را.

**حمید اشرف:** ... چون یه، ما یک نمونه ماتریال آوردیم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... که یعنی به نظر مسئله ایجاد می‌کرد که نکنه باز این جریان‌ها باشه، چون این چیزی که نگران‌کننده هست برای ما در حقیقت ...

**تقی شهرام:** ... شما می‌دونید اصلا، نگران اینید، بی‌ایدتوی قضیه ...

**حمید اشرف:** ... این هستش که ...

**تقی شهرام:** ... بیا بپرس، بیا بگو، بیا نمونه نشونت بدیم، بیا نمونه می‌خوای ...

**حمید اشرف:** ... شما یه نمونه از ما دیدید دیگه ...

**تقی شهرام:** ... خب بیا نشون بده حل می‌کنیم. آخه ما که نمی‌خواهیم خودمان دروغ بگیم که، ما از خودمان اطمینان داریم.

حمید اشرف: ... نه ما که حرفی نداریم ...  
 تقی شهرام: ... میتونید ...  
 حمید اشرف: ... نمونه ها را بگیریم و ...  
 تقی شهرام: ... ها! بحث ...  
 حمید اشرف: ... پیشنهاد کنیم، مسئله، خودش دلیلیه که گذاشتیم  
 که، یکی از نمونه هایی که ما دیدیم در چند تا از این جزوه های  
 تحلیل عراق ^ ...  
 تقی شهرام: ... آهان!  
 حمید اشرف: ... که بدست ما رسید ...  
 تقی شهرام: ... راجع به لیبی و اینها یک خط خورده گی داره ...  
 حمید اشرف: ... در مورد حمله به قذافی شو خط زده بودند.  
 تقی شهرام: ... آهان.  
 حمید اشرف: ... و این نشان می داد که کماکان مبارزه در درون  
 سازمان بر سر مبارزه ایدئولوژیک ادامه داره ...  
 تقی شهرام: ... آها.  
 حمید اشرف: ... و به این اشکال تظاهر می کند.  
 تقی شهرام: ... خب.  
 حمید اشرف: ... که همین را میخواستیم بگم ...  
 تقی شهرام: ... من هم می تونم توضیح بدم برات؟  
 حمید اشرف: ... این روابط ...  
 تقی شهرام: ... این بین چی بود قضیه اش، بزار توضیح بدم، بین  
 ما چاپ اولش، همین که چاپ کردیم فرستادیم خارج ...

---

۸ - اشاره به کتاب، "ظهور امپریالیسم ایران در منطقه و تحلیلی بر روابط ایران و عراق" است که چاپ اول آن در شهریور ۱۳۵۴ و چاپ سوم آن در دی ماه همان سال با توضیحات بیشتری منتشر شد. این کتاب در ابتدا از جزوات تحقیقاتی سازمان بود که توسط برخی از اعضا همچون شهرام و همچنین هاشم وثیق پور تهیه شده بود و در کلاس های تئوریک سازمان تدریس می شد. این کتاب را می توانید در سایت اندیشه و پیکار بیابید.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Zohure-Imperialisme-Iran.pdf>

این نوار، ۴۴ دقیقه و ۳۶ ثانیه است.

**تقی شهرام:** ... این و که پلی کپی بود، یا الکی بود ما فرستاده بودیم خارج، نامه در اومده بود که آره شما برخورد سیاسی نمی کنید، نمی دونید ما اینجا چه محظوراتی داریم و آخه فحش دادن به قذافی<sup>۱</sup>، فلان درست نیست و مهم نیستش که، ولی اینا، به هر حال برخورد سیاسی باید کرد، برخورد دیپلماتیک باید کرد، از این صحبت ها. یا مثلاً در مورد قذافی بود، دیگه کی بود؟ مثلاً خود عراق بود تا به اندازه ای، نمی دونم از این صحبت ها که ما حرف هاشون رو قبول نکردیم و براشون هم نوشتیم که شما در سیاست اصولی نیستید و معنای وحدت رو و معنای همکاری رو با توجه به تکیه روی اصول گفتیم و در عین حال این و گفتیم که در مورد برخورد با این نیروها به دلیل این که هم به همکاری هایی و به سری ممکنه اینا علم بکنن، خیلی هم، ... بین اتفاقاً همین مسئله خوب شد تو گفتی تا من براتون

---

۱ - اشاره به دولت سرهنگ معمر قذافی (۲۰۱۱-۱۹۴۲) است که در طی یک کودتای نظامی در اول سپتامبر ۱۹۶۹ (۱۰ شهریور ۱۳۴۸) بر سر قدرت آمد. او از انقلاب فلسطین و جنبش های مبارزاتی در منطقه و جهان حمایت می کرد و مخالف رژیم ایران بود. در اردیبهشت ۱۳۵۴ سچفخا و جبهه ملی در خاورمیانه توانستند، حمایت این دولت را برای کمک به آنها برای تاسیس یک رادیو و سایر کمک های مالی جلب کند. در این مورد به کتاب، "مسائل حاد جنبش ما یا مسائل مجاهدین"، اردیبهشت ۱۳۵۶، اتحاد کمونیستی، ص ص ۳۰ تا ۳۸، در مورد رادیو در کشور "B" (لیبی) مراجعه کنید:

<http://www.vahdatcommunisti.org/Masale%20had%20mojahedin%20ya%20masale%20had%20Jombesh%20ma.pdf>

دولت لیبی در سال ۱۳۵۴ نیز رسماً از سازمان مجاهدین خلق برای تاسیس دفتری در پایتخت این کشور دعوت کرد. در مراسم سالگرد انقلاب لیبی در همین سال رفیق شهید علی رضا سپاسی آشتیانی به نمایندگی از سازمان مجاهدین و رفیق شهید محمد رحمتی پور به نمایندگی از سوی سازمان چریک های فدایی خلق حضور داشتند و با قذافی دیدار کردند.

<http://www.peykar.org/articles/645-sepasi.html>



توضیح بدم که از اصل قضیه چی بود. اینا می گفتن که رفقای فدایی می برن این و ترجمه می کنن، از طریق جبهه ای ها<sup>۱</sup>، می دن دستِ قذافی اینا، برای ما کارشکنی می کنن! رک، این و گفتن! گفتن اینا رو ترجمه می کنن، می گن ببینین این ها، اینا به شما فحش دادن، این حرفی که اینا زده بودن ...

**حمید اشرف:** ... ولی قذافی، رابطه داشت، صبر کن ببینم، یعنی ... اینا ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... قذافی مهم بود تو این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... نه اینها مثلا در رابطه با رادیو و در رابطه با این که مثلا منافعی برای جنبش به هر حال ممکنه ایجاد بکنه، از این نظر، نه از نظر ایدئولوژیک. حالا من توضیح می دهم که این مسئله شما چه نتیجه گیری هایی کردین، در حالی که مثلا مسائل جاهای دیگه، نتایج چیزهای ایدئولوژیک خیلی مشخصی داشت، این و ما خط و می دیدیم، ولی این جنبه ایدئولوژیک نداره، جنبه سیاسی داشت. بعد توی مسئله ...

**حمید اشرف:** ... توی جای دیگه اش هم مگه بود؟

**تقی شهرام:** ... نه حالا توضیح می دم. بعد اینا این حرف و نوشته بودن، که ما قبول نداریم. گفتم بزار بکنن. ولی تو همین جریانات از ما یه بار، طی صحبت هایی که بود، بین خود رفقا و اصلا باقی نه مبارزه ای بود، نه چیزی، بین همین رفقای که راجع به شیوه برخورد با این سازمان ها و گروه ها و کشورها و دولت ها، بحث می شد، این مس، مسئله رسیده شد که مثلا "اسم" نبریم، مثلا اگه می گیم رویزیونیسم خروشچف<sup>۲</sup> دیگه، اسم برژنف<sup>۳</sup> نبریم، می نویسن، ظاهر ... دنباله روی، چون مثلا اسم خود قذافی نگوییم، بگیم مثلا

۲ - منظور، "تشکل سازمان های جبهه ملی در خاورمیانه" است.

۳ - نیکیتا خروشچف (۱۸۸۴ - ۱۹۷۱) رهبر اتحاد شوروی از سال ۱۹۵۳ یعنی پس از مرگ استالین تا سال ۱۹۶۴.

۴ - لئونید الیچ برژنف، رهبر اتحاد شوروی از ۱۹۶۴ تا زمان مرگش در ۱۹۸۲.

خرده بورژوازی مثلا، مثلا فلان عرب. دقت می کنی؟ یعنی اسم به طور خاص نبریم، یه چیزی در مثلا آداب دیپلماتیک، معمولا، معمول هم هست. اسم نمی برند، یعنی وقتی می خوان مبارزه، حمله ایدئولوژیک کنند، مثلا خودش یه مرحله است. یعنی مثلا شوروی رو تا مدت ها، مثلا به مائو حمله نکرده بود، ولی خب مثلا به، مثلا عناصر مثلا فلان چین حمله می کرد. یا برعکس، چین همین طور، این نکته ای بود که اینها حرف کلی، اینا در هر حال در همین هیچ، هیر و ویر بود که، یکی از بچه ها خواسته بود این و پخش کنه، بدون این که به توافق برسیم، بعضی از اینا رو خط زده بود. بعدا این رسید دست بچه ها و دیدن این که خط خورده بود و گفتند که آقا این درست نیست و شما بی خود این و خط زدید<sup>۵</sup>. که گرفتن ازتون و اونا، خط ها رو از بین بردن، دو مرتبه دادیم، چاپ کردند، و به همون شکل، چطور شد؟ پخش شد. منتها بچه های خارج، این و برداشته بودند، دو مرتبه اسم قذافی رو از توش حذف کردند. این چاپ جدیدش که به دست ما رسید، دیدیم خودشون این کار و کردن. این دقیقا در رابطه با یک مثنی سیاسی بود، یعنی، اصلا، مسئله ایدئولوژی توش نبود. کما این که اون بخشی که بحثی راجع به مسائل مربوط به کمونیست ها و اینا داره، الی القاعده اون باید حذف می شد، اگر کسی مثلا در واقع می خواست موضع ایدئولوژیک بگیره. من تعجبم اینه که تو چر این حرف و می زنی اصلا؟ چون این می خواست موضع ایدئولوژیک بگیره بعد کدوم رو حذف می کرد؟ اون بخش راجع به کمونیست هاش و، نه مواضع قذافی! قذافی که به قول معروف، حمله کردن بهش که دیگه، مسئله ای نداره که! یعنی فقط اینجا یک موضع دیپلماتیک بود، که آقا مطابق با آداب دیپلماتیک برخورد با این آدم، چون مثلا ممکن سمپاتی

---

۵ - اشاره به نوشته اولیه در باره منطقه و مناسبات ایران با دولت عراق بود که بعد ها به نام کتاب "ظهور امپریالیسم ایران در منطقه و تحلیلی بر روابط ایران و عراق" در دیماه ۱۳۵۴، انتشار خارجی یافت. نسخه ای از آن را هم به عنوان نشان دادن اعتماد به رفقای سچفا و همچنین گسترش مناسبات دو سازمان در اختیار رفقای فدایی قرار دادند. در این کتاب، گزارشی و تحلیلی از دولت های منطقه و از جمله عراق و لیبی وجود دارد.

هایی داشته باشه، مثلاً به، نه از نظر به ما اصلاً نسبت با کلاً شرایط کمک‌هایی گرفت یا فلان، بهمان، با توجه به موضعی که از طرف شما احتمال می‌دادن، این و واقعا صریحا بگم بهتون! گفتن، رفقای فدایی می‌برن این و می‌دن دستِ جبهه ای‌ها، خودشون هم چون مارکسیست‌اند، نمی‌رن با در واقع قذافی تماس بگیرن و جبهه ای‌ها رو جلو می‌اندازند. جبهه ای‌ها هم این و ترجمه می‌کنن، می‌دن دستتون<sup>۱</sup>. کما این که این کارها رو در جاهای دیگه هم کردن و مثلاً جریان آمریکایی‌ها رو تو روزنامه‌ی *المحرر*<sup>۲</sup> خودشون جا زدن و، از این حرف‌ها زیاده! هست دیگه، خودتون حتما می‌دونید. و این بود در رابطه با ...

**حمید اشرف: ... جریان روزنامه‌ی *المحرر* چیه؟**

---

۶ - در باره همان ترجمه چاپ اول کتاب "ظهور امپریالیسم ایران در منطقه و تحلیلی بر روابط ایران و عراق" که در کتاب از دولت لیبی به عنوان حکومتی بورژوازی نام برده شده است و از شخصیت قذافی به عنوان کسی که بیشتر سر و صدا می‌کند تا عملی انقلابی، یاد شده بود.

۷ - رفیق شهرام، احتمالاً در نام نشریه اشتباه می‌کند. سازمان جبهه ملی - بخش خاورمیانه، نشریه عربی زبانی به نام "ایران الثورة" (ایران انقلاب) داشت که بنا بر نظر این افراد، هدف از انتشار این نشریه، انتقال نظرات، بیانیه‌ها، اطلاعاتی‌ها و اخبار جنبش مبارزاتی ایران به میان مردم عرب زبان بوده است. در شماره ۱۲ این نشریه به تاریخ جولای ۱۹۷۵، خبر اعدام انقلابی دو مستشار نظامی آمریکایی توسط سازمان مجاهدین خلق ایران، را به گونه ای نوشته‌اند که انقلابیون وابسته به گروه خودشان آن را انجام داده‌اند. در کتاب ضمیمه ای بر نشریه دوم بحث درون دو سازمان در صفحه ۵۸، توضیحات مفصلی در این مورد با کپی صفحات این نشریه و ترجمه آن آمده است، که بخشی از آن را می‌آوریم: "با این که کاملاً روشن بود، مسئول این عملیات کدام سازمان است و حتی در همین شماره "ایران الثورة" در پاورقی مقاله ای ذکر شده است که عملیات توسط سازمان مجاهدین انجام شده است، ولی در متن خبر اصلی که همراه با دو عکس مستشاران معدوم می‌باشد، بدون این که اسمی از سازمان عمل‌کننده این عملیات آورده شود، نوشته شده، "رفقا در داخل ایران" (؟) دو تن از افسران ارشد آمریکایی را که در نیروی هوایی ایران کار می‌کردند، اعدام نمودند..."

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Masaele-Had-Zamimeh.pdf>

**تقی شهرام:** ... حال واقعا مشکل دو تا شد. حال بزار این توضیح بدم این و. بعد در رابطه با این بودش که ما، اون بحث رو داشتیم و یکی از رفقا می خواست این و بر طبق، برا شما بده، مثلا صحبت شده بود، مثلا این قسمتش، حذف بشه، نشه، چه دلایلی داریم؟ و به این نقطه نظر که نه! درست نیست و ما یه بر خورد اصولی می کنیم، حداکثر، اینه که چیه؟ اسم این دولت ها و روساشون رو که می تونن به نیروهای انقلابی ایران کمک کنن، نمی آریم. این ماحصل اون بحث بود. روشنه موردش؟

**حمید اشرف:** ... آره روشن شد.

**تقی شهرام:** ... اهوم، خب.

**حمید اشرف:** ... ضمنا، چیزی، چیزی می خواستی بگی؟

**تقی شهرام:** ... من، نه!

**حمید اشرف:** ... یه مسئله ای بود که می خواستم طرح بکنم. ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... در رابطه با مسئله، حمله به سوسیال

امپریالیسم. ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... که در بیانیه، اعلام مواضع ...

**تقی شهرام:** ... اومده ...

**حمید اشرف:** ... اومده ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... من می خواستم، بدونم، شما در این رابطه، مسئله

رو چه تحلیلی دارید؟ آیا معتقد هستید که ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... حمله به سوسیال امپریالیست ها، حمله به سوسیال

امپریالیست است، مشخصه دیگه؟

**تقی شهرام:** ... بله!

**حمید اشرف:** ... منطق شما ...

**تقی شهرام:** ... ما تحلیل مون روشن، بگم؟ یعنی من می تونم برات توضیح بدم، که چرا ما این کار و کردیم. ببین از نظر ما، حتی به همین دلیل هم هست راجع به اون موضع شما تو حزب، چیزی که راجع به حزب توده نوشتید، یه نظراتی داریم. ببین از نظر ما، ما حداکثر کاری که می تو...، علتی که حمله نباید بکنیم یا احیانا احتیاطی بکنیم در این مورد، اینه که، امکان کمک و یا به اصطلاح همکاری هایی هست، از طرف مثلا شوروی با نیروهای انقلابی ایران، به علت تضادهایی که تو منطقه مخصوصا داره با امپریالیست آمریکا. ها، جز اینه دیگه؟ جز این می تونه باشه مسئله ای؟

**حمید اشرف:** ... بله، همینه ...

**تقی شهرام:** ... همینه، درسته؟ خب ...

**حمید اشرف:** ... یعنی از دیدگاه منافع جنبش ...

**تقی شهرام:** ... آها، از دیدگاه منافع جنبش دیگه؟ دقیقا همینه. اما ما تحلیل مون از قضیه اینه که، ما اگر که حمله نکنیم و واقعا اعتقادات، چون جزء اون اعتقادات اصولی ماست، مبارزه با رویزیونیست. ما این و روشن نکنیم، اولاً، در آینده دچار تناقضاتی خواهیم شد. ثانيا حمله کردن ما، به طور اصولی مانع از همکاری احیانا شوروی با ما نخواهد شد. چرا، برای این که اون قبل از این که بخواد، بیاد ببینه ما چی می گیم و چه اختلافی باهاش داریم، اون فکر منافع خودش. اون در واقع، در درجه اول وقتی می خواد به ما کمک کنه، این و فکر نمی کنه که انقلاب ایران واقعا احتیاج به کمک داره و این مثلا به عنوان یک وظیفه انترناسیونالیستی داره به کمونیست های ایران، یا به انقلابیون ایران کمک می کنه، بلکه اون داره در فکر اینه که چه جور در تقسیم معامله اش و مقابله ای که در با امپریالیست آمریکا می خواد تو منطقه بکنه، چه حربه هایی داشته باشه و چه ابزار های محکمی داشته باشه و در این رابطه به قول معروف از ما یه وجه المصالحه ای بسازه. اما ما چی؟ ما در عین حال استفاده مون رو می کنیم. اما بگذار موضع اصولی مون رو بگیریم. و اون از ما بخواد که آقا این موضع را مثلا احیانا نگیرید. و

یا به این اعتبارِ موضعی که ما گرفتیم، اون اگر منافعش باشه مجبوره به ما کمک کنه. من به شما اشاره می دم، قضیه قذافی رو، اگر دقت کرده باشین، قذافی یه دوره بدترین فحش ها رو داد به این روس ها، اما اگر دقت کرده باشین همین روس ها بودن که بهترین سلاح هایی که به مصر ندادن، دادن به قذافی اینا. پول داد بهشون، منافعشون رو تامین کرد. یا مثلا فرض بکنید که، رابطه با همین طور نیروهای دیگه. یعنی برای مثلا فرض کنید که، واقعا، کمکی که به ظفار<sup>۸</sup> می کنه، شوروی ها، واقعا دلشون نسوخته برای انقلابیون ظفار، این و همه مون می دونیم. منافعش اینه، کما این که، ویتنامی ها اومدن تو ظفار، بهشون گفتن که آقا جون، شما کمک می خواین، ما هر چی بخواین بهتون می دیم، فقط شما قدرت جذبش و داشته باشین. اینا، واقعا نه صلاحیتش و داشتن و نه قدرتش رو. اونا هم یه دونه دل پوش بهشون ندادن. اما روس ها چی؟ روس ها، تا اون موقعی که منافعی نداشتن، چینی ها به اینا کمک می کردن، می کوبیدن. بعد که دیدن مسائل شون تو منطقه اوج گرفت، مسائل مختلفی مطرح شد و تناقض و تضاد پیدا کرد، منافعشون با امپریالیست های آمریکایی، اینا اومدن، در واقع شروع کردن، کمک به ظفار. اون وقت شما حساب کنید، کمک هایی که اینا به ظفار می کردن، واقعا وحشتناک بود، یعنی مثلا جعبه های- حتما خبره اش و دارید دیگه؟- دست نخورده موشک های سام<sup>۷</sup> و فلان و فلان دست رژیم ایران می افتاد. همین طور می ریختند. دیگه، عین خیال شون نبود. یعنی دلشون واقعا بخاطر انقلابیون ظفار، نسوخته بود. برای این که مسئله انقلابیون ظفار، واقعا مسئله اسلحه نبود، مسئله رهبری استراتژیک شون بود.

---

۸ - منظور جعبه خلق برای عمان است که ظفار ایالت شرقی آن است.

۹ - موشک Sam-۷ های پرتاب از روی شانه، زمین به هوا است، که از سال ۱۹۵۹ توسط اتحاد شوروی ساخته می شود. این موشک ها به دنبال حرارت متصاعد شده از سوی هدف می روند و پس از برخورد با آن منفجر می شوند. این موشک ها بخاطر سبکی، کوچکی، قابلیت بالا و قدرت تخریب بسیار، هنوز هم مورد توجه ارتش های جهان است.

[http://airandspace.si.edu/collections/artifact.cfm?object=nasm\\_A19930358000](http://airandspace.si.edu/collections/artifact.cfm?object=nasm_A19930358000)

در حالی که ویتنامی ها یک موضع اصولی واقعا انقلابی گرفتند، ولی روس ها دیدید چه موضع فرصت طلبانه ای، حتی برای کمک گرفتن. بنابراین این، ما هیچ وقت به طور اصولی ضرر نمی کنیم، اگر مواضع خودمون رو روشن کنیم. چرا، برای این که، اون در مواضع به اصطلاح اون لاپوشانی کردن و در سیاست - حال نمی دونم شما چون تعبیر من رو از انقلابی بودن در سیاست قبول نکنید به قول استالین! - ولی در اون جاست که دچار تناقض خواهیم شد. شوروی هرگز به خاطر این که ما به اون می گیم سوسیال امپریالیست، نه به ما، نسبت به ما خشمگین می شه و نه اگر ضرورتی داشته باشه، یعنی به اون معنا، که بخواد کمک بکنه، این مانعش می شه. مثلا می گه، همین حزب توده، بدترین فحش ها رو بهش می دیم، ولی به دلیلی که از یک منافع داره، تبعیت می کنه و داره می روه جلو، باز هم به قول تو چکار می کنه، پیام می ده. حزب توده هم همین، شوروی هم همین طوره. یعنی ما اگر این تحلیل را داشته باشیم، البته این معنای این نیست که از حد بدرش کنیم، دیگه شورش رو در بیاریم. ما یک چنین برخورد اصولی می کنیم. چرا ما پیشاپیش در واقع به این امتیاز بدیم، بزار اون بیاد بگه که آقا جون، چرا مثلا شما به من حمله می کنید؟ من بهتون حاضر کمک کنم. خب، الاخیر، اون موقت، اگر اومد چنین حرفی زد، ما در عین این که مواضع اصولی مون رو حفظ می کنیم. اون موقع، اون وقت متناسب با مواضعش با هاش برخورد خواهیم کرد. یعنی ما اینجا نمی تونیم مثلا موضع مثلا ویتنام و داشته باشیم. ویتنام، می دونی، در سال سه میلیارد داره بهش کمک، اسلحه می داد. شوروی برای ما چکار کرده؟ طرف، جریان خبرگذاری تاس ما تلفن کردیم سر آمریکایی ها<sup>۱</sup>، رویتر، نمی دونم فلان اینا خیلی استقبال کردند. خبرگذاری های به قول معروف بورژوایی، تاس اصلا گذاشت تلفن و زمین، گفت آقا من نمی فهمم، الان می فهمید ها، خودش و زد به اون راه و اصلا ماست مال کرد قضیه رو که اصلا

---

۱۰ - اشاره به خبر رسانی عملیات اعدام انقلابی مستشاران نظامی آمریکایی در سال ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ به خبرگزاری های بین المللی همچون، رویتر، آسوشیتد پرس، شین هوا، تاس و غیره است.

گویا نشنیده! نمی خوام فقط این و دلیل بگیرم ها، مواضع دیگه اش و چه قدر واقعا ما باید حواسمون و هوشیاری مون جمع باشه، طناب روس ها خیلی سست، به هیچ وجه نباید به این سادگی ها تو چاهش، با تمام وجود تو چاه رفت. ولی خب معنای این نیستش که ما دست اونا هم پس بزنیم. اگر اونا می خوان به ما کمک بکنند. دقیقا در رابطه با منافعشونه، یک سانت، یک میلمتر جدا نیست. و در نتیجه چی اند، مجبورند که کمک کنند. این تحلیل ماست.

**حمید اشرف:** ... البته توجه دارین که کمکی که روس ها به قذافی می کنند، با کمک به جنبش کمونیستی کشور بکنند متفاوت ها. ...

**تقی شهرام:** ... آخه، اونا، کمک نمی کنند به جنبش کمونیستی و به اون معنا اعتقاد ندارند و نمی کنند. من گفتم، اون گزارش پونا ماریف<sup>۱۱</sup> رو براتون شاید بفرستم، اگه پیدا کنم. نمی دونم، یه نسخه اش بود، که تکثیر هم نشده بود، یکی دو نسخه. اونجا اصلا علنا تئوری می ده که باید رفت با گروه های خرده بورژوازی منطقه اصلا سازش کرد. یعنی حتی اونجا می گه، در واقع کمونیست ها در خاورمیانه، نیروی در واقع، اصلا تحلیلش این، این ها نیروهای در واقع قابل اتکا و رشدی نیستند، حداکثر کمونیست های مثلا، تئوری [؟] یا حزب توده ای ها رو قبول داره. و یا می دونی، موضعش مثلا تو جریانات مثلا همین جریانات ظفار و اینا که حتما مثلا حزب توده رو بی اد چکار کنه؟ غالب کنه تو اون جریان رادیو و نمی دونم مباحثات اون اعلامیه وحدت و الی آخر. یعنی اینجا نقشش اینه. یعنی شوروی واقعا یه نقش به اون معنا، نمی دونم حالا شما، چقدر مثلا، مسئله شوروی رو چطوری ارزیابی می کنیدی؟ ولی به نظر ما یه مشی کاملا همین طور که می دونید، رویزیونیستی، یعنی دقیقا رویزیونیستی، به همه معانی و ابعادش و در واقع غیر قابل اعتماد هست. ولی خب، این معنای چیزی نیستش که دستش رو پس بزنیم. می خواد کمک کنه، کمکش هم ماهیتش رو باید شناخت.

**حمید اشرف:** ... خب، در این رابطه ...

---

۱۱ - به زیر نویس شماره ۵، از نوار پنجم مراجعه شود.



**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... نظرتون راجع به گروه های چین و فیل خارج، چی هستش؟

**تقی شهرام:** ... ما این ها رو به هیچ وجه درست نمی دونیم، آخه چین و فیل خارج معلومه که اینا اصلا، چین هم یه حرف هایی می زنه آخه! جالب اینکه که سیاست خود چین در داخل خودش و اون انعطافاتی که در طول انقلابش داشته و اون توجه به شرایط خاصی که در هر جامعه داشته، این نشون می ده که اصلا اون چین و فیلی ها به قول معروف طرفدارهای چین، چقدر پرتند اصلا از همون آموزش های خود انقلاب چین. یعنی اصلا، جای گفتگو نداره ...

**حمید اشرف:** ... ولی در اون "اعلام مواضع ..."، یه جا از رفقای "توفان"<sup>۱۲</sup>، اسم برده ...

**تقی شهرام:** ... توفان؟

**جواد قائدی:** ... کدوم بود؟

**تقی شهرام:** ... توفان اسم برده نشده.

**جواد قائدی:** ... ما تا حالا با ...، توفان نیست.

**حمید اشرف:** ... من خوندم، من اون و دیدم ...

**تقی شهرام:** ... توفان ما نداشتیم.

**جواد قائدی:** ... ما نگفتیم، رفقای توفان می گویند.

**حمید اشرف:** ... یه جا بودش ...

**تقی شهرام:** ... نداریم رفیق، به هیچ وجه، ...

**جواد قائدی:** ... اسم نبردم از کسی.

**تقی شهرام:** ... توفان که دیگه، آقا شناخته شده تر از اون، احمد قاسمی<sup>۱۳</sup> ...

**حمید اشرف:** ... احمد قاسمی نبود، تو این نبود، کجا بود؟

---

۱۲ - به زیرنویس ۱۹ از نوار پنجم مراجعه شود.

۱۳ - به زیر نویس ۲۰ از نوار پنجم مراجعه شود.

**تقی شهرام:** ... ببین در رابطه با رویزیونیسم، ما گفتیم که موضع چینی‌ها در موردِ با رویزیونیسم خروشچف، یه موضع قابل توجهی بود در جنبش کمونیستی و مرزبندی کرد و این موضعش رو مورد، در واقع استقبال ما قرار گرفته بود. در عین حال گفتیم که سیاست جدیدشون تو منطقه، تو عراق بود، می گفتیم سیاست جدیدشون تو منطقه، ما کاری فعلا نداریم. تحلیلش، تحلیلی هم داریم ازش، ولی بحثی نکرده بودیم. گفته بودیم الزاما به معنای تایید سیاستش نیست، یعنی سیاست ضد خروشچفی، ضد رویزیونیستی چین، الزاما به معنی تایید سیاستش در منطقه ما نیست. این حرفی بود که ما در این رابطه زدیم. اصلا توفان و اینا نداشتیم ما.

**حمید اشرف:** ... پس این و من ظاهرا اشتباه می کنم.

**تقی شهرام:** ... بله، حتما ...

**حمید اشرف:** ... چون که، رفقا تعبیر کرد ...

**تقی شهرام:** ... نه مطمئن باش، اصلا اسمی از توفان نزده اصلا.

**حمید اشرف:** ... در چه موردی بود؟ بزار ضمیمه اش یادم بیاد.

**تقی شهرام:** ... در مورد تشکیل حزب، چون که ...

**جواد قاندی:** ... ما اونجا یک، نقطه نظری داشتیم، حمله کردیم ...

**تقی شهرام:** ... این نیست ...

**جواد قاندی:** ... ما نگفتیم رفقای توفان ...

**تقی شهرام:** ... کی گفتیم؟ اصلا اسم توفان اون تو کجاست؟ اگر

شما اونجا به ما اسم توفان، ... ندارید اینجا بیانیه رو؟

**حمید اشرف:** ... بیانیه رو داریم، چرا ...

**تقی شهرام:** ... خب بیارید، همون جا هست، نقطه نظرات حزب،

الآن بیارید، معلوم می شه. توفان اصلا نداره ...

**حمید اشرف:** ... پس این کجا بودش؟ رفقای توفان چنین می گن ...

**تقی شهرام:** ... نه، این در مورد حزب که، ما بحث کردیم که بعضی

از، برخی از عناصر مارکسیست این حرف ها رو می زنند. [خطاب به

جواد قاندی]: چقدر از ...

**حمید اشرف:** ... حالا مسئله ای نیست ...

**تقی شهرام:** ... نه ...

**حمید اشرف:** ... ولی به هر حال می خواستیم بگیم ...

**تقی شهرام:** ... ولی این که واقعا، توفان، می تونم بگم، ما ارتباطی نه از نظر ایدئولوژیک می تونیم باهاش داشته باشیم به خصوص و نه از منظر سیاسی استراتژیک که دیگه مثلا یه چیز دیگه ای می گه، مثلا، چی ها می گن اینا، جامعه ایران نیمه مستعمره فئودال هنوز، نمی دونم این حرف های عجیب غریبی می زنه. بعد مخصوصا این که اون بابا، احمد قاسمی و اون دارو دسته اونان که اصلا شناخته شده تر از این حرفان.

**حمید اشرف:** ... اون که مُرد، احمد قاسمی ...

**تقی شهرام:** ... خب که مُرد، پارسال مُرد، خب دارو دسته شون دیگه هستند حتما، بقایای شون هم از همین، چون می دونی ...

**حمید اشرف:** ... می دونی چیه الان، در خارج از کشور ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... در رابطه با جدایی که پیدا شد، چون گروه های چین و فیل مخالف مشی مسلحانه هستند ...

**تقی شهرام:** ... آها، ببین من ...

**حمید اشرف:** ... و

**تقی شهرام:** ... من فکر می کنم که تو یک مسئله ای موجود در رابطه با این جبهه ای خارج، آره؟ این مسئله هست، اونا به شما در این رابطه اشاره هایی آوردن؟

**حمید اشرف:** ... نه مسائلی رو مطرح کردن.

**تقی شهرام:** ... من فکر می کنم که اتفاقا بد نباشه، بذاریم بحث کنیم، چون اصلا، مثل این که قضایای اینجا داره، یه شکل های دیگه می گیره، مثلا جبهه ای ها در خارج عملا موضع شما رو دارند و به قول معروف نماینده تام الاختیار شما خودشون رو می دونند. در حالی که در واقع، اصلا این موضع معلوم نیست. شما اصلا روشنش نکردین و ما و با اینها چه برخوردی بکنیم. بعد خلاصه هنوز معلوم نیست که ما واقعا، با اینا، اِ ... چی می خوان بگن اینا. مخصوصا

جبهه ای ها و دیدیم که اینا مسئله ای این طوری طرح شده که، اینا، عناصرِ مخالفتی که اینا توی کنفدراسیون دارن، این می خواد به یه شکلی در شکل مخالفت سازمان ما و شما به یه شکلی در بیاد. من هنوز فقط یه چیزی ازش می دونم، یه شمایی. یعنی می خوان در واقع اینا، دو تا به قول معروف گروه رو این طوری، چطور بگم، حالا نمی دونم، تحلیل بدیه، دُم خرس می گیری، خرس و به حرکت در می آره، یعنی در واقع ما این طور، این وسط، همان چیزی بشیم که به حرکت مون در بیارن! گویا همچین قضیه ای در شرف انجام ...

**حمید اشرف:** ... ولله، یه همچنین چیزهایی هست!

**تقی شهرام:** ... و این و ما حاضریم باهاش برخورد کنیم و موضع سالی هر چی هست بگیریم، یعنی ما اطلاع زیادی از مواضع اون ها نداریم. و نمی دونیم قضیه چه هست.

**حمید اشرف:** ... سوالی ... صبر کن فدراسیون ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... دو تا خط وجود داره ...

**تقی شهرام:** ... صحیح ...

**حمید اشرف:** ... در حقیقت سه تا خط وجود داره، یکی اسمش خطِ راست ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... یکی اسمش خطِ چپ و دیگری هم اسمش خط جنبش. خط راست کسانی هستن که با جنبش مسلحانه مخالفن.

**تقی شهرام:** ... اینا کی آن؟

**حمید اشرف:** ... سازمان انقلابی، توفان، انقلابیون کمونیست<sup>۱۴</sup> و جناح هایی از کادری ها<sup>۱۵</sup>.

**تقی شهرام:** ... صحیح.

---

۱۴ - به زیر نویس های ۳۰ و از نوار پنجم مراجعه شود.

۱۵ - به زیر نویس ۳۱، از نوار پنجم مراجعه شود.

**حمید اشرف:** ... خط، خط چپ نه، خط راست، خط رزمنده و خط جنبش. خط رزمنده ای ها، در اصطلاح همین جبهه های ها هستند و کلا کسانی که طرفدار جنبش مسلحانه اند ...

**تقی شهرام:** ... اینا هم تو راست قرار می گیرند؟

**حمید اشرف:** ... این ها خط رزمنده اند ...

**تقی شهرام:** ... رزمنده اند ...

**حمید اشرف:** ... طبق تعار ...

**تقی شهرام:** ... تعریف خودشون ...

**حمید اشرف:** ... خود ... هایی که اون جا دارند. اینا چیزها رو می

گیرند، به قول معروف، واژه شناسی هاش و تا ...

**تقی شهرام:** ... آقا ما وارد نیستم اصلا نمی دونم چه هست!

**حمید اشرف:** ... توی بحث روشن می شه ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... و یه جناحی هم هست، جناح نوزده بهمین<sup>۱۶</sup>، که این

ها به شون می گن خط جنبش. این ها پیرو مطلق جنبش مسلحانه و

بویژه سازمان چریک های فدایی خلق هستند.

**تقی شهرام:** ... یه دفعه دیگه پس این توضیح رو بده، چون من به

قول معروف دو زاری ام نیافتاد. ببین، یه خط راست، یه خط به

اصطلاح راست اند، ها؟

**جواد قائدی:** ... که همین چین و فیل هان!

---

۱۶ - گروه نوزده بهمین، در پی فعالیت های منوچهر کلانتری، دایی بزرگ بیژن جزنی که از سال ۱۳۴۶ در انگلستان تحصیل می کرد در اوایل دهه ۱۳۵۰ به وجود آمد و با تکثیر ادبیات سچفا و بویژه نوشته های بیژن جزنی در میان دانشجویان هوادار سچفا در کنفدراسیون، هواداران بسیاری پیدا کرد. این گروه نشریه "۱۹ بهمین تئوریک" را منتشر می کردند. آنها رسماً، وابسته به سچفا نبودند و زمانی هم که این سازمان در خارج از کشور نمایندگانی داشت، از آنها دستور نمی گرفتند. این گروه با ارگانیشان، در واقع ارگان غیر رسمی سچفا بودند و در بسیاری از کشور های اروپایی شعبه داشتند. به این نوشته مراجعه شود:

<http://arashmag.com/%D8%A8%DB%8C%DA%98%D9%86-%D8%AC%D8%B2%D9%86%DB%8C/>

تقی شهرام: ... اینا، همون توفان و دارو دسته اش ند؟ ...  
حمید اشرف: ... آره.

تقی شهرام: ... من دارم می نویسم. یه خطِ چپ اند، که این چپ دو  
قسمت داره ...

حمید اشرف: ... نه خطِ رزمنده ...

تقی شهرام: ... رزمنده اند ...

حمید اشرف: ... یه خطِ رزمنده است که در حقیقت جبهه ای ها و  
سایر نیروهای ...

تقی شهرام: ... جبهه دومی ها و ...

حمید اشرف: ... آره.

تقی شهرام: ... آها، سایر نیروها، مثلاً اینا کی آن، سایر نیروها؟

حمید اشرف: ... موافق جنبش مسلحانه ...

تقی شهرام: ... آها!

حمید اشرف: ... تروتسکیست ها و نمی دونم از این ...

تقی شهرام: ... آها، خب، بسیار خوب.

حمید اشرف: ... یه عده دیگه هم، نوزده بهمنی هان، که به اینا می  
گن خطِ جنبش ...

تقی شهرام: ... نوزده بهمن، خطِ جنبش. بله.

حمید اشرف: ... اینا سه جناح از طرفداران، بعد هم کادری ها  
هستند، که اینا، جزو خطِ رزمنده حساب می شن.

تقی شهرام: ... آها، کادری ها پس خطِ ...

حمید اشرف: ... کادری های، یعنی یه جناح هایی از کادری ها که  
موافق مبارزه مسلحانه هستند.

تقی شهرام: ... اهوم.

حمید اشرف: ... الان در سال گذشته، جریان طوری شد، این یه  
مسئله ریشه تاریخی هم داره ...

تقی شهرام: ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... به این صورت که این جبهه ای ها، با مأئویست ها ...

**تقی شهرام:** ... دعوا دارند دیگه ...

**حمید اشرف:** ... دعوا دارن به اصطلاح، اختلافات تاریخی دارن و این اختلافات تاریخی شون، در روی جنبش مسلحانه پیاده شده! به این صورت که جبهه ای ها طرفدار به اصطلاح مبارزه مسلحانه هستند ...

**تقی شهرام:** ... صحیح ...

**حمید اشرف:** ... و چین و فیل ها<sup>۱۷</sup> مخالفش ...

**تقی شهرام:** ... مخالف ...

**حمید اشرف:** ... و این وضعیت یه جریان ناجوری شده اصلا ...

**تقی شهرام:** ... اصلا اینا می دونی، ما رو این وسط، مثل این که دارن چیز می کنند، وجه المصالحه دعوا های خودشون می کنند، ها این طوری شده؟ ...

**حمید اشرف:** ... شما رو، حالا، اونم یه مسئله ایه که می گم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... چی هستش مسئله. در این جا طبعا جبهه ای ها طرفداری از مبارزه مسلحانه می کنند و انعکاس طرفداری شون هم ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... انتشار کتاب ها و نشریات و ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

---

۱۷ - منظور، سازمان انقلابی حزب توده، سازمان توفان و بخشی از گروه کادرها است. در نوار های پیشین در زیر نویس ها در این باره توضیح داده شده است.

**حمید اشرف:** ... پخش اینا و اینا هست. بعد گذاشتن چیزهای دفاعی و برنامه های دفاعی و تظاهرات و نمی دونم اشغال<sup>۱۸</sup> سفارت و ...

**تقی شهرام:** ... جبهه ای ها؟ اهوم.

**حمید اشرف:** ... آره دیگه، اساسا جبهه ای هان. یعنی به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... همون حسن ماسالی و اکبر مسکوویچ<sup>۱۹</sup> اینان دیگه؟ نیست؟

**حمید اشرف:** ... گروه های ...

**تقی شهرام:** ... درسته؟ اینا همون ...

**حمید اشرف:** ... من اکبر مسکوویچ رو نمی شناسم کیه، ولی ...

**تقی شهرام:** ... ببین ...

**حمید اشرف:** ... حسن ماسالی، طبعا چهره مشخص شونه.

**تقی شهرام:** ... ببین این اکبر، بابا اینا اگر یادت باشه، تو اون

روزنامه های ۶۰ سال ۴۹-۴۸ [۱۳] اینا، معروف بودن دیگه، حسن ...

**حمید اشرف:** ... من، البته که چیزهاشون رو هم می انداختند،

عکاشون رو می انداختند ...

---

۱۸ - در اوایل دهه ۱۳۵۰، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی که جبهه ملی خاورمیانه هم بخش مهمی از آنها بودند، بارها و بارها سفارت خانه ها، کنسول گری های ایران را در کشورهای اروپایی به طور موقت به اشغال خود در می آوردند و در حمایت از زندانیان سیاسی و جنبش مبارزاتی در کشور نظرات و رسانه های اروپایی را به خود جلب می کردند.

۱۹ - به زیر نویس های ۹ و ۱۰ در نوار ششم مراجعه شود.

۲۰ - رفیق تقی شهرام اشاره به حادثه ای می کند که در طی آن و در تظاهراتی در شهر کارلسروهه آلمان، دانشجویان عضو کنفدراسیون از جمله اکبر اقرایی معروف به اکبر مسکوویچ به جلسه دانشجویان طرفدار رژیم حمله کردند و خساراتی به بار آوردند. مشروح این حادثه در روزنامه های بهمن ماه ۱۳۴۸ منتشر شد و همچنین محسن پزشکیور نماینده حزب پان ایرانیست در مجلس شورا در ۱۴ بهمن ۱۳۴۸، سخنرانی مفصلی در شرح این رویداد و علیه کنفدراسیون و اکبر مسکوویچ (اقرایی) ارائه داد.



**تقی شهرام:** ... آها، اکبر مسکوویچ و می گفتن، حسن ماسالی و اینا دو تا با هم بودن همیشه. گویا تو عراق هم، بچه های ما موقعی که هواپیما رو دزدیده بودن، اینا رو برده بودن، که می شناسنشون یا نه! آره اینا همونان!<sup>۲۱</sup>

**حمید اشرف:** ... ولی این ها کسایی هستند که به صورت گروه های مارکسیستی درون جبهه ملی اند.

**تقی شهرام:** ... صحیح. ولی مثل این که مارکسیست هم نیستند ...

**حمید اشرف:** ... این ها مارکسیست های التقاطی اند!  
**تقی شهرام:** ... آها.

---

۲۱ - رفیق تقی شهرام در اینجا درباره اکبر مسکوویچ (اراقی) اشتباه می کند. او از نظر سیاسی و ایدئولوژیک با اعضای گروه ستاره که اغلب از اعضای جبهه ملی شعبه خاورمیانه بودند، اختلاف نظر داشت و با اینان همراه نبود. اکبر مسکوویچ هیچگاه در عراق نبود و به آنجا هم نرفته بود. در زمان این گفتگو ها وی در سوئد زندگی می کرد. در آن زمان حسن ماسالی و خسرو کلانتری از افراد مهم جبهه ملی شعبه خاورمیانه بودند. عراقی ها عضوی از جبهه ملی خاورمیانه برای ملاقات با اعضای مجاهدین که هواپیمایی را به عراق رپوده بودند می برند. در کتاب "مشکلات و مسائل جنبش" از انتشارات گروه اتحاد کمونیستی در این باره در صفحه ۳۲ نوشته است: "... اولین تماس ما با اعضاء مجاهدین در تاریخ آبان ۴۹ شروع شد. در این تاریخ یک هواپیمای ایرانی که از دویی عازم ایران بود تا ۶ زندانی ایرانی را تحویل دهد در مسیر خود توسط سه نفر دیگر از رفقای زندانیان منحرف شد و به بغداد آورده شد بعد از دیدار اولیه در فرودگاه، تماس ما با آنها در زندان منجر به آشنائی کمی بیشتر شد. آنها در آن زمان مسئله وجود سازمان خود را کتمان می کردند و خود را صرفا ۹ ایرانی ضد رژیم و ضد صهیونیسم معرفی می نمودند و ما نیز بهمین صورت بحث های کلی کرده و خود را صرفا اعضاء جبهه ملی معرفی کردیم.... رهائی ۹ نفر از زندان و رفتن آنها به لبنان، برای مدت کوتاهی - تا زمان دستگیری دو تن از رفقای آنها هنگام حمل اسلحه به ایران [محسن نجات حسینی، محمد یقینی]، در فرودگاه لبنان - ارتباط ما را قطع کرد. دستگیری این دو نفر حدس قبلی ما را مبنی بر این که این عده صرفا عناصر پراکنده ضد رژیم نیستند و قاعدتا تشکلی دارند، تأیید کرد. کوشش ما برای تماس مجدد و همکاری برای نجات دو نفر از زندان سر آغاز روابط رسمی ما با آنان بود." برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

<http://www.vahdatcommunisti.org/moshkelat%20v%20masaelm%20jonbash.pdf>

حمید اشرف: ... در حقیقت!

تقی شهرام: ... صحیح.

حمید اشرف: ... یعنی مارکسیست های ...

تقی شهرام: ... هوم.

حمید اشرف: ... کامل العیاری ...

تقی شهرام: ... نیستند ...

حمید اشرف: ... نیستند. مارکسیست التقاطی از یک زاویه دیگه ...

تقی شهرام: ... خب، پس چرا به نام شما اونجا صحبت می کنند؟

حمید اشرف: ... اینا، خب، مسائلیه که هستش و این ها، عملا مورد استفاده هستند برای به اصطلاح ...

تقی شهرام: ... یعنی ...

حمید اشرف: ... پخش اسناد جنبش داخلی ...

تقی شهرام: ... آخه می دونی، یه سری، حالا من نمی دونم، نمی دونم حق دارم این حرف و بزنم یا نه، ولی یه سری مسائلی رو ایجاد نمی کنه از نظر تشکیلاتی واقعا؟ نمی دونم، مثلا ...

حمید اشرف: ... نه اینا باز جریان مون با این ها، رابطه گروهی هستش و رابطه تشکیلاتی نیست!

تقی شهرام: ... یعنی، حالا، باید این مثلا عملا می گفتن که، مثلا ...

حمید اشرف: ... حالا شما ...

تقی شهرام: ... مثلا ها، مثلا در مباحثات و اینا این نماینده جبهه، عمدتا همه کاره هست از طرف شما حرف می زنه و اون یه رفیقی هست که اونجا نماینده شماست<sup>۲۲</sup>، اصلا صحبتی نمی کنه، یه همچین چیزهایی. یه وقتی می گم، ممکنه واقعا، حالا من نمی دونم

---

۲۲ - اشاره به رفیق شهید، محمد حرمتی پور(۱۳۶۱-۱۳۲۱) نماینده سچفا در خارج از کشور است. در نتیجه این گفتگوها، رفیق حمید اشرف نماینده دیگری - احتمالاً محمد دبیری فرد (حیدر) - را در سال ۱۳۵۵، به خارج فرستاد که با اختیارات کامل به سر و سامان دادن به مناسبات تشکیلات سچفا در خارج از کشور به پردازد.

حق دارم یا ندارم این بگم، حالا، البته بخاطر این که، چون هنوز بحث موم این نیست، می گم ها.

**حمید اشرف:** ... اهوم!

**تقی شهرام:** ... که مثلا، ممکن یه سواستفاده هایی حتی از نام شما، بکنند، واقعا. البته ما به شون<sup>۳۳</sup> گفتیم به شما مربوطی نیست این حرفا، یعنی، رسوندن مثلا اینا، که بابا چی رو می گی که دارن از این تور از این شهر اروپا، می رن به اون شهر برا خودشون و مثلا جای رفقای فدایی مثلا جا می زنند. یه، مثلا واقعا، یه برخوردهای این طوری دارن. نمی دونم، حالا شما خودتون حتما تو این قضیه هستید که به هر حال، ممکن یهو یه جریاناتی از توش بیرون بی آد.

**حمید اشرف:** ... اینا، جریاناتی بیرون نمی آد از توش!

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... مشخصه روابطی که ما داریم ...

**تقی شهرام:** ... بله!

**حمید اشرف:** ... با این همه مسئله. به هر تقدیر مسئله این هستش که این ها اختلافات خودشون با مائوئیست ها، روی جنبش (مسلحانه پیاده کردم و ضمن این که خدماتی به جنبش مسلحانه کردند، از طریق پخش اسناد این جنبش ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و طبعا تاثیرات زیادی گذاشتن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ضمنا یه مقدار اشکالاتی نیز ایجاد کردن ...

**تقی شهرام:** ... اهوم. یعنی این اشکالات مورد تایید شما نیست؟!

**حمید اشرف:** ... که این اشکالات مورد تایید ما نیست.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... طبعا نیست. چرا که ما نمی خوایم، اختلاف اینا با مائوئیست ها، توی جنبش پیاده بشه ...

---

۲۲ - منظور نمایندگان رفقای جبهه ای است.

تقی شهرام: ... آفرین.  
حمید اشرف: ... ما مورد نظرمون این نیست ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... و انتقاداتی هم که به شما می کنند در این رابطه ...  
تقی شهرام: ... آها!  
حمید اشرف: ... این از ...  
تقی شهرام: ... کی ها می کنند؟  
حمید اشرف: ... مثلا جبهه ای ها، همون چیزهایی که با شما ها داشتند<sup>۲۴</sup> ...  
تقی شهرام: ... آها.  
حمید اشرف: ... برخوردهایی که داشتند، این ها مورد تایید ما نیست. این هم می خوایم اطلاع داشته باشی واقعیت مسئله رو، حتی ...  
تقی شهرام: ... هوم.  
حمید اشرف: ... علیرغمی که این ها عملا امکانات زیادی رو ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... در اختیار ما می گذارند در خارج از کشور، بخصوص از نظر انتشاراتی و اینا، چون قدمت دارن، سابقه دارن ...  
تقی شهرام: ... بله، بله.

---

۲۴ - اشاره به اختلافات مهم و تاثیر گذار در روابط سازمان مجاهدین خلق ایران و جبهه ملی شعبه خاورمیانه است که بر اساس روند و چگونگی تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق پیش آمد. آنها پس از اعلام مواضع ایدئولوژیک جدید سازمان مجاهدین خلق، در مخالفت با رویه مقابله با مخالفین تغییر ایدئولوژی در سازمان، نام سازمان جدید و اساسا شیوه کار سازمان مجاهدین خلق، عملا قطع رابطه کرده و در کمترین سطح ممکن با آنان تماس داشتند. در این میان دو کتاب به نام های: "مسائل حاد جنبش یا مسائل حاد مجاهدین" و "پیرامون تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران"، منتشر کردند. این دو کتاب در سایت آرشیو وحدت کمونیستی موجود است:

<http://www.vahdatcommunisti.org/index-filer/Page428.htm>

حمید اشرف: ... خیلی خوب، می‌تونند، اسناد و کتاب‌ها رو پخش بکنند.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... و ما از این جهت هست که ...

تقی شهرام: ... اهوم.

حمید اشرف: ... با این نیروها ...

تقی شهرام: ... همکاری دارید ...

حمید اشرف: ... همکاری می‌کنیم.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... ولی، نقطه نظراتشون رو، از نظر ایدئولوژیک قبول نداریم.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... انحرافات تروتسکیستی در نظراتشون هست، انحرافات مارکسیستی التقاطی دارن.

تقی شهرام: ... اهوم.

حمید اشرف: ... و این‌ها چیزهایی نیستش که ما، به خودشون نگفته باشیم.

تقی شهرام: ... بله.

حمید اشرف: ... و در این زمینه‌ها هم ...

بهروز ارمغانی: ... [بسیار آرام به حمید اشرف] این و بگو ...

حمید اشرف: ... اختلاف نظر داریم باهاشون.

تقی شهرام: ... صحیح.

حمید اشرف: ... و با خودشون هم ...

تقی شهرام: ... یعنی اون انتقاداتی که احیانا اینا به ما می‌کنند، از جانب شما نیست؟ یعنی شما راجع به این مسئله، به ما انتقادی ندارید؟

حمید اشرف: ... آها، اون و می‌خوایم که حساب اون مسئله رو از این یکی جدا بکنید ...

تقی شهرام: ... باشه ...  
حمید اشرف: ... و هر مسئله ای ...  
تقی شهرام: ... چون ما یک مسئله واقعا برامون مسئله ای بود مثل  
این که ...  
حمید اشرف: ... آها، هر جریانی رو می خوانین ...  
تقی شهرام: ... آها.  
حمید اشرف: ... در هر، از این موضع برخورد بکنین!  
تقی شهرام: ... بله، باشه.  
حمید اشرف: ... چون ما عملا نیرو در خارج از کشور پیاده نکردیم.  
تقی شهرام: ... خوب کردین، واقعا دشواری داره! یه مقداریش ...  
حمید اشرف: ... و ...  
تقی شهرام: ... ولی خب یه مسائلی، یه نقاط قوتی داره این کار، یه  
نقاط ضعفی داره! ...  
حمید اشرف: ... خب! ...  
تقی شهرام: ... آره ...  
حمید اشرف: ... مسئله اصلی تو این کار باید شکل بهتری پیدا  
کنه ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... شکل اصولی خودش و بگیره.  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... و اشکالاتی که در این رابطه هست، مهمترینش  
اینه که این ها، همون که گفتم. اختلافات خودشون رو با مائوئیست  
ها در سطح جنبش آوردن پیاده کردن.  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... از جمله این که امسال کنگره کنفدراسیون، جبهه  
ای ها تشکیل دادن<sup>۲۵</sup> ...

---

۲۵ - آخرین کنگره کنفدراسیون به صورت متحد در دی ماه ۱۳۵۳، انجام گرفت. در کنگره سال بعد که در چند ما پیش از این گفتگوها با شرکت ۱۰۰۰ دانشجوی در

تقی شهرام: ... ها مثل این که یه انشعابی توش شده!  
 حمید اشرف: ... بله دیگه، یعنی عملاً بسیاری از واحدهای شهری  
 که در اختیار ...  
 تقی شهرام: ... آها.  
 حمید اشرف: ... مائوئیست ها بوده اند، نماینده به کنگره نفرستادن!  
 تقی شهرام: ... صحیح، شما اون پیام ها رو خوندین؟  
 حمید اشرف: ... پیام به کنگره ها رو؟  
 تقی شهرام: ... هان.  
 حمید اشرف: ... آره، آره.  
 تقی شهرام: ... چطور بود؟ نظرتون باهش موافق بود، مخالف بود،  
 عیب و ایراد داشتین؟  
 حمید اشرف: ... پیامی که شما فرستاده بودین؟<sup>۲۶</sup>  
 تقی شهرام: ... آها.  
 حمید اشرف: ... نه دیگه، ایرادی نداشت ...  
 تقی شهرام: ... یعنی ما اونجا تبلیغ شده بود که، البته خود رفقای  
 اونجا نوشته بودن که اختلافات شما باید از داخل حل بشه اساساً و  
 موکول کرده بودن به این و در عین حال ...  
 حمید اشرف: ... والله اختلافات، کنفدراسیون دیگه الان رفته رفته ...  
 تقی شهرام: ... آها.  
 حمید اشرف: ... باید به صورت یک جریان طبعی جنبش داخلی در  
 بیاد ...  
 تقی شهرام: ... همین، به خاطر همین مسئله رو طرح کرده بودیم ...

---

آلمان برگذار شد، ائتلافی از دانشجویان جبهه ملی، گروه کادرها و گروه کارگر در فرانکفورت نقش اصلی را داشتند. در این مورد به زیر نویس شماره ۲۰ از نوار هفتم مراجعه شود.

۲۶ - پیامی که طی چند سال در ۱۶ آذر ماه، سازمان مجاهدین خلق ایران به کنفدراسیون فرستاد. مهمترین وجه این پیام این بود که پیام به کنگره هفدهم، پس از تغییر مواضع ایدئولوژیک فرستاده شده بود. این متن را می توانید در اینجا ببینید:

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/fadai\\_mojahed-payame\\_cherikha\\_mojahedin.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/fadai_mojahed-payame_cherikha_mojahedin.pdf)

**حمید اشرف:** ... از طرف دیگه، بنابر این ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... نیروهایی هم که تشکیل دهنده کنفدراسیون هستند، باید از این دیدگاه تحلیل بشن ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... که تا چه حد، از جنبش داخلی رو مورد، تایید قرار دادن؟ ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... در این مسئله، منتهی رابطه شون رو با جنبش داخل مشخص می ...

**تقی شهرام:** ... بینم این چین و فیل و به اصطلاح فیلی ها، دوستاران چین، هر چی، اینا آدم های خیلی زیادی اند؟ خیلی با قدرتند یا این که فقط هارت و پورت و به قول معروف نما دارن؟ نمی دونم ...

**حمید اشرف:** ... ولله، نما دارند، قدرت هم دارند!

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... یعنی اگر بخوایم، برآورد نیرو بکنیم، شاید تا ۴۰ درصد دانشگاه در خارج از کشور ...

**تقی شهرام:** ... آخه، چی دارن که اینقدر نفوذ دارند؟ من تعجب می کنم.

**حمید اشرف:** ... این ها حالا می گم چی دارن ...

**تقی شهرام:** ... آخه می دونی، ایی حرف های مثلا راجع به مثلا، شما حساب بکنید که، مطالبی که اینا می گن، اصلا همین ده سالِ داره تکرار می شه، یعنی از اون موقعی که ما یه خورده چیزهایی شنیدیم این ور و اون ور، همین، هیچ تغییری در این ها داده نشده.

**حمید اشرف:** ... بله، اینا که الان مثلا سازمان توفان، به طور مشخص ...

**تقی شهرام:** ... هوم.



**حمید اشرف:** ... نقطه نظرش این هستش که در رابطه با رویزیونیسیم و این ها ...  
**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... همون سوسیال امپریالیسم، نقطه نظرشون این که رژیم ایران، یک رژیمی است مترقی، به خاطر این که با دو ابرقدرت مبارزه می کنه! ...  
**تقی شهرام:** ... باریکلا!

**حمید اشرف:** ... و رژیمی است ارتجاعی، به خاطر این که به نیروهای داخلی فشار می آره! یه تحلیل توفان مثلا از مسئله سوسیال امپریالیسم و نقش رژیم ایران و اینا، اینه!  
**تقی شهرام:** ... حال زیاد هم، بله ...

**حمید اشرف:** ... و نیروهای دیگه چینی هم، نظرات مشابه دارن.  
**تقی شهرام:** ... پس چرا اینا، یه سری از عناصرشون رو فرستاده بودن اون موقع اینجا، برن کار کنن و ...  
**حمید اشرف:** ... صحیح.

**تقی شهرام:** ... همین فرض کن، اولش که اومدند مصاحبه کردن<sup>۲۷</sup>، یعنی ...

**حمید اشرف:** ... بله، خب اینا جریانات اپورتونیستی اند ...  
**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... یک جناح هست، اپورتونیست در جنبش ...

---

۲۷ - اشاره به سازمان انقلابی حزب توده ایران و اعضای از آن همچون کورش لاشایی، پرویز نیکخواه و چند نفر دیگر است که تن به همکاری با رژیم و مصاحبه های تلویزیونی دادند. به این کتاب رجوع کنید: شوکت، حمید، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران: گفتگو با کورش لاشایی، نشر اختران، ۱۳۷۸، تهران.

**تقی شهرام:** ... ببین، اون "رهایی بخش"<sup>۲۸</sup> و اینا، مگه از تو همینا نیومده بودند بیرون؟

**حمید اشرف:** ... به هر حال ...

**جواد قائدی:** ... رهایی بخشی ها از سازمان انقلابی بودند ...

**تقی شهرام:** ... اونا هم چینی اند دیگه!

**حمید اشرف:** ... چینی اند، آره.

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... منتها رهایی بخش و اینا در یک دوره، ژستی گرفتن

که می خوان، یعنی گفتن که ما مبارزه مسلحانه رو تایید می کنیم و

منتها نظرات خاص خودمون رو داریم ...

**تقی شهرام:** ... نه اینا اصلا ...

**حمید اشرف:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... شما مثل اینکه یه خورده عجله کردین!<sup>۲۹</sup> اینا خب ...

**حمید اشرف:** ... ما یه خورده عجله کردیم ...

**تقی شهرام:** ... آها.

---

۲۸ - اشاره به گروهی موسوم به "سازمان آزادی بخش خلق های ایران" است که در اوایل سال ۱۳۴۸ تشکیل شد به سرکردگی "سیروس نهاوندی". این گروه به سازمان انقلابی وابسته بود. در باره این سازمان می توانید به مقاله ای که در سایت اندیشه و پیکار منتشر شده است مراجعه کنید.

<http://www.peykar.org/files/pdf/safAzad/sirusNahavandi.pdf>

۲۹ - اشاره به پشتیبانی سچفا از گروه سیروس نهاوندی بود، با وجودی که در همان زمان نیز شایعاتی منوط بر این که این گروه دست ساخته ساواک است وجود داشت، سچفا در یک اعلامیه از این گروه اعلام پشتیبانی نمود (در زیر نویس بعدی). در زمان این گفتگوها هنوز قاطعانه مشخص نشده بود، اما هر دو سازمان از تماس با این گروه پرهیز می کردند. در کمتر از یک سال پس از این گفتگوها، سازمان مجاهدین خلق در دی ماه ۱۳۵۵، رسماً در یک خبرنامه ویژه، افشا نمود که این گروه را ساواک ساخته و پرداخته. این سند را هم می توانید در سایت اندیشه و پیکار ببینید.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Nashriyeh-Khabari-22-1354.pdf>

**حمید اشرف:** ... شرایطی بود که می خواستیم تقویت بکنیم جریان مبارزاتی داخل و اینا ...

**تقی شهرام:** ... آره.

**حمید اشرف:** ... اینها رو هم، یک کدومشون، [در] یکی از اعلامیه هامون<sup>۳۰</sup> ...

**تقی شهرام:** ... آوردین.

**حمید اشرف:** ... آوردیم و بعد هم دیگه، هیچ جا دیگه نیاوردیم، چون بعدا ...

**تقی شهرام:** ... ترسیدین!

**حمید اشرف:** ... اسنادشون به دستمون نمی رسید.

**تقی شهرام:** ... اصلا این و می دونی نیروهای جنبش مسلحانه هنوز بهش نه به شکل استراتژیک، بلکه به صورت دفاع مسلحانه قبول دارند. یعنی اینا به طور تاکتیکی قبول دارند. یعنی مثلا نگین ما پول نداشتیم، می ریم مثلا صادره می کنیم. اگر مثلا خواستن ما رو بگیرن مثلا اسلحه داشتیم، عمل می کنیم. می دونی، این طوری قبول دارن.

**حمید اشرف:** ... آره دیگه ...

**تقی شهرام:** ... یه بخش هایی ...

**حمید اشرف:** ... اصلا تبلیغ مسلحانه رو قبول ندارن!

**تقی شهرام:** ... نه، اصلا به این شکل نه، به شکل همون چیز، همون به اصطلاح تاکتیک های چی ...

---

۳۰ - اطلاعیه سچفخا به مناسبت سالگرد آغاز جنبش مسلحانه در ایران که در ابتدای سال ۱۳۵۳ بیرون آمد. این اطلاعیه در شماره ۵۵، تیر ماه ۱۳۵۳، نشریه باختر امروز منتشر شده، در آن آمده است: "پس از نبرد سیاهکل با عملیات چریک های فدایی خلق و به دنبال آن عملیات سایر سازمان ها و گروه های پر افتخار چریکی، نظیر سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان آزادیبخش خلق های ایران، گروه آرمان خلق و غیره، بار دیگر امید و ایمان به مبارزه در دل ها زنده گردید و سایه تاریک حقارت و تسلیم از چهره ها زدوده شد."

حمید اشرف: ... تدافعی ...

تقی شهرام: ... آها، مثلا همون، پول می خواستین، برین مثلا بانک  
بزنین ...

حمید اشرف: ... دفاع مسلحانه ...

تقی شهرام: ... دفاع مسلحانه، آره دیگه، دفاع مسلحانه.

حمید اشرف: ... به هر صورت، اینها گروه هایی هستند که، وجود  
دارند و در رابطه با این که با جبهه ای ها مخالفت اصولی دارن ...

تقی شهرام: ... هوم.

حمید اشرف: ... و یه چیز جالبی که هستش، این تو مخالفت  
اصولی چینی ها و جبهه ای ها درسته ...

تقی شهرام: ... صحیح، از چه نظر درسته؟ یعنی اون نقطه درستش  
در چیه؟

حمید اشرف: ... یعنی از نظر ایدئولوژیک درسته.

تقی شهرام: ... آها، اونا می گن چرا ...

حمید اشرف: ... یعنی اونا انحرافات تروتسکیستی ندارن!

تقی شهرام: ... ها، می گن چرا شما معتقد به ...

حمید اشرف: ... یعنی این انحرافات که چین و فیل ها دارن، در  
مسائل اصولی ...

تقی شهرام: ... اهوم.

حمید اشرف: ... مارکسیستی نیست.

تقی شهرام: ... در مسائل ...

حمید اشرف: ... در نتیجه ...

تقی شهرام: ... خط مشی ایه!

حمید اشرف: ... در مسائل به اصطلاح، درست اونجایی که پای  
عمل ...

تقی شهرام: ... عمل پیش بیاد ...

حمید اشرف: ... پیش بیاد، پای عمل انقلابی می رسه، اینا پاشون  
می لنگه ...

تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... بنابر این اینا در یک گام مونده به عمل ...  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... منحرف می شن. و حداقل از نظر مواضع داریم  
می گیم ها ...  
تقی شهرام: ... صحیح.  
حمید اشرف: ... مواضع شون، اونا چیزی که هیچکوم هیچی ندارن  
جز مواضع شون.  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... در حالی که جبهه ای ها، از نظر اصولی هم  
مارکسیست نیستن.  
تقی شهرام: ... اهوم.  
حمید اشرف: ... و مواضع اصولیِ مارکسیستی رو قبول ندارن و  
چند رنگ هستند.  
تقی شهرام: ... بله.  
حمید اشرف: ... و جریانات مختلفی، یعنی این جریانات مختلف  
تروتسکیستی و اینها که از درون جبهه اومده بیرون ...  
تقی شهرام: ... اهوم.  
حمید اشرف: ... خلاصه، محصولات جبهه است!  
تقی شهرام: ... صحیح.  
حمید اشرف: ... و ...  
تقی شهرام: ... یعنی این جریانات تروتسکیستی که الان ما این دو  
سه تا از نشریات شون داریم به نام نمی دونم، اولین شماره نمی دونم  
فلاَن دانشجویان خارج از کشور، اینا از جبهه اومده بیرون؟<sup>۳۱</sup>

---

۳۱ - نشریه "کندوکاو"، که نخستین شماره آن در آذر ماه ۱۳۵۳ در آمد. این نشریه از گردهمایی عده ای از دانشجویان تروتسکیست و عضو کنفدراسیون دانشجویان به وجود آمد.

<http://maziarazi.wordpress.com/%D8%A8%DB%8C%D9%88%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C/>

**حمید اشرف:** ... این از جبهه نیومده بیرون. اینها گروه‌هایی هستند، که از جبهه انشعاب کردن ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... جبهه که ایدئولوژی ندارد.

**تقی شهرام:** ... آره دیگه، جبهه ایدئولوژی ندارد اصلا، آره این ...

**حمید اشرف:** ... یعنی جبهه ملی هم، نفت، چیزی واسه مبارزه علیه ...

**تقی شهرام:** ... امپریالیزم و ...

**حمید اشرف:** ... همون، امپریالیزم و حکومت ایران و اینهاست. و

نیروهای مختلف که از جبهه جدا شدن از موضع مارکسیستی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... سمت‌های به اصطلاح تروتسکیستی و انحرافات

دیگه دچار شدن، حالا دیگه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یک "رواسانی"<sup>۳۲</sup> نامی بود، "تز دو دنیا" رو پیش

کشید و این نشریه کارگری‌ها هستند. یه نشریه‌ای در می‌آد به

اسم "کارگر" ...

**تقی شهرام:** ... آها، "کارگر".

**حمید اشرف:** ... و اینا هستند که اینا تروتسکیست اند<sup>۳۳</sup>.

---

همچنین شماره‌های این نشریه را می‌توانید در اینجا ببینید:

[http://www.iran-echo.com/hks/k\\_v\\_k.html](http://www.iran-echo.com/hks/k_v_k.html)

۳۲ - اشاره به شاپور رواسانی متولد ۱۳۱۰ در رشت و دکتر در علوم سیاسی و استاد بازنشسته اقتصاد اجتماعی کشورهای در حال رشد در دانشگاه الدنبرگ (آلمان) است.

<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%A7%D9%BE>

[%D9%88%D8%B1\\_](#)

[%D8%B1%D9%88%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C](#)

۳۳ - رفیق حمید اشرف، در اینجا اشتباه می‌کند. یک گروه از اعضای کنفدراسیون و جبهه ملی در اروپا، که گاه نامه‌ای به نام "کارگر" منتشر می‌کرد، تروتسکیست نبودند. این گروه از فعالین مهم کنفدراسیون و بخشی از مارکسیست‌های درون جبهه ملی بودند. پس از انقلاب هم با نام "سازمان کارگر" نشریه‌ای به همین نام منتشر می‌کردند. آنها سپس فعالیتشان را در اروپا با نام "سازمان

**تقی شهرام:** ... نمی دونم، ما چقدر زمان داریم؟  
**حمید اشرف:** ... به هر تقدیر وضعیت به این صورته!

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... اینا اختلافاتی داشتن، وقتی جنبش مسلحانه شروع شد. البته یه کار مثبتی که این جبهه ای ها کردن اینه که اومدن بخش خاورمیانه رو ایجاد کردن و کوشش کردن با جنبش داخل ...

**تقی شهرام:** ... تماس بگیرند.

**حمید اشرف:** ... تماس بگیرند و در این رابطه کار بکنند، این نقطه نظر، یه کار عملی بود که اینا کردن، و در حد خودش ...

**تقی شهرام:** ... مترقی بود.

**حمید اشرف:** ... مترقی بود. ولی مواضعشون، از نظر ایدئولوژیک ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... مواضع درستی نیست.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به هر حال، مسئله در خارج از کشور به چه صورت در اومد؟! جبهه ای ها طر جنبش مسلحانه رو گرفتن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... چینی ها که با اینا مخالف بودن و از نظر عملی هم با مبارزه مسلحانه مخالف بودن، موضع مخالف گرفتن.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... اون وقت در اینجا جنبش مسلحانه یه مقدار ضمن این که بهره برداری کرد، از امکانات تبلیغاتی، یه مقدار هم خسارت دید. و این خسارت مربوط می شه به، به اصطلاح، نیروهایی که به شکل اصولی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

---

سوسیالیست های ایران - سوسیالیست های طرفدار راه مصدق" ادامه دادند.

<http://www.ois-iran.com/start.html>

هیچکدام از شاخه های تروتسکیستی در جبهه ملی نبوده اند. تروتسکیست های ایرانی در اروپا بطور عمده در انگلستان و در کنفدراسیون فعال بودند.

**حمید اشرف:** ... مارکسیست هستند ولی در رابطه با این که جبهه ملی ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... و عناصر، به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... فهمیدم، اینا اومدن در سطح مبارزه مسلحانه ...

**حمید اشرف:** ... در سطح مبارزه مسلحانه اینها ...

**تقی شهرام:** ... اینها یه محملی پیدا کردن که اولاً، اصلاً این و مثل یک جریان التقاطی ردش کنند،

**حمید اشرف:** ... و نه اساساً، اوناً حتی عناصر صادقی ممکن باشند.

**تقی شهرام:** ... بله، بله.

**حمید اشرف:** ... ولی چون اختلاف اصولی با جبهه ملی دارند، جنبش داخل هم به اعتبار اختلافات جبهه ملی اون و ...

**تقی شهرام:** ... اون رو حذف می کنند ...

**حمید اشرف:** ... مورد ارزیابی قرار دادن.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این تبعاً، یه مقدار ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... مسائلی رو که میان جنبش ایجاد می کنه در خارج.

**تقی شهرام:** ... خب، ما هم می تونیم یه موضع اصولی بگیریم. از اینا به اصطلاح کنار بکشیم خودمون رو از اختلافات اینا، یا برخورد کنیم با اختلافاتشون، این کار می تونیم بکنیم.

**حمید اشرف:** ... بله، این کار رو مثل این که می تونیم بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... باید پشه و صورت بگیره و ما می تونیم، ...

**حمید اشرف:** ... براش برنامه ای داریم ...

**تقی شهرام:** ... بله.



**حمید اشرف:** ... به هر حال، موضوع دیگه موضوع مهمتری که هست، اینکه که این اختلافاتی که جبهه ای ها و چینی ها داشتن، کار بالا گرفته الان،

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... بالا گرفته به این صورت که اون ها دیگه، طوری شد که به جنبش مسلحانه، به شهدا، فحش می دادند ...

**تقی شهرام:** ... نه بابا!؟

**حمید اشرف:** ... حتی به این چین و فیل و اینا ...

**تقی شهرام:** ... آه.

**حمید اشرف:** ... تخطئه می کردن دستاوردهای جنبش مسلحانه رو ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این ها هم باز هم یک سری مواضعی که درست نبوده گرفتن ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... و خلاصه این دامنه این تضادها بالا می گیره ولی ضمناً چون جنبش داخلی، کار داره می کنه، قدرت داره، بر اساس یه حرکتی در داخل عمل می کنه و رو همین مسئله هم پشتیباناش در داخل بیشتر مورد حمایت قرار گرفتن، به طوری که نیروهای طرفدار جنبش مسلحانه وجهه غالب دارند. ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... الان، در خارج از کشور، و این اون چنان قدرتی داد به جبهه ملی که بتونه کنگره ای رو ...

**تقی شهرام:** ... یه جا هم بود که ...

**حمید اشرف:** ... قطعاً تشکیل بده، چون قدیم، این قدرت رو داشتن اینا ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... یعنی جبهه ملی ها همیشه بزرگترین نیروی کنفدراسیون بودن، در حدود چهل درصد! ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و سازمان های چینی، در مجموع می توانستن مقابله کنند با به اصطلاح جبهه ای ها، و چون خودشون هم اختلافات داخلی داشتن، معمولا رهبری کنفدراسیون به دست جبهه ملی می افتاد.

**تقی شهرام:** ... حالا من اینجا، یه سوالی دارم، این جبهه ای ها حتما توشون، عناصر مثلا مذهبی، ملی، نمی دونم، اینا هم پُرنند دیگه؟ یعنی به دلیل این که، کثرت خرده بورژوازی در واقع، یعنی کسای که، عناصری که از نظر فکری هیچ، ماهیت های مثلا متفاوتی دارند، می تونند تو جبهه برن، به دلیل همین هم کثرتش توجیه می شه.

**حمید اشرف:** ... دقیقا همین طوره ...

**تقی شهرام:** ... در حالی که مثلا، خب توفانی ها و اینا باید لااقل طرف باید کمونیست باشه ...

**حمید اشرف:** ... همین طوره، دقیقا ...

**تقی شهرام:** ... لااقل باید چیزهای مارکسیستی ... ها؟

**حمید اشرف:** ... چون نیروهای مختلف رو می تونند بپذیرند، مذهبی ها رو هم می پذیرن اینا.

**تقی شهرام:** ... خب! معلومه خب، علت قدرتش از چیه ...

**حمید اشرف:** ... و به این صورت هم خب، ماهیت کارش هم طوریه که این قدرت بدرش نمی خورده! ...

**تقی شهرام:** ... نمی ... آها، نمی خورده. اگه تو واقعا هم، می دونی اگر یه خرده اوضاع مثلا فرض کنید جلو پره این خود قدرت چیزی نمی شه، می دونی؟! ...

**حمید اشرف:** ... همین مسئله است، باید دید سطح کار اونا چیه؟

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... در سطح کاری که اونا می کنن، اینش کاریکاتوره، در داخل یه همچین چیزی اصلا هیچی نیست.

**تقی شهرام:** ... هیچی نیست!

**حمید اشرف:** ... مسخره است. ولی در اونجا چون کار دمکراتیکه، ...

**تقی شهرام:** ... اهوم. کار کمیت مهمه!

**حمید اشرف:** ... کمیت مهمه فقط!

**تقی شهرام:** ... رای مهمه، تعداد نفرات.

**حمید اشرف:** ... به هر حال در این رابطه ...

**تقی شهرام:** ... بعد ولی شد، ولی واقعا باید یه موضعی گرفت ها، چون به این ترتیب، الان موضع اصولی مارکسیستی لنینیستی یه مقدار مورد به اصطلاح خدشه قرار می گیره، تحت پوشش مثلا جبهه ای ها، مسئله اش سایه افکنده می شه، یه مثل این، یکی هم مسئله مبارزه مسلحانه.

**حمید اشرف:** ... آره، این مسائل هست. ما می خواستیم اینا رو طرح کنیم، که شما هم روشن باشین.

**تقی شهرام:** ... بله. ما ...

**حمید اشرف:** ... مواضع و نقطه نظرهای ما در رابطه با جبهه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی نیروهای خارج از کشور، یعنی چیه؟!

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و به هر حال اینا کنگره مستقلی رو به وجود آوردن ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و موفقیت آمیز هم بود این کنگره ...

**تقی شهرام:** ... از چه نظریه ای موفقیت آمیز بود؟

**حمید اشرف:** ... از این نظر که هزار ...

**تقی شهرام:** ... حتما تشکیل شد؟!

**حمید اشرف:** ... هزار نفر توش شرکت کردن، کنگره های کنفدراسیون، شاید هیچ موقع هزار نفر هم توش شرکت نمی کرد. هفصد، هشتصد نفر شرکت می کرد. و امسال با وجودی که چینی ها هم نیومده بودند، ...

**تقی شهرام:** ... هزار تا شدن!

**حمید اشرف:** ... هزارتا شدن و بعد هم در رابطه با اعلام م م م  
همین رفقای مجاهد ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یه راهپیمایی ای کردند همین در رابطه با تشکیل  
جلسه و ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... خلاصه به هر حال چیز بود، جلسه گرمی داشتن،  
کنگره گرمی داشتن. ولی عملا در انتخابات این کنگره این ها باز  
تروتسکیست ها رو وارد ...

**تقی شهرام:** ... قضیه ...

**حمید اشرف:** ... هیئت دبیران کردند. بخاطر پیوندهایی که دارند. و  
این هم صرفا بخاطر اون مبارزه بسیار جالبی از نظر اون هاست که  
تروتسکیست ها با مائوئیست ها می کنن.

**تقی شهرام:** ... راستی این تروتسکیست ها چقدر قوی اند تو این  
دانشجوها! از نظر تئوریک هم قوی اند، یعنی آثارش که، آثاری رو که  
ما دیدیم، مثلا خیلی آثار نو، البته نقطه نظرات تروتسکیستی ها ولی  
آثار نویی دارن توشون، یعنی مثلا، بلغور حرف های قدیم نیست.  
مثلا نقد دارن، مسائل راجع به ایران دارن، یعنی خیلی قوی اند. این  
جریانش جدید یا از قدیم بوده؟

**حمید اشرف:** ... والله این بوده همیشه، ...

**تقی شهرام:** ... ولی الان خیلی دارن تئوریک می کنن کاراشون رو،  
یعنی منظم دارن ...

**حمید اشرف:** ... دارن می کنن و خیلی هم بد!

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... یعنی یک جریان ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ناجوری هستش، البته ما فکر نمی کنیم، اونقدر که  
شما، تصور می کنین قوی باشن اینا!

**تقی شهرام:** ... آخه می دونی من چرا، من نمی دونم، من فقط جنبه این که مثلا نسبت می گیرم به مثلا کارهای دیگه ای که این نیروها می کنن، مثلا توفان اینا، اول یه چیزهایی شون رو بر می داری نگاه می کنی، مثلا ستاره سرخی<sup>۳۴</sup> ها و یا حتی این گروه کمونیست که روزنامه اش را ما می بینیم، چیزی نداره، دقت می کنی، هیچ مسئله نویی نداره، حداکثر ...

**حمید اشرف:** ... تروتسکیست ها، مسئله اینه که یه سری به جنبش جهانی تروتسکیستی وابسته اند.

**تقی شهرام:** ... ولی ...

**حمید اشرف:** ... تحلیل هاشون رو از اونجا می گیرن.

**تقی شهرام:** ... ولی اینا مثلا مسائل، نه مسائل مثلا فرض به، خب ...

**حمید اشرف:** ... تاریخ ایران دارن، رو ایران پیاده می کنن ...

**تقی شهرام:** ... آره، مثلا یه نقدی داشتن، یه مقدمه ای هست درباره استالین، دیدن کتابش رو؟<sup>۳۵</sup>

**حمید اشرف:** ... اینایی که، که نشریات "آینده" در می آره؟

**تقی شهرام:** ... نه ...

**حمید اشرف:** ... نه، نمونه، نشریات نمونه ...

**تقی شهرام:** ... یه کتاب هست، خوب کتابیه، تمام مقالات و نوشته هایی که عمدتا درباره استالین نوشته شده، چه جناح مخالف، چه موافق چه چینی ها چه نمی دونم محاکمه بوخارین، نمی دونم فلان

---

۳۴ - اشاره به نشریه ستاره سرخ از سازمان انقلابی حزب توده است.

<http://www.iran-archive.com/start/135>

۳۵ - اشاره ای است به کتاب "درباره مسئله استالین" : مجموعه نظرات، گردآورنده، م- ر ، انتشارات مزدک، ایتالیا، ۱۹۷۴. بر این کتاب م - ر ( خسرو شاکری زند) مقدمه ای نوشته است و صمد راد در نشریه "کندو کاو" شماره اول، آذر ۱۳۵۳ نقدی بر آن با عنوان "م- ر و مسئله استالین" در ۲۴ صفحه نوشته است. نشریه کندو کاو، نشریه تئوریک و سیاسی تروتسکیست های ایرانی است که در لندن منتشر می شد.

<http://www.iran-echo.com/hks/index.html>

بهمان، همه را جمع آوری کردن تو این کتاب و کتابِ خوبیه از این نظر ...

**حمید اشرف:** ... پس محاکمه استالین؟

**تقی شهرام:** ... نه محاکمه استالین نیست، در واقع یه موضع تقریباً مشروط گرفته، یعنی استالین رو به طور تروتسکیستی نکوبیده ...

**حمید اشرف:** ... این چه تروتسکیستیه اصلاً؟!

**تقی شهرام:** ... نه، این که نمی گم که! یه کسی نقد کرده این و توی مجله کنف[؟] ... تروتسکیستی، دقت کردی؟ مقدمه این و نقد کرده ...

**حمید اشرف:** ... مقدمه این کتاب و ...

**تقی شهرام:** ... آها، مقدمه این ...

**حمید اشرف:** ... یه کتابی هست با این خصوصیات ...

**تقی شهرام:** ... آره، یک کتابی هست با ...

**حمید اشرف:** ... درباره مسئله استالین ...

**تقی شهرام:** ... درباره مسئله ...

**حمید اشرف:** ... اسمش چیه این کتاب؟<sup>۳۶</sup>

**تقی شهرام:** ... ولله، نمی دونم یه مقدمه ای هم داره، ما حتی از نظر سیاسی یه سری اطلاعات برا ما جالب بود، مثلاً این آمار گرفته بود، که مثلاً در دوران لنین چه جوری حزب رو تصفیه کردن و چه جوری در واقع سلامت حزب و مثلاً برگردوندند و فلان و ضوابطی که لنین گذاشته بود برا مراحل حزب مثلاً چی ها بود، دقیقاً اینا رو روشن کرده بود و درصد داده بود، مثلاً این قدر کارگر، این قدر دانشجو، این قدر مثلاً فلان، اینقدر بروکرات، خیلی جالب و بعد گفته بود، وقتی که استالین اومد چه جوری یه هو درهای حزب رو باز کرد و بعد درصد داده بود که مثلاً چند درصد از کارهای درست و حسابی بولشویک در جریان مبارزه کشته شدند. در جریان انقلاب کشته شدند و چه کسانی جایش رو گرفتن و بعد اینا رو مثلاً روشن کرده بود که ریشه های بروز رویزیونیسم چه جوری از دوران خود استالین موجود،

۳۶ - منظور کتاب یاده شده "درباره مسئله استالین" است.

بوجود اومد، به دلیل شیوه های غلط و نه این که نقطه نظرهای مثلا رویزیونیستی ها، ولی شیوه های غلطی که در اداره حزب ...

**حمید اشرف:** ... یعنی استالین شرایط رو آماده کرد ...

**تقی شهرام:** ... آها، یعنی ریشه های تاریخی ...

**حمید اشرف:** ... ولی خودش انحراف نداشت ...

**تقی شهرام:** ... نداشت به اون معنا.

**حمید اشرف:** ... و داشت با قدرت جلو این انحرافات رو می گرفت ولی ...

**تقی شهرام:** ... آها، ولی به دلیل شرایط ...

**حمید اشرف:** ... علنا، که حزب به سمتی پیش رفت که این طوری شد ...

**تقی شهرام:** ... آها، یعنی تقریبا همون انتقادی که، چینی ها می کنن از یه طریقی، به هر حال یه تحلیلی داره اونجا، بعد این تروتسکیست ها اومدند، به قول معروف پدر صاحب بچه این یارو مقدمه چی رو در آوردند.

**حمید اشرف:** ... اهوم.

**تقی شهرام:** ... که مثلا، تو غلط کردی که مثلا این طوری برخورد می کنی! استالین این بوده، این بوده و فحشِ دیگه از اون هر چه نابدتر نبوده گفتن. یعنی مثلا به لحاظی برخوردِ فعال کردن، راجع به این قضیه یا، یعنی راجع به موضوعات روز موضع گرفتن. از این نظر می گم.

**حمید اشرف:** ... این کتابِ استالین و شما دارین؟

**تقی شهرام:** ... آره، براتون می فرستیم اگه ...

**حمید اشرف:** ... درباره استالین بودش ..

**تقی شهرام:** ... آره، می فرستیم براتون ... این و یادداشت کن [خطاب به جواد قاندى]

**حمید اشرف:** ... اگه تک نسخه ایه ما می تونیم ...

**تقی شهرام:** ... نه، تکثیر شده ...

**حمید اشرف:** ... ببریم ...

**تقی شهرام:** ... نه اتفاقاً ما جزو آموزش تکثیر کردیم، تکثیر شده هست.

**حمید اشرف:** ... یه دونه هم بدین، کافیه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... چیزش می کنیم، تکثیرش می کنیم.

**تقی شهرام:** ... کتاب خوبیه، از این نظر که جمع آوری شده، البته همه نظرات مقدمه چی اش نا مربوط ...، نویسنده مقدمه چیز نیست، درست نیست، ولی نظرات جالبی داره و جمع آوری اش هم خوبه، همه مقالات درباره استالین و توش جمع آوری کرده. ... خب به هر حال ...

**حمید اشرف:** ... در این رابطه الان، گروه های چینی هم در صدد هستند که یک نوع تشکلی بوجود بیارند ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... و همون طوری که می دونین، موضع شما رو هم در رابطه با سوسیال امپریالیسم<sup>۳۷</sup> با استقبال فراوان تلقی کردن.

**تقی شهرام:** ... آها! پس این سوالی که شما کردین در این رابطه بود؟!

**حمید اشرف:** ... آها، مسئله این هستش که ...

---

۳۷ - اشاره به تز سوسیال امپریالیسم اتحاد شوروی است که در کتاب "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک ..." از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد. یکی از گروه های طرفدار خط مشی چین، "سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" با همکاری مجید زربخش، بهمن نیرومند، پرویز نعمان و محمود بزرگمهر، که خود در سال ۱۳۵۰ از "کادرها" جدا شده و همچنان مائوئیست ماندند، از مواضع سازمان مجاهدین خلق پشتیبانی می کردند. آنها نشریه ای منتشر می کردند به نام: "مسائل انقلاب و سوسیالیزم". در شماره دوم این نشریه که در بهمن ماه ۱۳۵۵ منتشر شد، آنها از سازمان مجاهدین خلق ایران در مقاله ای با عنوان: "سازمان مجاهدین خلق و سمت گیری به سوی مبارزه طبقه کارگر" حمایت کردند. آنها کمی پس از انتشار کتاب "بیانیه اعلام مواضع ..." در اعلامیه ای آن را "یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی لنینیستی ایران" خواندند.



**تقی شهرام:** ... البته ما به هیچ وجه در این رابطه اون ها را نوشتیم ها! یعنی، چون اصلا ما اون موقع که این ها را نوشتیم، این جریانات هم نبود، چون این ها را ما در رویونیسم خروشچفی توی مقدمه نوشتیم، توی آذر پارسال<sup>۳۸</sup>.

**حمید اشرف:** ... خب، بعد این جریان ریشه تاریخی داره، یعنی مبارزات مائوئیست ها و جبهه ملی مربوط می شه به ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... چند سال پیش، چندین سال پیش ...  
**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... و یک سری آکسیون هایی هم، عملیات دفاعی هم، گروه های چینی در رابطه با این جریان اخیر اعدام ها<sup>۳۹</sup> گذاشتند و خیلی زیاد ...

**تقی شهرام:** ... یعنی، یعنی تایید ...

**حمید اشرف:** ... دفاع کردن، آره ...

**تقی شهرام:** ... از ما مثلا، ها؟ ...

**حمید اشرف:** ... آره، عملیات دفاعی کردن ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... و این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... امکان ورود به جریاناتی رو ...

**حمید اشرف:** ... این جریان رو داره پیش می برده ...

**تقی شهرام:** ... صحیح.

**حمید اشرف:** ... در حقیقت، یعنی، چینی ها که مخالف مشی مسلحانه هستند ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... الان یک راهی پیدا کردن برای ...

---

۳۸ - به زیر نویس ۲ از نوار چهارم مراجعه کنید.

۳۹ - اشاره به اعدام دسته جمعی ۹ مجاهد خلق در سوم بهمن ماه ۱۳۵۴ است که تقریباً همه نیروهای مخالف رژیم با فعالیت گسترده ای به مخالفت با این موج اعدام ها و کشتار چریک ها و مجاهدین در خارج از کشور پرداختند.

**تقی شهرام:** ... کوبیدن جبهه ای ها از طریق ما ...  
**حمید اشرف:** ... کوبیدن جبهه ای ها از طریق شما، و حمایت از شما به دلیل ضرورت یک وسیله ای درآمده، برای این که ضعف هاشون رو ...

**تقی شهرام:** ... بیوشون ...

**حمید اشرف:** ... بیوشون، و اون عدم تشکیلی رو که دارن ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... بیوشون.

**تقی شهرام:** ... متقابلا جبهه ای ها هم از شما یک جریانی ساختن برای ضربه زدن به اون مخالفین شون. همچنین جریانی می شه دیگه؟

**حمید اشرف:** ... یه همچین جریانی هم از این طرف هست! البته اینا موضع شون دفاع از جنبش!

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی، از موضع دفاع از جنبش مسلحانه با اونا برخورد می کنن.

**تقی شهرام:** ... صحیح، اون وقت اینا هم اگه مثلا بیان موضع جنبش مسلحانه بگیرن که عملا اون استراتژی شون نفی می شه! یعنی مثلا ...

**حمید اشرف:** ... این ها هم نمی آن این کار و بکنن ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... بلکه به شکل مشروط و ...

**تقی شهرام:** ... محدود ...

**حمید اشرف:** ... موقتی و محدود، به خاطر این که تمرکز خودشون رو از دست ندن ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... چون اینا، احتیاج دارن مثل آب و غذا به یک ...

**تقی شهرام:** ... جریان امکاناتی ...

**حمید اشرف:** ... جریاناتی، واسه این که چیز کنن ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... و بر اساسش تغذیه کنن و این ها!

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و اون ها هم یه همچین سمت هایی رو نشون می

دن، حالا آینده یه مقدار روشن تر می کنه این را، که به چه شکلی می

خواد در بیاد و تبعاً نقش ما هم در این رابطه ...

**تقی شهرام:** ... مشخص می شه.

**حمید اشرف:** ... تعیین کننده است.

**تقی شهرام:** ... آها! نظر شما چیه کلا؟ اون موضع، اون چیزی که

ما در کنفدراسیون فرستاده بودیم، یه موضع مشخصی بود. که

مثلاً ...

**حمید اشرف:** ... شما مسئله ای رو که طرح کرده بودین، وحدت

نیروهای کنفدراسیون رو طرح کرده بودین<sup>۴۰</sup> ...

**تقی شهرام:** ... نه، ما گفته بودیم که وحدت شما امکان نداره مگر

تعیین کنن ... از طریق داخل نیروها تعیین می کنند شما چه جوری

وحدت پیدا می کنین! نه ما نگفتیم بیان وحدت کنید، برا وحدت هر

کسی یه شعاری می ده.

**حمید اشرف:** ... حالا چرا برای ...

**تقی شهرام:** ... نه اصلاً مسئله را موکول کرده بودیم به مسائل

داخل، اتفاقاً من فکر می کنم حلقه اصلی مسائل خارج، همان طوری

که خودت گفتی به مسائل داخل بر می گرده! یعنی ما اینجا هر

موضوعی بگیریم به قول خودت تعیین کننده است. به همین دلیله که

مواضعی که در اینجا گرفته می شه، بلافاصله اونجا می تونه تاثیرات

خیلی زیادی بذاره. و گفته شده بود که بله، مسائلی که شما در اینجا

---

۴۰ - متن پیام سازمان مجاهدین خلق ایران (م. ل) به کنگره ۱۶ ام کنفدراسیون در

برخی منابع از جمله کتاب "کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

(اتحادیه ملی) از آغاز تا انشعاب" از حمید شوکت آمده است. همچنین نک به

زیرنویس ۲۶.

گرفت ... مطرح کردین و اختلافاتتون، ساده اندیشیه اگر ما بخوایم به این سادگی مثلا بگیریم خب ایشاالله حل می شه! خب فلان، بهمان، مگر این که بتونیم مسئله رو از بیخ قضیه یعنی جنبش داخل حل کنیم. این لب لَوَابِ اون به اصطلاح بیانیه بود، پیام بود. درسته؟  
**حمید اشرف:** ... والله این چیزی که من یادم هست، طرح مسئله واحده چیز هستش، کنفدراسیون هستش ...

**تقی شهرام:** ... نه، وحدت کنفدراسیون، گفتیم امکان پذیر نیست وحدت نیروها و حل اختلافات مگر این که نیروهای داخل مسائل شون حل و فصل بشه و این مسئله تعیین کننده بودن نیروهای داخل رو ...  
**حمید اشرف:** ... می دونین، صحبت بر سر این هستش که ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... جنبش داخل در حقیقت، در خارج از کشور، تضادی به اون شکل نداره! یعنی این نیروهایی که در خارج از کشور هستند، ما به ازای داخلی شون نیست.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و مثلا فرض کن، نمایندگان چینی در ایران مبارزه نمی کنند<sup>۴</sup> که اگر فرضا ما باهاشون در داخل رابطه داشته باشیم ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه ...

**حمید اشرف:** ... که ما به ازای خارجی این هم ...

**تقی شهرام:** ... اون که خب، معلومه. اون که اگر این طوری بود، مثلا دیگه اصلا قضیه ای نبود. مثل این، معنانش فرق می کرد با این

---

۴۱ - در آن زمان هسته کوچکی از اعضای "سازمان انقلابی حزب توده ایران" که از هواداران خط مشی چین بودند به رهبری پرویز واعظ زاده فعالیت می کردند. همچنین در آن زمان که هنوز ماهیت سیروس نهاوندی که رهبری گروه کوچک "سازمان آزادیبخش خلق های ایران" را داشت، بر ملا نشده بود در ایران فعال بودند و در اوایل فعالیتشان، سچفا با آنان ارتباط داشت و رفیق اشرف کمی پیشتر به عجله کردن در ارتباط گیری با آنها در همین گفتگو ها اشاره می کند. به زیر نویس ۲۸-۲۹ مراجعه شود.

که مثلا روابطِ الآن رفقای ما در خارج، دقیقا تابعی هست از روابطِ ما در داخل، مگه نه؟!

**حمید اشرف:** ... اتفاقا این دو ...

**تقی شهرام:** ... مثل ما و شما. ولی در مورد اونا باز قضیه هم به یه شکلی به موضع گیری نیروهای مختلف نسبت به همدیگه و متقابلا، طبیعتا نسبت به رژیم، چون اینجا باز یه رابطه بوجود می آد. اینا می خوان نسبت به رژیم موضع بگیرن، وقتی که ما بتونیم نیروهای داخل [را] - درسته که اونا ما به ازای نیروهای داخلی به اون شکل ندارن ولی به هر حال - [اگر] سمت موضع گیری نسبت به رژیم رویه سمت در واقع مشخصی و تثبیت شده ای دربیاریم، متوجه ای؟! اونا به هر حال تعادل نیروهاشون به اون سمتی که ما می خوایم هدایتش می کنیم بر می گرده، نمی دونم ...

## فایل ۱۰

این نوار، ۴۵ دقیقه و ۴۱ ثانیه است.

**تقی شهرام:** ... اون هائیکه نسبت به رژیم می گیرند، ما هم این وسط پایمون به میون کشیده می شه. و اینجا طبیعتاً موضع ای که ما می گیریم مجموعاً نسبت به خودمان و در نتیجه نسبت به رژیم، اون ها را وادار به یه حرکتی می کنه. این بحثی که اونجا شده، از این دریچه است. حالا، تو حرفت و ادامه بده راجع به مسئله چیز، مسئله خطراتی که داره این ها ...

**حمید اشرف:** ... این به هر حال یک جریانی که داره شکل می گیره، این جریان به این صورته، ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و من فکر میکنم که در رابطه با همین اختلافاتی که رفقای شما در خارج ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... با جبهه ای ها پیدا کردن، که من نمی دونم عملاً سر چیهست؟

**تقی شهرام:** ... این عملاً، سر، در واقع ما و شماست، اصلاً ...

**حمید اشرف:** ... اختلاف، یعنی منشأ اختلاف ...

**تقی شهرام:** ... منشأ اختلاف ما و شما، یعنی اگر ما مسائلمان را حل کنیم اون ها اختلافی ندارند و نباید هم داشته باشند.

**حمید اشرف:** ... آها، این اختلافات از دیدگاه شما سر چه مسائلیه؟

**تقی شهرام:** ... ما، سر هیچ مسئله یی نیست، ما فکر می کنیم که در واقع ما اگر روابطمون با شما منظم باشه و مشخص باشه، چه اختلافی

می تونیم داشته باشیم. اونا چه کار، از ما چه انتظاری دارند، ما برایشان چه کار باید بکنیم. اونا اصلاً از ما چی می خوان؟

**جواد قانلی:** ... اختلاف ما و اون ها می دونید چیه رفیق؟!

**حمید اشرف:** ... به!

**جواد قاندى:** ... اختلاف ما و اون ها اينه كه اون ها مى خواهند استفاده كنند از شما و خودشون را به عنوان يك نيروى جنبش جا بزنند ...

**تقى شهرام:** ... آها.

**جواد قاندى:** ... و ما حداكثر حاضريم اين ها را به عنوان يك نيروى خارجى قبول كنيم.

**تقى شهرام:** ... آها!

**جواد قاندى:** ... يعنى عملا همون چيزى كه در مورد پيام ظفار<sup>۱</sup> شد. كه اين ها اسمشون اومد دنبال اسم ما ...

**تقى شهرام:** ... آها.

**جواد قاندى:** ... اصلا، در حالى كه يه همچون موضع اى ندارند.

**تقى شهرام:** ... ها، مى دونى، ها؟

**حميد اشرف:** ... يك مسئله هم هست. مسئله اين كه، اين ها، خود اين ها بودند كه اون جريان پيام را راه انداختند و در نتيجه ...

**تقى شهرام:** ... ما به هِشون يك پوئنى اين طورى داديم؟ يعنى ...

**حميد اشرف:** ... نه، اين ها عملا پاى اين كار بودند. چون اين ها كسانى هستند كه در روابط خارجى شناخته شده اند.

**تقى شهرام:** ... آخه، ببين، تع ...

**حميد اشرف:** ... به اين صورت كه به اصطلاح ...

**تقى شهرام:** ... آخه تو مى خواى به اين قضيه، يك مسئله هم هست، رسميت هم داريم مى ديم ما. يعنى اگر مورد و قبول كنيم،

---

۱ - اشاره به "اعلاميه مشترك" در همبستگى خلق هاى ايران و عمان است كه به تاريخ اول فوريه ۱۹۷۵، برابر با ۱۶ بهمن ۱۳۵۳ منتشر شد. اين اعلاميه در پايان به ترتيب به امضاى، سازمان چريك هاى فدايى خلق ايران، سازمان مجاهدين خلق ايران و سازمان هاى جبهه ملي ايران رسيده است. متن اين "اعلاميه مشترك" در نشرية باختر امروز شماره ۶۳، نيمه دوم بهمن ماه ۱۳۵۳ نيز منتشر شده است. در بالای اعلاميه تنها آرم سچفا وجود دارد.

اجبارا باید دنبالشون هم حرکت کنیم. مثلا اختلاف رفقای ما، حالا این رفیق توضیح داد، من متوجه شدم. اختلاف رفقا ما با این ها اینه که این ها می خوان، در همون حدی که هستند، این ها را قبول کنند، در حالی که اون ها با اتکا به این که شما برایشان یک حق فوق العاده ای قائل هستید از ما می خوان که همون حق فوق العاده را برایشان قائل بشیم و به اصطلاح نمایندگی خودمان را هم بدیم به اون ها. بچه های ما این کار و نمی کنند. اون ها با این، به این ترتیب با ما در واقع اختلاف پیدا می کنند.

**حمید اشرف:** ... خب، در این مورد چه مسائل عملی ای درست کرده؟

**تقی شهرام:** ... نمی دونم، از چه نظر؟ ...

**جواد قانلی:** ... مثلا یکی از اختلافات، مسئله عملی اش این بود که در جریان رادیو که البته الان منتفی شده، سه پا قرار بود باشه، یک پا جبهه، یک پای ما، یک پای شما! بچه های ما میگفتند نه، فقط ماییم و رفقای فدایی، اصلا جبهه هیچ کاره است در این وسط ...

**تقی شهرام:** ... جبهه بیاد کار کنه ولی، موضع داخلی نداره، یعنی منطقی هم نیست ...

**جواد قانلی:** ... البته الان حل شده و همون دو پا ...

**تقی شهرام:** ... یعنی قبول کردن مثل این که، چون منطقی هم این طوری بوده، حالا این مسائل را واقعا می گم، اگر ما با هم حل کنیم، مسائل جبهه ای ها هم برای شما قابل حل و هم برای ما و کلا به نفع جنبشه. یعنی ما اینجا، شما اگه موضوعتون مشخص باشه، چون

---

۲ - پس از معاهده ششم مارچ ۱۹۷۵، ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ بین دولت های ایران و عراق، الحاقیه این معاهده نیز در ۲۳ خرداد ۱۳۵۴، امضا و لازم الاجرا شد. علاوه بر اختلافات مرزی و غیره، اپوزیسیون ایرانی در عراق و اپوزیسیون عراق در ایران، حق هیچ گونه فعالیتی علیه دولت طرفین نداشته و در نتیجه علاوه بر عدم حضور فعالانه در آن کشور، همه امکانات تبلیغاتی مانند مطبوعات و رادیو نیز از آنها گرفته می شد.

[http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%87%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87\\_%DB%B1%DB%B9%DB%B7%DB%B5\\_%D8%A7%D9%84%D8%AC%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B1](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%87%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87_%DB%B1%DB%B9%DB%B7%DB%B5_%D8%A7%D9%84%D8%AC%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B1)



اون ها گاهی، یعنی در واقع شما را محمل اختلاف می کنند. می دونی؟ یعنی می گن آقا جون ببین، مثلا فدایی ها با ما چه جوری برخورد می کنند، همه کارهاشون اینجا دست ماست، ما نماینده تام الاختیارشون هستیم، شما در حالی که مثلا این کار را نمی کنید. اینه، فکر میکنم علت اختلاف، گویا اینه.

**حمید اشرف:** ... من می خواهم بدونم اختلافات عملی که دارند چی هستش؟!

**تقی شهرام:** ... اختلاف عملی؟ خب، حتما اختلاف نظری با اختلاف عملی ظاهر می شه دیگه. یعنی وقتی که این ها مثلا می خوان، مثلا می گم ها، این ها مثلا، از جریان اعلام مواضع ایدئولوژیک ما خوششان نیامده بود ولی عملا هم جراتش را ندارند که بگن خوشمون نیومده.

**جواد قاندى:** ... اصلا این ها انتظار داشتند که ما این پیام به کنفدراسیون را مستقیما بدیم به این ها. یعنی پیام مثلا به این ها باشه، یا این ها بخوانند از طرف ما.

**تقی شهرام:** ... مگه به این ها ندادند؟

**جواد قاندى:** ... نه، پیام را ما دادیم به کنفدراسیون، در حالی که این ها می خواستند که مثلا یا این ها به نمایندگی از طرف ما بخوانند این پیام را و یا ما مستقیما مثلا تایید کنیم موضع این ها را در رابطه با ...

**حمید اشرف:** ... اینا به نمایندگی بخوانند، یعنی چه جوری بخوانند؟

**جواد قاندى:** ... چه جوری دیگه نداره؟! پیام این، از طریق این ها داده بشه دیگه.

**حمید اشرف:** ... که پیام و یه نفر، نه دیگه فرق نداره ...

**تقی شهرام:** ... پیامی که مثلا ما می دیم کیا ...

**حمید اشرف:** ... پیام رسما به دفتر کنفدراسیون باید برسه دیگه ...

**تقی شهرام:** ... می رسه، حالا هم می رن می خونند دیگه ...

**جواد قاندى:** ... این جور هم نیست. یه همچین روابطی است که از طریق مثلا جبهه ای ها این پیام بره یا خودمون مستقیما بدیم به کنفدراسیون ...

**حمید اشرف:** ... کنفدراسیون می دونین چیه؟! ...

**تقی شهرام:** ... کنفدراسیون الان ...

**حمید اشرف:** ... کنفدراسیون منوئل دست جبهه ای ها است<sup>۲</sup>. یعنی این دبیران کنفدراسیون در حقیقت رهبران جبهه اند. یعنی هیئت دبیران کنفدراسیون و مسئولین واحد های شهری کنفدراسیون اکثرا از جبهه اند، بخصوص اون هایی که این کنفدراسیون، کنگره را تشکیل داده اند.

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... بنابراین فرقی نمیکنه، یعنی عملا همون عناصری که هستند ...

**تقی شهرام:** ... حالا پس این اختلاف چی بوده، به طور عملی چیا بوده؟ تو می دونی؟

**جواد قاندى:** ... به طور عملی، یکیش مثلا این مورد بوده، این ها میخواستند، انتظار داشتند که ما تایید کنیم این موضع را ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**جواد قاندى:** ... موضع همین انشعاب در کنفدراسیون را و تایید کنیم موضع جبهه ملی را.

**تقی شهرام:** ... هوم.

**جواد قاندى:** ... ما گفتیم، مسئله وحدت را مطرح کردیم و به اون شکلش که ما به اون شکل داخلی ... یا مثلا این مسئله رادیو بوده یا مسائل دیگه ای از این قبیل ...

---

۲ - این گفته کاملا با واقعیت مطابقت نداشت. حداقل در دهه ۱۳۵۰، دو جناح قوی "جبهه ملی" و "مائوئیست ها" در کنفدراسیون موجود بودند که رهبری کنفدراسیون بین آن دو تقسیم می شد. مثلا به نقل از افشین متین در صفحه ۲۶۸ کتاب "کنفدراسیون"، در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) همه هیئت دبیران از جناح مائوئیستی کنفدراسیون انتخاب شدند و پس از آن نیز هر ساله رهبری کنفدراسیون بین این دو تقسیم می شد.

**حمید اشرف:** ... همین! مسائل به چه اشکالی بروز کرده؟ اون ها چه، چه میخواستند بکنند؟ رفقا چه نظراتی داشتند؟

**جواد قاندى:** ... مسئله رادیو را مثلا ما مطرح کردیم که! یا در مثلا مورد لیبی، این طوری بوده که این ها پا شده بودند از طرف ما، مثلا خودشون با اون رفیق شما، پا شده بودند رفته بودند لیبی و عمل هاوکینز را به نام خودشون جا زده بودند و یا مثلا فرار و مثلا ...

**حمید اشرف:** ... مال هاوکینز رو؟

**جواد قاندى:** ... بله. گفته بودند ما کردیم و از این صحبت ها، که حتی به ما نگفتند که ما رفتیم، بعدا یکی از رفقای ما مطرح کردند که خب، ما می خوایم بریم لیبی، پاشید بیاید با هم بریم اینا، این ها گفتند نه و فلان و این ها. بالاخره گفتند که بله، ما رفتیم و حالا هم اگر رادیویی بگیریم، خب شما هم یک پاش باشید، یعنی این طوری برخورد کرده بودند.

**تقی شهرام:** ... مثل اینکه خلاصه از این حرف ها زیاده اونجا، من فکر میکنم که این ها مسائلی ...

**جواد قاندى:** ... مدون هم هست اینا، این ها مدون چون نوشتن!

---

۴ - منظور رفیق شهید محمد حرمتی پور است.

۵ - سرهنگ لوییس لی هاوکینز، مشاور نظامی آمریکایی که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۲ توسط سازمان مجاهدین خلق ایران، "اعدام انقلابی" شد. در این مورد به اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۱۶ سازمان مجاهدین خلق ایران مراجعه شود.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin/edame-enghelabi/Etelaiyeh-16-mostasharan.pdf>

۶ - در این مورد به "ضمیمه ای بر مسائل حاد جنبش ما" ص ۵۹- به بعد نگاه کنید. / <http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Masaele-Had-Zamimeh.pdf>

**حمید اشرف:** ... اینا رو شما می تونید، اون رفیقی<sup>۷</sup> که به اصطلاح مشخص، تخصص داره در ارتباطات با خارج که بررسی میکنه ...  
**تقی شهرام:** ... بله، حتما باید بگیم، این بکنند.  
**حمید اشرف:** ... توصیه کنید که بنویسه این مسائل را و یک نسخه اش و به ما هم بده ...  
**تقی شهرام:** ... هوم!  
**حمید اشرف:** ... و چون ما در این رابطه برخورد خواهیم کرد ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.  
**حمید اشرف:** ... نسبت به این مسائل توجیه باشیم.  
**تقی شهرام:** ... باشه.

**حمید اشرف:** ... که دقیقا در رابطه با شما چه مسائلی هست و این و خارج از موضع گیری باید بشه، یعنی حقایقی که هست به صورت مشخص ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... چون یک مقدار موضع گیری است الان ...  
**تقی شهرام:** ... نه، آخه ما الان با اون ها منافع متضادی نداریم که موضع گیری داشته باشیم. ببین، ما کاری نداریم با اون ها، اون ها

---

۷ - منظور رفیق تراب حق شناس است، که در آن زمان مسئول روابط و ارتباطات خارجی سازمان بود. در این باره گزارش مفصلی تهیه و به داخل فرستاده شد. در صفحه ۶۲ جزوه ضمیمه ای بر "مسائل حاد جنبش ما"، کلیشه صفحه اول نشریه "الثوره" شماره یک به تاریخ تشرین اول (تقریبا مطابق با آبان ماه) ۱۹۷۳ آورده شده است که عکس سرهنگ لوییس هاوکینز در آن هست. در بالای صفحه نوشته شده که: "بوسیله سازمان های جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه منتشر می یابد!" در متن سرمقاله و در کنار عکس هاوکینز نوشته شده است که "بدین ترتیب، سازمان های جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه تعهد می کند که از این به بعد و به همین منظور، نقطه نظرات سازمان های انقلابی مان را به زبان عربی در صفحات ایران الثوره منعکس خواهیم کرد!" در اینجا تلویحا گفته می شود که سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریک های فدایی خلق ایران که تنها سازمان هایی هستند که نظراتشان در این نشریه درج می شود، از اعضای سازمان های جبهه ملی ایران، بخش خاورمیانه هستند. <http://peykar.info/PeykarArchive/>

به ما ضرب های نمی زنند، ما به اون ها ضربه ایی نمی زنیم. قضیه اینجاست که ما، اساسا من فکر می کنم، اگر ما با هم یک رابطه درستی داشته باشیم و واقعا این وسط جبهه ای ها از طرف شما نمایندگی نکنند، شما رو اونجا و ما اینجا بتونیم مسائلمان را حل کنیم و بعد چارچوب کارمون را هم معلوم کنیم رفقای ما و شما را، حالا هر شکلی، اصلا جبهه ای ها نمی تونند، حرفی ندارند، نباید هم بزنند. آخه اون ها یه آدم هایی هستند که می خواهند از جنبش حمایت کنند، خب بکنند، مگه ما مخالف حمایت هستیم، یعنی میتونیم اصلا مخالفت کنیم، از خدا می خواهیم. ولی گویا قضیه، به طوری که این رفیق می گه، همین که اینا مثلا همون انتظاری که توی جریان به اصطلاح برآورده میشه از طرف شما، چون مثل این که، این و من چند بار شنیدیم از طرف رفقای خارج. این ها انتظار دارند ما هم همون کار را بکنیم و این ها خلاصه ریش و قیچی دست خودشان باشه و هر جور دلشون می خواد، پیش ببرند و چون این نشده، گویا ...

**حمید اشرف:** ... اون وقت تا به حال چه چیزهایی را پیش بردن؟  
**تقی شهرام:** ... همین مسئله لیبی بوده مثل این که، دیگه چی بوده؟!

**حمید اشرف:** ... آره میدونم ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... چه کارهایی کردند؟

**تقی شهرام:** ... رفقای ما یا رفقای ...؟

**حمید اشرف:** ... آره .... آره در رابطه با جبهه ملی ...

**جواد قاندى:** ... در چه زمینهای، چه کارهایی کردند؟

**تقی شهرام:** ... این که کارهایی علیه ما کردن؟!

**حمید اشرف:** ... چه کارهایی علیه شما کردند؟

**جواد قاندى:** ... مثلا یکی از همین مسائل، مسئله اعلام اعدام همین آمریکایی ها بود که این و مثلا خیلی جالب بود این مسئله که این ها

تو "ایران الثورة"، عمل ساواک<sup>۸</sup> شما را توی صفحه اول نوشته بودند ...

**تقی شهرام:** ... عمل انفجار رو؟

**جواد قاندى:** ... بله، عمل انفجار، بعد مثلا عمل اعدام دو تا آمريکايی رو تو صفحه ۳ و ۴ نوشته بودند به اسم مثلا "قام الرفاق" يعنى "رفقای ما عمل کردند"، بدون اینکه اعلام کنند که این را کی عمل کرده، به این شکلش اعلام اش کردند.<sup>۹</sup>

**حمید اشرف:** ... "ایران الثورة" چیه؟

**جواد قاندى:** ... همین مجله عربی که خود همین جبهه ای ها در می آرند. ...

**تقی شهرام:** ... ها! همین، در واقع عربی باختر امروز میشه؟ ...

**جواد قاندى:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... آره؟

**جواد قاندى:** ... آره<sup>۱۰</sup>، یا مثلا فرض کنین ...

---

۸ - اشاره به عملیات حمله و تخریب دو پایگاه ساواک در تهران در ۲۷ اسفند ۱۳۵۲ توسط سازمان چریک های فدایی خلق ایران است. اعلامیه آن در نشریه باختر امروز شماره ۶۴، اردیبهشت ۱۳۵۴ منتشر شده است. همچنین در نشریه شماره ۱۲ "ایران الثورة"، ارگان عربی زبان سازمان های جبهه ملی ایران در خاورمیانه، به تاریخ جولای ۱۳۷۵ در صفحه اول آمده است.

<http://peykarandesh.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-64.pdf>

۹ - شرح کامل این مسئله در کتاب ضمیمه ای بر "مسائل حاد جنبش ما" در صفحات ۶۱-۵۹ از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران در اردیبهشت ۱۳۵۶ آمده است.

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Masale-Had-Zamimeh.pdf>

۱۰ - نشریه "ایران الثورة" همان نسخه عربی نشریه باختر امروز نیست، اما هر دو از انتشارات سازمان های جبهه ملی خاورمیانه هستند. در بخشی از سرمقاله شماره اول آن به تاریخ اکتبر ۱۹۷۲، آمده است: "و ما به همین منظور، نقطه نظرات سازمان های انقلابی مان را به زبان عربی در صفحات ایران الثورة منعکس خواهیم کرد." همچنین در زیر عنوان این نشریه، آمده است که این نشریه توسط سازمان های جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه انتشار می یابد.

**تقی شهرام:** ... این برا ما فرستادن، هستش ...  
**جواد قائدی:** ... یا مسئله همین هاوکینز، که به اسم خودشون جا زده بودند تو لیبی، خودشون ...

**تقی شهرام:** ... بعدا لیبیایی ها گفتن، ها؟  
**جواد قائدی:** ... یک همچین کارهایی علیه ما کردن ...

**تقی شهرام:** ... و بعد مثل این که، یک جریان را رفقای ما می گفتند، من نمی دونم، من این و دیدم توی یکی از نامه های قدیمی خارج خوندم که گویا این ها حتی یه به اصطلاح سخن چینی هایی هم ما بین ما و شما اونجا می کنند، یعنی به هر حال، نمی دونم ها، گویا یک همچین جریانی هست که خلاصه اون ها<sup>۱۱</sup> هم اش می گفتند، بابا به این رفقای فدایی بگید که بابا ما با خودشون باید برخورد کنیم، ما میخوایم با خودشون و نظر خودشون، این جبهه ای ها پاشون و از روابط ما بکشند بیرون، این ها رو، زیاد من اطلاعی ندارم. حالا می شه از اون رفقای که بیشتر توی کارش هستند، ... این اقدامات همین قبیل دیگه، چیزی شبیه اینه ...

**جواد قائدی:** ... این تو رادیو مثلا کارشکنی کردند.  
**تقی شهرام:** ... اهوم، تو رادیو هم مثل این که ...  
**جواد قائدی:** ... و چون اون اوایل تو رادیوی قبلی، نه میهن پرستان ...

**حمید اشرف:** ... چه رادیویی؟

**جواد قائدی:** ... رفیق، آزادیخواهان بود، چیبود؟<sup>۱۲</sup> بعدش هم حتی رادیو میهن پرستان، رفقای شما به طور مستقیم نبودند دیگه یعنی رادیو به اسم جبهه ملی اصولا گرفته شد و ما. و این ها یک سری کارشکنی می کردند توی روابط ما با شما در خارج. یه زره خوندن مقالات و این ها، یا حتا مثلا خبرهایی که مربوط به ما بود، اون

---

۱۱ - منظور اعضای رابط سازمان مجاهدین خلق ایران در خاورمیانه هستند.  
۱۲ - رادیو "صدای انقلابیون ایران" که پیش از رادیو میهن پرستان و توسط اعضای جبهه ملی خاورمیانه و سازمان مجاهدین راه افتاده بود و در عراق قرار داشت. مدتی یکی از اعضای این جبهه گویندگی آن را بر عهده داشت، بعد رفیق مرتضی سید خاموشی از مجاهدین نیز به گویندگی در این رادیو اضافه شد.

کسیکه می‌خوند از همین جبهه ای‌ها بود و مثلا خبرهای ما را ناقص می‌خوند و یا بعضی از خبرها را نمی‌خوند. ( خنده افراد) این‌ها حتی نوارهایش هم موجوده که این‌ها این کارها را کرده‌اند. یه همون موقع شهادت رضا بود که مثلا خبرها را کامل نمی‌خوند. یه همچین روابطیه، یک همچین مسائلیه. که البته رفقای ما تمام حرفشون این‌که ما، اصلا جبهه ای‌ها مسئله نیستند ...

**تقی شهرام:** ... نه، ما با این‌ها کاری نداریم ...

**جواد قاندي:** ... ما با این‌ها کار نداریم. ما باید روابطمان با رفقای فدایی معلوم بشه و از این چیز بودند که جبهه ای‌ها می‌آن از طرف شما صحبت می‌کنند.

**حمید اشرف:** ... باشه باز این رو، اون رفقای که دست اندر کارند بنویسند<sup>۱۳</sup> ...

**تقی شهرام:** ... رفیق در این باره، برخورد مشترک یا عملی میتونیم بکنیم؟ چیه مسئله مثلا؟ از نظر، چیزی به نظر شما می‌رسه؟ یعنی برخورد با همین جریانات، با هم این‌که ما تو این وسط آلت دست نشیم به هر حال، یعنی قضیه اینه که این‌ها واقعا موظف اند از جنبش داخل به هر حال دفاع کنند و ...

**حمید اشرف:** ... خب این کار را که می‌کنند ...

**تقی شهرام:** ... و این تو این جریانات، ... ها؟ ...

**حمید اشرف:** ... مسئله این‌که در این رابطه چه موضع ایی اتخاذ می‌کنند؟ و با توجه به کاری که این‌ها می‌کنند ...

**تقی شهرام:** ... نه اون‌ها ...

**حمید اشرف:** ... از چارچوب نمی‌تونه خارج بشه ...

**تقی شهرام:** ... آخر یک مسئله است که وجه المصلحه قرار نندن ... و

**حمید اشرف:** ... وجه المصلحه هم در چه رابطه ایی؟

**تقی شهرام:** ... یعنی مثلا واقعا این طوری نشه که مثلا اون‌ها

---

۱۳ - در این باره گزارش مفصلی از سوی رفقا در خاورمیانه به تشکیلات داخل فرستاده شد.



بخوان ما رو شاخ کنند علیه شما! مثلا چینی ها<sup>۱۴</sup> ...  
**حمید اشرف:** ... این در صورتیه که ...  
**تقی شهرام:** ... چینی ها مثلا، آخه نمی شه این عملا، یعنی مثلا به  
طور غیر مستقیم و بعد مثلا از این یک سو استفاده هایی بشه، می  
بینی این ها خب به هر حال ...  
**حمید اشرف:** ... ولله، در این زمینه که، که چینی ها بخوان، من  
نمی دونم روابط شون با اونا ...  
**تقی شهرام:** ... ما، روابط با چینی، فکر نمی کنم روابطی داشته  
باشیم، من فکر نمی کنم ...  
**حمید اشرف:** ... البته این، به هر حال این چیزی که مشخص باید  
جلوش را گرفت این هستش که مسئله جنبش داخل در سطح  
خارج ...  
**تقی شهرام:** ... اهوم.  
**حمید اشرف:** ... به این شکل یعنی با این اختلافاتی که این ها  
دارند، بخصوص که اینا اختلافات ایدئولوژیک دارند ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... و ماهیت اختلافات ایدئولوژیکی شون هم گفتم و  
ضمنا چینی ها در رابطه با این اختلافات ایدئولوژیکی شون و جنبه  
ای اصولی که دارند و اختلاف شون با این ها، جنبش داخلی را می  
کویند ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... و این به ضرر جنبش داخل هست ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... به ضرر خط مشی مسلحانه هست. و یعنی به هر  
حال این جریان اوج بگیره این وسط ...  
**تقی شهرام:** ... بله.  
**حمید اشرف:** ... یک مقدار به حیثیت جنبش لطمه میخوره. و الان

---

۱۴ - منظور سازمان ها و گروه های متشکل و هوادار چین و اندیشه مائو تسه  
دونگ هستند.

هم یک مقدار خُرده بلواقع! ...

**تقی شهرام:** ... خبرهای جدید راجع به جنگ چینیا و این ها ندارید؟

**حمید اشرف:** ... خبرهای جدیدی نداریم. این ها کلا اون طور که تحلیل هم ما داریم ازشون، خیلی، چون گروه هایی روشنفکری که عمل نمی کنند، خیلی زود اختلاف بینشون پیدا میشه. ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یعنی خیلی زود تجزیه می شن. کافی هست یک کلمه با همدیگر اختلاف داشته باشند تا این که ...

**تقی شهرام:** ... یک سازمان دیگه تشکیل بدن!

**حمید اشرف:** ... یک سازمان دیگه تشکیل بدن. به خاطر همین اختلافات شون زیاده و بیشتر هم، همین موضع رهبری طلبی و ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... نمی دونم، منافع جناحی و ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این جور چیزها هم مطرحه در اونجاها و هر کدوم خلاصه دار و دسته یی برای خودشون درست کردن و ...  
**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... کار می کنند، نشریاتی دارند، آژیتاسیون هایی می دارند. فعلا در این رابطه مبارزه با جبهه ملی هم، تبلیغاتی بر علیه جنبش می کنند و این برای یک عده عناصر صادق هم، مورد پذیرش هست. و کلا اون هدفی که باید در خارج از کشور تعقیب بشه اینه که، یک جریان صادقانه و درست رهبری را در خارج داشته باشه ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... و نیروهای دیگه ایی که می خوان کمک دهنده باشند، هم خطوط فاصلشون مشخص باشه ...

**تقی شهرام:** ... این رهبری که تو داری می گی، عملا با کاری که شما دارید می کنید راجع به جبهه ای ها تناقص داره ها!

حمید اشرف: ... کاری که ما تا به حال با جبهه ای ها می کردیم به اصطلاح به صورت ...  
 تقی شهرام: ... خب!

حمید اشرف: ... استفاده از امکانات انتشاراتیشون بوده و ...  
 تقی شهرام: ... عملا اون ها هم از اسم و رسم و حیثیت ...  
 حمید اشرف: ... عملا اون ها همین کار را می کنند، واقعیت و شرح این مسئله این است که جنبش بتونه در خارج اونقدر قدرت و امکانات پیدا کنه که نیازی به این نیروها نداشته باشه ...  
 تقی شهرام: ... ما هم ...  
 حمید اشرف: ... این نیروها را ...  
 تقی شهرام: ... اهوم.

حمید اشرف: ... به طور مشخص در روابط مشخصی با هاشون قرار داریم<sup>۱۵</sup>. البته ما، این ها، مثلا مواضع ضد استالینی دارند ...  
 تقی شهرام: ... کی ها؟  
 حمید اشرف: ... جبهه ای ها ...  
 جواد قائدی: ... ضد مائویی دارند ...  
 حمید اشرف: ... موضع ضد مائویی دارند، ضد ...  
 تقی شهرام: ... شما قبول دارید این مواضعشون را ...  
 حمید اشرف: ... این مواضع شون را نمیتونیم قبول داشته باشیم  
 ما ...  
 تقی شهرام: ... اهوم.

حمید اشرف: ... و راجع به مسئله تحلیل شون از ایران از جامعه و تاریخ ایران، مبتنی بر اون جریان استبداد شرقیه<sup>۱۶</sup> ...

---

۱۵ - منظور رفیق اشرف از "روابط مشخص"، از دورانی است که اعضای گروه جبهه ملی بخش خاورمیانه با سچفا دوران تجانس را طی می کردند. برای اطلاعات بیشتر به ضمیمه "مسائل حاد جنبش ما" در آرشیو پیکار و نیز به سایت زیر مراجعه شود: <http://www.vahdatcommunisti.org>

۱۶ - گروه اتحاد کمونیستی، در جزوه ای که به سچفا داده بود، مناسبات طبقاتی در ایران را در مرحله پیشاسرمایه داری دانسته و معتقد بود که در ایران

**تقی شهرام:** ... اوووو، همون به اصطلاح تولید نظامات، تولید آسیایی و بعد هم استبداد شرقی و از این حرف ها؟  
**حمید اشرف:** ... نظامات آسیایی و ...  
**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... و که این ها و بعد نتیجه گیری های خیلی نادرست از این مسائل و توی این سه زمینه بطور مشخص اینا مواضع ایی که دارند، مواضع ایی است که نادرسته. موضع ضد استالینیستی شون نادرسته ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... موضع ضد مائوئی شون نادرسته. ضد سیاست خارجی چین، موضع نادرستی نیست. هیچ اشکالی هم نداره، هر چی حمله کنند ولی به اندیشه مائوتسه تنگ حمله کردن، کار نادرستیه<sup>۱۷</sup> ...

---

مراحل ۴ گانه تاریخ طبقات به شکل کلاسیک آن روی نداده است. آنها نوشته اند: "مناسبات تولیدی مسلط بر جامعه ما در اعصار کهن، به صورت عمده مناسباتی بوده است که ما آنها را تحت "شیوه تولید آسیایی" مقوله بندی می کنیم." پروسه تجانس ... "بهار ۱۳۵۶. آنها معتقد بودند که پس از کمون اولیه، تا به زمان آغاز دوره قاجاریه شیوه تولید آسیایی، شیوه تولید عمده و نظام مربوط به آن را به همراه داشته است و همچنین نوشته اند: "به طوری که در ۱۵۰-۱۰۰ سال اخیر می توان گفت که جامعه ایران هم از نظر شکل حکومت (نظام اجتماعی) و هم مناسبات تولیدی، جامعه ای بوده است که در آن مناسبات تولید فئودالی برجسته بوده است." (ص ۳۳) سچفا در جوابیه به آنها نوشته است که نظامات اجتماعی در ایران دقیقا مطابق کشورهای اروپایی تغییر کرده است. و "بر خلاف گفته رفقا فئودالیزم در ایران به استحکام و قدرت کامل هم رسیده است. فئودالیزم در ایران دارای یک عمر ۱۵۰۰ ساله است." (ص ۶۲)، به سایت بالا مراجعه کنید.

۱۷ - در نشریه نبرد خلق شماره ۲، در طی مقاله ای به نام "اندیشه مائوتسه دون و انقلاب ما" در صفحه ۳۹ این نشریه، سچفا، نوشته است: "اندیشه مائو چیزی به جز مارکسیسم-لنینیسم خلاق در معارضه با رویزونیسم جدید نیست." در صفحه ۴۱ می نویسد: "ما، مائوتسه دون را همچون یک مارکسیست-لنینیست کبیر می شناسیم که صداقت آمیخته به نبوغش او را به سخنگوی واقعی انقلاب چین تبدیل کرده است. اندیشه او بیان خلاق مارکسیسم - لنینیسم عصر ما است. اما ما برخلاف مدعیان یاد شده، [منظور سازمان انقلابی، توفان، کادرها و غیره

تقی شهرام: ... اهوم، ببینم، حالا یک جمله معترضه من می تونم اینجا بگم؟ راجع به همین مسئله سیاست خارجی چین؟ ...

**حمید اشرف:** ... آها!

تقی شهرام: ... این بحث، بحثمون جداست. یک بحث کلا سیاسی. شما کلا سیاست خارجی چین را، تحلیل تون چیه؟ یک انحراف می دونید؟ یعنی از به اصطلاح یک مشی پرولتری خارجش می دونین؟ از یک مشی کمونیستی خارجش میدونین؟

**حمید اشرف:** ... آره، در عرصه جهانی آره، ما سیاست چین رو در داخل تایید میکنیم کاملاً، در داخل کشور خودشون ...

تقی شهرام: ... می شه این دو تا از هم جدا باشند؟

**حمید اشرف:** ... این دو تا، در حقیقت بستگی داره به تحلیلی که این ها از مسئله دارند. ...

تقی شهرام: ... باشه.

**حمید اشرف:** ... این ها مبارزه بر علیه سوسیال امپریالیسم و ...

تقی شهرام: ... اصل قرار ...

**حمید اشرف:** ... ارجح قرار دادهاند.

تقی شهرام: ... خب، این تحلیل شون غلطه یا درسته؟

**حمید اشرف:** ... این تحلیل شون درست نیست. ببین به چه ارجح قرار دادند؟! آیا تضاد ...

تقی شهرام: ... به امپریالیسم آمریکا!

**حمید اشرف:** ... اون مهم نیست ...

تقی شهرام: ... هوم.

---

است[ عصاره اندیشه مائوتسه دون را درک کردیم."

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha\\_ta\\_1357-nabarde\\_khalgh\\_2.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha_ta_1357-nabarde_khalgh_2.pdf)

سازمان چریک های فدایی خلق ایران در آبان ۱۳۵۳، همچنین جزوه ای منتشر کرد با عنوان: "گرایش به راست در سیاست خارجی جمهوری خلق چین"، که در مورد عنوان این جزوه به بحث و بررسی پرداخته است. این نوشته منسوب به رفیق شهید حمید مومنی است.

[http://19bahman.net/letrature/Hamid-e\\_Momeni.htm](http://19bahman.net/letrature/Hamid-e_Momeni.htm)

**حمید اشرف:** ... مسئله خلقهاست ...

**تقی شهرام:** ... خلقهاست؟

**حمید اشرف:** ... مسئله جنبشهای آزادی بخشه ...

**تقی شهرام:** ... باشه، این تو همون کالبد می گنجه!

**حمید اشرف:** ... آیا جنبشهای آزادیبخش باید وجه المصلحه این مسئله قرار بگیرند؟

**تقی شهرام:** ... این تحلیل داره، یعنی شما اگر برید ببینید، در واقع تئوریسین چینی حزب کمونیست چین صحبت کنی، حتما یک تحلیل داره برای این موضوع. یعنی اون بی خودی نمی ذاره ظفار بره، یک تحلیل داره، تون اون می ده. واقعا اگر شما سیاست داخلیش رو تایید می کنید باید سیاست خارجیش را هم بکنید و نمی تونید این ها را جدا بکنید از هم، به هیچ وجه. اگر سیاست خارجی شون سیاست انحرافی و عدول از اصول مارکسیسم لنینیستی و کمونیستی می دونید، حتما سیاست داخلی اش هم، حتما انعکاس داره و یک سمتی به هر حال علیه منافع پرولتاریا داره! گر در داخل داری این سبک یه نفعی برا منافع پرولتاریا داره، حتما در سیاست خارجی اش هم سمت باز هم پرولتری داره.

**حمید اشرف:** ... خب ما یک مقدار هم فاکت هایی داریم، مثلا ...

**تقی شهرام:** ... نه، من می خوام ...

**حمید اشرف:** ... سیاست خارجی، ما چرا پیام چیزهای کلی بحث، کلی بکنیم. در این مورد ...

**تقی شهرام:** ... اتفاقا بحث های کلی مسئله را حل می کنه!

**حمید اشرف:** ... ها، در این مورد اگر بخواهیم پیام بگیم که اون ها، یا سیاست داخلی شون، به نظر من سیاست داخلی شون هم، ...

**تقی شهرام:** ... غلطه!

**حمید اشرف:** ... غلط نیست ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... به نظر من در داخل چین مبارزه یی در گیره. یعنی، مشی ریزیونستی در چین هم برای خودش طرفدارانی داره،

یه آشکالی از رویونیسم. کما اینکه مبارزاتی که الان در داخل چین هست و حذف شیائوپینگ<sup>۱۸</sup> و اینها بازتابی از این اختلافاته ...

**تقی شهرام:** ... ولی سیاست خارجی اش و این ها تقریباً بطور غالب مشخص و روشن، ها! یعنی اگر سیاست داخلی اش هم بطور غالب روشن و مشخصه، یعنی مبارزه معنی اش این نیست که در یک تعادل قرار گرفته نیروهای مختلف ...

**حمید اشرف:** ... ما به انحا می بینیم که، یک مدت شیائوپینگ در مرکز قرار می گیره ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و یک مدت دیگه مورد حمله. و این نشون دهنده تضادهاییهست که این تضادها هم در داخل، منعکس، و بخصوص این به اصطلاح رهبری منحرفی که سیاست جدید خارجی چین را برعلیه یک سری از جنبشهای آزادیبخش پیاده کرده.

**تقی شهرام:** ... آخه، دقیقاً در رابطه است با نزدیکی اش با آمریکا و این که تضاد اصلیش را با شوروی می بینه!

**حمید اشرف:** ... بله، یعنی این تحلیلی که این ها دارند از مسئله که حاضرند با آمریکا ...

**تقی شهرام:** ... خب این دقیقاً، همون خط مشی مائو ...

**حمید اشرف:** ... سازش کنند ... برای مبارزه با شوروی در اینجا، این جریان به زیان جنبشهای به اصطلاح آزادی ...

---

۱۸ - - دنگ شیائوپینگ Deng Xiaoping، از رهبران اصلاح طلب چین در دوران مائو که پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۹۶۶ از تمام مقامات حزبی کنار گذارده و در سال ۱۹۶۹ به چهار سال کارگری در یک کارخانه فرستاده شد. در اواخر سال ۱۹۷۵ (اواسط ۱۳۵۴) که این گفتگو ها کمی پس از آن صورت می گیرد، شیائوپینگ دوباره به مقام های بالای حزبی ارتقا می یابد، اما همواره مورد مخالفت مائو و جناح چپ حزب قرار داشت. در اوایل سال ۱۹۷۶ از او می خواهند که از خودش انتقاد کتبی کند. او پس از مرگ مائو بدون داشتن سمت رسمی حزبی، از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲، رهبری چین را اداره می کند و درهای چین را بر سرمایه داری می گشاید.

[http://en.wikipedia.org/wiki/Deng\\_Xiaoping](http://en.wikipedia.org/wiki/Deng_Xiaoping)

**تقی شهرام:** ... به زیان که هست! فقط تحلیلشون چیه؟ این که معلومه. به زیان ماست. تحلیل شون چیه؟ اون و حالا بذاریم به بحث، بگذریم ارزش، چون ...

**حمید اشرف:** ... ما در رابطه با مسئله خودمون که قرار و این جا بررسی می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... آره این به ضرر ماست، آره این معلومه ...

**حمید اشرف:** ... این هم هست که این ها تحلیل هایی دارند ...  
**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... و تحلیل هاشون رو هم باید بررسی کرد.

**تقی شهرام:** ... بررسی کرد. یعنی این است. به ضرر ما است، عملاً داریم می بینیم.

**حمید اشرف:** ... یعنی ما الان به هیچ وجه نمی تونیم سیاست خارجی چین را در رابطه با رژیم ایران، مگر این که بیفتیم به دام همون تحلیلی که ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... توفانی ها<sup>۱۹</sup> می دن.

**تقی شهرام:** ... چی می کند اون ها؟

**حمید اشرف:** ... می کند ...

**تقی شهرام:** ... چون با رژیم شوروی داره مبارزه می کنه ...

**حمید اشرف:** ... دو ابر قدرت مبارزه میکنه، مترقیه و چون ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... به نیروهای داخلی فشار می آره ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... ارتجاع ایه!<sup>۲۰</sup>

---

۱۹ - سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

۲۰ - "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان"، چنین تحلیلی ندارد و اساساً آنها همواره ستایش گر جمهوری خلق چین در همه زمینه ها بوده اند. به عنوان مثال در ماهنامه توفان شماره ۸۵ که در شهریور ۱۳۵۲ در خارج از کشور منتشر شده است در مقاله ای با عنوان؛ "نیرومند باد جمهوری توده ای چین" به ستایش این



**تقی شهرام:** ... خب، صحبت تون سر این بودش که، قضیه در واقع همین نیروهای خارج بود و بحث راجع به توفانی ها و این ها ...  
**جواد قائدی:** ... یک تذکری بدم که فکر کنم این بحث راجع به خارج و که بحث کنیم که بعدا باید در موردش، فکر کنم، صحبت کنیم، اینه که بحث مسئله ما در مورد جبهه ای ها، این نیست که جبهه ای ها بخوانند خودشون رو به عنوان یک نیرو جا بزنند، بلکه در عین حال و مهمتر اینه که رفقای فدایی موضع شون ر، تایید می کنند. این مهمه واسه ما! یعنیهمون چیزی که شما گفتید، ما رو در یک مناسبات اصولی باهاشون قرار بگیریم، به نظر ما با خاطره توی خارج، این مسئله را نتونستند تا حالا اجرا کنند. و بطور مثال ...

**تقی شهرام:** ... خودشون می گند سیاستشون این نبوده، یعنی سیاستشون این بوده که واقعا این امتیاز را به اون ها بدن. چون اون ها هم متقابلا برای این ها واقعا مسائل را حل و فصل می کردن. یعنی اجبارا مجبور بودن که این امتیاز را بدن. حالا ممکن، از حالا به بعد، به دلیل اینکه مسئله به یه نسبتا سرفصل جدیدی رسیده، تغییراتی بوجود بیارند، هان؟ اینطور هست؟  
**حمید اشرف:** ... تقریبا!

**تقی شهرام:** ... اهوم، یعنی اجباری بوده دیگه، یعنی اجبارا تمام سازمانی، مجبور بودن که از این نیروها استفاده کنند و طبیعتا اون ها هم یک استفاده هم می کردن. ولی حالا که دیگه قضیه به یک جای تا حالا تعیین کننده یی رسیده، رفقا قصد دارند که موضع جدیدتری بگیرند. بله، می گفتین!  
**حمید اشرف:** ... حالا صحبتی من این جا ندارم ...

---

کشور و سیاست های داخلی و خارجی آن پرداخته اند. یا در ماهنامه شماره ۹۵، تیر ماه ۱۳۵۴ در مقاله ای با عنوان؛ "باران بارید و ترک ها هم رفت؟" در ارج گذاری از اندیشه مائو تسه دونگ و جمهوری خلق چین می نویسند.

<http://www.iran-archive.com/start/179>

**تقی شهرام:** ... خب، اون وقت این راجع به این مثلا موضع جدیدتر و این ها، و حتما نمی دونم حالا چکار عملی می تونه، چکار می تونیم بکنیم و این هم خودش قابل بحث.  
**حمید اشرف:** ... ما این کار را از مشخص کردن دقیق مواضع مون ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!  
**حمید اشرف:** ... در مورد مسائلی که این ها هم اونجا تبلیغ می کنند و جریان انحرافی از ... شروع خواهند کرد. و تا به حال هم کردیم. در نبرد خلق<sup>۲۱</sup> در مورد "مائو تسه تُنگ"، اندیشه مائو نظرمون را مشخص کردیم ...  
**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در مورد استالین، البته تا حالا ما موضع گیری نکردیم. چون مسئله جنبش ما هم نیست بلواقع. ولیکن اگر یه ضرورت باشه این کار را هم می کنیم. یعنی ...  
**تقی شهرام:** ... یه دونه جزوه می دونی، مسئله ای رو زیاد حل و فصل نمی کنه، یعنی وقتی شما به طور عملی اونجا روابط خودت را درست کردی ...

**حمید اشرف:** ... من فکر می کنم، چون این ها این مسائل برایشون مطرحه، این ها مواضع شون هست، یعنی مواضع ایدئولوژیکی شون.

**تقی شهرام:** ... آها! یعنی تبلیغ می کنند روی این ها، مثلا تبلیغات ضد استالینی واقعا می کنند این ها؟  
**حمید اشرف:** ... آره، شدید.

**تقی شهرام:** ... ها!  
**حمید اشرف:** ... تبلیغات ضد استالینی می کنند، ... تبلیغات ضد مائویی می کنند و اون وقت به شکل خیلی نادرست!  
**تقی شهرام:** ... صحیح!

---

۲۱ - نبرد خلق شماره ۲، فروردین ۱۳۵۲، به زیر نویس شماره ۱۷ مراجعه کنید.

**حمید اشرف:** ... مثلاً بر علیه مائو تسه تنگ مطلب مینویسند که این اندیشه اش دهقانیه، مثلاً ...

**تقی شهرام:** ... از اون حرف های ...

**حمید اشرف:** ... ایدئولوژی دهقانیه، یا این که چه! نمی دونم، ببین از این مواضع یک چیزی درآورده بودند، کتابی اخیراً درآورده اند. یک کتابی از مارکس را ترجمه کرده اند، راجع به همین مسئله شیوه های تولید ما قبل سرمایه داری<sup>۲۲</sup> ...

**تقی شهرام:** ... آها، شرایط تولید آسیایی ...

**حمید اشرف:** ... نه!

**تقی شهرام:** ... ما قبلش که عمدتاً برمی گرده به همین قضیه، هان؟  
**حمید اشرف:** ... برمی گرده به یک رشته، این ها یک مقدار نظریات پلورالیستی دارند در مورد تاریخ ...

**تقی شهرام:** ... آهان!

**حمید اشرف:** ... نظریه مونیستی تاریخ را قبول ندارند ...

**تقی شهرام:** ... صحیح، یعنی مثلاً چند عامل را نیروی محرکه می دوند، هان؟

**حمید اشرف:** ... رشد تک خطی تاریخ را ...

**تقی شهرام:** ... نه ندارند!

**حمید اشرف:** ... قبول ندارند. می گند اشکال مختلف رشد جوامع وجود داشته و این ها ...

---

۲۲ - اشاره به کتابی با نام "فرماسیون های اقتصادی ما قبل سرمایه داری" از کارل مارکس است که در سال ۱۳۵۲، توسط سازمان های جبهه ملی خاورمیانه ترجمه و منتشر شد. کل متن اصلی ۵۸ صفحه است، مترجم و ناشر کتاب ۱۷ صفحه نیز مقدمه بر آن نوشته اند. این کتابچه به صورت جداگانه در آثار مارکس وجود ندارد، بلکه بخشی از کتاب "گروندریسه، نقد اقتصاد سیاسی" است. مترجم کتاب، دکتر خسرو پارسا، که در آن زمان از مسئولین و نویسندگان سازمان های جبهه ملی در خاورمیانه بود این کتاب را مجدداً در سال ۱۳۸۱ توسط نشر "دیگر" در ایران با عنوان "صورتبندی های اقتصادی پیشاسرمایه داری" به چاپ رسانده است.

**تقی شهرام:** ... این یه، می دونی که یه مجموعه هم اصلا در اومده، دیدی؟ با اضافات و این هاست. کتاب خوبییه، تمام مقالات مربوط به این و جمع آوری کرده، دیدی اینو؟

**حمید اشرف:** ... کجا؟ ...

**تقی شهرام:** ... تو خارج چاپ شده.

**حمید اشرف:** ... نه این هم ندیدم.

**تقی شهرام:** ... اگر بخوای، می خوام برات بفرستیم. یعنی مجموعه مقالاتی که راجع به نظام تولید آسیایی هست، که به فارسی نوشته شده در مطبوعات خارج و داخل و از قدیم و این ها جمع آوری کرده، چیز خوبییه ...

**حمید اشرف:** ... برا کسی که برا خودش تحقیق کنه و ...

**تقی شهرام:** ... تحقیق بکنه و این ها بد نیست ...

**حمید اشرف:** ... نه، این و ما چیز نداریم. هیچ وقت اصراری نداشتیم و درست هم نمی دونیم با توجه به این که ...

**تقی شهرام:** ... مثل اینکه خُنْجی<sup>۳۳</sup> این ها هم از این دار و دسته بودند؟!

---

۲۲ - اشاره به دکتر محمد علی خنجی (۱۳۵۰-۱۳۰۴) است. او دارای دکترای اقتصاد از فرانسه و مدرس دانشگاه تهران بود. وی مدتی عضو حزب توده ایران شد. این فعالیت در زمان دانشجویی در دانشگاه تهران ادامه یافت. در سال ۱۳۲۶ از این حزب انشعاب کرد و به حزب زحمتکشان ملت ایران و خلیل ملکی و مظفر بقایی پیوست. در سال ۱۳۳۱، به گروه موسوم به نیروی سوم پیوست. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حزب سوسیالیست را بنیان نهاد. در سال ۱۳۴۰ در جبهه ملی دوم ادغام شد. او کارهای تحقیقاتی بسیاری در مورد روابط تولیدی آسیایی و پیشاسرمایه داری بویژه در ایران انجام داده است. از جمله: کتاب "نظام مالکیت متمرکز دیوانی" اثر دکتر محمدعلی خنجی است که در سال ۱۳۵۰ به اتمام رسید اما هیچگاه رسماً در پیش از انقلاب منتشر نشد. این کتاب به صورت دنباله دار در چند شماره از ماهنامه "اطلاعات سیاسی-اقتصادی" در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید.

[http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B9%D9%84%DB%8C\\_%D8%AE%D9%86%D8%AC%DB%8C](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%AE%D9%86%D8%AC%DB%8C)

**حمید اشرف:** ... بله، خنجی و این‌ها هم از همین‌دار و دسته بودند. خنجی و جبهه ملی اینجا و مُرد مثل این که.

**تقی شهرام:** ... آره، خب، می‌گفتند کشتنش، معلوم نیست ...

**جواد قائدی:** ... دکتر خنجی، جبهه ملی ...

**تقی شهرام:** ... تصادف کرد، خودکشی کرد، تصادف کرد؟!

**حمید اشرف:** ... مثل این که مُرد یا خودکشی کرد!

**تقی شهرام:** ... مثل اینکه خودکشی کرد و بعد گفتند مثلاً کشتنش. از این جریان‌ها، البته این‌ها مثلاً، این‌ها مثلاً دنباله همون مثلاً دکتر خنجی این‌ها رو مثلاً، تحقیق کارِ دکتر خنجی اینا رو می‌گیرند، ها؟

**حمید اشرف:** ... بله، این‌ها دنباله حرف‌های دکتر خنجی این‌ها را می‌گیرند، در عین حال، ...

**تقی شهرام:** ... صحیح، اون تاریخ ماد هم بود، مال ...

**حمید اشرف:** ... مال دیاکانوف<sup>۲۴</sup> ...

**تقی شهرام:** ... دیاکانوف، آها، اون‌ها در همین رابطه یک نقدی ازش کردن و خلاصه به اصطلاح اومدند گفتند که به شیوه به اصطلاح استالینی و دستوری، تاریخ را تحلیل کرده و در نظر نگرفته که ایران یک وضع خاصی داشته از نظر تولیدی و خواسته بچیونه این و تو قالب معمول و نمی‌دونم شاید این هم پس از طریق همون جبهه ای‌ها بوده، این نقد!<sup>۲۵</sup> ...

---

۲۴ - ایگور میخائیلوویچ دیاکانوف، (۱۹۱۵-۱۹۹۹) Igor Mikhailovich Diakonoff مولف کتاب "تاریخ ماد" است که توسط کریم کشاورز ترجمه شد و اولین بار ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۴۵ در تهران به چاپ رسید و تا کنون بارها تجدید چاپ شده‌است. اصل کتاب در سال ۱۹۵۶ در شوروی منتشر شده بود.

۲۵ - دکتر خنجی، در مقاله ای مفصل و جامع با عنوان "تاریخ ماد و منشاء نظریه دیاکانوف" را نخستین بار در ضمیمه مجله راهنمای کتاب منتشر کرد که بازتاب گسترده ای در جامعه روشنفکری ایران داشت. در مجله "نگین" شخصی با نام مستعار "ه- اسحق" که گمان می‌رود خود کریم کشاورز، مترجم کتاب بود، پاسخی برای آن نوشت. دکتر خنجی نیز طی مقاله دیگری نوشته ه- اسحق را به بحث گذاشت و برای مجله نگین فرستاد، اما متأسفانه آن مقاله به چاپ نرسید - احتمالاً ساواک مانع شده بود- و سال‌ها بعد و پس از انقلاب، این مقاله به همراه نقد اول و چند یادداشت کوتاه دیگر در سال ۱۳۵۷ توسط انتشاراتی طهوری منتشر شد. به

**حمید اشرف:** ... آره این نقد هم مال همونهاست، دقیقا! ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... به هر حال این مسائل هست، که باید بتدریج

برخورد متناسبش هم بشه و مواضع هم اولاً مشخص بشه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و در واقع ...

**تقی شهرام:** ... به هر حال، ما اگر به طور مشخص در این مورد

کاری از دستمون برمی آد، یا می تونیم به هر حال یک وظیفه عملی

بکنیم ...

**حمید اشرف:** ... نه، ما این کارها را طرح کردیم که شما نسبت به

این مسائل ...

**تقی شهرام:** ... باشیم!

**حمید اشرف:** ... آگاهی داشته باشید.

**تقی شهرام:** ... باشه، ... بسیار خوب ... بله.

**حمید اشرف:** ... اشکال این نیروهای<sup>۳۶</sup> هم که الان مطرح می

کنید، که ما تا به حال بی خبر بودیم که مثلاً عملیات هاوکنیز را

مطرح کردید، و این ها شیوه‌های نیست که مورد تایید ما باشه! ...

**تقی شهرام:** ... خب، معلومه، به هر حال این کار را کردند دیگه،

می کنند مثلاً ...

**حمید اشرف:** ... یعنی ما ممکن که چنین مسئله ای رو مطرحش

نکنیم.

**تقی شهرام:** ... البته به نام شما تمام می شه ها، این و بهتون بگم.

ما از چشم شما می دیدیم، تا همین الان که این قضایا هست،

خیلی، یعنی این هم از همون نکاتی که اضافه می شه، یعنی ما این

---

نقل از مقدمه دکتر ایرج وامقی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۳.

این نقد اساساً از سوی سازمان های جبهه ملی خاورمیانه که احتمالاً رفیق تقی

شهرام به آن اشاره می کند، نبوده است.

۲۶ - اشاره به سازمان های جبهه ملی خاورمیانه است.

و از چشم شما میدیدیم. چون به هر حال شما را با اون ها یکی می دیدیم و عملا هم این طوری بود و با تایید شما می دیدیم.

**حمید اشرف:** ... بله، ولی باز این و می خوایم که چیز بکنیم، بنویسین همه این مسائل رو ...

**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... و ما توضیح میخوایم از شون در این رابطه ...

**تقی شهرام:** ... باشه.

**حمید اشرف:** ... و مشخصا این انتقاد را هم می کنیم.

**تقی شهرام:** ... البته من معتقدم این انتقاد، چون شما اگر اونجا نمی دونم حالا، چه جور کادر مناسبی داشته باشید، از نظر اینکه بتونه انتقاداتون رو ببره جلو و پی جویی کنه و بره جلو. شاید نتایج عملی بده ولی به این شکل که مثلا بنویسید و این ها، اون ها هم ممکن بعد برن به هر حال یک توجیهاتی براش بتراشند ولی بطور مشخص ما بتونیم در جریان قرار بدیم. مثلا همون چی بود؟ "ایران الثورة"<sup>۲۷</sup> بود؟ مثل این که اون هستش اصلا! ما مثلا براتون بفرستیم، ببینید، مثلا. عرضم به حضورتون که این ها را به طور عینی بهتون نشون بدیم.

**حمید اشرف:** ... البته یه انتقاداتی هم این ها داشتند.

**تقی شهرام:** ... حتما دارند، بله.

**حمید اشرف:** ... در رابطه با رفقای مجاهد در همون جریانات رادیو میهن پرستان و ...

**تقی شهرام:** ... بله دیگه!

**حمید اشرف:** ... اون جا یک سری تضادهایی بود، از همون موقع هم بود.

**تقی شهرام:** ... بله.

---

۲۷ - اشاره به نشریه شماره ۱۲ "ایران الثورة"، ارگان عربی زبان سازمان های جبهه ملی ایران در خاورمیانه، جولای ۱۹۷۵ است. برای اطلاعات بیشتر به زیرنویس شماره ۱۰ از همین نوار مراجعه کنید.

**حمید اشرف:** ... و رفقا هم برخوردار، برخوردارهای چیز داشتند. یعنی، تضادهایی بود و برخوردارهای نادرست دوطرفه بود در یک دوره‌های ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... در اون دوره که رادیو میهن پرستان وجود داشت.

**تقی شهرام:** ... حالا من ...

**حمید اشرف:** ... در اون دوره، رفقای مجاهد نزدیکتر هم بودند به این جبهه ای ها و عملاً یک مقدار، مثلاً همین رفیق کمال<sup>۲۸</sup> که در اونجا بود، عملاً خیلی روابط نزدیک بود ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... با افراد جبهه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... یک مقدار مسائل شون را با هم حل می کردند.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... منتها بعدها چون این ها گروههای مارکسیستی بودند، در رابطه با حضور ما در اونجا به سمت ما جذب شدند.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و ...

**تقی شهرام:** ... البته اینها تحلیل شون یک چیز دیگه بود، البته من حالا با اون کاری ندارم، این ها می گفتند، چون که رفقا با تمایلات اون ها سازش کردند، این ها به سمت اون ها جذب شدند ولی ما چون باشون سازش نکردیم و خواستیم برخوردار اصولی بکنیم ...

**حمید اشرف:** ... نه آخه، می دونی ...

**تقی شهرام:** ... اگه، اصلاً حرف اون ها رو قبول، الآن نداریم ما ...

**حمید اشرف:** ... برخوردار اصولی ...

---

۲۸ - اشاره به رفیق حسین احمدی روحانی با نام مستعار کمال است که در زمان اداره رادیو میهن پرستان در سال ۵۳-۱۳۵۱ مسئول تشکیلات خارج از کشور سازمان مجاهدین خلق ایران بود. در زمان این گفتگوها رفیق کمال به ایران بازگشته بود.



**تقی شهرام:** ... توی برخوردار اصولی، اون ها می خواستند از دیدگاه داخل ببینند و اون جریان، ما هم بهشون گفتیم، نه آقا جون این طوری نیست. شما اصلا نقطه نظرتون نسبت به برخوردار با گروه ها غلطه، ما فعلا می تونیم جای شما، مسئله شون از جای دیگه خرابه، نمی تونیم اصلا باهاتون برخوردار کنیم. چون اصلا نقطه نظر نداشتند این ها. این ها می خواستند، با چه نقطه نظری برخوردار کنند با گروه ها. با نقطه نظر مذهبی که نمی شه برخوردار کرد با یک گروه مارکسیستی، اصلا نمی شه باهاش برخوردار کرد.

**حمید اشرف:** ... همینه، یعنی در همین رابطه هم برخوردار می کردند و تضادهایی هم که پیش می اومد و ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این ها در همین رابطه بود.

**تقی شهرام:** ... همین رابطه بود، بله، می دونم، دقیقا همین بود.  
**جواد قانّدی:** ... این و اصلا من فکر نمی کنم. در رابطه با آوانس هایی که شما به هشون دادید، طرف شما جذب شدند.

**حمید اشرف:** ... ما آوانسی به این ها ندادیم ...

**جواد قانّدی:** ... چرا خیلی هم آوانس دادید، حالا می گم، اینجا جای بحثش نیست. به موقع اش ...

**تقی شهرام:** ... خب اگه لازم بگو ...

**حمید اشرف:** ... این جنبه ها رو هم اگه می دونید بگید، ببینیم ...

**تقی شهرام:** ... مطرح کن، مسئله ای نیست ...

**جواد قانّدی:** ... می تونیم بنویسیم، اگه بخوایم من الآن یادم، می تونم بگم ...

**حمید اشرف:** ... باز جنبه های برجسته اش رو می تونی طرح کنی ...

**جواد قانّدی:** ... مثلا تو همون بحثی که در مورد رادیو بود و رفقای ما مطرح می کردند که خب ما دو تا نیرو هستیم، نیروهای داخل. و

ما باید برخورد کنیم، عملاً رفیق فدایی<sup>۲۹</sup> موضعی داشت و حتی به رفیق ما گفته بود که اونجا شما جر زدید<sup>۳۰</sup> و از این صحبت ها و عملاً جلسه رو به بن بست کشوند. رفیق فدایی جلسه رو به بن بست کشوند. چون که "جبهه ای"<sup>۳۱</sup> که حرفی نداشت اصلاً بزنه! و رفیق فدایی بود که این موضع را نمی پذیرفت و حتی موکول کرد به پرسش از داخل ...

**حمید اشرف:** ... سر چی؟ همون که سه تا چیز باشه؟ ...  
**جواد قائدی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... که ما می گفتیم، ما دو نیرویم ...  
**جواد قائدی:** ... دو نیرو هستیم، چون جبهه که ...  
**تقی شهرام:** ... این می دونی قضیه چی می شه؟ خیلی هم مشخص بود از نظر منافع گروهی ما. چون مثلاً در اونجا حتماً، چون اونا و شما در واقع یه، متحد بودین دیگه، ولی در عین حال دو تا به قول معروف پا داشتن و ما یه پا داشتیم. یعنی به قول معروف حساب باز ایش اینه! یعنی حتی اونجا دعواشون می شده دیگه! ...  
بله ...

**حمید اشرف:** ... حالا این رفقای خارج بالاخره ...

**تقی شهرام:** ... حل شد مسائلشون، حل شد.

**حمید اشرف:** ... حل شد؟

**تقی شهرام:** ... حل شد، آره حل شد. .... بار خیلی واقعاً بزرگی بود، پدرمون در اومد. یعنی واقعاً ما خیلی پیش از این ها انتظار داشتیم. هی، به طور ۹۰٪ حل شد، یعنی به طور ۹۹٪ رهبریشون حل شد. حالا این عناصری که دم دستاشون هست، این ها رو آموزش شنون رو چکار کنند؟! خراب کاری های که این ها بوجود آوردند چه جوری حل کنند؟! این ها ...

---

۲۹ - اشاره به رفیق شهید محمد حرمتی پور است.

۳۰ - اختلافاتی درباره گرفتن ایستگاه رادیویی از کشور لیبی که موجب این تلخی های میان دو سازمان نیز شد. در این باره به زیر نویس شماره ۲ هم مراجعه کنید.

۳۱ - منظور، سازمان جبهه ملی شعبه خاورمیانه است.

**حمید اشرف:** ... این خرابکاری ها در چه زمینه های بوده؟  
**تقی شهرام:** ... از نظر آموزشی، از نظر این که واقعا، می دونی اصلا، کار اصلا انعطاف پیدا کرده اصلا، آموزش ندیده، مثلا فرستادنش توی پایگاه شش ماه اصلا باهاش تماس نگرفته اند، اصلا اونجا، به اصطلاح داره کار نظامی می کنه. عملا نه کار نظامی کرده نه کار سیاسی! عقبه از جریان ها<sup>۳۲</sup>. عرضم به حضورتون که خیلی زیاده. انتقادات وارد خیلی زیاد هست به هشون. این آثارش هنوز هست، اما خب از نظر رهبریش رو ما حل کردیم. یعنی عناصر رهبری اونجا الان عناصر مطمئنی هستند<sup>۳۳</sup> ولیخب همه عناصری که زیر دستن و یک مقدار هم اصلا، همین از، از این قبیل عضوگیری ها کردن، متراکم کردن سازمان، پر کردنش از این تیپ هایباز این قبیل فرض کنید. مثلا مثل "رضا رئیسی"<sup>۳۴</sup> و این و از این قبیل آدم ها و عملا به هیچ کدومش نرسیدن، همین، خیلی کارها، خیلی. مثلا رادیو رو باور کنید ما پدرمون در می اومد، این ها مثلا چرت و پرت می گفتند، نمی دونم خیلی چیزها خیلی. مثلا ما در

---

۳۲ - منظور آموزش نظامی در پایگاه نظامی فلسطینی ها در عراق است که شماری آموزش دیدند و اغلب از اعضای سازمان مجاهدین بودند، اما تعدادی افراد غیر عضو هم در آنجا آموزش دیده اند. احتمالا اشاره رفیق شهرام به این افراد است. به گفته تراب حق شناس اظهار نظر رفیق شهرام مبنی بر اطلاعات ناقصی بوده که داشته و موضعگیری وی در این باره با واقعیت منطبق نیست.

۳۳ - اشاره به فرستاده شدن رفیق سپاسی آشتیانی و سپس محمد یزدانیان به پایگاه های سازمان در خاورمیانه در پاییز ۱۳۵۳ است. رفیق سپاسی آشتیانی تا بهار ۱۳۵۶ که به ایران بازگشت، مسئول اصلی سازمان در خارج کشور بود. با آمدن وی به خارج تغییر و تحول بسیاری در رهبری و هدایت اعضا در آن پایگاه ها انجام گرفت.

۳۴ - دکتر رضا رئیسی طوسی (- ۱۳۱۵) فارغ التحصیل علوم سیاسی و استاد سابق دانشگاه تهران، که در پیش از شهریور ۱۳۵۰ از سمپات های سازمان مجاهدین بود و در پیش از ضربه سال ۱۳۵۰ به انگلستان برای ادامه تحصیل رفت. حسین احمدی روحانی در اوایل دهه ۱۳۵۰ او را به عضویت سازمان جذب کرد و در سال ۱۳۵۲ با خواهر همسر او ازدواج کرد. رضا رئیس طوسی پیش از پیوستن به مجاهدین از اعضای نهضت آزادی ایران بود. پس از تغییر ایدئولوژی در سازمان مجاهدین به همراه حسین باقر زاده کرمانی از سازمان مجاهدین خلق ایران جدا شدند.

مواردی که سازمان مارکسیستی شده بود، این ها بر داشته بودند مثلاً، داخل البته، این ها برداشته بودند مثلاً اون اعلامیه موضع گیری علیه رژیم<sup>۲</sup>، نیست که مال سال ۵۱ [۱۳] و اون حدودها، این ها برداشته بودند چاپ کرده بودند، چیز ۵۴ [۱۳] در آورده بودنش، یک کارهایی از این قبیل. خیلیهست، از این موارد زیاده، خیلیو ما واقعا این انرژی که بتونیم با این ها اون جا برخورد کنیم، نداشتیم. به هر حال، این هم مسائل، به هر حال شما خیلیراحتید اون جا، آدم ندارید. چون آدم داشتن اونجا خودش کلیمسئله داره، خیلیزیاد، حل مسائل اش ...

**حمید اشرف:** ... خارج از کشور همان طور که می گید، یعنیافراد رشد نمی کنند ...

**تقی شهرام:** ... رشد نمی کنند، سقوط می کنند. از نظر مثلاً فرض کنید که روحیه انقلابی. یعنیمثلاً طرف [چون] جو انقلابی نیست واقعا. بعد هم، ارتباطات به این سادگی ها نمیتونه فعال باشه. می دونیاگر واقعا عناصر، از یه طرف حیف آدم عناصر پر تحرک و درست و حسابیاش رو بذاره رهبری اون جا. واقعا این ها خب اینجا خیلیکارها می تونند بکنند. اونجا! به هر حال برای ما جبهه اصلیااین جاست. از یک طرف اگر عناصر، یه خرده عناصر، یک خرده پاشون مثلاً به قول معروف درجه دو، از این تیپ های بذاریم که یه مسائلی هم داشته باشند، بعد نمی تونند اونجا را عملاً هدایت کنند، خیلیخیلیمسئله زیاد داره به اندازه کافی. دو برابر کاری که می کنند انرژی می برند. مگر این که یه نیروی درست و حسابیرو بذاری اونجا و خب دندونش را هم بکنی از اینکه این جا کار کنه. بعدش هم حتما باید تبادل کار کرد. هر مدت، به مدت، این ها را آورد، بُرد. آخه این تناقض داره، با مسئله تجربیاتی که پیدا می کنند. این هاست مجموعاً، کم هم نیست، در عمل خیلی ...

---

۳۵ - احتمالاً، اشاره به اعلامیه سازمان مجاهدین "بیانیه سازمان مجاهدین خلق ایران در پاسخ به اتهامات اخیر رژیم"، که تاریخ مرداد ۱۳۵۲ داشت اما بسیار پیشتر از این تاریخ و توسط شهید رضا رضایی تهیه شده بود.

**حمید اشرف:** ... مثل این که رفقا در اون جا تعدادشون هم زیاده،  
یه مقدار ...

**تقی شهرام:** ... زیاد کردن. ما هم نوشتیم براشون بابا این ها را  
تصفیه کنید برن. کم و درست و حسابی جمع و جور کنید بشینید به  
طور مدون کار آموزشی کنید. تعدادشون زیاده، آره. بادکنک درست  
کرده بودن این ها دیگه. آموزش نمی دند، آدم را بر می دارند می  
آرند اونجا. اونجا هم که به قول معروف چیه، چیز حرف و باد دیگه،  
میان می گن آقا ما هم هستیم اون هم می گه ما هم هستیم، ما هم  
قبول، ما هم فلان، خلیخ می آن. اول این ها یک مقداری مونده  
بودند همین طور از قبل شهریور<sup>۳۶</sup> [۱۳۵۰]، بعد هم هر دورهای هم  
بنا به دلایلی برخورد نشده بود باهاشون، آن چنان تخلیه شده بودند  
دیگه، که این ها را ما عوض کردیم، همون تیپهای کمال و ممال، دار  
و دسته و این ها رو، به قول معروف ...

**حمید اشرف:** ... کمال<sup>۳۷</sup> و این ها تصفیه شدند؟

**تقی شهرام:** ... تصفیه نشدند، الان کمال داره می ره کار کارگری  
این جا، البته مارکسیست شده ...

**حمید اشرف:** ... پس کمال اومد؟

**تقی شهرام:** ... آره این جاست. عرضم به حضورتون که می ره کار  
داره می کنه. انتقاداتش رو شروع کردیم.

**حمید اشرف:** ... اون به نظر میرسه که تیپ صادقی بود، حالا به  
هر حال ...

**تقی شهرام:** ... خب همون دیگه، حالا صادق شون اون بوده دیگه.  
یعنید واقع مارکسیست شد ولیخب از نظر ما تازه مارکسیست  
شدنش، کلی حالا بایدپخته بشه، بره کار. کار کارگری داره می ره،  
برخوردهای انتقادی رو می گذرونه. یه همچین جریاناتی داره!

۳۶ - این رفقا همچون، حسین احمدی روحانی، تراب حق شناس، محسن نجات  
حسینی، محمد یقینی، حسین خوشرو و عده ای دیگر بودند.

۳۷ - منظور، حسین احمدی روحانی (۱۳۶۳-۱۳۱۹) از اعضای اولیه و مرکزیت  
سازمان مجاهدین خلق ایران است، که از پیش از ضربه شهریور ۱۳۵۰ در پایگاه  
های سازمان در خارج از کشور بود.

کمال هم این جاست.

**حمید اشرف:** ... این رفیقی هم که در خارج الان از نظر عملیک مقدار کارها را می چرخونه ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... اون هم احتمال داره که بعدها یعنی یک موقعی مسائلی بوجود بیاره به هر حال! حالا نمی دونم تحلیل شما از اون چی است؟

**تقی شهرام:** ... کدوم و می گن؟ [خطاب به جواد قاندى]

**جواد قاندى:** ... رفیق ما؟

**حمید اشرف:** ... اهوم!

**تقی شهرام:** ... کی؟

**حمید اشرف:** ... اونى که از قدیم بوده!

**جواد قاندى:** ... چیز و می گه [به آرامی خطاب به تقی شهرام] ...  
ثُراب ...

**حمید اشرف:** ... آره همون که گفتی! ...

**تقی شهرام:** ... اون و می گى، همون که به قول معروف سن داره و اینا دیگه، آها؟ نه می دونی، این به قول معروف نمی تونه این کار را بکنه. چون به اصطلاح دارای اون اکتیویته نیست. اگر بود شاید میتونست بکنه، ولی این آدم به دلیل انفعالاتش و خیلی جریانات دیگه اش برای این که به هر حال یعنی نتونسته. نتونست در یک مرحله، و ما باهاش برخورد کردیم و قبول کرده مواضع ما را، یعنی می دونی مواضع مارکسیستی را قبول کرده ولی از نظر ما چون عنصری نیستش که اصلاً بتونه مسئله را تعیین کنه، تعیین کننده نیست اصلاً. این مسئله است حالا، تیپ هاییکه به جریان های انحرافی بره، ولی این جریان انحرافی هم مذهب نخواهد بود. چون اون اساساً هم یک تیپ مذهبی نبود اون قدیماش، دقت می کنی؟ مذهب براش مثلاً به صورت یه تیپ سنت مطرح بود و مثلاً خب می گفت مردم مذهبی اند، ما باید مبارزه مذهبی بکنیم و بریم جلو، ولی مسایلش اصلاً ...

**حمید اشرف:** ... ولی ظاهراً می گفتند خیلی پاییند بود!

تقی شهرام: ... نه.

حمید اشرف: ... دعا و سنن و این ها ...

تقی شهرام: ... نه، آخه، نه، نه، این طور نیست. اگر اون که تو داری می گی، اون باشه، همون که اسمش ...

حمید اشرف: ... جهمی<sup>۳۸</sup> ...

تقی شهرام: ... آ، آها، آره دیگه خب اصلا معلومه که کیه. نه نه، نه، چون اون گزارشاتی که به ما دادند ازش، اون نیست. [خطاب به

جواد قائدی] ها، تو چیزهای دیگه می دونی راجع به اون؟

جواد قائدی: ... اون، این طور آدمی نیست که جریان انحرافی راه بندازه!

تقی شهرام: ... جریان، البته جریان انحرافی نمی تونه راه بندازه.

اصلا ازش بر نمی آد. این که بخواد در جریان انحرافی پشت سر یک جریان انحرافی حرکت بکنه، عرضم به حضورتون که این دیگه،

دیگه جریان انحرافی اش، شکل مذهبی نخواهد داشت. یعنی ما مطمئن ایم. یعنی اتفاقا در مورد او ما خب حساس بودیم، چون یک

تیپ سرشناسی بود. می تونست یه جریاناتی ایجاد کنه. نه این تیپ های اتفاقا سرشناسی که همه شون هم خارج مونده بودند، این ها

به قول معروف گنده شون کشیده شد. من، خوبه یعنی حساسیت این رفیق راجع به این جریانات، نه از این نظرها ما مطمئن ایم.

حمید اشرف: ... به هر حال آرزوی ما خلوص هر چه بیشتر

---

۳۸ - منظور رفیق تراب حق شناس، از اعضای اولیه سازمان مجاهدین خلق ایران که بنا بر تصمیم سازمان در فروردین ۱۳۴۹ برای گرفتن ارتباط با سازمان آزادیبخش فلسطین به خارج از کشور رفته بود. او یکی از فعال ترین رفقای سازمان مجاهدین و به ویژه به خاطر تسلط به دو زبان عربی و انگلیسی، مسئولیت ارتباطات سازمان با سازمان های انقلابی و کشور های منطقه را داشت. رفیق تراب متولد ۱۳۲۱ است و فقط چند سالی از رفقا حمید اشرف و تقی شهرام بزرگتر است، اما به خاطر موهای سفیدش از دوران جوانی، اغلب کسانی که او را دیده بودند فکر می کردند که او مسن است. رفیق تراب در خاورمیانه با نام مستعار محمد علی شناخته می شد.

سازمانتون.

**تقی شهرام:** ... بله، خوب ما هم جز این الآن کاری نداریم اصلا. یعنی در واقع تمام مراحل رو ما به همین دلیل بیش بردیم. خب به هر حال رفقا اگر باز هم مسائلی از این قبیل به نظرشون می رسه، واقعا ما برخورد میکنیم، یعنی ...

**حمید اشرف:** ... در همین رابطه، در رابطه با بحث امروز ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و در رابطه با نشریه بحث درون سازمانی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... شما نظری ندارید؟

**تقی شهرام:** ... ما در رابطه با این بحث هامون نظرمون، در واقع نظراتمون را دادیم. واقعا میخواهم بگیم که ...

**حمید اشرف:** ... یعنی شما میخواهید که ما این نظرات را خودمون جمع بندی کنیم، مثلا؟

**تقی شهرام:** ... نظراتی که الان داریم؟ ها!

**حمید اشرف:** ... یعنی ما نظرمون این باشه که ... ها!

**تقی شهرام:** ... من نظرم این که یعنی ما نظرمون این که خب وقتیم این کار را میتونیم بکنیم. ببینید، مسئله نشریه وحدت را پیش میبریم. اصلا ما واقعا باهاش مخالفتی نداریم ولیببین همه مسائلی که اینجا حل، بحث کردیم، همه این ها توی اون هم طرح می شد در حالی که عملا به چه رشته، به چه مسائلمیکشید، در حالی که واقعا این قدر نداشت ...

**حمید اشرف:** ... این و من تذکر دادم که ما هدفمون یک بحث پولیمیکی نیست. ما یه مقدار ...

**تقی شهرام:** ... آخه بحث پولیمیکی پیش می آد، ببین. بابا جان پیش می آد. آخه تونمی تونیوقتی مثلا فرض کنید که ما می گیم که ما ترس داشتیم از این که شما مثلا فلان چیز مثلا قذافی را نوشتیم، شما ببرید اون جا نشون بدید. بابا جان وقتیک چنین جوی است و اینا هم روشن نشده، آخه ببین چه جوری ما، اون نشریه چه



سرنوشتی اصلا پیدا می‌کنه؟ البته ما، و بعد چقدر سوء تفاهم هست در همون هر کلمه ایش که تازه، در حالی که الان با این توضیح‌ها، حالا ما روشن کردیم، وقتی می‌گیم آقا جون ما چون می‌گیم قذافی نکنه مثلا فلان باشه، ما این توضیح را می‌دیم، یعنی در واقع، این مسئله از نظر ما حل. چون برای این که شما واقعا این چیز در واقع ما این اعتماد انقلابی را داریم به شما که شما چنین کاری را نه می‌خواستید بکنید و نه می‌کنید در آینده. یا مثلا واقعا الان ببینید، یک سری سوالات و یک سری اخباری به ما رسیده، مثلا می‌گند که یک عده، مثلا چند تا سوال مثلا داده شده به یک عنصر مثلا سمپاتیزان، عنصر مثلا خیلیهم چیزی بوده، حالا مثلا عنصر ابتدائی ما مثلا تازه کار، سوالی داده شده بوده مثلا بهش که آیا مثلا مجاهدین می‌تونند ادعا کنند که مارکسیست شدند؟ بعد چند تا در این رابطه، آیا اینا کار علمیکردند؟ آیا مثلا اینا در پروسه تولید شرکت کردند؟ به این سادگی‌ها مگه میتونه کسی مارکسیست بشه؟ این یه سوالش. بعد سوال دادند چی؟ [خطاب به جواد قاندى] تا آخرش ...

**جواد قاندى:** ... اگر خرده بورژوازی یک نیرو، چرا بهش حمله شده؟ ...

**تقى شهرام:** ...ها! اگه خرده بورژوازی یک نیرو، چرا حمله شده؟ یا مثلا فرض کنید که، به این ترتیب مثلا فرض کن یک سری تبلیغات علیه ما کردند بعد که ما ته و توش می‌ریم در می‌آریم مثلا یک، بعله! مثلا اینا، یعنی خبرهای می‌دهند که مثلا از طرف رفقای فداییه، اینا می‌دونی هیچ ...

**حمید اشرف:** ... این مسائل، سوالات این قدر مُدون و اینا رو کیداده؟، کجا دادند؟

**تقى شهرام:** ... داده بودند، داده بودند به یک سری عناصری و ...  
**حمید اشرف:** ... کجا؟

**تقى شهرام:** ... توی همین تهران، همین به قول معروف شهر ...  
**حمید اشرف:** ... می‌دونم، کدوم محیط؟  
**تقى شهرام:** ... منظورتون از محیط یعنی چی؟

**حمید اشرف:** ... مثلا ممکنه توی یه کارخانه باشه، توی یه اداره باشه ...

**تقی شهرام:** ... نه ...

**حمید اشرف:** ... تویه دانشکده باشه ...

**تقی شهرام:** ... نه، من اینها را نمی دونم، کارخانه بوده، چپیوده، ولیاین سوال را داده بوده. در یک رابطه سیاسی بوده دیگه. طرف اومده و بعد مثلا این سوال ها را داده به این طرف و اینا. بعد که مثلا در اومده می گند که مثلا، البته با یک نحوه های بدی ها. مثلا یه حتی با یک برخوردهای خیلی واقعا غیر رفیقانه‌ای که این طور و این طوره و بعد هم ته قضیه مثلا ...

**حمید اشرف:** ... شما یک مسائلی را طرح میکنید، این سو تفاهمات هم ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... دامنه اش وسیعه. یعنی با توجه به مسائلی که هست.

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... رفقا یک سری چیزهایی هم مطرح می کنند که، مثلا اون دفعه مطرح می کردند که عنصر مسلحی در مشهد بوده که ...

**تقی شهرام:** ... ها، این هنوز هم، آخه این مسئله مثل این که هنوز روشن نشد، خب تو به طور مشخص بگو دیگه، توضیح بده ...

**جواد قاندى:** ... خب، مشخصش رو اون دفعه<sup>۲۶</sup> گفتیم. ببینید مگر این که روشن بشه یه عنصر مسلحی می تونه تو مشهد وجود داشته باشه که با شما تماس نداشته باشه.

**حمید اشرف:** ... بله می تونه.

**جواد قاندى:** ... اگر این برا ما روشن بشه، خب بحثش حل.

**تقی شهرام:** ... بابا جان مگه نگفته بوده که اصلا من جز رفقای

---

۲۹- اشاره به جلسه پیشین رفقا جواد قاندى و بهرام آرام با رفقای فدایی در آذر ماه ۱۳۵۴ است.

فدایی ام؟  
**جواد قائدی:** ... آره یه سری این و گفته، غیر از این گفتن ها ...  
**حمید اشرف:** ... اسمش را می دونید؟  
**جواد قائدی:** ... نه.  
**تقی شهرام:** ... اون طرفیکه اون ...  
**حمید اشرف:** ... ببینم، خصوصیت قیافهای و جسمیو ایناش رو می تونی بگی؟  
**جواد قائدی:** ... اصلا من نمی دونم.  
**تقی شهرام:** ... می دونید آخه این کیهاش تماس گرفته، همون "دورس" شهید باهاش تماس گرفته بوده، همون که کشته شد تو مشهد.  
**حمید اشرف:** ... این ها مشخصاتیه که به دست اومده ...  
**تقی شهرام:** ... اون آدمیکه اون به اصطلاح اون وسط بود، اون چی، اون مشخصه؟ اون رو میشناسین؟ ...  
**جواد قائدی:** ... اون و فکر کنم می تونیم مشخص کنیم، ولیمن الان نمی شناسمش ...  
**تقی شهرام:** ... آها، کس های دیگه ممکنه بتونند؟  
**جواد قائدی:** ... کس های دیگه هم که ...  
**حمید اشرف:** ... این و ته و توش در آرین، واسه ما جالب توجه، ببینیم چی اون جاست ...  
**جواد قائدی:** ... بعد ...

---

۴۰ - رفیق شهید علی اصغر دورس، از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، شاخه مشهد که در جریان درگیری با نیروهای رژیم در خانه تیمی در کوی طلاب مشهد در ۴ مرداد ۱۳۵۴ به شهادت رسید. عنصر مسلحی که با رفیق دورس تماس می گیرد، خود را از اعضا سازمان چریک های فدایی خلق معرفی کرده و درباره صحت و درستی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق شک داشته است. این در حالی است که مواضع سازمان هنوز علنی نشده بود و سازمان چریک های فدایی خلق از معدود جریان هایی بود که این مسئله با آنها در میان گذاشته شده بود. در آن زمان رفیق جواد قائدی تا زمان ضربه مشهد در مرداد ۱۳۵۴، مسئول و رابط جمع مشهد بود.

**تقی شهرام:** ... این ها واقعا اصلا آدم و خورْد میکنه، می دونی، مثلا، می آند رفقا مثلا می نشینند توی این جلسه و اینا. خب در عین حال شما از مواضع مثلا مارکسیست شدن ما، به هر حال از این که ما مارکسیست شدیم بدتون نیومده، خب خوشحالید. از یک طرف دیگه مثلا می بینیم که همچین جریانیه. این می دونی، این اصلا واقعا آدم دچار سرگیجه میکنه، که چیه قضیه؟ واقعا این امکان داره یک سازمان انقلابی کلک بزنه به آدم، دروغ بگه؟ نههمچین چیزی نیست. ما می نویسیم بابا بذار بریم این رو رُک و راست روشن کنیم، طرح کنیم، بگیم بابا قضیه چیه آقا؟! مثلا از کجا آب می خوره این قضایا؟ دقت می کنی؟! این ها هاست. اون وقت تو حساب بکن که مثلا ما ور داریم همه این ها را مثلا بنویسیم به عنوان یک جریان، بعد هم نتیجه گیری بکنیم که مثلا شما دچار نمی دونم فلان و فلان و فلان هستید و این هم تحلیل ماست. خب شما هم بر می درید که شما و شما این طوری، این طوری هستید. شما دچار فلان قضیه هستید پس این هم تحلیل ماست. این عملا اگر اسمش را هر چیدیکه بگذریم، به هر حال پلیمیک می شه، حالا اصلا پلیمیک نگذریم، هر چی باشه، برخوردار میشه. یعنی این قضایا رو هم دیگه جمع می شه و از توش یک تحلیل بیرون می آد. دقت می کنی؟! برای چی، برای این که ما نتوانستیم بیایم این مسایل رو اینجا روشن کنیم، در حالی که امکانش رو داشتیم. راجع به مسئله نشریه هم، ما هنوز هیچ حرفینداریم. ما موافق هستیم ولیواقعا آیا راجع به این مسئله ما هیچ گام دیگری نمیتونیم برداریم؟ یعنیغیر از نشریه ها ...

**حمید اشرف:** ... من فکر میکنم که این مسئله نشریه حتی من این فکر را میکردم که علیرغم خشونت هاییکه ممکنه در این مباحثات پیش بیاد، این خشونتها سازنده است و منفینیست ولیما این نظرمون است که اگر جریانات اصیل هست مباحثه و درگیری و صداقت در مورد این ...

**تقی شهرام:** ... چیز بدی نیست ...

**حمید اشرف:** ... به هیچ وجه به یک جای بدی منجر نمیشه، همان

طور که ...

**تقی شهرام:** ... آخه نمی شه ببین، اهوم ...

**حمید اشرف:** ... برخوردها و طرح مسائل حتی ممکن مثلاً شما در این روابط بتونید به چیزهای جدیدی دست پیدا بکنید، چون ما در این رابطه دقیقاً هدفی جز خلوص کمونیستی ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... خلوص جنبش کمونیستی نداریم ...

**تقی شهرام:** ... نداریم، بسیار خوب ...

**حمید اشرف:** ... این اون چیزیه که ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... به طور مشخص مسئله مرامیِ واسه‌ها است، در این رابطه. و چیزی هم که واسه مون اهمیت داره و مهم همین مسئله است ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و واقعیت این که ما این مسئله را پیگیری اش می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... و تلاش های شما رو هم همین دفعه پیش که گفته شد که ما می‌خواهیم در عمل رفقا را ببینیم چگونه برخورد می کنند و این رو هم هیچ بد نمی دونیم که گفتیم، گفتیم.

**تقی شهرام:** ... نه، دلیله نداره ...

**حمید اشرف:** ... و بعد ...

**تقی شهرام:** ... یعنی در واقع مسئله این جاست که محک هر چیزی در جریان خود عمل روشن میشه، ما از این مسئله هیچ وقت نخواستیم فرار بکنیم یا در واقع این و نفی نمی کنیم چون یک چیز متقابل دقیقاً ...

**حمید اشرف:** ... در این رابطه ممکنه چیز بشه که رفقای ما دلگیر

باشند در این مورد ...

**تقی شهرام:** ... نه.

**حمید اشرف:** ... و حتی این دلگیری هم باز اهمیتی نداره، یعنی در رابطه با اون آرمانی که ما داریم.

**تقی شهرام:** ... آخه یه مسئله است، ببین دلگیری ...

**حمید اشرف:** ... این مسئله، مسئله کم اهمیتییه ...

**تقی شهرام:** ... نه‌ببین رفیق، حالا این مسئله است اینجا. اون مسئله که شما الان گفتین که اون طرف دلگیر، چه دلیلی داره که ما دلگیر بشیم، اگر واقعا ما داریم به یه سمت درستی حرکت می‌کنیم و منافع همه ما توش هست ولی ما می‌خواهیم این رو بگیریم یعنی واقعا ما، مثال می‌زنیم اگر همین جلسه تشکیل نمیشد، ها! اگر همین جلسه تشکیل نمی‌شد آیا ...

## فایل ۱۱

این نوار، ۴۵ دقیقه و ۲۶ ثانیه است.

**تقی شهرام:** ... صحبت سر این وسائل به اصطلاح متعدد کار بود. والا، مسلما در یک پروسه دراز مدت تری، در یک جریان دراز مدت تری به هر حال، این ها راه خودشون رو پیدا می کنن و جویباریه که سنگ خارا را به هر حال می شکافه و می پیونده به دریا، این روشنه. اما ما می خوایم بدونیم که ما چقدر می تونیم عمل آگاهانه بکنیم و با عمل آگاهانه خودمون قضایا را پیش ببریم و به دنبال این بودش که ما این بحث رو و این ضرورت این به اصطلاح نشست رو طرح کردیم. ببینید، من حتی بهتون، یه مسئله خیلی جالبیه، حتی همین نوشته هایی که ما مرتبا درج کردیم رفیق، همین، همین اواخر، این نشون می داد که واقعا ما چه بر خوردی خواهیم داشت تو نشریه، نمی دونم این نوشته های اخیر یادت هست یا نه دیگه؟ ما دو تا نامه فرستادیم یا یکی دو، دو تا نامه و شما هم تقریبا دو تا نامه جواب ما رو دادین! که این جواب نامه ها را حالا ما طرح می کنیم، حالا اگه قرار شد که مثلا نشریه ای طرح بشه و اینا، اصلا خود این ها می داریم تو همون، بره تو همون نشریه پخش شه! دقت می کنی؟! واقعا اصلا اینا جواب نامه های ما نبود. ما طرح می کردیم بابا ما می خوایم این بحث آزاد باشه، در عین حال که آزاد باشه و همه درش شرکت می کنن، به دلیل همین که خود شما هم قبول دارین، نوعی کنترل لازمه، نوع کنترل رو حتما، این ارگان رهبری

---

۱ - پس از جلسه آذرماه ۱۳۵۴، که در آن دو سازمان برای انتشار نشریه مشترک توافق کرده بودند. سازمان مجاهدین خلق، دو نامه برای رفقای سچفا فرستاد و آنها هم جواب دادند. چون این مکاتبات بی نتیجه ماند، دو طرف تصمیم گرفتند جلسه ای با حضور مسئولین خود بر پا کنند. در این باره در کتاب "مسائل حاد جنبش ما" در صفحات ۲۲-۲۳ توضیح داده شده است.

کننده ای می خواد. شما می گفتید که شما نمی خواد آزاد باشه، ولی کنترل باشه و هر کدوم ما مستقلا این و مثلا چکارش کنیم، مثلا کنترل کنیم به طور سازمانی ...

**حمید اشرف:** ... خب باشه، ماجرای اون قضیه این بودش که نقطه نظرهایی که طرح می کنیم، عملا ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... در چارچو...، چون ما یه بحث هایی که در دو جلسه قبل داشتیم به خصوص، خیلی ناگوار بود واسمون! ...

**تقی شهرام:** ... درسته.

**حمید اشرف:** ... چون بحث ها خیلی حالت، به اصطلاح پیچوندن و زیر بار نرفتن و ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... مثلا، بحث امروز به نظرم خوب بودش، و یعنی سازنده بود. چرا که یه سری مسائل مون رو باز کردیم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و بدونی که بخوایم، و بدونی هم که فرار بخوایم بکنیم ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... از مسائلی که ...

**تقی شهرام:** ... چرا!

**حمید اشرف:** ... مطرح بود.

**تقی شهرام:** ... خب، این یه مسئله ای بود که جبران می شد ...

**حمید اشرف:** ... بعد این حالتی بود که یعنی اگر می خواست که هیئت تحریریه ما در فضای دو تا جلسه پیش ...<sup>۲</sup>

---

۲ - اشاره به دو جلسه پیش، یکی در مرداد ماه و دیگری در آذرماه ۱۳۵۴، بین رفقا بهرام آرام و جواد قائدی از یک سو و حمید اشرف و بهروز ارمغانی از سوی دیگر بود که هر دو جلسه با تشنج همراه بود. رفیق تقی شهرام که نوارهای این جلسات را شنیده بود، نیز در این باره توضیح می دهد. در این باره بارها در نوارهای پیشین اشاره شده است.



تقی شهرام: ... آخه می دونی ...

حمید اشرف: ... کار و پیش بیره ...

تقی شهرام: ... آها! ولی ..

حمید اشرف: ... موفق نمی شد ...

تقی شهرام: ... من باز به تو این انتقاد و دارم ...

حمید اشرف: ... یعنی "تعلیق به محال" می شد.

تقی شهرام: ... ببین رفیق، تو چرا نیومدی اونجا بیای قضیه رو بگیری. ما این رو انتقاد کردیم. ما از خودمون هم انتقاد کردیم از بعد از جلسه، از رفقای جمع گذشته اش هم یکی از رفقا اینجا هست، این هم انتقاد کردیم که شما چرا این برخورد و کردین؟! یعنی سازمان به این ها انتقاد کرد. ولی شما چرا نیومدید باز اونجا برخورد کنید، بگید آقا این شیوه غلطه؟ شما آقا! این جریان رو الان ببینید ما آغاز کردیم، هیچ مهم هم نیست ها هیچوقت، نه امتیازیه، نه هیچی نیست. ولی شما چرا اونجا نیومدید برخورد کنید، آقا این چه برخوردیه؟ شما اگر آدم های درست و حسابی هستید، واقعا یک جور به قول معروف غیرت کمونیستی توتون هست بیاین رک و راست بگین آقا، این حرف و ما رک بزنین، ما هم رک می زنیم.

حمید اشرف: ... ما این ...

تقی شهرام: ... شما برخورد چرا نکردین؟ ... ها؟

حمید اشرف: ... ما گفتیم بیایم این حرف ها رو بزنین ...

تقی شهرام: ... خب نه!

حمید اشرف: ... بعد از حرف زدن گفتین بیایم...

تقی شهرام: ... ا، انتقاد کن حتی یقه اش رو بچسب! بگو رفیق چرا برخورد مثلا فرض کن فلان می کنین شما، چرا پیچیده برخورد، چرا دیپلماتیک برخورد می کنید؟، چرا مثلا موضوع را می پیچونید؟ چرا سر یه سوال هی کِش می دین؟ چهار بار اون هم، آدم خفه می شه اون نوار و گوش می ده! سر یه دونه نمی دونم سوال، هی این

ور و اون ور می شه ...<sup>۲</sup>

**حمید اشرف:** ... واقعا ...، واقعا خفقان آور اون لحظه ای که ما داشتیم!

**تقی شهرام:** ... اصلا، آدم گوش می ده، اصلا باید خجالت بکشه! اون بحث؟ اون نوار؟ مباحثه اس بین دو تا آدم، دو تا سازمان؟ آدم خجالت می کشه. ما واقعا به خودمون انتقاد داریم. و این رو هم طرح کردیم. و به همین دلیل هم اول جلسه من صحبت هایی کردم. یعنی این واقعا، مثنی تمامی سازمان ما نبوده، یک انتقاد بوده، یک روش غلط بوده، ما از خودمون انتقاد می کنیم. و اگر شما فقط به این دلیل مسئله هیئت تحریریه رو رد می کردی، خب رفیق می آمدی می گفתי آخه، با این وضعیت من بشینم هیئت تحریریه درست کنم! خب بهتره اصلا همدیگر رو نبینیم. یه چیزی بنویسیم، رد و بدل کنیم. این، این و می گفתי! ریشه رو می چسبیدی!

**حمید اشرف:** ... در حقیقت ما می خواستیم عملی بشه، چون فکر می کردیم که اگه این ریشه رو بچسبیم مسئله "تعلیق به محال" بشه! **تقی شهرام:** ... آخه چرا؟ ما فرار می کردیم؟ یعنی اینقدر آدم های ناصداق بودیم؟ خب، حتما یعنی در واقع تصور شما خب این بوده و اشکالی نداره! یعنی واقعا مثلا ما در می رفتیم؟ این ها می خوان مثلا نکنه مثلا مچ ما رو تو بحث بگیرند. مچ ما رو تو فلان موضع مون بگیرند. یا مثلا از خودمون شک و پکی داشته باشیم. خب حالا این ها مسائل روشن شد. یعنی واقعا در رفتن از هیئت تحریریه به دلیل اون چیزهایی که تو اونجا نوشتی و برای ما فرستادی، خیلی عجیبه! اصلا حرف های ما رو نادیده می گرفتی، چشم ها تو می بست، یه چیز دیگه می نوشتی تحویل ما می دادی، هر زمان. ما هی تعجب می کردیم، خدایا اگه قرار بشه مسئله ...

**حمید اشرف:** ... ولی نامه ها همین طوری، بحث های پیچوندنی بود ها!  
**تقی شهرام:** ... تو نامه های ما نه. ببین، تو نامه هامون مشخص

---

۲ - نشست آذر ماه ۱۳۵۴، که در آن گفتگوی دو طرف به مجادله غیر قابل پیشرفتی رسیده بود.

کردیم که مواضعمون دقیقا چیه، یعنی ما مسئله کنترل چیه و چه منظوری داریم و مسئله آزاد بودن هم چه تفسیری ازش داریم و شما چه جوری قضیه رو به جور دیگه دارید تفسیر می کنید. حالا این و می تونیم بذاریم بعد، جلسه پیش این رفیقمون می خواست بیاره، گفتم لزومی نداره. آوردی؟ [خطاب به جواد قاندى]

**جواد قاندى:** ... [به آرامی] آره!

**تقی شهرام:** ... ها! آورده، اگه می خواین، الان بذاریم جلو! هوم؟  
**حمید اشرف:** ... پخش بکنین، اشکالی نداره ...

---

۴ - پس از نشست آذر ماه ۱۳۵۴، بین دو سازمان متشکل از رفقا حمید اشرف، بهروز ارمغانی از سچفا و رفقا بهرام آرام و جواد قاندى از س م خ ا، دو نامه از سوی س م خ ا به سچفا فرستاده شد. اولین نامه در آذر ماه ۱۳۵۴ بود که رفقای فدایی نیز جوابیه کوتاهی در این باره فرستادند. دومین نامه در دی ماه ۱۳۵۴ برای تشکیل نشریه مشترک با توجه به جواب کوتاه سچفا به نامه دوم س م خ ا، فرستاده شد و هیچ جوابی نیامد. بنابر این کار به تشکیل جلسه بین رهبران اصلی دو سازمان در اسفند ۱۳۵۴ کشید. بخش هایی از این نامه که رفیق تقی شهرام می خواند در دومین نشریه بین دو سازمان با عنوان "مسائل حاد جنبش ما" در پاورقی ای که در صفحات ۲۷-۲۴ این کتاب منتشر شده، آمده است. این کتاب در بخش آرشیو سایت اندیشه و پیکار قابل دسترسی است.

۵ - یکی از این نامه ها و بخش هایی از نامه دوم در کتاب "مسائل حاد جنبش ما" در اسفند ۱۳۵۵ چاپ شد. اما سچفا در چاپ دوم نشریه اول در فروردین ۱۳۵۶، به پخش این اطلاعات درونی اعتراض کرد، در مقدمه چاپ دوم این کتاب آمده است که: "با توجه به مسائل امنیتی بیشمار که در نشریه فوق مطرح شده بود، بنظر ما حتی انتشار درون سازمانی آن نیز اقدامی غیراصولی و غیرمسئولانه بود. ولی سازمان مجاهدین خلق ایران، بدون توجه به این مساله پر اهمیت و با تغییر نام آن نشریه از "نشریه بحث درون دو سازمان، چریک های فدائی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران" به "مسائل حاد جنبش ما، دومین نشریه بحث بین سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریک های فدائی خلق ایران"، بدون مشورت و توافق با سازمان ما، آن را انتشار خارجی داد. یک چنین بی مبالاتی و اقدامی تا این حد غیرمسئولانه که بدون شک موجب بازگذااردن دست رژیم در بهره برداری از این اطلاعات جهت ضربه زدن به جنبش انقلابی مسلحانه ایران می گردد، تا کنون در جنبش انقلابی نوین خلق ما بی سابقه بوده است. این اقدام برای ما واقعا موجب تحیر بوده و شدیداً نگران کننده است."

<http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/Nashryieh-Bahs-Fedai.pdf>

**تقی شهرام:** ... هر لحظه می‌تونیم، بیا [خطاب به جواد قان‌دی]-  
[۱۷] ثانیه هیچ گفتگویی نمی‌شود] ... ببین، نمی‌دونم چه جوری  
طرحش کنیم مثلا، ما نامه رو بخونیم، نخونیم چه جوری بکنیم؟ ببین،  
ما پس از اون جلسه، ما این نامه را برای شما فرستادیم که من یه  
قسمت هایش رو مثلا می‌خونم و بعد هم نامه رو می‌دم به خودتون.  
می‌گه که: "ما در او جلسه، قبول کردیم که متقابلا چنین اقدامی رو  
تایید کردن رفقا - مسئله نشریه رو - ولی یک مسئله - که ما  
برامون، اون جا اشاره کردیم - و همان قضیه قابل اهمیت هدایت  
نشریه و وجود، - و وجود آوردن آن شرایط مناسبی است که در آن  
اندیشه‌ها و نقطه نظرات و انتقادات رفقا بارور شده، پرورش یابد و  
در جهت منافع عمومی تنظیم نماید که از طرف رفقا غیر ضروری  
قلمداد شده - یعنی اون جمع هدایت کننده - ما روی هم رفته، مسئله  
ای به نام جاری شدن لیبرالیزم از این مجرا اشاره کردیم و بر سر  
آن که این اشارت گر چه موضع و موقع پیگیری اش در آن جلسه  
نبود ولی دقیقا متوجه اهمیت و ضرورتی بود که این مسئله می  
توانست و بایستی داشته باشد. - البته می‌دونی که این سیاست  
کلی اون جلسه بوده که هر جایی مثلا برخورد می‌شده، ازش عبور  
می‌شده! چه از طرف ما چه از طرف تقریبا شما! - و عملا حلقه ای  
است که اگر محکم گرفته نشود، اصولا نشریه را از حیز انتفاع  
ساقط خواهد نمود. این را تجربه درون تشکیلاتی ما بخصوص در  
زمینه انتشار نشریه داخلی نیز موکدا تاکید می‌کند. آن را بارها و  
بارها به اطلاعاتان رسانده، بدون تردید خود رفقا نیز در این زمینه  
نیز تجارب مشخصی دارند که نشان می‌دهد که تنها یک کار  
سازمان یافته می‌تواند، نتایج مشخص و اصیل خویش را به مقطع  
ظهور برساند و لاغیر. بعد نوشته: صرف نظر از بی برنامه گی هایی  
که نداشتن این سیستم به رهبری در نشریه در زمینه فلان و فلان  
ایجاد می‌کنه - که از نظر ما فرعیه - کمبود ارگان سازمانده و  
رهبری کننده، عمدتا در اینجا متبلور خواهد گردید که انتشار نشریه،  
از یک، از یکی به دوتا نرسد که ما مواجه خواهیم شد با یک جنگ و

مجموعه ای کِشدار و بی نتیجه، ... هوم، و بی نتیجه که بیشتر مطلوب انتشارات و مجلات رژیم های بورژوایی و از این حرف هاست. - بعد گفته که ما - آیا رفقا با این موافق هستند که نظر نهایی رو با اون جلسه گفتیم؟ نظر نهایی که چگونه بایست تعیین کرد، یا نه؟ آیا رفقا متفقند که اصولاً نظر نهایی موجود نیست و نباید باشد؟ - خلاصه از این قبیل حرف ها، این یه سری بحثی داره راجع به این که - نظر نهایی، خود به خود از اون جمع مجموعه نظرات و به ویژه جمع بندی و دخالت سیستم رهبری کننده بیرون می آد؟ - یعنی سوال می کنه! بعد می گه- جواب ما این است که هیچکدام و فکر کنیم پاسخ رفقا نیز جز این نمی تواند باشد و اگر این طور است آیا شق دیگری باقی می ماند که بتوان به اعتبار آن وجود یک نشریه درونی را بدون ارگان سازمانده آن تصور نمود؟ - بعد می گه که - رفقا توجه کنند، همه جا سخن از ارگان سازمانده و رهبری کننده به میان آوردیم، می آوریم و درست همان مفهوم در فرهنگ و اندیشه ما دارد که در فرهنگ انقلابی داراست. یعنی که این ارگان در مناسب ترین شرایط دمکراتیک انقلابی بایستی قادر باشد از یک طرف با هر گونه لیبرالیزم و دمکراتیزم افراطی که می تواند انسجام تئوریک و نظرات موجود را بدون این که نظم تئوریک نوین تبعاً تکامل یافته ای را جایگزین آن کند به هم بزند، هم بزند مبارزه کند از طرف دیگر اجازه می دهد، که نظرات درست و یک کانال برخورد همه جانبه ای نظرات سایر رفقا بارور شده و پرورش یابد، به حد نقطه نظرهای اصولاً پیچیده و شور انقلابی ارتقا یابد." این تقریباً یه سری هسته اون قضیه بحث اون نامه اولیه! بعد می گه که، بعد هم می گه که - مثلاً امکان دارد جمع به طور خود بخودی و جبر هم باشه، تحت لوای جریاناتی قرار می گیره که در یه نقطه با هم متفارق اند و آن انحرافی بودنشان خواهد بود و الا آخر - یه بحث این طوری! بعد شما در نامه بلافاصله بعدش ...

**جواد قائدی:** ... اینجا یه چیزه ...

**تقی شهرام:** ... آها ...

**جواد قائدی:** ... که هست ... اینجا حتی ما این و توضیح دادیم، که - رفقا در هر صورت این نظر ماست نسبت به نشریه درونی که به دلیل روشن بودنش خود را بی نیاز از توضیح بیش از این نمی بینیم، ولی حتی اگر رفقا آن را مورد قبول قرار ندهند ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**جواد قائدی:** ... از اون رو که ایمان داریم به زودی جهت نظرات ما در عمل به اثبات خواهد رسید، باز هم پیشنهاد انتشار چنین نشریه ای را حتی بدین صورتش می پذیریم! و منتظر جریانات بعدی می شیم، خواهیم شد. - یعنی حتی گفتیم که علیرغم این استدلال ها ...

**تقی شهرام:** ... آها ...

**جواد قائدی:** ... باز هم ما در همین شکلش هم حاضریم قبولش کنیم ...

**تقی شهرام:** ... بله، بعد عرضم به حضورتون که، این اولین نامه بعد از اون جلسه بود. (خطاب به جواد قائدی) نامه بعدی این رفقا، نامه سفید اس، مثل این که!

**جواد قائدی:** ... نه همینه!

**تقی شهرام:** ... کدومه؟ ... (خطاب به جواد قائدی) این که چیزی نداره در این مورد!

**جواد قائدی:** ... چرا!

**تقی شهرام:** ... آها، ببینید، شما جوابی که نوشتید، اصلا هیچ ارتباطی به بحث نداشت. در عین حال که، ا ... هوم ... اصل مسئله کنترل رو قبول کردید، گفتید که - در مورد نشریه مشترک معتقدید؛ که بهتر به صورت آزاد باشد. - (خطاب به جواد قائدی) ولی این مثل این که بعدیه ها؟! همینه بعدش؟ منتها - در هر سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات رسیده باشد. - ببینید، شما از یه طرف گفتید، بحث آزاد باشد، بهتر بحث آزاد باشه گویی که مثلا ما معتقد نیستیم. بعد منتها در همان سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات باشد. یعنی شما اصل مسئله مربوط به کنترل و که ما اونجا بحث

می کردیم پذیرفتین، در عمل یه مقدار در واقع بهش رسیدن شاید و به این شکل منتها به یه شکل دیگه طرحش می کنید و می گید - پس از کنترل و تایید - تایید چه کسی معلوم نیست - در نشریه بحث درج شود. اتفاقا مسائل مطروحه می تواند توسط این دو کمیته صورت بگیرد. ولی تمام رفقا باید حق شرکت در این نشریه را داشته باشند. ببین اصلا اشاره ای نشده به راه حل پیشنهادی ما! و این که اصلا راه حل پیشنهادی شما توی کمیته مشترک مثلا چه ایرادی داره؟ شما گفتید کمیته ای تشکیل بشه، کمیته هم تو هر سازمانی ... **حمید اشرف:** ... مشخصه، گفتیم کمیته مستقل در دو سازمان ... **تقی شهرام:** ... آها، اون وقت ببین ما جواب مون چی بوده! شما اصلا با این جواب دوم ما که دیگه اصلا برخوردی نکردین! ما نوشتیم که رفقا، شما نوشتید که، "بہتر است به صورت نشریه در مورد، به صورت، به، به، به صورت... بہتر به صورت آزاد باشد." یعنی شما نوشتید. ما می گیم: "اگر منظور از آزاد بودن نشریه همان معنایی است که قبلا چندین بار مورد توافق قرار گرفته بود، یعنی اینکه، اولاً: تمام اعضای دو سازمان می توانند، در این بحث ها شرکت کرده و نظرات خودشان را ابراز دارند، ثانياً مرکزیت دو سازمان موظف است نشریه منتشره را بی کم و کاست، بدون هیچ دخل و تصرفی و یا هر گونه استثنایی در اختیار تمام کادرهای خود بگذارد که در چنین صورتی روشن است، نظر ما نیز همین بوده و توافق پا برجا است. در صورتی که از آزاد بودن نشریه شما معنایی جز این اراده می کنید، آن را برای ما روشن کنید. از طرفی پاسخ شما به این طرح به معنای آن است که شما نیز با همین استنباط ما موافق هستید. بعد تو پرائنز هم هست؛ در نوار مذاکرات اخیر نیز این توافق با این جملات شما که گفتگو ها باز باشد و چند تا نقطه و رفقای مرکزی هم مانند بقیه رفقا مورد تاکید قرار گرفته است." این استنباط ما از آزاد بودن! از شما دعوت کردیم که نظرتون راجع به این استنباط و معنایی که ما می کنیم، بدید. در صورتی که شما بعداً ندادید، اصلاً ...

**حمید اشرف:** ... چرا بعدا ما یه یادداشتی دادیم.

**تقی شهرام:** ... الان، هست اینجا یادداشتتون را بعد می خونم، شما همچنین نوشته اید، این شماره ۲ قضیه است؛ "در هر سازمان کمیته ای مسئول کنترل مقالات رسیده باشد. و پس از کنترل و تایید در نشریه بحث، درج شود." این پایان نقل قول شما است. ما معنا و وظیفه این کمیته را نفهمیدیم، اگر منظور شما این است که در هر سازمان این کمیته مستقلا تشکیل شده و مستقلا نسبت به کنترل و تایید مقالات رسیده تصمیم بگیرد، که اولاً دیگر هیچ ضرورتی به تشکیل کمیته خاص نبود. مرکزیت هر سازمان، یا هر عنصر یا عناصر مسئول دیگری که از طرف مرکزیت انتخاب می شود، می توانند این کار را بکنند و دیگر ارتباطی هم به سازمان های دیگر نداشت. ثانياً و مهمتر این که در چنین صورتی، اصل اساسی مورد توافق یعنی آزاد بودن بحث، نقض می شود. ببین، ما با اون تائیدی که کردیم از آزاد بودن به این ترتیب نقض می شود، اگر این معنا را داشته باشه؟! اما اگر منظور شما از تشکیل این کمیته ها در دو سازمان این است که دو کمیته در رابطه با هم و به صورت یک کمیته مشترک در دو سازمان باشد، که بحث ها و مقالات رسیده از دو سازمان را مورد بررسی و کنترل قرار داده و با تشریک مساعی جمعی، مراد از جمع همان عناصر کمیته مشترک، مرکب از افراد دو سازمان است. نشریه را هدایت می کنند، هدایت کنند که در چنین صورتی ما نیز کاملاً با این شکل موافق بوده و از ابتدا به عنوان یگانه شکل صحیح هدایت و رهبری این نشریه مورد تاکید قرار داده ایم که از قبل نیز مورد موافقت شما قرار گرفت تو پرانتز، آزاد بودن بحث نیز تنها در چنین شکلی از کار ممکن است. بعد یه بحثی هم کرده که؛ تاکید مجدد شما راجع به این که تمام رفقا باید حق شرکت در این نشریه را داشته باشند، طبیعتاً با توجه به آزاد بودن نشریه به همان معنای تالی باشد، دیگر موردی نداشت. شماره ۴، راجع به این کمیته مشترک، پیشنهاد ما این است که ترکیب مثلاً فلان باشه و این ها، که این دیگه بحثی نیست. بعد، هوم، شما جوابی که به این نامه



دادید، خیلی جالب توجه، مخصوصا اون شعار آخریش به اصطلاح. در مورد نشریه مشترک با توجه به بحث هایی که قبلا نیز داشته ایم، معتقد به انتخاب مقالات نیستیم. ببینید مثلا شما می گید که ما گویا، به شما گفتیم بیاید مقالات رو انتخاب کنید، که شما این جواب به ما می دیدین! و هر گونه برخورد محدود کننده را در زمینه اظهار نظرات رفقای دو سازمان نادرست می دانیم. که اصلا ما در این باره بحثی نکرده بودیم. چون این شما جواب نامه ما را اصلا ندادید. ولی با توجه به این که ممکن است به علت ...

**حمید اشرف:** ... به نظر ما کمیته مشترک، کارش در حقیقت همین می تونه باشه ...

**تقی شهرام:** ... که چی؟

**حمید اشرف:** ... که انتخاب کنه، نظرات نمی دونم ...

**تقی شهرام:** ... آها، مشترک انتخاب کنه، نه هر سازمان مستقلا! اگر هر سازمان مستقلا باشه، دیگه بحث آزاد نیست. خب از کانال و صافی، فیلتر به قول تو مرکزیت می گذره.

**حمید اشرف:** ... خب در اون صورت از فیلتر همون کمیته باید بگذره ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، کمیته یه ارگان متشکل از دو تا سازمان. دیگه نمی تونه قضیه رو مثلا که مقالات می رسه، اونجا نمی تونه اون مقالاتی که خودش دلش می خواد یا به قول معروف سانسور کنه یا مثلا حذف و جرح و تعدیل بکنه، نه! هر دو تا سازمان هستند، حی و حاضرند!

**حمید اشرف:** ... خیلی خب، اون وظیفه اون کمیته چیه؟ انتخاب مقالات،

**تقی شهرام:** ... هر چی! ...

**حمید اشرف:** ... تصحیح شه ...

**تقی شهرام:** ... نه، همان چیزی که شما ...

**حمید اشرف:** ... بحث کردن روی همون در همون جا، پای اون مقاله که می خواد منتشر بشه، باید تصحیح بشه...

**تقی شهرام:** ... نه عزیز، همون کنترلی که، همون کنترلی که تو می گی هر کمیته، هر کنترل تو هر سازمان بکنند، این جمع بکنه، دمکراتیکتر که!

**حمید اشرف:** ... آخه مسئله این هستش که در اونجا، یه سری مسائلی رو هم که، یعنی کنترل نمی شه کرد دقیقاً. کنترل ...

**تقی شهرام:** ... نه عزیزم ...

**حمید اشرف:** ... به چه صورت، یعنی وقتی که ...

**تقی شهرام:** ... کجا؟

**حمید اشرف:** ... می خواست مصرف بشه، نقطه نظری رو رفقای ما دارن ...

**تقی شهرام:** ... خب، بکنن.

**حمید اشرف:** ... و می خوان در سطح دو سازمان طرح بکنن ...

**تقی شهرام:** ... خب نماینده شون تو اون کمیته است.

**حمید اشرف:** ... نه دیگه، نماینده باید با توافق نماینده دیگه این کار رو بکنه!

**تقی شهرام:** ... نه، آخه یه مسئله است، اگه تو این و مثلا، مثال می زنی، اگر بیایی فیلترهای دو سازمان و بگیری، خب اولاً ما می تونیم، نظراتی که از طرف سازمان می آد، مثلاً ندیم به سازمان شما، متقابلاً، شما چیزهایی که می دید به ما، ما بدیم. ...

**حمید اشرف:** ... ما این استدلالات رو ...

**تقی شهرام:** ... ما فیلتر بزاریم!

**حمید اشرف:** ... تو اون جلسه اگر، چون وقتی نشریه در بیاد ... می شه در اختیارشون نذاریم؟ چون وقتی نشریه در بیاد به او رفقای که مقاله نوشتن، ما باید پاسخگو شون باشیم.

**تقی شهرام:** ... آخه، نشریه رو عملاً، آخه یه مسئله است. تو می خوی نشریه رو از فیلتر اون کمیته، در واقع مرکزیت دو تا سازمان بگذرونی، در حالی که عملاً این تناقض داره با اون چیزی که خودت گفتی. گفتی نشریه آزاد باشه ...

**حمید اشرف:** ... حال ما در همون جا توضیح دادیم، که اون چیزی

که باعث نگرانی ما شد از آزادی و در حقیقت بعد از اون جلسه ...  
**تقی شهرام:** ... همون بحثی بود که ما گفتیم دیگه، گفتیم بابا  
جون ...

**حمید اشرف:** ... این ممکنه که یه سری موضع گیری هایی بشه ...  
**تقی شهرام:** ... اصلا خیلی چیزها ممکنه ...

**حمید اشرف:** ... یه سری مسائلی طرح بشه توش ...  
**تقی شهرام:** ... ببین رفیق، خیلی چیزها ممکنه، اصلا ...  
**حمید اشرف:** ... که نادرست باشه، یه مقداری اختلال ایجاد کنه در  
بحث ...

**تقی شهرام:** ... باریکلا! ببین ..  
**حمید اشرف:** ... اون ها رو ما یا برمی گردونیم، انتقاد می کنیم،  
اون جنبه هاش و درست بکنند و دوباره بفرستند ...

**تقی شهرام:** ... خب این معنانش یعنی این که آقا جون، ببین، رُک! معنانش این که یعنی تو در واقع کیس رو گذاشتی، یعنی نقطه نظرات خودت رو دادی، اون کسی که آزاد بوده، اون آدم بوده، داده این نظرش هم هست. و این تویی یه دونه سازمان صلاحیت یا من یه سازمان صلاحیت نداریم که فرداً و مستقلاً راجع به این تصمیم، بذار کمیته تصمیم بگیره. تو وقتی می گی آقا می خواد به طرف پس، برگردونی و انتقاد هم بهش بکنی، در واقع نظر خودت رو بهش گفتی، گفتی آقا جون، اصلا این و نگو به این دلیل که این غلط، خُب طرف هم یه چیز دیگه می گه، که تو می گی ...

**حمید اشرف:** ... نه، این چیزی که ما می خواستیم نگه، فقط جنبه های اتهام آمیزی بود که ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، باشه، به هر حال محدود کننده داشت. و این محدود کننده که شما به ما اتهام می زنید، شما گفتید، ما کجا گفتیم؟ یعنی عملاً می دونی تو چه جور می کنی، ما نامه نوشتی، عین اینکه مثلاً تو این دادگاه ها دیدی وکیل مدافع ها مثلاً چه جوری قضیه رو می پیچونن، اصلاً مسئله رو عوض می کنن. برای این که اصلاً طرف مثلاً در واقع مجاب کنن مثلاً دادگاه رو. حال این هم یه

همچنین برخورداریه، پیچونده شده اصلا قضیه، واقعا مثلا، این آره منتش رو می خونیم دیگه، می داریم کنار هم، خودت هم بخون یک بار! که اصلا هیچ ارتباطی با اون بحثی که ما کردیم و نظراتی که دادیم ندادین! ندادی تو. یعنی گفتیم آقا آزاد بودن معنانش این، جواب ندای، عوضش به ما گفتی که شما چکار کردین، ا، بعد ما معتقد به انتخاب مقالات نیستیم، کی ما گفتیم انتخاب مقالات؟ نظرات محدود کننده را نمی پذیریم، کی ما گفتیم، نظرات محدود کنند؟ ما می گیم کنترل مشترک! کدوم محدود کننده تر، کنترل مشترک محدود کننده تر یا فیلتر مستقل هر سازمان؟

**حمید اشرف:** ... کنترل مشترک.

**تقی شهرام:** ... چرا؟

**حمید اشرف:** ... بخاطر این که می تونه جلو بعضی از مقالات رو بگیره. یعنی عملا می دونی چطور می شه ...

**تقی شهرام:** ... نه، ببینید حتی ...

**حمید اشرف:** ... می دونید تصور ما چی بود؟

**تقی شهرام:** ... ها؟

**حمید اشرف:** ... تصور ما این بود که رفقا مسائلی رو نمی فهمند، طرح می کنند ...

**تقی شهرام:** ... خب!

**حمید اشرف:** ... این مسئله می آد تو هیئت تحریریه مشترک ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... حالا این مسئله در این جا می خواد مورد اثباتی قبول قرار بگیره.

**تقی شهرام:** ... نه! اینجا خب بگیره! خب، چه حرفی، هر دو تا شون نماینده دو سازمانند ..

**حمید اشرف:** ... می خواد، قبوله که این مقاله ای که فرستاده درسته یا غلطه و بحث می شه روش ...

**تقی شهرام:** ... نه!

**حمید اشرف:** ... این در حقیقت یه بحثِ درون سازمانی که تبدیل

می شه به بحثِ درون کمیته ای ...

**تقی شهرام:** ... نه، خب الان ...

**حمید اشرف:** ... و عملا ...

**تقی شهرام:** ... نه ببین پس این محدود کننده نبود، کدوم محدود کننده باز می شه؟ این محدود کننده نیست، تو قبول نمی کنی، تو به نماینده گی مثلا رفقای فدایی، می گی ما نه، ما ... ها؟

**حمید اشرف:** ... چه اتفاقی می افته؟ خب روابط شون رو می شه مشخص کرد ...

**تقی شهرام:** ... روابط شون می شه ...

**حمید اشرف:** ... یه طرف قبول نکرد، باید چه کرد؟ روابط مشخص می کنیم، در نتیجه ...

**تقی شهرام:** ... اون جمع، اون جمع ...

**حمید اشرف:** ... یه امکاناتی برا محدود کردن ...

**تقی شهرام:** ... نه! برای محدود کردنِ قدرتِ مثلا در واقع اون جمع کنترلی خیلی عزیزم دموکراتیک تر از اینکه که هر سازمانی مستقلا، آخه این یه ...

**بهروز ارمغانی:** ... آخه، رفیق این طوری نیست، شما می گید که از مثلا اگه یک طرف قبول نکرد، چاپ بشه. آره؟

**تقی شهرام:** ... نه!

**بهروز ارمغانی:** ... یا چاپ نشه؟

**تقی شهرام:** ... آخه اون و دیگه روشن می کنن!

**بهروز ارمغانی:** ... آخه این، آخه ببینید، یک ساعت ...

**تقی شهرام:** ... آخه من یک سوال از تو دارم، ببین، عزیزم اگه ما با تفاهم اینجا مرکزیت دو سازمان و الان نخوایم به هم برخورد کنیم، او دو تا، اون نشریه هم مفت نمی ارزه، باید بریم در سطح جامعه با هم برخورد کنیم.

**بهروز ارمغانی:** ... خب، رفیق ببین ...

**تقی شهرام:** ... یعنی ما این جا بر اساس تفاهمیم، یعنی ما نمی خوایم به هم کلک بزنیم که؟! ...

بهروز ارمغانی: ... الان، مسئله ما این نیست اصلا تو می گی ...  
تقی شهرام: ... ها؟!  
بهروز ارمغانی: ... ببین، مسئله اینجا است که ما یک کمیته  
مشترک قرار دادیم، درسته؟  
تقی شهرام: ... خیلی خب!  
بهروز ارمغانی: ... درسته! یک مقاله اومده ...  
تقی شهرام: ... بسیار خوب.  
بهروز ارمغانی: ... حال این رابطه ای هم الان ما می خوایم  
بذاریم برا این ...  
تقی شهرام: ... بعد مقاله نه ها!  
بهروز ارمغانی: ... نه به طور کلی قرار اون مقالاتی که رفته و  
درون سازمان می خواد درج بشه، می خوایم الان رابطه ای بذاریم،  
درسته؟  
تقی شهرام: ... خب!  
بهروز ارمغانی: ... حالا یه مقاله ای، رابطه مون این باشه اگر یک  
طرف درج، با درج یک مقاله مخالفت کرد، چی می شه؟ چاپ بشه یا  
چاپ نشه؟ راه حل سومی وجود داره به نظر شما؟  
تقی شهرام: ... آخه یه مسئله است، اگر این واقعا این مخالفت  
بکنه، عملا می تونه این فیلتر رو از تو همون در واقع مرکزیتش اعمال  
کنه، یعنی این فیلتر رو وقتی ما یه مقاله ای چاپ بکنیم، شما نخواید  
به دست کادرهاتون برسه، نمی دید! از کجا معلومه که بدید؟  
بهروز ارمغانی: ... چی؟ به دست کادرمون نرسه؟  
تقی شهرام: ... آها؟ ما چون این مقاله، می بخشید ...  
بهروز ارمغانی: ... چرا می گید به دستش نرسه؟  
تقی شهرام: ... نمی دید!  
بهروز ارمغانی: ... آها!  
تقی شهرام: ... یا به دستش نمی دید.  
بهروز ارمغانی: ... خیلی خوبه، بگو چرا!

**تقی شهرام:** ... ها؟!!

**بهروز ارمغانی:** ... چون ما اگر کادری از شما، مطلبی رو نوشت، داد به ما تو نشریه، تو اون نشریه درج شده، و ما اون صفحه رو کندیم و به کادرمون دادیم، به هر صورت این کنده شده اش مشخصه.

**تقی شهرام:** ... [با خنده] اون، من واسه تون توضیح دادم اون دفعه، تاثیر بدی مطرح نیست ...

**بهروز ارمغانی:** ... پس چیه رفیق؟!!

**تقی شهرام:** ... آخه ببین، موضوع سر، اگه شما بخواین، بیاین کنترل از طریق به اصطلاح پرن اول توازی تفاوت نیروها بکنن که اگه چیزی کنده شده یا نه؟

**بهروز ارمغانی:** ... من می گم که اگر می خوان مسدود کننده گی رو مطرح می کنی ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**بهروز ارمغانی:** ... که کنترالش باز هم محدود تر است، خب که این محدود کننده تره!

**تقی شهرام:** ... نه، جد ...

**بهروز ارمغانی:** ... چرا! ...

**تقی شهرام:** ... نه خیلی ...

**بهروز ارمغانی:** ... چون تو می تونی با این مقاله مخالفت کنی و من هیچ کاری نمی تونم در این مورد بکنم.

**تقی شهرام:** ... پس شما یه مسئله ...

**بهروز ارمغانی:** ... در یک صورت اصولی می شه منتفی کرد.

**تقی شهرام:** ... نه اگه شما از این، دیدگاه می خواد ببینی که ما مثلا اونجا یه جمع به قول معروف وتو کننده ای ایجاد کنیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب، عملا وتو کننده هست.

**تقی شهرام:** ... این مسئله این طوری می خواد بشه، واقعا می شه از طرق دیگه عمل کرد.

**بهروز ارمغانی:** ... آخه ببین رفیق تو، قبلا یه صحبتی کردی ...

تقی شهرام: ... ها!

بهروز ارمغانی: ... الان باز دو باره برگردیم به همون صحبت ...

تقی شهرام: ... ها.

بهروز ارمغانی: ... علت این که این نشریه طرح شده، ا، به اصطلاح یک به همین ترتیب به، یعنی ساده نبوده. تو خیال می کنی که تو هم ما ها نمی تونیم بگیم گارانتیه، تو هم نمی تونی بگی گارانتیه! ...

تقی شهرام: ... بله.

بهروز ارمغانی: ... این واقعیتا، این بوده!

تقی شهرام: ... هوم!

بهروز ارمغانی: ... که این شک و تردید بین دو تا سازمان بوده این تش ...

تقی شهرام: ... بعله!

بهروز ارمغانی: ... که بعضی مسائل با کادرها اصلا طرح نشده!

تقی شهرام: ... درسته. خب ما هم این و داریم، ما هم به همین دلیل این نامه ها رو برداشتیم نوشتیم ...

بهروز ارمغانی: ... آها ولی ...

تقی شهرام: ... که مثلا ما این طوری طرح کردیم که مثلا فرض کنید که واقعا شما می خواید نظرات خودتون رو هم به کادرهای خودتون، هم به کادرهای ما بقبولونیم بدون این که در واقع او نظرات دیگه ای رو اگر ما بتونیم یه موقع ندید، یه موقع وتو کنید ...

بهروز ارمغانی: ... درسته همون، اینجا یک نکته اساسی بوده و درسته خیلی مسئله کوچک هست ولی ...

تقی شهرام: ... خیلی ...

بهروز ارمغانی: ... ولی توجه نکردید به این قضیه!

تقی شهرام: ... ها! بگو.

بهروز ارمغانی: ... اون هم اینه، اگر یه نشریه، مثلا شما شیش تا مقاله داده باشید و ما شیش تا مقاله داده باشیم می شه دوازده تا مقاله در صد و بیست صفحه چاپ بشه ...



تقی شهرام: ... نه، من این و بهت می گم ...  
بهروز ارمغانی: ... احیانا، این صد و بیست صفحه بشه نود تا  
بشه...

تقی شهرام: ... تو اگه اومدی، گفنی آقا از نظر ما ...  
بهروز ارمغانی: ... سازمان پس مسئولیتش چیه، سی صد و چی  
چاپ بشه؟ هزار صفحه ...

تقی شهرام: ... نه، این و بگو، آخه شما نشریات موافق، موافقت  
نمی کنید، چون، چی می گید، می گید هر کنترل در واقع، سیستم  
کنترلی شما این طوری خواهد بود. مثلاً یه مقاله هم ممکن ما بدیم،  
شما تو همون سیستم کنترلی تون می گید آقا این نمی گنجه توش و  
ما این و تو نشریه نمی آریم!

بهروز ارمغانی: ... نه رفیق، اشتباه شده در این مورد، ما گفتیم  
این کار نیروهایه هست در هر دو سازمان ...  
تقی شهرام: ... آها!

بهروز ارمغانی: ... هر مقاله ای رو که رد کردن بایست چاپ  
شه ...

تقی شهرام: ... نه، این و این جور نیاوردین!

بهروز ارمغانی: ... در همون نامه این صحبت و کردیم ما ...

تقی شهرام: ... کو کجاست؟ این و بیارید ببینیم، این دو تا ...

بهروز ارمغانی: ... البته دقیقا نظر ما ...

تقی شهرام: ... دو تا نامه شما ...

بهروز ارمغانی: ... ببین رفیق، اجازه بده ...

تقی شهرام: ... دو تا نامه ...

حمید اشرف: ... رفیق اگر ما غیر از این نظر مون بود ...

تقی شهرام: ... ببین این و بخون ...

بهروز ارمغانی: ... چه ...

حمید اشرف: ... ما این و می گیم چون نظر ما واقعا این بوده ...

تقی شهرام: ... ببین دو تا نامه، حالا هست، اگه تو از این در



بهروز ارمغانی: ... درسته؟

تقی شهرام: ... آها.

بهروز ارمغانی: ... پیشنهاد ما چی بود؟

تقی شهرام: ... ها!

بهروز ارمغانی: ... پیشنهاد این بود که هر مقاله ای که داده بشه

چاپ شه. درسته؟ این پیشنهاد ما ها بود ...

تقی شهرام: ... حالا هر چی ...

بهروز ارمغانی: ... رفقا مطرح کردند که تمام چاپ بشه، درسته؟

رفقا طرح کردن که این به یه لیبرالیزم منجر می شه! بعدا اتفاقا این

پیشنهاد از طرف من بود، ما با رفیق با علی<sup>۶</sup> صحبت کردم گفتم،

ببینید به نظر من کمیته های در دو سازمان تشکیل بشه، که این ها

مقالات خودشون کنترل کنند ...

تقی شهرام: ... خب.

بهروز ارمغانی: ... بعدا بدن چاپ شه ...

تقی شهرام: ... هوم.

بهروز ارمغانی: ... یعنی بر اساس اون صحبتی که رفقا کرده

بودن، من این نظر و دادم، گفتم که درست هم است این، اگر یک

سازمانی مقالات خودش و کنترل نکنه، احیانا یک کادری از یک

سازمان که به علتی حالا این یه رفیق اساسی هم نیست و باید

آموزش ببینه، نخواد یه مقاله ای را بنویسه که در خور ...

تقی شهرام: ... من نفهمیدم چی ...

بهروز ارمغانی: ... برخورد باشه ...

تقی شهرام: ... پس ببین، رفیق عملا دیگه آزاد نیست، برخورد از

دو تا کانالِ دو تا سازمان، تحت مسئولیت جداست ...

بهروز ارمغانی: ... آره، آره حالا توضیح می دم از کجاست،

اجازه بدین از کجاست؟! فرق این دو تا، الان بایستی یه خورده

روشن بکنم ...

---

۶ - یکی از نام های مستعار رفیق بهرام آرام.

تقی شهرام: ... خب.

بهروز ارمانی: ... فرض کنید مرکزیت سازمان ما یک مقاله که من نوشتم چاپ نکنه!

تقی شهرام: ... خب.

بهروز ارمانی: ... درسته؟

تقی شهرام: ... درست.

بهروز ارمانی: ... من از مرکزیت سازمان خودم می خوام که علت چاپ نکردن رو برای من بگو! ...

تقی شهرام: ... دلیل می آره برات!

بهروز ارمانی: ... آ، تو نشریه داخلی با من برخورد می کنه! درسته؟

تقی شهرام: ... چی؟ نشریه داخلی کدومه؟ ...

بهروز ارمانی: ... تو نشریه داخلی خودمون ...

تقی شهرام: ... آها!

بهروز ارمانی: ... با من برخورد می کنه! ...

تقی شهرام: ... می گه به این دلیل نیاوردیم!

بهروز ارمانی: ... آها!

تقی شهرام: ... ولی این مجاب، تُو مهم نیست، مهم این که ما هم اون وقت این ور یه کاری درگیر هستیم. ما بیاییم دلایلی آگه ما هم می دونستیم یه دلایلی می آوردیم که ممکن بود، نظر، دلایلی که تو رو آورد مجاب کرد دیگه کافی نبوده باشه ...

بهروز ارمانی: ... نباشه و درست هم هست، این درسته.

تقی شهرام: ... ولی این جا در واقع قضیه ...

بهروز ارمانی: ... ببین، ولی مسئله چیز دیگه است ...

تقی شهرام: ... ها؟! ...

بهروز ارمانی: ... ولی هر مقاله ای که از طرف یک سازمان داده می شه، اون یکی دیگه مجبوره که چاپ کنه ...

تقی شهرام: ... حال دیگه، شما تاکید نکردید، راجع به این ...

بهروز ارمغانی: ... چرا رفیق، همین بحث، بحث ما این بود که ...  
 تقی شهرام: ... و این برا ما مشخص نبود ...  
 بهروز ارمغانی: ... این جواب فکر ما بوده ...  
 تقی شهرام: ... این روشن نیست ...  
 بهروز ارمغانی: ... چرا رفیق جان! شما اگه توجه می کردین به  
 اون پیشنهاد اول ما ...  
 تقی شهرام: ... ببین ...  
 بهروز ارمغانی: ... شرایط عموم رو می رسوند.  
 تقی شهرام: ... آخه، این نامه ها تون که گویا تر! پیشنهاد چیه؟  
 بهروز ارمغانی: ... ما بر اساس همین نوشتیم که اون پیشنهاد  
 اول ما رو پذیرفتید یا نه؟ به طرف گوش دادید! فهمیدید که ما می  
 گیم هر مقاله که بیاد چاپ می شه. خب.  
 تقی شهرام: ... اولاً این که برا مون مشخص نبود!  
 بهروز ارمغانی: ... چرا، این پس که تو اون نوار<sup>۷</sup> که همین که ما  
 گفتیم که هر نوع مقاله ای بیاد چاپ شه ...  
 تقی شهرام: ... خب، بعدا این، این مسائل محدودش کرد ...  
 بهروز ارمغانی: ... بعد ما گفتیم، آره ...  
 تقی شهرام: ... بخون! اینا محدود کرده است ...  
 بهروز ارمغانی: ... محدود کرده است به شرطی ...  
 تقی شهرام: ... و این محدودیت ...  
 بهروز ارمغانی: ... که اون مقالاتی که ما می گیم بیاد ...  
 تقی شهرام: ... این، این و دیگه باید اینجا توضیح می دادین،  
 اولاً ...  
 بهروز ارمغانی: ... آها!  
 تقی شهرام: ... باید وقت کرد، ما دلیلی نداره ...  
 بهروز ارمغانی: ... منظور ما از حرف های شما این شد، که شما

---

۷ - منظور نوار جلسه، آذرماه، که در نوارهای پیشین رفقای مجاهد می گفتند که  
 کیفیت صدایش خوب نبوده است.

گفتید که بله این محفل درست کرده این هست ...

**تقی شهرام:** ... نفهمیدم!

**بهروز ارمغانی:** ... چه اعلام بشه چه نشه! وقتی مقاله در رابطه با

مثلا سازمان مجاهدین به ما داده بشه، این چاپ کنین، این ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... خود به خود، به طور اتوماتیک به طور به

اصطلاح ارگانیک ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**بهروز ارمغانی:** ... اون محدودیت سازمانی درش اعمال شده و رد

شده!

**تقی شهرام:** ... آها!

**بهروز ارمغانی:** ... چه این اعلام بشه چه اعلام نشه!

**تقی شهرام:** ... آها! خب پس بنابر این، ها، گوش کن!

**بهروز ارمغانی:** ... ما پس چه اعلام هم بکنیم! در اون پاسخمون

هم گفتیم.

**تقی شهرام:** ... آخه ما اون طوری معتقد نبودیم، ما برای این که

جدیدا دمکراتیک تر و باز تر و آزاد تر باشه در هر حال، گفتیم اصلا

نیاریم از این کانال بیاریم یه دفعه کانال مرکزیت دو سازمان، از یه

کانال در واقع فوق مرکزیت دو سازمان بذاریم، یه کانالی که همون

کمیته مشترک می تونست اون و حل کنه، پس این جا دیگه نمی شد،

این امکان نداشت که، در واقع اگر یه دلیلی می آوردیم برای مثلا

فرض کنید که عدم طرح این ...

**بهروز ارمغانی:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... اگر ...

**بهروز ارمغانی:** ... مقاله ای می اومد، شما می گفتین مثلا این و

چاپ نکنیم، فرض کنیم ...

**تقی شهرام:** ... ما می گفتیم مثلا چاپ نکنین شما؟

**بهروز ارمغانی:** ... ما ...

**تقی شهرام:** ... اجازه بدید، شما می گفتین چاپ نکنین، شما در

واقع می تونستید به کادرها تون به اندازه کافی، لااقل برای کادرهای خودتون، هم دلیل ما رو بیارید، که ما می گیم چاپ نکنید، هم دلائل خودتون رو بیارید.

**بهروز ارمغانی:** ... یعنی ما یه دوره فقط ...

**تقی شهرام:** ... دقت می کنید؟ در حالی که ...

**بهروز ارمغانی:** ... اون هم این که، اون مقالاتی که شما می گفتید چاپ بکنید و در دسترس همه بذاریم هیچ، مقالات خودمون رو چاپ کنیم.

**تقی شهرام:** ... حتما باید چاپ می کردید، یعنی براتون ...

**بهروز ارمغانی:** ... گفتیم که این بار ...

**تقی شهرام:** ... آزاد بود این چون ...

**بهروز ارمغانی:** ... این دم دسته، گفتن چاپ نکنین ...

**تقی شهرام:** ... ا، بله، مسلمه، شما این کار رو بکنید، ما هم باید بکنیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... حالا، به نظر من ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... این برخورد به اصطلاح ...

**تقی شهرام:** ... البته، ما مجبور بودیم این برخورد بکنیم ...

**بهروز ارمغانی:** ... پیچیده ایه ...

**تقی شهرام:** ... ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... شما تو این اینجا، وقتی یه مسئله رو مطرح می کنید، مثلا خیلی ساده به نظر می رسه، ولی مسلما پیچیده تر می شه دیگه!

**تقی شهرام:** ... ببین رفیق آخه مجبوریم، تو اینا را بخون، تو این رو بخون. تو این نامه ها رو خوندی این رفیق نوشته؟

**بهروز ارمغانی:** ... من نمی گم این نامه ها رو بر اساس اون گفتگو بخونم یه برداشت دیگه می کنم ازش، اگر نه بر اساس هفت و هشت، الان متی تو بخون یه برداشت دیگه می کنم

**تقی شهرام:** ... مخصوصا اون کلمه شعار آخر اون رفیق، "

کمونیست های واقعی"، خیلی چیزها می رسونه! اتفاقا اون نامه خیلی قابل توجه از این نظر، که رفقا حتی با یه مثلا ما احساس کردیم با یه مشکوکیتی که ما مجبور بودیم مشکوکیت پیدا کنیم! برخورد می کنند با ما خیلی در واقع به اون شکل، که مستتر تو قضیه و بعد هم اون شعار آخرش که مثلا "به امید وحدت نیروهای کمونیست واقعی"<sup>۸</sup>، که مثلا گویا خب خیلی حرف توش، آدم خیلی می تونه حرف بزنه. ما خیلی می تونستیم مثلا موضع بگیریم، خب توضیح بدیم. خیلی، خب آره، کارهای زیادی می شه کرد. همین جمله ای که اینا، همین رفقا نوشتن همین رفیق، هر کی که نوشته یا شما نوشتید، خب همین یه مضمونه یه بحثه جدلی نمی دونم فلان و تو نشریه باز می کنه. ما باید الان تمام نیروهامون و بذاریم رو زمین بریم سر این که این بحث ها رو بکشیم به میون و چرا تو حالا گفتی واقعی این معنی اش اون، فلان، بهمان از این حرف ها. خب، اوه این قدر می شد زد که حد و حساب هم نداره.

**بهروز ارمغانی:** ... ولی خب، بهتر هدف هم همین باشه ها!

**تقی شهرام:** ... ها؟

**بهروز ارمغانی:** ... یعنی هدفمون همین باشه.

**تقی شهرام:** ... نه آخه، هدف اجبارا کشیده می شه. ببین، این رفیق وقتی تو اولین نامه اش چنین برخوردی رو می کنه، الان من نمی دونم رفقا ...

**بهروز ارمغانی:** ... خب این هم باز مجددا یه چیز دیگه می شه، چون به اصطلاح باز این تمایلات ما اون نوشته ها رو تعیین نمی کنه ...

**تقی شهرام:** ... آخه ببین، چی جوری می شه ...

**بهروز ارمغانی:** ... و اون ضرورت هاست که مجبور می کنه ما ... رو

**تقی شهرام:** ... آخه برای این که معلومه که ...

---

۸ - اشاره به شعار پایانی سچفا در نامه اول به س م خ ا است.



**بهروز ارمغانی:** ... بیشتر دقت کنیم ...

**تقی شهرام:** ... برای این که مسئله اینجاست که از یه نقاط در واقع روشنی قضیه روشن، بحث آغاز نشده، ما باید کلی سر و کول هم بزنیم تا پی ببریم که مثلا فرض کنیم که یه مسئله خیلی مثلا سو تفاهم و جزیی بوده و اساس قضیه هنوز، هنوز مونده، الانش هم کلی باید کار کنیم تا به اصل مسئله برسیم. الان ما تو این جلسه داشتیم که به مسئله مثلا راجع به مسئله جبهه با هم بشینیم با رفاقا بحث کنیم و به یک نقطه نظر واحد برسیم. این و باید دنبالش رو گرفت. این و نباید ول کرد. به هر حال نتیجه کلی از بحث ما صبح تا شب این شده این و باید کجا دنباله اش رو گرفت؟ این جاش تو نشریه است؟ بره تو نشریه. چون بحث این جمع؟ باید بریم دنبالش. یعنی الان ما به این نقطه رسیدیم، بذارین حرف مون رو راجع به جبهه تموم بکنیم، به یه نقطه ای می رسیم که خیلی از مسائل در چشم انداز هاش باز می شه. می دونی این و می خوام بگم که مسئله ای که ما می خواستیم پیش ببریم تو همین نشریه، واقعا یه شماره به دو شماره نرسیده، اصلا شاید مثلا جریان اختلاف تو یه مرحله اصلا کلی افزایش می داد. چون واقعا این جواب هایی که کلا تهیه دیده شد بر همین مواضع شما، واقعا یه چیزهایی، جواب های مثلا، خیلی مثلا فرض کن ا، چیزی بوده یعنی واقعا بدبینانه ای بود، خیلی. خب الان مسلما چنین موضعی نخواهد بود. اینا منتقل می شه، خب می گیم، ما نه آقا این قضیه به این شکل نبوده، مثال می زنم ببین، امروز ما نشستیم صحبت کردیم یه دفعه می گه مثلا راجع به جریانات، اون رفیق<sup>۹</sup> هم هست؟

**حمید اشرف:** ... صحبت می کنه!

**تقی شهرام:** ... ها! راجع به، تو نبود<sup>۱۰</sup>، راجع به این عکس مسلسلی که احساس می شد که تو پشت جلد ارگان شماره شش

۹ - منظور رفیق حمید اشرف است.

۱۰ - به خاطر این که گفتگوها از پشت پرده است و افراد فقط از طریق صدا، حضور همدیگر را تشخیص می دهند. در اینجا اشاره رفیق شهرام به عدم حضور رفیق اشرف در دقایق پیش از این بوده است.

شما هست، راجع به رفیق جعفری<sup>۱۱</sup>، مثلاً ما به این انتقاد داشتیم، می دونی این و مثلاً می داشتین در کنار خیلی چیزهای دیگه، به این انتقاد داشتیم. این و خیلی می گیم از این جهت واقعا این روشن نمی شد برای ما، این برا ما یه معنای ایدئولوژیک داره. دقت می کنید. به معنای نه فلسفی اش ها، ایدئولوژیک به معنای خصلتی و روحی. که این چیه مثلاً تو این رفقای فدایی این جریان چیه مثلاً توشون مثلاً قهرمان سازی هست، قهرمان نمی دونم ایجاد کردن گرایشات قهرمان پرستانه است تو جنبش مثلاً. یه همچین راه انداختنی یه چنین معیارها و مسائلیه مثلاً به راه انداختن یک چنین جریاناتی، می دونی این مثلاً کلی ممکنه تبدیل به این مسائل بشه. ولی خب از یه طرف می گه ما حرفی نداشتیم، این هم همین طوری اتفاقی بوده، بعد هم رفقا مون هم جهت انتقادی داشتند، یه دفعه یهو قضیه رو عوض می کنه، ما نمی خوایم به ساده اندیشی دچار شیم یا خیلی خوش خیال بشیم ها، ولی خب از او یک دستش خیلی می اندازه! متوجه شدی چی می خوام بگم؟ یعنی این مسئله به هر حال تو این جریانات نمی دونم چی می گن همین بحث وحدت و نشریه وحدت، خیلی به یه شکل خیلی وسیعش منتشر می شد و برخورد می شد و خیلی حالا مسائلی به وجود می آورد که به قول این رفیق می

---

۱۱ - رفیق علی اکبر جعفری با نام مستعار خسرو که در سال ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمد و در حادثه راندگی بین راه تهران و مشهد در دوم اردیبهشت ۱۳۵۴ در طی ماموریت سازمانی به شدت زخمی شد و به اجبار توسط رفیق همراهش، رفیق شهید محمد حسین حق نواز با دو گلوله به شهادت رسید. در نبرد خلق شماره ۶ که ارگان سازمان چریک های فدایی خلق ایران است، در صفحات پایانی آن نوشته مفصلی درباره زندگی این رفیق نوشته شده است. تاریخ انتشار این نشریه بر روی جلد، اردیبهشت ۱۳۵۴ است اما همان گونه که در نوارهای پیشین گفته شد، این نشریه به خاطر مشکلات تشکیلاتی و تدارکاتی تا مهر ماه ۱۳۵۴ منتشر نشد. در این مورد به زیر نویس شماره ۱۰ از نوار هفتم مراجعه کنید. گزارش شهادت رفیق جعفری را هاشم (عباس هاشمی) در مجله آرش ۱۰۲ با عنوان: "کتاب سیاه و اطلاعاتی های سیاهکار!"، نوشته است. این متن در این سایت هم قابل دسترسی است:

[http://asre-nou.net/php/view\\_print\\_version.php?objnr=2596](http://asre-nou.net/php/view_print_version.php?objnr=2596)

که ما اون جلسه به این دلیل مسئله هیئت تحریریه را به مقدار عقب انداختیم، دیدم که حالا این بحث‌های مثلا اینجا اساسا سازنده نیست. ولی رفیق نمی‌آد بگه آقا این بحث‌ها سازنده نیست، یعنی مسئله رو از اینجا حل نمی‌کنه، نکرده. خب انتقاد هم به هر دو مون وارده و الآن من فکر می‌کنم که قضیه نشریه و یا هر چیز دیگه ای رو ما براش واقعا الان باید دیگه نمی‌تونیم به جریان مثلا حتی مشخصا معلوم کنیم که رفقا راجع به چی دارن صحبت بکنن یعنی در واقع براشون خط تعیین کنیم، وظیفه رهبری دو سازمان اینه که اگر مسئله حتی نشریه رو هم داریم پیش می‌بریم و واقعا هم این ضرورت داره که ما معتقدیم که ضرورت داره ببینیم درباره چه، درباره چه مسائلی؟ می‌دونی درباره مسائل ایدئولوژیک، استراتژیک؟ به طور مشخص چه نقاطی از ایدئولوژی چه نقاطی از استراتژی؟ یعنی اگر مثلا مسائلی الآن اینجا واقعا روشن برای رفقا اینا منتقل پیدا بکنه، بشود کار را و واقعا بحث وحدت از یه نقطه عزیمت بالاتری شروع بشه. اگر واقعا الان یه نقطه استراتژیکی قابل بحث هست بین ما که این می‌تونه کلی از مسائل رو حل کنه و به یه نقطه رسیدیم جخت بحث بذاریم وقت بذاریم بشینیم حل و فصلش کنیم و با احساس مسئولیت واقعا راجع به این قضایا کار بکنیم. این نتایج عملیه و این هیچ تناقضی هم نداره یعنی یه مسئله که شما مطرح می‌کنید دور مسئله نشریه و این برخورد از بین توده‌های دو سازمان، ما در عین این که قبول داریم، در عین حال هیچ تناقضی نمی‌بینیم با این که این مسئله رو به این شکل هم چه کار کنیم پیش ببریم و به هر حال به نکاتی برسیم به یه نقاطی برسیم ...

**حمید اشرف:** ... این و چه طوری پیش ببریم بالاخره؟

**تقی شهرام:** ... پیش ببریم، یعنی من معتقدم که الآن مثلا، مسئله جبهه مطرحه ببینید، در اول صحبت یه مسئله ای رو طرح کردین که واقعا ما تو این جریان وحدت به طور، یعنی می‌تونیم بگیم معیارهایی قرار بدیم، یعنی ما یه فکری کردیم راجع به یه پیشنهاداتی کلا داشتیم که بیاییم یه محوری رو بگیریم یه محوری بگیریم راجع به حرف راجع به کارهای وحدت مون و این مسئله هم

منافع جنبش باشه، ما از نظر گروهی ما این تصمیم رو گرفتیم که به طور مشخص هر جا که با این منافع یعنی منافع جنبش در رابطه در تضادی قرار گرفت با منافع سازمان ما، ما حاضریم ازش بگذریم. یعنی اصلا در این باره کاملا حاضر به هر گونه انعطاف یا هر گونه در واقع پذیرشی هستیم و فکر می کنیم اون چیزیه، اون نقشیه که ما باید ایفا کنیم یعنی واقعا منافع مردم و منافع توده هاست و باید بهش پاسخ بدیم. ما اینجا نمی تونیم در واقع منافع مردم رو معطل کنیم به خاطر یه سری مثلا احیانا یه جریاناتی یه سری تفکرات ذهنی خودمون یا یه سری حتی اختلافات جزئی. می گم، پوشیده نمی کنم، ا نباید ماست مال کرد مسائل اصولی یا انحرافات اصولی یا اختلافات رو ها. ولی این و باید واقعا، وقتی این ضرورت رو احساس می کنیم وقتی شما واقعا احساس می کنید، مسئله وحدت رو، قبول دارید، مسئله حل کن هست در جنبش، و خیلی از مسائل سیاسی و استراتژیک جنبش رو حتی، حتی مسائل سیاسی استراتژیک ها، حل می کنه، از قبیل همه اون مشکلاتی که اون جا در مقابل مون قرار داره، از قبیل نمی دونم توده ای شدن، فلان و این ها، یه گام خیلی درواقع مناسب و قاطع ای هست، پس باید واقعا محکم گرفتن حرفش رو و وقتی محکم گرفت به این معنی است که مسئولانه باش برخورد کرد، واقعا وقت گذاشت برایش و از یه سری منافع کوچک و جزئی هم چیه و منافعی که در این جریان باید فرار کرد، باید از دست داد. حال منافع گروهیه، فردیه، هر چی هست. وقتی منافع مردم هست، اساسا اون تعیین می کنه. ما به طور گروهی این را اعلام می کنیم این و حاضریم از این ها بگذریم. حتی برای رسیدن به این می تونیم چارچوب هایی پیشنهاد بکنیم. نمی دونم رفقا کلا آمادگی دارن در این باره بحث بکنیم، بحثی بکنیم یا نه؟

**حمید اشرف:** ... در رابطه با نشریه؟

**تقی شهرام:** ... نه همین در رابطه با پیشنهاداتی که در جریان همین وحدت هست و پیشنهادات عملی یعنی به طور مشخص.

**حمید اشرف:** ... ما آماده ایم که نقطه نظرات شما رو بشنویم ...  
**تقی شهرام:** ... می دونم آماده هستید ولی یه شرط داره، به شرطی که ما بفهمیم، شما همان اندازه که ما به مسئله اهمیت می دیم یا بهش رسیدیم واقعا شما هم اعتقاد دارید، یعنی مسئله اینجاست که یه طوری نشه که اصلا ما یه چیز دیگه ای بگیریم، حرف دیگه ای بگیریم، شما هم یه حرف دیگه ای بگید. اصلا ظاهر حرف هامون یکی باشه و از یک حرف دو تا اراده متفاوت بکنیم. یعنی واقعا ما معتقدیم که مسئله وحدی یه مسئله جنبشیه یعنی مربوط نیست به اراده مثلا من و شما و یا یه سازمان و دو تا سازمان. چیزی که واقعا امروز ضرورت منافع مردم چنین چیزی رو اقتضا می کنه، یعنی واقعا این و شما نیاز دارید؟ احساس می کنید به این شکل، گویا مثلا این طوری که مثلا شاید مثلا رفقای مربوط این طوری احساس کنند که نه ما به اندازه کافی مثلا خب قوی هستیم، فکر می کنیم که یک سازمان هم می تونه مثلا رشد بکنه مثلا، به هر حال برسه به اونجایی که مثلا احیانا حزب تشکیل بده، احیانا مثلا بتونه در جریان رشد و تداوم خودش، مثلا نیروهای جنبش رو سمت بده، جلب کنه هدایت کنه، اگر ...

**حمید اشرف:** ... بین رفیق مسئله برای ما این که یک سازمان رشد می کنه و به ...

**تقی شهرام:** ... نه بین!

**حمید اشرف:** ... این جا ها می رسه نیست.

**تقی شهرام:** ... آخه، بین، آخه چون عملا ...

**حمید اشرف:** ... مسئله ما اینه که ...

**تقی شهرام:** ... تو عملا چنین چیزهایی دیدی، می شه که به طور مخفیها! اصلا مشخصا نمی تونم بگم ...

**حمید اشرف:** ... به طور روراست ...

**تقی شهرام:** ... ها!

**حمید اشرف:** ... مسئله ما این هستش که جریان جنبش به شکل اکتیوش پیش بره ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، خیلی خوب.

**حمید اشرف:** ... به طور مشخص و ضمنا ...

**تقی شهرام:** ... ببین، جریانات اخیر ...

**حمید اشرف:** ... اختلافات اگر هست، خطوط فاصلش روشن بشه، مسائل روشن بشه و در جاهایی که تضاد وجود داره مبارزه صورت بگیره.

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... و جریانات، به شکل اصلیش پیش بره، چیزی پنهان نمونه و حل بشه، در عمل مسائلی که درست هستند و نقطه نظراتی که درست هستند، خودشون رو اثبات بکنند.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، اینا یه مسائلی کلی و عمومی و قابل قبولی هست.

**حمید اشرف:** ... این به طور مشخص نظر ما هست در این رابطه ...

**تقی شهرام:** ... مسائل عمومی و کلی قابل قبولی هستند. ما در این باره خب مسلما نمی تونیم مخالفتی داشته باشیم. و این شیوه عمل ماست که معلوم می کنه که چقدر در واقع به این پاسخ بدیم به این قضایا، آیا احیانا اگر ما مسئله وحدت رو طرح می کنیم این دقیقا معنایش اینه که مثلا ما می خوایم بیایم به این معنا سازشکاری مثلا در اصول یا با ضعف هاست، آیا شما چنین در واقع چیزی بلافاصله به ذهنتون تبادر می کنه یا نه؟

**حمید اشرف:** ... وقتی که ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... مسائلی که داریم حل نشده باشه ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب ...

**حمید اشرف:** ... خب چیز دیگری نیست ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، ولی این مسئله رو من طرح می کنم که، آیا ما چه گام هایی الان داریم بر می داریم برای حل مسئله؟ مثلا نشریه یه چیزی، این قبل قبول، آیا گام دیگه ای نمی خوایم بر

داریم؟ یعنی شما هیچ پیشنهادِ دیگه ای هیچ گام دیگه ای، هیچ راه دیگه ای ...

**حمید اشرف:** ... والله ما مسائلی داشتیم ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... و الان هم علیرغم بحث هایی که امروز داشتیم که خیلی روشن کننده بود و سازنده بود.

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... فکر می کنیم که بهتر این مسائل، در جریان یک بحث کتبی ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... بهترین شکلش هم همون نشریه بحث هست، صورت بگیره و این مسائلی هم که اینجا طرح می شه در سطح سازمان ها به بحث گذاشته بشه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این به نظر من بهترین شکل مسئله است. یعنی اگه ما بتونیم، موضوع رو در سطح رفقای سازمان ها به بحث بذاریم و حلش بکنیم، این یه چیزیه که وحدت رو، بهترین زمینه رو واسه وحدت ساختیم.<sup>۱۲</sup>

**تقی شهرام:** ... آخه مسئله اینجاست که قضیه ای که شما طرح می کنید راجع به مسئله وحدت اگر فقط اون به این قضیه ما اکتفا بکنیم، معنانش، یک معنای این اینه که ما از هر جریان آگاهانه ای، یعنی از هر جریان رهبری کننده ای چشم پوشی می کنیم ...

**حمید اشرف:** ... ببین رفیق ...

**تقی شهرام:** ... و افسار قضا یا رو ...

**حمید اشرف:** ... از هر جریان رهبری کننده چشم پوشی نمی کنیم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

---

۱۲ - رفیق اشرف در اینجا برای اولین بار مسئله وحدت دو سازمان را مطرح می کند.

**حمید اشرف:** ... ولی خواهان برخورد کمیته ای هم با مسائل نیستیم!

**تقی شهرام:** ... خب، این پس دلیلی داره، پس شما این و از اول مطرح بکنید. برخورد کمیته ای یعنی چی؟ این ...

**حمید اشرف:** ... برخورد کمیته ای یعنی برخورد از بالا باشه ...

**تقی شهرام:** ... آها، اصلا نیست دیگه، این دلایل مشخص تون راجع به این قضیه چیه؟

**حمید اشرف:** ... دلایل مشخص ما این هستش که، یک سری از برنامه هایی رو که ...

**تقی شهرام:** ... اهوم!

**حمید اشرف:** ... یعنی اگر ما در جریان کارهامون، حتی در رهبری ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... اشتباه کرده، ضعف هایی داشته، چون رهبری مشخصا، به طور مشخص هم، گذشته از جریانات سازمانی یه سری منافع خاص خودش هم داره.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و تبعاً برایش مشکلاتی فراهم می شه. در رابطه با یه سری مسائلی که اشتباه بوده و این ها، مطرح بشه، این ها باز بشه، این ها ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... روشن بشه ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ما می خوایم که این در رابطه با به اصطلاح منافع، مسئله باهانش برخورد نشه و حل نشه. بلکه مسائل به شکل واقع بینانه اش، البته ما هدفومون هم جنجال بر سر مسائل نیست. ما می خواهیم که برخورد کمونیستی بشه. انتقادات هست مطرح بشه. جلوش به خاطر این مصلحت و اون مصلحت گرفته نشه و به خاطر همین هست که پیشنهاد می کنیم رفقای سازمان رو در جریان



مسائلی که توی این جلسات اداره کننده، جلسات عناصر اداره کننده سازمان ها وجود داره، بذاریم و حتی به شکل مستقیم بذاریم شون، بذاریم خودشون سوال کنند و جواباشون رو بشنوند.

**تقی شهرام:** ... یعنی چی، سوال کنند؟

**حمید اشرف:** ... همین، در اون نشریه ها، در اون نشریه نظراتشون رو بدن، سوالاتشون رو مطرح بکنند. مثلاً شما از ما سوال می کردید، آقا در موردِ مثلاً چین کمونیست سیاست داخلی اش با سیاست خارجی اش مخالفه یعنی چی؟ این مسئله چیه؟ چیه نقطه نظرتون؟ این و باید جواب بدید، به طور مشخص. و نقطه نظرمون رو مشخص بکنیم. مواضع مون رو مشخص بکنیم. اگر وضعی در این هست مشخص بشه. واسه خودمون هم مشخص بشه راضی هستیم. اگه وضعی نیست باز هم مشخص بشه. و به هر حال قضایا حل بشه.

**تقی شهرام:** ... بعد ...

**حمید اشرف:** ... قضیه ای رو به اصطلاح ما باهاش خلاصه می گم برخورد کمیته ای نکنیم.

**تقی شهرام:** ... آخه یه مسئله هست اینجا ...

**حمید اشرف:** ... برخورد کمیته ای ...

**تقی شهرام:** ... تو همچین می گی برخورد کمیته ای، گویا که مثلاً فرض کن دو تا باند دزد نشستند می خوان با هم صحبت بکنند، و این مثلاً سر بقیه رفقاشون هم می خوان کلاه بذارند. و درباره اونا دارن صحبت می کنند، درباره مثلاً برنامه ای که ...

**حمید اشرف:** ... اگه ما قضیه رو بکشیم به این دو تا باندِ دزد، اصلاً ...

**تقی شهرام:** ... آها، ببین مسئله به این ترتیب ...

**حمید اشرف:** ... در حقیقت نفی این مسئله ...

**تقی شهرام:** ... آها! به این ترتیب ...

**حمید اشرف:** ... و هیچ نوع برخورد کمیته ای وجود نداره اصلاً و یه استنباطِ نادرست ...

**تقی شهرام:** ... ها، نه، آخه مسئله اینه که گویا مثلا کمیته یه چیز بدیه یا برخورد مثلا رهبری دو تا سازمان یه چیز غلطیه! یا اصلا یه چیز خیلی زشتیه.

**حمید اشرف:** ... نه یه چیز زشت نیست ...

**تقی شهرام:** ... آها! تو باید این نکته رو دربیاری ...

**حمید اشرف:** ... برخورد رهبری ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... باید وجود داشته باشه ...

**تقی شهرام:** ... این و باید روشن بکنی ...

**حمید اشرف:** ... ضمن این که برخورد بین کادرها وجود داشته باشه!

**تقی شهرام:** ... ها، ما با این موافقیم، این همون چیزیه که در اول بحث عنوان کردم ...

**حمید اشرف:** ... به خاطر همین هم هست ما، کما این که ...

**تقی شهرام:** ... آها! در حالی که شما ...

**حمید اشرف:** ... در ارتباط با نشریه، منتظریم که نشریه راه بیافته، ما روابط عناصر اداره کننده رو هم برقرارش می کنیم، به خصوص در رابطه با اون نشریه، حتی برا ما این مسئله مطرح بود که این نشریه شروع کنه وه کار، ما زمینه های وحدت رو تو خود این نشریه می تونیم پیدا کنیم. علیرغم تمام مثلا، انتقادات و مسائلی که مطرح می کنند، مثلا شما اگه از ما انتقاد می کردین تو این، همون، همین مسئله رفیق، عکس رفیق جعفری رو، ما چه چیزی داریم، که بیاییم مثلا برخورد نادرستی بکنیم، اگر نادرست بود حتی اگر اون جریان مثلا قهرمان سازی و این ها واسمون مطرح بود و واقعا جریانی بود توی رفقا، اصلا خیلی خوب بود، طرح می شد، ما اصلا راضی بودیم دلون می خواست که این طوری می شد ...

**تقی شهرام:** ... مگه این نمی کنیم این کار و؟

**حمید اشرف:** ... و رفقا می اومدن این کار رو می کردن و ...

**تقی شهرام:** ... ما از این مسائل ...

**حمید اشرف:** ... مثلاً طرح می شد بهش ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... رفقای درون سازمان هم حتی اگر یک جناحی یک دسته ای تو هیئت تحریریه نشریه "نبرد خلق"<sup>۱۳</sup> که دچار این انحراف بود که مثلاً این کار کرده بود، یا مسئولین که این کار رو داشتن از درون سازمان مورد انتقاد قرار می گرفتند ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، این کار رو ما حتی ...

**حمید اشرف:** ... خیلی کار سازنده و مثبتی بود.

**تقی شهرام:** ... این کار رو ما حتی در یک ابعاد خیلی مثلاً نزدیک تر از این ها هم می تونیم بکنیم و یک شکل های دیگه ای هم می تونیم بکنیم، در سطح جامعه هم می تونیم این روش رو پیاده بکنیم. یعنی حداکثر این که اگر واقعا ...

**حمید اشرف:** ... تنها چیزی که برا ما ...

**تقی شهرام:** ... از نظر کمیته ای ...

**حمید اشرف:** ... در سطح جامعه ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... مسئله یک مقدار متفاوته ...

**تقی شهرام:** ... آخه من ...

**حمید اشرف:** ... چون نیروهایی که ...

**تقی شهرام:** ... هوم!

**حمید اشرف:** ... در جامعه در معرض این برخوردها قرار می گیرند، این نیروها الزاماً صداقت انقلابی ندارند. ولی ما به صداقت رفقا مون معتقدیم، منتها به اشتباهات و گاهی وقت ها به برخوردهای غرور آمیز در اینجا ممکن که برسیم در این روابط که می خواستیم جلوی این روابط گرفته بشه! و ...

**تقی شهرام:** ... یعنی شما این طور صحبت می کنید، ببینید، این

---

۱۳ - ارگان رسمی سچفخا، که هفت شماره از آن منتشر شد.

مسئله رو ما در همون<sup>۱۴</sup> جلسه صحبت کردم من که اصلا به هیچ وجه این مورد مخالفت ما نیست، ما در همین نشریات در همین در واقع نامه ها به خوبی نشون دادیم که، چگونه حتی شکل آزاد بحث رو در شکل دمکراتیک تری از اون چه شما ارئه می دادید، ما در واقع خواستارش بودیم. هر چند شما حالا می گید که مسئله مثلا فرض کنید که اون جمع ممکنه به وتوی فلان مقاله بیانجامه، در حالی که ما، عکسش به اون شکل بر می گشت که مثلا ممکنه، کمیته مشترکی، کمیته مستقلی که شما پیشنهاد کردید اون به وتو بیانجامه! حالا بگردیم که این خودش ...

**حمید اشرف:** ... اون حداقل به وتوی مقالاتی که رفقای شما می نوشتند نمی انجامید! ...

**تقی شهرام:** ... چرا! می انجامید دیگه!

**حمید اشرف:** ... حال بین بررسی می کنیم.

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... حالا ...

**تقی شهرام:** ... یه مسئله ...

**حمید اشرف:** ... یعنی ما در این رابطه چیز نداریم.

**تقی شهرام:** ... و این در این جریان به هیچ وجه ما، اول جلسه هم گفتیم که ما به هیچ وجه ما مخالفتی نداریم. ولی قضیه اینجاست که این تفکر که واقعا این و باید روشن بکنیم ما، اصلا می گه ما اعتقاد به برخورد کمیته ای نداریم، یعنی چه؟ مهمترین مسائل در سطح کمیته های در واقع سازمان ها و یا احزاب و گروه ها حل می شه، این حرف همچین درستی نیست.

**حمید اشرف:** ... در رابطه با بحثی که الان مطرح می کردیم ...

**تقی شهرام:** ... آها!

**حمید اشرف:** ... که الان هست.

---

۱۴ - منظور رفیق شهرام، ابتدای همین گفتگو ها در جلسه پیش از ظهر است، او کمی بعد به گفتگوی اول جلسه اشاره می کند. همچنین اشاره به جلسه پیشین در آذر ماه است که رفقا جواد قآدی و بهرام آرام حضور داشتند.

**تقی شهرام:** ... یعنی مسئله حرفی که تو می زنی، به هیچ وجهی حرف عامی نیست. مگر این که تو دلایل خاصی هم ارائه بدی.

**حمید اشرف:** ... آیا در این بحث ما ...

**تقی شهرام:** ... که ما به هیچ وجه به برخورد کمیته ای مثلا اعت، مثلا اعتقاد نداریم هیچ حرف درستی نیست. مهمترین مسئله ها در سطح کمیته ای حل می شه. مگه می شه مسائل و ما همش بیاریم، مثلا فرض کنید که هر مسئله ای هست آقا به رای نمی دونم همه بذاریم، باز ...

**حمید اشرف:** ... رفیق مسائل ایدئولوژیک ...

**تقی شهرام:** ... آها! خیلی خب، مسائل ایدئولوژی ...

**حمید اشرف:** ... نمی شه در سطح کمیته حل بشه، باید در سطح توده ها حل بشه ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خب.

**حمید اشرف:** ... در سطح توده های سازمان!

**تقی شهرام:** ... خیلی خب، مسئله اینجاست که ...

**حمید اشرف:** ... البته این نقطه نظر درستی!

**تقی شهرام:** ... آخه مسئله اینجاست که ما ...

**حمید اشرف:** ... که مسئله ایدئولوژیک و مسائل سیاسی و نمی دونم طرح هایی راجع به آینده جنبش و این ها رو که ما نباید بیاییم در سطح محدودی باید حل و فصلش بکنیم و اون، اینه که ما رو به این کار ...

**تقی شهرام:** ... آخه سطح محدود گویا این طوریه که این ها همان گونه که رژیم مثلا از توده ها جداست، رهبری دو سازمان هم از توده های سازمانی جدایند! یعنی اصلا این تصویری که تو داری ارائه می دی این طور، یعنی اصلا من فکر کردم که این طوری یعنی به این جا در واقع این معنی را داره، در حالی که مسلما این قضایا منعکس می شه و سلسله مراتب به هر شکلی در سازمان منعکس خواهد شد. دقت می کنی، خب این اگه نشه، اصلا از ابتدایی ترین اصول روابط دمکراتیک در یک سازمان بی بهره است. مگر این که شما این انتقاد

رو داشته باشید به ما آقا ما به روابط دمکراتیک درون سازمان شما اعتقاد نداریم. یعنی شما این حرف ها رو نمی رید بگید، ممکنه اصلا بحث هایی که می کنید، صرفا در بین مثلا دو سه تا آدم معدود باشه، این حرف رو بیایید بزنید. این و بزنید ما این رو قبول داریم، ببینید همچو چیزی هست. یعنی شما نمی تونید به این شکل مطرح بکنید چون اصلا به این ترتیب باید اصلا تمام گروه ها و سازمان ها و اصلا احزاب و دولت ها و اصلا هر رابطه ای باید به یک شکل مثلا به اون ترتیبی که تو می گی باید حل و فصل بشه قضایا، در اینی که ما مخالف این قضیه نیستیم ها، این نکته اش مهم!

**حمید اشرف:** ... ببینید من حالا کاری با دولت ها و احزاب و سازمان ها ندارم، مسئله مشخص ...

این نوار، ۳۵ دقیقه و ۴۰ ثانیه است.

**تقی شهرام:** ... مسئله مشخص خودمون ...

**حمید اشرف:** ... مسئله مشخص ما این که یه سری حرکاتی صورت گرفته، برای رفقای ما سوالاتی وجود داره، می خوان این سوالات رو طرح بکنن و واقعا به شکل سازمانی با این سوال ها به شکل تمام عموم سازمانی این مسائل و سوال هاشون مورد حل و بحث قرار بگیره، جواباشون رو از درون بحث هایی که درون دو سازمانی که این جورش می یاد بالا، دریافت بکنه. این مسئله ای بوده که ما می خواستیم ...

**تقی شهرام:** ... خب.

**حمید اشرف:** ... حالا این که، دلیل اون نمی دونم سازمان ها این طوری ان و ...

**تقی شهرام:** ... آها، آخه یه مسئله هست اینجا، آخه این چه، ما به این معتقدیم ...

**حمید اشرف:** ... روابط دو طرفه بین المللی و ...

**تقی شهرام:** ... عزیزم ...

**حمید اشرف:** ... اینه ما کاری نداریم.

**تقی شهرام:** ... نمی تونی کاری نداشته باشی ...

**حمید اشرف:** ... موضوع ما لری می شینه خداییش ...

**تقی شهرام:** ... نه لری، آخه تو، یه جا لُر می شی، یه جا مثلا خیلی هم به قول معروف بین المللی می شی!

**حمید اشرف:** ... آخه این چه بین المللی ...

**تقی شهرام:** ... نه، آخه مسئله اینجاست ...

**حمید اشرف:** ... ما رو برخورد کمیته ای مخالفت کردیم ...

**تقی شهرام:** ... هوم، نه، آخه بحثِ ما، ما هم نمی گیم که برخورد محدود کنیم به سطح دو تا مثلاً کمیته دو تا سازمان! ما می خواهیم اینه بگیریم که اون جریانی که شما می گید که اصلاً به برخورد کمیته ای اعتقاد نداریم، این دلیل مشخصش به ما بگید. این بگید، ما در عین حال با اون هم موافقیم و اون هم جلو می بریم، اون هم پیش می بریم. آیا این امکان داره شما اصولاً با هر گروهی با هر سازمانی بخواید تماس بگیرید؟ آیا می گید ما می خواهیم اصلاً با توده ها است، ما با شما کاری نداریم. این امکان داره؟

**حمید اشرف:** ... نه این کاره که ما نکردیم، تا به حال هم که در عرض چندین سال و همین اخیر و اینا همش کمیته ای بوده روابط.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... ولی، مسئله اینه که در این نقطه، که می خوایم بیایم به سری مسائل ایدئولوژیکِ به سری مسائل عمومی جنبش رو مورد حل و بحث قرار بدیم ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، بسیار خوب.

**حمید اشرف:** ... پیشنهاد ما این بود که اون بحث آزاد رو ما گفتیم. شما گفتید لیبرالیه!

**تقی شهرام:** ... آخه، عزیزم، چه ...

**حمید اشرف:** ... که هدف ما از این آزادی همین بود که بهش رسیدیم.

**تقی شهرام:** ... خب که ما معنا کردیم، خب تو چقدر قضیه رو واقعا در نظر نمی گیری! ببین، ما با یه نامه شماره دو روشن کردیم که آقا معنایی که از آزادی ما داریم اینه، اگه شما پاسخ نمی دین، یعنی این و قبول دارید. تو حالا عملاً پاسخ به این ندادی، این معنی رو قبول داری که ما اینجا کردیم. ها، قبول



دارید؟

**حمید اشرف:** ... ببینید، شما در حقیقت، با استفاده از اون "آزادی" که ما در اون جلسه<sup>۱</sup> مطرح کردیم، این نامه رو نوشتید و گفتید، چون ما مسئله ای که باهاش برخورد داشتیم به این صورت بود که بعد از همون جلسه ای که مطرح شد که رفقا گفتند که یه مقدار جنبه های لیبرالی پیدا می کنه ولی ...

**تقی شهرام:** ... آخه یک کلمه اینا گفتند لیبرالی، خودت هم قبول کردی که این کنترل باید بشه، ما اینجا تعیین، معلوم کردیم ...

**حمید اشرف:** ... ما تو خودمون این بحث شد و ما این و دیدیم که رفقای عذر صحیحی رو دارن مطرح می کنن و ما در حقیقت چیزی رو برخورد کردیم باهاش، به این صورت که گفتیم آقا ما که عملا ممکنه یه مقاله ای هم برسه و ما به علت این که خیلی ضربه زننده باشه، نتونیم منتشرش بکنیم و ما که می خوایم این کار رو این کار و جلوش رو بگیریم، حالا چرا ما بیایم مطرح کنیم که این بحث آزاده؟! و بیایم از آزادی دفاع کنیم در حالی که ما خودمون عملا این کار رو خواهیم کرد. پس به این نتیجه رسیدیم که ما بیایم این آزادی رو اصلش رو تعریف کنیم ...

**تقی شهرام:** ... آخه!

**حمید اشرف:** ... گفتیم که چون، ما این کار رو عملا خواهیم کرد، خودمون رو متعهد می دونستیم. که چون این کار رو ما می کنیم، حتی اگر یک مورد ما این کار رو بکنیم صحیح نیست که ما بگیم که ما هیچ کنترلی نکردیم.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب.

---

۱ - منظور جلسه آذرماه ۱۳۵۴، مابین رفقا اشرف و ارمغانی از یک طرف و آرام و قائدی از سوی دیگر است.

**حمید اشرف:** ... پس بیاییم، حرفِ مون رو پس می گیریم که واقعیت داشته باشه.

**تقی شهرام:** ... پس چرا شما پس نگرفتین؟! شما در تمام این نامه هاتون می نویسید که "بهتر است به صورت آزاد باشد. ما نظرمون اینه که آزاد باشد."

**حمید اشرف:** ... آها!

**تقی شهرام:** ... ببین، تو الان اینجا تناقض داری صحبت می کنی.

**حمید اشرف:** ... نه رفیق تناقضی نداریم، یه خرده دقت بکنید ...

**تقی شهرام:** ... خب، دقت می کنیم، دقت می کنیم!

**حمید اشرف:** ... در همون، در یکی از نامه ها، ما نوشتیم مسئله رو که "رفقا علت این که ما گفتیم آزاد نباشه اینه که بعضی از مقالات ممکنه بیاد، که جنبه زننده و پررویی داشته باشه، و ما چون نمی خوایم که این جنبه مستقیم نداره، این رو ما فکر کردیم که این ها رو به اصطلاح چیز کنیم و ما برداشتیم همین رو تو سازمان بخشناه کردیم. برداشتیم یه مطلبی نوشتیم، درست حرف های شما رو نوشتیم تو بخش نامه سازمانی، حرف هایی رو که هم زده بودیم نوشتیم و گفتیم که ما اول این حرف و زدیم و بعدا این طوری شده و الان در رابطه با این که فکر می کنیم بعضی از مقالاتی که ممکنه رفقا بنویسن این جنبه ها رو داشته باشه، ما این رو کنترل خواهیم کرد. بعد اومدیم، ضابطه کنترل رو ما مشخص کردیم تو بخش های درون سازمانی، نوشتیم: ۱- مقالاتی که جنبه اهانت آمیز، تحقیر کننده، نمی دونم تهمت زننده داشته باشه، ما این مقالات رو نمی دیم. ۲- مقالاتی ...

**تقی شهرام:** ... چرا نمی دین؟

**حمید اشرف:** ... چرا نمی‌دیم؟  
**تقی شهرام:** ... چرا که منعکس‌کننده واقعا مسائل درون  
تشکیلاتی تونه‌ها؟!

**حمید اشرف:** ... چرا به خاطری که اون جریاناتی که جنبه  
اهانت آمیز و تحقیر آمیز ...

**تقی شهرام:** ... تو داری این و هدایتش می‌کنی، باز هم  
داری از مرکزیت با ما برخورد می‌کنی آخه!

**حمید اشرف:** ... بله ما داریم این کار رو می‌کنیم ...

**تقی شهرام:** ... عجیبه!

**حمید اشرف:** ... به خودِ کادرهامون هم این و اعلام می  
کنیم ...

**تقی شهرام:** ... آخه خب، بله ...

**حمید اشرف:** ... و مسئله رو برایشون مشخص می‌کنیم و  
حتی گفتیم. گفتیم رفقا برخوردشون رو در این چارچوب  
بنویسند، برخورد شون، برخورد اصولی با مسئله بکنند و شرط  
گذاشتیم واسه این، یعنی یه ضرورتی واسه نوشتن مقالات تهیه  
کردیم. گفتیم ما هدف مون کوبیدن نیست ما هدف مون نمی  
دونم افشاگری نیست. ما هدفمون طرح سوالاتیه، ارئه نقطه  
نظرهامونه، این مسئله ما مطرح می‌کنیم. رفقا هم در این  
رابطه برخورد بکنند. این کل کاری بوده که ما در این رابطه  
کردیم. حالا عیب این اگه جایی هست ...

**تقی شهرام:** ... نه ما نمی‌گیم، ببینید، شما این دارید می  
گید، شما می‌گید که از یک طرف مرتبا به ما ایراد می‌گیرید به  
قول معروف سرکوفت به ما می‌زنید که شما می‌گید که آزاد  
نباشه، برا ما نوشتید که بهتر است رفقا بحث به صورت آزاد  
باشد، یه جایی دیگه نوشتید که "با توجه به بحث‌هایی که قبلا  
داشتیم، معتقد به انتخاب مقالات نیستیم و هر نوع برخورد

محدود کننده را در زمینه اظهار نظر رفقای دو سازمان را نادرست می دانیم." تمام این ها رو به ما نسبت می دید بعد آخرش خودتون الان می گید که ما دیدیم که عملا در واقع اون آزاد بودن اون معنا که در اون جلسه که خودتون مورد نظرتون بود این درست نیست. ببین! تو برای ما نمی آیی بنویسی، آقا ما در این بحث ها به این نتیجه رسیدیم. این حرف هایی که الان داری می زنی، نمی آیی به ما بگی که! یعنی ما به این بحث ها رسیدیم که آقا باید آزاد باشه، مسئله این طوری، این حرف رو به این ترتیب تعدیلش می کنیم. آزاد بودن به این معناست، تفسیرش می کنیم و بعد تفسیر شما طبیعتا با این تفسیر محدود کننده ای که شما، ما داریم می گیم ...

**حمید اشرف:** ... ما در رابطه با اون که نوشتیم که این پولیمیک نمی خوایم باشه، این و مشخص کردیم!

**تقی شهرام:** ... نکردین، شما این طوری نوشتین ببین، "... معتقد به انتخاب مقالات نیستیم، هر نوع برخورد محدود کننده را در زمینه اظهار نظرات رفقای دو سازمان نادرست می دانیم ولی ..."، خب، حالا این ولی چه جوری ظاهر می شه معلوم نیست.

**جواد قانودی:** ... یعنی طرح ها چه طور با این "ولی" جور در می آد؟

**تقی شهرام:** "... با توجه به این که ممکن است، به علت پاره ای تعصبات از طرف معدودی از رفقا، مقالات جنبه پولیمیک سیاسی پیدا کند ما نوعی کنترل را مجاز می شماریم، ولی در پی اعمال این کنترل نیز مشخص و تعیین شده باید باشد." خب، این اصلا نحوه اش که اصلا به بحث دیگه ای. اولش دو تا مسئله یعنی عین ووو وکلای مدافع، اولاً مثلاً بیخ خر طرف و بچسبند که مثلاً ما منتقد به اعتقاد مقالات نیستیم، شما منتقدید

هر نوع برخورد محدود کننده رو هم قبول نداریم، یعنی شما دارید قبول می کنید، ولی ما کنترل رو حالا قبول داریم. این چرا، خب می نوشتید بابا جان، ما رفتیم صحبت کردیم، دیدیم که این مسئله ممکنه چنین جریانی به وجود بیاره، این کنترل رو اضافه کردیم و این اجبارا بحث رو از صورت آزاد درش می آره. در حالی که بایست در همون شماره اول ...

**حمید اشرف:** ... حالا اگر ما مقصودمون رو ننوشتیم در این مورد برسونیم ...

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب ...

**حمید اشرف:** ... انتقاد از خود بکنیم.

**تقی شهرام:** ... بسیار ...

**حمید اشرف:** ... ولیکن، مقصود ما این، حالا مثل این که ته مسئله مشخص می کنیم ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... که چی هستش. این مسئله، این بوده مسئله! جریانی که در درونمون بوده، حتی بخش هایی، چون ما مسائل رو هم در این رابطه، چون بحث داریم، داشتیم می کردیم ...

**تقی شهرام:** ... هوم.

**حمید اشرف:** ... مسائل مخصوصا در اینجا رخ می داد، در حدی که جنبه امنیتی نداشت ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... با رفقای سازمان مطرح می کردیم، بخش نامه می کردیم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... و این هم گفتیم که ما، می خواهیم که نظراتی که داریم و نقطه نظرهایی که رفقای سازمان ما می نویسند این که کاری که مرکزیت کرده اینه! که نظرات رفقای

سازمان ما که واجب این خصوصیات باشه و این جنبه های نادرست رو نداشته باشه و این هم طرح کردیم و باز هم رفقای ما می تونستند، بیان با ما صحبت کنند که چرا مثلا، این روابط رو گذاشتین.

**تقی شهرام:** ... به هر حال ...

**حمید اشرف:** ... در این زمینه هم این آزادی بود!

**تقی شهرام:** ... به هر حال ببین این، این درسته که حالا شما این ضوابط رو عوض کردین، ولی می بینید که این یعنی چی؟ یعنی این که، عملا باز تو داری از طریق مرکزیت سازمان با ما برخورد می کنی، عملا در تحلیل نهایی، وقتی که تو محدود می کنی انعکاسات سازمانیت رو، به خارج محدود می کنی یعنی فیلتری به جلوش می گذاری، باز یه حق تصمیم برا خودت می داری و باز هم در نهایت این و معلوم نمی کنی که، مجموعه این جریان رو کی تصمیم می گیره؟ چه جوری هدایت می شه؟ چه جوری به نتیجه گیری می رسه؟ آیا این بحث های متبادله، خود به خود به نتیجه گیری می رسند؟

**حمید اشرف:** ... ما در وهله اول می خواستیم مسائل مختلف طرح بشه ...

**تقی شهرام:** ... خب این، این قراره ...

**حمید اشرف:** ... طرح مسائل مرحله اول پروسه بود. و در رابطه با ...

**تقی شهرام:** ... شما تو ذهن خودتون می خواهید حل کنید، یا ما هم این وسط آدمیم، باید بشینیم با هم توافق بکنیم؟

**حمید اشرف:** ... نه، شما مقالاتتون رو بنویسید!

**تقی شهرام:** ... آخه، ...

**حمید اشرف:** ... شما هم نقطه نظرتون رو طرح بکنید!

**تقی شهرام:** ... شیوه اش چیه، می خوایم چه جوری حل

بکنیم، آخه این و مسئله اش رو روشن بکنیم. این و ...  
**حمید اشرف:** ... شما نقطه نظراتتون رو طرح می کنید، این نقطه نظرات مورد بحث قرار می گیره و در این رابطه بحثی که تمام رفقا درش شرکت دارند، یه سری مسائلی روشن می شه. و در رابطه با این که مسائل روشن بشه و یک سری فاکت هایی به دست می آد، اون وقت می شه نشست، بحث کرد و این بحث یه جنبه وسیع تری داره، یعنی به اصطلاح بحث، یعنی نقطه نظرهایی که فاکت هایی که سوالاتیه، جریاناتی که از درون سازمان ها جوشیده ...

**تقی شهرام:** ... خیلی خوب، من حرف ...  
**حمید اشرف:** ... مطرح شده.

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب ولی در تحلیل نهایی چه جوری، در واقع نتیجه گیری می شه؟

**حمید اشرف:** ... در تحلیل نهایی ...  
**تقی شهرام:** ... و بعد ...

**حمید اشرف:** ... ما می تونیم، از طرفی می شد که، حالا اونجا در پروسه اش قابل صحبت بود. یا این که ما می تونستیم، نتایجی که از این بحث ها گرفته می شد، بعد از دو سه تا از شماره های نشریه، سری به سری، این ها رو به اصطلاح جمع بندیش می کردیم. نظرات سازمانی ارائه می دادیم. یا این که در صورتی که این نقطه نظرها عملا به هم نزدیک، یعنی از هم حالت تنافر نداره. نقطه نظرها، به هم نزدیک هستند، در خیلی زمینه ها توافق هست. در اون صورت می تونستیم حتی در جلسات مرکزیتی که داشتیم، وحدت را اون جا، بیایم چیزش کنیم، بیایم مسائل رو، رو این جنبه هایی که اشتراک وجود داره و عملا توده های دو سازمان تأییدش می کنند اون مواضع رو و وجه غالب داره این نظرات، بیایم این ها رو چیز بدیم، در سطح دو سازمان قطع نامه هایی بدیم، راجع

به این مسئله. قطع نامه های مشترک صادر می کردیم. خیلی هم خوب بود. یعنی ...

**تقی شهرام:** ... قطع نامه های مشترک، یعنی چه جوری؟  
**حمید اشرف:** ... قطع نامه مثلا فرض کن در مورد فلان مسئله در مورد بحث ها که در دو تا سازمان شده، این نظر مشترکا در دو سازمان وجود داره. این نظر در این مورد مشخص، این نظریه یکسان. مثلا در این مورد اختلاف نظر به این شکل در اینجا هست. این و بیشتر باز می کنیم.

**تقی شهرام:** ... به هر حال، راجع به این مسئله، کلا این یه چیزی بودش که گفتیم، به هر حال مسیر خودش را طی خواهد کرد، مسئله نشریه. و کوشش ما این بود که تو این جلسه که این و توضیح بدیم، اولاً اگه بتونیم زمینه ای پیدا کنیم، بسازیم برای این که واقعا حرکات بعدی سازمان از یک نقطه، نقاط عزیمت نزدیک تر و وحدت آمیز تری شروع بشه. و بعدش هم این که ببینیم واقعا نظر شما در باره مجرا های دیگه ای برای فعالیت به سمت وحدت چیه؟ نظر مثبتی دارید، یا ندارید؟ و ...  
**حمید اشرف:** ... این مجراهای دیگه، که ما تبعاً شیوه های مشخصی داریم. طرح هایی داریم در این زمینه ...

**تقی شهرام:** ... ما با توجه به این مسائلی که شما طرح می کنید، دیگه طرحی نداریم!

**حمید اشرف:** ... نه، من که، باز هم طرح بکنید.

**تقی شهرام:** ... نه.

**حمید اشرف:** ... علیرغم اینکه فکر می کنید، ما ممکنه رد بکنیم.

**تقی شهرام:** ... نه اصلاً، موضوع دیگه یعنی منتفیه از اون نظر. برای این که شما با توجه به اون سیستمی که دارید پیشنهاد می کنید و طرحی که مورد نظرتون، به هر حال، این



نمی‌تونه بدون مبنایه یه سری جریانات دیگه باشه، چون ما واقعا همون به قول معروف راست و حسینی اومدیم جلو ب قضایا رو هم طرح کردیم. و گفتیم حتی از نظر ما مسئله تا ادغام دو سازمان هم مطرحه و تو این زمینه می‌تونیم برخورد عملی بکنیم و راجع به این هم می‌تونیم برنامه ریزی بکنیم، راجع به زمینه‌سازی حتی توده‌های دو سازمان و در واقع قضیه رو از این جا حل کنیم. و در واقع مسئله رو به این شکل، این بین، موانع وحدت رو به عنوان هدف رو بگیریم، ادغام دو سازمان بعد موانع رو ببینیم، بگیریم چی‌ها هست چی‌ها نیست، و این رو به هر حال قضاوت نهایی با توده‌های سازمان و این و می‌تونستیم بترین میون توده‌های سازمانی با توجه به وجود مثلا اختلاف نظرات یا اختلاف‌هاتی که در این هدف، در این راه می‌تونست به وجود بیاد، اون وقت خیلی از مسائل صحیح تر و بهتر و شاید همه جانبه تر می‌تونست حل و فصل بشه. البته خب، مسائلی که شما طرح می‌کنید به نظر ما یه مسئله تقریبا بی‌سمت گیری ایه، یعنی می‌تونست به خیلی چیزها تبدیل بشه، به هر حال ولی هست، این مسئله هست، یه سری آشنایی‌هایی بین دو سازمان پیش می‌آد. ولی سمت‌گیری الزاما دلیل نداره، سمت‌گیری داشته باشه به سمت یک جریان وحدت‌آمیز! حالا این دلالتش چیه شما از رو چه نقطه نظرهایی این رو طرح می‌کنید، الان برای ما روشن نیست، ما باید روش فکر کنیم و ببینیم، این که قضیه چیه؟!

**حمید اشرف:** ... من می‌گم زیاد فکر نکنیم بیایم بحث بکنیم. در همون نشریه ...

**تقی شهرام:** ... بحث هم می‌کنیم ...

**حمید اشرف:** ... نقطه نظر ها رو مطرح بکنیم.

**تقی شهرام:** ... بله، تو اون نشریه هم بحث خواهیم کرد، یعنی ما به هر حال از همون ابتدا با این موافقت اعلام کردیم ...

**حمید اشرف:** ... چون فکر کردن به نظرم چیزه مثبتی نیست چون یه مقدار آدم و به ذهنی گرایمی می کشه.

**تقی شهرام:** ... خیلی خوب، ولی فکر ...

**حمید اشرف:** ... تا به حال هم کشونده.

**تقی شهرام:** ... بله، فکر کردن بدون فاکت طبیعتا این طوره. اون وقتی که می گیم فکر کنیم، منتظر مثلا واقعا فاکت های آینده هستیم. نه این که همین طوری بریم بشینیم تو خونه حالا خیالبافی کنیم. یعنی منتظر می مونیم تا فاکت های آینده، قضایا رو روشن تر بکنه. ولی ما تا اینجا پیش اومدیم و این هدف و قرار دادیم و گفتیم بیاین در واقع معانی و مانع ها و موانع و مشکلات رو بفهمیم، بسنجیم، مثلا یکیش می تونست مسئله خود طرح جبهه باشه به قول تو یکیش تقدم و تاخر وحدت مارکسیست ها و فلان باشند از نظر تتوریک هم مسئله جبهه می شد. چیزهای دیگه بود، این ها رو هم می تونستیم برخورد کنیم، حل کنیم ببریم وسط توده های سازمانی و حتی محتوی نشریه خود به خود سمت مشخصی بگیره و هدایت بشه. که من فکر می کنم اون وقت وظیفه اون جمع کنترل کننده یه چنین چیزهایی می شد. [در اینجا احتمالا نوار عوض می شود]

... طرحی توش نباشه، یعنی ما بعد از این که رفتیم، دیگه حرفی نخواهیم داشت بزنییم. ولی اگر ما بتونیم طرح بکنیم یه هدفی رو، یعنی یک هدف مشخصی رو در مقابل مون قرار بدیم و به سمت اون هدف پیش بریم و مشکلات و موانع رو قدم به قدم ارزیابی کنیم، ببریم جلو و حل کنیم، اون موقع اون وقت می تونیم بفهمیم که اون مسئله نشریه سمت پیدا می کنه، مسئله بحث های اینجا سمت پیدا می کنه، می فهمیم کجا انتقاد به ما وارد، حل می کنیم. حالا نشریه رو باید، پیش با خداست، تمام آموزش دست خداست، چی می شه، چی نمی شه. بریم توش حالا ببینیم چی از توش در می آد. الان مسئله مون اینه که

نشریه ای که شما طرح می کنید، در واقع به جریان ناشناخته  
ایه، می ریم توش حالا ببینیم تا چیه، حالا به قول معروف تا  
ببینیم، چی می کند، هر جا که کشتیبان خواهد برد، چیه به  
شعری هست. ببین چیه به هر حال جریان به چه شکلی در می  
آد. اون مسئله ای که شما می گید اینه! مسئله ای که ما گفتیم،  
گفتیم هدف مشخصی رو قرار بدیم. اینجا می تونیم بحث کنیم  
تو نشریه می تونیم بحث کنیم. اون وقت اون کمیته معنا پیدا می  
کرد، یعنی معنای فقط اون مامور نمی دونم بازرسی نبود،  
وصول. سمت می داد می گفت آقا، بچه ها، مثلا رفقا، رفقای  
سازمان مسئله ای هست، مسائل مطروحه راجع به مسئله مثلا  
جبهه است و این نظرات مخالف دو سازمان، نظر بدید، بگید.  
این شاید مسائل این به نظر بدید، بگید. اون وقت اون کمیته در  
واقع می شه هدایت کننده. اون کمیته دیگه مامور نمی دونم  
وصول نبود، مامور بازرسی نبود. این بود نظر مون بود. این  
می خواستیم طرح بدیم و حالا هم حتی مطرحش هم می کنیم  
البته خب نمی دونم شما به هر حال روشن شدش که با این نظر  
موافق نیستید فعلا. ولی ما به هر حال با این که شما با این  
نظر موافق نیستید با اون نظر موافقیم ولی با این ایده که به هر  
حال می ریم تو یه چیزی که معلوم نیست چیه، یعنی نه از این  
نظر که در واقع ابا داشته باشیم از یه چیزی که خطر کردن یا  
نرفتن تو یه چیزی که معلوم نیست، خب ما می ریم مسئله ای  
نیست. ولی معلومه که زمام کار دست این جریان آگاهانه و  
هدایت شده ای نیست. بر خلاف اون جریانی که ما می گفتیم  
بذاریم هدف روی چنین چیزی، و بعد موانع رو قدم به قدم، پله  
به پله بررسی کنیم، شما می گید نه اصلا به این کاری نداشته  
باشیم، بریم اونجا تا ببینیم آخرش چی می شه. مثلا وقتی هم  
می پرسیم مثلا آخرش چی می شه، تو می گی مثلا برسیم به  
این که مثلا ما دو تا قطعنامه صادر کنیم که، بله مثلا رو فلان و

فلان ما وحدت داریم. اگه این طوریه یعنی قضیه، یعنی آخرِ نشریه به اینجا می رسه، دو تا قطعنامه از طرفِ دو تا سازمان بدیم که حالا فکر کنم که خیلی هدف های جزئی و خیلی نا امیدانه ایه! یعنی قضیه خیلی مشخصش اینه، که مثلا ما کلی مثلا اونجا برخورد کنیم و برسیم به اینجا که مثلا آخرش بگیم که آقا مثلا قطعنامه بدیم در مورد مسئله مثلا نیروهای مثلا فرض کن، احیانا مذهبی، ما مثلا به فلان نقطه نظر رسیدیم. در حالی که از یک طُرُق خیلی سریعتر و راحت تر و مشخص تری می تونه هدایت بشه و به یه نظر درست و توده ای احیانا رسیده بشه، نه صرفا در حد مثلا چند نفر آدم.

**حمید اشرف:** ... یعنی چطوری این کار امکان پذیره؟

**تقی شهرام:** ... امکان داره! مشخص می کنیم، همین الان مشخص می کنیم. موانعی که در این سمت موجوده چی هاست مشخصا. یک یکی، دو تا دو تا، هر چی می بریم میون کادرها. می بریم، می گیم نظرتون راجع به این مسائل بگید، نظرات دو تا سازمان اینه. مشخصا برخورد کنیم، بیایم بحث بکنیم. هم اون نظرات رو جمع بندی می کنیم دو مرتبه می بریم، هم جریان اون کمیته مشترک معنی پیدا می کنه! ما می گیم کمیته هدایت کننده، هدایت هم معنی اش یعنی این! این سیستمی که ما پیشنهاد می کنیم اینه!

**حمید اشرف:** ... من فکر می کنم بذاریم یکی دو شماره از این نشریه ... در بیاد ...<sup>۲</sup>

**تقی شهرام:** ... دربیاد، اشکالی نداره ...

**حمید اشرف:** ... احتمال زیاد داره که بعدش ما درباره با به اصطلاح تمایلی که وجود داره در عمل و روشن تر شدن مسئله

---

۲ - نشریه شماره یک بحث درون دو سازمان، توسط سچفا در فروردین ۱۳۵۵، تقریبا یک ماه بعد از این گفتگو ها، درون دو سازمان منتشر شد. این نشریه را می توانید در سایت اندیشه و پیکار و همچنین سایت سیاهکل ببینید.

و طرح مسائل در سطح رفقای سازمان به اینجا هم برسیم و ما همین نقطه نظری که شما طرح می کنید با رفقای سازمان مطرح خواهیم کرد ...

**تقی شهرام:** ... بله. البته ما حتی پیشنهادات توی این جلسه حتی، اجازه داشتیم پیشنهادات جلوتری رو هم مطرح کنیم، ولی فعلا تا همین حد کفایت می کنه، برای این که ما هم نتوانستیم، یعنی با یه عکس العمل مساعد از طرف شما روبرو نشدیم، در این مورد. و ما ...

**حمید اشرف:** ... توصیه می کنم که پیشنهاداتت را مطرح بکنید.

**تقی شهرام:** ... من فکر می کنم تا این اندازه کافیه، برای این که شما این راه را انتخاب کرده اید، حالا می توانیم این و بذاریم بعد از اون، نه این که بخواهم دیپلمات بازی بکنم و این ها، چون ضرورتی نداره بی خودی به قول معروف آدم چرا حرف مفت بزنه، وقتی زمینه ای فراهم نیست هیچ دلیلی هم نداره، قضیه رو طرح بکنه!

**حمید اشرف:** ... ولی به نظر من، این خوب که حرف بزنید، مثبت!

**تقی شهرام:** ... آخه، تو وقتی می گی که این مسئله برا ما به هیچ وجه مطرح نیست که یعنی شیوه ما که پیشنهاد می کنیم، اصلا حاضر نیستی قبول بکنی یه قسمتیش رو، ما دیگه جزییات چه طرحی داریم بدیم؟! آخه، واقعا درسته؟ من طرح می کنم! مسئله ای نیست، اگر درست هست؟ ...

**حمید اشرف:** ... خب، جزییات طرح شما ما رو بیشتر می تونه روشن بکنه راجع به این که، راجع به صحت این که فکر بکنیم و شاید کمک کننده باشه، به نوعی.

**تقی شهرام:** ... نیاتش مشخصه، ما می توانیم مثلا، ولی من

فکر می‌کنم خود تو هم بتونی حدس بزنی وقتی ما هدف رو چنین قرار می‌دیم، بعد مسائلی که به وجود می‌آد چی‌ها هست. ما وقتی هدف رو قرار بدیم به ادغام دو تا سازمان، مسلماً این سری مسائل پیش می‌آد، مثلاً یکی اش، مثال می‌زنیم یکی اش مسئله نقطه نظرهای سیاسی یا وحدت سیاسی دو تا سازمان، که عمدتاً بر می‌گردد به همین روابط با مثلاً فرض کن، نیروهای مختلف جنبش و احیانا استنباطی که از مبارزه مسلحانه داری، که فکر نمی‌کنم تا اون قسمتش زیاد تفاوتی باشه، بر می‌گردد به اون نقطه نظرهایی که شما، ابهاماتی که شما داشتید به مثلاً به نقطه نظرهای ما نسبت به مسئله جبهه ای‌ها، نسبت به نیروهای سیاسی و نسبت به نیروهای مذهبی، یک اش این می‌شه. یکی اش مسئله مثلاً احتمال داره، مسئله چی باشه، مسئله مثلاً نام دو تا سازمان یا مثلاً از این چیزهای حتی مثلاً فرض کن چارچوبی که مثلاً سازمان واحد می‌تونه به دست بیاره، اون چی می‌تونه باشه. دقت می‌کنی. یعنی تو این زمینه‌ها می‌تونستیم یه سری در واقع گروه‌هایی باز کنیم، یه سری زمینه‌هایی بدیم، همین طور اشاره کردم. که اون وقت راجع به هر کدام از این‌ها مسائل، مشکلات، مسائل سیاسی، مسائل تشکیلاتی، جنبه‌های مختلفش، این‌ها را مطرح کنیم به طور مشخص، بعد بذاریم به فکر. ما نظراتمون رو این، آقا ما منظورمون این، این می‌گیم، این نمی‌گیم. این و می‌تونستیم همه رو بذاریم به بحث قدم به قدم، از اینجای بحث هم شکل آگاهانه داشت، هم شکل مشخص داشت، هم هدف معلوم بود. می‌دونستیم به چی می‌خوایم برسیم، موانع مون اون وقت قدم به قدم معلوم می‌شد، می‌داشتیم در جریان کارها روشن بشه. اینجا اون وقت بحث می‌کردیم، نتیجه‌گیری می‌کردیم، الا آخر. این اون چیزی بودش که مثال گفتم دیگه، مثلاً همون، گفتم مثل اون سازمانی

که می‌خواد از ترکیب این بوجود بی‌آد. خب، این یه بحثیه. این یه چیزی، که چیز زیاد مهمی هم نیست. اما خب جنبه تشکیلاتی قضیه است. جنبه سیاسی اش مثلا، همین ها است، چیز دیگه ای نیست. در این حد که در واقع ما به طور مشخص حاضریم در تمام این موارد، اون قسمت هایی که بر می‌گرده صرفا به منافع گروهی ما و این منافع متضاد می‌شه با منافع جنبش، از همین جا این و پیشاپیش طرح بکنیم که حاضریم کاملا ازش چه کار بکنیم، گذشت بکنیم. یه مصاحبه جزیی می‌شه کرد که چه جوری این ها ممکنه تداخل بکنه، تضاد پیدا به کنه در رابطه با دو تا سازمان. به نظر ما این ها اصلا مسائل قابل ...

**حمید اشرف:** ... این ها رو می‌تونید، این مسائل رو مشخص بکنید؟

**تقی شهرام:** ... آره می‌تونم، لازمه؟

**حمید اشرف:** ... خوبه، مثبته، ما که می‌خوایم روشن تر بشیم. هدف ما اینه که بیشتر توجیه بشیم. بیشتر روشن بشیم. **تقی شهرام:** ... آخه می‌دونی مسائل واقعا جزییه، یعنی مثلا، من الان نمی‌دونم چه مسائلی پیش می‌آد. حالا باید در عمل دید، دقت می‌کنی؟ من نمی‌تونم ...

**حمید اشرف:** ... ما می‌خوایم بدنیم که این نقطه نظرهایی که شما فکر می‌کنید که مثلا زمینه گذشت هست، چی می‌تونه باشه؟! ...

**تقی شهرام:** ... خیلی ...

**حمید اشرف:** ... چه طوری عمل می‌کنه؟

**تقی شهرام:** ... هر چیزی که واقعا همین سوری نباشه، هر چیزی که اصولی نباشه از نظر ما و به منافع جنبش ارتباطی نداشته باشه، از نظر سازمان ما قابل گذشت. یعنی، حتی می‌خوای یه مسئله، مسئله رهبریه، این خیلی روشن، یه مسئله،

مسئله ترکیب یعنی مسئله همون سازمان واحد، مسئله نقطه نظر های سیاسی، یعنی این ها، اونجایی که اصولی نباشه یعنی واقعا اعتقادات اصولی نباشه، نظرات اصولی ما نباشه یه طیفش مثلا صرفا منافع صرفا سازمانی ما، از نظر ما قابل گذشت. و فکر می کنیم که یه مسئله ایه که قدم اولی می تونه باشه برای خیلی قضایا.

[ ۲۰ ثانیه هیچ کس صحبتی نمی کند.]

**حمید اشرف:** ... خب، حالا می خوامی در ...

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... این رابطه و با توجه به بحث هایی که کردیم، اولین شماره نشریه رو چه طوری درش بیاریم؟

**تقی شهرام:** ... والله، حرفی نداریم ما، فقط همین، ما همین چیزها رو همین، همین نامه ها<sup>۲</sup> رو می تونیم بدیم. مثلا ما درجش می کنیم می گیم این ها رو منتشرش کنید. فکر می کنید، ما می خواستیم این کار رو بکنیم، اگر قرار می شد که این جلسه هم نباشه، اجبارا این نامه ها رو می دادیم.

**حمید اشرف:** ... کدوم نامه ها رو؟

**تقی شهرام:** ... همین نامه هایی که ما نوشتیم، شما نوشتید، مبادله این ها رو مثلا یه توضیحاتی می دادیم که حتما اون توضیحات، الان نمی نویسیم دیگه، برای این که به اون ها اعتقاد نداریم. یه نتیجه گیری هایی می کردیم از این مسئله که مثلا، البته شما هم تو این نامه ها با ما برخورد خوبی نکردین ها. یعنی واقعا، مخصوصا همین جمله ای که نوشتین، که مثلا "کمونیست های واقعی" و این چیز درست نیست. یعنی، نمی

---

۲ - س م خ ا، بعد ها در نشریه دوم بحث با عنوان "مسائل حاد جنبش ما" بخشی از این نامه ها و نامه های دیگری که بین دو سازمان رد و بدل شده بود را منتشر کرد. <http://peykar.info/PeykarArchive/Mojahedin-ML/pdf/>

Masaele-Hadde-Jonbeshe-Ma.pdf



دونم خودت قبول داری که این درست هست، این درست نیست؟ این شعاری که دادید یا مثلا این برخوردی که کلا نادیده گرفته شده حرف های ما، به طور مشخص برخورد نشده باهاش. دقت می کنی؟ البته این ها به نظر ما قابل انتقاد و ما می خواستیم، قصد داشتیم، ما الان چیز مشخصی نداریم.

**جواد قاندي:** ... یعنی همون سوال ها باید از طرف ...

**تقی شهرام:** ... شما باشه، بله.

**جواد قاندي:** ... شما مطرح بشه.

**تقی شهرام:** ... طرح می کنیم می دیم رفقا بخوند.

**حمید اشرف:** ... شما هم سوالاتی دارید در این زمینه؟

**تقی شهرام:** ... ما سوالاتی در مسائل سیاسی استراتژیک،

مثلا این منج ((Manage) هاتون همین، همین صحبت ها

داریم، رفقا دارند ...

**حمید اشرف:** ... خب، بکنند!

**تقی شهرام:** ... این رو هم می داریم در دوره دوم می کنیم.

البته نه این که ...

**جواد قاندي:** ... شما دور اولش رو دربیارین!

**تقی شهرام:** ... ا فکر نکنید که می خوایم فرصت طلبی بکنیم.

چون رُک گفتیم براتون. مثلا چه ها، همین که چرا مثلا طرف

مسلسل دستشه، مثلا این خب انعکاس بدی داره. در همین

زمینه روشنفکران زمینه دارن به قول معروف زود این چیزها رو

---

۴ - اشاره به گزارش شهادت رفیق علی اکبر جعفری در نشریه نبرد خلق شماره شش (منتشر شده در اردیبهشت ۱۳۵۴ است که در مهر ماه توزیع شد) است که به نظر رفیق شهرام موجب پرداختن به مقوله قهرمان سازی و قهرمان پروری می شود. عکس وی در پشت جلد نشریه چاپ شده است. این نشریه را می توانید در سایت آرشیو اسناد اپوزیسیون ایران، بیابید:

[http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha\\_ta\\_1357-nabarde\\_khalgh\\_6.pdf](http://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikha_ta_1357-nabarde_khalgh_6.pdf)

جمع ...

**حمید اشرف:** ... البته اون مسلسل دستش نیست ها!

**تقی شهرام:** ... بسته دیگه! ...

**حمید اشرف:** ... اون هم همین با پیرهن شه، کت شه در ...

**تقی شهرام:** ... آره دیگه مثلا به صورت اسلحه و نارنج و این

ها مثل این که داره، یه همچون چیزهایی. که فعلا چه چیزهایی

ایجاد می کنه مثلا، یه گرایشاتی رو ایجاد می کنه مثلا ...

**حمید اشرف:** ... خوبه دیگه این رو طرح بکنین.

**تقی شهرام:** ... خیلی خوب، حالا این ها دیر نمی شه!

**حمید اشرف:** ... تو همین اولینش ... چرا؟ بکنین!

**تقی شهرام:** ... دیر نمی شه.

**حمید اشرف:** ... ببینید، مثلا همین ...

**تقی شهرام:** ... نمی خوایم گذشت چیزی بکنیم ها ...

**حمید اشرف:** ... من، نه این گذشت نیست ...

**تقی شهرام:** ... به خاطر اینکه فرصتش رو نداریم. یه

مقداری این که الان ما هنوز درگیر این بودیم که واقعا ما یه

مقدار زیادی انتقاد داریم نسبت به اون جلسات گذشته! جلسه

گذشته واقعا ما انتقاد کردیم از خودمون و خیلی انتقاد به ما

وارد بود، خیلی زیاد. من نمی دونم من حتی فکر می کنم که

هنوز ما نتونستیم جبران بکنیم، چون این مسئله ای که واقعا

باید انحصارا در مقابل مردم بکنیم. آخه می دونی این حساب

داره هر چیزی. آدم بیاد اینجا مثلا برخورد دیپلماتیک بکنه و

نمی دونم، این طوری قضیه رو بیچونه اینا، آخه که چی؟!

آخرش چی بابا این و می خوایم چه کار کنیم؟ ببینید، ما یه

مقدار زیادی مشغول همین انتقادات از خودمون بودیم و بیش از

پیش که راجع به اون مسئله اصلا فکر کنیم، راجع به نقدهای

برخوردمون تو این جمع بحث کردیم و بعد هم از شما خواستیم

که این رو تجدید کنید، شما نخواستید، گفتید لزومی نداره. ما مسئله مذهبی‌ها رو حتی مطرح کردیم، حتی به عنوان این که به هر حال اونم یه مسئله بود که گفتیم شاید فتح بابی بشه این، مشکلی بشه، نشد. بعد بلاخره به طور قاطعانه ای این رو خواستیم که شما باز اون نامه رو نوشتین که خب اون هم باز جای بحث داره که واقعا ما نقل نکردیم. یعنی بلافاصله به قول معروف مارک رو زدین به ما! و این طور نبود. ولی ما باز علیرغم این که شما این مارک رو زدید و به قول معروف هیجانانگ معمولی این طور اقتضا می‌کرد که خب، یه مارک قوی تر هم ما به شما بزنیم مثلا، در همون روابطی که معمولا پیش می‌اد اگر یه مقدار با هم تنگ نفری باشه، یه مقدار آدم نخواد منافع رو ببینی، خیلی سریع، حتی می‌تونم بعد ها الان نه ها، در آینده بهترن یه نامه ای رو نشون بدم اگر، که مثلا تدوین شده بود که مثلا در رابطه با شما این، این جواب داده بشه. یکی مثلا نوشته بود این، این و بدیم، واقعا حق شون این! ولی خب ما این و قبول نکردیم. چرا، برای این که هنوز جاهای زیادی هستند، مخصوصا به ما این انتقاد وارده که در جلسه گذشته نتونستیم حق مطلب رو ادا کنیم و ممکن این ها برای شون مسائل ذهنی پیش اومده باشه و این مواضعی که می‌گیرند به این دلیل باشه. دقت می‌کنی و این نه تمام حقیقت ...

**حمید اشرف:** ... اما به این دلیل هست!

**تقی شهرام:** ... و تمام حقیقت و اوضاعیه که بر ما گذشت در این مدت. و این جلسه رو ما به خاطر دقیقا همین مسئله، که یه اتمام حجت برا مون تمام بشه بگیریم ما موضع صحیحی گرفتیم، ما برخورد دیلماتیک نکردیم، ما به قول معروف حق مسئله رو

---

ه - اشاره به اصطلاح "کمونیست های واقعی" در متن نامه اول سچفا به س م خ ا است. در پایان نامه در شعاری چنین نوشته شده بود: "به امید وحدت نیروهای کمونیست واقعی".

ادا کردیم اون قدر که عقلمون و به قول معروف می رسیده و می فهمیدیم ولی خب حالا نتونستیم به قولی حالا یه به قول معروف حالا چی می گن، حجت بر طرف تموم شده. دیگه حالا دیگه می تونه کار کنه، چون تا اون موقع ما دست و دلمون می لرزید که واقعا چقدرش به ما برمی گرده و ما حق نداریم برخوردار این طوری بکنیم. بگیم شما فلانین، شما نقض کردین شما حالا همون فلانین، می شه گفت. خب خیلی چیزا هست می شه گفت، خودت هم می دونی. بعد ...

**حمید اشرف:** ... ضمنا من می خوام بگم که در این رابطه، امیدواری هامون تضعیف نشه.

**تقی شهبام:** ... نه، دلیل نداره تضعیف بشه، چون در هر حال ما الان به قول معروف باز هم با همیم، یعنی یه جلسه ندارین، دو تا جلسه نداریم الان دو سه سال داریم با هم کلنچار می ریم. ولی الآن باز هم اینجا نشستیم. ولی منظور من این که مسئله چیز، مسئله عمدتا می گم نمی شه نوشت و اینا، برای این که ما اصلا نرسیدیم که راجع به اون مسائل کار کنیم، ما اون دفعه هم راجع به همین انتقاداتی که به ما وارد بود و پیشنهاداتی که به شما می کردیم، می گم حتی وقتی شما هم برداشتید مثلا اون نامه رو نوشتید که شما هم نقض کردید فلان بهمان، خیلی روشن بگم برات، واقعا یک از رفقا گفت، نوشته بود که، برای رفقای دینی اش، گفته بود، رفقا چه دلیل داره ما سازش کنیم با این رفقا؟ چرا ما نباید به اصطلاح برخوردار کنیم، چرا ما نباید، مگه ما چی کم داریم مگه ما خودمون ایمان نداریم به نقطه نظرهامون؟ خلاصه خیلی برخوردار فلانی به صورت تندى کرده بود، که ما گفتیم که ما به این دلیل واقعا نمی تونیم حرف بزنیم به خودمون این اجازه رو نمی دیم جواب این ها رو همان طوری که اینا با ما برخوردار کردن بدیم برای این که ما به خودمون انتقاد داریم در اون برخوردهای

گذشته. حق مسئله رو ادا نکردیم، توضیح ندادیم، نگفتیم آقا ما گرایش مون چیه، ما مسائلمون چیه، ما چه چیزهایی از شما به قول معروف تو گل داریم و فکر می کنیم شما چی هستید، اینا رو نگفتیم و حالا هم طبیعی ممکنه بدونیم این مسئله رو تا یه حدودی که این ها بر اساس اون ذهنی گزایی ها ریشه و به ما یه چنین حرف هایی بزنن. بعد اینجا رفتیم هم مخصوصا، می گم هدف این بود. و حالا نمی دوم، چقدر برآورده می شه از این وسط. اون کار هم ادامه می دیم، راجع به ...

**حمید اشرف:** ... البته بگم این جلسه ...

**تقی شهرام:** ... ها.

**حمید اشرف:** ... جنبه های مثبتش خیلی زیاد بود ...

**تقی شهرام:** ... خب، انشاءالله!

**حمید اشرف:** ... که بیش از تمام جلساتی که ما داشتیم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به خاطر این هم هستش که یه مقدار مسائل باز شد.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... به شیوه بازش مطرح شد.

**تقی شهرام:** ... بله، خب کاری نیست دیگه می دونی اینا، در یه معیار عمومی اگر بخوایم بگیریم در مجموع ضعف های جنبش، یعنی گفتم معیار عمومی بخوایم بگیریم ضعف های جنبش، ضعف های همه مونه. چون تا حالا نتونستیم، هر کدام به دلایلی، ضعفهای فردی، ضعف های سازمانی، ضعف های گروهی همه این ها، که این چی های این قدر واقعا یه مقدار زیادیش پیش پا افتاده رو روشن بکنه. بعد پس به طور مشخص ما اگر چیزی نوشتیم، می فرستیم براتون. شاید همین نامه های رو بفرستیم با یه توضیحی منتشر کنید شاید. اگر هم

نفرستادیم، ندید ما می دیم رفقا بخوندند و این نامه ها هست و همه اش هم ما می دیم به شما. و بعد، بعدش هم مثل این که نیست داخل [خطاب به جواد قانیدی] و بعدش هم بدین بخون، خب جوابش هم می دیم دیگه، حالا تا ببینیم که دلیل به کجا می رسه؟ بعد راجع به ادامه این جلسات، دیگه ما حرفی نداریم ...  
**حمید اشرف:** ... فقط من می خواستم یه مسئله ای رو اینجا بگم در رابطه با این نامه ها ...  
**تقی شهرام:** ... اهوم.

**حمید اشرف:** ... و این هستش که، چون این نامه ها جنبه به اصطلاح نقطه نظرهای سیاسی و مسائل اصولی که ما داریم، نداره و برخورد با این نامه ها و تحلیل و تعبیر و این هاش یه مقدار جنبه تحریک کننده داره!<sup>۶</sup>

**تقی شهرام:** ... داره؟

**حمید اشرف:** ... آره من این طوری فکر می کنم، شما چی می خواین از تو این ها هدف بگیرید؟

**تقی شهرام:** ... ما می خوایم بگیم که شما موضع، یعنی حق مطلب رو ادا نکردین.

**حمید اشرف:** ... ادا نکردیم، مثلا در این رابطه؟

**تقی شهرام:** ... آره.

**حمید اشرف:** ... اون وقت این فکر نمی کنید اینا رو تحریک کنه رفقا رو؟

**تقی شهرام:** ... خب، اجبارا همه این اصلا ما، من فکر می کنم جدی می گم این ها، اصلا جریان بحث همین خواهد شد. یعنی اجبارا ...

---

۶ - در اینجا رفیق حمید اشرف موافق قرار دادن نامه های مبادله شده بین دو سازمان در بین اعضا نیست. وی پیشتر در نوار ۱۱، مشکلی در پخش کردن آن در بین اعضا نمی بیند، در این رابطه به زیر نویس ۵ از نوار ۱۱ مراجعه کنید.

**حمید اشرف:** ... آخه می دونی ما، قصد مون این نیست که این جور مسائل را اساسا طرح کنیم، ما این بود که سوال هایی در زمینه مسائل سیاسی ایدئولوژیک بیاریم، برخوردارن ...  
**تقی شهرام:** ... خب، آخه این سوال ...

**حمید اشرف:** ... به مسائل این طوری که ما این طوری گفتیم، شما اون طوری تعبیر کردین، بهتر بود این و می گفتین چرا این و گفتین؟ این جور چیزها ...

**تقی شهرام:** ... خب، این و نمی دیم! کلا!  
**حمید اشرف:** ... آها! خب، اگه، یعنی توضیح ...  
**تقی شهرام:** ... نمی گیم.

**حمید اشرف:** ... نه تنها در این مورد، یعنی همون جنبه هایی که به اصطلاح مسائلی، طرح مسائلی که جنبه پلیمیک پیدا می کرد و ما طبق اون ضوابط مون گفتیم که ...  
**تقی شهرام:** ... باشه ما ...

**حمید اشرف:** ... ما این مسائل رو طرح نمی کنیم ...  
**تقی شهرام:** ... ما اتفاقا می خواستیم این کار رو بکنیم، گفتم من رُک! برای این که ما گفتیم اولین چیزی که ما می خوایم برخوردار بکنیم، آقا اینا به حرف ما گوش ندادند. رفقا ببینید، ما این نامه ها رو نوشتیم، اینا عملا نادیده می گیرند و به ما هم به قول معروف متلک هم بارمون می کنند هیچی، مارکِ فلان هم می زنند بهمون!

**حمید اشرف:** ... حالا می گم، همین مسئله اینه که شما جنبه متلکی قضیه رو فراموشش بکنید.  
**تقی شهرام:** ... باشه.

**حمید اشرف:** ... بلکه یه جنبه های اصولی مسئله رو بپردازین ...

**تقی شهرام:** ... چشم!

**حمید اشرف:** ... و من توصیه می‌کنم شما به مقوله ای بنویسید در رابطه با این که ما می‌خواستیم به این شکل با مسئله برخورد کنیم و رفقا هم به این شکل می‌خواستند با مسئله برخورد کنند، همین. به همین صورت!

**تقی شهرام:** ... در رابطه با مسئله چی؟

**حمید اشرف:** ... در واقع ته نظر ما این بود راجع به حل این مسئله، برخورد با این مسئله و نظر رفقا این بود. حال این که چه اشکالی رفقا برخورد کردن و چه اشکالاتی داشت به نظر ما، نقاط ضعفش چی بود، که اونا این و گفتن ...

**تقی شهرام:** ... یعنی ما اصلا استنباط مون از نشریه هم به مقداری این بود ها، حالا تو به چیزی داری می‌گی من به خرده هم به قول معروف استنباطات ما، استنباط مون این بود که به هر حال باید وارد جریان مبارزه ایدئولوژیک بشیم و دل و به قول معروف هر چی شد بشیم!

**حمید اشرف:** ... ها، مبارزه ایدئولوژیک یعنی چی؟

**تقی شهرام:** ... یعنی مبارزه ایدئولوژیک به معنای همین شرکتی، الان ما به معنای فلسفیش به اون معنا قائل نیستیم که ما الان. فقط تو می‌خوای از ما بپرسی که مثلا آقا شما مثلا به فلان جریان مثلا، مثلا فلان اصل مثلا نمی‌دونم، تکامل اعتقاد دارید یا ندارید؟! به سوال ها. این مسئله از نظر ما نیست این در عرض مثلا یکی دو جلسه، مسئله ای رو ایجاد نمی‌کنه. ما به نظرمون این طوری اومد که این مسئله نشریه اجبارا در موضع، در جریان خودش می‌کشه به به بحث های ... تو اگر می‌خوای بری، نمی‌تونی بری [خطاب به جواد قانلی] ... به به جریانات ایدئولوژیکی خواهد کشید، دقت می‌کنی؟

**حمید اشرف:** ... بله.

**تقی شهرام:** ... که این جریان ایدئولوژیک اصلا بر می‌گرده



به جریان‌ات همین، مثلاً همین تحلیل این نامه که آخه که این نامه از کدوم موضع بلند می‌شه؟! چرا؟ همه این سوالاتی که الان من گفتم‌ها، بیاییم به‌طور روشن و صریح با آوردن نمونه‌ها و تفسیرش و ذکرش عنوان کنید و بدی مثلاً رفقای دو سازمان بخوندند. می‌گه این اولین چیزی که ما تونیم برخورد کنیم این تو همین جریان بود. مثال‌ها. ما این جوری فکر می‌کردیم، اگر تو واقعا این ابهاماتی که می‌گی تو تا این حدود، یعنی اینقدر در این سطوح مثلاً صرفاً سیاسی، مثلاً آقا مثلاً این چیه اون چی هست، همین بحث‌هایی که امروز کردیم و خب یه مقداریش هم من فکر می‌کنم توضیح دادیم، نمی‌دونم چقدر حالا قانع‌کننده بود؟ خب این هم من، من توجیه نیستم، یعنی من اصلاً نمی‌دونم شما سوالاتی دارید، چون واقعا ما سوالی نداریم، ما ممکنه انتقاداتی داشته باشیم ...

**حمید اشرف:** ... ببینید رفقا در عمل معلوم می‌شه، قضیه چی هستش ...

**تقی شهرام:** ... آها.

**حمید اشرف:** ... و ما هم علیرغم ظاهر خیلی خشن موندیم ببینید باطن موندیم چی هست؟! ...

**تقی شهرام:** ... خب، اشکال نداره، زیاد ظاهر خشنی هم ندارین [با خنده] آخه، قضیه اینجاست که ظاهر خشن داشتن، اصلاً خشنونت در مقابل دشمن چیز بدی نیست. در مقابل دوست که باید در واقع رعت داشت. این قضیه ما ...

**حمید اشرف:** ... نه اون هم در حقیقت عمل نشونش می‌ده و واقعیت‌ها که ...

**تقی شهرام:** ... باشه، بسیار خوب ...

**حمید اشرف:** ... ته مسئله چه هست!

**تقی شهرام:** ... بسیار خوب، به هر حال پس ما منتظر همین

جریانات نشریه هستیم. شما بگید، ما منتقلش می‌دیم به رفقا و جواب اون هم براتون می‌فرستیم. بعد جریانات اگر احیانا مسائل دیگه ضرورتی پیدا می‌کرد این جمع، دیگه ما خواستار جمع به اون معنا نخواهیم بود که به ما یه چیز دیگه هم برگردید بگید. یعنی اگر واقعا مسئله ضرورت داره، من فکر می‌کنم شما احتیاطا ضرورت رو تعیین کنید.

**حمید اشرف:** ... باشه، این کار رو هم ما می‌کنیم.

**تقی شهرام:** ... بله.

**حمید اشرف:** ... جلسه دیگه<sup>۷</sup> هم ...

**تقی شهرام:** ... ما می‌تونیم ببریم اگر ...

**حمید اشرف:** ... خیلی خوبه ...

**تقی شهرام:** ... به هر حال، اشکالی نداره. خب، بحث ما ...

**حمید اشرف:** ... از لحاظ ما هم اشکالی نداره ...

**تقی شهرام:** ... باشه.

**حمید اشرف:** ... که اگر چیزی هست؟!

---

۷ - متأسفانه پس از این دیگر جلسه مشترکی با رفیق شهید حمید اشرف روی نداد. دومین ملاقات مشترک بین رفقای رابط دو سازمان در احتمالاً، شهریور ۱۳۵۵ و پس از ضربات پلیسی به رفقای فدایی بود که به درخواست رفقای فدایی و بخاطر ضربات، به آینده موکول شد. در کتاب مسائل حاد جنبش ما در این باره آمده است: "به هر صورت مدتی بعد تماس با رفقای فدائی حاصل گشت. در این تماس ما با کمال حیرت مشاهده کردیم که رفقای جدید (رفقائی که در اولین جلسه ی مذاکرات حضوری بعد از ضربات این دوره شرکت داشتند) که از عناصر مرکزی رفقای فدائی به شمار می آمدند، تقریباً هیچ چیز از روابط و مذاکرات دو سازمان نمی دانند این رفقا حتی نوار مذاکرات دوازده ساعته ی ما بین دو سازمان را گوش نکرده بودند واز مضمون نامه های متبادله و بحث های بین رهبری دو سازمان هیچ اطلاعی نداشتند. این وضع البته خاص رفقای جدید نبود. (ص ۲۹) ... بعد از وصل ارتباط، در اولین جلسه که با حضور دو تن از عناصر مرکزی رفقای فدایی تشکیل شد، این رفقا، به دلیل شرایط اضطراری ناشی از این ضربات، خواستار محدود کردن بحث، صرفاً به مسائل و همکاری های تاکتیکی شدند. ما نیز طبیعتاً به دلیل وجود همان شرایط، فوراً موافقت خودمان را اعلام کردیم و بدین ترتیب طرح همه این قضایا تا فرصت مناسب دیگری به تعویق می افتاد." (ص ۲۴)

**تقی شهرام: ... نه!**

**حمید اشرف: ... یعنی هر کوچکترین به اصطلاح اشکالی هست ...**

**تقی شهرام: ... نه، نه از نظر ...**

**حمید اشرف: ... برای ما هیچ مسئله ای نیست.**

**تقی شهرام: ... نه از نظر مثلا یک، یه مورد مثلا جا، جاهای متوالی می شد، می شد یکی اینجا، یکی اونجا باشه، که از نظر امنیتی مثلا. حالا چیز های دیگه ...**

**حمید اشرف: ... باشه اصلا اون هم خوبه که مثلا یه در میون ...**

**تقی شهرام: ... یه در میونی باشه، پس احیانا مسئله خبر راجع به جهت بحث از طرف شما، راجع به مسئله اون نشریه، منتظر هستیم. اگر چیزی تنظیم کردیم، می فرستیم براتون ولی شما منتظر نباشید. راجع به مسئله این که اگر قرار شد نشست داشته باشیم، همدیگر رو ببینیم شما با رفقا صحبت کنید. من نظرم مثبت، دلیل مشخصی ندارم برآش بدم، فکر می کنم که مساعد تر باشه. عرضم به حضورتون که، همین، حرفی ندارم.**

**حمید اشرف: ... پس که لابد چیز می کنیم دیگه، تعطیل می کنیم دیگه ما هم؟**

**تقی شهرام: ... بله، تعطیلش می کنیم.**



## نوار گفتگوهای دو سازمان را رفقای فدایی هم داشتند ولی منتشر نکردند: رد یک اتهام

پیاده شده نوارهای سری اول از گفتگوها بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران به صورت یک کتاب در دست انتشار است.

گفتگوها در سال ۱۳۵۴ انجام شده و ما آنها را در سال ۱۳۸۹ به صورت دیجیتال پخش کردیم ۶ تا از این فایل ها را تشکل چریکهای فدائی خلق با مسئولیت رفقا اشرف دهقانی و فریبرز سنجری پیاده کرده و روی سایت خود گذاشته بودند. ما در اینجا متن پیاده شده آنها (ضمن تشکر) را مجددا چک کرده و ۶ فایل باقیمانده را نیز که پیاده نکرده بودند نوشته و تکمیل کرده ایم.

آنچه در اینجا یاد آوریش لازم است اینکه این نوارها پس از ضبط، در تهران، یک نسخه در اختیار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گذارده شد. به گمانم در سال ۱۳۵۶ یا زودتر نماینده سازمان چریکها، رفیق شهید محمد حرمتی پور در پاریس از من خواست نسخه دیگری از نوار گفتگوها را به او بدهم زیرا در نتیجه ضربات سال ۵۵ از بین رفته بود. بیاد دارم که در ایستگاه مترو، ک دو لا راپه (Quai de la Rapée) به وی دادم.

بار دیگر در سال ۱۳۶۱ که به تبعید آمدم رفیق حماد شیبانی از من خواست که نسخه دیگری از نوارها را به وی بدهم. از آنجا که من یک ضبط صوت بیشتر نداشتم، یک دستگاه ضبط دیگر با سیم رابط برآیم آورد. او در آن زمان نماینده سازمان اقلیت بود. یادم هست که غروب یک روز تابستان ۶۱ سر نبش خیابان ویکتور هوگو و میدان اتوال در حالی که با یکی دیگر از فعالین اقلیت، حبیب بن جلال که نماینده اقلیت در پاریس بود سر قرارم آمدند. نوارها را همراه با ضبط صوت شان به آنها دادم. از آن به بعد چند نفر دیگر

از جریان های انشعابی فدائی نسخه ای از نوارها را از من خواستند ولی من دیگر چنین وظیفه ای برای خود نمی شناختم که با زحمت باز سراغ نوارها بروم و نوار اورجینال را بدین ترتیب در معرض خرابی و پاره شدن قرار دهم بدون آنکه هیچ فایده ای بر این کار مترتب باشد و بنابراین درخواست آنها را رد کردم.

پس از پخش نوارها به صورت دیجیتالی، رفقا اشرف دهقانی و فریبرز سنجری این روایت را که در آن زمان هم گفته بودم و در اینجا تکرار کردم نادرست دانسته منکر آن شدند که من نسخه ای از نوارها را به رفیق حرمتی پور داده ام. این برخورد شایسته آن ها نبود و نیست.

اما داستان از این قرار بوده که نوارها در همان خانه ای بوده که رفقا حرمتی پور و اشرف دهقانی قبل از انقلاب در پاریس در آن به سر می برده اند. رفیق حیدر تبریزی یکی از کادرهای قدیمی سازمان چریکها در پایان همین یادداشت صریحا می نویسد که این نوارها را در همان زمان گوش کرده است.

باری پس از قیام، یکی از کادرهای سازمان فدائی که برای معالجه به پاریس آمده بوده تا آنجا که اطلاع دارم نسخه ای از نوارها را از همین خانه در پاریس به ایران می برد. رفقای فدائی در ایران هم در باره اش چیزی نمی گویند و پخش نمی کنند. سال ها بعد در پاریس از طریق همان رفیقی که برای معالجه آمده بوده این نوارها در اختیار برخی از روشنفکران ایرانی قرار می گیرد از جمله مورخی که نوارها را به لندن می فرستد تا در یک پژوهشکده تاریخ به امانت گذارده شود. این بود اطلاع ما از سر گذشت این نوارها که باعث انکار و اتهام به ما شده است.

در زیر نوشته رفیق حیدر تبریزی را می خوانید، با سپاس از وی که به دفاع از حقیقت پرداخته است.

تراب حق شناس

اردیبهشت ۱۳۹۳

## توضیح رفیق حیدر تبریزی

مدت کوتاهی پس از انتشار نوارهای گفتگوی درونی بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران توسط سایت انتشارات اندیشه و پیکار، در دیداری با دوست عزیزم تراب حق شناس، ایشان از من سوال کردند که آیا به خاطر می آورم که این نوارها را پیش از انقلاب بهمن در خارج از کشور ایشان به حرمتی پور داده اند، یا نه؟ پاسخ من مثبت بود و اضافه کردم که همان موقع چندین بار و به دقت آن نوارها را گوش کرده بودم و این نوارها به همراه بخشی از اسناد درونی سچفا در آپارتمانی در پاریس بود که هاشم (عباس هاشمی) در سال ۱۳۵۸ آن ها را به ایران آورد. ایشان [تراب] از من خواستند که این موضوع را علنا بیان کنم تا رفع شبهه شود. من قول دادم اگر فرصت مناسبی پیش بیاید این کار را بکنم ولی فرصت مناسبی دست نداد تا این که چند هفته پیش در دیداری، تراب حق شناس به من اطلاع داد که نوارها پیاده شده اند و به صورت مجموعه ای منتشر خواهند شد و دوباره از من خواستند در باره دادن نوارها به محمد حرمتی پور در این مجموعه توضیحی بدهم، که من هم ضمن تشکر و قدر دانی از این که، طی سال ها این نوارها را حفظ و نگهداری کرده و سپس منتشر نموده اند، پذیرفتم توضیحی در این باره بنویسم.

این نوارها در اسفند ماه سال ۱۳۵۴ ضبط شده اند. به دنبال ضربات بهار و تابستان سال ۱۳۵۵ رابطه بخش خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با داخل برای مدتی قطع گردید و ما در خارج از کشور از وجود چنین نوارهایی بی خبر بودیم. با انتشار بیرونی نشریه شماره ۲ ویژه بحث بین دو سازمان تحت عنوان "مسائل حاد جنبش ما" در خارج از کشور توسط سازمان

مجاهدین خلق ایران در اسفند ماه سال ۱۳۵۵، که در آن به این نوارها اشاره شده بود، ما پی به وجود این نوارها بردیم و از آن‌ها تقاضا کردیم که برای اطلاع از آخرین مذاکرات بین رهبری دو سازمان، نسخه‌ای از نوارها را در اختیار ما قرار دهند. که آن‌ها هم پذیرفتند و نسخه‌ای از نوارها را تراب حق شناس به محمد حرمتی پور داد. تاریخ دقیق دادن نوارها را به یاد نمی‌آورم ولی به احتمال قوی مدتی پس از انتشار نشریه "مسائل حاد جنبش ما" در خارج از کشور باید باشد. همان موقع رفقائی که در خارج بودیم این نوارها را گوش کردیم. این نوارها به همراه بخشی از اسناد درونی سچفا در آپارتمانی در پاریس بود که پس از بازگشت همه رفقای خارج به ایران این نوارها در همان جا باقی ماند. من گرچه کمترین تردیدی در این باره ندارم، برای اطمینان خاطر بیشتر از حماد شیبانی (محمود اخوان بیطرف) نیز سوال کردم. او هم تمامی آن‌چه را که من به خاطر می‌آورم به یاد می‌آورد و اضافه کرد که در سال ۱۳۶۱ هم تراب حق شناس نسخه دیگری از نوارها را در پاریس به وی داده است.

در سال ۱۳۵۸ هاشم به همراه لیلا (ویدا گلی آبکناری) که تازه ازدواج کرده بودند در سفری به مشهد تصادف سختی کردند و برای مداوا از طرف سازمان به پاریس فرستاده شدند و مدتی در پاریس اقامت داشتند. هنگام بازگشت به ایران هاشم دو سری نوار با خود به ایران آورد که یک سری از این نوارها، نوارهای بحث بین دوسازمان بود. من با وجود اطمینان از این موضوع باز هم از هاشم در این باره سوال کردم. او نیز به خاطر می‌آورد که نوارهای بحث بین دو سازمان را با خود به ایران آورده است. و اضافه کرد که از نوارها کپی تهیه نکرده و همان نسخه موجود در آن آپارتمان را با خود به ایران آورده و به من داده است. برخی از اعضای هیئت تحریر نشریه "کار" آن موقع نوارها را گوش کردند. من بعداً نوارها را به هادی (احمد غلامیان لنگرودی) دادم تا در جای مطمئنی



نگهداری شود که البته هادی هم خود قبل از انقلاب نوارها را گوش کرده بود. من از سرنوشت بعدی این نوارها اطلاعی پیدا نکرده ام.

۵ آوریل ۲۰۱۴

حیدر تبریزی

به متن فوق، رفقا اشرف دهقانی و فریبرز سنجری پاسخی داده اند که در نشانی زیر می توان یافت:

<http://www.ashrafdehghani.com/htm/pasokh-be-Torab-Haghshenaas.htm>



## فهرست انتشارات اندیشه و پیکار

(یا در همکاری با ناشران دیگر)

- ۱- رفرم یا انقلاب؟. ارژنگ رحیم زاده (آذر ۱۳۶۱-۱۹۸۲)
  - ۲- حماسه پیکارگران شهید در سپیده دم اعدام (دی ۱۳۶۱)
  - ۳- کمیته کردستان در افت و ... افت. (نوامبر ۱۹۸۴) (جزوه)
  - ۴- حمایت از انقلاب ملی فلسطین و حق تعیین سرنوشت و استقلال آن. (ژوئن ۱۹۸۵) (جزوه)
  - ۵- از آرمانی که می جوشد: یادداشتهای زندان محسن فاضل و لیست شهدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (۱۳۶۴-۱۹۸۵)
  - ۶- از بن بست آقای رجوی تا فداکاری آقای ابریشمچی: پوران بازرگان و تراب حق شناس (۱۳۶۴-۱۹۸۵)
  - ۷- بازنده، داستان دستگیری، شکنجه و تسلیم قاسم عابدینی (خرداد ۱۳۶۴-۱۹۸۴)
- [تا اینجا به نام هواداران سابق سازمان پیکار منتشر شده است]**
- ۸- سقوط بهای نفت و چشم انداز اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. (دی ۱۳۶۵) (جزوه)
  - ۹- گاهنامه اندیشه و پیکار، ۴ شماره (۱۳۶۶-۱۹۸۷) تا (۱۳۷۲-۱۹۹۳)
  - ۱۰- برگزیده ای از صد شماره نشریه محرمانه داخلی رژیم در هشت دفتر (اسنادی در افشای رژیم از زبان خودش) (از فروردین ۱۳۶۸ تا دی ۱۳۷۰)
  - ۱۱- از دلها و دست ها در جنگ و در صلح: مجموعه مصاحبه های بهرام قدیمی در السالوادور (۱۳۷۲-۱۹۹۴)
  - ۱۲- فلسفه و مارکسیسم: فلسفه، سیاست، ایدئولوژی و... اثر لویی آلتوسر، ترجمه ناصر اعتمادی. (خرداد ۱۳۷۴ - ۱۹۹۵)

- ۱۳ - همکاری در تهیه زیرنویس فارسی و انتشار DVD فیلم مستند "نویسندگان مرزها، سفری به فلسطین" اثر سمیر عبدالله و خوزه راینس، توسط "خانه هنر و ادبیات" گوتنبرگ (سوئد).
- ۱۴ - یادداشت های زندان محسن فاضل. ترجمه به آلمانی (۱۹۹۱)  
Aufzeichnungen aus dem Gefängnis, Mohsen Fasel
- ۱۵ - کنگره بین المللی مارکس: مارکسیسم پس از صد سال، کارنامه انتقادی و دورنمای آینده. به اهتمام و ویراستاری تراب حق شناس و حبیب ساعی. در سه جلد. جلد یک ۱۹۹۶ و جلد دو ۱۹۹۸ و جلد سه ۲۰۰۲. و یک سی دی حاوی هر سه جلد (۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸)
- ۱۶ - سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات: صادق جلال العظم، ترجمه تراب حق شناس (آذر ۱۳۷۸ - دسامبر ۱۹۹۹)
- ۱۷ - پس از مانهاتان: چهار روشنفکر مارکسیست و بحث در باره سوء قصدهای ۱۱ سپتامبر. میزگرد با شرکت سمیر امین، ایوینو، ایزابل مونال و ژرژ لاییکا، اداره کننده بحث رمی هره را (نوامبر ۲۰۰۱) (جزوه)
- ۱۸ - ابوجهاد از رهبران بزرگ انقلاب فلسطین و دوستدار انقلاب ما: احساس و خاطره ای از تراب حق شناس (آوریل ۱۹۸۸) (جزوه)
- ۱۹ - به مناسبت جلسه بحث حول بحران: جای خالی بحران (خرداد ۱۳۸۵) (جزوه)
- ۲۰ - مسئله زن در برخی مدونات چپ: از نهضت مشروطه تا عصر رضا خان. نوشته هما ناطق، برگرفته از ماهنامه "زمان نو شماره ۱" تایپ مجدد و تکثیر (مارس ۱۹۹۹) (۳۶ ص)
- ۲۱ - نبردی نابرابر، خاطرات ۷ سال زندان: نیما پرورش (۱۳۷۴-۱۹۹۶)
- ۲۲ - What Happened to Us in 1988? A Chapter of the Report on Seven Years Imprisonment in Iran. By Nima Parvareh, 1995
- ۲۳ - چند نگاه کوتاه به حوادث سیاسی ایران: جنگ جناح ها و گفتمان چپ و مقالاتی دیگر از تراب حق شناس (اگوست ۲۰۰۰) (جزوه)

- ۲۴- شکوه انتفاضه و تنهای يك ملت: ۲۰ مقاله در حمایت از آرمان فلسطین نوشته استادان و روشنفکران فرانسوی. گزینش و ویراستاری: تراب حق شناس و حبیب ساعی (بهمن ۱۳۷۹- فوریه ۲۰۰۱)
- ۲۵- حکایت‌های آنتونیوی پیر: معاون فرمانده شورشی مارکوس، ترجمه بهرام قدیمی (۱۳۷۹-۲۰۰۱)
- ۲۶- پس از مانهاتن، چهار روشنفکر مارکسیست و بحث در باره سوء قصد های ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱)
- ۲۷- آرشیو کامل نشریه پیکار، ارگان سازمان پیکار... (۱۵ سی دی) (۲۰۰۲-۱۳۸۰)
- ۲۸- با فلسطین در روزهای سختی: گفتارها و کردارهای چند. به کوشش تراب حق شناس. (فروردین ۱۳۸۱- آوریل ۲۰۰۲) (جزوه)
- ۲۹- کارل مارکس و بازگشت او، نمایشنامه تاریخی در يك پرده: هوارد زین، ترجمه تراب حق شناس و حبیب ساعی (چاپ اول بهمن ۱۳۸۳- فوریه ۲۰۰۵ - ویراست دوم ۱۳۸۷- ۲۰۰۹)
- ۳۰- در محاصره: محمود درویش، ترجمه تراب حق شناس. ناشر آلفابت ماکزیم (استکهلم) و خانه هنر و ادبیات گوتنبرگ (۱۳۸۵-۲۰۰۶)
- ۳۱- نویسندگان مرزها، سفری به فلسطین: فیلمی از سمیر عبدالله و خوزه راینس، زیرنویس فارسی: تراب حق شناس
- ۳۲- وضعیت زن در سنت و در تحول اسلام. نوشته منصور فهمی با مقدمه محمد حربی. ترجمه تراب حق شناس و حبیب ساعی. (آوریل ۲۰۰۷)
- ۳۳- در بزرگداشت پوران بازرگان (اوت ۲۰۰۷) (جزوه)
- ۳۴- لوئیز میشل، يك عمر سرشار از مبارزه: انجمن کمون پاریس ۱۸۷۱ (اسفند ۱۳۸۶- مارس ۲۰۰۸) (جزوه)
- ۳۵- آتش و کلام، تاریخچه ای از ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی: گلوریا مونیوز، ترجمه بهرام قدیمی (۱۳۸۹-۲۰۱۰)

- ۳۶- چهل مقاله از یهودی تباران ضداستعمار فلسطین با صدها امضاء. به اهتمام تراب حق شناس و حبیب ساعی، ناشر مجله آرش - پاریس (چاپ اول تیر ۱۳۸۹- ژوئیه ۲۰۱۰)
- ۳۷- فایل های صوتی: دور اول گفت وگوهای درونی بین دو سازمان چریک های فدایی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ (سپتامبر ۲۰۱۰)
- ۳۸- هشت فایل صوتی: گفت و گو بین سازمان مجاهدین خلق ایران و گروه منشعب از سازمان چریک های فدایی خلق ایران در تابستان (۱۳۵۶ - ۲۰۱۱)
- ۳۹- فایل های صوتی: دور دوم گفت وگوهای درونی بین دو سازمان چریک های فدایی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۶ (۲۰۱۱)
- ۴۰- دفترهای زندان. یادداشت ها و تأملات در زندان های جمهوری اسلامی ایران: محمد تقی شهرام (مرداد ۱۳۹۰- اوت ۲۰۱۱)
- ۴۱- پیکرها بر خاک، ایدهها بر پا - چند سخن از پوران بازرگان به مناسبت پنجمین سال درگذشت او (مارس ۲۰۱۲- اسفند ۱۳۹۰)
- ۴۲- تجربه فعالیت سیاسی در تشکل دانشجویان مبارز، و نگاهی به جنبش دانشجویی دهه ۱۳۵۰ : عباس زرنندی (۱۳۹۰- ۲۰۱۲)
- ۴۳- از گذشته تا آینده، مصاحبه ای با تراب حق شناس: یحیی- خالد (مهر ماه ۱۳۹۱ - نوامبر ۲۰۱۲)
- ۴۴- در محاصره (ویراست دوم): محمود درویش، ترجمه و صدای تراب حق شناس (اوت ۲۰۱۳)، همراه با یک سی دی
- ۴۵- در ایستگاه قطاری که از نقشه فرو افتاد - غسان کنفانی: ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی - محمود درویش: چند شعر و نوشته، ترجمه تراب حق شناس (اردیبهشت ۱۳۹۳ = مه ۲۰۱۴)



«اما راستی چرا اینقدر این نوارهای صوتی توجه کسانی را در خارج و داخل ایران به خود جلب کرد؟ چرا هیچیک از فیل‌هایی که جناح‌های مختلف «اپوزیسیون» برای جلب توجه مخاطبان، طی ۳۰ سال تبعید، به هوا کرده بودند اینقدر اهتمام (چه به ستایش و تحسین و چه به فحاشی و توهین) به همراه نیاورد؟ در واقع، کمتر کسی از مبارزان درگیر با رژیم‌های شاه و خمینی توانست در این باره بی‌طرف بماند...»

«اما آنچه از نظر من بسیار مهم است و تشنه‌های فراوان را به سوی این نوارها کشانده همانا جوهر مبارزاتی و رک بودن و جدیت و جسارت آنان در مبارزه طبقاتی و شور زندگی شرافتمندانه است. این روحیه است که مرا نیز به سوی خود می‌کشاند و در مقدمه نوارها، از جمله، به نگارش این دو سطر واداشته است: «با بزرگداشت و احترام به رفقای عزیز هر دو سازمان که از جایگاه و مقدرات خویش، به جان می‌کوشیدند در آن زمانه دشوار، سقف سیاه طبقاتی، تاریخی و فرهنگی آن روز ایران را بشکافند و طرحی نو در اندازند و حکایت همچنان باقی...»

تراب حق شناس

(آرش شماره ۱۰۵ اسفند ۱۳۸۹ - مارس ۲۰۱۱)